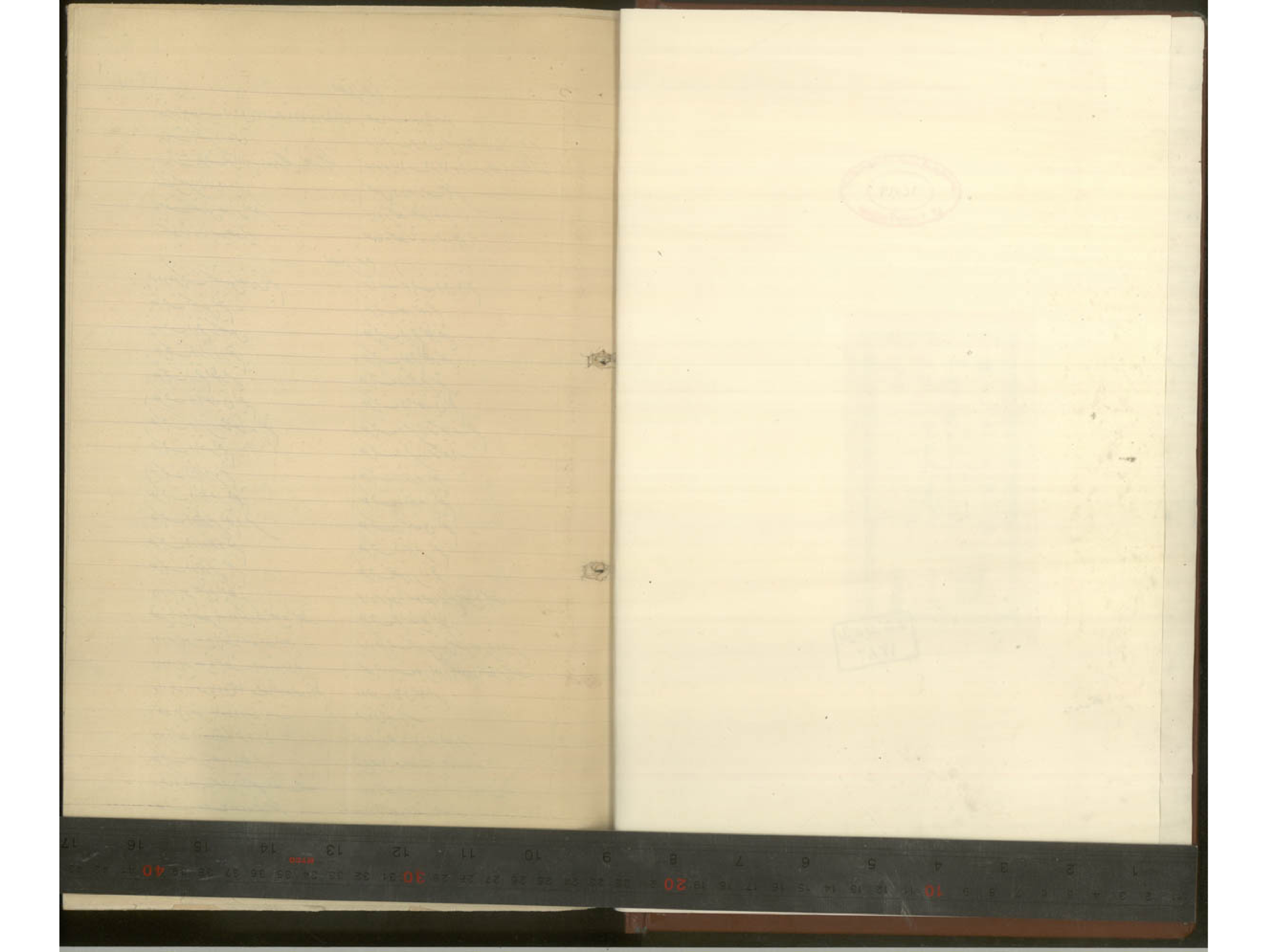


فصل دوم

فصل سوم

٣

فهرست جلد اول تاریخ انقلاب ایران

شرح مشکلات این تاریخ

مدخل

فصل اول

مآخذ یادداشتهای دیگر که در این تاریخ از آنها ذکر نقل شده است

تاریخ پیدایش مشروطیت بوسیله فخر روزنامه سیستم طهران (کتاب زرد القورکی) از آرشیو وزارت خارجه روسیه تزاری

کتاب سبز وزارت خارجه ایران — کتاب عهدنامه‌های وزارت خارجه ایران

کتاب آبی دولت انگلیس

کتاب اختناق ایران تألیف مستر شوستر خزانه‌دار ایران (امریکائی)

کتاب دیوان مرحوم فرصت الدوله شیرازی

کتاب انقلاب آذربایجان

کتاب دلیران تنگستانی

کتاب تاریخ جنگ بین‌الملل

کتاب تاریخ میرزا ابوالقاسم خان منشی مستخدم گمرک ایران چاپ نشده راجع بمیرزا طیب

رساله مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی به ناصرالدین شاه و شرح حال آن مرحوم و فاتش

اسناد تاریخی بوسیله اعتماد الاسلام بهبهانی

اقتباسی از جریده وطن منطبعه طهران

اقتباسی از جریده نوبهار منطبعه طهران

یادداشتهای تاریخی اشخاص که از آنها گرفته شده

یادداشتهای مرحوم سید زین‌العابدین خان (احتشام الملک) میرجهانگیر

یادداشتهای سرتیپ ... راجع بجنگ ... قوام الملک و غیره در اصفهان

یادداشتهای امیر ... راجع بشورش ... توقیف ... در زندان ... و دیگر ...

یادداشتهای سهمی راجع باتفاقات کرمان و تبعید آزادیخواهان آنجا

یادداشتهای شخصی مؤلف

از مطالعات و کتابچه‌های مختلفه

شرح حال مرحوم شیخ محمد خیابانی از کتابچه که در بدایت ... جمعیت قیامیون

نقل از مجله ... مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی

وقایع هشت روزه ... در طهران (کتابچه ... مرحوم ... الدوله)

کتابچه مرحوم ... راجع ...

وقایع جنگ بین‌الملل ... مرحوم رضا قلیخان نظام السلطنه و مکتوبات ...

نقل مراسلات سیاسی ایران

اسامی وکلای پارلمان ... که وضع کرده‌اند در ... سال ۱۲۹۹

اوراق تاریخی منتشره در این مدت

خاطرات کلنل محمد تقی خان ...

از نامه و شبنامه‌های آزادی‌طلب رشتی [illegible] جمهوری

اقدامات رشتیان از نامه و شبنامه‌ها که منتشر از آزادیخواهان

رشتیان که از آزادی در قدیم نوشته منتظر گردیده بود

در ماه تیر ۱۳۲۴ از طهران خبر رسید که اقدامات مشروطه‌طلبی در گیلان شروع شده عده‌ای از آزادیخواهان که آزادی‌طلب رشتی [illegible] رئیس آنها در ... شبنامه منتشر کنند و افکار مشروطه‌خواهی بیشتر به اهالی در مجامع و مساجد ... نموده و نشر بیم ادارات ... بنام مرکز شده بود و در توجه لزوم حکومت مشروطه ... استبداد ... گردد.

بعضی از رشتیان و اهالی صنف بقال ده از ... در ... جمع و حکومت اجتماع ... آزادی‌طلب ... متفق ... از طرف هر صنفی نماینده‌ای ... در هر طبقه ... که ... آزادیخواهان ... بعضی ... از طبقات ... خصوصی این مجمع را ... بعضی ... شدند.

چنانچه قبلاً نقل شده بود که ... از طهران خبر رسید که اجتماعات ... طهران ... اهالی ... از ... حرکت ... جمعیت ... از هر طبقه ... که در شمال غربی شهر ... اجتماع کردند.

از طرف بعضی ملاها ... ملک ... بعضی حکومت که ... ملک ... آزادی‌طلب ... ملک ... اجتماع ... آزادی‌طلب ... ملاها را ... شکایت ... از طبقات مختلف ... آن جا ... جمع ... جمعیت کثیری ... شدند.

در این بین اهالی ... طهران ... مشروطه ... عوام جمعیت ... ملک ... آزادی ... مشروطه ... از ... حد ... که با طبیعت آزادی ... عوام ... مشروطه ... از ... که ... آزادی ... کردیم ... داده است.

در این حال ... بعضی از رشتیان ... که ... از طرف اهالی ... بعضی ملاها ... شده در ... از طرف بعضی ... ملک ... در ... که ... مشروطه ... آزادی ... از آزادیخواهان و آزادی‌طلب ... ملاها ... کار ... شکایت ... کردند.

... ملاها ... شروع ... ملاها ... جمعیت ... در ... که ... ملاها ... اجتماع ... نموده ... که ... حاکم ... شد ... آزادی‌طلب ... از طهران ... دارد ... ملاها ... حاکم ... شکایت ... کردند.

در این اوقات خبر رسید ... از طرف ... حضرت ... الدوله ... از ... طهران ... گردیده ... حکومت ... حاکم ... رفتند.

... حکومت ... مشروطه‌خواهان ... از ... ملاها ... قرار داشت.

اول سال ... رسید ... مردم ... دیده شد ... حاکم ... از حاکم ... از طرف ... حاکم ... اهالی ... گردیدند.

در دارالخلافه یک دیوار بس بازار سر ترقه و بازار دیگر بحکم ملا قربانعلی اهالی زنجان بر امیر الحکومه اموال حاکم را غارت کرده خود شیخ ابراهیم مجروح
گردید که در اثر آن ضربات بفاصله کمی فوت کرد نفر دیگر رسیده حاکم دیگری منصوب گردید -

سه نفر دیگر با ملات طبقاتی [illegible] - صادق - [illegible] تبریز ... [illegible] ... اعلام گردید اطراف
آن شیخ ابراهیم ... را انتخاب کرده از طرف ... هم رسید [illegible] از طرف ... نفس ... دیر
بعد از یک ... از ... رسید از طرف ... شاه ... رسیده عده از ... حوالی آن گرفتار عده ... مصدوب ... عده هم
فرار کرده اند -

حاکم زنجان هم که در آن وقت امیر السلطنه ... بود ... حاکم دیگری ... زنجان دارد ... حوالی آن در
بود ... که آن ... خواهند کرد -

بعضی از ... حوالی آن ... نزد ملا قربانعلی ... اسلطنه ... حرفهای طراحی
ملا را ... طرف آن ملا قربانعلی ... و غیره ... مکرر فید -

در این بین ... اسلطنه ... اطلاع ... کرده ... تحقیق ... توسط
از ... رسیده ... حوالی آن ... سلوک ... اسلطنه ...
حواله خود ... حاکم ... کرده ... که ...
سا ... توسط ... حواله ... رسیده اند -

... حاکم ... اسلطنه ... بعضی ... سلطنه ...
... خود ... حاکم ... تا ... میشد ...
آزاد میکنند -

... از طرف ... سیلاب ... اسلطنه ... ماموریت ...
... خود ... فوج ... نظام ...
... حکومت ... کار ... میکنند -

... اسلطنه ... (... اعظم) ...
... اسلطنه ... اعظم ...
...
... را ... شدند -

... حاکم زنجان هم در آن وقت
... زنجان ... حکومت ...
حوالی آن ... که ... کرده ... نوشتند که :
خبر رسید ... از ... طرف ... کرده اند -
... ملا قربانعلی ... اسلطنه ...
از ... ملا قربانعلی ...
... ملا قربانعلی ...
... مختلف قرار
... اسلطنه ... ملا قربانعلی ... را
... کرده ... شدند -

حالیه سعدالدوله [illegible] سفیرهای انگلیس و روس هم اینها را راضی کنند که محمدعلی میرزا و سپهدار گفته سعدالدوله را تحت نظر بگیرید و طرفداران ملت از اینها
بیا حمله کنند سعدالدوله گفته بود به اینها در نظر طرفداران ملت صرف سلام.
در این بین یکمرتبه صدای تیر از ملت‌خواه بلند می‌شود سرباز ... حمله می‌کنند مجلس را سر مجاهدین از قزل سعدالدوله ... مجاهدین را محصور ... چند نفر را
سفیر ... عظیم زاده با ... دیگر سردار ... قزل ... اینها را ... کرده ... رسیدند ... اینها را هم طرفداران
ملت ... عظیم زاده را در ... می‌کنند ... شهر قرار ... کرده ... رسانیدند.
[illegible] سردار ... مطلب ... خبر کرده بود که ... محقق شده ...
[illegible] رفته ... فرستاده ... شهر ... طهران ...
سر رسید ... وصف ... کرده بودند.
در این وقت ... (فاتح سردار اسعد بختیاری) حضور ... نقل می‌کرد که در ... مجاهدین ...
[illegible] ... رسید ... آقا ... الله ...
کرده ... مجاهدین ... سعدالدوله ... .
[illegible] ... سعدالدوله ... حضور ... رسید ...
[illegible] ... سؤال ... فتح شده ... فتح کرده ...
شده ... مجاهدین ... فتح کرده ...
[illegible] ...
[illegible] ... سردار ...
[illegible] ... شهر ...
[illegible] ... کرده ...
خواهند کرد.
[illegible] ... سردار اسعد بختیاری ...
[illegible] ...
[illegible] ...
[illegible] ... قرار کرده.
[illegible] ... سید علی مجتهد ... سردارها ...
[illegible] ... کرده بودند.
[illegible] ... سید علی مجتهد ...
[illegible] ...
[illegible] ...
[illegible] ... بودم.
سردارها در ... سردارها ...
[illegible] ...
[illegible] ...
[illegible] ...
[illegible] ... سردارها ...
[illegible] سردارها ... می‌کردند ؟!

با اللهیار [illegible] بعد قرباغی [illegible] را به شهر آورده در دارالحکومه سلطان [illegible] فرستادند در دستور [illegible] بود که از آقا شیخ [illegible] سرتیپ [illegible] در [illegible]
مکان آن [illegible] شدند -

در جنب دستور [illegible] انجمن ولایتی که عده ای [illegible] بود در انتخاب [illegible] شدند [illegible]

آقا میرزا عبدالرحیم مجتهد زنجانی - حاج میرزا ابوالمعالی - حاج [illegible] - حاج ملا حسین - حاج محمد باقر - ملا [illegible] - حاج سید [illegible]
(حاج میرزا ابوالمعالی - حاج محمد باقر - حاج ملا حسین - حاج [illegible])

[illegible] مشروطه خواه و [illegible] مشروطه [illegible] تعهده [illegible]
[illegible] مشروطه خواهان [illegible] در انتخاب [illegible]
[illegible] -

[illegible] مشروطه خواهان [illegible] انتخاب [illegible] میرزا [illegible]
[illegible] اطراف [illegible] مشروطه خواه [illegible]
قصه چنین است -

داستان حمله داراب میرزا به شهر زنجان

داراب میرزا که یکی از شاهزاده‌های [illegible] قزاق روسی [illegible] قنسول روس [illegible]
[illegible] اطراف زنجان [illegible] داراب میرزا [illegible] -
[illegible] مشروطه خواهان [illegible] دارالحکومه [illegible]
[illegible] داراب میرزا [illegible]
[illegible] داراب میرزا [illegible]
[illegible] مشروطه خواهان [illegible] عمارت حکومتی [illegible]
[illegible]

فردای آن روز [illegible] مشروطه خواه [illegible] داراب میرزا [illegible]
[illegible] (قنسول روس [illegible] داراب میرزا [illegible])
[illegible] داراب میرزا [illegible] -
[illegible] -

[illegible] قنسول روس [illegible] قزاق [illegible] داراب میرزا [illegible]
[illegible] زنجان [illegible]
[illegible] مشروطه خواهان [illegible]
[illegible] زنجان [illegible]
[illegible] داراب میرزا [illegible] قنسول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] -

قنسول [illegible] مشروطه خواهان [illegible]
[illegible] -
[illegible] -

بعد کشف شد تمام این نقشه زیر نظرات [illegible] جهانشاهی قبلاً فراهم شده و در ارائه این سرای [illegible] زنان رقیه با [illegible]
ستارالدین جمع کرده با [illegible] قزاق اتو تجمیع خودش [illegible] حمله نموده [illegible] و دیگر [illegible] که نمود [illegible] فرد دیگر .
از این نقشه [illegible] تصرف شود .

تفصیله کمی [illegible] حمله مجروح سر را [illegible] برادرش سالارالدوله از [illegible] نمود الوقت [illegible] حمله [illegible] داراالحکومه
قزلباش ۳۴ سکر در چهار طرف شهر [illegible] در ذخیره [illegible] نقشه [illegible] شنیدم [illegible] مسئول [illegible] دفاع نمودند .
[illegible] از طرف [illegible] شهر [illegible] سالارالدوله [illegible] جهانشاهی
[illegible] الدوله [illegible] عده [illegible] از [illegible] خودش
[illegible] شهر [illegible] از طرف آزادیخواهان [illegible] جهانشاهی [illegible] دیگر [illegible] ایشان را
[illegible] سالار [illegible] جهانشاهی [illegible] آزادیخواهان را [illegible]
[illegible] خدمت [illegible] .

[illegible] که [illegible] آزادیخواهان [illegible] جهانشاهی [illegible]
جهانشاهی [illegible] در [illegible] آزادیخواهان [illegible]
[illegible] آزادیخواهان [illegible] الدوله [illegible]
[illegible] که [illegible] کرده رفتند .

بعد [illegible] که [illegible] حکمران [illegible] رفتند [illegible] جهانشاهی
[illegible] آزادیخواهان [illegible]
[illegible] جهانشاهی [illegible] داده .
[illegible] حکمران [illegible] که کار [illegible] الدوله [illegible] حکمران
[illegible] جهانشاهی [illegible] دارد
[illegible] .

آزادیخواهان [illegible] کرده [illegible] « بالیقوت » [illegible] کرده
[illegible] که [illegible]
[illegible] .

[illegible] کدام [illegible] کدام [illegible]
[illegible] را
[illegible] « [illegible] » [illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible] آزادیخواهان [illegible]
[illegible] .

آزادیخواهان [illegible] حکومت [illegible] را
[illegible] فراهم نمود .
[illegible] حکمران [illegible] ([illegible]) [illegible] حکمران [illegible]
[illegible] حکمران [illegible]
[illegible] حکمران [illegible]
[illegible] حکمران [illegible] آگاه باشند .

حضرات از این تغییر خود راضی [illegible] سلطنت با کمال تندی و بدخوئی [illegible] [illegible] شاه مرده [illegible] خود [illegible] حکمران فرار میکنند تا سلطنت را
دستگیر کنند پس [illegible] سلطنت با تغییر راه خارج [illegible] خود از حضور که از بزرگان حاکم بود [illegible] تغییر میکنند و از این حیث [illegible]
مسعود [illegible] مشغول [illegible] همه از [illegible] حکومت [illegible] رسیده [illegible] حکمران [illegible] طرف دارالحکومه حرکت کرده اند
پس راه به سلطنت رسیده [illegible] میکردند مشغول کار میشوند .
حکمران چند نفر از ملازم برای دستگیری سلطنت مشغول شدند با اینکه [illegible] سرداران [illegible] میگویند [illegible]
خودش [illegible] چهار [illegible] خبر رسید که [illegible] خود را از [illegible] مردم [illegible] مشهور حکومت [illegible] صلاح نکرد .
به [illegible] اقدامات سلطنت در [illegible] حکم [illegible] اصفهان [illegible] نظمیه از شهر با کمال [illegible] خارج
میکنند [illegible] تیر [illegible] کالسکه [illegible] کرده یازده روز [illegible] بواسطه [illegible]
در راه بود [illegible] کرده [illegible] حکومت [illegible] داده میکردند .
از فردای [illegible] صاحب منصب [illegible] مأمور میشود [illegible] دارد [illegible] جاره
[illegible] آزاد میشوند .

بعد از قرائت در محوطه مشرق‌الاذکار صدای زنده باد شاهنشاه پاینده باد ملت [illegible] جواهر [illegible] مجلس نورانی دیده شد چون لیره صدا
موزیک جشن و طاقنماها [illegible] دیگر رسید تمام حضرات با صدای بلند صدای زنده باد [illegible] زنده باد قانون مجلس [illegible] چراغانی شد
در دو ساعت بعد از ظهر [illegible] اعلیحضرت اعظم [illegible] در محوطه مشرق‌الاذکار [illegible] صدای توپ در [illegible] بلند [illegible]
فتح [illegible] موزیک [illegible] علمای [illegible] استعمال کار بردند
در صبح شاگردان مدارس [illegible] با بیرقهای مخصوص [illegible] خطابه‌ها خواندند زنده باد [illegible] گفتند در تمام [illegible]
[illegible] با الوان مختلف جاری بود موزیک [illegible]
علمای روحانی [illegible] نشسته بودند [illegible] حرکت کردند [illegible] حضور [illegible] کننده شد
[illegible] عمارت [illegible] رفتند مردم [illegible] مشغول [illegible] شدند مردم [illegible] طاقنماها [illegible]
نموده حرکت می‌کردند
[illegible] جشن [illegible] مردم [illegible] شدند [illegible] صبح [illegible] جشن
[illegible] جشن برقرار بود
[illegible] در تمام [illegible] ایران [illegible] جشن برقرار بوده است
[illegible] جشن [illegible]
[illegible] شد [illegible] کننده شد [illegible]
[illegible] مختلف [illegible] شاگردان مدارس [illegible]
[illegible] خواندند زنده باد گفتند
[illegible] ساعت [illegible] بودند [illegible] حرکت کردند [illegible] کننده شد [illegible] بود در
حقیقت جشن [illegible] که نظیر آن دیده نشده

سفارت انگلیس هم بیرق زده بود در شب‌ها با انوار عظمی و سردر عمارت ظل‌السلطان را با کمال شکوه آذین بسته چراغانی نموده بیرق‌ها زیر سردر گذارده
در مردم پذیرائی می‌کردند

در حقیقت این محوطه زرین عمارت مسعودیه در شب‌ها ظل‌السلطان که قریب سه هزار نفر مردم را بهشت ارگ نشان و چراغان کرده بود [illegible]
دو اعیان [illegible] یک کانون نور و روشنائی ایران بود

اما طاقنماهای بیرون ارگ هر یک با اسم یک انجمن نوشته شده و علاوه در هر یک از طاقنماها چندین انجمن دیگر شرکت داشتند و گاهی از ارکان
و اعیان شهر در این طاقنماها شرکت داشتند در تمام این طاقنماها شیرینی و شربت و چای برای عموم وارد و خارج بود با کمال محبت و مهربانی از
تمام وارد و خارج پذیرائی به عمل می‌آمد

جلو تمام این طاقنماها هر یک [illegible] رسم کشیده بودند فانوس‌های الوان رنگارنگ آویخته بودند در جلوی ایوان را آراسته بودند که جمع بزرگ
در تمامی طاقنماها جمع زده شده بود

در وسط محوطه بهارستان هم رسم کشیده بودند [illegible] ایران و الوان زده لوح‌ها زینت داده و [illegible] نصب کرده بودند
[illegible] در یک [illegible] شده بود

جلوی سردر مجلس و جلوی طاق نصرت [illegible] آتش‌بازی‌های نوظهور الوان تهیه شده بود علاوه بر این جلوی مجلس در تهران هم
چراغانی است سردر [illegible] اجلاس سه چراغ چراغانی است در سر [illegible] چراغانی بود در عمارت [illegible] را [illegible] کرده بودند
سردر [illegible] چراغانی بود سردار منصور در چراغانی [illegible] و [illegible] هم اهتمام کرده بود

عروسی روز جمعه ۱۴ جمادی الاولی که شب ۱۵ است تمام اهالی در این مکان مشغول سیر و گشت بودند با این جمعیت در اینجا بود
که راه عبور و حرکت تماشا دشوار بود زیرا که [illegible] گردش و [illegible] از جلو طاقنماها بود و وسط [illegible] آتش‌بازی و [illegible]
و [illegible] را عبور برای [illegible] بود

سردر مجلس فقط برای جلوس سید [illegible] آقا سید محمد و آقا سید عبدالله [illegible] و [illegible] و مهمانان
وارد و تماشا می‌شدند [illegible] حضور [illegible] بزرگ جلو مجلس وارد [illegible] بود

[illegible] در این [illegible] بود که [illegible] در [illegible] سردر [illegible] که [illegible] معلوم بود [illegible] وارد [illegible]
[illegible] وارد [illegible] سردر مجلس شد [illegible] با [illegible] وارد [illegible]
[illegible] صدای [illegible] در [illegible] صادر کردید [illegible] مشغول کار شد [illegible] صدای [illegible]
[illegible] شد [illegible] وارد شد در حضور [illegible] وارد [illegible]
در حضور [illegible] شرائط احترامات معموله که مرسوم [illegible] است به جا آوردند نشستند در [illegible] از طرف [illegible] حضرت
وارد شد [illegible] بیان کردند که [illegible] حضرت [illegible] که [illegible] تمثال خودشان را فرستادند و [illegible] دستخط که حاکی [illegible]
و [illegible] صدور [illegible] دستخط همایونی است

در [illegible] احترام تمثال همایونی [illegible] دستخط [illegible] کردند تمثال را با کمال احترام گرفته [illegible] در
[illegible] نصب کردند [illegible] دستخط را قرائت کردند

سواد دستخط همایونی

جناب اشرف اتابک اعظم در این موقع که ملت شاهنشاه ایران [illegible] اعطای [illegible] (کنستیتوسیون) که از عطایای
[illegible] ما [illegible] شده [illegible] ایران [illegible] دولت [illegible] را [illegible]
[illegible] جناب اشرف [illegible] که [illegible] مقدس [illegible]
[illegible] جناب اشرف [illegible] ملت [illegible]
[illegible] عظمت [illegible]
[illegible] که در این سال [illegible]
[illegible] ۱۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۵

C 19

جشن سال اول مشروطیت ایران

چون سال اول مشروطیت بپایان رسیده بود ملت ایران میخواهند تشریفاتی در جلوی سر در عمارت بهارستان که مجلس شورای ملی است
جشن بگیرند چهارده روز باول سال مانده . از خیابان لاله‌زار و چراغ گاز و سایر طبقات مشغول فراهم آوردن اسباب چراغانی هستند تمام طبقات
در جلوی مجلس صاحب طاق نصرت مخصوص میسازند حتی آرایشی و تزئینات هر طبقه در جشن چراغان جلوی مجلس مجلس را مشغول کرده
مشغول چوب بندی و نصب طاقها هستند

شب ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵ ق که روز اول جشن است رسید در این روز مجلس ایران افتتاح شده همه اهالی از مجلس ملی ایران که
مشروطیت برقرار گشته در این جشن ها قرار دادند مهمانی سفرا و کوششها را سپرده دادند و تمام ترتیبات را تحمل کردند در فضای جلوی عمارت مجلس
در دو طرف طاق بندی با تخته و چوب بسته بودند و دیوارها با پارچه سیاه لاک پوشیده و طاق نصرت مفصلی ساخته بودند هر یک از این طاقها
شغلی مخصوص است تو از یکدیگر شرح داده میشود

الله سر در عمارت مجلس یک طاق نمای خیلی مفصل بزرگ ترتیب داده بودند که بر تمام طاقها از حیث بزرگی برتری داشت این طاقنما بصورت راهرو
چوبها و دیوارها داشت که تمام سقف دیوار با طاقنماهای چوبی را با طاقه‌ها و پارچه‌های کشمیری و پارچه‌های قیمتی آراسته بودند و تمام سقف با چهل چراغهای ساخته
چهل چراغ آویخته بودند تمام این طاقنماها در نور شعاع آن منوّر از چراغ و لامپ چراغ بود

در جلوی این طاقنماها ایوانی از چوب ساخته بودند و در وسط ایوان یک سر ستون بزرگ قرار داده بودند و در این ستون ... حجره ...
و اطراف این سر ستونها صندلیها گذاشته که برای مدعوین حاضر و در جلو نشستند تماشا میکردند از ... دارند بودند
اما سایر طاقنماها که اصناف از طرف خود ساخته بودند شرح میشود (از راست)

١ طاقنمای اول که متصل به طاقنمای بزرگ سر درب مجلس بود متعلق بمنوچهرخان است که مشهور باَنجمن استادیه شیخ الملک است
~~طرف چپ~~

	طرف راست				
٢	انجمن خوی ایران	١	انجمن آذربایجان که متصل است بطاق کبیر	٢١	انجمن برادران
٣	انجمن صرافان	٢	انجمن دانشمندان	٢٢	انجمن اتحادیه جماعت طلاب
٤	انجمن فرامان	٣	مدرسه دارالفنون	٢٣	انجمن اتحادیه حسینی
٥	انجمن خیاطان	٤	مدرسه مظفری	٢٤	انجمن مطبوعات
٦	انجمن آرایشی شعبه ایران	٥	انجمن مهدیه	٢٥	انجمن اتحادیه فردوسی
٧	انجمن صحافی	٦	انجمن خیریه محمدیه	٢٦	انجمن اتفاق دروازه قزوین
٨	انجمن سعادت دروازه قزوین	٧	انجمن صاحب منصبان		
٩	انجمن برادران دروازه قزوین	٨	انجمن ورقانه		
١٠	اداره روزنامه مجلس نوزا	٩	انجمن شمالی		
١١	انجمن مردان حرام	١٠	انجمن اشراف		
١٢	انجمن سعادت شهر نو	١١	انجمن محرر بهارستان		
١٣	انجمن کردش	١٢	انجمن معماران		
١٤	انجمن مسجد بازار	١٣	انجمن فتحیه		
١٥	انجمن برادران سنگلج	١٤	انجمن سادات		
١٦	انجمن مدرسه قدمت	١٥	انجمن اتحادیه عرس		
١٧	انجمن کوچه غریبان	١٦	انجمن عراق عجم		
١٨	انجمن فسکر قولاق	١٧	انجمن فاطمیه		
١٩	انجمن شعبه لطانقه عقبه اسلامی طهران	١٨	انجمن اتحادیه برادران مرتضیه		
		١٩	انجمن اتحادیه سعادت		
		٢٠	انجمن آذربایجان		

طاق نصرت روبروی سر در مجلس شورای ملی
سیاح محمد تقی معروف به تکدار است

اندکی از این فضای بسیط با غنی تر ... ۳ انجمن بود
از قبیل انجمن آذربایجان و انجمن مظفری و در طرف
دیگر انجمن شاه لار و غیره که تمام را الطوار حسن
با شکوه طاق بندی و تزئین کرده بودند

مأموریت فرمانفرما در بلوچستان

قبلاً شرح دادیم که پس از دو دفعه وزیر عدلیه و ملک التجار و رفیق وزیر تجارت [illegible] بعد از [illegible] گفتگوی مشاورین در مأموریت فرمانفرما در بلوچستان بود که [illegible] آن نقطه را [illegible] جمعی از وکلا [illegible] موافقت نکردند

خوب در این اوقات در انجمن اشراف صحبت از [illegible] بلوچستان کامران میرزا در مسافرت بود دلیل مأموریت فرمانفرما را [illegible] بلوچستان تصور می‌کردند [illegible] مأموریت کامران میرزا شده میل داراده اعلیحضرت که میل دارند [illegible] شرط خواه در طهران بمانند یا که فرمانفرما خود را در بلوچستان [illegible] داده بود [illegible] در بلوچستان بود که دفعه ملک التجار [illegible] برای [illegible] روسی برود [illegible] وقوع این حادثه هم از طرف [illegible] بعد از [illegible] فرمانفرما در عدلیه [illegible] بود در مجلس شرح را دادند که فرمانفرما برای رفع [illegible] از بلوچستان مأموریت [illegible] زیرا که [illegible] سرحدی و [illegible] عثمانی [illegible] بود [illegible] تصرف خاک ایران از شهرها و دهات جمع [illegible] بود

بعد از شنیدن مسافرت روزی به مجلس آمد گفت [illegible] مسافرت از آذربایجان دارم حالا مرخصی می‌خواهم شما [illegible] وکلای مجلس [illegible] از [illegible] فرمانفرما را در [illegible] فرمانفرما در مقام اظهار مأموریت برآمد گفت [illegible] ایرانی و برادران [illegible] خود کنم [illegible] همان روز [illegible] بلوچستان و نقطه مأموریت خود رهسپار گردید

نصرالدوله پسر قوام الملک شیرازی

در این جلسات [illegible] شده که نصرالدوله [illegible] مدرسه‌ای در طهران که هر کسی [illegible] دارد [illegible] عریضه هم [illegible] به مجلس تقدیم نموده که در [illegible] اوراق [illegible] حاضر کنند [illegible] برقرار دارد

پسر قوام الملک مدتی در طهران ماند [illegible] با تمام طبقات [illegible] بعد از چند ماه عریضه [illegible] در صورتیکه [illegible] مرخص نماید [illegible] عریضه را مجلس [illegible] جواب [illegible] عریضه [illegible] با جواب مساعد باشد بعد از چندی عریضه حضور اعلیحضرت [illegible] عرض کرد [illegible] در طهران [illegible] شده‌ام [illegible] گفتگو [illegible] مجلس [illegible] در صورتیکه [illegible] مرخص فرمایند [illegible] نصرالدوله [illegible] عریضه را مجلس [illegible] گفتگو [illegible] داده شد [illegible] نصرالدوله آقای آقا میرزا سید عبدالله مجتهد [illegible] اظهار [illegible] دستور دادند [illegible] کرده بروند [illegible] مرخص کرد [illegible] مرخص کرد [illegible] مرخص کردن [illegible] خبردار شدند که از [illegible]

[illegible] در سال چهار دیوار طهران [illegible] نصرالدوله [illegible] کرده باشند [illegible] رحیمخان قراجه داغی [illegible] پسر قوام [illegible] نماید [illegible]

حبس رحیمخان قراجه داغی

شرح حبس و [illegible] کردن رحیمخان را مذکور داشتیم [illegible] چهار ماه است در زنجیر حبس است [illegible] حضور در [illegible] عریضه [illegible] آقا میرزا سید محمد طباطبائی [illegible]

[illegible] رحیمخان [illegible] طرف [illegible] ماند [illegible] در زنجیر [illegible] حبس [illegible] و [illegible] برای [illegible] دارند [illegible] آقا [illegible] محمد طباطبائی عریضه [illegible] مجلس [illegible] حضور [illegible] وکلا [illegible] مجلس [illegible] اجرا [illegible] بود [illegible] عدلیه [illegible] چندی [illegible] عریضه [illegible] عدلیه [illegible] در مجلس قرائت کردند [illegible] عدلیه [illegible] رحیمخان [illegible] عدلیه [illegible]

۳۱۷ روزنامه را لازم دید که در حضور طبع یک روزنامه را لازم دید که در حضرت ... حوزه را اکبر نقشهای ... از مطالب ... دید با این کار شده ... شب که تمنوها را کشی سکند

عین بعظم بطبع برساند در ایران تنها روزنامه که در سکاه مطبعه سنگ از طرف دولت تهیه کرده بودند اجرای مطبعه را کاملاً در سایه لطف ...

و قرائت کردند روزنامه باسم اخبار وقایع بخط ملک الخطاطین دارد ... اعلامی را آنان بقرائت تحت نمودند

در آئینه یک شماره از آن را هم نوشت

~~ناپدید شدن سعدالسلطنه سیمای ... صدمه در روز ۱۰ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۵ ق در رشت و بالای انزلی ...~~

بقیه شرح حال ملک التجار

در گذشته شرح دادیم که از طرف دولت شاه معین نوع اتفاقا و در بندر انزلی گفته شده بود که یا بایستی رسمی بر دو تقاضای ارادش در سفارت ملکی این اطوار مستبدانه از رفتار مامورین بندر که در تقاضای کرده که تحوادر هر چه در بندر خواهش از قبیل یاری دود حتی نظر تا پادشاه مملکتش این نحو یا گریز روز ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۲۵ قرا انقلاب در بندر انزلی تمام رسمی را رکنده به سفارت روسی رفتند در پناه سفارت خوابیدند

در حین سعدالسلطنه فاقد راه ... را در سایه ... حالی خود را در تحت حمایت دولت روسی نشدند شدید بی نقود در تمام مواقع از ادامه دیوانهی اندوختن استبدادی ... سرافراز و استقلال مملکت را برای حفظ باج و تحت جویان ... از ارتش ستادانه مولف)

... دیگر مستبدانه حقوقی قرا انقلاب ما مورثیت در رشتان برداشت و رفع ستاد ادارات و تعلیمات قانون عثمانی که دارد ... ایران ... و ... استفاده نموده بودند

در این اوقات که ملک التجار در سفارت روسی مقیم بود در قره جانی بزرگی منتشر کرد و دو سیاه بحرها در روزنامه فردای در تمام شهرها ... هر چند مضمون لایحه خیلی مفصل است بطور اختصار خلاصه آن را شرح میدهم

در سو هفته این لایحه در شهر منتشر شد دشمنان ملک التجار هر چه خواستند جلوگیری کنند منتشر شد حتی از رشت بحرها در ... گرفته بود ... منتشر شد ولی تمام ... و ... از مضمون آن لایحه اطلاع حاصل کرده بودند

خلاصه مضمون لایحه ملک التجار

استعاره ... که این بعض و عداوت قرا انقلاب با ... بلکه از قدیم ... در مقام ... است این عداوت او ... از ... قرا انقلاب ... که ... و طرف ... هم ... تا ... قرا انقلاب ... سابقه را ... در بندر ... شد ... از طرف ... رجوع ... سابقه را ... و ... بیچاره ... بوده که ... در ... نماید و ... است ... در ... ایران ... سبحان ... ملک التجار ... برای ... مقاصد خود و ... ستار ... ملت ... که این ... ستار

بقیه داستان حاج شیخ فضل‌الله نوری

... حاج شیخ مخصوصا بعضی از طلاب ... بیرون ... که ... شیخ را ... طلاب ... جلوگیری ... لی ... اند

در ... طلاب ... و ... در ... مقدس ... سفارت ... طلاب ... دیده ... دیگری را ... کرده ... طلاب ... از ... شیخ ... حضرت عبدالعظیم ... در ... عبدالعظیم ... دارد ... که ... شیخ ... از طرف ... داده میشود

(این ... تصرف ... است ... شیخ ... از طرف ... شیخ ... مولف)

خلاصه ... شیخ در اینجا طول کشید ... در ... میرزا ... برای ... صف آرائی میکنند

فصل ششم

مخالفت شیخ فضل‌الله

ولی رقابت فوق‌العاده آقا سید عبدالله و آقا سید محمد سبب حسد دیگران گشته در صدد برآمدند که ادعای ریاست
اینها دسته‌بندی کرده و با محمدعلی شاه سازش کردند آقا سید علی یزدی و سید محمد برادرزاده‌اش و شیخ عباسعلی و شیخ عبدالنبی
و حاجی میرزا لطف‌الله و غیره را با خود همراه کرده در صدد مخالفت اساسی برآمدند چون هنوز کسانی در تحت
نفوذ و تحت تعلیم قرار داده هر روزی بر ضد مجلس اسباب تهییج او را فراهم می‌کردند ... روز در روزنامه‌ها
نامه و شبنامه‌ها محمدعلی شاه و شیخ فضل‌الله و اتباع ایشان کوشش کرده و منتشر شد اگرچه چندی بعد گویی که
چاپ و ساله ... بود دیدند که در مجامع عمومی داخل شده بودند محمدعلی شاه کلیه
اوراق روزنامه‌ها و شبنامه‌ها را جمع کرده بنای تحریکات را گذاشت مجلس اعتنا ننمود و اتحاد
مخالفین از طرفی روز به روز بر مردم از این تحریکات ... نفوذی از شروطه و آزادی پیدا نمودند
شاه و علما شیخ فضل‌الله خود را داخل انجمن‌ها و مجامع نموده طوری رفتار می‌کردند که طرف توجه قرار شده
بودند برای آنکه هر روز در دارالشورا ... از طرف محمدعلی شاه تحریک داده می‌شد
... را او وسیله نفوذ قرار داده اخبار را منتشر می‌کردند ... دربار را
می‌گرداند در این وقت که شیخ فضل‌الله هم با محمدعلی میرزا اتفاق نموده بود ... در عین حال
... رسید ... اجتماع سیدان توپخانه را فراهم کردند که ذکر آن خواهد شد

واقعه اجتماع میدان توپخانه

در این وقت محمدعلی شاه جمعی از اشرار را از قبیل قاطرچی‌ها و الواط‌ها شهر را تحریک ... نموده
در میدان توپخانه مجتمع گشته صدای ... سلطنت را ... اساس ... برای ... ساختند

بقیه صفحه بعد

شرح این وقایع از این قرار بوده محمدعلی شاه را که با ملت جدال یا مناقشت را از سبب بعلاوه مقصودی از میان بردن
مشروطه و محو مشروطه خواهان بود با امیر بهادر و میلان و مفاخر بود مشکند بعد از مذاکرات و تبادل افکار
تصمیم گرفتند با نام ملت و مناقضین مشروطه جماعتی در میدان توپخانه فراهم سازند پس از طرح این نقشه چون
حقیقت نداشت و مناقضین با ملت که غیر ممکن بود به اهتمام صنایع و دربکار داخلی در این جمعیت می شدند
مجبور شدند در ضمن حضرت دفتر نظام و سید جمال کور و نقیب السادات را احضار و با آنها پرداخته شد
که اوباش و اشرار را در میدان توپخانه جمع کنند و عده زیادی نیز به میتینگ ببندند و میلی را برایم بزنند به قرار هم
امر شد چادرهای نوشتی در میدان بزنند دیگ های پلو اسم راه انداختند
پس از آنکه اجتماع کامل شد با سید علی آقا یزدی که از علمای معروف طهران و جزو مجتهدین بود در میدان
بالای تریبون رفته خطابه قرائی خواندند شرح مبسوطی در معایب مشروطه بیان اظهار کردند هر کس مشروطه
طلب باشد کافر است و ریختن خونش فرض است که با آنها معاشرت نکنید جلیس نمانید و هر
فردی از آنها را که بدست آورید بکشید که اجر عظیم نزد حضرت باری دارد این خبر که به مجلس و انجمن ها رسید
اجماعات ملیون را تحریک کرده قرار گذاردند که فردای آن روز اینک در مسجد سپهسالار جمع شده
تکلیف امر بر ضد عمال خائنانه محمدعلی شاه داده بوسیله مجلس با اطلاعات شدید اجتماع توپخانه را
برهم بزنند صبح جماعت شروع به آمدن نموده در این بین مستشار الملک می گفتند که صبح حضرت
در مسجد است اتباع هم در اطراف مجلس هر کدام عبائی بر دوش گرفته نشسته اند ولی همه مسلح هستند از
مشاهده این وضعیت نقش حاصل می کنند که قصد شان کشتن سید جمال و غیره و ملک المتکلمین ناطق است
فوراً از مسجد بیرون آمده در اطراف آدم گذارده و تشکیل این جمعیت ساکت مانده از مسجد وارد شود
انها را با انجمن مظفری نیز در این بین با سید جمال سواره شایان می شود جواد رفته که او را با الطرف
انجمن مظفری برگردانند سید قبول نموده نخواهد برود مسجد ولی مأموری از طرف انجمن مظفری
ملیتر موهم که مرا بدین اوضاع را مشاهده کنند در مسجد توقف نکرده برود در ضمن حضرت از
بیرون ملیون استفاده کرده با اتباع خود دستور دادند هر کسی سلاح جمعی قرار داده با راه خیابان
پیش گرفته عده طپانچه ها را بیرون آورده مشغول تیک تیک و عده ای دیگر از مسجد آهنی حال اقامت
بیرون مسجد چند گلوله زده عده کثیری از جلوی بهارستان بطرف توپخانه سرازیر شدند
سرجنگ اوباش تا جلوی مجلس رسیده بود در مستشار الملک با ثبت که در انجمن مظفری که جلوی بهارستان
بود حاضر و مشاهده می نمایند که ناگاه سردار معظم و شاه آی طپانچه در دستش بطرف مسجد سرازیر شد که
با اشرار جنگ کند چون این از جلوی بهارستان رسیده بود دیدند سردار معظم بیک ارزد کالسکه داخل
شده این از عده کثیر با ملک تاریخ هوائی با عجله سلام زدند در صبح جای توقف نکرده را دادند همه
وضع شدید ملیون با انها طرف شوند در حالیکه از ملیون کسی حاضر نبود
عصر آن روز ملیون در انجمن مظفری اجتماع کرده ملک المتکلمین گفتند که در گیت تفکیک از
ملیون گرد که با اوضاع حاضر تفکیک حقیقت ایرانست جواب شد که مجلس توپخانه با ما
مسلح است جنگ از ما نه بهره ای نه بر نه و استعداد برابر هم در این صورت با متفرق گردید خبر آن
حمزه که رئیس انجمن مظفری بود از تو حرکت کرد مستشار الملک جواد را رفته که ممانعت از حرکت
ایشان نمائید قبول نکرده سرش مستشار الملک سید این حکایت گرفتار محمدعلی شاه شود فوراً او را احوالپرس

لیکن در این صورت در جنگ کشته بود سهراب عصبانی انجمن مشروطه بلوا در فقط لشکر در انجمن مجاهد
موثق السلطنه – سردار امجد سعید مشتاق الملک با این هر نفر بتوانی بطور جدی کرده نماید شورش بکنند
باید فکر اسلحه و آدم کرد و آلات و غیره حالی در اینها ماندن و دیگر شدن چه نتیجه دارد در این بین صارم السلطان
نواده دارد انجمن مظفری بلوا در مشتاق الملک از او استمداد برای تفنگ و آدم مختار حمایت شده اگر آدم
درآرم ولی سه قبضه تفنگ لباس رفته شورشیم ولی عده خود و قرار کرده سرخود فوراً تهیه شد سعید الملک
ممکن خود فرستاده سه قبضه تفنگ با رفقای خود را با سه قبضه تفنگ یک افرادان در سایر
خود را سالار کار کنند نتیجه دار بی (فتح الدر جان) ممکن شد لقای اسلحه و آدم
مختار آدم فوراً احمد خان [1] را با فرصت تفنگ حاضر شدند دار با زرها هم تهدید کند مشهدی
باقر ... رفقای خود را برده فرآورد و هم تبعیت از ترتیب گذشته دارای دوازده قبضه تفنگ
و یازده نفر آدم بلوا

ریاست انجمن مظفری را به موثق السلطنه داده و چهار نفر مجاهد تیر یا دو سوار و دو نفر مجاهد در ...
گذاشته هر نفر با قطارهای صد و بیست هر نفر در افراد و نشانه صحو بهارستان خودشان تا صبح اطراف مشق حرکت
کرده سرقت مختار ... در حیاط مشهدی باقر صراف که ... مسیر بود اطراف حرمت سپهسالار
با هلک که در حرکت بود تیر یک گلوله از جبهه شد ... یکی بر شد از طرف مجاهدین هم جدی تیر
شلیک شد دیگر و غیره در شب قبل تا صبح صبح شد از طرف وکلا معمول خبری شد از
صبح تا عصر عده زیادی قشون شدند تا صبح جاهی در انجمن مظفری مشتاق الملک را الله ... گردید تا صبح ... با
سطحش را قبول ... تا نفس در بین حرم با افراد نمره داده شد ولی نمره از شصت صد با این نوع
نفر که مجاهدین بتوانند حال نکنند عده محصور با بهارستان در آن شب هم بطوری که آقای عبد الله اکبر
را در تومان فرستادن نفر مجاهد هر فرد فرد آنکه دیگر با ترتیب نمره تقسیم در تومان فرستاده نفر را سر دل
آورده صحو بهارستان نشو که ... شدند ... جمعیت ... بودند ... افراد تو سنگر که برای ...
جمع شده بود ... از این بیش لشکر و ... محاصره حتی ... که عده مجاهدین ... بیش از
دیگر در ... سربازان آمده ... با ... ستاره جمع شد ... عده مجاهدین هم ... صد و بیست نفر رسیده بود
سردار کل که روز سوم خود را ... کرده بود برای آنکه ... بود از طرف ... ریاست مجاهدین
انتخاب شد افراد نو سنگر ... هم ... خود ... قدر و ... فرودند مأمول حاضر بود که
از سنگر ... ترتیب ... کنند ... روز سوم ... را تمام سرد ...
... گرفته ... کنند ... از ... نابش ... آمد ... از ... حیاط ... دست
... یک ... با ... آمد ... رسیدند ...
... را ... و ... عبد الله ... و ... در ... مفصلی در ...
و ... مجاهدین ... مقابل ... آبش ... اسلام ... در حاضر ... سنگر ...
در ... تا صبح حقیقت ... و ... بر از ... تمام افراد ... دستور بود زیرا که ...
... و ... اطراف ... سنگر ... هر یک از ... حرارت ...
بودند روز چهارم وکلای مجلس ... پیدا کرده ... محمد علی شاه را ... کلمات
... ابراز شدند شاه از ... مجاهدین ... وکلا ... از آنکه از طرف ... و ...

[1] بابا یحیی خان حسن خان برادر بابا حسین خان و عبد الله

بیان می‌شد در جنب فواره‌ی صحن حضرت عبدالعظیم نظام و اتباع آنها را با اتباع شاه حصار بدست خود
حاجیم سراب با آنها سداد و فرش گرم می‌نشستند سید محمدعلی شاه را گرفته قسم بسیدی داده‌اند خود دانند
او هم از قسم آنها مطمئن نمی‌شد تا آنکه تنبول قرآن خود را مهر کرده داده انجمن‌ها بار مفتوح گشته در هر
طرف بدگوئی و بد گفتن شاه در جریان بود از آنجائیکه محمدعلی شاه قرآن خود را تسلیم نمیدید آقا را در
مجبور شد و بنای صلح با مجلس را بدین طریق نهاد که او مجلس نوتابه را باهم برید معین تمام [illegible] را
متفرق سازد و نوتابه‌ها حاج شیخ فضل‌الله را از طرف خود حبس کرده بودند در همه حاج شیخ فضل‌الله
با چند نفر بلد تا و عده‌ای بارزنت در حضرت عبدالعظیم جمع شد با تمام این بساط دیگرها بلوا را
راه انداخته بودند بعد از گشته شدن این بساط شیخ فضل‌الله داماش از بسته تازه متفرق شدند
روز یکشنبه هم لگد بیاورم (شیخ [illegible] در [illegible] عبدالعظیم [illegible]) آنها تا تغییر کرده بود و بدست دو نفر سرد طهرانی نشست
نشسته شد متفرق شدند شیخ را هم عبدالعظیم به میدان توپخانه آوردند در میدان هر کو رحمتی از
شهر را هم دخیل کرده بودند با آنها داد داده بودند سقفها را هم آواز رسیده بودند ما سر در طویله
نمیخواهیم ما دین نبی حرام نمی‌بریم ما مشروطه نمیخواهیم اما دین نبی حرام نمیکنیم یا ظرف ... را آنها
سر زدند که حتی می‌گویند چه قدر مضحک بود با کلیه اهل را می‌سرودند ولی در کلمه‌ها با تحریف تکرار کردند
لب تار عرق را در میدان لگد نهاده بودند سیاه نحورازند عربده سر کردند روزی سه قرابه در توپخانه
لگد کرده بودند حاج شیخ فضل‌الله دار دست در بیابان از ازدحام جمعیت قرابه تا قند شکن شد
هر سر نیکو گفت آنها چه سبب با ظرف چینی‌ها لگد کنند آقا آنها هرج است چه ... با تو بطری قند و جنگ
نمود که از یکی از دو تیغ گرفتم شیخ گفت بسیار اقدام نکرده خلاف شرع نباید عوض کرد آخر آقا
نادی اسرار او سر عدالت توپ هم آوردن کشیده بودند سربازها هم در اطراف صف کشیده بودند
سر اینکه حاضر جنگ باشند

این خبر که تولیدات و اهالی رسید از آذربایجان تلگرافی خطاب به مردم صاحب منصبان سربازدار بوم نحو
مقیم طهران رسید که ای ... طهرانی چند نفر شما را آتش دشمن قرار داده‌اند اگر شما مرا اهل ... تائید بیایند
و بعد از مدت شما را احترام هم گرفت

تلگراف دیگر خطاب به شاه آمده با شیرکه تو را خلع از سلطنت نمودیم از تمام بلاد هم تلگرافات سخت
رسید چند تلگراف هم شیخ کردند شعر پر تهدید و توهین از طرف تا مشروطه شد تا اهالی میدان را
برهم زدند متفرق شدند انجمن را بعد بر سر بردند با اینکه انجمن ... شد

حکم شیخ فضل‌الله

تلگرافی هم از علمای نجف رسید با این مضمون که چون شیخ فضل‌الله نوری مخل آسایش است دخالت او در کلیه
امور حرام است

روز دیگر از طرف شاه قرآنی مهر کرده با دستخط فرستاد بمجلس که با بلکه ... قسم که اساس مشروطیت و قانون
اساسی را در حال مشروطیت هستم هرگاه نقض عهد نمایم رد ... قرآن مسئول باشم ۲۷ ذیقعده
۱۳۲۵ گشته شدن فریدون زرتشتی دعاش

شاه در این اوقات شروع اظهار مهربانی به نمایندگان مجلس نمود در این اوقات اتفاق دیگری افتاد
آن کشته شدن فریدون زرتشتی دعائی بود که شرح داده شده در آتیه

۳۲۹

قصه کشتن فریدون زرتشتی

فقط تا محمدعلی شاه به سیاست و اهمیتش کار می‌کرد هر آنکه از طرف پدرش ام اتفاقات اورا دشمن می‌داشت
که در دوره کلیه حقوق سیاسی و اهمیتش تو در تزار سلطنت الدین به واسطه نبود حقوق پادشاهی او را اطلاق داد از طرف
تمام اعمال او در خط نمایش و نابید بود موقعه در دربار بود همگی قدری جور در اینجا جست فوج امیر به پادشاهی ازو کرد او ار بار
هر گونه استفاده می‌کرد هر یک که کشت می‌کردند خود از آنها می‌گرفت به حصص تخواهند شد فی کرده ترخص می‌کرد اگر هیچ یک کلمه
قند با شد بهتر عیش برای او لیج بود که الصف شب سرقت بالای تاج شمال که ناظری بر سر دراند
از سرقت (عرق) اینها خورده دار (دزدی) اینها متره بخوردو لیج قدری زیادی از آنچه داشت بیرون از آنکه
به تخت سلطنت جلوس کرد در دربارها مخصوص او همه حالیا مثل خودش بودند از قبیل امیر الدوله ... در تاریخ
ریاست اوراط‌های ... را با او داده که او نیز بود را خود جمع شوق برده که بود در جمع خواهند
... برای مخارجات ملاقات با ملک فراهم سازد فریدون زرتشتی را سرمایه دار دانسته در صدد قتل دزدی
اموال او بر آمد در مملکت وضع حضرت دست دارا عهد قرار می‌کردند که همراه فریدون رفته او را بکشند اموال
او را آورده بکار گیرند باید اگر نه با بیده از آنها از الصف شب شاه فریدون رفته شوق جمع آوری اساسیه
شده در تحویل جعبه جواهرات و نقدینه بودند فریدون از خواب بیدار شده فریاد سر زد فوراً او را کشته بخواهند
هنوز نیش سازد عیال فریدون نیز بیدار برای کمک شوهرش برخواسته داد و فریاد می‌کشد فریدند ممکن است
همسایه‌ها کمک بیایند اول عیال او را مقتول بعد فریدون را هم می‌کشند جواهرات و نقدینه به خزانه را آنها
می‌روند فردا صبح مطلب کشف و کلاه رسمی شروع به رسیدگی محمدعلی شاه نموده چون لیر ... ساخته
شده بودند چندی قاتلین را از محمدعلی شاه مطالبه نمایند چند روزی سلطنت دیگری لیرا اینده دید
حالیکه قاتلین را اندید نزد در حجره دهار چهار لیوان محضر رسیده آنها را تسلیم عدلیه نمود ولی چون کلیه آنها را
تغییر از قبیل که نقرسیاده بود که آنها را استنطاق کرده شلاق زدند زنجیر کرده محبوس نمودند که آنها
در حبس بودند تا در یک محبس را لو بار دیدار کردند بعد سیاست با قیه تاج شاه رفته شوق عملیات دیگر شیدند

عکس قاتلین فریدون زرتشتی

و دیگر روزنامه ها و نشریات ها مینوشتند که اکثر مسلمین بر حسب شعار اعلام و طبع در احکام اسلام و آنچه باید در این عصر تصرفات
کرد و فروعی را از آن تغییر داده تبدیل نمایش داشت نمودند و آن موقعی که مقتضای ... و مقصد آن اینست قرار داده و بسیاری را
با اجتماع و احوال و مقتضیات امروز مطابق ساختند از قبیل الغاء منکرات و منع فاحشه خانه ها و افتتاح مدارس و تربیت نسوان
و دولتی و جرگه گان و صرف وجوه روضه خوانی و زیارات بناء مقبره سر در ایجاد کارخانجات و در انشاء طرق و شوارع و در
احداث راه های آهن و در استحکامات صنایع فرنگ و از قبیل آنها امثال ها در حوالی ... حضرت ابی الفضائل و ما نیز
در صراط و آنچه افکار و تفکر از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم العیاذ بالله از آن در تحت حجر الکهار اعلان بوده است تبدیل شد
و لکن سبب بر شمارد و آنکه امروز در فرنگستان مقتضی فقهاء ... اراذل ... تا دانا نزد برگشت و نتیجه آنکه حضرت
حجة الاسلام محمد اسماعیل فرقه را امام بر بام خوانده و اوراق قرآن مجید را در آتش ... ادبیات قمار افکار بر آن و تبلیغات
مشتمل بر اسم ... آیات شاد و بر اثر صحیح ... در بدن و ... تلقین ... تا آنکه ... این ... است
... دفتری آن ... که ... است و ... است و آنکه ... در ... و ...
... و ... در ... و ... شد و ... باید ...
با ... در حقوق مساوی ... ذمی و مسلم ... باشند و ... در ... بدانند در آن ...
(رنده ها ... است) در ... طور ... در اطراف ممالک محروسه ... است و ... و ... خوردن
و ... و آثار ... و ... در هر ... و هر ... در رواج ... خصوصیت ... در میان اهالی
شهرهای بزرگ خصوصاً حوادث ... که در صفحه آذربایجان و سرحدات آن اتفاق افتاده و گیلان ... که در کرمان ...
و فارس و حدود ... و شهرها ... است و دیگر ... مردم در فسق و فجور و منکرات ... مانند ... ها و ...
در طهران ... فقط ... را از ... بر سر آنها ... آزادی ... شایع شده و است ... عقاید اهالی و در ... ها
و ... آنها از ... رسیده است ... شده ... که ... مسلمان ... کرده ... از ... صالح ... شد.
(... و ... در ... و ... و ... بود ... آن ... و معقول را ... و صحیح
... و ... اصح ... کرد و معلوم ... که ... و ... که ... مطلب ...
... کرده ... نوشته ... مؤلف)
در ... دیده ... که ... مسلمان ... هر سال ... دیدند ... شده
(... است ... مؤلف)
... که ... روضه خوانی ... مردم در این ... که از ... بزرگ ...
... تعطیل ... و ... شد اما ... آنچه را ... شده ... تاریخ
... در ... کرده ... (و ... کلمة الکفر)
و ... در این ... صد و ... سال که ... اسلام ... است ... از ... دین
... در ... و علم ... و ... حوالی ... کرده ... شده.
و دیگر ... در تاریخ الاسلام ... که در ممالک اسلامیه ... و ...
... در ... جامع ... اسلام ... طاهره ... علیها ... خاصه
... کردن ... و ... اطفال ... و ...
... و ... فاتحه مخصوصاً ... قرار دادن.

شیخ فضل‌الله در حضرت عبدالعظیم

روزنامه ایکه شیخ فضل‌الله نوری و سایر مخالفین
با مشروطه با عده‌ای که بحضرت عبدالعظیم مهاجرت کرده بودند
بعنوان لایحه منتشر می‌دادند

در نقطه نظر تاریخی چند شماره مهم از آن لایحه‌ها می‌نویسیم تا مطالعه کنندگان از تبلیغات نوریها مطلع و آگاه گردند

ه ه ه

روز چهارشنبه هیجدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۵

مطبوع در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه و علی آبائه الکرام برای اطلاع و ازدیاد بصیرت برادران دینی

بسم الله الرحمن الرحیم

شرح مقاصد حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ فضل‌الله سلمه الله و سایر مهاجرین زاویه مقدسه از علمای اعلام و غیرهم این است که یکسال کمتر است از زمانیکه از فرنگستان سخنی بمملکت ما سرایت کرده و آن سخن این بود که هر مملکتی که پادشاه و وزراء و حکام آن مملکت هر چه دلشان بخواهد با رعیت رفتار میکنند آن دولت مستبده ظلم و تعدی و بطالت است و مملکتی که ابواب ظلم و تعدی و بطالت در آن مفتوح [illegible] و در آن [illegible] ایرانی و لیکن بیانات [illegible] - تا اینکه بالمره آن مملکت از استقلال می‌افتد و در تحت حکم خارجه [illegible] گرفتار می‌گردد و گفتند سبب اینکه ممالک مغرب آن است که مردم جمیع شهرها و ادارات دولت و پادشاه محدود است که سلطنت دلخواه نشده [illegible] و از تکالیف و حدود وظائف در باری قرار داده که منبعد رفتار وزراء و پادشاه و طبقات خدام و حشم او بحرف ارادت و تخطی نکنند و این قرارداد را اسم گذاشتند قانون و این شیخ از خود مردم صورت میگیرد و پادشاه و رئیس دولت در مملکتی که بنا بر این باشند و گفتند نام آن حکمرانی دلخواه سلطنت استبدادیه است و نام این حکمرانی قرارداد سلطنت مشروطه است و نام قرارداد دهندگان وکلاء و منتخبین است و نام مرکز ایشان مجلس شورای ملی است و نام قرارداد های ایشان قانون است و نام کتابیکه آن قراردادها را در آن می‌نویسند نظامنامه است سلسله علمای اعلام و حجج اسلام هم اول تقریر و امر برتیب این حضرات را نام مهم یافتند و با یکدیگر ملاقات نمودند و بمقالات سپردند و بتصدیق در مجلس که این فراتب در مملکت ایران از بی‌قانونی و دلخواهی دولت است و بیاد از مقدمات مجلس شورای ملی گرفت که تکالیف درباری را معین و تصرفات اداری محدود سازد باینکه محمد اسلام پادشاه مرحوم موفق و بعضی علمای اعلام مشکور میرزا و دارالشورای کبرای اسلامی مفتوح شد و اعلیحضرت اقدس شاهنشاه عصر خلد الله سلطنته هم بدای سعادت این مجلس که مسند دل شیر باید و فائز گردید -

پس عنوان این مجلس و مسند ایرانی است بی قانونی دولت بود و حب با مردم ایران آنهم ترجیح مسئول دولتش در وظائف اداری و مساعدت و دولت استحصار داشت وقتیکه مجلس شورای ملی شروع شد و عنوان مفرزی (؟) از مجلس بر رعیت و نقوده آن در میان آمد اراده حرفها و لوایح و جراید بمرور [illegible] رسید که بیحکمی مسلط بود و زاند الوصف مایه حیرت و حسرت رفت و مال ارواح دین و جمعیت و فاطمه مقدسه و مسند هستش شد

از آنجمله در همین مملکتیکه بنوشتن نوع مجلس شورای ملی اسلامی دادیم لفظ اسلامی گم شد در فقره سند صحیح دارد و عدد اسپانیه و هر گز و مشهور بود و دیگر در توقیع صدارت دستخط مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاه عصر دام ظله اسمه و در مسجد در حضور هزار نفس ملکه بمنبر سر کشیدند که ما مشروطه نمیخواهیم -

و دیگر برای آنکه معیدیم و میبینیم که از ابتدای افتتاح این مجلس جماعت لا مذهب لا ابالی از آنکه سابقاً معروف به بابی بودن بوده‌اند و آنکه منکر شریعت و معتقد به طبیعت هستند سر در آورده و حرکات داده‌اند و نفسها است که با حقیقت صدا میکنند -

و ارباب عمایم و بزرگان شریعت را طوقها یا گرزها بآن محضر بنظر کشند ای سروران دین اسلام هیچ خبر دارید یک گذرانده
و یا شنیده بودید و هیچ دیده و شنیده بودید که روسا و روحانی شما را عنقاً در مجلس در قطار راه و مهمان فرنگان گشته
و در از وحامی که سرا پا مع رغم اسلام و اسلامیان است حاضر و بستند و نهنه باشند آن تار از بام آن شنبور اسلام آن
نشیار زیبا آن و از هو سفر آن عادات خارقه آن سو را کنند بها و نهنه کننه تا زنده باد و زنده باد و (زنده باد ...)
و (برادری برابری) سخنها بند که را تمام بنوشتند (زنده باد نعیت) (زنده باد قرآن) (زنده باد اسلام)
حقیقت جنیم حاکم انهار و شب و عطر حاکم ادعیا فرستند (قرة العین) (سرّ الله النفس) شما را
از سلامها ای اهل طریق تفسیر قرآن مجید یا سر الله المهیمن سید الشهدا یا امام زمان ارواحنا لهم الفدا قسم بدیهم
که اگر بتعمیر شما حاضر بود و آن شکایه جو جان کف زنان را سیدی در هفته بغیر بود آیا تفرج میکرد یا شرکت میگفت وا یا
سفیر بود و حرف حسینی برای مسیحی گرفته اند یا سفیر بود حرف حقی برای اسلام کرده‌اند ایرا آیا سفیر بود دیر زنده باد سر ز طه
یا سفیر بود (اهذا تتخلقون محمداً فی امته)
الهاکه لعنت مسیحی تورات مع اسلامی حقیقم لا تذ هیهات باد.
از طرف هیئت مهاجرین الی الله بجماعت آزادیخواه اعلام میشود که اگر هزار از این حقیر ها زنند و رعیت صد بحر یا
ملید که هیچ نتیجه باید نخواهید شد و هیچ یا معجزه اعلیو بخواهد ارزان دماش بضعیف اسلام و بجرئت احکام بخواهیم داد.
مادام بنا الروح فی الجسمان - و دیگرها دیگر هم نیست بلکه بیمار است زیرا که این طبقه یک اداره صد ساله بوده است
ولی از ندکار و بعداد بهائی سم جری از ستاد سلسله عظماء عصر و فقهم الله که یک حب و رضی آرزده بوند و زنده هیچ بیمار است

و قومی هم قتلوا امیم اخی — فاذا رمیت یصیبنی سهمی

حالا از برادران بهره نهاد و همکیشان ایرانی برادر سوال میکنم که آیا این فتنه‌ها عجیب و این عقده‌ها عظیم در این مملکت
واقع شده است یا نه و آیا این حوادث فوق العاده بعد از یا تشیش این وضع جدید تولید گردیده است یا نه احترام میکنم
و میگویم این شرور و نفاق سداز میسیر متولد شده و اینها اولاد اوست میگویم اینها همزاد اوست آیا میسیر وار از الوار
لکن اسلامی بکجا هست و کدام دلیل باید این همه فتنه و فساد و این همه بلاد و عباد و بنی آدمش بوده بی از اینکه همه کس از حقیقت
حال تنطبع نیست و از اوضاع عصر و جنبش رعایم انحصار بر از دو جهت در و بلدی لااهم حسب تکشف ما خود شرح شد هم
زیرا که فرق بود در حول بدعتها ظاهر شود بر تمام است که اطلاع خود را اظهار کند (برادران بیت‌ها) در این عصر یا فرقه‌ها
پیدا شده‌اند که بالمره تشکر از آن حقوق وحدود هستند این فرق نخستین را بر حسب تفاوت اغراض اسمهای مختلف است
(انارشیت) (نهیلیت) (سوسیالیت) (ناطورالیت) (بابیت) و اینها یک نحو حالا که و تر.
و شخصی در اشاره فتنه و فساد و دار و ز دو سلطه و از تشی که در این کارها کرده اند هر جا که هستند آنجا را آشفته و پریشان
میکنند سالهاست که دو دسته آخر از اینها در ایران پیدا شده و بنای بسط آن مشغول و بوسه دراهتزاز و فرقه که
عوام صحیح الدین الانعام هستند یک فرقه بابیه است و دیگری فرقه طبیعیه این دو فرقه لفظاً مختلف و معناً متفق
هستند و مقصد صمیمی اینها نسف مملکت ایران و دو امر عظیم است یکی تغییر مذهب و دیگری تبدیل سلطنت این
این اوقات این دو فرقه از نسوء تقصیر هرج در حیات مسیحی نوران با مسلمانها وارد و متصرف شده اند و جدا
حیو کری از اسلامیت دار الشورای ایران میکنند و نخواهد مسیحی نورانی ایران را با همت پارلمان زیر و زبر کنند
حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ فضل الله ایده الله طرف این اراذل این حرکات واقع شده

دستخط همایونی با نشر آن دست یافتند در روزنامه ها نشر یافته ها و لوایح و شبنامه ها پراکنده اند سالهای چند هم برای آنکه
مشروطه را با بهائی تسلیم آرا و سخت می‌بستند برای پیش رفت که آن حکم مشروطه بیدار ایرانی گردیده گردیده اند و از
تنفر به مجلس شورای از ایشان و فرقه بابیه جدا ایستاده اند و موافق رأی تفصیل نخواهند و مردود داشتن آن را و تاریخ نخواهد داشت
با تجمیع علماء و مرتبت جعفری ایران و حجج جمیع این مطالب را تحقیق تسلیم نکنند و تمام تکالیف حجة الاسلامیه این مقام را از وجه
احکم و او فی میبرد از نهند و تحضر بتقویم ماریه و ادله از جهت است و از حاق گرفتن سبیل ارقاف
از تقارن با حرکت با دیگری آن را یافت است والا به کسی نسبدانند که هر آن بزرگتر از قانون است و وزرای حکومت
مهم را از حکومت مشروطه است و وکلا متعین برای نمایندگی ملت هستند و آن ملکی از کشته یک لحظه که در صریح و حمل هیچ امانت
از نمایندگی ملت با شبهه شود و چنین خلاف با قسم و عهد است برای مجلس هم حسب اعتدال است از وکالت که تکلیف هم مختصر
نموده اند (و ایم الدکتر دان) با مجلسه تمام تنقیحات ملک و ملاحظات دینی از آنجا ظهور کرد که قرار بود مجلس شورای فقط
برای کارهای دولتی و دیوانی و درباری که بدلخواه اداره می‌شد و تهی قرار بدید که با دستگاه و هیئت سلطنت را مستبد و کمند
و راه ظلم و تعدی و نظام را مسدود و تمام امور را بلیغ در مجلس شورای گیرند قانون با هیئت فرنگ را آورده و در
دائره احتیاج به قانون توسعه قائل شده اند تمام آن از آنکه ملل اروپا تبعیت مرده مرتبه آنچه نهند برای هر عنوان
نظامنامه نگاشته اند و در شرع هم آنکه البته اند و ما اهل اسلام تعیین داریم و آنکه وجود دارد که از تشتت و صحیح
و کامل و محکم است نسخ بر نمیدارد و صنایع آن تعیین در هر موضوع حکمی دارای هر نوع تکلیف مقرر فرموده است
پس حاجت ما مردم ایران بوضع قانون منحصر است در کارهای سلطنتی که برحسب اتفاقات ایام از رشته تعیین موضوع
شده و در اصطلاح فقها دولت جابره و در عرف سیاسیین دولت مستبد دیگر دیده است.
باری مورد از بیدار شدن حضرات مشتبهین بسیر از حجج اسلام و سایر متعمقین بظهور رسیدن در روز مجلس منعقد شد و آنکه تولد
این نتایج تو را از ملت دو دسته دشمنان دین و دولت که بابیه و طبیعیه مشهود شده است قرار قاطع بر جلوگیری از این
از تصرفات این نهیان در این اساس متین داده شد و جلوگیری از دخالت و تصرفات این فرقه های فاسده عقیده
مقاصد ملحوظ داشتن چند فقره است در نظامنامه اساسی یکی آنکه در نظامنامه اساسی مجلس بعد از لفظ مشروطه لفظ مشروعه
نوشته شود
و دیگر آنکه فصلی دائر بر اینکه مرتبت قوانین مجلس باید با شرع مقدس موافقت داشته باشد هیئتی از عدول مجتهدین در هر عصر بر مجلس
شورای نظارت نمایند عبارت که بخط نوشته ام در فصول نظامنامه افزوده شود.
و هم مجلس شورای را بهیچوجه حق دخالت در تعیین آن هیئت از عدول مجتهدین نخواهد بود و اختیار انتخاب و تعیین و تبدیل آن هیئت کلیتاً با علماء مقلدین هر عصر است لا غیر.
و دیگر آنکه محض جلوگیری از فرق ملحده سیما فاسده بزرگتر از همه که فرقه بابیه و نحو آن است حضرت حجة الاسلام و المسلمین
آقای آخوند ملا محمد کاظم مدظله العالی افزودن فصلی را فرمایش فرموده اند حکم ایشان هم معلوم است باید اطاعت شود خصوصاً
فصلی راجع با جرای احکام شرعیه درباره فرقه بابیه و سایر زنادقه و ملاحده در نظامنامه اساسیه منظور و مندرج گردد
و دیگر آنکه چون نظامنامه اساسی مجلس را از روی قانونهای خارج مذهب ما نوشته اند محض ملاحظه
مشروعیت و حفظ ملت آن پاره تصرفات در بعضی فصول با حضور حجج اسلامیه شده است باید آن فصول
مشروطه با اصلاحات و تصحیحاتی که فرموده اند مندرج شود و تغییر و ترک تعدیل مبادا برای مموه آن تصرفات

و صحیحات و صلاحات منبع ما دارم تا همه برادرها و دشمن بدانند که مدد اجه نموده است و تعدیه نمره است .
در ضمن یک فصل از فتوحات خارقه که بر ضمیمه برگزیده لازم است که مطبوعات مطلقاً آزاد است ذلیل هر چه را هر کس جواب
گو کرد جدی را حق حول و جوابست)
موضوع واعظ غیر منتقض صدق متابعت که منکر آزادی مطبوعات هستند مرحومان روا مید آرید که این برکات
را خودشان آزاد باشند بنویسند و دیگران حق نداشته باشند . مؤلف
این قانون با شریعت با همه ما و بتهمت آنها اعظام تعبیر داده‌اند و تصحیح فرموده‌اند زیرا که نشر کتب ضلال و نامه فحشاء
در دین اسلام ممنوع است کسی را اجازه نمی‌دهند که کتابهای گمراه کننده و مرد فریب انتشار کند و باید کولی و هر روزه که
را در حق مسلمانی بنویسد و بمردم منتشر سازد . کسی حق ندارد کتاب گمراه کننده و کتب فرماشی که مایه انتشار افشای عقاید اسلام است
و کتابهای بیان سند تمیع بر حکم آب پیشتر آزادی و کوتاهیات شرع اجتماع تا کسی در ادبیات دینی باشد که جدا با هم با امام
با نسبها باشند .
و در ورها مکتوبات و لوایح مشتمل بر کفر و زندقه و سبّ علماء اسلام شامل در قانون قرآن ممنوع و حرام است لذا بهما
سخن خواهند لیکن در بازیهای تالیف کار ها را تقویت خواهند کرد .
بار مهاجمین را و نه بغده سر را تعصب دینی و مشتبهین فقرات مسطوره که و این اتفاق را انقلاب البته که ببهلک محق
حرابست اسلام و حفظ شریعت خیر الانام علیه و آله الصلوة و السلام است بیست هر دفعی و کلام الحرم کریمه دوم از انتخابی
دو هنداری و فقه استانی میزنند مخالفه و مطابقت در جمهت خود ها نیز البته با این چهار نفر در کتک فقد و نهها را
بیرون فقد جدی از علماء اسلام و طبقات منتقیین را با آن تحت نخواهد بود .
و مسلمی در این موری که در این شاه اسلامی هم حقیقه منقب (مقدس) و دعا (سند لها ارکانه) باشد و برادران
خواهد گردید .

إن في ذلك لذكرى لمن كان له قلب أو ألقى السمع وهو شهيد

۵۵

ما نیا حمل

و شمار از این قبیل اوراق حضرات در خصوص عدد نظم طبع و انتشار داده‌اند مهم ترین آنها این شمار بود که
مشهورای اکابر شمرده و حق ظاهر تاریخ کتب شده پس از آن عده از ارادت خواهان و بلیون در قدر مطبعه اظهار ابر
حفظ و اوراق بی‌بهای آنها را جمع کرده‌اند که بعد از آن دیگر اظهار ننمایند .

مقاصد شیخ فضل الله نوری در مجلس حضرت عبدالعظیم

منطبعه در روز سه‌شنبه چهارم رجب ۱۳۲۵

صورت بیان تحقیق حق و باطل و رفع شبهات علما و دعاة اسلام در تشریح مقصد نوری ع که در افواه عوام افتاده و تصحیح در نقل
و اصطلاح مذاکره داشته اگرچه در جواب یک از علما بحث است که در ... لکن نسبت حقیقت حال مقصد را از حاجات
... حاج ملا محمد علی مجتهد رستم آبادی خواسته بود که امروز صورت در دانگی حواله ... مطابق لایحه منطبعه تعهد نظر اتم
و الطف رحیب است ... حضرت معظم خاطر محترم آقایان هوشمندان را ملتفت و آگاه نمایم و پرده از روی کار بردارم —
لیهلک من هلک عن بیّنة — و یحیی من حیّ عن بیّنة — ولی در بیانی که نمود و دانایی لفظ بعض ...
فتنه اگر کلمات شبهه آمیز که در صحایف در ساخته ... نگاشته و مدایح مقصد را ... و صف ارسال کرده اند
معدود ... جنب ... و ... از اطراف حضرت عبدالعظیم ... و اگر ... که ...
و انکار ... عرض ... و ... برادران عزیز را ... و ... خواهم — فان الذکری تنفع المؤمنین
ارواحنا ... که ... از ... رسالت ... اوراق شریع ... طالع و ساطع گشت که فاتحه قرآن
مجیدش خاتمه شرایع ... گردید و ... ملت ... الی ... انوار معجزات و دلایل —
... کرد ... آوازه ... در ... ازواج افلاک ... خاک ... رسید و حقه
... ایمان ... ترک ... کشنده ... اول الشریع ... که ... قواعد و سیاسات نمود
در اسلام ... نمودند و ... حکم ... (و ما کان لمؤمن و لا مؤمنة اذا
قضی الله و رسوله امراً ان یکون لهم الخیرة من امرهم) ... که ... و ...
و قومی ... نمود ... شرایط اسلامیت ... انظار ... تمام
تمام فروع شرعیه ... کدام فرعی است از فروع و کدام اصلی است از اصول —
خارج از حکم خدا و رسول ... آزادی ... بحث ... مقصد ... آقایان
عظام ... نمودند ... اطراف بلاد ... نمودند —
و ... بلاد ... فرمودند ... ایران ...
و ... اصحاب خود ... وکالت ... خود ... کنند
(... مجلس شده) ... کتاب ... و کدام ...
... آزادی را در کدام مدرسه دیده ... نموده ...
... کدام ... که ... ایران
... (...)
... که ... مساوات ... آزادی و
ثروت مملکت ... تجارتخانه ... راه ...
مساوات و برابری که در ... آن ...
... عوام ...
... صلح ...
... مملکت ...
... —

(لا تجد قوماً یؤمنون بالله والیوم الآخر یوادّون من حادّ الله ورسوله) الکاش بهمین لطائف و ظرائف اقتصار
نموده چه قطعیّت و تمحیص که بقا و عقاید زردشت سرائر و روایات ظلمت طینت شوق و از جنت علمای اسلام طرد
و مردود بوده و بحکم ظاهر و کفر اسلام جلوه نموده در ربع حدود شیر بر آنها تکلیفات جوش در زیر صاحبان شیخ ... قال الشاعر
(کلامهم احلی من العسل — و فعلهم امرّ من الحنظل) نوشته و ذکر مدایح و منادیح خطاها را اندید و تنها نگفته —
کمای خویش را در کار بر کرم بحساب شمرده بعقیت و دولتی که سبب ... ایران از آن چه ها بر خوردند اساس محو شعشعی درینها دیم
و مدارس تحصیل زبان و رسم و قواعد زردشت در کشور ... و زبان و دختران را از کسب علوم و صنایع محروم داشتیم و به تعقیب
نماز صبح و دعای کمیل بر دوهم و ملا کنند — ای مردم ایران را هم داد لی ز قرائت قرآن بر در بر زیارات و نظر بامید درینها
است که چشم بصیرت کشاید و دانه که زردشت نماز ندارم چنان در بسیار و بسیار شهوات و در عبادات از منبر تا
وطبع زور یا فحاشی و قرض بیان و بیان بیحد است و تصنیفات سازان و درباری بطارزه رفتار نکند و بلند در
دو حرف طاعت اکثر املاک حق کنند زر که مردم بیچاره حال کردند شیخ سیلوم یکی از صدور و رباب دعوی و حصول اقتصاد این
دستگاه آن شرط طهی و راند که خاتم تهی است
(ای عجب او را د چوب آورده اند — لیک تو راح دعا کم کرده اند) ای جدا ... سیاستان الی ...
و حرمت آزادی و مساوات و برابری و هم هر قانون ... مشروطه چاره این است ... و کشان دو خانه که آن و عمل طبیعی
و قضایح از قانون الهی و کتاب آسمانی بهشتند سوید آن ... فرقی ... که سیاسی و هم ... تمام قوانین ... و نظر در همه اگر
از ایشان را کول ده نولی خواهید بود که ... دولت و ملک داری و سیاست کاری و تنظیمات ملکه و انتظامات کلیه و حفظ
حقوق و نفوس بیان ... آن قانون و سپر بو ... ایران را ... داد ... که لی صورت نه شد و ملکه محکوم
از شرطیت ... خواهید بود ... قانون ... الهی و تبیع محض ... از زلف نمای نشر ... مقبول
از تو فیض و لواپیش ... بدیهی است با استعداد و ... که هر یک را احتمال خطا و ... نز مملکت
بیت تخوار ... پس ناچار از ... مشروطیت ... که حرمت و آزادی و مساوات و برابری و قانون مجول
و مرسومات سعد ... که ... شرع و بعضی ... اسلام و ... قائل ... که اگر ... حکم ... اقتصاد اتحاد
و صلاح هر ... اصح از اصول فرائد ممهده ... مطابق ... ماخوذ ... دیگر ... و تغییر
خطاب دهند (میان ماه من تا ماه گردون — تفاوت از زمین تا آسمان است) و ... قرار علیه السلام
که ... فخر ... بحمدالله ... داریم ... مصحف ... قرآن مجید و ... عقل اول ... آنها که:
(وما ینطق عن الهوی — ان هو الّا وحیٌ یوحی) ... حکم ... دیگران ... چگونه توانم
توانستم ... آزادان ... مساوات ... مشروطه ... نگفتی ... —
دیر ... فریم و ... (قربان تو گردن ... دارم — اما حکم ... تو ام) آخر ... می شود
(ومن یبتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه وهو فی الآخرة من الخاسرین) در این ایام که حضرت سلطان ... السلام
و ... خاتم ... الحق ... شرع ... در ... علمای ... اسلام ... وجوه
علمای اسلام و فقهای عظام مجتهدین ... (کانهم بنیان مرصوص) و ... طبقات ... در ... حضرت ... علیه السلام ... آئین ... تصحیح ... که مشروطه
سفر ... مشروطه و حصول نظامنامه های ... استقلال ... مشروطه ... طلب ... نسبت
که ... بود ... معنی ... آغاز نمود ... خواهان ... دولت و ملت ... سرا پا
سهو ... ضعف ... حرام ... اند ... بار ... اند

اینک از جواید مبین است که بسیار خورده شیشه دبغوره قهوه به زبان تعنت و دست تعرض فرو بسته نگفتم (حفظت شیئاً و غابت عنک اشیاء)
باشند و مشروطه طلب از این رهگذر تهمتی بزنند و این شیوه از راه دیگر وقوع یابد و آن این است که از اول که اینش چو باید گرفت و مردم
بجای در اطراف و اکناف بجای آنکه بوده تمام علمای اسلام و حجج اسلام و بزرگان از هر طبقه و مقام خصمها کنند حسب در بلده مالها صرف
نموده بجای شیخ طهران و مطرات مشهوره خود را اند چند مالها صرف نموده در راه که نه قدر قسم نموده (احضر سلطان شیخ را دام ظله العالی
که از سران جای و دادخواهان این دستان بوده و تحول وجد و از فرید هیچ فقط مبین سعدیت از و این نمی خواهند که ما طعن و دعوی
کشیده اند و چرا در نوامیس شرع نمایند دیگر بودن ما و مشروطه کش نشنیده بود با دستان القارت و آن مکتبات تعدد بیش آمد و مبین
شرکت با قدر از دولت منوع قبول یافت و این الفقید شیخ محمد ره با اهتمار و کلا را داده در فصول نظامنامه نهاده بیچاره حضرت شیخ
توجه تمام داده و خطر را در ساعد و با صبر بودند چنان قوت اسلام و چراغ احکام سید انام علیه التحیه و السلام را نموده سمر در که قصه حرکت
دل آزادی در میان که بهند در رسم سادات و برابری با ما ملل و ادیان عنوان نموده که خلاف صریح در کتاب و سنت و منافی اجماع حضرت
رسالت و اجماع فقهاء است با اضافه باز تقسد و مسابقت مشهوره با کثر از مملکت شوند و لکن دان در اراده شد منعقد شد کرد
الکاه و آقای عظام و حجج اسلام عظیم جای ایران حیثیه مشهور چنینام ضعیف الجمد خیلیتم که باشند و هم و نهاده شرع میش لذا در حقه
صحت بعد حضرت شیخ در آنکه هم از دو هم آغاز شده مشکلات محبسان را هم کشف (در شتم ترکی مکاری اعرا
این ره که تو میروی بترکستان است) الحق صاحب را سلیم دو درجات منتقم اند (اولئک الذین کتب فی قلوبهم الایمان
وایدهم بروح منه) دیگر توجهات دولی عصر ارجمند از آقای عظام دار الخلافه اسهم تکونات دبلیات طلبات
وارده بر اسلام و عنوانات مناقضات با شرع و تعقیب مشهوره در نشسته و افواه با شد و جه در اوراق صادره و لوایح صادره
از عقاید فاسده و الحاد و ضلاله انتوب طبیعیان و طبیعی مذهبان تهمت و عرض با شرع و نیست نصب العین نموده با جرائد و بیانات
شما صد نموده منطبعه در رادیه بعد مساعدت و شقاوت فر... نموده با علاء کلمه جامعه اسلامیه و تصحیح و نظم ممکن منحول از اطراف
نگشت تر از اول دفاع رحلت و ترک از احضار سلطان برد هند و حدود و حقوق و حقوق محبسان را از دین و احکام با شد تا در حال
دین که بمواد الهی در نیکی منتظر و فر و دو حضرت اقدس سلطان و وقت دیگر با دو ختنه ایشان را از علم اسلام بر شد و ثغور و سرحدات
و ممالک و بلاد که پس تر از اول و در اسم است و ایشان بلا کرده بر تا الحق بسیار الجمعیت گردد که تا در ختم با ذاتی و هند
و امر و در تو لیق حالی نفعه توصیات ندارند و دیگر در بلد تمام آنکه درج و عرض خواهد رسید انتهی

سئوال از محفل روحانی مقدس محترم ملی ایران در [illegible]

۱۳۲۵

ساحت [illegible] وکلای محترم محفل مقدس روحانی ملی [illegible] عرض میدهم
از آنجائیکه لفظ مشروطه با استقلال در این مملکت استعمال نموده است فعلاً که این لفظ در همه جا رایج است چون مردم این مملکت با استعمال آن
مانوس هستند هر کس این لفظ را بطوری معنی میکند و بعضی از این کلمه [illegible] میفهمند خاصه که این کلمه در [illegible] بلفظ حریت و آزادی
تعبیر شده بعضی ها [illegible] مردم حس [illegible] میکنند که مراد از حریت و آزادی حریت مطلقه است و این طور میفهمانند که محفل
مقدس در تمام امور مردم دخالت میکند حتی امور شرعیه را در تحت شوری گذارده و هر مسئله معقول خود را در آن دخالت میدهد
ولی الحق [illegible] کم کم موجب [illegible] بعضی از احباب شده و باره [illegible] محض اطلاع [illegible] مستدعی است که [illegible] جواب
داده شود

اولاً معنی مشروطه چیست و حدود و مدخلیت محفل تا کجاست و [illegible] در محفل منوط [illegible] یا تابع احکام شرعیه باشد [illegible]
ثانیاً مراد از حریت و آزادی چیست و تا چه اندازه مردم آزادند و تا چه درجه حریت دارند تا اشخاص که در ابتداء [illegible] این اساس
دخالت [illegible] هم [illegible] در [illegible] محفل مقدس [illegible] کرده هم [illegible] دارم که در جواب
این سئوال را در کمال وضوح مرحمت لطف فرمایند که رفع [illegible] شود و این الفاظ را بر خلاف مراد حمل نکرده [illegible]
فساد نگردد (ذبیح الله خادم شرع مطهره)

جواب صادره از مجلس مقدس محترم شورای ملی ایران
سوم شوال ۱۳۲۵

بسم الله الرحمن الرحیم

واضح است که مملکت ایران مملکت اسلامی است و در شریعت حضرت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم احکام و رسوم دیانتی
کافه شرایع و احکام آن غیر قابل تغییر است در این صورت ظاهر است که مراد از کلمه مشروطه در این مملکت غیر از حریتی که برخلاف احکام شرعیه
است و در جواب این دو سوال حتماً اظهار می‌شود - معنی مشروطیت حفظ حقوق ملت - و تحدید حدود سلطنت - و تعیین تکالیف کارگزاران
دولت است بر وجهی که مستلزم رفع استبداد و سلب اختیارات مستبدانه اولیای دولت بود و حدود و معنی اصلاح امور دولتی و نظم مصالح مملکت
و رفع ظلم و تعدی و اجرای عدل و تصحیح دوائر دولتخانه که تعارف ادبی طریقه مستمره است که تعاضد افکار اجرا را لکن قانون است و حق
و تعدیل و تغییر و تبدیل است موضع قوانین عرفیه و نظارت در اجرای آن بتوسط قوانین شرعیه و نظام نامه است پس در حقیقت احکام شرعیه و حدود
الهیه که بهیچوجه قابل تغییر و تبدیل نیست از طریقه مشروطیت خارج و در جمیع احکام و امور شرعیه کما فی السابق به حضرت خاتم النبیین و ائمه کرام علیهم السلام
منتهی خواهد بود لذا در این مجلس علمای اعلام و عدول مجتهدین عظام هستند تسلیم است که در امر موضوعه در این مجلس مقنن با قواعد شرعیه بوده و
تجاوز نخواهد بود چنانکه در قانون اساسی ذکر شده است هر طرحی که مخالف با شریعت اسلامیه باشد هیچ قانونیت نخواهد کرد.
و مراد از حریت هم حریت در حقوق مشروعه و آزادی در بیان مصالح عامه است تا اهالی مملکت بدون استیلا از ظلم و استبداد نمایند
و خواستار حقوق خود که از جانب خداوند برای آنها مقرر است مطالبه و حفظ نمایند نه حریت ارباب ادیان باطله و آزادی در اشاعه
منکرات شرعیه است که هر کس هر چه بخواهد بکند و مرتکب جرائم گردد (محل مهر مجلس شورای ملی ایران)

بسم الله الرحمن الرحیم

از قراری است که از طرف مجلس مقدس شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه که از اعوانه مرقوم شده است از ابتدا در این مسئله
مقصود ما رفع ظلم که صفحه ایران را مالامال کرده بود بوده است و به جهت مقصود ما و سایر مسلمانان حفظ کیان محمدیه و اجرای حدود
شرعیه و نظم امور اسلام بوده است که از اسم و کلمه احتمال ندهد که کلمه مشروطه عملیه را امام بر عهده جهد در صدد رفع ظلم و تعدی از افراد
این مملکت باشند چنین ظلم بزرگی بر شریعت مقدسه اسلامی و کلام الهی (الذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید)
روا دارند که تعدیل آن احکام آن در عرض حرج و تعدیل و تغییر و تبدیل واقع نشود بلکه تمام مسلمانان بخصوص وکلای محترم مجلس مقدس
شورای ملی حکم الله را نه خود در صدد تغییر احکام شرعیه بوده و خواهند بود و معلوم است که در این مجلس محترم وضع قانون فقط در امور عرفیه
است در امور شرعیه مطابق با قواعد شرعیه شده است و خواهد بود (فاما الاحکام الشرعیه فمصونه عن التعرض) -
(فان دین الله لا یصاب بالعقول) پس بر افراد مسلمین لازم است که قدر این نعمت عظمی که در این زمان از برکات توجهات کامله
حضرت ولی عصر ارواحنا فداه از حضرت رب العزه به مسلمانان انعام شده است دانسته و از ان حدود خدا را با اشتباه
این اوهام شورش برانگیز قال الله (انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون)

(قد حرره الاحقر عبدالله الموسوی البهبهانی) (خادم الشریعه محمد باقر)
(محمد بن محمد صادق الحسینی الطباطبائی) (الاحقر حسین الرضوی القمی عفی عنه) (الاحقر فضل الله النوری)
(الاحقر احمد الحسینی الطباطبائی)

اظهارات متحصنین حضرت عبدالعظیم شیخ فضل الله نوری و سایرین

متعلقه درباره تحصن حضرت عبدالعظیم

این لایحه مطبوعه از ابتدا تا آخر عبارت برداری در جایی فوق آزاد فقط حال مرقومه

مقصد و شرح شبهه است

رافع الشبهات

بسم الله الرحمن الرحیم — تا حال دو ماه تمام است جمعی از علماء اعلام و حجج اسلام و مجتهدین مسلم الاجتهاد و اجلّه از اهل علم
و صلحا و اهل تقوی و تدین است و ورع در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم متحصن‌اند و با تحمل مشقه از حضر و سفر در لوایح مطبوعه و غیر مطبوعه مقصد
و مطالب خود را مفصلاً و حالاً مکرر گفته‌اند و منتشر ساخته‌اند باز دیده می‌شود که خلط مبحث می‌شود و مشتبه می‌کنند جماعتی که اسم از اجلّه علما و اهل
علم و تقوی می‌باشند مقصد متحصنین را در نظر ها مشتبه می‌سازند

اولاً معلوم برادران دینی باشد که این مسئله از اصول عقاید یا از فروع دین است که گفته بود ضد آن انحراف از دین یا فسق است
این مسئله عبارت است از دو تا امری که سابقاً بود در آن نبودن مشروطه واقع شد محض تخفیف ظلم مسئله را باشند درباری
که دستور دولت و مصلحت مملکت در آن نبود و ظلم کمتر گردد در این صورت اگر احتیاطاً کسی او را بخواهد تخفیف تعدی است
اینکه وقوع ظلم زیاد را دوست دارد و در این نهایت قسمی نیست و عبارت واضح این مسئله از دستور و جهت الاطاعه است
وجوب اطاعت باید است از امر اولی الامر خدا و رسول خدا و ائمه که خلیفه‌اند از امام ع و اینها باشند و معلوم است که این مسئله سلطنت
مملکت سلطنتی است نوزده که مذهب جعفری در صورتی که مقصد شرع از خدا و سایر طایفه دیگر باشند و جهت الاطاعه بخواهد بود
تا باید است اولیاء دیگران سلطان اولو الامر و جهت الاطاعه است و ممکن نیست مذهبی که دولت آن نوزده نبود.
و ثانیاً اینکه نسبت صدور مسئله مهاجرین به این است حقیقت سخن و دلیل شکوک و دیگران چه قبول کنند در کدام مجلس باشند
الدلیل از کدام یک از فقها حرف اظهار صدور شد

(این هم چند لوایح که متحصنین حضرت عبدالعظیم انتشار داده‌اند و چند لایحه از آنها درج شد صورت سایر آنها هم بود این محل
نوشته‌اند تصور نکنند که عامه هم قرار شرکت کرده‌اند — مؤلف)

خیلی ها گمان این شبهه و شرح مقصد که تکرار طبع انتشار داده شد با بودن مسئله است با در صورت بودن
این حد در وقوع و صحیح است که گفته می‌شود این مخترع باور است از دیگران گفته و نوشته توان گفت کسی که حدا انصاف
بدیده مجتهد انکار نمیکند مثل این وقوع نیست مجتهد از تاویل کردن دیگران است اگر در لوایح نوشته و طبع شد که این فرقه
مهاجرین مسلمین خواهند از دیگران چنانکه اهل تقوی هستند و به تخفیف ظلم راضی نیستند و مقصد حقه آن اساسیه
مسئله محکم میشود مستقر است انشاءالله خواهد بود و اینها هستند مسلمین خواهان آن تا خاص که در مقصد بدینها با آن اسلام باشند.
بدیهی است اسم دولتی و مسئله را با بحث سخن خواهند شد که تمام با یک حکم از احکام اسلامی به بهانه صحت قبیح مقصد تغییر بدهد
پس کسیکه با وضع تغییر است موافق همراه با آنها است در خواهد بود صدها ای انصاف بکن در دست ارکان سلطان را کرده
هر از این اتفاق کلمه و مسعودت این مسئله مقاصد کار است زیرا نیکی اصلاح بود اگر با حال عرض و توی و غیر پس است آنچه را
که تحصیل کردید و اگر دنیا نبود با حال پس باشد که حفظ دین خدا و دنیا هست چطور می‌شود تغییر داد.
والحاصل برادران دینی بگوشید هر که تمام مهاجرین متحصن‌اند با تمام مجلس تمام نبود و کار کنند اینها ضرورت نمودند که از کمال آن
اسلام مستحکم کنند و شند و تنها با محض از دین هر روز یک بهانه گرفته شد مسئله نمایند با بودن که تکالیف خود عملی نمایند
هر روزی بهانه و در اسلام کردند سرکه دلالت مقاصد مهاجرین اعمال سلطانی است که در وجود مسئله با اجتماع دلیل کرده
و متفق شد با تعرض از دین و دولت سازند ظالمی در خدعه با محض از دین که دیدند اینهم دیگر نیست می‌کند

و دیگر دست اینها بسوی ایشان دراز نباشد حفظ سخت و اتفاق و اتحاد نمودند -

مطلب دیگر که خیلی لازم است برادران مجاهد دانسته باشند که این قسم مردم ریائی و مزور بسیار اند که همیشه اراده دارند که علما و فرقه‌ها را با هم طرف و ضد قرار دهند و با این کار عوام بیچاره را فریب میدهند که با یکدیگر جنگ و خونریزی نمایند و استبداد را در

دنیا دولت ... و مستبدین خود سلطنت استبداد را در این مملکت بر عوام بیچاره بکنند حقا اینها است که ظلم و استبداد را میخواهند -

افسوس افسوس که این اشخاص اسم ایرانیان و برادران خود را هم ذکر نموده و ایشان را نفاق نمی‌گذارند که در راه آزادی و جان و مال خود را در راه دین و اسلام بدهند

هیچ حالت دیگر ندارند بجز آنکه در راه دین و ملت همه جان و مال را بدهند که این مملکت خراب نشود و این دولت اسلام باقی بماند تا اینکه ابد

محافظت اسلام شود -

ای مسلمانان لازم و حتم است که شما مردم را که مخالف ظلم و استبداد و حامی احکام اسلام هستند بدانید و دیگر تمام کلمات اینها را نشنوید و

بدانید که این اشخاص دشمن آزادی و مخالف احکام اسلام هستند و میخواهند که شما را ذلیل کنند و این مملکت را مقید بکنند تا احکام اسلام و

دولت اسلام از بین برود و شما نیز در اینها نفاق بیندازند و ایشان را مضمحل کنند -

ای برادران عوام بیچاره ایران درست فکر کنید و بفهمید که این اشخاص ضد مشروطه هستند تمام مجلس را متهم میکنند و مطالب دروغ بسیار بگویند

با هم سعی میکنند بلکه در مقام انتقام و دشمنی باشند اینها کار را بسیار سخت کرده و حقوق ملت را که آزادی است از ما گرفته اند

مثل ... اینها که هیچ چیز نمیدانند تمام حقوق را از میان برده و اسم خود را مسلمان گذارده و اسم خود را اسلام و شریعت

در دنیا نگاه میکنند و چیزهائی را که از شرع نیست اسم اسلام را بروی آن گذارده و آزادی ملت را تابع استبداد خود نموده اند و در

حقیقت همه اینها بجهت حب ریاست است و در تمام دنیا شهرت دارند که در مملکت ما علما همه مخالف آزادی و مشروطه هستند

... و علمای دیگر ما و مسلمانان که همه اسلام را حامی و طالب مشروطه بوده و در راه آن همه جان و مال را فدا میکنیم در

مساجد و در آن جوامع بود که اینها را مقید کرده و اینها است که تصور میشود

مطلب ثالث که اهم از همه است و باید برادران ملتفت بوده باشند که حالا که همه می‌بینند که مجلس شورای ملی

اعتماد ... و اراده آن را دارند که با مجلس و دولت اسلام در مقابل سلطنت ... قانون اسلام را ... و در تمام جهان مرج و هرج نماید

دارالخلافه و سایر ممالک ایران را از این ... سلطنت استبداد است -

و الله العظیم که دشمنان ملک و ملت اینها هستند که اسلام را میخواهند ... در این زمان که تمام کارها در دست ... احکام اسلام در مقام

اجرا ... شده است ... تمام نقض مبنای مشروطه را خواهند کرد و با هر کس که ... خواهند کرد

بار دیگر ... و کشتن ... فراوان ... و در عوض در قلم ما ... شده که ... میشود

... شنیده شد ... در مجلس ... و در روزنامه ۱۵۹ نمره ... در روزنامه مجلس صفحه دوم ... که ... اطراف

مذکور داشته است که حضرت سلطان ... الله السلام ... و بسیاری از ... الله ... صحیح ... میگفتند ... مطلع

... رفته اند ... حضور ... و ... مطلب را با ... نمودند خود در آن

... نوشته است که تمام مطالب ... بود به تحقیق در این مطلب اگر ... واقع است ... باید کرد ... الله

... که در مجلس ... و ... بعد ... حرف ... مطالب ... بحصول ... میشود

برادر ... خود ... و ... است ... خواهی کرد

... شده بودم ... تحقیق کرده ... مقام ... نقل کردیم ... کلمات ... میشود

افسوس که دشمنان ... ما ... اینها را ... کلمات ... را ... میکنند که هر روز

اسرار ... در ... ما ... غرض ... که ... روز ... میشود

(اعاذنا الله و ...) (نویسنده ...)

سواد تلگراف حجة الاسلام آقای سید کاظم طباطبائی از نجف اشرف
نمره ۹۰۷ موضوعه در حضرت عبدالعظیم

جناب ثقة الاسلام آقای ... دامت برکاته از تحریری مقید عمل و ناحیه تلگرافات ملحدین که نتیجه حرکت پر ضرر است قرار است تلگراف
مرتد زنوش بعنوان آنچه متضمنات ... شده حتی المقدور دفع تلگرافات و حفظ عقیده و افراد و قوانین محکمه قرآنیه
و شریعت احمدیه محمدیه آنچه در انظار ... علماء با ملاحظه جهات ترجیحات صلاح و جهات دینی و دنیا مسلمین منظور و اطلاع
داده بذل مجهود نمود محمد کاظم طباطبائی ... سیم جمادی الاولی

برادران دینی ما در این تلگرافها از نجف اشرف که پی در پی بطبع رسانده ... خواهیم با شما تفکر بکنند و در نتیجهای
بزرگان اسلام که مقلد تقلید کافه انام هستند و عمق ... باشند با حق تطلب ... مرتبه معلوم دیگر تنگ نبود
یکی آنکه از سلسله جلیله روساء ملت چه در مجلس شورا ... اسلامی نیست — دیگر آنکه تمام اهتمام حجج اسلام در
حمایت مشروطیت و ... در جهت حفظ اسلام ... و جهت ... است
طبعی ... که ... از ... در طرف ... که ... ایران حق
... مجلس شورای ... دولت تحصیل کرده ... بوده و ... شغلی
و ... تلگراف ... که تشریح و تفصیح بکنیم خود را ... در حاشیه مجلس ... داده با برادران امید داریم
مساعدت مجلس با حالت حقیقت خودشان سوال ... و بگویند مجلس را ما برپا کردیم و ... ورود ... در
با این روساء ملت ... شدند و هر طرف که ... را جز خودشان ... بیند طرف
دیگر جسارت و جرئت ... ساده ... که ... داده ... استعمال نکنند ... الایات
که ... روح ... خود ... شد الحمدلله که ... امروز کاملا ... شد و با ... معلوم
الحال ... شکند ... تعالی ... سردم ... ساختند ... محبوب ...
و ... اینها ... را تنقیض بکنیم ... طبع ... ترحم
ما این فرقه فاسده ... آنکه هیچ حیله دیگر برای اینها نبود ... و همچنین ... شریعت ...
محمدیه ... آرزو که ... شده ...
مجلس دار الشورای کبرای اسلامی است ... حجج اسلام ... امام ... شده ... حقوق
و سعادت ... دولت ... حفظ حقوق ... مذهب جعفری ... کرده ... ممکن نیست که آغاز
پارلمنت پاریس و ... کردد و قانون آزادی عقاید و ... اسلام ... احکام ... گرفت
... تحت ... داخلیه ... ذکر ... هیهات ... بالحدید ...

(در ... حضرت عبدالعظیم بطبع رسید) ... الله ... الشوری

قتل میرزا علی اصغرخان اتابک
رئیس الوزرای ایران

عکس امین السلطان اتابک

روز شنبه بیست و یکم شهر رجب ۱۳۲۵ امین السلطان از مجلس آمده بود دقیقه‌ای که از مجلس خارج گردید
جلو درب مجلس عباس آقا نامی از اهالی آذربایجان پیش آمده یک گلوله از وسط جمعیت بسوی او [illegible]
امین السلطان از درشکه [illegible] جنازه او را حمل بمنزلش نمودند در آن اثنا [illegible] پیدا کردند
عباس آقا هم بعد از کشتن اتابک تیری هم از دهان خود زد و [illegible] مسموم شد
که روز قبل نزد عکاسی رفته عکس خود را انداخته و شبیه عکس را که [illegible] نموده است که این عکس بعد از
قتل [illegible] نوشته در جیب او یافتند نوشته بود (عباس آقا نمره ۴۱ قاتل امین السلطان)

بعد از فوت عباس آقا

عکس عباس آقا

جنازه او را هم برده بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم بخاک سپردند بقعه و [illegible] کردند که تمام
[illegible] دسیسه‌های [illegible] آن [illegible] از اطراف [illegible]

اثر قتل میرزا علی اصغرخان اتابک

عکس روز تشییع عباس آقا

عکس روز [illegible] عباس آقا

میرزا علی اصغرخان بواسطه اینکه واسطه بین مجلس و محمدعلی شاه بود [illegible] از طرف مجلس رئیس الوزراء قرار
[illegible] که [illegible] در ولایات [illegible] از طرف [illegible] تمام [illegible]
[illegible] محمدعلی شاه بود رئیس الوزراء [illegible] محقق [illegible]
[illegible] مجلس قبول [illegible] اتابک [illegible] محمدعلی شاه [illegible] در [illegible] قتل اتابک
[illegible] در مجلس حاضر بودند [illegible] السلطنه [illegible] السلطنه را [illegible]
[illegible] باشند که [illegible] السلطنه خودش [illegible] حال در اینکه
[illegible] اتابک محمدعلی شاه [illegible] السلطنه در این قتل هم [illegible]
[illegible] عباس آقا هم [illegible] قتل اتابک [illegible]
باشند [illegible] بحال خودش [illegible] نموده در [illegible] را [illegible]
داده باشند که اتابک [illegible] الدوله [illegible]
[illegible] نموده [illegible] خورده در مجلس [illegible]
حساب کرده است [illegible] تحریک محمدعلی شاه بوده است

برادر اتابک اعظم

شرح حال شادروان میرزا علی اصغر خان امین السلطان «اتابک»

اتابک پسر آقا ابراهیم امین السلطان پدر آقا ابراهیم «زال» و زال پسر لدحیس گرجی که محل سکونتش در تفلیس و در نخجوان گرجستان بوده.

موقعیکه عباس میرزا نایب السلطنه با روسها مشغول جنگ بود پدر لدحیس قراولهای گرجستان بوده بنابراین چنانچه با ایران همراه و موافق بود علاوه بر علاقه مخصوصی بحکومت دولت ایران داشته موقعیکه عباس میرزا با قشون ایران بار دیگر تفلیس را رسید فاتح میشود چند نفر را اسیر کرده با آنها آذربایجان بخلاف عباس میرزا را عقب نشینی میکند قشون روس حتی عده عباس میرزا را گاه تعقیب میکند در صدد بر میآیند که عباس میرزا را محاصره و دستگیر نمایند.

در این وقت لدحیس خان که در گرجستان ریاست داشته عده از گرجیها را همراه کرده بکمک عباس میرزا میآید و قشونهای عباس میرزا شبانه بقشون روس حمله میکنند اتفاقاً شکست و البته عقب مینشینند عباس میرزا از آن جنگ هم فاتح میشود ولی بعد عقب نشینی کرده با در ناکام مانند بعد از ولیعهد فتحعلیشاه معاهده ترکمن چای بسته میشود.

عباس میرزا بواسطه خدمتیکه لدحیس خان کرده بود او را با ایران آورد و پدر لدحیس پسر کوچکی داشت بنام (زال) پس ده دوازده ساله آقا ابراهیم را خودش آورده بود عباس میرزا بمحمد میرزا پسرش در فرزندانی از خدمات لدحیس میگوید لدحیس بعد از وقعه طالبی مذهب گرجی را که (ارتدوکس است) و متعلق به (کاتولیک است) ترک کرده مذهب مقدس اسلام را معتقد میشود.

بعد از درگذشتن لدحیس پسرش «زال» دارای چهار فرزند میشود محمد شاه لقب باو داد و ضیاء پدر خود را شغل میکرده لدحیس و ترتیب زال و ضعف خوشی زندگانی بسیار غریب بود.

بعد از فوت زال محمد شاه چهار پسر زال را بناصرالدین میرزا میسپارد و بدست او تربیت مشغول خدمت میشوند پسر بزرگ زال یکی که بهمین آقا اسکندر بود رئیس آبدارخانه ناصرالدین میرزا میشود بار موقعیکه سلطنت ناصرالدین شاه منتقل میشود از آنوقت آقا ابراهیم که پسر کوچک زال بود بواسطه لیاقت و فطانت و علاقه که ناصرالدین شاه باو داشته رئیس آبدارخانه میشود علاوه چندین رشته کارهای دیگر هم بایشان محول میشود در سفر فرنگ مرحوم ناصرالدین شاه که در سنه ۱۲۹۵ قمری بود در دربار لقب امین السلطانی مفتخر میشود.

علت اینکه آقا ابراهیم ناصرالدین شاه بایشان میگفت و کلمه خان را که معمول آنوقت بود استعمال نمیکرد این بود کلمه آقا را ناصرالدین شاه در لقب بیشتر میگفت که مرحوم متوفی الممالک بزرگ که آنوقت صدر اعظم بود آقا خطاب میکرد و به آقا ابراهیم هم مخفف آقا را اطلاق مینمود.

آقا ابراهیم بعد از پسر دومش میرزا علی اصغر خان اتابک پسر مرحوم آقا ابراهیم بود که بجای پدر امین السلطان و در سلطنت مظفرالدین شاه لقب اتابکی پیدا کرد.

اتابک بعد از مرحوم آقا ابراهیم در دستگاه ناصرالدین شاه بسمت مهمانداری در سفر مرحوم ناصرالدین شاه که اکنون بکمال رسید و مانند پدر خدمت میکرد تا بالاخره بمقام صدارت رسید و در زمان ناصرالدین شاه و مرحوم مظفرالدین شاه امین السلطان میگفتند.

بهش صحیح حضرت اعلیحضرت قدیمی در بخش امام آن را میرزا علی اصغر خان تمام داد که گذشت از راه ایران که آنها راه فرنگ راه بسیار دیگر امیر از همه بیشتر.

در سنه ۱۳۰۰ هجری که ناصرالدین شاه بارش ازدواج میکرد آقا ابراهیم امین السلطان در رکاب همایونی بود در راه قم آن مرحوم فوت شد و مرحوم میرزا علی اصغر خان هم در رکاب شاه بود آنوقت لقب امین السلطانی را بایشان دادند پس از فوت آقا ابراهیم ناصرالدین شاه تمامی خدمات آن مرحوم را بمیرزا علی اصغر خان داد و امین السلطان تمام کارها را امین السلطان را میرزا علی اصغر خان دیگر انجام میداد.

میرزا علی اصغرخان اتابک در سنه ۱۲۷۴ متولد ودر ۲۵ رجب ۱۳۲۵ شهید در جلو مجلس شورای
ملی که او قبل رئیس الوزرای ایران بوده
در سنه ۱۳۰۵ لقب صدراعظمی (امین) از لقب سوم ناصرالدین شاه که بار دوم با [illegible] در سنه ۱۳۰۵ قمری بعد از
مرحمت از لقب دیگر [illegible] ملقب شد
در سنه ۱۹۱۰ قمری صدراعظم شدند
در سلطنت مظفرالدین شاه نیز از مرحمت از لقب دیگر یعنی اتابک اعظم ملقب شد ۱۳۱۸

شرح حال عباس آقا قاتل میرزا علی اصغرخان اتابک

بقلم مطیع آذربایجانی می‌نویسد

عباس آقا در سنه ۱۳۱۲ ق حینی که در سرای حاجی ... در تبریز دکان صرافی داشته در یک کتابچه ... سری عضویت داشته ... در سرای حاجی جمع میشدند خون ... همه اینها بودند ... در جلسه اتفاق ... از قرار ... بعد از ... دو حوزه داشتند ده حوزه ... در هر حوزه ... بتفتیش ... اطلاع داده بودند که از هر حوزه ... نفر ... در طهران سران حضور ... که از طهران ... مرحوم میرزا ... سر ... قرآن قسم ... که میرزا علی اصغرخان صدراعظم ... مملکت ایران است ... ناصرالدین شاه ... را اعدام کنند مرحوم میرزا ملکم ... بود ... دوازده نفر ... مرحوم میرزا ... بوده ... بعد از ... اطلاع ... اعلام ... دوازده ... ملکم ... سر ... از زمان ... مرحوم میرزا ... شدند ... را ... داده ... بقیه ملکم ... مرحوم میرزا ... میرزا علی اصغرخان ... تو ... ۱۲ ق ... شود کارها ... بشود ... عوض ... شده است ... که ... کشته شود ...

حین ... قرعه کشیدند از هر حوزه ... برای ... کشته شدن ... عباس آقا از حوزه ... قرعه میرزا ... که هر یک باسم خود قرعه کشیدند میرزا علی اصغرخان باسم عباس آقا ناصرالدین شاه باسم میرزا رضای کرمانی ... باسم حاجی ... قادر ...

... دکان ... حاجی ... بود ... اینطور ... عباس آقا ... شده بود ... سیاه ... بود ... در دکان ... شوکت ... از ... بود ... نفر ... در ... شب ... شاه ... داشتند ... صحن ... اینطور بود ... اتفاق ... که ... یک ... شب ... عباس آقا ... دکان ... رسیده ... دکان ... دکانی است که ... داده ... این ... اول ... خواسته ... داده

بعد میرزا رضا ناصرالدین شاه را کشت عباس آقا هم میرزا علی اصغرخان را کشت .

اقدامات مجلس اول دارالشوری

با اینکه وکلای دوره اول مجلس کاملاً بقوانین مشروطیت آشنا نبودند از طرفی هم همینکه محمدعلیشاه بسلطنت رسید با مجلس در مقام
مخالفت برآمد و مستبدین هم وکلای ساده حقیقی ملی و دارای احساسات شدید وطن‌پرستانه بودند از طرفی در اثر تحریکات محمدعلیشاه
استقامت و پافشاری بسیار دیدند از طرفی هم پس از دو روز مشغول وضع قوانین لازمه بودند لذا است قدمهایی که در راه
سعادت ملت و مملکت برداشته‌اند متذکر میشویم

۱ عزل کامران میرزا نایب السلطنه از وزارت جنگ
۲ ازبین بردن نفوذ حاجی ملا محسن عراقی از عراق
۳ قطع نفوذ سردار منصور و حاجی خمامی از رشت
۴ انفصال ولیخان سپهدار از تنکابن
۵ برانداختن نفوذ قوام الملک از شیراز
۶ عزل ظل السلطان از اصفهان
۷ جلوگیری از نفوذ غیر قانونی حاج میرزا حسن مجتهد و حاجی میرزا کریم از تبریز
۸ عزل آصف الدوله از خراسان
۹ انفصال امیر حشمت الملک از قائن
۱۰ عزل عمیدالسلطنه از طالش و کرگانرود
۱۱ احضار ظهیرالملک از کرمانشاهان
۱۲ احضار سوارهای از حضرت معصومه قم
۱۳ انفصال نیرالممالک از متصدی مالیه یزد
۱۴ احضار فیروز میرزا از ایالت کرمان
۱۵ عزل لیاخوف روسی از ریاست [illegible]
۱۶ حبس سالارالمعظم بختیاری
۱۷ حبس رحیم خان چلبیانلو
۱۸ متفرق کردن علمای [illegible] طهران که بدستور محمدعلیشاه [illegible]
۱۹ جنگیدن با محمدعلیشاه که از دستور ماده مجلس بود

اصلاحات مالیه مملکت

یکی از اعمال مهمه مجلس اصلاح جمع و خرج مملکت ایران بود ناصرالدین شاه با اینهمه قیدی [illegible]
[illegible] انتظام شروع باصلاح کرد باهم عمرش وفا نکرد ناصرالدین شاه کشته [illegible]
از گشتن [illegible] مملکت ایران نمود
مجلس بوسیله کمیسیون باسم کمیسیون مالیه مامور اصلاح جمع و خرج کشور گردید کمیسیون مزبور [illegible]
اشخاص بصیر [illegible] ماه [illegible] دقیق [illegible] کرد [illegible] مملکت را جمع و تعدیل نموده [illegible]
[illegible] کمیسیون مالیه علاوه بر جلوگیری از صرف [illegible] ایران
[illegible] [illegible] صد و سی هزار [illegible] گردید

اضافه جاری خالصجات دولتی و اجاره اموال دولتی از قبیل خاک شرح معادن جزیره هرمز و جنگلهای
مازندران و غیره از این جمله اند لیکن بسیاری از آنها را در سابق بوده ملکی نوازش داده اند

علاوه قطع قسمتی از مستمریات و وظائف که سلاطین سابق اعتدادی در باره اشخاص برقرار کرده بودند
و تمام موجب دلگرم (مردان هدایت) سبقت ریاست آورد این کسان موظف بودند در شب
سی صد کتابچه مختلف وظایف و اسامی آنان را که قریب چهار هزار فرد بودند مطالعه و دقت کرده و
در باب هر بیست هزار نفر مستمری و وظیفه بگیر رای بدهند آن کسان مایه مرکب بودند و کلای طهران و شهرستانها
مهم که تصمیم و مسائلی در باره اشخاص داشتند قریب هر کدام بقانون از این حقوقات کسر کردند
این مبلغ از حقوقات صد هزار نفر از اهالی کشور و سیزده نفر از شاهزادگان بزرگ و جزو
درجه اول بودند

از قبیل شعاع السلطنه که سالی هشتصد و شصت هزار قران ظل السلطان هفتاد و چهار هزار قران کامران میرزا
بیست و شش هزار قران سالار الدوله عضد السلطان هر یک بیست و چهار هزار قران نقد و جنس
موجب مستمری بود برای هر یک از شاهزاده ها سالی بیست هزار قران تصور تعیین کردند باقی را قطع نمودند
نقادی در عمل مالیه حکام تمام فروع قانونی مالیات از قبیل [illegible] را هم برحسب لیاقت اضافه کرده
کتابچه های مالیاتی را از ایالات و ولایات مقرر داشتند از این قبیل هم مبلغ کل بر مالیات ها اضافه گردید
اصل مالیات یزد - کرمانشاهان - کرمان که اصل مالیات تقریباً چهل و چهار هزار قران بود نقادی عملی
به هفتصد و بیست هزار قران رسید اصل مالیات بلوچستان که سیصد هزار قران بود نقادی عملی به چهل
هزار قران رسید و مانع شد

از اقدامات مهم مستوفی لغو تیول بود که در زمان قاجاریه معمول کرده بودند تیول عبارت بود
از آنکه سهام موجب از بابت حقوق و مستمری وجه نوکری که سالیانه شغل سرکرده یک یا چند محل از املاک
خالصه دولتی را فرمان صادر می کردند و آن املاک را بنام تیول فلان [illegible] مالک میشدند هر
و چند برابر صاحبه حقوق [illegible] از اهالی عادی میبردند و بر این کتابچه و دفاتر دولتی در آن
املاک ریاست این عمل علاوه بر آنکه سالی مبلغ های گزاف بخزانه مملکت خسارت وارد میکرد اسباب
اجحاف بسی هم در امور مالیه موجب ها و تسلط حکمرانی ارباب حقوق و تیول بر رعایا گشته بود مستوفی با لغو تیول
علاوه بر آسایش رعایا مبلغی هم بر عایدات مملکت افزود

اقدام دیگر مستوفی تسعیر قاعده تسعیر بود که بمرور زمان [illegible] نقود مشخص [illegible] خود را که مالیاتی
بعال حرکتی [illegible] باری تسعیر کرده [illegible] لیکن تسعیر کم از [illegible] بیش از ده
در صورتیکه قیمت جنس [illegible] برابر ترقی کرده بود باز همان تسعیر [illegible] این رسم مبلغ
زیادی بر عایدات دولتی افزوده مخصوصاً مازندران همان سال نقادی قسمت بچهارصد هزار قران
رسید

یک قدم دیگر که مستوفی برداشت ممیزی علمی و [illegible] بود که بواسطه [illegible] فصل
در ۱۳۲۵ این ممیزی شروع شد پایه ریاست احصائیه علمی بموجب [illegible] در صدد که از تمام املاک
صورتی برسد [illegible] هیئت مرکزی در طهران و یک هیئت سیار تشکیل دادند هر یک از این دو هیئت
مرکب بود از یک نفر مهندس اروپائی و یک مهندس ایرانی یک نفر ممیز ایرانی یک نفر منشی و یک نفر محرر مرکزی یک نفر محرر و یک
نفر مساح

هیئت سیار که ریاست (دوبروک) مهندس ... که کشف شده بود در حدود یک هیئت خود در آن
دادند قریب هفتصد و شصت قریه از بلوکات طهران را ممیزی کرده نقشه مربوط (توپوگرافی) تهیه
از بلوکات طهران که ممیزی کرده بودند بر روی نقشه که در دو رقم ... بزرگ سوالاتی داشت پس از
رسیدگی جواب آن سوالات را نوشتند از قبیل ارتفاع زمین درجه حرارت درجه رطوبت آبیاری
از کدام رودخانه بهره‌برداری میشود مساحت اراضی کاشته شده و اراضی قابل زراعت اصلاحات ممکنه و
عده نفوس زارع و زن و بچه و قنوات و سایر مقدار باران محصول که غله سایر انواع با
حیوانات و مصنوعات مثلا عده گاو و عده گوسفند از ذکور و اناث و مقدار جنس ...
و غیره هیئت سیار نقشه و حسابات ... که در حدود ... سوال نامه جوابی رسیدگی نقداً ممکن
نقد قسم محصور به برگردن ... هیئت مرکزی طهران ...
استخدام مسیو (...) فرانسوی بود برای اصلاحات تعیین ... از طرف اداره ...
بود از طرف ... کار ... پیشرفت کرد و ... مساعد بود
موضوع دیگر ... ممالک ... که برای اولین دفعه در تاریخ ایران ...
بانک ... قانون ... مذهب حنفیه را در قانون اساسی ...
مراجعه ... کردن ... های اجتماعی را از
اهالی
محاکمه ... سرکشی ... سهام ... حاجی محمد کاظم ملک التجار که سالها در عهده
تعویق ... شده بود ... موضوع مهمی شده بود ...
محمد علی شاه محاکمه و رسیدگی کرده ... ادعای ملک التجار رای دادند
امضای قرارداد روس و انگلیس درباب ایران مورخه ۲۲ رجب ۱۳۲۵
... که در ... قسمتی ...
... در ایران منتشر میشد
اقدام دیگر مجلس ... بانک ...
... ایران داده ... بانک ...
معین ... در طهران ...
...
بانک ... تحویل ...
...
... محمد علی شاه ...
...
اقدام دیگر مجلس ... سپهدار اعظم ...
... سپهدار اعظم ... کردند

اجتماع اعیان و اشراف در منزل عضدالملک

رجال و اعیان لکن مأیوس بودند که با این ضعف دربار در آتیه موفق به دربار دیگر با وجود اطراف شاه با آنها بود مخصوصاً که مکرر
بودند خاصه مشروطه بهم بخورد با اوضاع حاضره و دربار مستبد و اینکه در آتیه در دربار رخنه پیدا کرده لکن از این خواهید قرض سلطنت
قاجاریه از این رفته آنها لکن مستعمل خواهند گردید

لهذا بودند علاءالدوله - معین الدوله برادرش - سردار منصور - جلال الدوله پسر ظل السلطان جمعی را با خود همراه کرده به منزل عضدالملک
رفته عرایض به شاه عرض بکنند که باید امیر بهادر و دیگران را از دربار اخراج کند تا سلطنت قاجاریه باقی بماند شاه به مشارالیهم جواب آنها را قبول
ظاهراً امیر بهادر و دیگران استعفا کرده که خود را استعفا کرده ... شدند که این جواب قرار نموده اند

دیگر اینکه محمدعلی شاه فوراً تسلیم آنها گردید ... بود ملاحظه کرد که این ... بهم بخورد روز به روز ... آنها ... یک ... عظمی در
در مملکت ... و ضعف ارائه خواهد نمود

بعد از اینکه جواب در منزل عضدالملک ... داده روز به روز ... آنها ... شد ... از اجتماع ...
و ... خود ... ... بدون ... رفته ... محمدعلی شاه ... اجتماع را ...
بعد از ... منزل عضدالملک امیر بهادر ... داد که ... مازندران ... امیر ... دیگر
... امیر ... صادر نمود که ... باید ... امیر بهادر ... آنها را
... بسیار ... امیر ... حکم ... امیر ... تسلیم ...

امیر ... در جواب عرض کرده که ... مستطیع ... از ... کسان ... را از این ... حضرات
... فرمایند

... امیر ... حضرات امیر ... دربار ... باید ... همه
در ... و ... از امیر بهادر ... که ... امیر ... امیر بهادر
... توقف ... جهت ... فوق ... فراهم
... توقف ... قرار ...

امیر بهادر که ... توقف ... آنها را ... کسان ... امیر ... مازندرانی و ... خاک
آنها را از ... فراهم ... که ... دهند

مقید حضرات مازندران ... جمادی الاولی ۱۳۲۶ بود

تشکیل انجمن مرکزی در سیلی نوزاری

مهرعلی شاه باطنًا مجموعه دینی از ملعقات برمهدیت بردباری ابلدت محرمانه امیر بهجادل و نمادین دیلمی اسپ سواد ابلدن ایام باحیش
د تحفظ معلوم است که القدر هیچ یکی داریج ملی ممکن کردند اسباب حجیت توده را فراهم می‌ساختند شاه تمام لطایف و دوار خود را صرف
ادارۀ ایالات نموده و بوسیله سلطنت آذربایجان را امور رعیت دنیا برقرار داده بهیچ گونه تکلیف است دانایی عمومی اشتها را فراهم ساخت
ماهر شوند و از اوضاع دیگر از بنا انجام شاید دشنام سکر دید انجمن با هنیز شاید بودند برخوردار خود قرار داده از آنجائیکه مرکز است ایلید
تشکیل یک مرکزیتی افتادند

تشکیل انجمن مرکزی

هر انجمن متفرق نماینده معین نموده در حوضچه ملی جمع شده هیئت رئیسه برای خود انتخاب نموده ارشد الدوله را رئیس انجمن
مرکزی انتخاب کردند قرار دادند آنچه واقع میشود انجمن ها به هیئت رئیسه انجمن مرکزی اطلاع داده و تمام دستورات را از آن انجمن بگیرند
و بعضی از انجمن مرکزی از همت نماید که تمام افراد حتی شاگردان مدارس شناسنامه و دستور نشر فدند آنچه را امر بر مخالف و عدم مراجعه داده میشد
خودداری کردند باید ملاحظه کلیه نمایندگان را نمود که هیئت بی اطلاع از حقیقت در کنار یک رئیسی شکل ارشد الدوله معلوم است که:
راه صواب از اراذل کمتر سپردن شاید ظاهراً با کمال اقتدار مشغول بودند
صورتی نظام را هم رئیس مجاهدین نموده خوب آنان نظامی بودند مجاهدین را لقسم بندی نموده در اطراف مسجد و ملی سنگر بندی نمودند
و شرطیت کامل میشودند اعمال و حسابیه مهرعلی شاه بدرجه رسید که آثار متفرقه عالی را اشراف کنند چه اینکه دربار سلطنتی محصور شده
بود به مملکت - امیر بهادر - صنیع حضرت و خدابنده ارتش قلی

قسم خوردن محمدعلی شاه

اگرچه محمدعلیشاه بهیچوجه از نظر مخالفت آنچه خود را متعهد است روز بروز رسیدن مشاغل و دارائی خود می‌افزود ولی بعد از اینکه انجمن‌ها
در همه شهرها اندر مجمع گشته اینها بود و جنجال از طرف توده برخاسته شد وکلا بر در مجلس عده مذکوری متحد شدند محمدعلیشاه برای اغفال
امواج آن رشته بدست آورد و مردم را خاموش سازد
جمعی از وکلا و علما را بحضور خود دعوت نمود و قرآن را نام قرآن از جیب خود درآورده در حضور جماعت قسم یاد نمود که هرگز بمجلس
خیانت نکند فرزند خود و [illegible] دانسته بهیچوجه با فرزندان خود مخالفت نخواهم نمود لذا باید وکلا و توده در حفظ خاطر جمعی در عقب مال [illegible]
اسلام وظیفه توده از طرف هرگونه مخالفت برحذر باشند وکلا مجلس برحسب توده شرح یادداشت را حضور باید وکلا عرضه داشته ظاهراً مخالفت
را برطرف کردند ولی جمله‌ها منتظر وقایع جدیدی بودند که دفعه بعد تعداد انجمن‌ها در [illegible] نمود بیش از آن
نظام السلطنه یافتی که رئیس الوزرا بود بعلت مشاهده آن از ریاست وزرائی استعفا داد چه اینکه محمدعلیشاه از افراد لایق کابینه کاملاً اطمینان
نداشت و با تنها مخالفت شمرده شده بطریق ودرباری او را کاملاً هیئت وزرا مطیع بودند نمودند شخصی از هم تحصیل کرده دارد
مشغول مخالفت با مجلس بود و از بیچوجه اعمال مشتبه و دربار قدرتی از سرگرد نه تنها توده مجلس را از خود متنفر ساخت بلکه دسته‌ای از
کلیه رجال و اعیان سلطنت را نیز فراهم ساخته بود
در این موقع مخالفت آشکار بود اول در صدد [illegible] اما الدیته دولتهای برآمد که بعد از جنگ خصوصی از آنها کمک بسر دارد
لکن بودیه تمام حکام بر دول اطلاع و وزرا و سرلشکر کامله ملاقات صادر نکردید
در حقیقه پیش از اینکه ملاقات را از سردار گرفته با اقتدار آن کابینه این اتابک پیش از آنکه وزرا اعلام داشتند در این موقع اسر ملاقات صادر شود
که این دو از گرفته جمعی دسته بیاید سپهدار را جواب نماید آنچه ممکن بود جمعی دسته شد ولی استعفا در این عمل لازم است که اسرار آن
فتح و جمع کردند

ترور کردن شیخ فضل الله نوری

در علم و فضل شیخ بالاتر از سایر علمای معاصر مرکز با اینکه در ردیف اول بوده ولی با سید عبدالله و سید محمد
چون در راه آزادی و مشروطه قدمهای بلندی برداشته و در مقابل ارتجاع سد بزرگی بودند جایگاه این دو سید جلیل بودند
بیشتر [illegible] مشروطیت بالای درجه اول بود چون در تمام مسائل [illegible] از این جهت تحصیل فوق العاده کرده و در ترویج
در نفوذ و [illegible] احترام فوق العاده ممتاز دیدند این سبب حسد کلیه علمای طهران شده بود از جمله شیخ فضل الله
این بود که علم مخالفت برافراشت ولی در حضرت عبدالعظیم چون موفق نشد [illegible] آن [illegible]
مدتی از [illegible] اختیار نمود و در واقعه میدان توپخانه هم باره او را [illegible] با سید محمد مجتهد مخالف شیخ را مقصر
دانسته در صدد برآمد که او را از ارتجاع [illegible] باز داشته با خود متفق سازد [illegible] شیخ [illegible]
جهات عدیده و مذاکره مفصل برای اصلاح [illegible] با کلام الله المجید قسم [illegible] بر خلاف
مشروطیت و آزادی قدمی [illegible] همراه [illegible] سید محمد از این موفقیت
خوشوقت و مسرور شده [illegible] این قضیه را [illegible] رسانیده [illegible] بعد از آنکه [illegible]
گردید [illegible] (توبه شیخ فضل الله) و چون شاه از قضیه مطلع گردید [illegible]
خود [illegible] داد که این موضوع را [illegible] در میان جامعه بگویند [illegible] شیخ [illegible] حال
موقعیت است که در تمام [illegible] سید عبدالله و سید محمد احترام [illegible] شده [illegible]
فریاد زنده باد [illegible] ولی از این شیخ فضل الله [illegible] کلمه توبه کردن [illegible]
[illegible] او را با خود [illegible] حاضر نماید [illegible] شیخ [illegible] محمد علی شاه [illegible] را
متقاعد نموده اشخاص [illegible] را نزد او فرستاد و [illegible] قرارش داد که خود را (... الدوله)
نمودن [illegible] که نزد شاه و دربار [illegible] شیخ [illegible] طلب بود
دستور [illegible] طهران از ارتجاع [illegible] محمد علی شاه [illegible] شد [illegible]
[illegible] مشروطه صادر محمد علی شاه [illegible] تصدیق کرده [illegible]
شیخ را [illegible]
[illegible] در این مجمع [illegible] داده [illegible] از شیخ [illegible] حقیقت [illegible]
طهران بودند از طبقات مختلفه در این انجمن جمع کرده بودند باطناً [illegible] مشروطیت و آزادی
برسد [illegible] انجمن [illegible] ظاهراً [illegible]
و موضوع [illegible] اطلاع بودند [illegible] مملکت نموده جمع [illegible] ایران را [illegible]
قطع حقوق [illegible] املاک [illegible]
هر دلیل [illegible] املاک [illegible] اقدام [illegible]
شاه [illegible] شاه [illegible]
مظفرالدین شاه را به محمد علی شاه [illegible]
نماید در میان [illegible]
[illegible] نظام [illegible]
هم او را [illegible] نظام [illegible]
قیمت [illegible] نظام [illegible]
سید [illegible]
حال [illegible] نظام [illegible]
[illegible]

مخالف شاه عملی حکایت تاریخ شاه

۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶

بعد از اینکه محمدعلی شاه از هر جهت قوای خود را آماده یافت از اطراف دیگر بهانه‌ای از عدم تمکین ملی برای او درآورد
سفرا و اتفاقات کرسی نموده در صدد برآمد که مخالفین خود را ملتفت سازد با اینکه از ملت قوایی داشت در شهر تکیه داشت
اعوان جلادت خود را با تمام تکبر خارج شدن از شهر برآمد ولی بعد از قتل اتابک از حرکت خود در جهت تدارک
استعداد برای حرکت خود دید ولی بطور غیرمترقبه کالسکه خود را در ساختن حرکت کرد حاضر نمود قوای خود را که عبارت
از محافظین مطبع ارتش سیلاخوری ما تبعه اسرار و الواط با الوجمعی صنیع حضرت را به جهت فاتح
عمارت تخت سرپرستی حاضر نمودند تمام تهاجم یک حولی مدتی گرفته ایشان را بالا برده همه دروازه یکمرتبه درب
اندرون حاضر عده هم از سوارها برای بهادران بختیاری مخصوص بودند دسته تمام در بالا آماده گشت محمدعلی شاه
از اندرون بیرون آمده سوار کالسکه شد پیاده‌ها یکمرتبه حرکت با چماق جماعت را زده مردم هیچ‌کدام کالسکه
در عقب پیاده‌ها سوارها اطراف کالسکه را گرفته به طرف پیش روند با فریاد بلند از حال جلیل آن سلطنت
تاج شاه بهمین ترتیب سر رسیدند در جلو ملی شتر سوارها شلیک نموده که کشته اطراف جای بهانه‌ای دکان کوچ خود را
که به آنها قرار نمودند از این بهانه تو حال آن وقت شلیک توده ملی را توجیب او خصوصا بار اردو هم اسیر
دو سه نفر کشته شده در حین باره که چه دقایق رخ داده و چه بر سر آن‌ها رفتگی در جلو خواهند داشت با اینکه
هرکدام بطرفی رفته تحقیقات کرده معلوم گردید تمام آن انقلاب برای حرکت شاه بعضی
اشاش حشری شاه پس قبل از اسرار رسیده بود با تماس تحت ضعیف سردکاری ترتیب دسته تابع شاه رسید
نفر آزادی کشته هم مسکوهر حال آلوده شده و از محبس شاه با قم از آنها در رشتا دمشق مشغول اقدامات
شده همان حال یکی شمرده مشغول جمع‌آوری قوا و استعداد کامل شد احوال باغ مرس توپخانه اتحاد توپ
و مهمات از هر قبیل سوخورد و هستند تابع شاه حمل نمودند از ابتدای اقدام و چماق به در بیرون قوا و استعداد تابع
وسیله اضطراب ملی گردید ملت هم که حرکت نتیجه ریاست کاملا مستقل بر کوی در باغ ملک بودند از آنجا که دولت
سهمدار اعظم را و دیوانه بیدنده طماع با دیده مثل انجمن سابق را از ادامه تحریک به مجلس الدوله برگذار کرده سر را
صالح قتال را تیز از حکومت طهران منفصل با سر عظم جلالت الدوله هم بار داد از اعظم سلطنت را هم معتقد دیوان
برگزار به مجلس الدوله برسید بر که سه گروهی بلکه از اف را مقطوع رخنه که حیرت ولایات نمی رسد و چنان
مرکز الاهم ولایات می‌رسد

اقدام مسیو دلمول در تقاضای شاه

وکلا و علما اوضاع را اندیشناک کرده بهر وسیله ممکن بود این خبر را بولایات و ایالات رسانیده امر به تعطیل
عمومی کلیه مملکت میدهند تا بازار طهران را هم تعطیل نموده کلیه اهالی در مسجد شاه در مجمع گشته هر یکی جای را
گرفته با تیرهای خود شاه را ابلاغی دیرینه طلاق نمایند هر یکی تهیه مقام و نگهداری برای خود دیده در تقابل استعداد شاه
صف آرائی نموده با طمطراق هر کدام توپ بادلی کرسی خطابه افراز و فضایح عملیات شاه را گوشزد ملت
خواهند شیر دادسخن داده فضایح اعمال و نتایج رفتار و کردار شاه را گوشزد عموم ملت را آگاه مینمایند فرار و قشون
و الواط ابرار و دسته سوارش را از درار آن در خانه جمعیت هر کسی جلو بیاید رسید تحقیق نکردند از طرف مجلس شاه
مامورین مخصوص با پول زیاد و عشایر بکریلدی تحقیق فرستادند که شاید بتوانند از علما حکم و دستخطی را گرفته و
نهایت بدست آورده در مسجد را مسدود اما هیچ مالوجایه ترکنید اعمال و اشراف ترتیب تمام شاه را هر کسی که کرده
رفتند انتها شیر موفق بمرام خود نگردیدند مراجعت نمودند موقعیکه حکم از علما بدست بیاورند

تلگراف انجمن و اجتماع منزل عضدالملک قاجار
تعهد و حبس علاءالدوله جلال الدوله - شمس الدوله

اعمال و رفتار محمدعلی میرزا العظمی تنفر آمیز گردید که رجال و اشراف و اعیان سابقه که دو قاجاریه هم از او متنفر شده بودند
و علی الخصوص جنبه سلطنت محمدعلی شاه داده بر ضد شاه اقدام شروع کردند.

با آنکه علاءالدوله - جلال الدوله - شمس الدوله - و دیگر اعیان و اشراف که سرسپرده و بانی این اجتماع بودند سایرین را نیز جمع نموده منزل عضدالملک رئیس ایل قاجار با امیر بهادر و جلال دیگر درباریان که عامه از آنها متنفر بودند درخواست نمودند تبعید آنان از این پیش آمد و اجتماع اعیان و اشراف حرف و فش گردیده دسته دسته با آنها ملحق گشته اجتماع عمومی مهمی گردید. محمدعلی شاه قول داد که بعضی از آنها را تبعید کند. امیر بهادر ظاهراً فرار کرد و اجتماعات متشکل گردید. بعد از چندی علاءالدوله - جلال الدوله - حاجی شمس الدوله و امام شاه و دیگر درباریان متعهد و بخط خود سرپرستی صادر نمودند که در نزد آن محترمین باشند. امیر بهادر و اینها را گرفته با قاطر و تخت مالک عده سوار
فراهم و دعوی روانه مازندران نمایند و حکم شد که یک عده سوار از آنها باشند و تمام لفافه‌ای را امیر تومان مأمور شد که بعضی از آنها را مسموم نمایند.
آنان جواب دادند که ما متعهد هستیم که آنها را تحت نظر خود نگاه داریم و لیکن عهد ارفع حجت است.

عده سوار را هم ردیف نموده خودش متعهد شد برای حفاظت آنها سعی نموده به گونه در حال آنها را فراهم مسافرت نماید که
بعد از چندی مقبول قضیه تبعید نموده و در روز نامهای تحت تعقیب گردید امر داده شده که از آنجا حرکت دهند.
در روز ورود مقبول به قسم اسباب تحمیل آنها را فراهم ساختند بعد از آنکه مقبول محمدعلی شاه را در تخت فشار و شقه امر چند شاه و حرف
بعد و وکلا و اعیان و علما نمود بنام السلطنه در حضور دیگران قرآن مقدس را از جیب خود در آورده قسم یاد نمود که رعایای
خود را بسیار قربان خود نمیخواهد و به سعی و مثل حقیقت تامین مهد و ارادم.
وکلا مجلس در جلسه شرح قسم را بیان نموده ظاهراً اتفاق گردید ولی معلوم بود که قسم خوردن شاه و قسم صدور این در حواد
داشت.

این بود وقتی علاءالدوله مثل آنکه در این شب آنها حسنعلی خان نایب (النظام السلطنه) بعنوان ریاست انجمن معاد و تعظیم اعمال
محمدعلی شاه فقط را اسیر نمود که خودش دستور داد که در این موقع که حالات مقبول سرخوش بود بر روی مردم به کوته اعمال و حساب
محمدعلی شاه و در طرف دو ایالات ترکیب گردید بر دو هر از دست راست حیثیت تو ده را فراهم ساخت.
از آنجمله سپهدار اعظم که حکمران آنجا بود و امیر اسعد هم که ملکوتی دانسته حسین و سعد تبادل در ۲۷ ذیقعده ۱۳۲۵ تلگرافی
به محمدعلی شاه مقام که شرارت راه گرفته ولی بعده شش از وکلا گم است منتظر رسیدن قول هستیم که شراره را تعقیب نموده دستگیر نمایم.

تلگراف از تبریز

از تبریز تلگراف انجمن ایالتی و مقبول مجلس میرسید که میرهاشم حاجی را با دیگر جمع نموده دستور الملک داده بستر را درباره و
اوضاع شرارت نماید رفع سرحمت این سید سر و شود.

اوضاع کرمانشاهان

الرشاه که از ساداتی بارزی بود در طرفداری علم و مخالفت را در ضد مقبول محمدعلی و دستجات ارباب بی خط فیت و دیگر مرحمان و کتار نمود
مقبول آدر تعقیب و بوسیله مجلس دست دراز اشرار تعدیل را فراهم ساخته محمدعلی شاه مجلد امیر اسعد که تا آن بلکیا تا آن از قبه
مخالف را اسما تعبید نمایند.

در وقت کرمانشاهان بالاتر سرافه شده بعد از آنکه در این شرط نموده به تعقیب رعایت از محمدعلی شاه متعهد حرم دولتی قصبات نوبل از طرف
و بعد از آن ایما رسیده بود مجید از آقایان و بعضی لفظ داده مسعود اهلی آنها همراهی نکردند.
حاج رحیم مجتهد - آقا محمد صالح مجتهد - آقا شیخ - تجار العلماء - شیخ عبدالحسین - وثوق الملک - معین الرعایا -
صدر السادات - حکومت و معظم الدوله - و محتشم الدوله تلگرافی را داده آنها رفته را امر با نموده به آن ولایت رحمت
مقبول را فراهم ساخته تلگرافات تلگرافی نهایت آن مجلس و وزرا امر رسید.

شیراز و قصه کشته شدن قوام الملک و حاج سید جعفر

در شیراز قوام الملک بر ضد مشروطه و تمام همه متفق را منفذ ساخته از مجموعه جاتی که [illegible] به حکم فردیکر از مشهورها [illegible] مجروح شده
و در [illegible] بی [illegible] آن منبر خسر بدر [illegible] از طبقه برای فاتحه خوانی فرستاد از جمله حاج سید جعفر که [illegible] دارد
آن منبر کشته [illegible] قوام [illegible] سید [illegible] قطعه قطعه نموده [illegible] قوام الملک [illegible] خود [illegible]
[illegible] کرده در آخر منازل شهر سنگر بندی نموده متفق خود را بر ضد مشروطه و [illegible]

واقعه [illegible] محمدعلی شاه

در این هنگام محمدعلی شاه از مجموعه جاتی که [illegible] فردیکر از [illegible] حیدرخان [illegible] نفر زاده [illegible] که محمدعلی شاه را
مقتول نماید حیدرخان [illegible] از [illegible] صادق برک - [illegible] شاه -
[illegible] داده [illegible] محمدعلی شاه [illegible] آباد [illegible]
[illegible] داد [illegible] دادند [illegible] فرح [illegible]
[illegible] صادق برک [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] شاه [illegible]
[illegible] را [illegible] -
[illegible] محمدعلی شاه را به حیدرخان داده [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]
حیدرخان [illegible] محمدعلی شاه [illegible] کالسکه [illegible] کالسکه [illegible]
[illegible] محمدعلی شاه [illegible] کالسکه [illegible] کالسکه [illegible] شاه [illegible] نموده
[illegible] حیدرخان [illegible]
[illegible] صادق برک [illegible]
[illegible] نموده [illegible] -
[illegible] محمدعلی [illegible]
[illegible] کالسکه [illegible]
کالسکه [illegible] -
[illegible]
[illegible] محمدعلی شاه
از [illegible] -

[illegible] رضا بالا

[illegible] رضا بالا [illegible]
[illegible] محمدعلی شاه [illegible]
[illegible] -
با اینکه حیدرخان را [illegible] رضا بالا [illegible] رضا بالا نموده
از [illegible] محمدعلی شاه [illegible] حیدرخان
را [illegible]
[illegible] نموده حیدرخان [illegible]
[illegible] محمدعلی شاه [illegible]

سواد قسم نامه محمدعلی شاه که پشت کلام الله مجید نوشته و مهر کرده
عکس آن در بهارستان ضبط است

هو

محل مهر محمدعلی شاه قاجار

۱۳۲۴

چون بواسطه انعقاد یک مجلس چند روزه در تهران و سایر ولایات ایران واقع شده برای ملت بدظنی حاصل شده بود که خدای نخواسته ما در مقام نقض عهد و مخالفت قانون اساسی هستیم لهذا برای رفع این توهم و اطمینان خاطر عموم ملت باین کلام الله مجید قسم یاد میکنیم که اساس مشروطیت و قوانین اساسی را کلیه در کمال مراقبت حمایت و رعایت کرده و اجرای آنرا بهیچوجه غفلت نکنیم و هرکس برخلاف مشروطیت رفتار کرده مجازات سخت بدهیم و هرگاه نقض عهد و مخالفت از ما بروز کند در حضور صاحب قرآن مجید بطلاق عهد و شروط و قسمی که از وکلاء ملت گرفته‌ایم مسئول خواهیم بود.

سواد عریضه وکلای مجلس شورای ملی به حضور اعلیحضرت شاه قاجار
که در پارلمان ضبط است

مجلس شورای ملی

مورخه یازدهم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۶

نمره ۱۰۸۰۳

بشرف سده سنیه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه

در حالتیکه از دولت چند هزار ساله ایران نمانده بود مگر اسمی بلامسمی و قوای حیاتیه آن با تسلط خارجه و جهل داخله
و حمله‌های ثقیل بی‌اندازه بنقطه آخر رسیده سلب شده بود و استقلال آن منتهی بود بموئی مرحوم مبرور با اراده ملوکانه که الهام از الهامات غیبیه بود ـ
از امواج حوادث تقدیر و سرگردان از مخاطرات عظیمه سیر بی‌اندازه سرعت نمود چون مشیت خداوندی منشور مقدس عدل را
امضا فرموده بودند که بعد از عهدی طولانی استقلال و اثر ملت و افراد اهالی را از خواب غفلت طولانی بیدار و در راه ترقی رهبری فرمودند:
صاحبان عقل و تجربه در طی مراحل تاریخ اخبار نمود و شهادت اتفاق خواص و عوام ملت با وجود چندین قرن مرارت و مخاطرات
و مهالک کرده یک حرکت غیورانه از فضائل بی‌حسی خود را دور ساخت بقیه بایع دو قرن اصل استقلال ملت
و استحکام دولت شده که قوای مملکت با ارتقاء است سلطنت و دولت است که همه است اینها از طرف ملت بشخص
پادشاه تفویض شده است که حرم حق‌شناس تغییر مسلک سلطنت شد و اعلیحضرت شاهنشاه مبرور انارالله برهانه با انعقاد
فرمان مشروطیت و اعطای سعادت جاوید ملت بزرگ ترقی نهاده نام خود را بر صفحات ابدی تاریخ ثبت و لیکن مهد
عظمت و تقسیم این موهبت را روزگار برای تقدیس و تکریم نام نامی اعلیحضرت همایونی ذخیره کرده بود لهذا که در سایه معدلت مشید
و طالع ارجمند همایونی در اول جلوس میمنت مأنوس رضای شاهانه را بانعقاد بنیان مشروطیت جلب شده
در سنه یکهزار و ... حسن نیت شاهانه را با کمال ... که بصورت احیای عموم ظاهر گشته بود توفیق داده با کمال
ترقی قانون اساسی فرمان داده در صورتیکه جهانیان منتظر بودند که از این تجدید حقوق که بین پادشاه و رعیت حاصل
و اعلیحضرت سعادت که تمام ملت گرویده آثار ترقی و تمدن از عیب و کدورت که ناشیه سعادت و حقوق و حظوظ
جمیع ایرانیان است ظاهر و در خارج امنیت و آسایش عمومی فراهم گردد و روز بروز قدرت و انتظام و تمامی طرق و مراتع
و اعلیحضرت سرحدات رساند و در خود تحت که در تحت لطف مقام اعلیحضرت شاهنشاهی است دولت و ملت ایران است
و قانونی یکی با کمال اتفاق آن وقت اگر در صورت و معنا اتفاق نمود و قوه حقوق ملی اگر هر یک از آنها که مطلوب است که از جانب
آن با دولت منوط است دربار هر چند قلم ایرانی را از آن تاریخ که در محور حقایق امور متحرک لذا لازم است مذاکره از طرف ضبط
آن سرزمین و رحم تحواه در حبس تعداد آن ضایع و ننگ از آن فضایح را چه قبح که جهانیان خصوص عید اعظم دوفعه شدائد
ترسانه و غیره غیره هنوز در اسلام دانواده مثل سال دیار و طاعون در عداد تواریخ منحصر در مملکت مذکور در کوره از آن است
از آن اوقات فضیحه هنوز در ذهن رسیده و در حقیقت آرام نیافته و حرکت دار ... بقوه ملت کامل اتمام نهاد رفته
بود که از ... بعد همان امر اراده برای تبدیل روابط بین پادشاه و رعیت و بیع چند روز قبل را که در حوالی ماه
ذیقعده را توقیف شده بیرون شده که در دو طرف دو روز از قضیه حادث دو ساله قسمت کلی را نهاید داده از جمله
اصلی " تمام ... دهم - دوازدهم - چهاردهم - بیست و دوم) را که روح قوانین اساسی است نقض نموده
مقدمه توسعه انتظام این ملت را از آنکه بهزاران امید سرحوادث دل در قلوب رعایا سر بزدا از سیم و بین بر انداخته سجل آن
مأیوس حضرت بامیش و شدت شکستند و خصوصاً در موقعی که سرحدات مملکت دچار مخاطرات عظیمه است اتفاق جاته
برانداز ختم رابا بین سند و صادر نموده که خاطر مقدس همایونی را اسباب عزل وکلای ملت و دوار آن ساخت ـ

دعوت‌ها و در همه جور ممالک که بنای اداره‌شان بر اساس مسئولیت است مسئول مملکت را تنها در عقیده خود مستبد در اداره مشروط است که دوام اصول
ملازم است با اصول دولت مشروطه و قوم ایران و اهالی اسلام که سه‌لوح قرآن قصه جریان نهاد ازل از آن استحکام —
حب الوطن من الایمان را یک جزو دهد با بیداری حواس لطف خاص نشده حفظ حقوق خویش است تحمل نخواهد شد که ایران و اسلام
خود را با هرچه در او هست آلت بازیچه چند نفر مفسد درباری ببینند .
دستخط‌های ملوکانه که روح جمیع مرقومه شده در این ایام که بطور صریح و مسلم مجبور کرده رد قوانین اساسی و اعاده حقوق رفته خویش را مطالبه
شده‌اند بعد از آنکه بهم ریخته و حصار آن بود از طرف کمیسیون اولیاء که در نظر تمام طرق چاره تمام است موقع اعلام کرده شده ولی
اقدام و استهلال آن از قبل بریک زنجیر پاک کردن است در حالیکه حول دلها در فوران و کلیه ایران در ایستادگی است نقض
قوانین اساسی در سنوات حریت دارد از شرف ما و تمام ایران را با بله و قیام برکرده اگر امر ماله در بنا با مجامع تودهٔ خواستند چه اهلک
متفق را از آن ظهور توانا گردد .
بالجمله یکدفعه بر وکلای ملت جمع بحث شده بر مردم تهران و رفتار ولایات در اعاده احترام قوانین و اصلاح کلیه امور آن
آن در آنکه وصف و حال را از دست ملت بر دیگر بطور قطع بر عقیده ملت ثابت شده است یعنی و قیمی اشتباه چرا اینها دیگر تقلبات
انکار که شان عهود و سینه دلها را لکه دار میکند و بدست قانون با توپ و لوگه اسلامی میکشد و بر طرف میکند و خبر است .
ادله ... مستحضر متن مقرر ما که تاکنون تابع شده است که در وقت سانحه به این عقیده را تابع بود که در سلطنت مشروطه تمام امور در تمام
اوقات باید در مجاری قانون سیر نماید با اصول دیگر قانون اساسی را لفظ بمعنی رسید .
(اصل چهل و چهارم) شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزرای دولت در هرگونه امور مسئول مجلس هستند .
(اصل چهل و پنجم) کلیه قوانین و دستخط‌های پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول
فرمان و دستخط همان وزیر است .
(اصل پنجاه و هفتم) اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده است .
(اصل شصت و چهارم) وزرا نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند .
در صورتیکه کلیه امور از قوه کار در مجاری وزارتخانه با مقصد مدیر قدرت مسئولیت یک وزیر آن از شخص اعلیحضرت شاهنشاهی رفع
و بعهده وزراء مخصوص شده است و هر مقام متشخص سلطنت به تمامه محفوظ بماند والا در صورت این اطلاع وزرا از قبول اعتبار
با وجود ایراد مسئولیت بر آن وزرا بدیهی است از طریق عدل و عقل خارج است و در اساسی که شخص رئیس اراکاله عقلا و حکما
جهان برتر بشمرده است این تصور هیچ شخص با ایده و عجب شمرده میگیرد که فقط امر را از بدو مسئول باشند با اینها آنچه بعقیده نوشته است
اغراض مفسدین چند که رشته ملک و دولت و خانواده شخص ملوکانه هستند در این یک باک و فطرت پاک ملوکانه که از اول امر
سلطنت عظم شأن است و حقوق و امانات صداقت نمادهای و صاحب اثر و در تمام حال خاطر مفسدین ملوکانه را از صرف تمنیات جیب
میکنند که با خبر اصلاح عامه و فرستگیها مسافت دارد و هر دقیقه با لغات ... مستقره ملت را به را از معانی اصول
مشروطیت و قوانین اساسی منصرف ساخته بمقتضای خودخواهی و استبداد ذاتی خودشان را در راه خدمت و مصلحت عموم ملت
قوانین مملکتی را اکنون در حضور مبارک ... سلطنتی جلوه داده لعد از آن و ... از قبیل ما ... خاطر مفسدین را ...
القاء بحفظ و انهدام سیاسی اصول قانون و اسد از پر ... اما در اینکه کشور و دفعه قانون اساسی جبران شده و
اعاده احترام قانون بعمل نیامده است در اینکه کلیه امورات در مجاری قانونی حل و فصل نشود و تمامی ملت را اطمینان
کامل حاصل نگردد که حفظ تمامی حقوق ملت در حوزه اختیارات بوده و بنده آنچه با عامل واقع شده باز دیگر نقض عهد قانون
نخواهد شد محسوب باشد وارد خواهد بود که وکلای ملت بمقتضای وظایف که دارند و حالیا بشهادت جدا از
دستخط در آن مجید بر عهده گرفته‌اند بعدم اشکال تحمل خود را با قبول این اده مسئولیت ملت بموکلین خود اعلام نمایند .
(امضاء اسمعیل ممتاز (ممتاز الدوله))

سواد جواب عریضه وکلای مجلس شورای ملی از طرف
محمدعلی شاه قاجار

محل مهر دربار

مجلس شورای ملی   لایحه شما که مبنی بر تکذیب انتساب خطر وکلای ملی از کفاءه و هواخواهی آنان بود رسید اینکه تمام مردم ایران ودایعی است که
پروردگار عالم بحکمت بالغه حفظ و حراست و آسایش و امنیت قاطبه آنان را بر عهده کفایت ما واگذار فرموده و اینکه این مقصد کلیه ما
فراغت و رفاه حال و آسایش عموم اهالی بوده مقصود ایشان گفته و جلوه در مورد محبت شده و تکمیل ترتیب کابینه است ولی جواب مختصر از لحاظ
اظهار به الله ما معتقد و مشتاق داشته امور را ملتفت شده باشیم که در چند ماه از حدود وظیفه شما در کشیده است اولاً عرض و دلیل هر قوم
دولت و ملت و قانون هر دولت و سلطنت به اصول آن که منحصر است به مشیت و حکمت خلاق عالم ان حیث عظمت که دست
قدرت و حافظه تصورات بشر به آن فرمایه ای که کوتاه بوده و خواهد بود بس نهایت کوشش دارد که هر دولت استحکامات
حشمت سلطنت از سلک تقاریر و قاعده بیان مدلول کرده شد که حسن عارضی … (… و استقلال
منتهی بموقع بوده) و حال آنکه علاوه بر آنکه در سلسله حکمت صدر ایشان سلطنت ایران را ارث محقق
و حق مسلم نقش بنقش خود میدانیم با موقعیکه مشیت خلاق عالم مقتضی آیه کریمه (قل اللهم مالک الملک تؤتی
الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر)
تعلق گرفته رشته انتظام آسایش ملت در کف کفایت شخص همایون ما باشد استقلال و ثبات سلطنت
و عواطف قوم ملت خود را از اعمال قوه و سهام اراده از آنچه مستدام و لیله زوال … بلاحظه
عطوفت ملوکانه بود که محض تمکن اشاعه عدل و داد و فراهم شدن اسباب رفاه و رفاهیت ملت و تجدید
در ضعف ملت … و ناتوانی از آراء عموم رعایا راضی شدیم در کلیه امور … داده بودیم جهت ارزوی نهایت
خود و سیاسی سلطنت خود و صورت ایرانی ایشان دول معظم در عداد دول (کنستیتوسیون) اعلام
فرموده و برای تحدید حدود و جریان امور مملکتی و نظام جمهور که عبارت است از سه قوه قانونیه اجرائیه
و قضائیه قانون اساسی را در نهایت رافت و حرمت پذیرفته و ممضی داشتیم که در تحت قاعده مقرره
اصل بیست هشتم … سه قوه مستقلاً از هم در نتیجه قاعده نظم ملک و ملت جاری و ساری باشند نص صریح
قانون اساسی جریان امور را در همان سیر محدود مقرر در قصد ترقیات ملک و ملت … —
منتظر شده و در مدت اخیر را قانون صریح بوده متعین نموده حق مسئولیت را بحکم قانون از دولت
خود خارج دانسته در جزئی و کلی هرچه از طرف هیئت مسئوله با اسم ملت صحیح … که اعتراض …
نهایت … را … ملیه … و … خود … تکلیف … کرده منتظر حصول
نتیجه بودیم —
حال تا تمایل تبعیت قانون اساسی و از روی علم و بردباری که حقوق … در وجود ما بودیعه قرار داده هر قدر اصلاح امور
و رفع تعدیات مملکتی را از … نتیجه … هر چند … نتیجه … ندیدیم بلکه در هر مسئله که پیش آمد نقض قانون اساسی
… از طرف هیئت مسئوله … عموم مشهود … داده و بر خلاف تمام قوانین عالم … ل
کم ظرف و ما عوام مستبدین بر پایه … سلطنت مشروطه … را وسیله … عمومی قرار داده … در مدارس … گاهی
در محوطه خود مجلس اشخاص مسلح کرده … حرکات بی قاعده شد … جهت … از نظام
مملکت رعایا از هم گسیخته کرده که ادامه … آن … و حرکات بی اندازه … از جمله
که از تکلیف … و … اقدام و الزام تمام تکلیف ملی شده .

وضع قانون قصاصیه که عبارت از عدلیه باشد بود تا باین درجه هرکس بحالت مخصوصه دچار حبس لغو شده رفتار نکند هر
نفع از آن تکلیف حقیقیه نقض شده و تهران دارای عدلیه قائم نگردیده است و بهمین سبب با وجود شرط حل و دل
و اقتراض و سرقت عموم در قبضه طره و فریاد و اعدامها به ترتیبا نرسد و لوسطه هر چه هرکس در جوابات برای حضور
اسباب باقی نمانده در صورتیکه قانون تعدیم تشویق و تقدیس شخص سلطان تصریح میکند با همه هیئت مجریه که:
عبارت از وزراء است .

مبرهن بود که هرگاه وضع و تاسیس عدلیه و نظارت امور تعلق میدارد و در این هر شخص سلطان را طرف قرارداد
و در امورات شخصیه سلطنت مداخله نموده سواد حتی لا ارتاء قول «» را در امور دخل کرده بحکم قانون اساسی
قوه اجرائیه در دست وزراء که سلطنت مفوض است هرکس را ما خواهیم مصدر نقض و این است تدقیق بعض
دقت و صلاح هر آن نظم امور مارجعات روابط دول خارجه قرار بدهیم بخلاف قانون با هر از دست بعضی
اقدامات بعمل آمده گردید که جهت بدکاری بوده بلکه حکم و حشمت سلطنت با هیچ از تصریح و تشریح کمترین
آن است و بخلاف اصل سی و نهم در چند مورد دیگر رفتار شده و به تنقیض عمل کرده قانون تصریح کرده
سلطان مقدس است و اصل دهم مصرح است که در مواقع حتمیه و جنایات قوه نظمیه اقدامات فوری بعمل
آورده در مدت سه دفعه بیست و چهار ساعت محکمه رسیدگی نماید و تصحیحات را در زمانه محاکمات هر حرکات
وقتیکه بعمل بیاید که در عظمت هست و بعد از وقت این ملوکانه کسب کلی که بمرتبه فرزند خود ملاحظه نموده هم
قانون و در عمده اقتصاص حسن جنایی را تحویل میکرد .

اصل سیزدهم اعاده ملت را در مقام قانون ملتا درج نموده و مجلس از دیدهم مسائل است را اسعد بطرائقه مجرده بی
کرده در چند مورد دیگر از اصل نقض شده با آنکه مداخله در امورات از طرف ملت خارج نبوده به نقض
اصل تا ترقی دهیم لذا و تصحیحات عدیده از طرف ملت مشروطه صادر شده حتی که نقض اصل سابق ترقی دهیم تنقیض
سه فقره شده است قانون تصریح کرده سلطان مقدس است در اصل بیستم هر از دست رفت هر از
نقض و اجرای معاهد قانون بعمل آمده و جها و الوجوه جلوگیری شده است تا از مسئله جوابد مسترد نطق
نطق قبیل است عموم ما مشاهده در حوزه و حیثیت سرا از بدو اول اصل ثبت و حکم در مسئله مجلس تعدیل نقض
کرده ه علاوه بر اینها هرکس نقض قانون از کلمه مشروطه تقدیس سلطنت هاتمه و بالاتر این عبارت عدم
مسئولیت شخص پادشاه و حقیقت است که از روی کمال عدم عدالت در مقام اجرای مشروطه سعی با قبض شخص
برسانید که بدل نشد از ادله اطلاعات ملت مشروطه را از رسیدگی سعی و حصول فوائد جهانی هم در حاضره مأمور
ملتی شخص قانون ما را از استعداد و اطلاعات مدرسه و دولت ملت خود را با امور با اندازه روابط بین دول و حقوق
بین ملل و لوازم ملک داری منعطف نمایند که فرصت مال حدا است - نکرده بحث با منتهی وظیفه بندها تام لکن
برای بقای شرف و استقلال سلطنت و حفظ مقام قول و قسم خود در سال ملل معظمه تا به حفظ گنجی و شئون با هم
و هرگز نمیتواند که من حرمتی و قضیت لمن همت را که از روی کمال بی اطلاعی با ما شده بر خود قبول نکرده و جمع که
با اندازه در اساس سیاست مهم مملکت بی اطلاع بوده و تنقیض اصول قانون با اخلاق مردم متعقد شده زیر انتظام
اکتاف مملکت چندین بر آن سالم و جهات را از دست حقیقت نکرده ملت را که حداوند در عهده کفالت شخص ما نوزن با سرور
و مشغول بسیو قرار بوده و از دست بر آنکه رجحان داده بیشتر از آن محلها را از این نقص قطع از بعضی نخواهم کرد تا بالمنت و با ارتقاء
و توصیه تاکید و با ابلاغ حضور حجه عهد ایشان فرموده سلطنت خود را از روی حقیقت منتظم و قانون اساسی را از دل متعلق
بموقع اجرا گذارند که با عموم ملت از فواید آن بهره برند و در مهد امن و امان آسوده و فارغ البال باشند .

عکس

دستخط ساطع النور آیات الله حضرات حجج الاسلام

و آیات الله فی الانام و سوادان فرقه ناجیه اثنی عشریه و نقباء طایفه حقه جعفریه که در جواب توقیع منیع حضرت حجة الله امام عصر عجل الله فرجه اطاعت شان بر تمام شیعیان فرض و حتم است آقای حاج میرزا حسین خلیلی و آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقای ملا عبدالله مازندرانی متع الله المسلمین بطول بقائهم

بسم الله الرحمن الرحیم

البته معلوم است که حفظ بیضه اسلام و ابقای ممالک اسلامیه تکلیف عامه مردم است و بر هر فردی از افراد مسلمین واجب است که بر حسب قوه و استعداد خود در مقام تحصیل مقدمات آن برآید و در دوام لوازم آن کوتاهی نکند خصوصاً که اعظم مقدمات آن تعلم و تعلیم ادوات حربیه است که بمقتضای زمان معمول میباشند -

پس بر عموم جوانان مسلمین و اهالی مملکت اسلامیه واجب است کفایةً که در مشق نظامی و تعلیم قواعد حربیه جدیده که معمول الیوم است اینگونه مسامحه و مساهله ننمایند و کمال اهتمام و اهتمام در این باب [illegible] سابق برای مجلس در این باب سؤال شده بود همین مضمون جواب داده شد و از قرار تلگرافات چنانکه صورت [illegible] مشق نظامی که [illegible] معلوم شد که [illegible] در این باب [illegible] کامل نموده پس در این صورت کمال اهتمام دارد که [illegible] در تحت قانون قرار داده و ملت [illegible] که در طریق آن قدم زنند تا که قوه و استعداد حربیه و نفوس [illegible] هر یک در این باب خود را حاضر نمایند و در رتبه مجاهدین فی سبیل الله محسوب شوند -

تا اینکه [illegible] و شوکت اسلام [illegible] در انظار تمام [illegible] در این امر اهتمام خواهند نمود (وما توفیقی الا بالله) الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی محل مهر

بسم الله تعالی [illegible] محل مهر

الاحقر عبدالله المازندرانی محل مهر

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] الاحقر حاج میرزا حسین [illegible] محل مهر

حضرات حجج الاسلام ادام الله ظلالهم العالی [illegible]

[illegible]

(سرباز وطن ملت ایران است)

عکس

دستخط علمای اعلام و حجج اسلام عتبات عالیات

دستخط ساطع الانوار الامتناع حضرات حجج اسلام و آیات الله فی الانام مروجان فرقه ناجیه اثنی عشریه و پیشوایان طایفه حقه جعفریه که مرجع تقلید نوع شیعه حضرت حجة الله امام عصر عجل الله فرجه امثال ایشان بر تمام شیعیان فرض و حتم است اعنی آقای حاج میرزا حسین طهرانی و آقای آخوند ملا کاظم خراسانی و آقای آخوند ملا عبدالله مازندرانی متع الله المسلمین بطول بقائهم

بسم الله الرحمن الرحیم

بر عموم افراد ملت خاصه عشایر و ایلات و نگهبانان حدود و ثغور مملکت اسلامیه ایران اعلان میشود که در هیچ دوره ضعف و ناتوانی مملکت و دول اسلامیه باین اندازه که فعلاً مشهود آحاد است نرسیده چنانچه توده و قوای دشمن و اجانب با نهایت جرئت از هر طرف بودن آن در هر نقطه از نقاط مملکت اسلام باعث ... رجال کشی (?) بدشمن است — و معلوم است اگر حال بدین منوال بماند هر آینه حادثه جانگداز «اندلس» در وطن مقدس اسلام خواهد ظاهر شد — پس قبل از وقت تا فرصتی در دست است بر تمام دسته‌ها و عشایر و ایلات و سایر اهالی حدود که سرحد ثغور مملکت و قوه قهریه دولت ... فعلاً لازم است که حفظ ... اتفاق کلمه جامعه اسلامیه ... و دست یکدیگر داده در تعدیات و فجایع اجانب از اراضی اسلام جلوگیری کنند و تقیم (?) ... اصلاح حدود خود دارند و قانون نظام دار ... تسلط ... که حال ... و ... سیاسیه مرکزیه صادره ... شرعیه حکام اسلطنت ... دولت اسلامی ... در حکم مساعده ... حضرت ولی عصر عجل الله فرجه ... با اسارت ... و ... مملکت ... در ... اسلام ... رقیت اعادی دین مخلص نمود والا (لا یصبحن حوزة الاسلام تحت سلطة الاعداء یفعلون فیها ما یشاؤن و یحکمون فیها ما یریدون ولا اراه ما الله ذالک الیوم) انشاءالله — (حرره الاحقر عبدالله المازندرانی محل مهر)

(الاحقر نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل محمد حسین) (حرره الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

محل مهر

محل مهر

رجال معروف ایران در [illegible]

الی سنه ۱۲۹۹

- حسینقلی خان [illegible] نظام السلطنه که در مشروطه رئیس الوزرا شد پسر [illegible] خان [illegible] محروم [illegible] شد
- میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم ثانی در محرم سنه ۱۳۲۵ قمری وفات یافت لقبش بمیرزا حسن خان مشیرالملک داده شد
- ~~مخبرالسلطنه هدایت پسر علیقلیخان مخبرالدوله~~ در آخر نوشته شده است
- سلطان علی خان وزیر [illegible] [illegible] پسر [illegible] خان [illegible] الملک پسر [illegible] خان [illegible] پدر میرزا [illegible] خان [illegible] الدوله [illegible]
- سرتیپ میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه [illegible] است
- شاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه پسر ناصرالدین شاه ملقب بامیر کبیر بود
- شاهزاده ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه (مسعود میرزا)
- میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک که نایب السلطنه ایران شد قراگوزلو همدانی پسر احمد خان پسر محمود خان ناصرالملک [illegible]
  در ۱۲۸۲ متولد و در ۱۳۴۶ وفات یافت
- شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما [illegible] [illegible] پسر [illegible] السلطنه
- مرتضی قلیخان صنیع الدوله که رئیس اول مجلس ایران شد [illegible] خان [illegible] مخبرالدوله که [illegible]
- مهدی قلیخان وزیر همایون کاشی [illegible] پسر [illegible] خان امین الدوله برادر [illegible] الدوله
- سعدالدوله کاشی که [illegible] کردند
- نظام الدین خان مهندس الممالک کاشی از تحصیل کردگان عصر ناصری بود
- میرزا علی اصغر خان امین السلطان پسر آقا ابراهیم آبدار ناصرالدین شاه که مکرر صدراعظم ایران شد [illegible] در سنه ۱۳۲۵ قمری
- میرزا علی خان محتشم السلطنه پسر میرزا محمدعلی صدیق الملک [illegible] است
- میرزا حسن خان مستوفی الممالک پسر میرزا یوسف خان مستوفی الممالک [illegible] وزیر و رئیس الوزرا شد
- میرزا محمود خان علاء الملک برادر نظام العلماء تبریزی بود در ۱۳۰۵ قمری وفات یافت
- میرزا احمد خان مشیرالسلطنه که در [illegible] صدراعظم شد [illegible] است
- میرزا جواد خان سعدالدوله پسر حاجی میرزا [illegible] تبریزی
- میرزا محمدعلی خان قوام الدوله پسر میرزا عباس خان قوام الدوله [illegible] است
- میرزا حسن خان مشیرالدوله پسر میرزا نصرالله خان مشیرالدوله [illegible] [illegible] کنند
  (در [illegible] ۱۳۴۳ [illegible])
- حسینقلی خان [illegible] الملک پسر رضاقلی خان [illegible] است که [illegible] رسید
- میرزا [illegible] خان [illegible] الملک پسر حاجی میرزا محمد تقی خان [illegible] الملک برادر امین الدوله [illegible] برادر میرزا علی خان امین الدوله است
- میرزا علی خان امین الدوله که صدراعظم ایران شد
- حاجی رضاقلی خان [illegible] الدوله [illegible] پسر حاجی [illegible] نظام الدوله
- رضاقلی خان [illegible] پسر [illegible] الدوله [illegible] که در [illegible] ایران [illegible] شرح آن نوشته شده است (نظام السلطنه) شد
- شاهزاده عزیزالله میرزا ظفرالسلطنه نواده عباس میرزا نایب السلطنه
- حسنعلی خان فخرالدوله پسر علیقلی خان مخبرالدوله [illegible]
- میرزا حسن خان مشیرالملک پسر میرزا نصرالله خان مشیرالدوله [illegible] [illegible]
- محمد [illegible] خان [illegible] [illegible] سند در صدود ۱۳۳۶ قمری [illegible] است
- میرزا عبدالوهاب خان نظام الملک پسر میرزا کاظم خان نظام الملک پسر میرزا آقا خان نوری صدراعظم [illegible] ناصری
- علیقلی خان پسر رضا قلی خان [illegible] [illegible] طبیب [illegible] که [illegible] الملک شد [illegible] [illegible]

عبدالرحیم خان همدانی (نظام) پسر مصطفی قلیخان ساعدالسلطنه قراگوزلو

محمد ولیخان سپهسالار اعظم که در جنگ خود رئیس الوزرا شد و [illegible] الدوله پسر [illegible] خفیف [illegible] است

میرزا حسن خان وثوق الدوله پسر معتمدالسلطنه که کرارا وزیر و رئیس الوزرا شد

حاجی علیقلیخان سردار اسعد بختیاری پسر حسینقلیخان ایلخانی است در سنه ۱۳۳۵ درگذشت

فتح الله خان اکبر سردار منصور که اخیرا سپهدار اعظم شد

دبیرالملک که در رشت وکیل شد

میرزا ابراهیم خان کاشی غفاری پسر فرخ خان امین الدوله (معاون الدوله) لقب داشت

شکرالله خان معتمد خاقان اصفهانی (قوام الدوله) نواده حاجی محمدحسینخان صدر اصفهانی است که در اول طبیب ایران [illegible] کرده

حسینقلیخان نواب پسر جعفرقلیخان نوه محمدرضاخان شیرازی که در عهد صفویه از طرف سلطان ایران [illegible] مامور شد [illegible] وزیر شد

میرزا ابراهیم خان حکیم الملک پسر میرزا ابوالحسن [illegible] حکیم مظفرالدین شاه

اسدالله میرزا شهاب الدوله پسر محسن میرزا [illegible] اخیرا وزیر شدند

شاهزاده سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله پسر سلطان احمد میرزا عضدالدوله که رئیس الوزرای ایران و صدراعظم شد

معین الممالک پسر میرزا محمدخان صدیق الملک در زمان شاه [illegible] معزول کردید

ابراهیمخان منصورالسلطنه که در اوایل [illegible] کرده

اقتدارالدوله [illegible] آبادی (میرزا [illegible] خان)

میرزا محمدخان وزیرزاده که بعدا شرف الدوله شد کاشی

امیرخان سردار [illegible] پسر [illegible] سپهسالار برادرزاده عین الدوله

میرزا اسدالله خان ستارالسلطنه [illegible] وزیر شد [illegible]

میرزا ابوالحسن خان [illegible] السلطنه که در اوایل [illegible] ([illegible]) در ۱۳۱۸ [illegible] درگذشتند

میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک پسر میرزا محمدحسین خان ذکاءالملک پسر میرزا مهدی ارباب اصفهانی

محمدعلیخان [illegible] الممالک که در [illegible] وزیر [illegible] است

معمارالدوله [illegible] وزارت نمودند - میرزا احمد خان پسر میرزا ابراهیم خان [illegible] السلطنه است

[illegible] خان [illegible] الدوله که لقب [illegible] داده شد وزارت نمودند

عبدالحسین خان صاحب اختیار کاشی غفاری پسر میرزا هاشم امین خلوت که در وزارت هم نموده اند

میرزا سلیمان خان پسر میرزا [illegible] خان میکده

شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله پسر فرمانفرما مکرر وزیر شدند [illegible] که [illegible] درگذشتند

عبدالمجید خان سردار [illegible] کاشی که سابقا [illegible] نظام لقب داشت

حسینقلی خان نصرالملک پسر حبیبقلی خان [illegible] الدوله

مصاحب الممالک پسر نصرالملک کاشی غفاری

میرزا حسن خان مشارالملک مکرر وزیر شدند

میرزا علی خان [illegible] به وزارت رسیدند

اکبر میرزا صارم الدوله پسر شاهزاده ظل السلطان [illegible] سیاسی ایران محسوب است

[illegible] خان [illegible] الدوله برادر سپهسالار اعظم محمد ولیخان

حاجی میرزا احمد خان مشیراعظم پسر مرحوم میرزا علی اصغرخان اتابک وزارت کردند

مرتضی خان ممتاز الملک برادر سعدالدوله چندی سفیر ایران در آمریک بود بوزارت هم رسید در ۱۳۰۴ وفات یافت

میرزا حسین خان عدل الملک وزارت و ریاست مجلس کردند

عبدالله خان معتمدالسلطنه برادر وثوق الدوله پسر میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه وزارت نمودند

میرزا احمد خان نصیرالدوله پسر میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله شیرازی وزارت کردند

ابوالفتح خان حشمت الدوله طباطبائی پسر [illegible] برادرزاده نظام العلماء تبریزی وزارت نمودند

ممتحن الدوله پسر میرزا اسمعیل خان معتمدالوزاره که معمار دارالفنون شد که عمارات مفروش نمودند

میرزا احمد خان قوام السلطنه پسر میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه که مکرر وزیر و رئیس الوزرا شدند

دکتر اسمعیل خان مودب السلطنه که بعد امین الملک شد وزارت نمود

جعفرقلیخان سردار بهادر که بعد از فوت سردار اسعد پدرش سردار اسعد شد مکرر وزیر شدند

لطفعلی خان امیر اعظم پسر حاجی [illegible] خان ایلخانی بختیاری

میرزا حسین خان معین الوزاره پسر علاءالسلطنه وزارت نمودند

قاسم خان سردار همایون پسر حسینقلی خان والی پشتکوه وزارت جنگ شد

حشمت الدوله هراتی (امیر نظام حسنعلی خان سدانی پسر عبدالله خان امیر نظام)

سالار لشکر پسر فرمانفرما وزارت نمود (مدیرالملک حاج میرزا محمود خان آذربایجانی وزارت و رئیس الوزرائی شدند حالا در دربار پهلوی است)

وحیدالملک کاشانی وزارت کرد (مودب الدوله میرزا اسمعیل خان که در نیابت وزارت پست کردند)

دکتر مسعود خان وزیر جنگ شدند (مدیر السلطان نوائی پسر میرزا احمد خان نوائی)

مصدق السلطنه مکرر وزارت نمودند

ادیب السلطنه سمیعی مکرر وزارت نمودند

رضا خان پهلوی سردار سپه وزیر جنگ شدند بعد بسلطنت رسیدند

عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی پسر کریمداد خان وزارت کرده بعد در سلطنت پهلوی وزیر دربار شدند با قدرت کرده محبوس باش در زندان کرده

مخبرالسلطنه حاجی مهدیقلیخان هدایت پسر علیقلیخان مخبرالدوله برادر صنیع‌الدوله ابن رضاقلیخان امیرالشعرا هدایت که مکرر وزارت و ریاست الوزرائی شدند

صنیع‌الدوله مرتضی‌قلی خان هدایت برادر مخبرالسلطنه و آن زمان پسر علیقلیخان مخبرالدوله که رئیس مجلس شورا و وزارت مالیه ایران بر قرار شد

مرتضی‌قلی خان صدیق السلطنه که سالها رئیس کارخانه‌ها بود تجارت نموده در اروپا تحصیل کرده بود

قائم‌مقام میرزا مهدی خان وزیر همایون سابق

شمس الممالک پسر میرزا محمد خان صدیق الملک که رئیس الوزرا بود بعد از خودش وزارت کرد

ستنارالدوله صادق خان پسر میرزا جواد خان سعدالدوله از رجال آزادیخواه مکرر در کابینه‌ها وزارت کرده است و مکرر سفیر شده

صمصام السلطنه نجفقلی خان بختیاری پسر حسینقلی خان ایلخانی است که در مواقع سخت رئیس الوزرائی کرده‌اند

سردار محتشم غلامحسین خان پسر حاجی امامقلی خان ایلخانی بختیاری

مخبرالملک - محمدقلی خان هدایت پسر حاجی قلی خان مخبرالدوله پسر رضاقلی خان هدایت

سردار اسعد - پسر حاجی خان ایلخانی بختیاری سابق محتشم السلطنه لقب داشت

اعلاءالملک نصرالله خان حسینی پسر آقا مرتضی (مهاجر الممالک میرزا محمود خان کاشی عقاری پسر نصیرالملک است)

امیراعلم - دکتر امیر خان پسر میرزا اسمعیل خان معتمدالوزاره آذربایجانی وفرنگی است (وثوق السلطنه میرزا مهدی خان کبیلی داود پسر میرزا علی وزیر لشکر)

معتضدالسلطنه میرزا محمد خان پسر میرزا نصرالله مدیر خیابانی از اهالی قزوین است

اعلاءالسلطنه احمد خان سرتیپ پسر حاجی عبدالله خان از اهالی قزوین است

تحریکات و اقدامات ملوین در سفارت
محمد علی شاه مخلوع

وقتیکه سر نقشه و نیت شوم محمد علی میرزا ملعون آشکار شد و دیدند مجلس و وکلا و آزادی در خطر است شروع بتحریکات
نموده انجمن‌ها هر یک بقدر قوه استعداد و افراد مسلح تهیه کرده اطراف مجلس کشیک دادند

اقدامات آقا سید عبدالله حجة الاسلام
در انجمن

سواد مراسله ایست که مرحوم آقا سید عبدالله نوشته اند

بعرض میرساند خودم اگر چه چندی است ناخوش هستم لیکن بقدر تکلیف خودداری نکرده ام [illegible] که در شهرها آدم
فرستاده همانست معادل یک هزار نفر از انجمن‌ها [illegible] شهرها مسلح آورده اند [illegible] عرض است انشاءالله تمام فوائد ارکان
مجلس مقدس شورای ملی سید اله ارکانه [illegible] عوض میدارد ایام بکام باد
از طرف شهر تو هم [illegible] فرستاده نبودم [illegible] بعرض رسیده است هر فردی [illegible] تکلیف خود را بکنند

در حاشیه آن مراسله نوشته شده

حضرت مستطاب [illegible] آقا سید عبدالله حجة الاسلام حفظه الله تعالی
در خصوص انجمن شهرها که [illegible] از [illegible] باشند در کار [illegible] مجلس باشند [illegible]
[illegible] در مجلس باشند [illegible] اطلاع داده [illegible] از [illegible] دارید
(محل مهر مرحوم آقا سید عبدالله بهبهانی)

تلگراف [illegible] از [illegible]

[illegible] حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله دامت برکاته [illegible] وکلای محترم مجلس [illegible] هزار نفر [illegible] خود در حال
[illegible] مجلس مقدس [illegible] مجلس مقدس [illegible]

تاریخ بمباردمان مجلس توسط محمد علی میرزا شاه مخلوع ۱۳۲۶ ق مطابق ۱۹۰۸ مسیحی

فصل ۷م

شروع به بمباردمان مجلس

و رفع قزاق به سمت سپهسالار

۱۳۲۶ مطابق ۱۹۰۸ مسیحی

۳۶۶ ملک شعاع‌الملک

اینک با طلیعه صبح انفاق زنجیر افتاد آن هنگام که شعاع‌الملک در گوشه مسجد سپهسالار قرار را حس کرد

یک عده قزاق پیاده وارد مسجد میشود در حالیکه مع الاتفاق که زنجیر نهاده بود از آن صدای گرده داخل

مراکز و شیر میشود که داخل شدن مسجد جنگ را حس نماید ما هنوز دستور جنگ نداریم چون نمازا خوانیم سلام

دسته اسم را حس بحمد نمود خواستند لذا مجاهدین شکم اسبهای سپه قزاقها از شهر خارج شود شاید وسیله صلاح فراهم

کردند که خط و مشی را انقفه که با انها را دست بدهد ازشهر خارج شدند در این شهر مجلس را نتیجه تمام قزاقها

حالی داد و شهرها را سرگرم کرده بناهر جوه و بعداً با تهاجم رسید یک عده از اشخاص بی اسلحه رفتند با این

نماد و کلا را با دو ده بدید تمام ارکان آن که در داره شدند با سلام صلوات جمعیت بسیاری آمد تا در بدر از

تفرجمیعت رسید عقب نفر را ده نشوند معلوم شود که از در بکه اسما نمودم سیدی را نشته تعداد زیادی اعیان را

در این بین اتصالا گرسنه و شبول حرکتی نقالی مجلس رسید از خط فهم مجاهدین بناه الدوله آمد از تا کمال

دش ماندن ده تعقیب در دوش زنی باد سر وطن در ده با محمدعلی شاه که مسلمانان آگه شد در این بین آمد

عبدالله قاسم که زن قزاق را احضار دو انبار داخل را کرده میگردد که او صحیح با ادلیم در حال

تنحی و تندی حرارت سید که اگر آن عقب نفر را نفرستند تمام کدها را خراب کنید و همه را دستگیر میکنم در این حین

که انها مشغول برآمده هستند مجاهدین هم در سنگرها خود شان حاضر هستند صدای خیلی بلند میشود زنده باد مشروطه از سید

چنین تصور شد که مجاهدین مجاهدین دسته نها میشد تند تیر از تحقیق معلوم میشود همه ما زنده باد ناسید جمال را با سلام

صلوات می آوردند (با الکوی سکه با خوف) اینکه شکلک سید که جلو دسته سید جمال را گرفته بهار شهرت تا از

در شلیک اول سه نفر می افتند باقی فرار میکنند

در طرف جنوب هم این شلیک داده میشود از طرف انجمن مظفری که بخت با تیر توپ حاشیه بود و از طرف

سنگر سر در پامنار که رئیسش منتصرالدوله و شاهزاده حسن بود از طرف انجمن فاطمیه که سنگرها شهرزاد اشند

شلیک شروع شد بیش از ده دقیقه جنگ تمام بلکه قزاقها که حراس بود قرار میدادند با عده و

شاه و نفر کشته جاکداران در میدان بهارستان جلو مجلس قزاق بوده که اسبهای قزاق نیز اسب

اسبها بعضاً که تیر خورده چاره نبود در مانعه بود در منطقه عجیبی لگد شده و نیز قزاقها از طرف

بامها رفتند که شرف سنگره مشغول تیراندازی بودند انجمن فاطمیه با توپ داوند که فقط مواجب

بامها و سمت سرچشمه را تا طول کشید که قزاقها را از بامها پائین کشیدند ولی توپ که در جنب سرچشمه

بود جمع صد و سه برد برای انکه دیده می شد ولی گلوله ها از آن تیر مجاهدین داخل سر بخت حسین محمدعلی

شاه رسید اسبها فرار کرده حالیکه کار بسخت شد فرار با تار سواره قزاقخانه از عرض و سر باز سیلا خوار

و بابا قافله که حافظ شاه بودند بلکه تنها مدت قزاقها را داده متار کردن تفرقه ما لاغ کشته میشود شاخوانار

زاده میرزا حیدرخان صدر ایران اتی که از مسجد قارج بود دیگر با سربازان مشروطه بود که ملک و شائی بیرون

میگذاشتند بیک رتبه جنگ شروع میشود در شاه از تیر بخود داد کشته شود

در موقعیکه هنوز شعود کیت میدان حقیقی و ظاهر را فاتح از تیراندازی لیکن و جمعیت خیال جمع خاطر

با عده خود شان از پیش تهیه قرار کرده هر چه شعاع‌الملک از نها خواهش کردند قرار توقف کنند تحول

نمیکه با حال عجیب قرار کردند در این حال از شهر دیگر خبرها رسید ولی با اطمینان که قبلا داده بود در حقیقت

چه مواقع که اسلحه و فشنگ و مهمات که همچون جنگ خوا ید رسید چیزیکه هم در تحویل تهمان اسمی است

که محمدعلی شاه اتمام استعداد و امکان بنماید ولی هر کسی را که برای آن گرد آن قشنگ مسجد شما در

بر ضد حمله بکنند فشنگ مجاهدین هم تمام شده نزدیک بود در این موقع سیف‌الملک سردار افواج خان را می‌بینند
و تقاضا می‌کنند فشنگ برساند چشم گفته سر قبر بیمحر [illegible] تفنگ چون لوله‌های سر چشمه رسیده دنبال مجاهدین
را گرفته بود چون دسته از مجاهدین را [illegible] بمقعه که بطرف سر چشمه حمله کرده و کوس‌ها را از کار انداخته بودند از
کار افتاده قسمت صاف شده چند فشنگ برسانند در این حین هم که برای آوردن فشنگ رفته بود در یک خود
سیف‌الملک برای آوردن فشنگ سر قبر از پشت بام‌ها می‌آمد که بمیرد سر قبر فرار [illegible] قهوه‌چی چند را
می‌بینند با همین حال که با یک مسیر رفته بودند با یک عده بطرف مسیر برگردد چند را می‌بینند بطرف باغ [illegible]
رفته کسی را شاهزاده همین‌ها بنا فرار کرده بودند ولی تصور نکردند که فشنگ و اسلحه را برده‌اند
بطرف مخزن سر قبر آمدم دیدم فشنگ و چند نفر در کوچه را چو چهار نفر برای کشته شدن حاضر بودند
منتصرالدوله را شاهزاده منتظر که بالای [illegible] در مسیر است دیگر از مجاهدین کسی با توپ‌ها خبر که با آنها رسیده عمر ما
فرار کرده‌اند بمیرد سر حیث منتظر فقط تا شب حیدر بیدین را می‌بینند که لباس خود را عوض کرده تفنگ در دست دارد
[illegible] است از قهوه‌چی [illegible] از صبح الی [illegible] کرده بوده می‌بینند آنها با دل [illegible] کشته شدن
حالی دیگر نیست اگر فرار کنند در میان عده شاهزاده در کاری پیش باشد که بتوانند [illegible] منتصرالدوله را
خواسته عقیده خود را اینان اظهار کرده است دارای حق قصه منقطع نبیاید در جواب شد هر حال که باز کشته
شوم اشتیاقم نیست بازهم اصرار کنند فرار با چند نفر [illegible] سر قبر در توقف کردن کشته شدن حتم است
با کوشش برای کشتن خود در حیث منتظر بار اطراف کار را ملاحظه کرده می‌بیند همه نقاط هنوز هستند که
مجاهدین رفته کسی با توپ‌ها با توپخانه از هیچ طرف هجوم نمی‌کنند در این بین می‌بینند دیوار باغ میرزا را از طرف حیاط
[illegible] شده از هر چیزی [illegible] که [illegible] قصه را منتصرالدوله [illegible] هم رفتیم صلح نمایم در
قرار است دیگر حرکتی نکنند تا شب حیدر بیدین و [illegible] هم همراه شد از دیوار پشت [illegible] رفته خارج شوند
منتصرالدوله [illegible] می‌بیند آنها دیگر با رفقای خود با من آمده‌اند [illegible] از کوچه [illegible] هستند که [illegible] بودند
روانه شوند [illegible] بودند که [illegible] بالای بام سیف‌الملک را با اسم صدا کنند [illegible]
سرداری [illegible] است فوراً [illegible] را [illegible] کرده [illegible] خانه خود برده و از آنجا آنها را از طرف یک
[illegible] که یک طاق هم داشت برده منزل [illegible] شدند که منتصرالدوله همراه [illegible] دنبال [illegible]
آنها را هم با [illegible] فوراً رفته آنها را هم بیاورد [illegible] آرام حرف بزنند [illegible] می‌شنیدند
[illegible] اگر خواهید داد و حال چهار ساعت بعد از ظهر [illegible] ملاحظه [illegible] نمودند
خود بیرون رفته [illegible] بعد از صرف نهار مشغول تدارک [illegible] شدند که دنبال فرار [illegible]
خود را فراهم سازند [illegible] گرفتار خواهند شد [illegible] فرار [illegible] سیف‌الملک
منتصرالدوله شاهزاده [illegible] روانه ساختند [illegible] آنها را [illegible]
روانه می‌کنند در این موقع حرکت [illegible] سیف‌الملک کشته شده و قهوه‌چی [illegible]
[illegible] حرکت داده بودند برای اینکه در تعقیب [illegible] شاهزاده [illegible]
[illegible] برای تحقیقات خبر [illegible] مجاهدین [illegible]
کرده و وارد [illegible] خبر آورد که افراد [illegible] کلنل [illegible] فرار کرده‌اند
مشغول [illegible] که صدای [illegible] شاهزاده [illegible] خبر آورد که [illegible]
[illegible] در این بین [illegible] صدای شلیک توپ و تفنگ بلند شد [illegible] تحقیقات معلوم شد

که شاطرهای ظفرالدین شاه و حاجب الملک - حشمت نظام - مدحت السلطنه - در انجمن آذربایجان بوده‌اند و فعلاً
برای غارت می‌روند که خیلی خود را در شب با عشق با اینها جنگ بکنند سر اصلاح حال هم که رفته بودند انجمن آذربایجان منزل
داشت حضرات نیز با یک صد نفر کرده خیلی نفر از نظامیان را هم ایشان می‌برند و دیگر کار سخت شده بود می‌شنیدند که خواهند شد
اینها هم قرار بگذارند بعد از ختم لایحه [illegible] شروع شد بعد از تحقیقات معلوم شد نظامیها با حاجب الملک
که مجاهدین اینها را در گرفت داده‌اند خانه را تعویض می‌کنند [illegible] کسی اسامیت می‌بردند تمام اثاثیه اینها را
غارت می‌کنند به هر حال دیشب معلوم السلطان سرادار حجت شد قسم یاد کرده که [illegible] مجلس را غارت نمودند با [illegible] حاضر
بودند که تو آن قسم خورده که به مشروطه خیانت نکنند اینها هم که در ارتش [illegible] خیانت [illegible]
رنگ [illegible] سردار امجد شجاع [illegible] شاه [illegible] امیر نظام [illegible] نظامیان [illegible]
[illegible] شاه [illegible] معلوم شد که محمدعلی شاه [illegible] سردار [illegible]
آمده و در انجمن [illegible] تا از سلطان [illegible] آگاه شده [illegible]
چنانچه سردار امجد شجاع و امیر نظام [illegible] مشروطه طلبی [illegible] و از کار [illegible] چند [illegible] بعضی دیگر
[illegible] شده [illegible] بود [illegible] برادر شاهزاده [illegible] سردار [illegible] وارد شد که [illegible]
چون [illegible] اخلاق ایشان [illegible] که دنبال ایشان نظامیها وارد خواهند شد [illegible]
اظهار [illegible] اینها آمده [illegible] غارت [illegible]
مارا [illegible] گرفتار [illegible] شاهزاده‌ام [illegible] کرده‌ام ولی حالا [illegible] اگر [illegible]
[illegible] شاه [illegible] خواهم داد [illegible] ایشان خواهش [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] شده [illegible] طرف [illegible]
[illegible] شورش کرده [illegible] مقصود [illegible] فقط [illegible]
[illegible] الملک [illegible] منصور [illegible] مشغول [illegible] نظر [illegible]
و [illegible] منصور [illegible] منصور [illegible] خود را [illegible] نظر [illegible]
[illegible] تمام [illegible] شاهزاده [illegible] سردار [illegible]
[illegible] تفنگ [illegible] تصادف [illegible] رسید [illegible]
[illegible] مشغول غارت [illegible] منصور [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] زدن [illegible] در [illegible]
[illegible] شده [illegible] داریم [illegible] افتاده
[illegible] صاحب [illegible] سلام کرده [illegible] مهمان [illegible]
[illegible] جواب [illegible] شما [illegible] وارد [illegible] غارت شده فرض کردیم [illegible]
[illegible] گرفتار [illegible] داده [illegible] آمده‌ام [illegible]
[illegible] حالا [illegible] حال [illegible] افتاده [illegible]
حال [illegible] گرفتار [illegible] خواهر [illegible] فرار [illegible]
[illegible] حاجب الملک [illegible] خود [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] صاحب [illegible] خودی [illegible]
[illegible] نظامیها [illegible] مقصر [illegible] تهران [illegible]

منتصر الدوله و چند نفر دیگر هم فردا فردا از تنها فارغ گشته هر یک بمکانی دیگر سردار محقق بشوند
صدق همالک برادر مستشار الملک از نوکرها مخصوص محمدعلی شاه بشود بعد از استعداد [illegible] طبیب از نوکری صرف نظر
کرده داخل انجمن مظفری بشود دیگر سیم میان بین فراز سکنه این اطراف منزل اتابک که بعد از چند [illegible] که نزدیک بود
مردم ... از کسی نمی پذیرند سرآ تا صبح که خندق بکار ... بهنگام تحریر منزل خود برده خبر گشته شدن مستشار الملک که
شنیده بود ... ... از اظهار خود داری [illegible] ... مستشار الملک ... وارد ... بشود ... الحمد لله ...
از طرف محمدعلی میرزا در ... تنها ... منزل سید ابوالقاسم عمو زاده خود ... سردار ... مخفی ماند
با ... آرام شود

سرگذشت

میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل

ملک جهانگیرخان

دیگر میرزا جهانگیرخان و ملک المتکلمین را ... دستگیر کرده بباغ شاه ... محمدعلی شاه ... کار ... نیش
... مرادش خود ... و ... در ... داده ... دارالآزادی ... شود ... ...
... ... کرد ... از ... تسلیم ... میرزا جهانگیرخان ... دارالآزادی
... ... آزادی ... اتفاق ... را
... ... روزنامه را ... ... انجمن ...
را عهده دار ... جهانگیرخان هم کارهای خارجی ... را عهده دار گردد ... روزنامه صور اسرافیل که
... روزنامه ... مشروطه ... دارالآزادی دایر گردید جهانگیرخان ... در
انجمن ... ... محمدعلی شاه ... ... اینکه از ...
... ... حضور شاه ... مشروطه ... ...
... حضور ... محمدعلی شاه ... ...
... که ... مشروطه ... ... محمدعلی شاه ... ... طلب دارالآزادی
را ... ...
مشروطه ... محمدعلی شاه ... ...
طلب دارالآزادی ... ... دارد است
دیگر از قتل فجیع آن جوان ناکام ... ... بیرحم
ملک المتکلمین رسید

عکس مرحوم ملک المتکلمین

شرح حال شهادت مرحوم ملک المتکلمین

مرحوم میرزا نصرالله ملک المتکلمین بواسطه خدماتیکه بکشور در راه آزادی و بیداری ایرانیان کرده و در راه مشروطه از تقدیم مال و هستی خود و جان خود دریغ ننموده در راه نشر طلب و دعوت بیدار نمودن مردم ایران از قبیل ... نام او را باید در صفحه تاریخ انقلاب ایران و آزادیخواهان با حروف زرین ثبت و ضبط نمود ما شرح زندگانی حال و جانبازی آن مرحوم را با شرح شهادتش از نقطه نظر تاریخی ذکر میکنیم

ملک المتکلمین فرزند مرحوم میرزا ابراهیم بهشتی در ۱۲۷۸ قمری در اصفهان متولد و در ۱۳۲۷ ق بامر محمدعلی شاه بعد از توپ باران مجلس در باغشاه بشهادت رسید

مرحوم ملک پس از تحصیل مقدمات فارسی و عربی و حکمت و فقه که تحصیل کرد شوق زیادی بعلوم و ادبیات داشت و از اول الی علم معانی و بیان بهره کافی یافت بواسطه حسن بیان و فصاحت کلام آزادیخواهی و نوع پروری مورد توجه عامه شد در سن ۱۲ سالگی بقصد تشرف بسرحدات هندوستان ... هر سال در نقاط مختلفه ایران منبر رفته و تشریح معارف و تنویر افکار عموماً مخصوصاً بیداری ایرانیها کوشش میکرد در تاسیس مدرسه برای تربیت اطفال ایرانی با تشکیل انجمن جلسه کتاب برای تربیت در اصفهان تعمیر و تألیف بعضی از آنها بطبع رسیده است من جمله کتاب ... در آن کتاب از مظالم استبداد و نتایج حکومت ملی و شرح طلب مقصود بیان نموده مخصوصاً در سطر انقلاب حکام و قوانین استبدادی باصول دمکراسی تشریح میکرد

طولی نکشید بواسطه تألیف این کتاب و نطقهای پرحرارت آن مرحوم که بحال و انقلاب نفوذ در افکار اربابان عقیده هندوستان ملکه در بار انگلیس که هند بود نشد مکرر و متعدد از این کتاب طبع شده از طرف حکومت هندوستان ضبط نمود بواسطه از طرف نایب السلطنه هندوستان حکم اخراج آن از هند صادر مأمورین دولتی توسط مخصوص به بوشهر سیر رسید

مرحوم ملک در حوزه بزرگ در تشکیل ظلم و استبداد و مشروطیت با تشکیل مرام برای آگاهی اطفال نطق و خطابهای مهیج برای بیداری افراد ملت بهتر است در ایران که از ابتدا ... مرحوم تهیه شده باشد هنوز در مجلس بزرگ بمنبر رفته مشغول برای بیداری جامعه نطق مهیج و موعظه مینمود در اثنا صحبت خطابه آن مرحوم را استماع کرده لذا تصدیق دارند که در این قسمت چه عصر و نادر افکار ... بوده لذا نتیجه نطق این قسمت انتشار نمود که تخم آزادی بطوری در قلوب ایرانیها پاشیده شد که بالاخره بعالم ثمر و نتیجه خواهد داد در وهله اول از پیش رفتن محمدعلی شاه و بعد بالاخص مرتب با قاریه چون کار این قبیل اشخاص در کار و در حد استکبار از مملکت نبود

موقعیکه در اصفهان اقامت داشتند مجلدی باسم (رد یا صادقه) منتشر نمودند جمع طبع آن کتاب در ایران ممکن نبود از طرف عده از آزادیخواهان کتاب نیز بودند در (سن پطرزبورگ) (لنین گراد) جانب طبع رسید بعد هم در هندوستان طبع کردند مطالعه آن کتاب بیطرف تا چه درجه افکار عمومی را بحرکت آن سیدیر لیتو بر ضد حیاة مرحوم کمر بسته همین مسئله باعث گردید که توقف مرحوم بطوری ملایم در یک شهر میسر نبود در نقاط مختلفه کشور گردش میکردند هر نقطه که داخل میشد آزادیخواهان اطراف ایشان را گرفته مرحوم هر دل ترس و بیم مظالم استبداد و محسنات آزادی را بدیده بیان میکردید

در صدارت میرزا ابراهیم (؟) که کلمه حقی باین مقام و حرکت ... شد قصه اجتماع مسجد شاه و مسافرت علما بقم پیش آمد حکم بدستگیری و توقیف ملک صادر شد تحویل دستیاری که ... پس صبح آن مرحوم را نیمه شب بالکه وضع

اسف آوری دستگیر و در بدترین نقطه محبوس گردند چنانچه از آن موقع یک عده در حبس بودند تا اینکه سردار طهران جوانان
که در این موقع باسم طرفداران مجلس با مشروطه بمیدان آمدند و با آزادی خواهان در همه جا که صلح با حریت آزادی را بر وطن را
پشتیبان گردیدند و بهار احتلاص نمودند
پس از چند سال سفر طبیب زاده که مرحوم میرزا آقا صدر اعظم و سردار طبیب را در تعارف انگلیس متن داده نطق بلیغ
تاریخی که مرحوم نموده در بیان حوادث و وطن‌پرستی اظهار فضل پسر از آن ملک در تمام انجمن‌ها و ملی‌ها و عموم او نطق‌ها
در آذری بودند هیچ جای دیگری نمی‌شدند که ملک در آن اجتماع حاضر بود و همه را بیدار و آگاه می‌ساخت
محمدعلی شاه برای اصلاح با مجلس با سعید خان فرمانفرما و دیگر مأمورین را از مجلس تقاضا کرد که با مجلس صلح کند که مرحوم ملک بود که
مجلس رد کرد مرحوم میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل بود مرحوم سید محمد رضا مساوات و مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا در مجلس
لیکن مجلس با این پیشنهاد را رد کرد از طرف عموم وکلا و ملت یک بیانات شد که در قصد این خبر همی دربار سلطنت
و در سال بعد تصمیم گرفت
تا اینکه محمدعلی شاه بکمک قزاق خانه که زیر نظر (لیاخوف) روسی بود حقیقت تابع امر دربار روسیه
به چیره خواری هشتم مملکت ایران مجلس را توپ بست و سردار جوانان آزادی‌طلب را اعدام نمود
و دیگر مرحوم ملک المتکلمین آن پیر سر و زنده دل آزادی‌خواه را دستگیر و باغ شاه بردند از آنجا بعضی که محمدعلی شاه
نعش او را مرحوم دست و پا بستن کنند با مرحوم میرزا جهانگیر خان سه دو تن شهید گردیدند و سر را جهانگیر خان مدیر صور اسرافیل
جنازه آن مرد آزادی‌خواه را سه روز در خندق طهران انداختند که قبرش معین نشد که آن عصر پاک را
سگان بسیار در آنجا دریدند که این ننگ که دشمن با مرده داشتند بدترین ننگ تاریخ است برای قاجاریه
خصوصاً محمدعلی شاه
و دیگر مرحوم ملک با او و اهل استبداد در باغ شاه سفارشی شد نظیر کار او را مرحوم شهید نمود این بیت را خواند
(ما را که دادیم این رقیب سنم بر ما)   (تا خود چه رسد خصمان رقیب نمک‌خواران)
و این آیه شریفه را قرائت نمود (ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم
یرزقون) نتیجه رشتی این خونهای پاک به‌زودی تقویت محمدعلی را از تخت سلطنت دور و سرنگون ساخت
بلکه سلطنت قاجاریه را از ایران برانداخت
(هر که نیکو پندار گامی و آزادی را ببرد بکار زد و بر دل کند)
(فرض است کرده و دست نزد روزگار) (در هر کدام هر که خواهد ادا کند)

شرح حال مدیر روزنامه صبح صادق

مدیر روزنامه که

شخص جسور و قوی دل بود حتی در سیاست روزنامه خودش با یک طرز و اسلوب شاعرانه دقایق را به حالت
خود را هنر رسانده بود همان قسم هم در مجلس و محافل از هیچگونه فحاشی نسبت به محمدعلی شاه فروگذار نمیکرد لهذا روزنامه
بیشتر از تمام جراید تعقیبش میرسید از توپ بستن مجلس که حرکت قشون را الطرف مجلس اشاره و متعاقب صدای توپ
و تفنگ گوش فلک را کر نمود سرانجام داداران او در قهوه خانه عوض جایان چراغ برق بود آن قهوه خانه را سنگر
قرار داده تفنگ بدست گرفته شروع نمودند را هدف گلوله قرار داده از قزاقها یا توپچیان که به طرف قهوه خانه حرکت
حرکت کرده آنها را با توپ بستن و جان عرصه را تنگ دیدند فرار اختیار نمودند از اینکه در قصره آمد
کنند به طرف باغ شاه ملیون در راه گرفته بودند از زدن چوب و کارد در باغ که هم جان او را
باغ شاه رسیده اینجا هرکس رسیده برای تقرب به محمدعلی شاه از زدن مضایقه نمیکنند او را هم اینجا شهید نمایند

بعد از توپ بستن مجلس دارالشورای ملی

سرگذشت ۲ طوسی و روح القدس

تا سید داود طوسی از منسوبین مرحوم آقا میرزا ... که سالها در مشهد اقامت داشت بعد از ایجاد مشروطیت با یک شغل سیاسی به طهران آمده که
اصلح تکفیر و کردار او عزل از به عهده گرفته

در جمله چیزها صحبت که در بدو ورود به طهران طوسی ارتباط نامی مرحوم شیخ احمد سلطان العلمای خراسانی مدیر روزنامه روح القدس بود طوسی را بالکلیه در امر
روزنامه مزبور دخیل نموده در کار روزنامه مشغول شد و از آن روز در طالعه جزو معروف تعیین روح القدس شد

آنچه موقع در ست تا معلومات عمال دولت بود مقالات مخصوص انتشار ... و تهدیدات ادعای خود ... صورت عمل نموده که تنها آنها خود را
به پایه ای رسانیده و اثر جاوید

همچنان که آنجا ... برای حفظ منتهی و اقدامات مجاهدین و علیه محمد علی میرزا شروع شده بود
طوسی و روح القدس خود را با سید اراول ... در کنف بام مدرسه سپهسالار کشیک میدادند در حوالی عصر محمد علی میرزا ... تسلیم شد مجاهدین چون را
بهر طرف رفتند سلاح خود را ... نمایند

مدیر روح القدس و طوسی برای ... پناهگاه تا ... خود که در محله عربها که به عنوان ... رفته بودند جهان چراغ برق ... که
از چهار طرف مسجد مملو از مأمورین ... کرده بود که ... مدرسه سپهسالار از هر جهت ... صدای ... سنگرهای ... توپ ... در
تفنگ بلند بود ... مدیر روح القدس و طوسی برای ... طلوع صبح تا پشت بام خانه رفتند

در خانه ... عمارت ... قهوه خانه ... قهوه چی ... سحر ... چراغ برق بود ... قهوه خانه
رسیده ... که ... برای ... دیگر ... شده ... صاف ...
دشمنی ... مدیر روح القدس مرحوم شیخ محمد جواد ... که ... بود برای ... دارد مهمان ... برادرزاده خود بود یا
... که ... قهوه خانه ... از ... در ... مشغول ... که ... صحبت آنها ... بود
در آن موقع توپ ... در مسجد قریب ... تمام ... خیابان ... از ... راه ... جمعیت ... سرباز ... کردند
قهوه خانه ... که از ... مدیر ... که ... بود ... عصابی ... مأمورین ... نقطه ... با توجه ...
به قهوه خانه ... دیگر ... چهار نفر ... در قهوه خانه ... ناطر ... مهیا ... کرده ... از ... در ... می
... با ... برای ... قرار ... که ... کنید که ... کردند

تمام ... و اطراف ... در تحت اختیار ... بود ... دارد ... قهوه خانه ... باید ...
... طوری ... را ... نماید

در همین ... که ... روح القدس ... در حالی که ... در خانه ... باید ... چهار نفر ... با ... حال
دستگیر شدند ... داده ... را ... در حقیقت جمعیت ... دفاع ... هر یک ... باشد
... نبود ... دادند

در ... طوسی و مدیر روح القدس ... کردیم ... در خانه ... از ... خود قرار داد
مدیر روح القدس ... که ... سربازها ... در ... حمام ... طوسی ... که ... در ... حمام
... کن ... در ... که ... سلم ... از طرف خیابان ... که ... شد ... ما ...
... نظر ... هستند ... قسم ... از ... خارج ... آنها که ... است ... نموده ... که این
صحیح نخواهد بود

با هر چهار نفر ... که ... کردیم ... کرده ... از خانه خارج ... شد و ... روح القدس ... که ...
... صاف ... با ... کرد ... از ... با آنها ... کرده ... که ... از ... ها ... دیگر ...
... خارج ... آن ... از

طوسی ... بود قرار کرد ... از ... را ... کردند ... مدیر روح القدس با طوسی همراه شد بعد از ... خارج ...
مخصوص که ... که ... طوسی ... از طرف ... و ... از ... با ... جمعه ... اراده ... وار

دار و دسته دار و دسته جمعیت صادق خان از شیخ جمع شوند با عود را گرفته بمسجد سپهسالار در قم سفارت بیاید برگردند در اطاق طلبه که رفیق عمومی
روح القدس بود توقف کرده در اطراف ایشان حال تجمع پیدا شد سربازان شاه خیلی از آنها بیرون کرد

بعد از فردای توقف سربازان عمومی روح القدس شکل تحریر شده منتشر شد که عمومی روح القدس با جمعی از اصحاب طلاب رسیدند در شما
در طهران معروف تر در این دیگری شما نیز اهتمام و دقت بشود سهم هایی شما خواهیم توجه ثواب کنید از قرار معلوم طلاب با عار
اکر اقتضا را اندر رفته دنبال ایشان بودند بمقبره جمعی سربازهای سراغ رفتند اطراف حال دیگرانی بیا رجوع در اندرون صدر اعظم قوام شاه رسیده
حجره ها را غارت نمایند و اسباب ایشان را غارت نمایند بیرون اخراج نمود

در توقف تقریباً چهار ساعت از ظهر گذشته رضا باد (سالار معتضد) رئیس نظمیه وقت سراغ طلاب را با عده دسته بیاید بمسجد آمد
از اینجا کمک رفته دستور سید را قرار نمود طلاب را از مسجد بیرون کشید و آن محل سیاسی شد و در آن محل نیز خرابی و غارت خواهد شد
سالار الدوله آن بیدید نظام خواهد داشت

سربازان طلاب که در اطراف اجتماعات مکرر بود (اکنون که از اعضای عالی مقام وزارت عدلیه است) عصبانی دارای سرطلب
است که بنای طلاب از ورود و توقف طلاب در این مسجد دست نبستند هر اشتباهی تردد در اینجا است که خود اقدام و حفاظت طلاب برگرد
طلاب هم در گوشه حجره ها اطراف جمع شدند از سربازان اقتضا میکنند درب حجره را از سر دل قفل کرده از صحن طلاب جمعی دیگر برای خروج
از این مدرسه میدادند بعضی فرار نمودند با بقیه از این حجره و مدرسه خارج شدند بالاخره با هیچ اکثر در مسجد تو هم برده گوشه ها تحصن
در داخل ها را از کنار مجدداً در صحن اکثر بستند و با اقتضا دستگیر از هر طرف با یک تفنگ دسته جمعی فرار کنند آن سمت دارایی
اندرونی میکشید تا حرم عبدالعظیم مهر که خطر اکثر طلبه تحصن گشتند نیست

با تمام بعضی ها که از طلاب بودند در صورت چون اکثر در حال فرار از طلاب عبدالعظیم را ساز نمودند تقاضا میکنند بالاخره تا عصر شاه برگردد
در وقت دیگری طول نقطه شعب راهی طلبه ها خوش به جز داشته دیگر تا حرم عبدالعظیم رسیدند جز قبای سر چوپان دیگری از این جهت
برای آنها مانده بود

طول توقف طلاب در حرم عبدالعظیم از سه تا چهار روز طول کشید با عدالت گردید دارالعلوم و تحصن اکثر شد مدیر روح القدس
در شب صادق حسینی ادیب در بهار رفتند شیخ جواد تبریزی عمومی روح القدس تحت نظارت اداره بلدیه ما جلوس کرد در آن سمت
که تقاضا نمایند طلاب اعدام شود

اتفاق در هر نوبت جهانی شیر سالار (از اعضای کامران میرزا سردار طلاب) و بعضی از جمعی متنوع که اطراف طلاب با تمام آنجا
دیدار اراد کنندگان نیز بود شد در ماه تیر اعدام طلاب است که قبل تقاضا دیات ما و ما آن داد با گمک شد در آنجا فرار کرده
پنهان شد

عده متفرقه مرحوم سید عبدالله بهبهانی برای اعاده صدر اعظم [حضرت صدر اعظم] با جمعی دیگر متحصن و عده دیگری در اطراف سید هم متحصن در اطراف
امور نوین ممکن ارتباط کامل با یکدیگر داشتند طلاب بود و محبت و ظهور آن مرحوم سید عبدالله آقا با دستور ایشان سلسله عقلایی اقدام
نمود با مدارک وقت حوزه تحصن جهت اعلان صدر اعظم از وجود جامعه علمیه و مقرر فرصت جمعیت را کرفت
عامل ادله است تحصن با انسانیت که دارالطباعه است

حاج سید عبدالله بهبهانی - حاج شیخ محمد حسین یزدی - آقا سید جمال الدین بروجردی - حاج شیخ مرتضی اصفهانی -
سید جمال الدین - میرزا مصطفی قنات آبادی
اجتماع این آقایان از قبیل آقا میرزا عبدالله بهبهانی که فعلاً در قم متوقف است شیخ محمد حسین قاضی - آقا موسی ... کاشانی
افجه ای سید جمال افجه و جمعی از طلاب از جمله که در داخل جمعیت زیادی بودند
طوسی - سید عبدالحسین که عضو عدلیه بود - آقا بزرگ آقا محمد حسین کتابفروش - آقا سید رضا برادر - آقا کوچک برادر -
استاد محمد حسین - بهادر رضا نقاشی و جمعی از رفقای این اشخاص نیز ارکانی بودند که قرار کار ایشان با تمام محمود در بعضی اوقات
در اشخاص بیکاری نیز در کار بودند
که بیشتر با قرار تشکیل که مشغول تمام بوده از حوزه مقدس تحصن اعمال با عنایه دارالشورا تحصن است در ارتفاع را نوشته میداد

در این جمعیت تنها کسیکه حقیقه مشروطه خواهی ظاهری داشت [illegible] او عقیده داشت این شخص [illegible] بود بنابراین از
حاج شیخ [illegible] آقازاده [illegible] اعمال [illegible] (همان است که در قضیه سیدان [illegible]
[illegible] آقازاده [illegible] آورد و در نتیجه [illegible] با انواع امراض مبتلا و مرض [illegible])
این شخص [illegible] دارد و [illegible] دارا [illegible] آگاه [illegible] سید [illegible]
[illegible] اظهار [illegible] از طرف شاه [illegible] حضرت [illegible] شخص [illegible] معهود
[illegible] سید [illegible] آقا [illegible] که در نتیجه [illegible] این شخص [illegible] صدق [illegible]
سراج الملک است

[illegible] را با سید [illegible] خوانی [illegible] سهم [illegible] خود [illegible] نقد [illegible]
[illegible] اطلاع [illegible] خود [illegible] علما [illegible] اعلام [illegible]
شخص [illegible] رفته رفته عده [illegible] شخص [illegible] نام برده شد [illegible]
[illegible] ساختند

[illegible] میرزا مصطفی [illegible] از منزل حاج شیخ [illegible] برادر خود که در منزل [illegible] منزل [illegible]
[illegible] در حلوی [illegible] در منزل [illegible] خود [illegible] سیاوش [illegible]
[illegible] حال خود [illegible]

در حدود [illegible] صدای [illegible] رفته رفته [illegible] مرحوم میرزا مصطفی [illegible] طرق [illegible]
شده معلوم [illegible] شده [illegible] صدای [illegible] شده در همان [illegible] میرزا مصطفی [illegible]
[illegible] طاق [illegible] نفر [illegible] سید [illegible]

معلوم [illegible] جمعیت [illegible] مرحوم [illegible] منزل سید [illegible]
[illegible] منزل [illegible] موقوف شده [illegible] سید [illegible] آقا بوده‌اند (منزل [illegible] معلوم [illegible]
ظاهر بود) در حالیکه [illegible] اطراف خانه [illegible] منتظر [illegible] سید [illegible] در [illegible]
[illegible] مرحوم سید [illegible] از [illegible] نام برده شد منزل مرحوم
[illegible] وارد [illegible] وارد صحن نمودند

همینکه [illegible] در [illegible] صاحب [illegible] وارد صحن شده [illegible]
راه [illegible]

[illegible] در [illegible] آقایان [illegible] باید [illegible]
«مقصود [illegible] است» ([illegible] حافظ [illegible] سیداری)
[illegible] قرائت قرآن [illegible] قرآن در
[illegible] در صحن [illegible] خود [illegible]
[illegible] قرائت قرآن [illegible] حضرت عبدالعظیم [illegible]
[illegible] شخص [illegible] حضرت [illegible] اتفاق [illegible]
ساختند [illegible]

[illegible] شخص [illegible] حضور داد در
[illegible] حضرت عبدالعظیم [illegible] شخص [illegible] از طرف [illegible]
داده شد

[illegible] شخص [illegible] طهران [illegible] میرزا [illegible] شده [illegible]
[illegible] سید [illegible] حضرت عبدالعظیم [illegible] وارد صحن شده [illegible] کرده

در خصوص [illegible] مرحوم میرزا مصطفی [illegible] سعد الملک [illegible] شدند

به متحصنین ملحق نموده و بعد از رفتن آنها که در صحن واقع است در ورود نموده در آنوقت متحصنین هم از جنب [illegible] دیده رسیدند و [illegible]
و ملک [illegible] امیر [illegible] معتمد السلطنه حضرت عبدالعظیم [illegible] گرفته اند
معتمد السلطنه و داماد [illegible] شروط [illegible] نموده اند — اعتماد السلطنه و داماد [illegible] معتمد نموده اند
از اتباع معتمد السلطنه کلانتر [illegible] که [illegible] نموده کار را [illegible] داماد [illegible] تحت [illegible] ورود [illegible]
از متحصنین کرده [illegible] سلاح [illegible] که [illegible] متحصنین شده [illegible] ایجاب [illegible] کرده

بعد از ورود سپهدار و سردار اسعد و فتح طهران ضرغام السلطنه [illegible] در [illegible] بسیار [illegible] حضرت عبدالعظیم [illegible]
متحصنین [illegible] ضرغام السلطنه [illegible] در [illegible] حضرت عبدالعظیم [illegible]
[illegible] ضرغام السلطنه اظهار میدارد [illegible] که [illegible] متحصنین حضرت عبدالعظیم
وارد طهران نوشته [illegible] داده [illegible]

معلوم میشود که [illegible] ضرغام السلطنه [illegible] کرده [illegible] در [illegible] طهران [illegible] حضرت عبدالعظیم
[illegible] متحصنین وارد طهران [illegible] که [illegible] باشند

[illegible] حضرت عبدالعظیم [illegible] مرحوم [illegible]
[illegible] ضرغام السلطنه [illegible] از اطراف [illegible] طهران [illegible] مرحوم [illegible] متحصنین اعلام میشود
که [illegible] ضرغام السلطنه [illegible] طهران [illegible]
[illegible] میشود [illegible]
اطلاع [illegible] سراج الملک [illegible] اظهار [illegible]

[illegible] اطراف [illegible] سراج الملک [illegible]
[illegible] در طهران [illegible] نموده اند

[illegible] طهران [illegible] در [illegible] طهران [illegible]
[illegible] متحصنین بوده اند [illegible]
[illegible]
[illegible] اظهار میدارد [illegible]
میدارد [illegible] کرده [illegible]

[illegible] شده [illegible] میشود

[illegible] مدیر [illegible]
صفحه بعد

گرفتاری مدیر روزنامه روح القدس

شرح گرفتاری مدیر روزنامه روح القدس

بعد از اینکه شیخ احمد سلطان العلماء ترشیزی مدیر روزنامه روح القدس را بهمان روز و بهمان زمان معینی پولیس ها دستگیر کردند یک حال تحقیق با غباره کرده شهر معلوم است از شهر طهران تا باغ شاه چقدر [illegible] واز آنجا [illegible] نموده اند زیرا این شخص را یک دشمن بزرگ شاه قلمداد کرده بودند. بهر حال مدیر از چند روز حبس در زیر زمین باغشاه با بیماری [illegible] شدند وضعیت اسفبار این (محبس) را قبلاً شرح دادیم که از شنیدن آن هر شخصی را [illegible] دست میدهد تا از آزادیخواهان که در آن محبس بودند هم در بعد از محبوسین [illegible] حکایت میکردند که مدیر روح القدس را کلوله [illegible] در دیگ [illegible] را [illegible] کرده [illegible] آن [illegible] را از [illegible] می‌نمودند [illegible] تا آن بدبخت [illegible] میرسید [illegible] تحقیق [illegible] میرسید [illegible] در [illegible] حبس [illegible] آزادیخواه [illegible] تا آن بدبخت وضعیت او را [illegible] قربان [illegible] نمود

فجایع اعمال و افعال محمد علیشاه مخلوع در دربار باغشاه [illegible] آزادیخواهان بیش از آنست که قلم بتواند شرح بدهد

[illegible] بر حیات [illegible] نمود [illegible] هر یک از آزادیخواهان که گرفتار [illegible] اعمال ارتجاع شده [illegible] مرحوم ملک المتکلمین و مرحوم جهانگیر خان مدیر روزنامه صور اسرافیل [illegible] حیات را [illegible] کردند که در همان [illegible] و دیگری [illegible] آنها را شهید نمودند که شرح آنها هر یک در محل خود ذکر شده است

بعد از رفتن باغشاه که روح القدس [illegible] در باغشاه محبس [illegible] محمد علیشاه را [illegible] کرد [illegible] [illegible] در جنگ [illegible] آنکه روح القدس [illegible] زده اند [illegible] روح القدس را [illegible] کند [illegible] دارد [illegible] روح القدس [illegible] را [illegible] روح القدس [illegible] نمودند [illegible] [illegible] خارج نمودند

[illegible] از یک دسته [illegible] هم [illegible] تا [illegible] اعمال محمد علیشاه را [illegible] که قرار [illegible] نمودند -

قضیه باغ امین الدوله
گرفتاری آزادیخواهان و علما

بعد از اینکه مجلس توپ باران [illegible] به تصرف قزاق [illegible] درآمد آقا سید عبدالله آقا سید محمد ممتاز الدوله حکیم الملک
ملک المتکلمین میرزا جهانگیرخان حاجی میرزا ابراهیم آقا از مجلس خارج شده از خیابان [illegible] به طرف [illegible]
وارد اندرون منزل امین الدوله [illegible] با کمال مهربانی از مهمانهای عزیز پذیرائی نموده اطاق تهیه کرده جای [illegible]
آنها [illegible] و در [illegible] اظهار خوشوقتی [illegible] و قضیه [illegible] شاه [illegible] که حضرات
آنجا هستند [illegible] آنها را دستگیر کرده [illegible] قزاق [illegible]
[illegible] میرزا ابراهیم [illegible]
[illegible] میرزا ابراهیم [illegible]
بعد از افتادن گلوله دیگر [illegible] شهیدش [illegible] میرزا جهانگیرخان [illegible]
[illegible] حکیم الملک ممتاز الدوله [illegible] (   )
[illegible]
بطرف باغ شاه [illegible] آقا سید عبدالله [illegible] آقا سید محمد [illegible]
[illegible] باغ شاه [illegible]
[illegible] ممتاز الدوله [illegible]
[illegible]
[illegible] بیرون [illegible]

عکس مرحوم حاج میرزا ابراهیم نماینده تبریز

شرح قتل مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا نماینده آذربایجان
که چگونه در باغ امین الدوله شهیدش کردند

عصر امروز [illegible] امین الدوله [illegible] حاج میرزا ابراهیم [illegible] قرار کرده
[illegible] سید محمد [illegible]
[illegible] حاج میرزا ابراهیم [illegible] امین الدوله [illegible]
[illegible] سید محمد [illegible]
[illegible]

بعد [illegible] آقا سید محمد [illegible] امین الدوله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حاج میرزا ابراهیم [illegible]
[illegible] حاج میرزا ابراهیم [illegible]

متکی مرحوم آقا سید عبدالله

شرح حال مرحوم آقا سید عبدالله بهبهانی مجتهد و بهبهانی در طهران مدرس

روز ۹ ماه ذی‌حجه ... تاریخ ... 1263

مرحوم آقا سید عبدالله پسر بزرگ و ارشد مرحوم آقا سید اسمعیل بهبهانی است که در تاریخ ۱۲۶۳ هجری در نجف اشرف متولد شده اند
تحصیلات خود را نزد پدر ایشان و سایر علمای اعلام ... پسر ... مرحوم آقا سید اسمعیل بطهران آمدند از علمای نجف و سایر علما اجازه اجتهاد
گرفته و مشغول تدریس بودند ... بواسطه ... در نجف ... سال توقف پدر ایشان در طهران ایشان را
از نجف بطهران خواستند در حال حیات پدر مشغول تدریس بودند پس از فوت مرحوم آقا سید اسمعیل مقام پدر را اشغال نمودند ...
نمودند ... قضیه ... «رژی» ... میرزای شیرازی ... طهران ...
از ... سید ... مرحوم ... سید ... تصدیق ...
و کشیدن «تنباکو» ...
کشیدن ... طهران ...
... آقا سید عبدالله ... مرحوم حاج شیخ ... آبادی ... رفتند .

از آن تاریخ ... مرحوم بهبهانی بواسطه ... آبادی ... ساخته ... آباد ...
ماه ... ۱۳۱۸ ... سید ...
...
... حضرت عبدالعظیم ...
... مرحوم آقا سید محمد طباطبائی ...
آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمد طباطبائی ... ۲۵ ... ۱۳۲۴ ...
... آقا سید عبدالله ... الدوله ...
... (... ۱۳۲۶) ...

... (تقی‌زاده)

... ۱۳۲۷ ...
...
آقا سید ... آقا سید عبدالله ... .

...
...
...
...
... مرحوم آقا سید اسمعیل ... رحمة الله علیه

که ... ذالحجه ... ۱۳۲۷ ...

قصه قتل مرحوم آقا سید عبدالله بهبهانی

قبلاً سردارها که اسامی آنها ذیلاً نوشته می‌شود در کوچه ملک آباد در یک خانه جمع شده از آنجا به اتفاق سردار می‌آیند می‌روند منزل
آقا سید عبدالله چهار نفر سر کوچه سمت شرق و دو نفر سمت کوچه سمت غرب می‌ایستند دو نفر داخل خانه شده می‌روند در عمارت فوقانی
که آقا سید عبدالله و چند نفر دیگر اسامی حضور داشتند همینکه صدای تیر از منزل آن مرحوم شنیده شد آن چهار نفر که دو سمت کوچه را گرفته بودند
تیرهای تفنگ را شلیک نمودند تا از منزل آن مرحوم مردم آگاه از طرف خیابان ناصریه خود را اندرونی که منزل خود بود رسیده

اسامی سردارها

حیدر عمواوغلی - رجب ... - سید عبدالرزاق خان - میرزا علی محمد خان برادر میرزا محمد علی خان تربیت

میرزا محمد علی خان تربیت که برادر دیگرش است علی محمد خان که خود در فتنه مرحوم بهبهانی بود و یک برادر دیگرش هم میرزا رضا
خان است که در برلین مشغول کشف فنون است

سرگذشت فتنه مرحوم بهبهانی

حیدر عمواوغلی در رشت بدست هواخواهان ... کشته شد میرزا علی محمد خان را در خیابان لاله‌زار گشتند
سید عبدالرزاق خان را هم میدیدم در لاله‌زار عوض سید علی محمد خان کشتند
علی محمد خان با تقی‌زاده نبود ... دیگر داشت عبدالرزاق خان خود ... بود آن دو سه نفر
دیگر هم از ... دیگر آنها بودند

تلگراف علمای نجف اشرف به محمدعلی شاه قاجار [illegible]

حضرت [illegible] لدی تلگراف را [illegible] برسانند

اگرچه دعاگویان را عمرها در رسیده در حفظ بیضه اسلام و استقلال مملکت و بقای سلطنت شیعه و رفع ظلم و ترفیه حال عباد عرض [illegible]
ولی چون هرچه از اول تاکنون اهتمام در اصلاح و اتحاد بین دولت و ملت کردیم و راه را از هر جا نمودیم [illegible]
بدین آن که ممکن بود [illegible] و مفاسد [illegible] چنانچه را ظاهر ساختیم تا ملکه رشته [illegible] اتحاد [illegible] و سبب [illegible] مملکت قائم گردد
و این سنت شیعه از استقلال ظلم [illegible] از احکام ظلام خونخوار خود [illegible] نجات یابند و در اصلاح مملکت [illegible] بکوشند [illegible]
مقتدر مملکت اسلامی برای [illegible] ممالک اروپا رفته رفته [illegible] احکام شریعت مطهره با پامال [illegible] کفر
نگردد [illegible] دولت [illegible] اهمیت [illegible] استقلال خود مسئول بود
با اینکه [illegible] تمام مفاسد حادثه [illegible] باز محض حفظ [illegible] اغماض نمودیم و از
نصایح و خیرخواهی خودداری نکردیم تا آنچه را که از او حذر داشتیم واقع شد و رشته اتحاد دولت و ملت یکباره گسیخته [illegible]
و رابطه [illegible] فرو ریخت باز [illegible] وظیفه شرعیه در مقام اصلاح کوشیدیم تا ملکه [illegible] رشته گسیخته را [illegible] متصل [illegible]
ولی هیچ وقت تلگرافات ما را [illegible] تلگرافی که تمام الفاظ [illegible] و سراپا مخالف با قواعد مسلمانی بوده
رسید [illegible] صاحب شرع مطهر و صدمه بر وجود مقدس حضرت حجة [illegible] علیه صلوات الله است تا کی [illegible]
[illegible] اساس اسلام را [illegible] کفار [illegible]
مسلمانان ترویج شریعت [illegible] تمام مسلمانان [illegible]
[illegible] که از اول سلطنت
قاجاریه [illegible] ممالک اسلامی [illegible]
[illegible]
و عراق عرب [illegible] تمام ایران [illegible] آن بلاد [illegible]
و از [illegible] تمام ایران [illegible]
[illegible] ممالک [illegible] مملکت اسلام را [illegible]
[illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]
ملت [illegible] ایران [illegible] اصلاح مملکت
[illegible]
[illegible] مملکت [illegible]
در [illegible] آل محمد [illegible] مملکت اسلامی
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible] وظیفه شرعیه [illegible] حفظ مملکت اسلامی و دفع
و رفع ظلم [illegible] شریعت مطهره [illegible]
[illegible]
(وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون الا لعنة الله علی القوم الظالمین) امضاء

الاحقر محمد حسین نجل الحاج میرزا خلیل — الاحقر محمد کاظم الخراسانی — الاحقر عبدالله المازندرانی

پس از وصول تلگراف محرمانه بزبان تلگرافی است که علمای نجف
بعموم اهالی ایران مخابره نموده‌اند

امروز بتوسط تلگراف معلوم شد چند روز است ایران خصوصاً طهران در حال اغتشاش و جمعی از اسلامیان مشغول دادخواهی
تلگرافات باطراف نموده و تظلم کرده‌اند نتیجه استبداد تابع آن [illegible] اطلاع اعلام نداریم تا اصل المحض حفظ نفوس
و نوامیس و اموال تمام انجمن‌ها و [illegible] تلگرافخانه‌ها مخابره [illegible] نموده بدیهی [illegible] توقف [illegible] ایران و حفظ
ممالک محروسه اسلامیه را از استیلای دیگر در حال پریشانی و گمراهی باعث ملل اسلام [illegible] الصالحین خبر جرائد [illegible] از
بگذریم اگر [illegible] بواسطه [illegible] چند نفر متعرض [illegible] خواهان ریاست سلطنت تمام عهود و [illegible] کرده حتی مهر کردن [illegible] اعلام الهی
را نقض [illegible] و [illegible] شد [illegible] اگر غفلت [illegible] ایران [illegible]
ملحق [illegible] مساجد اسلامی کنیسه و در روضه حضرت ثامن الائمه [illegible] خواهد شد.
معهذا اعموم مسلمین [illegible] بر والدین تمام ممالک محروسه [illegible] کرده کمال [illegible] ارواح [illegible] ملت
[illegible] عقد و عهد و استحکام [illegible] که [illegible] آن [illegible] و [illegible] ظلم و [illegible] عدل است
و حفظ [illegible] سرنوشت است [illegible] ایام [illegible] است.
و اطاعت [illegible] نفوس [illegible] اطاعت [illegible] تلگرافات عدیده [illegible] بیان
نموده‌ایم

امضا :

[illegible] المرحوم الحاج میرزا خلیل – الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی – الاحقر عبدالله المازندرانی

سواد تلگراف انجمن نسوان ایرانی مقیم اسلامبول
بدول یازده گانه ذیل

لندن – برلن – وینه – رم – پاریس – پطرزبورغ [illegible]

مرحمت – ما انجمن نسوان ایرانی مقیمین اسلامبول در تحت [illegible] و حیثیت با کمال عجز و [illegible]
حضرت [illegible] که [illegible] و [illegible] به [illegible]
دادن [illegible] ایران [illegible] درباره [illegible] و انواع مظالم [illegible] کرده‌اند
[illegible] را از حقوق [illegible]

۸ ثور رتبه کمیته ع. کاتبه کمیته ز

مواد اولیه تلگراف سفارتین مخصوص اشرف که فوقاً ذکر شد
دستخط ذیل را محمد علی میرزا به صدر اعظم (مشیر السلطنه) نمودند

جناب اشرف صدر اعظم — چون بعد از انفصال مجلس که بنا بر حفظ نظم مملکتی و دفع مفسدین و متحصنین لازم بود که
اسباب عدم آسایش رعیت بود که مراتب فرمان مجدد وعده فرموده بودیم بسیار آماده تنظیم و ترتیب انعقاد مجلس [illegible] هرج و مرج و تجمعها و حصول
امنیت مملکت سلطنتی قانون شریعت حضرت ختمی مرتبت صلوات الله علیه و حفظ قوانین مذهبی و نشر عدل و داد بین مسلمین تمام که عموم
ملت و طبقات رعیت را که ودایع حضرت احدیت هستند راحت و آسوده فرموده دست اشرار و مفسدین کوتاه و قصبه [illegible]
اسلامیه را که از اول [illegible] حفظ فرمائیم [illegible] و بعد از رفع اغتشاش [illegible] طور اعتدال و امنیت فرموده
بودیم حالا در این وقت که وعده انعقاد مجلس نزدیک شده بجناب اشرف مقرر میفرمائیم انعقاد مجلس را با شرایط و حدود
[illegible] که موافق مزاج مملکتی و قانون آن موافق با قانون شریعت مطهره باشد بتوانند هرج و مرج [illegible] از اول انعقاد آن
است ترجمه خواهیم فرمود که بعموم اهالی مملکت و طبقات رعیت اعلام نمائید
چون حضرت احدیت وجود مقدس ما را حافظ ملک و ملت و کفیل [illegible] تاج و تخت و حامی دین مبین اسلام قرار داده و مقصود ما
فراهم رفاه و آسایش عباد و اجرای قوانین عدل و داد [illegible] شریعت سید المرسلین و انتظام [illegible] را از
فرایض خود میدانیم لهذا به صدور این دستخط عموم اهالی را اطمینان و امیدوار و مستظهر میداریم در [illegible] زوال [illegible] را
در اختصاص صحیح و [illegible] مملکت بالمقصود حضرت احدیت و توجهات امام عصر حضرت حجة الله [illegible] فرقه [illegible] خواهیم
فرمود که [illegible] مشروع عدالت نموده اهالی در رفاه و آسایش [illegible] سید المرسلین محفوظ و مجری [illegible]
و هرج و انعقاد مجلسها [illegible] منظورات [illegible] ما [illegible] نظم عموم اهالی [illegible]
و رحمت [illegible] اهالی محفوظ [illegible] ملت [illegible] فراهم [illegible] مملکت [illegible]
انشاءالله تعالی [illegible] خداوند و توجهات امام عصر [illegible] اهالی [illegible] در رفاه باشند و از [illegible]
[illegible] که [illegible] و قوانین مملکتی که مطابق شریعت [illegible] زوال [illegible]
نمائید که هر [illegible] مشروع شده [illegible] خود [illegible] نموده [illegible] مردم از [illegible]
در [illegible] نمانند ولی چون [illegible] اشرار [illegible] و [illegible] کرده [illegible] و [illegible]
نموده [illegible] اشرار [illegible] که [illegible] منظم [illegible] قلع و قمع
و اهالی [illegible] اشرار [illegible] حکم [illegible] خواهد بود

۲۷ شعبان ۱۳۲۶ — محمد علی شاه قاجار

دستگیری میرزا اسمعیل خان

میرزا اسمعیل خان که یکنفر از ارکان انجمن برادران دروازه قزوین بود شاه امر بدستگیری و حبس ایشان صادر فرمود آنچه وکلا و ملیون برای استخلاص ایشان کوشش کردند نتیجه نداد

انحلال و استعفای کابینه

از آنجائیکه وزرا با محمدعلی شاه موافقت نمی‌نمودند استعفا دادند و از طرف شاه کابینه جدید بشرح ذیل معین شد و کار [illegible] از قبیل کابینه داشت

مشیرالسلطنه رئیس الوزرا و وزیر داخله - علاء السلطنه وزیر خارجه - صنیع الدوله وزیر دارائی و مالیه - مستوفی الممالک وزیر جنگ - مشیرالدوله وزیر علوم و معارف - مؤتمن الملک وزیر تجارت - محتشم السلطنه وزیر عدلیه - خودشان نیز مدتی مشغول کار بودند

جشن مولود شاه

در این وقت مولود شاه نزدیک بود هیئت دولت تمام ملیون و مجلس را اگر کنند به جشن مفصل برای مولود شاه برپا نمایند شاه در تلگرافی امر جشن شاه از اشغال خود صرف نظر کند جشن مفصل مثل سال گذشته بعد شاه در مجلس بطور عمده تصدیق نمود که در آن مجلس تمام اعیان و اشراف حضور داشتند بعد از آن عده معدود محمدعلی شاه بطرف زاده میرزا داود خان لاکتید جلال - ملک المتکلمین - میرزا جهانگیر خان مساوات - و دیگران خیر آنها را باید بشاه گرفتار نمایند تا مجلس شد در این وقت از تمام ولایات و ایالات آه و فغان اهالی از ظلم و تعدیات عمال شاه بلند بود

شکایت انجمن از شاه بوسیله اقبال الدوله

اقبال الدوله از طرف محمدعلی شاه مأمور گشته از شاهی در قم و اطراف کنند اهالی صدمه و اذیت دیدند و برای تود همه اسم شکایت که بمجلس و بطرف ایالات از آنکه نمی رسید

رحلت میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

مشیرالدوله در عصر منزل علاءالدوله سرفه از آنجا که مرحوم منزل خود رفته بعد از اهالی شهر حوزه خبر فوت عطر المشکند که دار فانی را بدرود نمود صبح امروز فوت میرزا نصرالله خان در مجلس مطرح و متفق با این سعدیه وکلا مجلس با این عقیده متفق بودند که حالی خدائی بمرده او را مسموم نموده لذا بفوریت اطبا در مجلس برای تشریح جراحی حکایت از وکلا انتخاب نمودند که چند نفر دیگر برایشه تردید جنازه را معاینه نمایند بعد از معاینه معلوم شد که اطبای مذکور خطر نموده با خفیفاً حالی جدائی فوت کرده بهر حال بعد از آنکه اطبا را دادند که مسموم شده جسم آنها در بلای در جنازه او بوده است نبود که جنازه آن مرحوم را با تجلیل فوق العاده تشییع کردند در مرحوم مشیرالدوله برای محمدعلی شاه عنصر بزرگی بود برای آنکه آن مرحوم طرف توجه متدین و ملیون بود.

دستخط محمدعلی شاه قاجار راجع بمشروطه ایران

چون برای تهیه صورت و ترتیبات مملکتی و تدارک حوائج ملت منتظم و مرتب داشتن ادارات دولتی شرط لازم است .
و با کمال اهتمام خواهان بودیم که بر روی یک اساس صحیح مرتب شود [illegible] ادارات تولید انواع مشکلات و هرج و مرج را داد و در سلک نظم
داشت و دوام آن [illegible] اساس ترقی و تنظیم ادارات دولتی تا پیدایش مشروطیت را در ما بیش از پیش حال رغبت و در ترتیب امور ادارات
دولتی و مملکتی بهتر از همه اساس است
از تاریخ امروز که چهاردهم شهر ربیع الثانی است سنه ۱۳۲۶ بیمنت و سعادت مشروطه در مملکت ایران برقرار فرمودیم با نمایندگان ملت و عقلای مملکت
در حل و فصل مشکلات امور و بند و بست [illegible] حسب احکامات و [illegible] و مقتضیات وقت و [illegible] شرع مبین و مذهب اسلام با اولیای
دولت موفقیت [illegible] در استحکام مبانی نظم و امنیت و معدلت و استحصال ترقیات سلطنت و سعادت مملکت شاهنشاهی [illegible] بعون الله تعالی
از [illegible] و توجهات حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه نفاق به اتحاد مبدل
بالاتفاق بسط عدالت و اخلاق [illegible] بعدل و داد کرده شود مطابق [illegible] انتخابات که [illegible] منتشر خواهد شد [illegible] در غره
شهر رجب المرجب نمایندگان ملت منتخب شده در [illegible] تهران [illegible] که [illegible] در تهیه اسباب [illegible] سعادت مملکت [illegible] حاضر شوند

(مهر محمدعلی شاه قاجار)

اقدام محمدعلی شاه برای قتل آقا سید عبدالله بهبهانی

بعد از بوسه و پیمان و تعهدات محمدعلی شاه در غیاب از مشروطیت و مجلس در صدد برآمد اشخاص موثر و [illegible] را بوسیلهٔ ترور از پیش بردارد
بخیال اینکه بدین وسیله [illegible] و [illegible] را [illegible] آقا سید عبدالله بهبهانی [illegible]

خواجه بهادر که شخص یک تفنگ و چراغ [illegible] آزادی [illegible] از این اقدام جاهلانه شاه [illegible] کنند به آقا سید عبدالله بهبهانی با [illegible]
[illegible] در منزل [illegible] باشند که [illegible] در یک [illegible] خود [illegible] و [illegible] از [illegible]
[illegible] سید عبدالله بهبهانی [illegible] که [illegible] را [illegible]
[illegible] که صدراعظم [illegible] حرکت [illegible]
[illegible] شرح حال خود [illegible]

[illegible] صدراعظم [illegible] بشرح حال را الصدراعظم [illegible]
[illegible] که بعد [illegible] سلطان [illegible] تکلیف [illegible]
[illegible] که [illegible] صدراعظم نوشته و دارد

جواب نوشته است

تصدق حضور مبارک شوم — جناب عمادالاسلام [illegible] تکلیف کرده و فرزند حضور مبارک فرستاده [illegible]
[illegible] امرالله على الاشرف مطاع

[illegible] حضور [illegible] که [illegible] بوده .

سواد [illegible] که صدراعظم

راجع به آقا سید عبدالله بهبهانی عمادالاسلام نوشته اند

صدارت عظمی

عرض میشود — در [illegible] عمادالاسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صحت اعمال [illegible] محفوظ [illegible] (مشیرالسلطنه)

دستخط محمدعلی شاه خطاب به عمادالاسلام در [illegible] مشیرالسلطنه صدراعظم
برای اطمینان [illegible] که نوشته [illegible]

جناب عمادالاسلام — از [illegible] خیرخواهی و حسن نیت [illegible] رضا و [illegible]
[illegible] بعرض رسیده است و [illegible] مرحمت و الطاف کامله [illegible] را در حق شما داریم .
شهر جمادی الاولی ۱۳۲۶ — [illegible]

سرگذشت مرحوم آ سید محمد طباطبائی

۲۰۸ گراوور مرحوم ممتاز الدوله

شرح حال مرحوم ممتاز الدوله

ممتاز الدوله میرزا اسمعیل خان پسر میرزا علی اکبر خان مکرم السلطنه پسر آقا احمد دهخوارقانی آذربایجانی است حدود
ولکی در سنی مصر ... و در ... شده و در دوره دوم ریاست مجلس شورا رسید با وجود چندی در وزارت خارجه بوده و بعدها
در سلک رجال مأمورین داشته

برادر حکیم الملک

۲۰۹

شرح حال حکیم الملک

حکیم الملک میرزا ابراهیم خان پسر میرزا ابوالحسن پسر میرزا علینقی پسر میرزا فرج بوده است که دکتر در طب میباشد
مرد وطن دوست آزادیخواه ملی است
چندین مرتبه وزارت و وکالت نموده اند

محبوسین باغشاه

اشخاصی را که از باغ امین الدوله و سایر محلها دستگیر کرده در باغشاه حبس نمودند جماعتی از آنها بی‌گناه بودند تقصیری
نداشتند از جمله محبوسین باغشاه یحیی میرزا عضو جمعیت آدمیت بود که مشروطه شده در انجمنها و محافل نطق میکرد ملت را
آگاه و بیدار مینمایند [illegible] مشروطیت میپرداخت حشمت نظام عضو انجمن آذربایجان و نماینده [illegible] میکرد میرزا
داود خان عضو انجمن برادران حرارت فوق العاده در مجالس و انجمنها مینمود حاجی محمدتقی [illegible] برای آنکه [illegible] مشروطه
را در نقارخانه [illegible] کرده بود [illegible] عضو انجمن [illegible] بود [illegible] قربانعلی [illegible] قوم [illegible]
شدید [illegible] میرزا سلیمان خان [illegible] برادران بود [illegible] الدوله [illegible] آذربایجان بود [illegible]
گرفتار محبوس باغشاه [illegible] آزادیخواهان بودند

جمعی دیگر که اغلب بی‌تقصیر و آنها را دستگیر کرده بودند همه را زنجیر کرده پاهای آنها را [illegible] که زیر نظر
صاحب منصب‌های قزاق بودند از جمله محققین باغشاه قربانعلی قزاق بود که بیش از سایرین آنها را اذیت
و آزار میکرد روزی چند نفر [illegible] حضرات آمده [illegible] مشروطه [illegible]
که [illegible] چند شلاق سیمی که در دست داشت میزد [illegible] هر وقت که [illegible]
و گاهی هم [illegible] را آورده [illegible] که [illegible]
دربار [illegible] محبوسین [illegible] داده [illegible]
باغشاه روزها [illegible] مینمودند [illegible] استنطاق [illegible] مردم را
گرفته میآوردند حبس کرده استنطاق میکردند از جمله صدرالاشراف و میرزا احمدخان - از دربار [illegible] الدوله
و [illegible] خان فرمانفرمائی ([illegible]) [illegible] - [illegible] بودند صدور حکم با صدرالاشراف
بود [illegible] مقصود [illegible] بود که [illegible] اطلاع [illegible] یحیی میرزا و میرزا داود خان
و حاجی محمدتقی [illegible] صدر [illegible] مستشار الدوله و میرزا سلیمان خان را [illegible]
در حبس مانده بودند [illegible] مستشار الدوله [illegible] میرزا سلیمان خان [illegible]
[illegible] حضرات [illegible] خان [illegible] الدوله
حال [illegible] استنطاق
و حبس [illegible] مشروطه [illegible] حضرات را [illegible]
روزها [illegible] کرده تهدیدش کردند

اسامی محترمین [illegible] که در [illegible]

مردان انقلاب [illegible]

آقا سید عبدالله بهبهانی – آقا سید محمد طباطبائی – یحیی میرزا – حشمت نظام – سردار [illegible] خان [illegible] آبادی –
حاجی محمدتقی بنکدار – ناصرالملک – نائب [illegible] خان – میرزا سلیمان خان میکده – مستشارالدوله – حاجی [illegible]
میرزا [illegible] برادر حاجی [illegible] – مدیر روح‌القدس – آقا سید [illegible] – طبیب السلطان – معظم السلطنه [illegible]
– ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس – ملک المتکلمین – میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل – آقا شیخ مهدی پسر شیخ فضل‌الله نوری
– سردار مقتدر غفاری کاشانی – سید [illegible] – امام جمعه خوئی – میرزا سید احمد بهبهانی پسر آقا سید عبدالله –
حسینقلی خان [illegible] – صدرالعلماء مؤلف کتاب [illegible] – شیخ ابراهیم طالقانی – [illegible] خان سپهدار – سردار اسعد
میرزا محمدعلی خان [illegible] – [illegible] خان [illegible] – حسین خان برادر شیخ محمدخان سالار

صورت اسامی محبوسین باغشاه بعد از بمباردمان

گرفتاری در شب اول

ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس متخلص به حیرت پسر حسام السلطنه نواده فتحعلی شاه — میرزا سلیمان خان میکده — معظم السلطنه [illegible]
صاحب امتیاز [illegible] ایران
ظهیر السلطان پسر ظهیرالدوله — پسر سردار [illegible] — آقا شیخ مهدی پسر مرحوم شیخ فضل الله نوری مجتهد — سردار اسعد [illegible]
سید [illegible] که — مستشار الدوله — شیخ الرئیس — امام جمعه خوئی در [illegible] گرفتار شدند [illegible] سید [illegible] شدند
از طبقه علما که دیگر در توقیف شدند یک چند روز

آقا سید عبدالله مجتهد بهبهانی — آقا میرزا سید محمد طباطبائی مجتهد — امام جمعه خوئی مجتهد — میرزا سید محمد پسر آقا سید عبدالله بهبهانی

از طبقه آزادیخواهان

گرفتار در دسته اول محبوسین باغشاه دوم

یحیی میرزا اسکندری — شاهزاده نصرالممالک — ملک المتکلمین که او در حبس او را شهید کردند — میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل او را هم شهید کردند
قاضی ارداقی که او در باغشاه خفه کردند — حشمت نظام — میرزا داود خان علی آبادی — حسینقلی خان نواب [illegible] و [illegible]
دادرس [illegible] — صدر العلمای مولف کتاب [illegible] — مدیر روزنامه روح القدس که در باغشاه شهیدش کردند — شیخ ابراهیم طالقانی
سرتیپ [illegible] سردار [illegible] — میرزا محمد علی خان ملک زاده پسر ملک المتکلمین — [illegible] — میرزا [illegible]
[illegible] — میرزا علی [illegible] — [illegible] — [illegible]
[illegible] که در باغشاه خفه کردند — [illegible]
[illegible] — حاجی محمد تقی [illegible] — [illegible] — [illegible]
[illegible] — سید یعقوب شیرازی
[illegible] که [illegible] کردند

[illegible]
[illegible] خفه کردند
[illegible] — [illegible]

این [illegible] را [illegible] که [illegible] در باغشاه [illegible] بودند [illegible] داغ [illegible] کرده بودند که [illegible] داغ کنند
ولی [illegible] که [illegible] شاه [illegible] و [illegible] الدوله [illegible] که [illegible] شاه [illegible] از
داغ کردن [illegible] منصرف نمودند
چند [illegible] از [illegible] محبوسین [illegible] محمد علی میرزا [illegible] حکم [illegible] محبوسین را با [illegible] و [illegible]
[illegible]

[illegible] ([illegible] ایران) [illegible] محبوسین [illegible]

عکس آقا سید جمال ۴۱۳

شرح حال آقا سید جمال واعظ اصفهانی
ناطق مشروطیت

آقا سید جمال واعظ حق بسیاری بر گردن ملت ایران دارد زیرا آزادی و استبداد را به بیان واعظ و خطابه بمردم ایران [illegible] ممنوع میمود در دوره [illegible]
در تمام منابر و مجامع و مساجد خطیب و ناطق زبردستی بود که مطالب را ساده و عوام فهم بیان میکرد که طبقه توده از مسائل آگاه گشته بیدار میشدند
مردم را از ظلم و استبداد و [illegible] بود [illegible] با [illegible] از شنیدن [illegible] در مجلس [illegible] میمود و مردم را [illegible] در مجالس [illegible] و [illegible]
نسبت بحکام و درباریان استبداد میکرد

در شروع جنگ میدان توپخانه که صبح حضرت [illegible] با [illegible] سپهسالار [illegible] مردم هجوم [illegible] که آقا سید جمال را [illegible] که [illegible] نطق [illegible]
[illegible] حامیان [illegible] [illegible] الملک [illegible] شده [illegible] [illegible] میگیرد

[illegible] از [illegible] [illegible] طهران [illegible] از حال [illegible] اطلاع [illegible] از [illegible] اطلاع [illegible]
[illegible] [illegible] الملک [illegible] [illegible] الملک [illegible]
[illegible] شرح حال [illegible] اطلاع داده [illegible] [illegible] الملک
[illegible] سید جمال را [illegible] [illegible] محول [illegible]
در طرف [illegible] (حسام الملک) که [illegible] [illegible] کرده [illegible]
[illegible] که سید [illegible] در محبس [illegible] خفه کرده [illegible] در [illegible]
[illegible] عرق خفه شده

[illegible] الملک در [illegible] حاکم [illegible] بود [illegible] که [illegible] آقا سید جمال در [illegible] صلاح [illegible] برد [illegible]
نزد حسام الملک [illegible] بود که [illegible] را [illegible] در محبس [illegible] کردند

عملیات امیرنظام

بعد از قضیه توپ‌باران مجلس امیرنظام مأموریت اردبیل [illegible] کرد برای دستگیری مجاهدین و آزادیخواهان که بعقیده فرار باد
شده بودند که [illegible] مجاهدین را دستگیر نماید تا بهم [illegible] و مارا از آنها فراخوانده حرکت میکنند هر یک از مجاهدین را میگیرند و دستگیر کرده
بالاخره بعد از کشتن [illegible] ادبار از [illegible] زنده [illegible] هم [illegible] تمام شد زیرا رفتار امیرنظام از
این حرکت [illegible] شاه [illegible] و سرانجام [illegible]

درطی [illegible] آزادیخواهان از [illegible] و بسیاری از افراد مجاهدین را [illegible] میکردند که [illegible] جامعه [illegible]
[illegible] شاه هم [illegible] تا آنکه [illegible] آزادی نماید

تحصن در سفارت روسیه

بعد از توپ بستن مجلس به امر محمدعلی شاه مخلوع

در هزار و سیصد و بیست و شش قمری که محمدعلی میرزا مجلس را توپ بست و وکلا و ازادیخواهان را تعقیب گرفتار می‌کرد یک عده فراری متواری شدند عده هم متحد در سفارت انگلیس از نظر باقی حال و جان و مال در سفارت تحصن اختیار کردند که تقی‌زاده «آقاسید جمی» هم جزء آن عده بودند تا بیست و هفت ماه که بقیه در سفارت تحصن بودند

در این وقت از طرف دولت ایران محاصره سفارت محمدعلی شاه یک عده قزاق در اطراف سفارت به عنوان حفاظت به طور محاصره گماشته بود که به سفارت رفت و آمد ... نداشت و ... و مراجعه آنها را ممانعت می‌کردند تا در نتیجه متحصنین اعتراض نمودند ... که برخی از آنها قرار داده نمودند ... مذاکرات شرطی را اعلام ندهند ولی بواسطه محاصره قزاق که مانع از ورود اشخاص بود این عده زیاد شدند

در این بین مذاکراتی بین دولت و سفارت در این باب نمود تا آنکه یک قرارداد سفارتی بین دولتین و سفارت محمدعلی شاه به شرح ذیل

خلاصه قرارداد بین سفارت انگلیس و محمدعلی شاه

1. قزاقی که در سفارت را محاصره کرده اند بردارند
2. وزیر دربار از طرف محمدعلی شاه و وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران با ایلچی تمام ... در سفارت حاضر شده تعهد بنمایند که از آنکه سفارت را محاصره کرده‌اند
3. باقی مالی و جانی به متحصنین صدمه نرسانند
4. اشخاصی که در اطراف سفارت گرفتار و در حبس محبوس هستند آنها را آزاد کنند

تقاضای دولت ایران از سفارت انگلیس و ... سفارت

5. اشخاصی که از تحت حمایت سفارت خارج می‌شوند هرگاه در اثر شورش یا اقدام بر علیه دولت گرفتار شدند تحت نظر نماینده سفارت انگلیس محاکمه شوند
6. عده متحصنین از سفارت خارج شوند یک عده از طرفین تبعید شوند یک خبر که صورت آنها داده شود از ایران تبعید کرده پس از امضای قرارداد فوراً متحصنین را خارج آن عده که باید از طهران خارج شوند حرکت کردند عده که باید از ایران خارج شوند تحت نظر مأمورین سفارت انگلیس و مأمورین وزارت خارجه باشند تا آنها را با کشتی ... نموده از ایران ... اعزام دهند.

بعد از خارج شدن از ایران چند نفری با اتفاق تقی‌زاده به اروپا رفتند - چند نفر به اسلامبول - چند نفر در روسیه ماندند پس از شش ماه تقی‌زاده از اروپا به تبریز رفت در مجمع تبریز با ستارخان ... بود که شرح آن را خواهم داد - دیگر تبریز در محاصره ... قرار گرفت تقی‌زاده و ... در شهر تبریز ... شد تا فتح طهران که باز تقی‌زاده طهران آمد و آن عده تبعید شده کلاً هم با ... دیگری به طهران آمدند

اشخاصی که از ایران تبعید شدند

در باغ ... به تصمیم ... تقسیم شدند که در اروپا برای آزادی ایران کار کنند

دهخدا - میرزا ... - ... - میرزا آقاخان - میرزا ... در روسیه ماندند

تقی‌زاده - ... - ... پاریس ... اروپا حرکت کرده ... -

شرح ورود متحصنین سفارت انگلیس بعد از بمباردمان مجلس

منتظم الملک و شکر ارشد الدوله ابوالقاسم سردار [illegible] اشخاصی که داخل شدند که خود را از خوف جان در آنجا
حفظ کنند و نوشته‌اند که رفته از سفارت رفقا طلب‌الاطفال کردند بعد از تحقیقات معلوم شد اینها از [illegible] سفارت
انگلیس رفته تحصن جستند که بدانند لطف سفارت نسبت به رعیت ایرانی بوده خود را داخل سفارت کرده صدیق حضرت که از روز اول
می‌دیدند ساختند لطف او رفته از حال منتظم الملک تحقیق کنند معلوم شد که بعضی است از حال تحصین [illegible]
مشکل شد که ایشان را نفرستادند اسامی آنها را صورت کشیده‌اند

نقی‌زاده – معاضد السلطنه – میرزا ابراهیم آقا وکیل [illegible] – صدیق حضرت – سردار محتشم – ساوات
آقا سید جمال واعظ – میرزا سلیمان خان صور اسرافیل – میرزا آقا خان – میرزا محمد نجم آبادی – تقی خلیل [illegible]

میگویند حالا بیاید دختر نقی‌زاده مشغول بود که او گفته است حاجت جمعیت چهارصد نفر رسید با آنها یک
مسجد را با ملائم دسبان [illegible] ما را فراهم کردند مبادا که [illegible] با سمت ایشان نشان سیدهم دلیر هرچه کوشش ملائم در [illegible]
اشخاص منفرد سیم کسی [illegible] اولاد فراق [illegible] سفارت را محصور کنند که از ترک داخل بود حرم که مردم [illegible] سید
و چند نفر از در سفارتخانه بیاید دیگر آنکه [illegible] مشروطه طلبی باقی مانده بودند حال چون کسی نمانده در اینجا که
در قبال آنها هستیم بایستی داخل سفارت مشغول شده است چرا از ده نفر ما تعداد باقی در طهران نماند
[illegible] میرزا [illegible] الملک [illegible] اقلا تفنگ مشکل است برای آنکه [illegible] خود با نزد ایشان بر سایند [illegible]
[illegible] با ما چند نفر با این نگرید [illegible] شده اما [illegible] برادرم [illegible] است [illegible] برساند [illegible]
زیادی از نقی‌زاده [illegible] که تمام جاها سفارت مشکل [illegible] مادر سید [illegible] را با [illegible] را
نشان [illegible] حال مشکلم که [illegible] مادر سید [illegible] معاضد السلطنه و میرزا ابراهیم آقا [illegible] خلیل
[illegible] بوده تعیین [illegible] زیادی [illegible] است برای آنکه بعضی [illegible] در حق مردم [illegible] مشکل [illegible]
[illegible] سید جواب [illegible] که نوشته که [illegible] با قوه دارم [illegible]
باشند [illegible] حواله [illegible] نوشتند در [illegible] ملاقات [illegible]
نوشتم آنچه لازم دارید [illegible] دارید [illegible] رفقا از طرف من سلام مشفقانه برسانید

۲۱۷ مستعان الملک

شرح حال مستعان الملک (سید عبدالمجید خان)

بعد از بومباردمان مجلس و متواری شدن عموم مستعان الملک هم پنهان شد در شهر طهران متواری بعد از آنکه از ... اطلاع حاصل شد
میآورد و از رفقای سطحی میشود که هیچکس بجز از چند نفر که شهید شده‌اند باقی سلامت لذا مشغول اصلاح کار خود میشود
حاج رحیم آقای تبریزی که مدار عمل مستعان الملک بود با حاجی محمد اسمعیل مغازه روسی کاملی داشت لذا برای اقدام قرار شد که باغش از جانب او
مستعان الملک بکرد حاجی محمد اسمعیل مغازه نزد محمد علیشاه برود در باب ملاحظه شاه که ... خود قرار بدهد با این حال اگر از نزد
محمد علیشاه در ... تبریزی بعد از جنگ سر خود ... نتیجه بگیرد با آنکه ... میکند که نزد شاه ... عرض نموده ... شاه بمرقوم
بر صد چهار ... از طرف ... ابراهیم دربار ... از او درس برادر ... نامه
از طرف شاه صادر و ... محمد اسمعیل ... به توسط حاج رحیم آقا برای مستعان الملک ... شد
در ... که با ... از طرف ... شده ... اسم ... از ایران ... بعد از آنکه ... حاصل میکند
در ... محقق شده بود بمنزل خود ... شد
روز بعد از ... را با ... برداشته ... که ... مرده ... ولی در این صورت
... سوال ... مستعان الملک ... تقصیر نمود
در ... مستعان الملک ... از خود ... بود ... و از ... برای آنکه ... آقا
نوکر شخصی شاه بود ... خود ... که ... صرف نظر ... آزاد ... بالاخره
با تغییر ... از ... طرف ... با ... و ... را ... آورده
... ننشیند ... باید

اقتباس [illegible] روس و انگلیس در ایران
از کتاب آبی

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۹

طهران ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸

در عرض سه هفته گذشته نمایش بر علیه مشروطه در باغشاه واقع شده و تلگرافاتیکه شهرت داده شده بود از ولایات ملی مخالف با تشکیل
پارلمان رسیده که در باغشاه ترتیب داده شده بود [illegible] بر واضح است که این نتیجه تشبثات [illegible] و صدراعظم
و وزیر جنگ بوده که توسط [illegible] حکومت مشروطه [illegible] اعتنا خواهد رفت بنابراین همکار روسم [illegible] دیروز که
فرصتی بدست آورده در باره شاه توضیح نمایم که این اظهارات عقاید عمومی [illegible] اعلیحضرت را از تعهدیکه نموده اند منحرف نکند
[illegible] درخواست ترحم [illegible] نموده و شاه روز چهارشنبه وزیر مختار روس را بار داد و در روز بعد مرا [illegible] اعلیحضرت عرض
نمودم [illegible] درخواست نمودن ترحم [illegible] محرمانه این است که [illegible] در باب اوضاع مشغله حاضره را با اعلیحضرت در میان
بگذاریم [illegible] اعلیحضرت [illegible] دارم که [illegible] را عوض خواهم نمود فقط [illegible] است که برای منافع خود اعلیحضرت و مملکت
او لازم است پس از آن من شروع به بیانات ذیل نمودم

چنانچه خاطر مبارک اعلیحضرت مستحضر است مسلک اساسی دولت انگلیس و روس در ایران تبری جستن از مداخله در امور
داخله این مملکت است و دولتین از این مسلک منحرف نخواهند شد.

بنابراین در پیش نظر همجواری دو دول کاملا الوداد بودن حتمانه مایلند که پیشرفت و سعادت ایران را در ترقی ببینند و توسط [illegible]
[illegible] این مملکت [illegible] از وظایف خود شمرده اند که دولت اعلیحضرت شاه را با نصایح خیرخواهانه خود تقویت
نمایند [illegible] همکار روسی [illegible] که نصایح [illegible] خودمان با این اعلیحضرت عرضه
بداریم در این موقع که مملکت ایران از بحران عظیمی [illegible] مستقل بشود

بموجب اخباریکه بما رسیده است اهالی ایران چه در پایتخت و چه در ولایات در نهایت اضطراب و انقلاب هستند
اعلیحضرت شاه [illegible] خودشان [illegible] مشروطه را وعده فرموده اند [illegible] وعده صریحه [illegible] کامل الوداد [illegible]
اظهار شده

حوادث هفته گذشته با این وعده منافی است. از قرار مسموع در این روزها [illegible] چند صد نفر مردم را در باغشاه جمع
نمودند که مخالف مشروطه اظهارات نمایند [illegible] در این موضوع بعضی علما [illegible] داده شده بود و [illegible] اعلیحضرت شاه [illegible] شده
[illegible] همکار روسی و من حتمانه امید داریم که این [illegible] توسط دشمنان مملکت [illegible] تلگرافات [illegible]
داده شده باعث انحراف اعلیحضرت از قصدیکه داشته اند نشده و نقض قول اعلیحضرت را ننمایند [illegible] مملکت [illegible]
و ولایات [illegible] طهران [illegible] [illegible]
[illegible] که [illegible] [illegible]
[illegible] همکار روسی [illegible] اعلیحضرت [illegible]
[illegible] اعلیحضرت شاه [illegible] نموده اند

در خاتمه میل دارم خاطر مبارک اعلیحضرت را [illegible] که [illegible] محبوس [illegible]
[illegible] و [illegible] محبوس [illegible] اند.

[illegible] اعلیحضرت [illegible].

پس از آنکه اعلیحضرت [illegible] از این نصایح نمود در جواب [illegible] فرمودند [illegible]
[illegible] را از مسیو (دو هارتویک) [illegible] نموده بود [illegible] جواب [illegible]

با صحبت از سایر معقولات دقیقه‌ای چند ادامه داده بود او لکن شکر حسن نیّات اظهار احساسات علاقه بر ضد مشروطه نمود و اظهار داشت که یک قسمت
بسیار عقیده مشتقه‌ای مردم بر این عقیده هستند که حکومت مشروطه مخالف اسلام است و در نتیجه تمایل بر ضد مشروطه در غالب وزراء
و حاکمان هستند الحجه بردن بر ذهنیت نفوذ ملاها در این موضوع تاثیری داشته. اعلیحضرت شخصاً با تمایل یک پادشاهی اظهار همراهی نمود
که ایران اصلاحات لازم دارد ولی باید در نتیجه آن لکن با مشروطه سابق فرق داشته باشد. اعلیحضرت سرنوشت وضع چهره را با وضع جاریه
در اواخر سنه ۱۹۰۶ مثال سنجیده و اظهار داشت که در آن ایام دولت مخالف مشروطه بود ولی مردم طالب آن حالا
برعکس دولت طالب آن است و مردم مخالف آن. آنگاه اعلیحضرت اراده بعض عهد خود را اظهار داشت در غالب هم سکس
نموده بلکه در صدد پاشیدن مشروطه است که من سبب حال این مملکت بی قانون اصلاحات تولید ابتکار شده ولی او باید
فرصت داشته باشد که قوای اقتدار آن حالا شامل حد مردم از قبول خواهند نمود
محتویه که در شرح بخط سابق ادا شده و به واسطه فرد ارتعاش بوده باعث انزجار کلی شده حالا باید به مقدار مثال ماه داده بود
که متقاعد حکومت نوازی را حبیب شاه
در باب ... مخصوص هستند اعلیحضرت تاریخ اظهار داشت که عقیده او این است که بعید است نظر در حبس هستند معتقد است به سهم تو لیکن
ولی او وعده نمود که در صورت امکان اظهار رحمه نماید
می‌خواهند از حقوق مردم ... از اینکه اعلیحضرت اراده تجدید شهر از مشروطه را دارند و می‌خواهم پادشاه اعلیحضرت تحویل نمایم که حتم
حکومت مشروطه برای ایران لازم است ولی ... برای تمام مصالح لازم است که ... که ممکن است مردم از این
خیالات که در شهرها اظهار شده که اعلیحضرت تازه اراده ایفاء وعده خود را ندارد آسوده شوند و ... که تحقیق بای
اعلیحضرت نمودم که متوقف بودن انتخابات عامه با حکومت مشروطه که اصل است مسلم است که عقیده عمومی بر این است که
تمایل به مشروطه حتمی نیست پس از آن من اظهار نمودم که از این ... بعد آن اعلیحضرت اظهار ... در وضع ترتیب انتخابات خواهند
اتفاق با ... اعطاء عفو عمومی از ... صلح در ... لازم است
از اینکه ... شرح فوق ... آخر ... مطلب ... حرکت ... لازم است ذکر
شود ... که در باب ... اظهار داشت ... مخالف ... برای مشروطه ... آنها ...
طلب ... که ... فقط ... اعلیحضرت اظهار نمودم که حکمت
مرتبط ... پس از ... در اواخر ماه ... شروع شد.
می‌خواهم آن اعلیحضرت ... کردم که ... اظهار ... نموده ... خود را
عنوان صلح نمود و عقیده خودم را تکرار نمودم که اعطاء یک عفو عمومی در ... تسریع نمود اعلیحضرت ... وسیله استقرار
نظم است.
بعد از ... از ... اعلیحضرت ... که ... نمود که یک لحظه در ... توقف ... آن ...
حضرت ... که ... که در حضور مترجم ... آن اعلیحضرت ... اظهار ...
که ... در غالب ... عقیده ... که وجود ... لازم ... اگر ...
حضرت مشروطه را اعطا نماید ... خواهند ... عقیده ... که مشروطه مخالف با اسلام است.
منظور این بود که من خودم ... عقیده را ... که ... مشروطه است ... سلطنت ... نموده
است ولی فقط ... از مشروطه ... شده ... در صورتی که ... حال بی
اساس است.

برای ترمیم آن قبایح ارباب تجارت و بعضی از شهرها عده بسیاری تقاضا دست ولی اکثر طبقات کم و بیش مرتب شده
مثلاً حوانین حکومت مشروطه هستند خصوصاً تجار و اشخاصی که در این مملکت دارای نفوذ باشند یعنی هستند تا من خود را در تحت
تعدیات حالیه یا شخص غیر مسئول شاه مشاهده نمایند — من نمی‌توانم بگویم که نتیجه ارسال دو فقره تلگرافات چه است (مسیو
دوهارتویک) که امروز از طرف دولت خود مکتوب دیگر دیروز بحضور شاه باریافته بود و اطلاع داد که در
این مکتوب تلگرافات خودش هم تعقیباً یک مرتبه دیگر با کمال جدیت با شاه تکرار نموده و اعلیحضرت شهریاری وعده داده
که در عرض دو سه روز آینده دستخط توزیع خواهد نمود — اگر انعقاد مجلس هم بشود می‌ترسم که آیا انتخابات رضایت
بخش را حاوی خواهد بود یا خیر چونکه اشخاصی که در تهران یک مجلس مستحفظ بوده‌اند ملت از خود نفوذ دارند از آن طرف دیگر
نخواهند بود که بطوریکه شاید دوباره مجلس یک مجلس نظیر آن را ترتیب بدهد قرار بدهند که بعداً ارادت مطیع گردد.

(جارج بارکلی)

خلاصه تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۰

مورخه نهم دسامبر ۱۹۰۸

تعارف رئیس انجمن مشهور است که حالا از طرف شاه بطوری اعتقاد می‌شود که کمیته مشروطه موافقت دارد چون این ترتیب برای انتخابات در این
موضوع مشغول است با وجود این تا رفتن بحضور اعلیحضرت شهریاری را نموده‌ام که در جواب‌های تعارفش تلگرافات حمل نموده در فقره
اهالی مشهد و اصفهان و راجع در باب خواهش مشروطه نوشته این است که نفعه نماید ولی شاه فعلاً گمان مراجع از هر قسم جواب‌ها ندارد است

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۱

مورخه ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸

شاه و مشروطه

روزنامه رسمی «ایران» دیروز اشعار داشته که اعلیحضرت شاه رأی خود را بر این قرار داده که مجلس شورای مخصوص مرکب از پنجاه نفر
اعضاء تشکیل دهند اعضای این مجلس مرکب خواهند بود از علماء و تجار و اشخاص معتبر از اضلاع مملکت و اشخاص دیگر که اعلیحضرت انتخاب نماید —
این مجلس در تمام امورات مملکت اظهار رأی خواهند داشت و در باب اصلاحاتیکه برای مالیه و سایر ادارات لازم است مذاکره
خواهند نمود.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۴

۱۴ دسامبر ۱۹۰۸

از قرار معلوم شاه حالا مشهور می‌شود که عوض از ترتیب نظامنامه مجلس حق دادن با اسم مجلس شورای منابع
در مذاکرات جواب‌های تعارفش با ما دو سفارت بزرگ توسط وزیر امور خارجه نفعه هم داشته و خاطر اعلیحضرت شهریاری را از وعده خودش
آگاه نموده و خاطر نشان نموده‌ایم که تشکیل مجلس که مرکب از اعضای ملتجیه توسط خود دولت برای اجرای وعده‌های اعلیحضرت نموده
بود هیچ کافی نخواهد بود
با همکار خود را اعلام نموده و فقط اینکه هر قسم اقدامی که با انتخاب جداگانه تشکیل مجلس ملتجیه با اعطای عفو
عمومی با حالی مذاکره نموده‌ایم.

ضمیمه دستخط محمدعلی شاه در جواب یادداشت مشترکه

مورخه ۲۲ نوامبر (جارج بارکلا)

دستخط مورخه ۱۹ نوامبر شاه

جنابان سفیران عالی مقام

هرچند بنظر ما بوده است که در مسیر اسلام و قوانین حضرت رسول را تقویت و حفظ نمائیم حالا که شما اظهار داشته اند که بر قرار مجلس با
قوانین اسلام مخالف نیست و مشروع بودن آن را فتوا داده اند علمای ولایات هم کتباً و تلگرافاً مشروع بودن آن را فتوا داده اند مهذا ما هم
بکلی از این عزم صرف نظر نموده چیزی در آتیه هم هیچ دیگری از خصوص ممیزی نخواهد شد ولی مدت [illegible] امام عصر [illegible] فرمودیم لوازم آن را اطلاع
و دستور داده شده و خواهد شد حالا از این ملوکانه ما برای [illegible] عدالت حفظ حقوق رعایای خودمان و صلاح [illegible]
قوانین شرع مبین انشاء تمام طبقات را مستحضر خواهید داشت

(محمدعلی شاه قاجار)

یادداشت مشترکه سفراء [illegible] طهران

۲۲ نوامبر ۱۹۰۸

نمایندگان روس و انگلیس با کمال تعجب اطلاع حاصل نموده اند که اعلیحضرت شاهنشاهی بسبب [illegible] تعلقات [illegible] خود را اعلام نموده در نقشه
مانیکه بسمع [illegible] صادر [illegible] سیاسات حقیقی [illegible] نیت [illegible] قرار داده و مقصد [illegible] که بالکل منصرف از [illegible] کامل [illegible] نمایند. نمایندگان دولتین
مملکت خود را بوسیله تلگراف از این عزم [illegible] شاه مستحضر خواهند نمود که از این عزم مشهود است اعلیحضرت منتظر در صدد [illegible] نموده عهد
خود که مکرر بملت خود و نمایندگان [illegible] داده است [illegible] نمایندگان دولتین است [illegible] اصلاحات
مملکت خود [illegible] اعلیحضرت شاه را آگاه نمایند که برای منافع شخصی خود و مصالح مملکت خود از این اراده
جدیدیکه نموده صرف نظر نمایند. نمایندگان [illegible] مملکت خود [illegible] باشند با اینکه از هر [illegible] در امور
داخله ایران احتراز [illegible] خود می‌دهند که تکرار [illegible] در این [illegible] خود نمایند که فقط [illegible]
مخالف [illegible] مشروطه [illegible] از [illegible] طبقات [illegible] مجلس [illegible] ولایات [illegible]
[illegible] که اعلیحضرت [illegible] خود را از [illegible] صلح [illegible] حالت [illegible] آزاد [illegible]
[illegible] باعث [illegible] نمایند

(جارج بارکلا - سبلین)

خلاصه مکتوب سرجارج بارکلا بسرادوارد گری نمره ۱۸

۲۹ نوامبر ۱۹۰۸

(آقا) در تعقیب مکتوب مورخه ۲۵ شهر جاری خودم با کمال افتخار ترجمه بیانیه دولت ایران را لفاً تقدیم میدارم که در جواب
یادداشت مشترکه ما انتشار داده است که در ۲۳ شهر حال بوزارت امور خارجه [illegible] دستخط شاه که [illegible]
در لفافه مکتوب [illegible] نوشته بودم. (جارج بارکلا)

ضمیمه نمره ۱۸

ترجمه مراسله علاءالسلطنه بسر چارلز هاردینگ مورخه ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸

جنابا، با کمال احترام وصول یادداشت مورخه ۲۳ نوامبر جنابعالی را اطلاع میدهم نسبت نصایح مشفقانه دولتین که به دربار ایران داده شده
و فقط مبنی بر یک رأی است در این باب است و هیچ اساسی برای دخالت نیست و نیز تکالیف محترم ورثه شده نیز اساسی تعجب
با نظر تکلیف ... نظر جنابعالی به اینکه جنابعالی ارسال داشتید تا اعلیحضرت ... رأی نموده اند و اینکه تحقیق در صحت این رأی است
با این در صورتیکه حال خود با نظر آزادانه نموده اند و درباریان دولت شاهنشاهی را فقط با انعقاد اینکه همه نظر و عقیده را در این باب الهام داده اند
صدور سکه ها هیچ در این عقیده شبهه نیست که اعلیحضرت شاهنشاهی با کمال دقت ... که در حفظ اساس حکومت و دارائی مجلس
برای رفاه و آسایش ملت خود ... ظهور رسانیده هیچ احتیاج به نصیحت درباریان خود نیست اعلیحضرت شاهنشاهی طبیعتاً در تکالیف خود
نصیحت و در وظایف نسبت برای مملکت دارای ... لازم است نحوی آگاه هستند اعلیحضرت شاهنشاهی نیز نحوی از عادات و رسوم اهالی ایران
استحضار دارند و با فضل و رأفت عمل نموده و منتظر خواهند بود که مناسب احتیاجات زمان و عادات و ملاحظات ایران باشند
بالاتر به اعتبار اینکه ... مملکت گرفته است بعد از آنکه توجه جنابعالی را به اوضاع مملکت در عوض دو سال حکومت مشروطه معطوف
دارم که باعث هرج و مرج و بی نظمی گردید و باید خاطر جنابعالی باشم که اعطای یک هیچ مجلس بدون مجلس ... احتیاجات عمومی
ولی اعطای آزادی بی قاعده است باعث ... گردید شاید ... خاطر نشان شده است .
نظر به روابط و داد که مابین دولتین جاری است و نماینده ما محترم دولتین مایل به بقاء و تشیید آن هستند میخواهم از جنابعالی مستدعی باشم
که به اعلام خواهید فرمود که قصد اعلیحضرت اعطای یک مجلس است که مناسب با طبیعت مملکت و شرایع اسلام و عادات اهالی ایران
به نظر بگیرد مملکت و ملت به جهات ملوکانه در رفاه باشند (امضا محمد علی علاءالسلطنه)

خلاصه تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۵۵

۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

(آقای ...) در ملاقات چند روز پیش خودم لزوم تشکیل مجلس شورای ملی را به شاه داده و اطمینان داده ام با کمال احترام
رحمت خواهد ... برای کار کردن این مجلس وضع شده و در امور خارجه مخبر رسانیده ام که ... که شاه ... اعمال ... در این باب
هیچ اسمی از اعضا ... شده ولی از قرار معلوم ... در آن باب مختلف نظر ... که ... در امور مملکت ...
خودم را اطمینان داده ام ... برای تشکیل مجلس ... شده است
از قرار معلوم ... ملاحظه میشود که قدرت زیادی اعطا داده شده ، حقیقتاً اگر یک ... نمیبود که در این صورت
با ... اعضای ... که عقلا و ... قدرت خود را ... با ... باشند ... سیم
بود که برای ... یک هیچ مجلس برای احتیاجات مملکت مناسب تر از مجلس سابق مردم نمیبود ،
بدبختانه هیچ یک از این شرایط موجود نیست و دلایل بسیار قوی برای این تصورات هست که شاه در صدد است بواسطه اعطای
این مجلس ... را به نام ... و ... لیتیمیت را دارد
لازم است که خاطر محترم را برای ... صورت های ... نمایم ... عرض کنم که قسمت ... آن
... در ... جاهای ... است ،
... اینک مکرر ... با همکار روسی خود ... بازدید ... شاه ... به ... مجلس ... جدید ... اعلیحضرت ...
... داده ایم که ... که ما در ... زمینه ...
با اعلیحضرت تقدیم نمایم . (امضا جارج بارکلی)

ملفوفه نمره ۱ در نمره ۵۵

سواد نظامنامه مجلس شورای مملکتی

بسم الله الرحمن الرحیم

(بعد از شعبات سلی و آزادی ساده) (برای رقابت و شکست مجلس ملیه)

در ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ مجلسی برای بسط عدل و رفع دست تعدی جور و ستم و جلوگیری از نقض شرایع اسلام در دربار تشکیل یافت
اختصاراً بمجلس شورای مملکتی موسوم شده

ماده اول نظارت تمام وزارتخانه ها و اجازه تفتیش و نفوذ در امورات مربوطه نمودن از اختصاصات مجلس است با قواعد و تعلیمات مخصوصه که از
طرف اعضاء مجلس ابلاغات شود

ماده دوم نظارت در مالیات و مخارج مملکت منصرحه در ماده اول

ماده سوم هر یک از وزراء باید دستور راجع بوزارتخانه خود را نوشته بمجلس بفرستند ، در صورت تصویب نمودن مجلس و کابینه
آن دستورات توسط صدراعظم بشاه تقدیم خواهد شد که در صورت تصویب امضاء خود را مرحمت نمایند

ماده چهارم مجلس حق دارد که در صورت لزوم وزراء را احضار نماید و اگر هر وزیری نتواند حاضر شود معاون خود را مأمور نمایند که در
آن باب توضیح بدهد

ماده پنجم ممکن است که مجلس وزراء را بسبب تفتیش و حفظ اسلام با خود رشوه یا سایر تقصیرات متهم نمایند در صورت یکه از مجلس تشکیل
داده خواهد شد که در حضور صدراعظم و با اطلاع وزراء در آن باب تحقیقات نمایند ، در صورت ثبوت تقصیر مجازات
و عزل آن وزیر از شاه استدعا خواهد شد

ماده ششم دستورات راجع بمالیات مملکت باید ابتدا با اطلاع صدراعظم بمجلس پیشنهاد شود مجلس اختیار دارد که انتخاب
و تعدیل نموده و ملاحظات و اصلاحات خود را توسط صدراعظم بشاه پیشنهاد نموده استدعای صدور رأی قطعی در آن
باب را نماید

ماده هفتم مجلس شورای مملکتی در عرض سال مطابق امر شاه در مدتهای معینه منعقد و منفصل خواهد شد

ماده هشتم اعضاء مجلس تا آخر در مدت سه سال مشغول خواهند بود و اگر هر یک از اعضاء قبول استخدام دولتی را نمایند
بایستی از عضویت مجلس مستعفی شود و عضو دیگری بر حسب امر ملوکانه بجای او نصب خواهد شد

ماده نهم اگر امر مخفی بین صدراعظم و وزراء مشغول محاوره باشد که علنی آن مستلزم خسارت گردد با اکثریت آراء ممکن است
در مجلس اعلان شود که در باب آن مسئله مذاکره نمایند

ماده دهم تمام جلسات و مذاکرات مجلس علنی است و حضور تمام اعضاء آن منعقد خواهد شد برای مواقعیکه در ماده
نهم ذکر شد (۱)

ماده یازدهم اعضاء مجلس میتوانند که عرایض و اظهارات مربوطه بمجلس را توسط صدراعظم بشاه تقدیم نمایند

ماده دوازدهم راجع بعرایض است

ماده سیزدهم راجع بآزادی نطق اعضاء و از نفوذ است

ماده چهاردهم اعضاء مجلس را از طریق اظهارات مشروط بعفت و جسارت بکلمه نمودن ولی در موقعیکه از نظامات مجلس تخلف نمایند
بر طبق همان نظامات با ایشان معامله خواهد شد

(۱) معنی این ماده این است که مذاکرات جلسات در حضور عامه مردم مجرا نبود

۶

ماده یازدهم — آزادی مطلق انتخاب وزرای دادن

ماده دوازدهم — منتهی دارند راجع باصلاحات دستورات جدیده با تغییر در یکی از قواعد موجوده از وظایف وزرای مملکت است مجلس شورای مملکتی هم حق دارد که تقاضای اصلاحات در مواد دیگر راجع بوظایف مخصوص خودشان است با تغییر در قواعد موجوده را بنماید ولیکن اما توسط صدر اعظم بعدها اجازه از اعلیحضرت همایونی بنمایند اگر از طرف شاه اجازه داده نشود رد یا قبول آن رجوع بهیئت وزراء خواهد شد

ماده سیزدهم — دستورهای اگر مجلس وزرای مملکت حاضر نمایند بعد از مرحله و قبول مجلس شورای مملکتی اگر اعلیحضرت همایونی با اجرای آن صادر نگردد الوقت بموقع اجرا گذارده خواهد شد

اگر دستورات سابق الذکر را مجلس قطع رد نماید . . . نقص این جمله بعدی در این است که مرحوم معاونت بنمایند به رحمه نماید .

ماده چهاردهم — اگر شرح قواعد ماده بماده در مجلس شورای مملکتی قرائت شود و اکثریت مجلس قبول ماده بماده آن را بنماید و بعد از آن اکثریت رای کمیسیون هم با آن تعلق بگیرد آن قواعد بموقع اجرا گذارده خواهد شد

ماده پانزدهم — مدت عضویت اعضاء مجلس دو سال است و بعد از انقضاء آن مدت بر حسب امر ملوکانه نوبت ثانی انتخابات اعضاء آن تجدید خواهد شد .

ماده شانزدهم — هر یک از اعضاء داخله یا خارجه که با تابع داخله یا خارجه داده شود بصورت مجلس خواهد بود

ماده هفدهم — علاوه بر مواد قواعدیکه برای تعیین تکالیف اعضاء مجلس شورای مملکتی نوشته شده نظامنامه داخله مجلس با اکثریت آراء در مجلس تهیه شده و توسط صدر اعظم و کابینه لشکر تقدیم خواهد شد و پس از آنصورت شدن و توشیح گردیدن با امضاء اعلیحضرت شاهنشاهی بموقع اجرا گذارده خواهد شد

(امضاء محمد علی شاه قاجار)

ملفوفه دوم در لف نمره ۵۵

یادداشت سفیر که باعلیحضرت شاه ایران تقدیم شده

نمایندگان دولتین انگلیس و روس مکرر باعلیحضرت شاهنشاهی برای تشخیص آن اعلیحضرت و مصلحت مملکت او نصیحت نموده اند که انفاذ تعهدات خود در باب تشکیل مجلس ملیه که آن اعلیحضرت مکرراً نمایندگان دولتین را ملتفت خود نموده است تمام عفو عمومی باتباع خودش که در زیر تحت اصلاح مشهد عطا نماید

اینک نمایندگان دولتین با کمال افتخار مبادرت ورزیده در نظر آن اعلیحضرت را مستحضر میدارند که تشکیل مجلس اول را با هیچ عنوان بمرتبه نخواهد رسید با وعده آن اعلیحضرت محبوب داشت چونکه اعضاء آنرا مردم انتخاب نموده اند تعهدات آن اعلیحضرت را بیان نمایند که با اطلاع بدهند چه قصد دارند امر تشکیل مجلس موعود نمایند

در ضمن مبادرت نمودن باین استعلام از اعلیحضرت شاهنشاهی نمایندگان تکرار عقیده قاطع خود را مینمایند که تنها چاره بدرفتن اوضاع با هنجار کنونی مملکت فقط تشکیل مجلس ملیه و اعلان عفو عمومی است

بتاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۰۸ (امضاء جارج بارکلی - سبلین)

۷

خلاصه مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۸۱

۱۵ ژوئیه   از طهران ۲۸ ژوئن ۱۹۰۹

(آقا) با کمال افتخار خلاصه وقایع اتفاقیه ایران در عرض چهار هفته ماضیه را لفاً ارسال میدارم

(امضا جارج بارکلی)

ملفوفه در نمره ۸۱ وقایع ماهانه طهران

تغییرات وزراء

در پنجم ژوئن سعد الدوله بجای علاء السلطنه بوزارت خارجه منصوب گردید

دو روز بعد سعد الدوله و مؤتمن الملک از وزارت عدلیه و معارف استعفا نمودند نظام الملک بوزارت عدلیه منصوب شده

و مهندس الممالک وزارت معارف را ضمیمه فوائد عامه که قبل از این تفویض بخودش نموده بود نموده

بنابرین ترکیب کابینه از قرار ذیل است

رئیس الوزراء و وزیر داخله مشیر السلطنه

وزیر امور خارجه سعد الدوله

وزیر جنگ سپهسالار امیر بهادر جنگ

وزیر عدلیه نظام الملک

وزیر معارف و فوائد عامه مهندس الممالک

وزیر تلگراف مخبر الدوله

وزیر دربار سلطانعلی خان

در ۸ ژوئن یکنفر از اهالی (کریم دواتگر) شیخ فضل الله مجتهد بزرگ را گلوله زده و ران او را مجروح نموده

ضارب دستگیر شده و اکنون در تحت حفظ سلطانی است

۱۲ ژوئن تقریباً ششصد نفر بختیاری در تحت سرکردگی سردار ظفر برادر کوچک صمصام السلطنه بطرف اصفهان

عزیمت نمودند سردار [illegible] نایب الحکومه [illegible] هم در [illegible] بعزم اصفهان حرکت کرد

(امضا) ج پ چرچیل

سپهدار اعظم که چندیست با قشون [illegible] کرده که قشون شاه بمقابله [illegible] بختیاری ملحق شده و دیگر [illegible] که در [illegible]

مجتمع [illegible] نمایند

بواد حکم علماء کربلا که ابداً ایران را به [illegible] شاه امر نموده [illegible] منتشر شده

[illegible] را [illegible] از قونسول روس مقیم اسپهان [illegible] در [illegible] شدت دارد

مراسله سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۰۸

از طهران ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۹

(آقا) با کمال افتخار سواد تلگرافی که از [illegible] کار [illegible] قونسولگری رشت در [illegible] رسیده لفاً ارسال میشود که مبنی بر راپورت حوادث جدیده در [illegible] است که بعد از مقتول شدن سردار [illegible]

حاکم [illegible] هم [illegible] بیجا رسیدن [illegible] سلطنه [illegible] شده .

۸

چنانچه در تلگراف سابق ذیل عرض کردم شهر حال خودم را پورت دادم سپهدار را که قبل از طغیان رشت وارد انزلی شده بود دسته فائقه در
رشت نگاه داشته و حکومت ایشان را تا و تعویض نموده در شهر مزبور تجمع و اهالی تلگرافی شرح نامه داده عده زیاد متعلق به ایل
مبادرت کرده و اظهار نمودند که ما هیچ غرضی با پادشاه نداریم و بنا را به این بوده که قصد ما خاتمه دادن با وضع هرج و مرج است که
مربوط به ممالک محروسه ایران در دربار اعلیحضرت منتظم است و همراه حقوق ملت حقوق ایشان تلگراف [illegible] در خاتمه اظهار نموده
بود که بواسطه [illegible] به قرابات لازمه برای حفظ خودمان ملتی است چنانکه سابقه رشت به طرف وارد تا نامه با اینجور تحقیق
شاه و حبس اموال خواهند نمود
چند صد نفر قشون از طرف حرکت نموده ولی هنوز از قزوین عبور ننموده اند

(امضا جارج بارکلی)

ملفوفه در نمره ۱۰۸
مکتوب مستر گاردنر ویس قونسولگری به جارج بارکلی
از رشت ۹ فوریه ۱۹۰۹

(۱) احوال اینجا را پورت نمودیم که در روز هشتم شهر جاری طرف چهار بعد از ظهر یک دسته اشخاص مسلح از فدائی
سپهسالار برادران سردار منصور خارج شده به طرف دارالحکومه حرکت نموده و دفعتاً سربازان مستحفظ آنجا
شلیک نمودند بعضی از آنها جواب شلیک را دادند جنگ در گرفت بالاخره سربازان [illegible] متفرق شده و [illegible]
دو عراده توپ را تصرف نموده به طرف دارالحکومه شلیک کردند در این حین تنها بعضی از فدائیان اطراف دارالحکومه
را که [illegible] روز و یک عده از آنها [illegible] رفته و درب [illegible] شلیک نموده و تمام سربازان آنجا
را خلع سلاح کردند

در حین وقوع اعمال فوق دسته دیگر از فدائیان باغ مدیریه که سردار افخم حاکم و سردار معتمد و سردار امجد برای صرف
نهار مهمانی رفته بودند رفتند [illegible] بواسطه [illegible] یک [illegible] درب خود را [illegible] داشته ولی [illegible]
تابع شدند

در باب [illegible] آن تحریک روایات مختلف است که حصول حقیقت امر غیر ممکن است ولی [illegible] شده
است که حاکم [illegible] گلوله مقتول گردیده و آن دو نفر دیگر را [illegible] حال بدتر از [illegible] نزدیک
از قرار [illegible] عده مقتولین [illegible] هفت نفر است که دو نفر از آنها از دسته فدائیان بوده ، از جمله مقتولین عمده -
[illegible] و [illegible] الممالک [illegible] که از طرف دولت [illegible] مأمور شده بوده اند
[illegible] خاص آقا [illegible] ویس قونسولگری را اطلاع دادیم [illegible]
[illegible] سپهسالار و برادرش کریم خان [illegible] (کریم خان) [illegible]
[illegible] وارد رشت شدند

امروز صبح شهر آرام و در عرض روز هیچ [illegible] واقع نشد [illegible]
شده که [illegible] سردار معتمد و سردار امجد [illegible] حکومت [illegible] نموده ،
با ضمیمه [illegible]
دولت بوده
(امضا « [illegible] گاردنر)

کرمانشاه

کامسل ۴ ورست در ۳۰ فوریه راپورت داد که مجتهد اعظم همدان با و اطلاع داده است که علمای عمده کربلا تعلیمات داده اند که از تمام قونسولها خواهش نمایم تقاضاهای خودشان را اعلام دارند که حاضر دول قرض دادن به شاه را بر سنده تا مجموعه حق استقراض را دارد اختیار این مسئله محول به مجلس است که قایم مقام کرده آن بحر ایالتی آذربایجان است در این صورت که شاه برای خود شود دیگر مجموعه مسئول نخواهد بود

(بوشهر)

سید عبد الحسین لاری سر حزب یکی از علمای عمده بوشهر نوشته و در آن اظهار نموده است که با قوام جنگ نموده و او را الکم مغلوب کرده و شهر را گرفته است که برای جهت یا اساس را در لار الکبذا فتح نموده است

(امضا ماژور شاکس اتاشه میلیتر)

ملفوف نمره ۸ سر بارکلی به سر ادوارد گری ۱۳۲۷ هجری

راپورت تبریز

ژنرال قونسول روس حسب دستور العمل که یافته با دولتین از اتحاد نموده انجمن ساخته بیرق اقدام نمایان برای اطفاء حرارت آن نقاط فردا خواهند فرستاد

امروز ملاقات شاه نموده و اظهار تشکر از تعهدات شاه کرده از جمع اسلحه تصحیح تام هستند

ملفوف نمره ۹ سر بارکلی به سر ادوارد گری ۱۳۲۷ ق

شاه و طهران — تفصیل تمام مخصوص سفارش علمای از سفارتخانه شده امروز احتمال دارد که صحیح شود شاه نظر بهمراه اسناد.

دماسال وزرا اندر قفازی نموده کمیسیون تازه که برای ترتیب قانون انتخابات تشکیل شده است سپهدار را انتشار ملاقات تو سفارت نماید

مسیو سبلین در خصوص تعرض که ... برای رعایت حقوق و جمع سلاح قشون غیر لازم

ملفوف نمره ۱۰ سر نیکلسن به سر ادوارد گری از سن پطرزبورغ

۱۳۲۷ هجری

مسیو چریکف امروز به من اطلاع داد که ... تبریز به خود را تسلیم نماید و همچنین رولسیون ها را روسی را هم مجبور به جمع سلاح

نماید بهبودی زیادی در اوضاع تبریز حاصل شده است

ملفوف نمره ۱۱ سر نیکلسن به سر ادوارد گری از سن پطرزبورغ

۱۳۲۷ هجری

مسیو چریکف اظهار داشت که شاید پیشنهاد کنم که از طرف سواران کنار روسی به ژنرال قونسول ها جواب داده در تعداد سواره

بوده که موجب آن دستور العمل ژنرال قونسول ها به کنسول شوند بر اکثر هم اتحاد کرده شده که از طرف ملتیون باید ایران بوده از مقبول

که مردم ضد شاه باشند در طهران ... شاه باید راضی به قرار سر خط داده است ... تعدیه از طرف ... در خصوص

اصلاحاتی که شاه در خیال دارد شود

کاغذ — نمره ۱۲ سر نیکلسن به سر ادوارد گری

۱۳۲۷ هجری

آقای مسیو چریکف را ملاقات نمودم در خصوص قزوین که از قرار معلوم روس خیال اعزام قشون برای قطع راه

طهران را دارند مراتب را ... نمودم که ... در صورتی که روس ... منظم ... باقی است

در قرار اطلاع ... راه ... در سایر قشون ممکن است ... مسیو چریکف گفت که

تجارت یک قونسولی در باکو ... ملاحظه که اگر ... قشون ما ... دارد خواهد شد

امروز صبح کاغذ خصوصی از جناب ... رسید که در آن کاغذ اطلاع دادند که ... روسی ... است ... عراق

دربارکوبه ... که در صورتی که ... تعداد ... داده هم چنین راه ... را اگر ... بسکه

نظر ... مذاکرات ... شاه ... حاصل نموده است ... اعزام قراولخانه ... لازم بود

ملفوف نمره ۱۵ سر بارکلی به سر ادوارد گری ۱۳۲۷ هجری

وزیر خارجه ... روسی به من اطلاع داده که ادارجات ... سپهدار ... از طرف ایالات ... در قزوین ... اصفهان ...

... رسیده که اقدامات برای رفتن قشون روسی ... نماید

... که اقدامات قشون روسی ... اصلاح طرفین خواهد شد ... مردم ... نکند که این

قشون ... شاه ... در قسمت زیادی از قشون ... در ... هزار ... راه ... بود

که مردم ... اقدامات روسی ... اصلاح خواهد شد ... حال ... که حالا ...

رفته است که رفتن کلیه قشون روسی ... بعد از ... اقدامات نمود

عملیات دولت انگلیس و روس

و اقدامات سفرای روس و انگلیس در ایران از کتاب آبی

سفرای انگلیس و روس برحسب دستورهای رسمی که داشتند در کلیه امور مملکت دخالت نموده گاهی طرفدار محمدعلیشاه و گاهی طرفدار
ملیون میشدند در تمام این اقدامات از هر کس بیشتر مطیع بودند
رامبکه ... اقدامات ... سپهدار اعظم را ظاهرا ریاست داده ولی در باطن بهمه وجه جانب ایشان را داشتند
داد ... در این موقع اجرا ... است

راپورت سفیر انگلیس در ششم ماه مه

در باب خیال سپهدار هم کار روس میشود که نفوذ کلام خود را حتی المقدور به سپهدار بکار برده ... شده است
... عدم رضایت از شاه خیال دارد از ... طرفین ... اطلاعی از عقیده سپهدار ...
اگر اظهارات همکار روسی صحت داشته باشد یک اقدام از طرف ... بهترین طریق برای حصول صلح خواهد بود

تلگراف نمره ۴۳ سرادوارد گری به سرجارج بارکلی از طهران

۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق ۱۳۲۷ هجری

همکار روسی مرا مطلع ساخت که عریضه توسط ... سفارتین دیروز از طرف سپهدار ... گوشزد نموده است که شاه
تمام خواهش های ملیون را قبول کرده است ... که سپهدار ... از پیش ... و ... در طهران ...
از معاهدات شاه ... است ... بواسطه عدم اعتماد عموم مردم از شاه است ... بواسطه ... که ... شده
دولت ... بلاد ... از قبول کردن شاه خواهش های ملت را ... اظهار دارم

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۴۵

۱۳۲۷ هجری

ممکن است در یکروز ... قشون ... از ... داد ... اینکه احتمال خطر برای اتباع خارجه ... بواسطه ...
... اوضاع ... است

تلگراف نمره ۴۵

سفیر کبیر انگلیس از سن پطرزبورغ به سرادوارد گری

۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق ۱۳۲۷ ق

... روسی ... را ... است که فقط ... شاه ... (چریکف) میگوید که
... پیشنهاد نموده است که صد هزار ... قشون ... طهران بدهد و صد هزار ... دیگر ...
دیگر ... است بدهد ... قشون ... هزار
... بدهد

تلگراف نمره ۴۷ سرادوارد گری به سیر بارکلی

۱۳۲۷ هجری

... اعلیحضرت ... پیشنهاد ... تلگراف نموده بودید ... همکار روسی
... سپهدار ... نماید ... شاه ... نماید
... اگر شاه ... قول داده است ...
... اعلیحضرت همراهی نخواهند نمود

اختلال مملکت که ما از مضمون آن بی‌خبر هستیم محرمانه از سرمایه‌داران الحکومه ما منصوب شده است و سعدالدوله هم گفتم در این عقیده
حرکت قشون بحریه را نتیجه اطلاع دادم اگر طلب یک دو خط ما تا به مالک را دولت ایران از منافع ورود سردار دو منفعت خوبی برای دولت
ایران نخواهد بخشید

تلگراف نمره ۴۱۹ سر بارکلی به سر ادوارد گری
۱۳۲۷ هجری

سپهدار در روز دوشنبه با رئیس قشون جواب داده است مسئله که توسط سفارت روس در قزوین باید داده شده است در آن جواب سپهدار
اظهار نموده که از قدرت او خارج است که جمیع سلاح از قشون ناچار ببرد (سالیس) تحویل بکنند نفرات در قزوین و اطراف
چهارصد نفر قفقازی است او سپهدار التماس کرده است که در هر صورت ترتیب بدهد ولی از دولت روس تا کناره خود بکشد

تلگراف نمره ۴۲۳ سر بارکلی به سر ادوارد گری
۱۳۲۷ هجری

شاه اظهار میل نموده است که عموی خود ظل‌السلطان را نخواهد به حکومت اصفهان منصوب نماید وزیر امور خارجه در موقع پیشنهاد این مطلب از من
سؤال نمود که آیا دولتین در این باب اعتراض دارید یا خیر در این خصوص با مسیو سابلین مذاکره نموده‌ام به عقیده ما بر حسب ظل‌السلطان حرکت
اعتراض نخواهد بود در صورتی که به حکومت فارس منصوب گردد سعدالدوله هم حکومت فارس پیشنهاد شده بود ولی قبول نکرد و نقش ظل‌السلطان
به نظر رسیده است برای انتظام آن ایالت در قراری است طرق و نواحی و شیراز از زوال و نزول این حضرت [illegible] اصفهان اطلاع
حاصل نمایم که با وجود بعضی اختلافات که هنوز هم مابین رؤسای بختیاری است از کاغذی که شاه اتفاق نوشته خوش اخلاق می‌نمایند [illegible]
که عده زیادی از قشون خود را مرخص نمایند در خصوص اعتراض از [illegible] روسی سفارت روس ایران در [illegible] از دو جانب پول
برای پرداخت حقوق قشون و اعتبار وزارت خارجه تحصیل شده است [illegible] اعتراض فقط شاه به ابراز [illegible] خواهد بود

تلگراف نمره ۴۲۵ سر بارکلی به سر ادوارد گری
۱۳۲۷ هجری

روز بعد از ملاقات سعدالدوله وزیر خارجه به حکم شاه ملاقاتی از نمایندگان هر یک از سفارت روس و انگلیس نمود و در امور خارجه اظهار نمود که اعلیحضرت
شاه هنوز هم ابراز دارد که اگر پیشنهاد [illegible] رفتار شود باعث خوشحالی خواهد بود ما هم از خاطرنشان نمودیم که بهترین راه برای آسایش [illegible]
تصحیح را که روز قبل از اعلیحضرت پیشنهاد نموده است معمول و مجری دارند بعد وزیر امور خارجه اظهار داشت که شاه بیش از صد هزار
لیره لازم دارد ما به ایشان یادآوری نمودیم که دستورالعمل ما بیش از این سمع اجازه نمی‌دهد به علاوه اظهار نمودیم در موقعی که [illegible]
و [illegible] اصلاح شد نمایندگان هر یک [illegible] خوانده بود که اعتراض مهمی کردم از آن اخذ شده هم [illegible] داده بود
روز بعد معلوم شد که شاه با وزرا بعضی دیگر حضور داشتند که مقصود [illegible] بود بعد از ظهر امروز سعدالدوله [illegible] اظهار نمود که
شاه چه از زیادی نموده است برای قبول نصایح ما با وجود حضور [illegible] که [illegible] نمودند ولی عقیده او این بود که شاه بالاخره به عقیده
سعدالدوله رفتار خواهد نمود در این بین خبر دیگر قشون روسی لیرجه [illegible] در طهران منتشر گردید
نفر زاده و [illegible] را برای [illegible] مذاکرات با شاه دیگر [illegible] نموده و نتیجه این شد که در ۲۵ ماه اذن شاه که حکم برای
[illegible] داده شد در [illegible] عمومی و اذن از دو قشون از اردو در ۲۰ ماه تمام [illegible] داده شد تمام [illegible]
[illegible] نموده سعدالدوله [illegible] اقدامات [illegible] ۲۵ ماه [illegible] اطلاع حاصل کردند که شاه [illegible] را در صدر اعظم را
[illegible] کرده و همی خود [illegible] را الصدارت و در [illegible] منصوب نمود روز بعد شنیدیم که سعدالدوله را [illegible]
[illegible] ساخت و [illegible] شده [illegible] مصمم شده‌ایم [illegible] خود را تابع شاه [illegible] که [illegible] را
[illegible] و سعدالدوله را منصوب [illegible] بلکه [illegible] کرد به اعلیحضرت نصایح ما را رد کرده است
صبح بعد [illegible] ملاقات [illegible] اظهار [illegible] کرده [illegible]
[illegible] صدراعظم نخواهد شد با [illegible] شاه نصایح ما را قبول کرد [illegible] نمود با وجود این [illegible] که از وزارت جنگ معزول [illegible]

باز در باغ شاه حاضر بوده در باب کار رسمی شاه را اسکرده نایب السلطنه هم که در خصوص او در شب تحت نموده بودیم نار برایش هست وزرا دو روز در حکم باقی بود

و امروز که روز عید شاه است شاه فرامین صحیح کرده و فرمانی صادر کرده نحوی که در انتظار اول برقراری مشروطه را اعلام داده و تحریمات که سنه ایشان را مسکوک میکند از جهت عقیده شاه ولی برضد برو گرام ما شود

ضمیمه ما دو هفت سیوم حسن در غیبت بعض ما از ظهر سیو باریل او سیکه دو در شاه را ملاقات کنم ما عذر خواهم که اعلیحضرت شما را با مرقوم ممکن جهت سیدیم

ملکه ما با مورثیم که از طرف که از طرف نفر بلغشی و شارژ دافر روس با اعلیحضرت شما اطلاع بدهیم که اگر شما قوه نایب السلطنه را اسعد دل و سعد الدوله را

بیاری خود در نگاه دارید ما بدیگان و دولتین مجبور شد که فردا اردوش هم همه خود ما تلگراف نمایند که اعلیحضرت شما به و نصایح ما را قصد عمل نمودن ندارید

اعلیحضرت شاه گفتند بجه دلیل میخواهند می را بتمایند در صورتیکه نصایح هر دو شما را قبول کرده ام ولی حکومه ممکن است که وزارت خارجه که طرف

تنفر و سیاست قبول نمایم

تلگراف نمره ۲۸ سر بارکلی به سر ادوارد گری
۲۵ مه ۱۳۲۷ هجری از قلهک

استقراض روسی بدولت ایران راجع تلگراف ۲۳ ماه مه شما استقراض سال ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ در حدود بیست و دو کرور تمام

گمرکات ما در ایران غیر از ما در خلیج فارس است و تا اینکه حساب صحیح از مداخل هر قطر داده نشود فقط بعد برد خرج نخواهد رسید یک کمیته

که مستقر ما را هم بهمت عضویت دارد مشغول ترتیب صورت مداخل صرف در هستند از قراری که فهمیده میشود تمام این صد هزار لیره خرج خواهد شد

مخصوصاً در مکران این استقراض که هنوز هم در تحت نظر دولت ایران است شرط شده است برای ترقی هر روز اقتصاد تجارت روس

میان تحصیل نبود

تجارت مایل است که قسمت عمده این پول برای پرداخت حقوق و مخصوص نمودن قشون صرف شود لکن کمیته بعضی مخارجات فوری دیگر را پیشنهاد میکند

تلگراف نمره ۲۹ سر بارکلی به سر ادوارد گری
۲۹ ماه مه ۱۳۲۷ هجری

از قراریکه وزارت خارجه بمن اطلاع داده حکومت تبریز بسعد الدوله داده شده است که نائب قبل از مخبر السلطنه است که قبل از اعتمادات

حاکم انتخاب نموده

تلگراف نمره ۳۲ سر بارکلی به سر ادوارد گری
۵ مه از قلهک ۱۳۲۷ هجری

تلگراف دیروز گذشته از ژنرال قونسول اعلیحضرت مقیم تبریز راجع ممانعه کردیده است چهار روز قبل بر بعضی از صد و شش نفر اهالی

در مسجد حکم آباد رو به روی دادند راجع باعث اعتنائی کردند یک دسته از فرار ایشان به ژنرال قونسول روس قرار کردند دسته دیگر را هم بعد قونسول روس توقیف

نمودند در حقیقت که قشون روس مشغول این اقدام بودند یک سنگری که در جوبها بود خراب و منهدم نمودند نتیجه این اقدامات این شد که ساعات قبل

با فرمان ژنرال قونسولگری عثمانی از ختم شده ...

تلگراف نمره ۳۳ سر بارکلی به سر ادوارد گری
از قلهک ۳۱ ماه مه ۱۳۲۷ هجری

تلگراف ۲۸ از شاه ناصر الملک مجاز شده است که ما و را باش وزرا و وزارت مالیه از ایشان نموده اند و او را دعوت کرده اند

که مراجعت بایران نماید ناصر الملک مستقر تا حتی که برای شده امتناع از آمدن نموده

تلگراف نمره ۳۲۷ سر بارکلی به سر ادوارد گری

مورخه ۲ ژوئیه از قلهک

تلگراف دیگر از قونسولگری اعلیحضرت در تبریز به اینجانب رسیده است مشعر بر اینکه تلگرافی از قونسول عثمانی در ارومی رسیده و در آن کاغذی طبع شده که
ضمانت دولت عثمانی شخص و اموال ستارخان و باقرخان و بعضی اشخاص مهم تبریز که به ایشان پناهنده شده‌اند خواهد شد خطاب است
و نیز تلگراف رسیده از طرف بعضی اشخاص اقداماتی شده که ایشان از تبریز خارج شوند و اینکه نتیجه مانده است اینکه طبع چاپی نموده‌ام تا جائیکه با
ستارخان و باقرخان همراهی دارند فقط اشخاصی هستند که متاع خودشان را در بیرون تبریز می‌خواهند و هر آنها جمع شده‌اند این اشخاص کوشش می‌نمایند
که عموم مردم را واسطه شوند یا خود همراه باشند لکن بعد از بیرون رفتن مردم از تبریز عملاً ممکن است از چندین اشخاص محترم این جا یک نفر نیست که در این چند روز
اخبار تلگراف که از طرف روسها بتمام بیرون تبریز انتشار یافته است اهالی آن اشخاص را هم در قریه نشسته کاملاً به ردیف اجاره‌ای اینها قلمداد نموده است

تلگراف نمره ۳۴۶ سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۵ سه

آقا در بقیه راپورت اتفاق که بعد از شنیدن نصایح در لندن به تلگراف من تاکید شد تا بعد هم ماه سه جواب داده است می‌خواهم اظهار کنم که
راپورت دیروز را که در روز عید تولد شاه صادر شده بود که آن متن برقراری مشروطه مسدود بود هر چند که در تبریز خوب بود قسمتی
ولی در بیان الفاظ از قبیل اصفهان و غیره اثری نبخشیده بلکه تمایل آن الفاظ اعتدال نمودند که هیچ چیز جز برقراری مشروطه قدیم راضی نخواهد شد
و مخصوصاً در قزوین اثر دلتنگی مانده است به واسطه اینکه اهالی ایام رولبوت را قزوین تصرف نموده‌اند
بعضی اشخاص که تازه که از قزوین آمده اظهار می‌دارند که مخفیانه تیر را اینکه استعداد رولبوت با قزوین کامل شد و دولت هم حرکت خواهد نمود
استعداد هم برضا الله بالاتفاق می‌شود به هر حال اینها یاد کرده که تنزل اهالی قزوین به طهران که رسیده استعداد اینها در بیان نجف بطهران و عراق تابع است
و در مشهد بهانه است تقویم تاریخ شاه شده است تلگراف به واسطه این مطلوب و هم حبس برتری ارا و اصفهانات مختار بهار هرگونه در اصفهان بود که می‌خواهند ارزش می‌
شاه را در تبریز از اثرات خودمان همراه دیدیم لکن تمرین مطلع شدم که خیال این اشخاص که از رشت به قزوین آمده‌اند تغییر یافته است و نظر مملکت بهار که
تهران هم باشند و اینکه شاه تمام نصایح ما را به موقع اجرا نگذارد
ملاقاتی که شاه به تو نمی‌شد با نماینده کمال روس و نماینده شاه برای توصیحات نزد کارکنان اصلاحات با واقع بود از رقم در اثر تقاضای نفعه کرده‌ایم که ما به انتقال شاه اشخاص
دیگر بوده‌اند
سرانسیه لطیف وزیر خارجه – مؤتمن‌الملک – مستشار الدوله – مجلل‌الملک – حشمت الدوله
در تعیین این اشخاص به شاه گفتند که شاه اهانت است که نتایج بودن ایشان چیست بود ما در شروع تلگرافات ایلیچ خودمان اظهار نمودیم که اگر سعد الدوله
فوراً به وزارت امور خارجه و ناصرالملک به ریاست وزرا برقرار نماید ترقی خودمان محقق می‌دانند که شاه نصایح ما را به تدریج قبول ادکرات
رهاند و تطمیع ایشان را به اعتراض روز نهم ماه سه سعدالدوله را در دربار حاضر کرده و شاه از او خواهش نمود که کابینه تشکیل داده و خیال آن
باشد هم باو داده شد عصر امروز بدیدن سعدالدوله رفتم فرمایشات که در خصوص برقراری حقوق مشروطه نوشته بود در جواب از نظر شاه
گذرانید برای من خواند این فرمان که منتظر انتشار آن دیگری برای عفو عمومی بود بعد از آنچه از طرف ما پیشنهاد شده بود در آن ذکر شده بود این
این فرمان یعنی برقراری مشروطه قدیم است در صدد است که کامل شدن دولتین مخصوصاً اینکه امتناع از بعضی مشروطه سعی نموده‌اند این فرمان صادر شود
با امضای شاه رسید و در روز منتشر گردید کابینه که به موجب نصایح ما تشکیل شده از این قرار است
رئیس الوزرا و وزیر مالیه ناصرالملک تا ترشی در عهده ناصرالملک این نظام تشکیل وزارت مالیه خواهد بود
وزیر خارجه سعدالدوله – وزیر داخله فرمانفرما – وزیر جنگ سپهدار اعظم – وزیر عدلیه مشیرالدوله – وزیر علوم مخبرالملک
وزیر فوائد عامه مهندس الممالک – قوام الدوله وزیر پست و تلگراف
دو ورقه ناصرالملک سعدالدوله تشکیل جانشین وزرا خواهد بود

ضمیمه ۱ در نمره ۴۳۶ مکتوب سعدالدوله به سر ادوارد گری

حالا به موجب فرمان اعلیحضرت همایون شاه مشروطه ایران دوباره برقرار است و مجلس هم باز خواهد شد و این اظهار را سلطنت که با اعطای همایونی
در منتها درجه سرور و افتخار از طرف ملت و دولت به دولت فخیمه انگلیس اظهار داریم تبادل از فرمان ... تمام بوادی ... تا ...
هردان عفو عمومی برای تحت شاه فرستاده و یا به طریق آن جناب را دعوت نگرش این حق مع ...

ضمیمه ۲ در نمره ۴۰

ترجمه دستخط همایونی مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹

از آنروزیکه بمرحمت خدا ولیعهد ایران شدیم سعی کامل کردیم که در نهایت درجه در این مملکت شیوه عدالت که در وطن عزیز ما باید وجود دارد در دل
اتفاق ملت و دولت ممکن است که رسوخ نمود و بهمین در این خیال نبودیم با اینکه ملت ایران ما را بمقصود کمک نموده در انجام این مشروطیت از ابتدا مساعده
مرحوم ما نمود .

ملتفت است و کاملاً ما شکر میکنیم که مرحوم پدر معظم خود قرار داده و هم تشویق مرحوم داده است و همراهی ما را ملت باید ملاحظه نماید بعد از اعطای مشروطیت و حکمی که ما
بطوریکه این امر که رحمت زیاد کشیدیم با اینکه پدر مرحوم ما اثر امضا نمود .

و حکومت با تحت تشنج بعضی کارها برای برقراری مشروطیت و عظمت مجلس شورای ملی نمودیم لکن بحرکات مفسدین همانطوریکه بر همه معلوم است باندازه ای بد
بحال ما بخشیدند و اندازه ای ما را مایوس نمود که تصور نمودیم که این حرکات با تکرار مجلس سابق پیشرفت ایران نخواهد بود .

با این تحت ما مصمم شدیم که موافق قانون مسموله تمام ممالک مجلس را منفصل نمائیم لکن در ۱۹ شهر شوال و حکمی که ما بخواهیم مجلس را دو مرتبه بر پا نمائیم
اوضاع طوری بود که در تحصیل حاصل نمیشود که نتیجه این اقدام خونریزی چیز دیگر نخواهد شد . با مدت مشغول رفع این موانع بودیم حالا که
وقت مناسب و مشکلات رفع شده است ما خوشحالیم که بموجب این دستخط حکم بافتتاح مجلس موافق همان شروط سابق بدون هیچ تغییر
میدهیم

همچنین ما حکم میدهیم که عده از تقیان که نمائیم که طرف اعتماد دولت و ملت باشند داخل در شورای مملکتی شده و هر چه زودتر ممکن بود
مرتب قانون انتخابات را اندیشند .

و حکمی که قانون انتخابات حاضر شد انتخابات شروع شده و بمحض اینکه دولت و وکلا حاضر شدند مجلس شورای ملی در تهران افتتاح
خواهد یافت

در تاریخ شاه مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹

(محمد علی شاه قاجار)

ضمیمه ۳ در نمره ۴۰

دستخط همایونی که در نهم ماه مه صادر شده است

حالا که ما مصمم شدیم دو مرتبه مجلس را باز نمائیم بعموم حکام ولایات امر میدهیم که تمام اشخاصیکه متهم بتقصیر پلتیک شده اند در هر نقطه
ایران باشند مردان استثنا معفو شوند و همچنین حق مرحمت ما را دارند .

همچنین ما حکم میدهیم که تمام اشخاصی که تبعید شده اند آزادند که مراجعت نموده بهر جائیکه بخواهند بروند .

علاوه ما حکم میدهیم که این دستخط در داخله و خارجه اعلان شود

طهران مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹ (دستخط خود شاه) صحیح است

نمره ۴۱

۱۹۰۹

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ماه مه مطابق

از طهران (آقا) مفتخرم که خلاصه احوال و وقایعی که در این چهار هفته اخیر روی داده است بطور معمول برای جنابعالی بفرستم (امضا – بارکلی)

ضمیمه در نمره ۴۱

(طهران) از ۲۳ الی ۲۷ ماه آوریل مجلس مشاوره برای مذاکرات در پیشنهادات روس و انگلیس که در ۲۲ آوریل شده بود در باغشاه منعقد گردید سعدالدوله در این مجلس جداً رأی میداد بقبول کلیه پروگرام و با وجود تمام ضدیت اعضاء و علماء رجعت شاه [illegible] گردید و کابینه که مشیرالسلطنه در این اوقات عضویت داشتند منفصل و عموی خود نائب السلطنه را صدر اعظم و وزیر جنگ نمود.

در ۳۰ ماه آوریل نمایندگان انگلیس و روس بر ضد [illegible] نموده و شخصاً نمایندگان از شاه ملاقات کرده و جداً طلب نفی سعدالدوله را نمودند در اول ماه مه شاه منشی مخصوص خود حشمت الدوله را نزد نمایندگان اعلیحضرت فرستاد حشمت الدوله اظهار نمود که شاه پروگرام روس و انگلیس را اساساً قبول نموده است در همین ملاقات طرح جواب رسمی که باید از طرف دولت ایران داده شود نوشته شد.

در ۳ ماه مه کفیل وزارت امور خارجه مراسله ذیل را به سفارتین فرستاد.

می از طرف اعلیحضرت شاه مأذونم که بدو نماینده محترم مستطاب معلوم بدارم که اعلیحضرت همایونی قبول میکنند نصایح و سفارشاتی که باشان در ملاقات ۲۲ آوریل داده شده است

بعد از آنکه شاه حکم کرد که فرمانی راجع به برقراری مشروطیت را در روز عید مولود [illegible] ماه مه بجانب [illegible] نمایند ، دسته [illegible] در دربار سعی نمودند که [illegible] یک سیاسی بر ضد [illegible] نمایند با سفارت نمایندگان انگلیس و روس یک مراسله تحت [illegible] فرستاده و در آن اظهار نمودند که شاه شخصاً مسئول یک [illegible] خواهد بود نتیجه این مراسله این شد که [illegible] نمایند.

در ۱۱ ماه مه شب [illegible] شاه [illegible] شدند در این [illegible] شاه [illegible] مزاج [illegible] و [illegible] حوزه از روی [illegible] که [illegible] شده بود [illegible] مخصوصاً یک [illegible] را [illegible] خود زده بود.

به [illegible] قبول [illegible] داده شد لیکن عده کمی از [illegible] باقی ماندند.

[illegible] جمع نموده است و [illegible] رسیده [illegible] حضور [illegible] ایشان [illegible] شود.

خبر [illegible] سفیر [illegible] رسیده بود –

در همان روز [illegible] مشروطیت منتشر گردید لیکن فقط چند نمره از [illegible] رسید عموم مردم [illegible] شدند

در [illegible] ماه مه صد نفر قزاق ایرانی در [illegible] رفتند.

کفیل وزارت امور خارجه از طرف شاه نزد نمایندگان اعلیحضرتین آمده اظهار نمود که نائب السلطنه دیگر صدر اعظم نیست –

در ۷ ماه مه [illegible] شاه که [illegible] نفر بود [illegible] اعلیحضرتین برای [illegible] پروگرام انگلیس و روس آمدند روز بعد [illegible] ماه مه شاه در خصوص عدم [illegible] سعدالدوله [illegible] و لیکن در ۹ ماه بعد از آنکه [illegible] نمود که دیگر [illegible] ممکن نمیشود [illegible] اضطراب [illegible] که از حضور [illegible] کرده بود کابینه ذیل [illegible] داد

وزیر امور خارجه [illegible] وزراء – سعدالدوله – وزیر مالیه و رئیس الوزراء (مقدار [illegible]) ناصرالملک

وزیر داخله فرمانفرما – وزیر جنگ [illegible] – وزیر علوم [illegible] – وزیر عدلیه مشیرالدوله –

وزیر [illegible] مخبرالدوله – وزیر فوائد عامه مهندس الممالک

در [illegible] ماه مه [illegible] شاه [illegible] که [illegible] برقراری مشروطه سابق [illegible] نمود که قانون انتخابات را [illegible] ترتیب خواهد داد و مجلس [illegible] بعد از آنکه [illegible] انتخاب شده [illegible] (مرکز) حاضر شدند – افتتاح خواهد یافت.

در بهار متوقع اهالی دیگری را هم تلقین نموده‌اند که بموجب آن اهالی عفو عمومی داده شد.

در یازدهم و ۱۲ ماه مه نمایندگان مملکت برای بیرازگرات در قانون انتخابات منعقد گردید شش نفر از اعضا را انتخاب نمودند که تشکیل کمیته برای ترتیب قانون انتخابات بدهند.

در ۱۳ و ۱۴ مه سپهسالار که تقریباً چهار ماه بود در سفارت عثمانی بودند بعزم تاریخ ساکن شدن نموده‌اند و ماه ۱۵ ماه مه تقریباً تمام جرایح سوز

در ۱۳ ماه مه کابینه جدید اعلان تلقین نمود که تا تشکیل مجلس ملی امور ملکت را با صدر اعظم مدبر بدست خواهند شد

و در ۱۷ ماه مه یک اعلان دیگر تلقین نموده‌اند نظم شهر را بعهده سرکرده قزاق واگذار کرده‌اند. در چهار روز ماه از عین السلطنه

آباد حرکت نمود نظم ما شمال در طهران برقرار بوده است.

(تبریز) موجبات ورود قشون را راپورت دادیم. بمجرد که قشون روس نزدیک شهر رسید از دو نفر که شهر را محاصره

داشتند متفرق در روز ۳۰ ماه اوریل اوس دسته قشون روس سرکرده از مشهد و هشتاد نفر سوار هیچ حادثه شهر و مردم که اهند دالیر

قشون شهر را بروز وارد کنند. ۳ ماه مه تقریباً ۲۸۹ نفر قشون روس در تبریز بود که از ژنرال (اسنارسکی) میمو

(راشیلو) اظهار داشت که چهار هزار قشون در قزوین مقیم باشند. در اول ماه مه شتقاتیه نظمیه شده شروع بکار نمود.

و در چهارم مه خبر رسید که رحیم خان از اطراف تبریز احیاء دل رادیکاره گرفت

و اهالی تبریز در ۱۰ ماه مه در خصوص سپهسالار ظفر از طرف شاه تلفن و تجولی از طرف ملت پذیرفته شد، اگرچه ملیان

سحر اهند شاه برای ریتیکالی قول جدی داده و اهالی را امتنان نماید ولی از ژنرال قونسولهای روس و انگلیس ماها نوید داده تا

موجبات اصلاح و آبادی ملت و دولت را فراهم آرند. منارابی ملیان قول داده‌اند برای تکفیت عموم اسلامیان عزمها

و نقاط دیگر آذربایجان تماشا و سازه و اسباب دیگر ملی را فراهم سازند. و چند روز دیگر رشت و اصفهان ملک جو

از کیسه ما داری راه سلامت پیش گرفته مصلحت را ترک و ماباه از در شهر درآمدند. شب دهم ماه مه در نزدیک قونسولگاری آذری

سربازی چند ولادیهای روس از محبسه شد و بعضی قرار ادل در باره خود رحم بدی برداشت. ملیان شروع کشتار هزار تومان غرامت کشیدند

و در ۱۲ ماه مه عین الدوله با یک عده قزاق ایرانی بطرف حرکت نمود ولی او فوراً حکم شده به تبریز مراجعت کرده و انتظام

شهر را بعهده گرفت (جلال الملک) که کار در دست آزادیخواهان محسوب میشد و شهر تبریز بواسطه تبلیغ او حسب

ماب الحکومه که اسباب جمعیت اهالی فراهم آمده بود لیکن ستور را داد.

(رشت) در اثنای شهر سکونت تام داشت و بحوصه ابار عهاس مشهور میشد که اگر بکنفر ملی متعقبر ملت مشغول دوبار

لیما اقدام از طرف ملیان نبود.

(قزوین) شب ۳ ماه مه دسته سواری از ملیان که عده آنها در حدود الی ۲۰۰ نفر بود از رشت تقریباً

وارد شده‌اند. سرکردگان چند تمیب و خیال شدن چندی بهوائی کافی بود که قسمت بزرگ قشون را به حکومت فرستاد تسلیم نمودند

ولی مختصر جنگ نزدیک دارالحکومه سر گرفته و عصر روز سیم ماه مه شهر تماماً بتصرف ملیان در آمد و انتظام برقرار کردید

دارقرار معلوم حاکم قزوین از اینکه دارالحکومه بتصرف ملیان در آمد فرار نموده بود قسمت دیگر قشون شاه سوار با رسول در رحمت

ریاست سردار ظفر بود در که منتظر جنگ نشدن مراجعت کرده در سابق عرض راه را تا ماشین سلاحی کرده و بعضها خود را از بیم

راه انداخته بودند که ملیان تصرف کردند

قاسم آقا که از رشت با قزاق ها و یک افسر در لکاد و قرالخانه بود در ۳۴ ماه ژوئن بمقام معاونین سپهسالار کلاه محض

تبریز در شهر قزوین ملیان با دو بیت اسلام کرده بودند توسط ملیان تیرباران شدند.

در ۱۱ ماه مه سپهدار از رشت وارد گشت و در همان روز خبر سپهدار در رشت رسید و از قرار معلوم قشون ملیان در قزوین هزار نفر بوده‌اند
هر چند میرزا تلگراف قزوین و رشت چند روز منقطع می‌باشد ولی اخبار و مال التجاره رشت و طهران هر دو از مانع سانسور عبور نموده
لیکن کاروان هر دو وارد می‌شوند.

(مشهد) حادثه این ماه ورود قشون روس است در ۲۹ آوریل سه صاحب منصب و ۱۷۵ نفر قزاق و ۴ عراده
توپ شنیدر با یک عراده توپ ماکسیم و ۳۵۰ نفر سرباز وارد مشهد شدند هنگام ورود قشون عده سرباز ایرانی صف کشیده و استقبال نمودند
نیرالدوله حاکم رسمی در مشایعت در [illegible] کرده وارد اردوی قشون مشهد گردید.
نیرالدوله معزول و رکن الدوله را دولت روس به حکومت برقرار نموده‌اند. ولی هنوز از طهران حرکت نکرده است.
دسته اراذل و اوباش‌ها که در اواسط ماه آوریل از سبزوار حرکت نموده بودند در نزدیکی [illegible] سیم تلگراف را قطع نموده و تلگرافچی
اوراسیر کرده‌اند و بار دیگر به سیم [illegible] سیم را قطع نموده پس از چند ساعت [illegible] از جاده عمومی خارج شده به طرف
قوچان رفته‌اند.

(تربت حیدری) سالار خان مشغول حکومت تربت است هزار تومان مالیات و تعدادی [illegible] از اشخاص متفرقه جمع‌آوری کرده
در چهارم آوریل سالار مفخم حاکم سابق در (سالوخ) از [illegible] شکست خورده فرار نمود

(سبزوار) از قرار معلوم انجمن ایالتی مشهد به علمای بزرگ سبزوار دستورالعمل داده که ممانعت از پرداخت مالیات نمایند ملاها هم
و مالیات هیچوقت هر دو جواب مساعد داده اظهار همراهی نموده‌اند که بقدر قوه ممانعت از تحصیل مالیات خواهند نمود.
[illegible] سبزوار اظهار شده که [illegible] دستورالعمل خودشان را از کارگزاری [illegible] مشهد که از طرف ملت انتخاب شده تحصیل مالیات

([illegible]) اوضاع حالیه اطراف و طرق [illegible] ابداً [illegible] از [illegible] در [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] در عوض [illegible] از قرار اظهارات مخصوصاً [illegible] در قهستان [illegible] عده [illegible] کاروان
غارت کرده‌اند [illegible] در نزدیکی خوش کوه [illegible] کاروان بزرگی حمله برده که در آن هنگام هم [illegible] از اجزاء تلگراف
خانه کمپانی انگلیسی در کاروان همراه بوده‌اند و بالتمام در قهستان برگشته‌اند از قرار معلوم دزدها ۲۰۰۰ شتر گرفته برده‌اند.

(کرمانشاهان) از قرار راپورت در اواخر ماه آوریل ایل سنجابی و کوران مشغول جنگ بوده‌اند که خبر ورود قشون روس
و متعاقب [illegible] انگلیسی [illegible] بزرگی نمود که کاپیتن ([illegible]) قنسول روس [illegible] توضیح اسباب ورود قشون نمودند
خبر [illegible] که در ۲۴ ماه مه [illegible] حکم شد یک شب [illegible] آتش [illegible] نمایند ولی مردم [illegible]
[illegible] را [illegible] نمودند

(همدان) در ۱۵ ماه مه از همدان راپورت تلگرافی رسید که سعیدالدوله [illegible] همدان فرستاده با اهتمام
سایر نقاط [illegible] نمایند.
[illegible] عده [illegible] خود [illegible] نمودند.

(شیراز) در اوایل ماه آوریل انجمن ایالتی [illegible] اقدام مهم نمود.
نصرالدوله را با ۲۰۰ نفر سواره و یک عراده توپ برای [illegible] از [illegible] به [illegible] فرستادند
حکم [illegible] کاشت.
اقدام [illegible] که [illegible] نمایند [illegible]
[illegible] داده شد [illegible] تلگراف [illegible] نمودند.

(بندر لنگه) وقتیکه خبر انقراض حکومت مأمورین سابق از بوشهر به لنگه رسید در ۲۵ ماه مارس اهالی لنگه اعم از تبعه و سنی
مصمم شدند که بهیجان افتاده شهر در لنگه بر کرده باشند لیکن بود که عموماً [illegible] شیخ [illegible] که از بزرگان و ملاهای با نفوذ اینجا است
رفته و بدستیاری او نزد نایب الحکومه رفته و تسلیم شهر را درخواست نمودند نایب الحکومه در [illegible] استعداد مجبور از تسلیم بوده ولی [illegible] از
طرف ملیون نایب الحکومه کسی برقرار گردید.
رئیس گمرک که بلژیکی [illegible] بود مال شهر احتیاط شد تا تسلیم نمود ولیکن [illegible] از [illegible] قونسولخانه روس پناهنده و [illegible] کردند یا در نیمه
ماه آوریل بواسطه نایب الحکومه از طرف ملت تحصیل اجازت نمود و از قونسولخانه خارج و در تحت نظارت ملت بر کار خود رفت
[illegible] که [illegible] اموال خودرا در معرض تاراج [illegible] داخله [illegible] در [illegible] کرده راه [illegible]
[illegible] را [illegible] نموده [illegible] بندر لنگه [illegible] اوضاع [illegible] ملیان [illegible] اظهار [illegible] ولی از
[illegible] اظهار [illegible] باعث [illegible] در معرض [illegible] و [illegible] دیگر واقع [illegible] ایام خودرا در سکوت [illegible]
[illegible] ملاحظه [illegible] که [illegible] خلیج [illegible] انتقال [illegible]

(محمره) در ۲۷ ماه مارس سردار ارفع با کارگزار گمرک خانه آمده [illegible] گمرکات اخطار نمود [illegible]
[illegible] از طرف ملت [illegible] جمع آوری گمرکات [illegible] است که مأمورین [illegible] گمرک را در [illegible] گمرک خانه ضبط نماید
[illegible] نموده و اظهار داشت [illegible] مظفر [illegible] محمره [illegible].

ضمیمه [illegible]

(فارس) اخبار [illegible] است که نصرالدوله [illegible] فتح [illegible] گردید و [illegible] را محبوس دار [illegible]
[illegible] سید ابوالحسن را [illegible] نموده اند.
صد نفر [illegible] در [illegible] قونسولخانه انگلیس پناهنده شده و درخواست نمایند که [illegible] نموده [illegible]
[illegible] نصرالدوله [illegible] ۳۰ [illegible] از قونسولخانه خارج شده [illegible] داده شد که [illegible]
[illegible] باشد
بمحض اینکه خبر فتح نصرالدوله [illegible] رسید [illegible] که از علمای بزرگ [illegible] قونسولخانه انگلیس پناهنده شد.
[illegible] اظهار [illegible] سید ابوالحسن [illegible] شده [illegible] عموم [illegible] است و [illegible]
سید ابوالحسن [illegible] در ۱۵ ماه [illegible] ۸ نفر [illegible] قونسولخانه [illegible] شده [illegible]
احاطه کرده اند و بازارها عموماً بسته است حاکم و قوام [illegible] کرده و اظهار [illegible] سید ابوالحسن [illegible] است
[illegible] قونسولخانه خارج شده [illegible] متفرق گردیدند [illegible]
[illegible] بسته بود.
(منتشر [illegible]) [illegible] که [illegible] نصرالدوله [illegible] بزرگی [illegible] شد [illegible]
داده شده [illegible] و [illegible] اصلاح [illegible] عموم [illegible].

نمره ۴۳۴ کاغذ سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ماه مه

در طهران   پیرو راپرت نمره [illegible] در خصوص اوضاع تبریز احوال شهر تبریز تغییر نموده است جنگ موقوف و شهر در تصرف قشون روس است قشون روس
مشغول اصلاحات ساختن نظم اند و مقدمات صلح را فراهم می‌سازند   حوادثی که باعث ورود قشون شد [illegible] راپورت [illegible] خوش آمد
باشند ولی ورود قشون روس علاوه از اینکه موجب تأمین اتباع خارجه گردید که مقصود عمده بود [illegible] اهالی تبریز را از تسلیم بقشون شاه نجات
داد و همچنین [illegible] ساکنان [illegible] را فراهم آورد چنانکه [illegible] ساکنان در خصوص [illegible] پیشنهاد نموده که در
کاغذ [illegible] خود نوشته بودم آذوقه شهر کلیه تمام شده بهمین ملاحظه ساکنان دول خارجه از شاه درخواست نمودند که برای اتباع خارجه آذوقه
بدهد بعضی اینکه شاه در جواب اظهار داشته است اتباع خارجه در عوض اینکه [illegible] حمل آذوقه [illegible] خوب است از شهر خارج شوند.
حقیقةً این جواب صحیح است چونکه [illegible] اتباع خارجه از شهر بیرون بروند چنانکه اتباع خارجه در [illegible]
[illegible] است که اهالی [illegible] می‌بخشند   در ۱۹ این ماه مسئله امنیت اتباع خارجه [illegible] پیدا کرده است   از قرار معلوم [illegible]
[illegible] شده [illegible] اتباع خارجه کشته شده [illegible] که قشون روس داخل شده [illegible]
از تعدیات قشون شاه باشند. [illegible] خطر بزرگی اتباع خارجه را [illegible] قحط دیده [illegible] اتباع خارجه که [illegible]
[illegible] آذوقه بوده [illegible] باشند. [illegible] اگرچه [illegible]
[illegible] محصوره [illegible] خطرات [illegible] لازم دیدیم
در ۲۰ این ماه برای [illegible] آذوقه شهر [illegible] شاه ملاقات نمودیم [illegible]
مورخه ۲۰ آوریل را پورت داده شد در این ملاقات موقتی [illegible] نمودیم و شاه قبول داد [illegible]
با آذوقه کافی [illegible] وارد [illegible] و قرار شد [illegible] حکم [illegible] بدهند.
[illegible] در اینجا یادآوری [illegible] که [illegible] در [illegible] از دور [illegible] روس [illegible] نموده بود که ایا ممکن است [illegible]
روسیه یک عده قشون [illegible] تبریز بفرستد تا [illegible] اتباع خارجه را اگر [illegible] از شهر خارج شوند [illegible] باشد.
در ۲۰ ماه (سر نیکلسن) [illegible] راپورت داد که دولت روسیه مصمم شده برای [illegible] اتباع خارجه
به تبریز [illegible] اعزام دارد بلکه با حمل آذوقه را [illegible] کرده [illegible] اتباع خارجه [illegible] از شهر خارج شوند [illegible] باشد.
دولت [illegible] روسیه [illegible] اتباع خارجه را [illegible] کرد.
[illegible] اگرچه اعزام قشون [illegible] سردارها [illegible] در خصوص [illegible]
[illegible] آذوقه [illegible] شد   [illegible] اطلاع [illegible]
نظر باینکه سردارها [illegible] ساکنان دول خارجه را در [illegible] عموم ملت [illegible] اوضاع [illegible]
[illegible] پیش آید
[illegible] در ۲۳ ماه دولت روسیه حکم نمود که قشون [illegible] حرکت نماید [illegible] داده شد که از [illegible]
[illegible] ورود [illegible] باشند [illegible] قرار داده شد که [illegible]
قشون [illegible] باشند.
قطع نظر از اینکه اتباع خارجه را [illegible] بود که [illegible] بود [illegible] پس از اینکه اهالی از ورود قشون اطلاع پیدا نمودند
(مسیو راتیسلو) و (مسیو [illegible]) [illegible] اظهار داشتند [illegible] بود
که [illegible] اطلاع دادند که ورود قشون [illegible] است بلکه برای [illegible]
نمودن راه [illegible] اتباع خارجه و [illegible] قشون شاه [illegible] قشون [illegible] که :

صلح مابین شاه و ملت انجام گرفت و با قطع نظر از تعقیب کسانیکه در این حوادث شرکت نموده اند تنبیهی نخواهند دید و قشون شاه را هم تحریک نمایند
کرده است که تبریز آزاد شود از هر جهت که مخصوصاً آذوقه برای ورود قشون روس ظاهر شدند لیکن تمام نفر زاده مترجم اعتنا ننموده در شب ۲۴
ماه بمعمول مذاکره شدند.

شاه اصرار کردند تا با رجال شاه رشت خود صلح نماید و راضی نشود که اینجا با در نظر اتباع خارجه حوزه دولت ایران تصرف نماید در آخر
این اقدام موفقیت حاصل نمود و در ۲۵ ماه برای رشت جشن میدان شاه داد و حکم کرد که متابعت از حکم آذوقه نمایند لطف توجه سابق
شاه که بر خلاف قرار آن حکم را شروع کردند نقطه نظر حضرت شاه منافع اتباع خارجه تصویب میکرد که نمایندگان دول خارجه ورود قشون را
خالی از نیت دیده و بگذارند که قشون روس به ایران وارد شود. با این خیالی مثل اینکه از روس و عقیده ژنرال و توسط آنها تصدیق نمودیم
و هم قشون را اطلاع رسانیدیم و در ۲۶ ماه

(مسیو راتیسلو) و (مسیو میلر) کاملاً تلگراف نوشته و اطمینان کامل در خصوص برطرف نمودن اهانات روس داده و ملت اقدامات را
شهر بر ضد نمودند.

این اقدام دربار از خوف بخشیده که در ۲۹ ماه سالدات ژنرال و لوگاری اعلام حضور نمود آتروه و اظهار تشکر نمود که این اقدامات دارای
اسد بخش بود

در ۳ ماه آوریل

قشون در تحت فرمان (ژنرال اسنارسکی) وارد شد مرحله قشون تقریباً سه هزار نفر میباشند ۲۵۰ نفر
را انتهار داده و در شب برای حفظ اتباع خارجه هر دو هیچ حادثه تهدید وارد ننمودند (ژرژ بارکلی)

تلگراف نمره ۴۳ سر بارکلی به سر ادوارد گری

مورخه ۲۰ ماه مه ۱۳۲۷ هجری

همانطوریکه در مراسله ۱۹ ماه آوریل اطلاع داده شد ضرغام بختیاری در اصفهان قرار گذاشته اند که قشون خود را در ۲۱ ماه گذشته از طهران(?) حرکت دهد سردار اسعد دو روز بعد از روز ورود به اصفهان وارد شده بود نظر به اتفاق و مخالفتها راجع به ضرغام و عدم توقف در تحصیل جمع آوری وجوه برای حرکت قشون به تعویق افتاد سردار اسعد در ششم این ماه وارد اصفهان شدند و در یازدهم در تحت ریاست ضرغام سه هزار نفر بختیاری در سر دو منزلی اصفهان اردو زدند صمصام السلطنه توضیح داد که این اقدام برای جلوگیری از اغتشاش شهر است و دوام قشون شاه در قمشه(?) ... که سردار عده آنها را اغوا(?) نمودند و با شهر ... هزار نفر ... وعده ... [illegible] ... ملاحظه ... هر چند که انجمن در اصفهان تلگراف نموده تا با مواعید شاه را به پذیرند ... سعدالدوله(?) ... که ضرغام راضی ... داده ... شنیده ... اطلاع حاصل نموده ام که قشون حرکتی قاطعه آباد از ... دو ... در این چند روز به کاشان ... بواسطه وجود بختیاری در اصفهان اغتشاشی در ... خارج از ... پیدا کرده اوضاع شهر و اطراف و راهها بسیار قرار است

تلگراف نمره ۴۴ سر بارکلی به سر ادوارد گری

می افزاید در رسم از اینکه در مراسله ۳۲ ماه گذشته راپرت دادم در اینکه اوضاع تو شهر ارباب گذشته کمی تغییر نموده و بواسطه سعدالدوله کشتی قاطعی نظم بطور خوبی برقرار شده است در رسم این ماه در باب حاکم جدید وارد و بطور ناشناس نترسیده ... ترقی فراز خوبی برای ... وجوهات گمرکی که نشده در بوشهر ... فروخ سعدالدوله بحریه برای ... ایران ... اعلام خواهم نمود تقاضاهای ... خواهم کرد که اگر طلب ایشان ... محسوب شود برای ... ایران ... نیست ... خواهد کرد در این چند روزه سعدالدوله خارج خواهد شد در باب ... برای ... داراییهای اتباع خارجه تعهده گرفته است

تلگراف نمره ۴۵ سر بارکلی به سر ادوارد گری

سه شنبه ۲۰ ... ۱۳۲۷ هجری

درا اینجا یک اندازه مشکل بود که تقاضاهای دیگر ... معلوم شود خوب راه ... این ... سند دو بود ... که ... در ... شده ... آن کمیته ... نشانه اتر اسد ... کمیته ... طرف عموم ... خود را ... باید ... صورتی از تقاضاها ... شاه ... شده و آن تقاضاها ... سه ... رسیده است و آن صورت از این قرار است

۱ ... نمودن ... مخصوصاً ... در جنگ ... ولی ... شاه است هر چند که با اصرار ... آن نموده ام ولی سعدالدوله ... لازم است ... زیاد ... منتظر حوادث ... ولی اینکه خارج شدن ... اشخاص ... شاه ... نفوذ ... حکومت ... باعث ... چند نفر از ... شده است ... نمود ... در دربار است

دوم از ... طریق قطع سلاح نمایند فرمانی صادر شده است ... صادر ... اشخاصی اگر ... مبادرت کنند و آن فرمان نظم شهر را ... دادگاه ... کرده ... باید اجرا نمایند

سوم شاه قول صریح بدهد که مشروطه ... داده شود ... ۱۷۰ ماده قانون اساسی که ... شده است فرمان ... این مسئله را در ... سعدالدوله ... شاه اظهار نمود که این فرمان ... مشروطه ... را دارا ... فرمان ... از طرف سعدالدوله ... شاه ... است

چهارم دیگر قشون ... وارد ... شنیده اند ... در ... قطع سلاح قشون ... پرداخت حقوق قشون ... باشد

پنجم ... ملاقات ... تحت ... ملاقات ... شاه ... نمایند ... باید ... نموده ... مبادره نمایند

۶

تلگراف نمره ۷۰ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۲۹ نومبر از طهران

امروز از سفارت روس اطلاع حاصل نمودم که هفتصد نفر از قشون روس [illegible] از قزوین حرکت [illegible] در شهر اضطراب [illegible]
استعفا خواهند کرد [illegible] اطلاعات [illegible] و کابینه مالیه [illegible] قانون [illegible] کابینه [illegible]
مساعدت تعرض داده بود مسیو [illegible] در حال [illegible] که باید [illegible] طبیعی محول [illegible]
[illegible] خواهم شد [illegible] جواب [illegible] که اگر [illegible]
[illegible] اگر [illegible]
که در حدود طهران [illegible] داده است که [illegible] قشون [illegible] آزاد [illegible] طهران شهر را تصرف نمایند

تلگراف نمره ۷۱ سر جارج بوکانان به سر ادوارد گری

۲۹ نومبر از پطرزبورغ

معاون وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که [illegible] دادن [illegible] طهران [illegible] نموده است [illegible]
طهران [illegible] که در صورت [illegible] قشون [illegible] (مسیو سازانف) اظهار نمود [illegible]
[illegible] ایران نموده [illegible] که اتباع [illegible]
محافظت نماید [illegible] اتباع خارجه هستند [illegible]
[illegible] خواهد بود
مسیو سازانف اظهار نمود [illegible] اتباع خارجه [illegible] قشون [illegible]
ایران [illegible] خواهد نمود

و در تلگراف نمره ۷۳ مسیو [illegible] که قشون [illegible] سئوال نمودم که [illegible]
[illegible] وزارت خارجه جواب داد که [illegible] اتباع خارجه [illegible] نماید [illegible]
[illegible] مسیو سازانف اظهار داشت [illegible] قشون [illegible] نخواهد شد

تلگراف نمره ۷۲ سر ادوارد گری به [illegible]

۳۰ نومبر

در وزارت خارجه لندن [illegible] لازم [illegible] خارجه در [illegible] ایران [illegible]
[illegible] طهران [illegible]
[illegible]
[illegible] (کمیته [illegible])
[illegible] ایران [illegible]

تلگراف نمره ۷۸ سر جارج بوکانان به سر ادوارد گری

غره دسمبر از پطرزبورغ

اوضاع طهران [illegible] وزیر خارجه ملاقات کردم [illegible] طهران [illegible]
[illegible] طهران [illegible] اتباع خارجه را
محافظت نماید [illegible] اشغال نمایند [illegible]
قشون [illegible] معلوم نیست
مسیو [illegible] اظهار نمود که [illegible] اتباع خارجه [illegible] طهران [illegible]
روسیه [illegible] قشون [illegible] نمایند

ششم — شاه میل ندارد که قشون روسی شمال ایران را تخلیه کند توسط دو دو قشون در مشهد تشنج زیادی در بین مهاجرین تولید کرده و منتهی در نظر دارند که [illegible]
قشون روسی بجای خود [illegible] شاه [illegible] با قرار آتی [illegible] نموده اند که در دو قشون روسی در [illegible] زیاد رسیده همین طوریکه [illegible] تلگراف نموده ام
سعدالدوله [illegible] که اگر یک عده زیادی از قشون خارج شود [illegible] حمایت خاطر اتباع خواهند شد [illegible] را به معاون روسی خود اظهار کردم جواب
داد که سعدالدوله در این خصوص با من مذاکره ننموده است

هفتم — در [illegible] و [illegible] در [illegible] از قراریکه من اطلاع دارم شاه شخصاً اطلاع داده است

هشتم — آزاد کردن اشخاصی که در قفقاز گرفتار و محبوس شده این مطلب را به معاون روسی خود اظهار داشتم [illegible] عدم اطلاع خود را از این قضیه اظهار نمود و
ملاقات در این خصوص [illegible] قفقاز مذاکره نموده است

نهم — به تحقیق طهران است باید مشغول ترتیب قانون انتخابات باشند [illegible] از اعلان [illegible] عمومی [illegible] شد

دهم — [illegible] از اتمام این وظایف در طهران و ولایات [illegible] نمایند

تمام این مطالب [illegible] حضور [illegible] در دربار [illegible] نصایح [illegible] خارج است [illegible] مطالب [illegible] دارم [illegible] که دو زرا
داده اند [illegible] صدراعظم را [illegible] نموده است فقط توسط [illegible] که صدراعظم در امورات [illegible] بود [illegible] به [illegible] قربان [illegible] شاه از طرف
شاه در ولایات [illegible] به [illegible] خود [illegible] که [illegible] صدراعظم [illegible] شاه [illegible] قبول [illegible] در [illegible]
[illegible] اسباب [illegible] را فراهم [illegible] به [illegible] صدراعظم [illegible] نموده ام [illegible] سعدالدوله [illegible]
[illegible] در طهران [illegible] شده [illegible] مشغول [illegible] که [illegible] روسی [illegible] خود [illegible]
[illegible] نموده [illegible] در [illegible] چهار صد نفر قفقازی [illegible] همراه دارد [illegible] اسباب [illegible] از طرف
[illegible] شدند از قرار معلوم [illegible] در [illegible] نظر [illegible] بود
[illegible] که [illegible] را [illegible] معلوم است اشخاص [illegible] در [illegible] موجود است [illegible] نمود
اگر [illegible] باشد [illegible] از [illegible] در قشون [illegible] است
[illegible] که قشون [illegible] صحیح [illegible] در [illegible] اوضاع صحیح نخواهد شد (بارکلی)

تلگراف نمره ۵۲ سر بارکلی به سر ادوارد گری

چهاردهم ژوئن

پیشنهاد در خصوص تخفیف قشون روس که در تلگراف [illegible] از ژنرال [illegible] اعلیحضرت [illegible] اشاره شده است از ژنرال [illegible] روسی اطلاع حاصل نمودم
که در [illegible] با ژنرال (اسنارسکی) در خصوص تخفیف قشون صحبت نموده است ژنرال [illegible] که ژنرال [illegible] عده ۱۵
[illegible] صحرائی [illegible] قشون [illegible] در [illegible] خط [illegible] اعلیحضرت شاه
[illegible] خود را [illegible] نمود [illegible] خواهند نمود

تلگراف نمره ۵۴ سر بارکلی به سر ادوارد گری

۱۳ ژوئن از قلهک

نظر [illegible] راه [illegible] راجع به جاده که در تلگراف [illegible] اطلاع دادم حال [illegible] در اوضاع آثار بهبودی ظاهر نبود [illegible] شاه
[illegible] برقرار [illegible] با اینکه [illegible] محفوظ [illegible] راه [illegible] داده و حقوق [illegible] را
[illegible] نمایند [illegible] در [illegible] پیشنهاد نموده اقدام خواهم کرد
و دیگر به سعدالدوله اظهار کردم که [illegible] قانون انتخابات [illegible] باشند سعدالدوله جواب داد که تمام ولایات قانون
انتخابات را منعقد [illegible] محال است [illegible] قانون را [illegible] ترتیب [illegible]
[illegible] که باید قانون را به ولایات پیشنهاد کرد [illegible] سعدالدوله [illegible] داد که در ۱۲ [illegible] ماه قانون انتخابات را
منتشر خواهد نمود

تلگراف نمره [illegible] سر ادوارد گری

سر بارکلی ۲۳ ژوئن

از [illegible] خارجه [illegible] در [illegible] ایران [illegible] است [illegible] که [illegible] سردار [illegible]

۸۳

تلگراف نمره ۸۳ سر هاردینگ به سر ادوارد گری
۲۴ ژوئیه از طهران به لندن

وزیر خارجه به من اطلاع داد که بنا بر قرار داد روسیه مقیم طهران حکم شده با مأمورین از طرف سفارتین برای همراهی با اردوی آزادی طلبان که از طهران عقب نشسته اند اعلام نمود حساب وزیر جنگ مشمول که قشون روسی با چهار توپ در دیلم برای حرکت حاضر خواهند بود با چهار اردو در دیلم مقصود احتمال ورود طلبان آمده خواهد شد با دفعه تا اینکه آن اردوی در نزدیکی خود تحصیل توفیق نمایند تعمیر ام و کلیه قشون را هم بیرون نماییم

۹۱

تلگراف نمره ۹۱ سر بارکلی به سر ادوارد گری

راجع به استقراض

آقا مرا افتخار دارم که سواد قرارنامه استقراض را که در تلگراف دیروز اذن داده بودم تقدیم دارم

سواد قرارداد استقراض

بانک دولتی امپراطوری ایران نماینده که وزیر امور خارجه تفکیک باشد و در اداره بانک استقراضی ایران نماینده که مسیو (اکرام علاوه) نظر با مراد نشان اعلیحضرت پادشاه و مواد اول با هم لصلح مرسانه که از طرف مرکز روس و انگلیس با آن پیشنهاد شرایط در خصوص استقرار امنیت و اساس مشروطیت در ایران دستخط اعلیحضرت شاه داده‌اند و در ایران نظر به اینکه در باده شصتم این دو کرام سفر بست به فقرات ذیل قرارداد می‌شود

ماده اول به امپراطوری ایران مرکز امپراطوری روس مبلغ صد هزار در بانک که بانک استقراضی ایران در طهران داده شده به مصرف دولت ایران بر که از مقدار ملاحظه شرایط ذیل

شرط اول مبلغ مزبور فوق منظور است که برای انجام مصارف فوری لازم در اجرای اصلاحات اداری بر دو کمک مایعات روسی دولت ایران مقرر خواهد شد صرف شود

شرط دوم هر حواله باید به تصدیق و امضای وزیر آن در اداره نظر به مصارف در موقع رسیده به باید عبارت ملاحظه شده پرداخته شود

شرط سوم دولت ایران و سفارتین روس و انگلیس محرمانه تصدیق می‌نماید که با تصدیق آن عبارت از اول خرج ممکن خواهد بود که باید پول مصرف آن برسد

شرط چهارم هیئت وزرا باید مصارف این پول را به تصدیق برسانند

ماده دوم این مساعده به همان ضمانت قرض گذشته سال ۱۹۰۲ دولت ایران و بانک استقراضی خواهد بود

ماده سوم مبلغ تنزیل در صدی شش منظور است که در سر هر شش ماه پرداخته شود

ماده چهارم این قرارداد در دو نسخه به زبان فارسی و فرانسه یک مضمون نوشته شده است طهران

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری
پنجم ژوئیه از قلهک

همسایه سر جنرال قونسول روسی مقیم تبریز دستور العمل فرستاده است که با اتفاق جنرال قونسول عثمانی ترتیب کنند سنا خانها در جان را فراهم نمایند بعد اینها با طوم مسعود جنرال روسی است در صورتی که برادر حضرت قشون روسی از زور بر سر سنا خانها در قبال به خواهند بر ترک نمایند با حفظ اینها را استقلال خواهند رسانید جنرال قونسول عثمانی در باب اسوال اینها با دولت ایران ترتیب خاصی خواهد داد

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری
۱۳ ژوئیه نمره ۱۱۶

شیراز جنرال قونسول اعلیحضرت مقیم بوشهر ۵ و ۲ نفر از مستحفظین خود و جنرال هم یک با کسیم با چهار تحقیق در تحت فرمان یک صاحب منصب در صورت لزوم می‌خواهند به شیراز بفرستند کشتی جنگی موقتی در بوشهر توقف خواهد نمود نظر به سکونت ظل السلطان سید لاری مملکت است صرف نظر از حال آنان شیراز به اطراف در اوضاع تهدیدی حالا نمود با وجود این خیلی خوشحال خواهم شد که اجازه حرکت این تعداد را در صورتی که لازم دانسته باشم بدهند که هنوز اتفاق نیفتد شیراز بدهند

تلگراف سر هاردینگ به سر ادوارد گری ۱۵ ژوئیه نمره ۱۲۳

در نظر از نوع نیرار وزیر امور خارجه روسی برای تحقیق تلگراف یازدهم ژوئیه طهران مطلع نمودم دولت روسیه پیشنهاد سابق را از جانب دولت سید لاری شیراز قبول نموده و ثابت داد قونسول روسی مقیم طهران دستورالعمل فرستاده است که احکام لازمه در این خصوص به قونسول روسی در شیراز بدهد

تلگراف سر کارت رایت سفیر انگلیس مقیم وینه
به سر ادوارد گری ۱۵ ژوئیه نمره ۱۳۵ کتاب آبی

سفیر کبیر روسی دستور العمل فرستاده شده است که با اتفاق سفیر انگلیس اطلاع دهیم که حکومت اطریش باید اجازه [؟] داده شاه سابق را
دعوت نمایم که از راه [؟] حکومت خود برود لیکن سفیر روسی گفته باید که دستور العمل هم در این خصوص برای من نرسیده اقدام نخواهم کرد

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری ۱۵ ژوئیه نمره ۱۳۷

هر دفعه انتظار می‌رود که شاه [؟] خود که الان در سفارت روس متحصن است [؟] گرد چهار نفر سوار از این سفارت فرستاده شد
تا در سفارت روسی خود مستحفظین شاه شوند

تلگراف [؟] به سر ادوارد گری ۱۹ ژوئیه نمره ۱۴۷

در ضمن [؟] راجع تلگراف امروزی [؟] صحبتی که امروز با مسیو [؟] داشتم جناب ایشان اظهار نمودند که [؟] عثمانی‌ها
اطلاع داده که در خصوص سالار الدوله و [؟] باب عالی به ژنرال قونسول دولت عثمانی مقیم [؟] دستور العمل فرستاده [؟]
که ممانعت [؟] شدن سالار الدوله و [؟] از ایران است ولی در صورتیکه آنها مایل به خروج باشند دیگر ژنرال قونسول [؟]
[؟] کرده و اجازه [؟] نخواهد داد [؟] مسیو [؟] شده بود اظهار نمود که نظر باوضاع
[؟] اقدام حکومت با قونسول [؟] برای برقراری نظم خیلی لازم است و نیز گفته باید یک نظم در اینجا برقرار شود قونسول روسی [؟] را
تخفیف نماید

تلگراف سر ادوارد گری به سرجارج بارکلی ۱۹ ژوئیه نمره ۱۴۸

در وزارت خارجه لندن شاه جدید ایران [؟] که [؟] سالار [؟] از [؟] ممنوعه او دستور العمل رسید شما بتوانید شاه جدید را [؟]

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری ۲۰ ژوئیه نمره ۱۵۲

تلگراف دیگر امروز از قونسول [؟] شده عقیده من و همکار روسم این است که اگر [؟]
[؟] باید فوراً [؟] فرستاده شود [؟] اگر ممکن است از [؟] قونسولگری [؟] برای این عقیده
[؟] فرستاده [؟] شده میرود دولت ایران [؟] خواهیم نمود که حکم [؟] فوراً [؟] نماید اگر [؟]
[؟] قبول نمود حکم [؟] را خواهیم داد

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۵۵
مورخه ۲۰ ژوئیه از قلهک

من با مسیو سابلین در این مسئله موافق هستم که در تعقیب حرکت شاه سابق [؟] از سفارت روس [؟] از این سفارت
با عده قزاق ایرانی از طرف دولت ایران با فردی همراه او بروند و از فردی به طرف قونسول روس همراه خواهد بود [؟]
[؟] تلگراف خواهد نمود ممکن است که [؟] روسی [؟] از [؟] سفارش با فردی
همراه شاه [؟] سلطنت [؟] مواظب حقوق شاه [؟] خواهد بود [؟].

تلگراف سر ادوارد گری به سرجارج بارکلی نمره ۱۵۶
مورخه ۲۰ ژوئیه از وزارت خارجه لندن

اقدامات شما در این [؟] حالیه ایران مورد رضایت و تصویب تام است در این حرکات همکار روسی شما که با یک
طرز صادقانه با شما همراهی نموده جای [؟] تمجید است

تلگراف سربارکلی به سرادوارد گری نمره ۸۴ ۸۴

مورخه ۴ ژوئن از قلهک

تلگراف ۲ ابریل با شما در جواب در روز عصر یکشنبه رسید و مضمون آنرا به اعلیحضرت سابق ارائه دادم . نماینده از طرف سفارتین نزد سردار اسعد
و سپهدار برای اجرای آنچه که در تلگراف اشعار شده بود فرستاده شد

کاغذ سربارکلی به سرادوارد گری مورخه ۲۳ مه از طهران

نمره ۸۶ ۸۶

در مراسله ۸ ماه ... را اطلاع دادم که اعلیحضرت محمدعلی شاه اظهار داشتند که فرمان دوم که بمنزله تاریخ فرمان اول است صادر نمایند تغییر در عنوان
توضیح میشد که قانون اساسی با مواد متمم آن محکم و با توجه ... مجری خواهد شد .
مرفقاً ارسال میدارم یک نسخه فرمان را که در ۲۰ ماه مه در این خصوص صادر شده است برای ... ارسال دارم . این فرمان برخلاف ... را
تحصیل نموده است
(مارلینگ)

ضمیمه نمره ۸۶ ۸۶

فرمان همایونی مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹

هرچند که رفاه و خوشوقتی رعایای ما که اولاد ما محسوب میشوند در نگاه ملوکانه ما منظور و اتحاد ملت و دولت مقصود و همّ ذات همایونی
ما بوده است چون توضیح در این امر باعث رفع شبهات و حصول اطمینان است پس برای اینکه مقصود خود را ظاهر ساخته باشیم بعد از این بار دیگر
نمائیم و برای اینکه اذهان عمومی را مطمئن ساخته و اسباب دلگرمی رعایا را فراهم نمائیم . بهمین توضیح فرمان سابق داده میشود و امر میکنیم که
ایران بر وفق قانون ۱۵۸ مواد قانونی برقرار است و این مواد مایه آسایش و رفاه ملت ایران خواهد شد
(مهر محمدعلی شاه قاجار)

از نمره یک نیز بعد با نمره ۱۲۴ تعریب ۱۳۵ میرسد

تلگراف سر بارکلی به لرد ادوارد گری نمره ۱۶۹

مورخه ۲۵ ژوئن از قلهک

که ملیون در روز یکشنبه بر شاه فرستادند که اراده خودشان را مانند جواهرات سلطنتی را تسلیم نموده و علاوه اظهار داشته‌اند که دولت حاضر است ۲۵
هزار لیره در سال بر حسب ... محمدعلی میرزا اظهار نمود در خصوص جواهرات حاضر است تسلیم نماید و دیگر در خصوص مواجب سلطنت را سالیانه
سالیانه تکرار نموده است

معهذا مشار الیه نگارش نمود که مبلغ پیشنهاد شده خیلی کم است اعلیحضرت سابق بعلاوه از این مواجب از املاک شخصی خود عایداتی دارد
که سالی تقریباً ۲۰ هزار لیره میشود .

تلگراف سر بارکلی به لرد ادوارد گری نمره ۱۷۳

مورخه ۳۰ ژوئن از قلهک

شیخ فضل‌الله که در چند روز قبل از سفارت خارج و مخفیانه برای پارک اتابک عازم بود با الولاد ... صدد دولت حاضره شد از طرف ملیان
دستگیر شده ادارة الطریق آورده در محضر محکمه مخصوص محاکمه نمودند بعد از آنکه چندین فقره که از جمله آنها قتل ... از شخص شاهزاده عضد نبود در
حق او ثابت گردید محکوم بقتل شد و پس از حکم محاکمات در حق او مجری گردید

ضمناً حضرت اجل که سابق رئیس قراولان شاه بود دیروز اعدام شد .

تلگراف سر بارکلی به لرد ادوارد گری ۱۷۴

مورخه ۳ ماه اوت از قلهک

در این هفته خبر اقدام قطعی برای حرکت اعلیحضرت شاه سابق شده است دولت ایران ... دارد بعضی جواهرات سلطنتی را که در نزد شاه
داده‌اند که بهای ... تصرف کند از قرار معلوم آن جواهرات جزو آنها و سایر هم خود جواهرات سلطنتی توده است میدادم
پس از آنکه نسخه جواهرات طی شد دیگر اسباب تعویق فراهم نماید .

خلاصه کاغذ سر بارکلی به لرد ادوارد گری

مورخه ۱۲ اوت از قلهک

آنچه در این هفته عرض ماه گذشته اظهار نموده بودم مردم که ما را که باز قبول نمود سعادت حولگری آن بختیاری دفعه آنها را از اصفهان در دست که در تکرار
احتمال قوی داشت فراهم کرد بر خلاف اطلاعات در حوادث طوری سریعاً روی داد که در واقع پیش‌بینی نمودند خوب است در استقبال ایکه ... ان
پیش‌بینی صحیح در اوضاع ایران میتوان نمود .

اطلاعاتی که برای من رسیده بود این بود که عده زیادی بختیاری از اصفهان به تهران خود را جمع کرده اند و بعلاوه پیش اردو آنها در حرکت خواهید شد
پس طور ارفورمی ابتدا از ... و حرکت آنها خبر نمی‌رسید بلکه بر خلاف مشهور بود که در تهران متفرق میشوند

در ۱۷ ماه گذشته از راه آل ... و ... اعلیحضرت برای من تلگراف رسید که سردار اسعد برای خدا حافظی ... رفته و عازم طهران شده است
اخبار هم شروع پیدا کرد که رئیس بختیاریها با هزار تفنگدار برای حرکت ... از طهران ... میشد

تقاضا بعد ده روز خبر رسید که سردار اسعد از قم حرکت نموده و چندان مسافتی از طهران دور نیست

در ۳۰ ماه وزیر امور خارجه با من ملاقات کرد و اظهار داشت که دولت در پیش اردوی آنها ... را که از طرف شاه رسمیت
بختیاری است ... سردار اسعد خواهد فرستاد و من بجانب وزیر اظهار نمودم که این اقدام باعث ... تحت دخالت میشود که اساساً
ملی ... است

در ۳۰ ماه به کاغذ ... سردار اسعد جواب ... فرستاد .

سپس ملاحظه نمایند که از ایشان هم دستورالعمل دادم با سپهدار و سردار اسعد که با ۷۰۰ نفر بروند که خبر رسیده بود رفته دماوند و حالی نمایند که تعارض را رفع امنیت
شاه در خصوص اجرای مواد پروگرام پیشنهادی که پیش از این خواهش نمودند چون سردار اسعد از این پیشنهاد و تقاضای دولتین اطلاع داشت لذا از ایشان خواهش نمودیم که این مواد پروگرام
ابدا باستقلال ایران لطمه آورده است بلکه نصیحت جویانه است که مواد پیشنهادی را از طرف شاه پیشنهاد شده است و چاره را که ایشان یافته اند این پروگرام بر ضد
استقلال ایران است ملاحظه نمایند

در همان روز برق بهمین مقصد بهمکار روسیم ژنرال قونسول روس مقیم اصفهان دستورالعمل فرستادم . ژنرال قونسولها در ۲۶ ماه با سردار اسعد در قم
ملاقات نموده سردار اسعد در جواب اظهار نموده بود که این شرط ها در مسئله طهران است حالا که سپهدار هنوز در بر در بهار حرکت نزد شاه مجرا العهد در
نیست و بلکه قبول داده بود که با شرط ۲ ماه چند فقره تقاضا که با تشکیل آن قبول تقاضات آن ملاقات شد ژنرال قونسولها داده خواهد شد
سپس ژنرال نتیجه ملاقات ژنرال قونسولها با سردار اسعد معلوم شد دوباره با ایشان دستورالعمل دادیم که سردار اسعد تفصیل مطالب سابق را با ایشان دستورالعمل
داده شریف تکرار نمایند و معدود بیست نفر را در بد نظر آورده و اظهار دارند که اگر سردار اسعد نصایح ما را نشنیده خود را دچار مسئولیت مهمی
خواهد کرد .

ژنرال قونسولها گفته شد با سردار اسعد اطلاع بدهید که تا ظهر ۲۹ منتظر تقاضای او خواهند شد .
لذا ژنرال قونسولها دستورالعمل فرستاده شد که سردار اسعد اطلاع دهند که دیگر این مطلب برقرار نیست در ۲۹ ماه از قم بطرف اصفهان حرکت کرده
در این حین خبر رسید نفر تا ۹۰۰ نفر قزاق تا ۳۵ سمت طهران آمده اند .
عدم موافقت ژنرال قونسولها ولی اقدام اردوی سپهدار از قم حرکت شاه را خیلی اسباب اضطراب فوق العاده در دربار ایران آورده بود
در دربار سخت شنیدند ، ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر قزاق ایرانی قبول دیگر نیست که معتمد به . برای اینکه کار شاه زیادتر در راز
دارائی بدتر بود نفاق بختیاریها از ساز و ساز ایل که صمصام السلطنه ایلخانی صلح برقرار رسید .
امر شهم که همراه شاه است هیچ خیال داده بود که تمام عده زیادی با خود همراه نمایند در همین حال یک سپهدار در ۲۵ ماه متفق دادند را
تمام وزرا از کار کناره گرفتند هر چند که شاه حکم کرد با موافقت وزرا مستعفی امور کنونی فقط از ایشان تنها سپهدار ملاحظه جدیت مشغول کار خود
بود و بار ها مع محو را امورکه را که مسئولیت داشته ملاحظه نمی کردند .

در این موقع سک شاه سرا با بهمکار روسیم سلطنت آباد احضار نمود و حول در ملک درفت ۳ لی ماه تفصیل ملاقات را کاملا اطلاع داده ام
دیگر زیاد و تکرار این لازم نیست از بنا تقاضا نصیحت کرد ما اظهار کردیم که تعویق شاه در اجرای نصایح ما که مکرر در زمان کذشته پیشنهاد شده بود
باعث این گرفتاریهای حضور شده است . ما سعی نمودیم که از سردار اسعد ممانعت تمام ولی بدبختانه موفقیت حاصل نکردیم حالا دیگر
نمیدانیم که چه نصیحتی بان اعلیحضرت کرده باشیم ما حاضریم که در تشریح بکردیم اگر اتفاق نفوذ خود را برای اصلاح بکار بریم .
روز بعد ملاقات دوم از روبه نمایندگی در خصوص پیشنهاد دولتین روس که از طرف تعارض سپهدار و سردار اسعد گفته بود که (فقط راهی که مملکت از
اردوهای خارجی جلوگیری شاه است اعاده از پیشنهاد انتظام است با تمرد طرفین دقت داده شود که تسلیم حکومت کارها را اداره نمایند)
نظر تسلیم طرات جنگ که ابتدا بطرف بود هر چند که برای مسیو سابلین دستورالعمل رسیده بود با قبول کرد که دو نفر تا طرف تعارض
برای اطلاع مطالب فوق نزد سپهدار و سردار اسعد فرستاده بود

سپس مقصود صبح روز چهارم لیه ماه مازور استوکس و مسیو بارون او یک طرف سپهدار و مستر چرچیل و بارون او یک طرف
سردار اسعد عزیمت نمودند . مازور استوکس و مسیو بارون او یک در تشریح جنگ مابین قزاقها و قراقها که از کرج با طرف آمده بودند
شاه آباد رسیدند و قراقها چند سری سمت الطرف تا شکست کرده بودند ولی خوشبختانه با آنها تمکین رسیدند و پس از ختم دعوا الطرف سپهدار
ملازم شدند .
مازور استوکس و مستر چرچیل را که از طرف سپهدار و سردار اسعد نوشته آنها تفصیلا مینمایند .

حاضر شدند در ملاقات پنجم لیبرها را نوبت داده شد مذاکرات با سردار اسعد و سپهدار اعظم نتیجه نبخشید ولی سپهدار به بارون هیورکس در باب [illegible]
حضور از ایلخانها خود داد

(ملاحظه فرمائید یادداشت بارون هیورکس را)

لیبرالها نظری بهمکاری روس خیلی فرق نداده بودند و بعضی حرفهای شاه را تکرار کردیم که لیبرالها را برای اصلاح اساس قرار بدهند لکن در فقره ایلخانها
در بختیاری کارها باید دو چاره کرد یا تمام آنها در این مرحله بسیار قدیم بود یا اخراج آنها بیرون کرده [illegible] اسم بهادر جنگ و شیخ فضل الله و نظام الملک و
اشخاص دیگر

در دوم اخراج معزول مجد الدوله و [illegible] دیگر [illegible] در جواب ما سپهدار اظهار نمودیم که در این دو فقره نمیتوانم شاه را اصرار نمایم ولی در صورتیکه
ادعی ما قول بدهید که اگر شاه قبول نمود رضایت [illegible] را ملاحظه کرده [illegible] اظهار کرد که نظر تعهدات به روس و انگلیس
در صورتیکه ملت ایران سعی دارند که حقوق خود را تحصیل کنند امیدواریم که دول خارجه در این امر دخالت ننمایند.

در روز سوم لیبرها پس از آنکه سعد الدوله اطلاع داد که از طرف دولت نزد سردار پیغام فرستاده شده بود ما را دعوت نمودند که برای مذاکره
نماینده بفرستند. ما شرح را [illegible] نمودیم و شاه اصرار نمودیم که این اشخاص [illegible] را [illegible] اعلیحضرت شاه ما
قول داد در صورتیکه از طرف سپهدار و سردار اسعد بتوسط نمایندگان قول کتبی داده شود که پس از آنکه شاه آنها را اخراج کرد دیگر آنها جنگ
نخواهند کرد و از قشون خود جمع سلاح خواهند نمود اشخاص مذکور را اخراج نماید.

بعد از [illegible] (که قشون آنها در این موقع در شهریار [illegible] ملحق شده بودند) پیغام فرستاده و ما
اصرار نمودیم که برای مذاکره نماینده اعزام دارند و ما اطمینان دادیم که هر یک از ایلخانها [illegible] از طرف
شاه قبول خواهد شد.

در همان [illegible] پیغام در روز صبح [illegible] رسید جنگ که از قرار معلوم روز پیش شروع شده بود [illegible] این جنگ [illegible]
که عده آن دو هزار نفر بود با ۵۰۰ نفر قزاق و با عده [illegible] وعده از قشون دیگر واقع شد [illegible]
طول کشید.

قزاقها [illegible] حمله بردند [illegible] عقب نشستند.

امروز صبح جواب پیغام ما رسید [illegible] که سردارها در صورتیکه [illegible] حمله برده میشود از فرستادن نماینده معذورند [illegible]
راه بتوسط قشون [illegible] و اظهار نموده بودند که فقط
[illegible] مشغول [illegible] خواهند شد.

ما این قضیه را با وزیر امور خارجه مذاکره نمودیم ولی حالا [illegible] صورت [illegible] عقیده
همکار روسی [illegible] (بارکلی)

ضمیمه ۱ در متن ۱۷۸

نفرات یک ساعت و نیم با سردار اسعد صحبت نمودیم ، ما ایشان اطلاع دادیم که بعقیده نمایندگان این شانس بهترین ایرانی و هم اساس سرحد طبیعت مصر است .
مجلس دولتی سردار اسعد این بود که سرحد طبیعت وجود دارد و نمایندگان خیلی کوچک حوزه از طرفین نمایندگان اتحاد با بختیاریها در وزارت جنگ و داخله
و استعفای مشیرالممالک و حضور اسعد الدوله و مخبرالدوله در کابینه بود . ما ایشان یادآوری نمودیم که اگر مصالح نمایندگان ایشان بکشند نمایندگان بعض
خواهند کرد که مقصود آنها انتقال برای دولت و اوضاع است مخصوصاً اوراق اصول تاریخ خواهند داشت . سردار اسعد خداپرست کرده و اظهار داشت که او
هیچ مقصودی جز استقلال سرحد طبیعت وطن (برای این نقطه توضیح بداد) ندارد

ولکن حاضر در اصفهان جنگ بکنیم با کسانی که دعوا دارند و دلیل این مطلب آنکه ایشان رفیق او است با وجود آنکه عده زیادی در آن نقطه باو
همراه بودند و با لفرض هم یک پاره همراه بیایند . با وجود اینکه صدمات با نمایندگان را ترک دانسته بمنزل خود رجعت نماید
او خواهد داد بدون اینکه کار را تمام کند از رجعت بمنزل خود معذور است . سردار اسعد اظهار نمود پس از آنکه بعض از انقلاب ما را قبول نمود برای
رجعت حاضر است از آن نقشهها فقط دو فقره را اعیان لازم است ذکر کند

(۱) اخراج امیر بهادر جنگ و هیچ شخص تقویت از انتقام بعد از حفظ طرابی
(۲) برگشتن جهت منتظر اینست داده بود .

حرکت بعض دولت و کلاه دیگر دوست اجتماع بدارند

نقشه نقاط ، را اعیان معلوم از اظهار نمائید با آنکه الکه که بمال امروز اعلام احضار کرده بمنزل رجعت نماید
با این نوع عذر از شکوه بمنزل خود اختیار با نقشه که در قسم حاضر شده از سردار اسعد قول داد که ۲۸ ماه زودتر با نقشهها خود را کتباً
پیشنهاد خواهد کرد .

ما از ایشان سؤال کردیم که اگر نقشههای ایشان قبول نشود چه میکنند ، در جواب چند بیت از شعر فردوسی خواند که مقدار آن مطابق است
با شعر انگلیسی که میگوید (فتح یا وست منستر ابی) (۱)
این کلمات را امیرال مشهور انگلیسی (نلسن) در جنگ ترافلگار سروده است یعنی یا فتح یا مردن یا افتخار دفن شدن
در وست منستر ابی زیرا وست منستر ابی جائی است در لندن که مردان مشهور انگلیسی تماماً در آنجا دفن شده اند) .
ما خاطر نشان نمودیم در عوض اینکه این حالت ایشان بسیار وسایل دوام سرحد طبیعت بکرد سرعت تعویق آن خواهد شد ،

سردار اسعد جواب داد که این هم ارزد صورت خارج نیست یا شرط دهم بر قرار خواهد شد یا اسباب دولت تنفیذ خارجه فراهم
خواهد آمد بهتر نیست که از این هر دو نتیجه حاصل بود) . دلیل دیگر برای صحیح این است که حکم کرده است دیگر استعداد از اصفهان نفرستند
سردار اسعد بکوشی در صحت خود اظهار کرد که او حاضر است مدتی در قم یا در جای دیگر توقف نماید تا مسئله مشغله بود .
با وجود اینکه اطمینان داشت که ما این رشته حالت اصفهان مسئله مشغله بخواهد شد ، مکرر اظهار کرد که توقف نمیخواهد با نمایندگان صدمات
نماید و جمع تمول خواهد شد اگر نمایندگان ببینند نقشههای او را تحصیل نمایند ، این نقشهها محض ادبیات بلکه راجع به روز و تعهد و رشته
دیانت نقاط ایران است که او از طرف آنها اقدام نموده است ، سردار اسعد اظهار نمود که مقصود شخصی ندارد و با تکرار نمود دلیل دیگر
برای فقدان سرحد طبیعت وجود استبداد در طهران است ابراز برای او خبر رسیده که شاه هلاک ادارات بخاری با مخارج بخشیده است .
(امضا گراهام لوگو ادیا ولیک)

(۱) victory or westminster abbey (۱)

مذاکراتی که از طرف سفارتین روس و انگلیس در
چهارم ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ با سپهدار شده است

مسیو بارانوسکی روز ۴ ماه ژوئیه سه ساعت بعد از ظهر وارد کرج شدیم چونکه صبح امروز توسط تلفن برای ملاقات از سپهدار وقت دعوت نموده بودیم بمحض ورود بکرج سپهدار ما را نزد خود پذیرفت) مسیو بارانوسکی بسپهدار اطلاع داد که نمایندگان دو دولت مقیم طهران با یک پیغامی که منتجه مذاکرات لندن و پطرزبورغ است ما را نزد شما فرستاده اند، منهم اظهار داشتم که مستر چرچیل و مسیو ... اوسکی با یک چنین پیغامی نزد سردار اسعد رفته اند)

سپهدار اظهار نمود الان از سردار اسعد که در رباط کریم است برای من کاغذ رسید. بعد مسیو بارانوسکی ترجمه دستورالعملی که بما داده بودند تلگرافی برای سپهدار قرائت نمود سپهدار بدقت گوش داد بعد از آنکه مسیو بارانوسکی دستورالعمل فوق را تمام خواند سپهدار ورقه را از او گرفته و شخصاً قرائت نمود و پیش خود نگاه داشت.

پس از آنکه سپهدار دستورالعمل را ملاحظه نمود از شاه شروع بشکایت کرد و اظهار داشت ابداً نمیتوان اطمینان نمود هر قولیکه داده اینقدر در اجرای آن طول بدهد که دیگر نمیتوان محسوب میشود و در دور خود جمعی بیقید و بلاها را جمع نموده و نصایح این چند نفر را اراده سایر ایرانیان هرگز نشنیده. وزرای شاه ابداً جواب تلگرافات ما را نمیدهند و پس از ده تلگراف مخابره شده وسیله از آنها جواب برسد بعضی از آنها را فحش داده اند (ولی اسم نبرد) وزرا کمیته ملیان را در طهران تهمت میزنند (این مطلب راجع است به کمیته ملیان که در طهران تشکیل یافته بود در این اواخر اسعد الدوله آنها را تهمت میزد رفت ولی بعد اعتنا نکرد) سپهدار تعجب نمود که مستحفظین سفارت روس و بعضی ملیان در این خصوص مذاکرات لازمه نمایند و برای اینکه مقصود ارزانی حاصل شود.

یک ساعت و نیم بعد صحبت نموده اظهار کرد ملیان خیلی تشکر از ابراز همراهی سفارتین که در دو ماه دو دولت عهده دار میشوند و برای اصلاح تشدید شده اند.

بعد از ما سؤال نمود که آیا شاه از فرستادن شما ها نزد من خبر دارد یا خیر من جواب دادم بعقیده بنده خیر ولی احتمال میکنم که اطلاع دارد مسیو بارانوسکی گفت احتمال میکنم که از آمدن ما شاه خبر داشته باشد.

سپهدار پرسید که مقصود از لفظ برقراری نظم چیست و اظهار نمود حرکات قشون روسیه از این در نظم بوده و خواهد بود قشون ما برای مقصود آمده اند که تهران آن بعضی مانده اند و سردار اسعد از حرکات قشون خود حمایت نموده و ملت اند.

اگر سفارتین ترتیبی بدهند که او با سردار اسعد هر کدام با ۱۵۰ نفر آدم در شهر بیایند و در یکی از باغات دور شهر اقامت کنند ماموریت سایر ملیان تشکیل اساسی برای استقرار مشروطیت خواهند داد.

من از سپهدار پرسیدم مقصود شما از استقرار مشروطیت چیست؟ در جواب اظهار کرد بعضی چیزها است که ملیان باید آنها را معمول دارند. من گفتم اگر شما آن مطالب را بما بگویند ممکن است که سفارتین آن مطالب را بنظر شاه رسانیده و در قبول آنها اصرار نمایند و در اینصورت سفارتین ضمانت اجرای آنها را خواهند کرد.

سپهدار چند فقره از آنها را اظهار کرد و ما خواهش نمودیم که این مطالب را روی کاغذ بیاورد. سپهدار هم بعد از شاه بنای شکایت را آغاز نموده و اظهار کرد از اول شروع مشروطیت اعلیحضرت پادشاه با مقصد سعی نموده که مشروطه را برهم بزند.

و حوادث سال گذشته را بیاد خاطر آن نمود.

من گفتم از گذشته نباید شکوه کرد حوادث سابق آنها را همینطور گذشته محسوب دارید.

در همین ایام شاه نصایح دوستانه دولتین را قبول نموده و حکمیت سپاه در کرج ما را موقع اجرا گذارده و ما هم اجرا خواهیم کرد

ما توان تبلیغات حاضر تمام معذرت اطلاعات صدر مهابت.
همویارد اورا سخت اظهار کرد که مسئله خیلی اهمیت دارد و شکی نیست مستعفی گردید ایرانیان میخواهند تمام وزرا را تغییر بدهند.
سپهدار در دو مرتبه مطلبی را که سابق گفته بود تکرار نمود (مقصود مسئله [illegible] باقی مانده است) بعد سپهدار برای نوشتن تقاضا
از نزد ما خارج شد و بعد از یک ساعت مکتوبی که در آن ۸ ماده از تقاضاهای خود نوشته بود وارد شد.
برای اینکه ابتدا حرف روز نفهمیم تا فی [illegible] خواهش کردیم که آن تقاضاها را برای ما بخواند و او تقاضاها را قرائت نمود و سؤال
کردیم که اسامی اشخاصی که اخراج آنها را تقاضا کرده اند کیانند سپهدار از روی ورقه دیگری که در دست داشت اسامی ذیل را قرائت کرد
امیر بهادر - شیخ فضل‌الله - مفاخر الملک - سعد الدوله - صنیع حضرت - ملا محمد آملی
ما اظهار کردیم که این تقاضاها را به سفارت خواهیم برد و بعد جواب بدهیم که آیا ممکن است تا کدام آنها را نظر به ماده [illegible]
و در خواست قبول باشد یا خیر.
سپهدار تقاضای جواب فوری نمود ولی ما گفتیم احتمال اینکه تا فردا [illegible] اگر به عمل آید جواب تا فردا منتظر باشند
سپهدار گفت توقف قشون هر روزه اسباب مخارجات ملیان را زیاد می‌کند ولی تا ظهر یکشنبه منتظر خواهیم شد و ما وقت
را قبول کردیم سپهدار سؤال نمود که آیا میتوانند قول بدهند که در این چند روزه قراولان نظامی برضد ما تجاوز نشود
ما جواب دادیم که نمیتوانیم حتی قول بدهیم ولی اگر آنها حمله کردند [illegible] که جنگ کنند و ما خارج شدیم
در اردوگاه وارد قشون ملیان شدیم در مراجعت [illegible] ما را رفتار کردند هر سربازی که [illegible] رسید احترامات نظامی را
به جا می‌آورد [illegible] در اینجا [illegible] مانده بود [illegible] سؤال کردیم جواب داد که مسلک ندارد
بلکه بدون هیچ حرارت دعوای [illegible] قراول بوده است و شکی در صحت اظهارات [illegible] رسیدیم در اینجا.
به (کلاپیتین بیریبیشی زوف) فرمانده قزاقهای ایرانی اطلاع دادیم که سپهدار تا ظهر یکشنبه اقدام نظامی
نخواهد کرد.

(امضاء مارلینگ [illegible] اتاشه میلیتر) (طهران)

جمعه ۳ دسامبر ۱۷۵

ترجمه تقاضای ملیان

(۱) سپهدار و سردار اسعد سرکردگان ما ۱۵۰ نفر مسلح در [illegible] تا وقتی که در [illegible] خواهند آمد
از اجرای این تقاضاها اطمینان حاصل کردند [illegible] خود عودت خواهند داد.
(۲) قشون دولت [illegible] خاک ایران را تخلیه نماید.
(۳) ما [illegible] انعقاد مجلس [illegible] ملی و [illegible] وزرا را [illegible] قانون رفتار نمود.
(۴) [illegible] مردم [illegible] کرده اند نفی بلد شوند.
(۵) [illegible] خود قشون [illegible] داده اند [illegible] شوند
(۶) وزیر جنگ مسئول تمام قشون و قورخانه مملکت خواهد بود
(۷) اداره تلگرافخانه از [illegible] گرفته شود.
(۸) [illegible] حکام [illegible] باید [illegible] باشد.

ضمیمه ۴ در نمره ۱۷۵

یادداشت در خصوص مذاکرات مستر چرچیل و مسیو [illegible] با سردار اسعد

در ۳ ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹

یادداشت در خصوص مذاکرات مستر چرچیل و مسیو [illegible] با سردار اسعد

مسیو [illegible] و من یک شب بعد از ظهر در همراهی دو نفر قزاق روسی و دو سوار هندی در جلو غلام سفارتین از قلهک حرکت نمودیم
ساعت هفت به حسن آباد که در ۳۰ میلی طهران در راه قم طهران واقع است رسیدیم در آنجا با [illegible] قزاق ایرانی
که با ۲۰۰ نفر قشون بود [illegible] ملاقات نمودیم. دقیقه که ما بدین اردو رفتیم اظهار کرد سردار اسعد در نقطه ایست مابین حسن آباد و رباط کریم و ما هم
بدیدنش رفته ملاقات دوستانه [illegible] بود که هر کدام از [illegible] با ۵ نفر سوار [illegible] نقطه ملاقات کردند.
اسعد قبول کرد که در ساعت ۸ ملاقات سردار اسعد برویم و [illegible] سواری برای ما و همراهان ما داد. دقیقه که سردار اسعد وارد شد تا به تنهائی او را
ملاقات نمودیم مراسله [illegible] کاغذ را که ما مأمور رساندن آن بودیم برای سردار اسعد خواندیم سردار اسعد با دقت گوش داد [illegible] نطق [illegible] نمود.
[illegible] اطلاع داده اند که این شرط که شاه داده است شرط صحیح نیست. و ابداً خیال ندارد که این قول خود را انجام [illegible] چه ضمانتی
داده میشود که شاه قولهای که حال داده هر گونه [illegible] خواهد [illegible].
می گفتیم ما اجازه داده شده است که اگر [illegible] ضمانت بیش از آن گوئیم که سفارتین حاضرند ضمانت [illegible] را تحصیل نمایند.
سردار اسعد جواب داد مخصوصاً چیزی را که مایل هستیم عبارت از ضمانت خارجه است [illegible] ضمانت خارجه مایل نیست. [illegible]
اطمینان دادیم که جنبش (کارنتی) را ابداً ما در نظر داریم و حاضریم ما از شاه ضمانت [illegible] را تحصیل نمائیم. سردار اسعد
اظهار نمود در این صورت مطلب خیلی توفیر دارد و [illegible] که [illegible] قبول نماید. سردار اسعد چون ظاهراً مایل بود
که در این مطلب مذاکره [illegible] لذا مسئله را تغییر داده و [illegible] را که موجب [illegible] شد [illegible] از شاه سلب
اطمینان نموده و بقول او اعتماد ندارند و همین ملاحظه [illegible] بود که [illegible] تحریک کردند و گفتیم اقدامات نظامی
که از طرف شما و سپهدار شده در نظر ما [illegible] است و از قرار معلوم [illegible] طهران را [illegible] کرده اند.
ما [illegible] شما اطمینان [illegible] که [illegible] قانون انتخابات تکمیل شده [illegible] و پس از
اینکه شما و سپهدار از طرف [illegible] حرکت [illegible] بود که [illegible] برقرار شود.
سردار اسعد جواب داد با دقیقه [illegible] شاه را گرفته اند از [illegible] ممکن نیست [illegible] اطمینان نمود [illegible] در جنگ [illegible]
[illegible] قشون [illegible]. می گفتیم [illegible] که [illegible] از کار خارج [illegible]
را شاه قبول و اجرا کرده است مخصوصاً [illegible] سردار اسعد [illegible] که [illegible] ایران [illegible] رسیدیم که آیا برای اجرای
کار [illegible] حضور [illegible] است [illegible] جواب داد که [illegible] شاه نفوذ [illegible] دست [illegible]
[illegible] از طرف او [illegible] فوراً [illegible] جواب داد. پس در [illegible] صورت [illegible] خروج او را اصرار [illegible]
[illegible] فقط [illegible] سردار اسعد اظهار [illegible] که [illegible]
[illegible] مقصود [illegible] است که [illegible] برقرار [illegible] واقع شود ابداً برای [illegible] شاه جواب [illegible]
[illegible] شاه را [illegible] که [illegible] صحیح [illegible] طهران آمده [illegible] شاه [illegible]
[illegible] همراه داریم [illegible] شاه [illegible] اظهار نمودیم که از [illegible] سوادی [illegible] بدهیم [illegible]
[illegible] دقیقه [illegible] سردار اسعد [illegible]

(au revoir a téhéran)

خدا حافظ ملاقات در طهران

امضاء (چرچیل)

7

ضمیمه ۵ در نمره ۱۷۵

دستورالعمل که سابق از لندن به پوکلی و بسنر چه حیلی داده شده بود.

شما سعی کامل خواهید نمود با سردار اسعد و سپهدار را ملاقات کرده و به آنها بگوئید فقط چیزیکه ممکن است از دخالت خارجه جلوگیری نماید اینست که
نظم و داراالملک فرصت است بمشروطه که تازه برقرار شده. شما با آنها اظهار نمائید که پیشنهادهائی تحقیقی در ۲۲ آوریل ببیاره
دارالفرانت شاه در خصوص اجرای آن پیشنهاد برای آنها سوء تفاهم ایجاد شده است. شما با آنها بگوئید که این پیشنهادات برای استقرار
مشروطیت در شکل صحیح و پسندیده که برای شان باید مقصود است بعضی اقدامات شده که جنبه آن اقدامات را شاه بعمل آورده است
بردن دخالت دولت کمیته ملیان قانون انتخابات را بطور آزادی ترتیب داده و بیصداء شاه هم رسیده است.
از طرف و زرائیکه متهم با استبداد هستند هیچ ضدیتی در سعی برای اقدامات پیشنهادی ظاهر نشده است.
اگر سردار اسعد و سپهدار در حرکت خالف نمایند بالاخره ممکن است آنکه هیچ خواهند بگوئید با سعی کامل نموده و اظهار ایشان نمائیم

مورخه سیم ژوئیه ۱۹۰۹ (اعضاء بارکلی)

مراسله سربارکلی اسرادوارد گری مورخه ۱۵ ژوئیه از قلهک نمره ۱۷۶

(آقا) افتخار دارم که صحیح از حوادث هفته گذشته ایران را بطور معمول لفاً برای شما بفرستم

ضمیمه در نمره ۱۷۶

(تبریز) در لیوم دهم ژوئن قسمتی از قشون روس مرکب از یک باطری توپ و هویتزر - و یک دسته پیاده نظام
روسیه به تبریز مراجعت کردند در ۳۰ ماه ژوئن تلفن قشون لارد در جلفا از ارس کشتی نادر دفانه آخر ماه حرکت داده شد -
در ۲۸ ماه ژوئن جنرال قونسول روس حکم رسید که دیگر عملیات قشون از اقامت ملیان شهر سکونت دارد و دفقات باره روی سواره
سوارها و با قرها شهر در در جنرال قونسولگری عثمانی هستند و بهیچ تردید با جنرال قونسول عثمانی خارج خواهند شد و جلیل ایرانیه
خیانت خواهد کرد که با آنها اذیتی برسانند و آنها در خارجه توقف خواهند کرد تا آنکه نظم در ایران برقرار شود. چون با آنها که با هم حال
فراهم دادگی مشغول دعوا هستند به تمیز آمده لذا لهذا در ۷ ماه ژوئیه ۱۵۰ نفر قراق روسی به باسمنج فرستاده شدند
این قشون پس از چند روز به تبریز مراجعت کردند ولی ۲۰ نفر برای کسب اطلاع در آنجا گذاشتند.
احلال الملک نکفیر حکومت مکرر خیال استعفا نموده ولی با حاکم جدید وارد شود استعفای او را قبول نخواهند کرد، قرار شاه حدید
عملدار الدوله ترا و هم ژوئیه از اروپا وارد طهران شد لیکن با کنون خبری از حرکت او به تبریز رسیده است.

(رشت) در ۲۳ ماه ژوئن برای قشون ملیان در قزوین از رشت استعداد حرکت کرد. در ۸ ماه ژوئیه قشون
روس وارد انزلی شد و در دهم با اطراف قزوین حرکت نموده قزوین وارد خواهند شد مرکب از ۵۰۰ نفر قراق
و دو عراده توپ و هزار نفر پیاده است در رشت حرکت قشون ملیان را بطهران راه تردد رشت و طهران محوطه بسیه نشده
است هم مثل سایر روز العوقل وارد و خارج میشود.

(مشهد) در اواخر ماه دسه در موقعیکه اغتشاش شروع شد جنرال قونسول روس توسط سالار اقبال و سعد قاسم
تختی با جمع فرستاد دو ملاده از آن سقام کاغذ نهم که با لا اندازه سخت بود نخواهند نوشت برای ریش سفیدان بازارها پیشنهاد
و مردم تقاضاکرد آرامی حمله کردند

در ۷ ماه ژوئن جنیدی قتل روی داد که مسجد دارالحج به مکه سالار بیگ سالار از قاتلین را گرفت دیگر برای تقاضای جراحات
فوق العاده بعمل آورد و تمام اعضاء انجمن حضور داشتند.

8

با اردوستان ایرانی ماژور سایکس با دکنف جنرال قونسول داده می‌شود که بواسطه قصدی از طرف شعبه (پرنس دابیژا) نسبت با نفاق
نقد که تهدیدات زیاد شنیده‌اند تمام اشخاص مهم با رک بیانیه دیده شده و باید بات طرف قرار کرده‌اند .
۳۰ نفر را صورت نویسی کرده و برای اعلام نهایی کامل نموده‌اند و در دفاع رعایا ترور شروع یافته بود .
در هر موقع ... ۸ ژوئن چون شهر زیادی در شهر در رفت لذا در روز دیگر اهالی شکایت شد پرنس دابیژا دو چراغ
فرستاد که از ارک خارج نشوند زیرا ممکن است دیگر با خطر رسند که متوجه خود نیستند . چون در روز دیگر اعلامیه احتمال حمله است در
صورت ورود دادیم مسئله آثار نشنیده تا هیجان خواهند کرد لذا دولت به این قصد اوضاع را بلافاصله تقاریش اطلاع داده‌اند .
پرنس دابیژا التفات فرستادن بعداً نمود چون اوضاع چنین مغشوش بود و هیچ امیدی نمود پس رفت مگر اینکه در دوران در طعمه دعوا نماید
ماژور سایکس موقعیت نمود که یک هیچ اقدامی لازم است اغتشاش پس طور هر ادب نیافت و در ۱۶ ژوئن دسته رکن الدوله وارد
شد خود را تقدیم به خدا و دسته‌بندی شاهزاده نمود شهر دیگر افسانه شهر در دست سپرده بود ماژور سایکس از رکن الدوله ملاقات کرده
وضع او را خوب دیده دید ماژور سایکس ... را اعتبار داد که در ۱۷ ژوئن دسته از ... تا که عده هر یک ... ۵۰
الی ۶۰ نفر بود از تبریز وارد مشهد شد ... مشغول جمع آوری مهاجر بود . در ۱۸ ماه ژوئن پرنس دابیژا از ... نفرها
نوشته دلخواهی ... را نمود .

(۱) تخلیه نمودن مسجد بلکه قلعه را تسلیم کردن اسلحه خود .

(۲) دستگیر کردن ... رئیس خدام ... ها

در آن ... از ... ها که در خصوص با حکومت قول داده شد در ۹ ماه ژوئن ... ها
... از ... را ... کرده ... ها ... و هم به پرنس دابیژا دادند . یک دسته از ارازل در ... ها
... در ارک توقف نموده ... را ... برای حمله شهر قرار داده‌اند .

در ۲۲ ماه ژوئن از ... شده‌اند ... در تحت ... قونسول حمله ... آورده‌اند و قرار یکه ... حکومت
... را ... یک ... اقدام نموده است ... اقدام ... شد که تمام ... ارک را غارت کردند

در ۲۴ ماه ژوئن شهر ... انداخته شد . در ... پرنس دابیژا ... قراول ... روس ... شد که
ارازل ... اینها را مانع شدند ... یک ... گسیل فرستاده شد و شروع ... نمود ... و فوراً ... قراول
... شد ... روس ... از طرف ... ماژور سایکس ... را نصیحت نمود که
با حکومت صلح نمایند

در ۲۵ ژوئن ... طرفین ... نموده که اقدام ... تکلیف نشود .
... شروع شد و قرار بر این گرفت که ... تسلیم اسلحه نمایند در عوض ... از ارازل شهر خارج نشوند
در این ... از ارازل حمله ... قلعه ... شدند و ... ها کشته شدند .

(فقط ... شهر ... مولف)

در ۳۰ ژوئن ... روس و ... در ۳ ماه ژوئیه ... پرنس دابیژا ... نفر از اعضاء
مهم ... در قونسولخانه ... قرار بر این شد که ... اسلحه نشوند . و ... حکومت ... صلح داده شد حکومت ...
شروع ... نمود ... قرار داد را ... تمام ... شهر ... است .

در ۵ ماه ژوئیه ماژور سایکس ... نمود که ... و ... مشغول برقراری صلح و انتظام هستند فقط ۳۰ نفر قراول ...
... دارد و ... از طرف ... کرده است .

(سیستان) حسام الدوله در روز ۲۱ ماه مه اشخاص معروف بیرجند را دعوت کرده و اعلانات را قرائت نمود
و وکلای سابق انجمن گفته شد تا موقع انتخابات جدید نماینده انجمن خواهند بود .
انجمن ایالتی مشهد انتخابات جدید را قبول نکرده لذا اعضاء وکلای قدیم سر جای خود باقی هستند . انجمن ایالتی مشهد بحسام الدوله اطلاع داد که مسئول
مالیاتهائیکه توسط او جمع شده است خود او خواهد بود و مطالب سابق که آنرا او فراهم نموده است .
(اصفهان) شهر رو بهم رفته آرام است اگرچه در چند موضع هنوز برخلاف نظم رفتار کرده اند .
(سلطان آباد) در اول ماه ژوئن [illegible] ویس قونسولگری انگلیس [illegible] را اطلاع داد که در ایالت عراق بی نظمی بسیار زیاد است
و در روز سه روزه اتفاق می افتد الوار کاوه و کوچه [illegible] دهات را چاپیده اند و چندین ده را غارت کرده اند رعایا جرأت مزارع
رفتن ندارند و خود خارج شهر راهها در حال ناامنی و بعضی زودیها قطع شده خواهد شد .
بمجرد اینکه تجارتها بقم رسیدند انجمن [illegible] در آنجا دایر شد ولی از طرف انجمن بحکومت اظهار شد که قبل از حرکت از سلطان آباد
حساب مالیاتی که جمع نموده است بدهد اکثر اعضای انجمن آخوندهای [illegible] و اشخاص رذل [illegible] شده است رئیس علما تجار را
بسلطان آباد دعوت نمود .
(یزد) چندی سرقت در طرق و شوارع یزد راپورت داده شد در راه کرمان و سمت [illegible] در یک نقطه که عده آن
۱۳۰ یا ۲۰۰ نفر بودند مشغول غارت کاروان هستند عده زیادی شتر [illegible] شده [illegible] شترها [illegible]
و شترهای خود را پس بگیرند بالاخره نتیجه این شد که پول را اعراب گرفته و شترها را هم پس نداده اند .
[illegible] چندی قبل سعی نمود که از طرف [illegible] یزد را بچاپد از قراریکه [illegible] ولی اهالی [illegible] با او
همراهی نکردند . سوارهای حاکم نائب چندی قبل بطرف طهران فرار نموده اند و در عرض راه تمام دهات را چاپیده [illegible]
خورده و سابقاً راپورت داده شده بود [illegible] در [illegible] با سیاسیها [illegible]
[illegible] با سیاسیها [illegible] نتیجه نمی بخشد .
(کرمان) نظام السلطنه هنوز از طهران بطرف کرمان حرکت نکرده است - [illegible] که در اول ماه ژوئن
نائب الحکومه [illegible] منصوب شد [illegible] برای اداره کردن [illegible] صرف کرده دیگر [illegible]
وصول [illegible] [illegible] . سربازها [illegible] [illegible] و [illegible] فرار
کرده اند . خود کرمان آرام است [illegible] که تمام اهالی [illegible] [illegible]
معاودت نموده اند در خارج شهر همه جا دزدی شیوع دارد و اگر کسی [illegible] [illegible] خواهد شد .
در [illegible] پس از آنکه [illegible] حاکم [illegible] از شهر فرار نمود [illegible]
عظیم واگذار کرد بلوچها مشغول غارت [illegible] ۱۰ ماه ژوئن ۸ [illegible] شده قطعه [illegible] را گرفته [illegible]
[illegible] کرمان [illegible] را غارت کرده اند [illegible] تنها [illegible] کشته شده اند .
اهل [illegible] در [illegible] خود [illegible] قیمت [illegible] ولی قونسول اعلیحضرتی [illegible] که اینها برای غارت [illegible] کرمان [illegible]
خواهند شد .
[illegible] در [illegible] ژوئیه [illegible] قونسول [illegible] [illegible] بلوچها [illegible] [illegible] بطرف [illegible] کرمان [illegible]
(کرمانشاهان) در ۱۳ ماه ژوئن ظهیرالدوله وارد شد و مشغول حکومت گردید .
(شیراز) در اول ماه ژوئن اتفاق [illegible] [illegible] حکومت [illegible] [illegible]
قطع شده و در خصوص [illegible] هم در [illegible] .

نصرالدوله در ۱۳ ماه مه وارد شده و اظهار نموده که در چند فرسخی شهر عده زیادی از قشقائی‌ها و سنجون (?) رفته اند ولی با یک حملات
فوق العاده آنها را عقب نشانده در ۲۵ ماه ژوئن قوام الملک به قنسول انگلیس اطلاع داد که اگر ظل السلطان بحکومت منصوب
گردد پس از ورود او شیراز را خود قوام با برادرش با اطمینان خاطر بطرف اروپا عزیمت خواهند نمود .
در اواخر ماه ژوئن اوضاع خیلی هولناک گردید چونکه صولت الدوله و سید عبدالحسین لاری را حکومت فقط برای سرکوبی چپاولچیان (?) از
دعوت کرده بود بعقیده قونسولها حفظ و ابقای نظم بعد از حکومت بود ولی اشکال در پیدا کردن شخص مناسبی برای حکومت .
الدوله بنفع انگلیس و سایر (?) ... ورود ظل السلطان را اعراض داده و از هر چند که خود او شهر در اروپا است ولی حکومت ظل السلطان
بمداوای در اوضاع شهر پیدا کرده و خیال مینمود که از مخاطره عظیم جلوگیری شده است .

بنادر فارس

(بوشهر) در ۲۴ ماه ژوئیه ژنرال قونسول اعلیحضرت انگلیس گزارش داده که ژاندارمها برای تقویت بنادر فارس و حکومت
ایران مشغول اقدامات میباشند
در پنجم ماه ژوئیه انجمن محلی برای بازدید از کاکس کاغذی نوشته و در آن کاغذ اعلان نموده بود که از نظر مخارجات نقاط مختلفه
ایران انجمن مصمم است که تمام ادارات مرکزی انتظام گمرک در تحت تصرف خود بگیرد و عایدات گمرک را هم تماماً در بانک
شاهنشاهی حواله کند. است بعلاوه انجمن قول داده بود که بعد از اراده آنها کلیه وجوهات صحیح و فوری مطالبات بشرطی که عایدات
عایدات گمرکی بزودی کافی برای بازدید خواهد داشت . از قرار معلوم این اقدام انجمن بر ضد دستورالعمل محقق و در نتیجه مقصود اصلی
فقط ممانعت از وصول عایدات گمرکی است بدست شاه . ماژور کاکس جواب داده که بعقیده شخصی من این اقدام انجمن مالک اینکه
شد روی است چونکه ابتدا احتمال اغتشاش و شدت از طرف مستبدین در بنادر محسوس است و احتمال دارد منتج نتیجه بشود که رفع آن
مقصود بهتر بوده است انگلیس بوده .
این جواب بطریق غیر رسمی بوده با اینکه در خصوص از سفارت انگلیس دستورالعمل لازمه رسید سفارت اعلیحضرت جواب فوق را
تصدیق نموده بعلاوه به ماژور کاکس دستورالعمل داد که در موقع انجمن اطلاع بدهد که پس از شهر از شهر طبیعت آنان بحث آنها
و فقط فرمانی بطریق عیب این اقدامات شده است .
(بندرعباس) اوضاع بطوریکه در این ایام در این نقطه شیوع داشت در ماه مه رو به بهبودی گذاشت بجهت اینکه سید عبدالحسین
لاری در نقطه دیگر سرگرم بود و شهر را تهدید نمیکرد فقط در بندرعباس بعلماء خود احکام عدیده صادر میکرد که برای او اسلحه خریده
و بلار حمل نمایند
حکومت بنادر مصمم شده بود که ۲۰۰ نفر سرباز برای محافظت شهر اعزام دارد ولی نایب الحکومه عملیات و حرکت آنها را
لازم ندیده و جواب رد داد .
و لنگه - نظر باینکه سید عبدالحسین در لار از نصرالدوله دفاع میکند لذا اتباع خود را از حوالی لنگه خارج نموده است
و از اوقات تا کنون این نقطه آرام است .
حول نایب الحکومه حضور حاجی علی لاری امنیت نظم و رفتار عمومی دیده بجهت او را از شهر خارج نمود .

(مارزور شهوکس ... میلیتر) (?)

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۷۹

مورخه ۳ اوت از قلهک

دیروز صبح ما نوشتیم که مسئله جواهرات سلطنتی مابین دولت ایران و شاه ختم نمود مگر اینکه هر دو طرف با قرار صحیح بیاوریم و همکار
روسیم نیت را استنادها نموده و هر دو طرف قرار قبول آن اصرار نمودیم و آن ترتیب این است که دولت ایران مرحمت مجهز سرمایه را تا
پنجاه هزار تومان اضافه نماید از طرف او هم جواهرات را تسلیم حکومت ایران کند

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۸۰

امروز تلگرافی به من اطلاع داد شنیده که از این شهر اعزام شده بود دیروز وارد شد . در مراوده [illegible] صورت الدوله
با قشون کشیده اینها الله دو هزار نفر است از دور زده‌اند . می‌نویسد اعلیحضرت در مورد بعضی دادم که سعی نموده و ارزش آن را
صولت الدوله جلوگیری نماید . صولت الدوله قبول نموده است که با نامه رود دیگر شهر را تصرف نمایند . صولت الدوله
اصرار دارد که بحکومت علاوه الدوله نفر داده بود و من این مطلب را منتظر دولت ایران خواهیم رسانید .

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۸۳

مورخه پنجم ماه اوت از قلهک

منجمله قرار است مابین نقاش و شاه سابق داده شده که بعمل این است که نزد نوکان دیگر از طرف نکلی وزارت امور خارجه بعض
از اعضای کمیته و سرحسن نقاش باقرار رسید

(ماده اول) بعد از رسید که در حضور نمایندگان نقاش با تمام جواهرات سلطنتی که در نزد اعلیحضرت است تسلیم نماید

(ماده دوم) با اعلیحضرت تمام جواهرات سلطنتی که ذکر گذشته شده بدولت ایران تسلیم نموده و اگر دولت ایران خواست
اینها را بمنزل او از [illegible] خارج نماید

(ماده سوم) دولت ایران سالی ۷۵ هزار تومان به اعلیحضرت خواهد داد و نصف آن منضم در اول سال بتوسط بانک روس
کارسازی خواهد شد .

(ماده چهارم) دولت ایران صورتی از جواهرات مفقوده نزد نقاش خواهد فرستاد و نقاش تمام اطلاعات ممکنه را از شاه تحصیل نموده
در صورتیکه نزد اعلیحضرت یا عمال او بوده سعی کامل خواهند نمود که آنها را پس بگیرند .

(ماده پنجم) اگر اعلیحضرت بعد از پنجم ماه اوت جواهر [illegible] شد قیمت آن جواهرات از قرار [illegible] سالیانه آن اعلیحضرت کسر خواهد شد .

(ماده ششم) اعلیحضرت باید قبل از ۱۷ ماه اوت از طهران حرکت نماید .

مفاد ماده اول دیروز بعمل آمد و بعد از ظهر شاه سابق مقداری از جواهرات را که ما گرفتیم ادعای مالکیت شخصی نمود تسلیم کرد

خلاصه تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری

مورخه پنجم اوت از وزارت خارجه لندن

در خصوص صحبت با وزیر امور خارجه روسیه می‌گفتم که توقف زیاد قشون روس را در ایران [illegible] توقف [illegible]
رضا بدولتها خواهد شد [illegible] که هر چه زودتر ممکن بود قشون را از ایران خارج نماید .
ولی درخصوص قشون [illegible] که حاکم مقدار ضمانت است [illegible] که قشون خارج نبود .
درخصوص قشون [illegible] اظهار نمودند که اوضاع در [illegible] غیر معلوم است که خروج [illegible] بیکال مذکور است .
وزیر امور خارجه اظهار نمود که از حرکات [illegible] اوضاع [illegible] است که [illegible]
کرده‌اند

تلگراف سر ادوارد گری بسر جارج بارکلی نمره ۱۹۶

مورخه ۱۳ ماه اوت از وزارت خارجه لندن

شما میتوانید بسبب پیشکار روش خودتان تحصیل عفو عمومی نمائید

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۱۹۷

مورخه ۱۴ ماه اوت از قلهک

در خصوص دارم تلگراف ۱۲ ماه اوت سفیر اوبرو را ملاحظه فرمائید . باید دولت ایران اطلاع خواهم کرد که اعلیحضرت شاه سابق در ۱۸
ماه حرکت خواهد کرد و در جواب مینویسم که نهایت خیلی دلیل را آماده نمایند

خلاصه مراسله سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری مورخه ۲۳ ژوئیه از قلهک نمره ۱۹۹

(آقا) در ضمن مراسله ۱۲ ماه جاری خود افتخار دارم راپورت اینکه قشون ملیان در ساعت ۶ صبح ۱۳ ماه وارد طهران شدند
وقایع و اتفاقات ورود و جنگ بعد از ورود قشون ملی را مفصل است

ضمیمه ۱ در نمره ۱۹۹

یادداشت مستر چرچیل مورخه ۱۶ ماه ژوئیه ۱۹۰۹

در ۹ ماه ژوئیه سپهدار با ۱۰۰۰ نفر تمام از کرج بطرف جنوب شرقی که رباط کریم است حرکت نمود در آن نقطه
سردار اسعد را که با ۱۲۰۰ نفر بختیاری از اردو رده بود ملاقات کرد . این سقم که از ادبار بختیاریها طرف قرار شاه بود
با ۲۰۰ نفر در میان متوجه بر اضافه سپهدار مثل آنکه صحیح رفته روز بعد قشون تحت سپهدار که بیرکی از افغانی دارا بود
(من اسمها را بواسطه بودن اسم تهیه فراموش نمایم) با بختیاریها در همچنین تصادف شده بود و خیال کرده اند که آن
بختیاریهای سردار اسعد هستند که بختیاریهای دولتی که بسرکرده فرماندار میان را همراه داشتند سعی نمودند که قراسنها را گول زده و
آنها را مجبور بتسلیم سلاح نمایند ولی این خدعه بها فوراً معلوم گردید جنگ سختی در گرفت و در میان عقب نشستند در عصر همان روز
سردار اسعد آن نقطه وارد گردید و همان گمان کردند که اینها همان بختیاریهای دولتی هستند و شروع به تیراندازی بطرف
آنها نمودند بختیاریها را مقتول و عده زیادی را مجروح کردند تا اینکه روز معلوم گردید و دو قشون با هم دیگر ملاقات
نمودند و در روز ۱۱ و ۱۲ این با صلابت بی در بی قشون دولتی را که مرکب بود از ۰۰۰ نفر قزاق
در تحت فرمان کاپیتن زیوستکی با عده از سوارهای غیر منظم شاه و بختیاریهای دولتی و چندین عراده توپ شنیدر
و با وجود شلیک توپ سختی که از طرف قزاقها تا آن میشد نقاط خود را تحویل نگاه داشتند . در شب ۱۲ ماه ژوئیه
تمام قشون ملی از راه بین قراقها و سوارها بشاه که در شاه آباد و جهار آباد و ماف آباد مشغول شده بودند گذشتند و بدون اینکه
که دیگر قشون دولتی خبردار باشند و در ساعت ۶ صبح ۱۳ ماه ژوئیه تمام قشون ملی از دروازه یوسف آباد که در شمال
شهر واقع است وارد طهران شدند بعد از قتل سه نفری در سفارت انگلیس کشتند و عده زیادی دسته جمعی شده بطرف
بهارستان رفتند بدون هیچ مصادمه با آنجا رسیدند از سرباز ایکه در قزاقخانه بودند بلافاصله تسلیم سلاح نمودند از آنکه در قزاقخانه
رو بروی سفارت انگلیس سه نفر کشته شدند .
سربازیکه در اول میدان توپخانه بودند بطرف دسته ملیون که از سفارت انگلیس بطرف میدان میرفتند آتش کردند
و در دو ساعت میدان را هم فوراً گرفتند بختیاریها سه دروازه شمالی و شرقی و دروازه جنوبی شهر را تصرف کردند ولی سه دروازه غربی
شهر در دست قزاقها ماند .

در صبح ۱۳ بروز کاپیتن «ژ. پولسکی» با ۴۰۰ نفر قزاق از ارک از دروازه‌ها داخل شهر شد و خود را به توپخانه رسانید
که در تمام این مدت در قزاقخانه با ۴۰۰ نفر قزاق بود ملحق ساخت. انقلابیون که ۳۰۰ نفر بودند در تحت ریاست کاپیتن
پلیو زوف در سلطنت آباد پناه برده بودند. علاوه بر قزاقها ۲۰۰۰ نفر قشون دیگر که در تحت ریاست سرهنگها بودند ابدا
داخل جنگ نشده و ... پناه برده بودند. در تمام این مدت سه روز جنگ ۱۳ - ۱۴ - و ۱۵ قزاقها در قزاقخانه مشغول
دفاع بودند و ۳۰۰ نفر قشون غیر منظم شاه سنگرهای توپخانه را در دست داشتند و قشون عمده سپهدار و سردار اسعد تمام شهر را
متصرف بودند و مرکز آنها در بهارستان بود. در صورتیکه یکدسته قزاقان از حیاط گذشته شدند هر چه ممکن بود نزدیک
قزاقخانه آمده و مواضع خود را با بیرق‌های دیگر بلند کرده و در سنگرها تمیز قرار دادند.
در ۱۵ ماه شاه اظهار نمود که خیال دارد با تمام قوای خود حمله بشهر بیاورد و اگر موفق حمله نگردد بسمت سفارت روس خواهد
رفت. این حمله بدل شکست شد. بطوریکه کاپیتن ... پلیو زوف از آنجا به نزدیک قصر مجلس بهارستان را توپ
بست و با کمک توپ عمده از سوارهای غیر منظم شاه بورش بدروازه‌های شهر آوردند ولی مجاهدین آنها را طوری مشغول داشتند که
حفظ کردند که سوارهای شاه با کمال بی نظمی فرار نمودند. در صورتیکه بمباردمان هم ابدا اثری نبخشید.
در بهارستان توپ کلفت ... حرف معلوم نمود که بهارستان را توپ بسته ولی در هر حال توپخانه باید صحیح بوده باشد
که چندین گلوله در بالای بانک شاهنشاهی ترکید و یک گلوله طرف کوچه ... بوده که سوراخ کرده داخل شد نزدیک بانکه
خرابی زیادی وارد آورد.
من بیست را در بانک شاهنشاهی بسر بردم و اوراق تجربه داشتم که بعضی از صحن قزاقها در سمت شمال ... نزدیک
نقاط ... رفته ... حمله به طرف شهر را مرعوب و ... جنگ بسیار در نزدیک خانه
... واقع شد (که عمارت فوق العاده بواسطه گلوله‌ها بسوخت تا شمال رسید) در این حمله قزاقها خانه‌ها را
تصرف کرده بودند و بعد قزاقخانه حمله نمودند.
برای کسیکه در طرف ... بود وضع را انگاره ... خوب واضح میکردید که برای قشون شاه اگر ممکن بود بواسطه رد و خورد
مختصر جنگ را طولانی نمایند ولی غیر ممکن بود که ... از طرف خود خارج سازند در صورتیکه عده کثیری از طرفداران
شهر هم بملیان ملحق شده بودند و هم حسب ... ایرانی بانهم ... سلاطین ... که فتح با خواهد بود و همین
حسب روز بعد که ۱۵ ام سوارهای شاه مجددا سعی نمودند که هجوم بدروازه‌ها بیاورند اما قزاقها هم فقط مشغول دفاع
بودند. هر حمله ... در میدان آنان را با خسارت فوق العاده پس فرستادند. در بمباردمان ... عده از اهل ... خواستند
خود را بیک خانه که نزدیک سفارت انگلیس بود برسانند جنگ سختی ... بطرف آنها در گرفت ... که اهالی ... که دو روز در آن
... سفارت ... بوده ... خود را ... خوش بختانه زخم خطرناک نیست وارد ... رسید
بودند. ۱۵۰ نفر از آنجمله که در این محله ... و ... حوالی خود را از عرض خطر دیدند به سفارت ... شدند.
... دو ... (فقط اینها حضرات استقامت ... که از راه ... طرف ... بسفارت خود برگردند) ... به
نظم در سفارت شده بودند دیگر ... باکمال ... عیال و اطفال خود بسفارت آمده بودند حول خانه کلیسا
در ملک دعوا واقع شده بود و برای آنها بانک ... خطرناک سرقت ... متعلق مجاهدین ... شهر زیاد بودند
و مجاهدین را ... بسفارت بیاورند دیگر ... خصوصا ترتیب در سفارت ترتیب داده بود.
من در ۱۵ ماه ... ساعتها رفتن در ... نفر ... بودند ولی روز بعد عده آنان به ۱۵ نفر رسید و بعضی
از آنها هم در این ... زخم بعضی از آنها خیلی سخت بود.

دم می‌توانم بگویم آن طور شایعه که دیگر تلگرافات باینجا رسیده که میگویند شهبانی هر قدر برای او ممکن بود در دو سه هم آن
بیچاره کالسکه تحقیق امداد زیاده از حد قابل تمجید است.
در ۱۵ ماه چند گلوله توپ سرداری شاه به سفارت برگشت و یکی از آنها در جوار شاه [illegible] ولی خطر که جزارت سفارت نوشته
وارد نیامده است.
در ۱۶ ماه که سفارت روس مشخص شد جنگ خاتمه پذیرفت. میخواهم که مطلب را اظهار دارم که در تمام مدت این سه
روز جنگ عموم اتباع انگلیسی در طهران آرامی فوق العاده از خود بروز دادند.
اجزای بانک شاهنشاهی و اداره تلگراف هند و اروپ و مجلس تلگراف هند و اروپ تمام در شهر بودند و بعضی اوقات گلوله‌ها تا
خود میرسید با وجود اینکه در محلات جنگ بود ولی من از هیچکدام اتباع یک کلمه شکایت نشنیدم
خبرنگاران جراید تیمز و ریتر و مخبر تایمز و ملوئی مخبر رویتر در تمام این مدت در شهر بودند حتی در سخت‌ترین زد و خورد جنگ را
تماشا میکردند.
میخواهم این عقیده بابت خود را اظهار دارم که در هیچ وقت اتباع خارجه در طهران خطر واقعی نگردیده است بغیر از اشکال جزئی
شهرهای جزایی که اتباع احتیاط معمولی حفظ محافظه بود
فراشها و سربازها چراغ فوق العاده ارضا به [illegible] همراه یک سفارت برقم یک طرف راه را دو آن یک طرف اتباع
ملیان در دست داشتند احتمال خطر برای من میرفت. در [illegible] که فرم سپهسالاران زنجان سلوک محرمانه از طرف ملیان
ساید بعمودتم جمعیتی که در درب مسیر جمع شده بودند سینه (هورا) برای یا [illegible] میکشیدند.

(جرجیل)

ضمیمه (۲) در نمره ۱۹۹

اعلام نامه

چون اوضاع مملکت ایران تا این درجه که بیشتر از نظم و امنیت مملکت و برقراری حقوق و طمانینه ملت بود بیش از پیش سلطنت
مطلقه بود و چون پادشاه سابق از تسلط ملت بیشتر بخود کاملاً آگاه بود بهمین جهت در سفارت روس در تحت حمایت انگلیس و روس متحصن گردید
و بمیل خود از تاج و تخت ایران استعفا نموده است.
لهذا در موقع شاه مخلوع تاریخ نظر مردم نوزدهم [illegible] مجلس فوق العاده که در جمعه ۲۷ جمادی الاخر ۱۳۲۷
(۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹) در عمارت بهارستان طهران منعقد شد اعلیحضرت همایونی (سلطان احمد میرزا) بسلطنت ایران
به شاهنشاهی ایران منصوب گردیده است.
عجالتاً نیابت سلطنت بحضرت عضدالملک واگذار شده تا اینکه بموجب ماده ۳۸ قانون
مشروطه راجع به نیابت سلطنت در جمعیت [illegible] قطعی داده شود.
امضا سپهدار اعظم وزیر جنگ (با تمام وزراء دیگر)

ضمیمه (۳) دوسیه ۱۹۹

اخطار رسمی از طرف دولت ایران

چون جنبش ملی ایران در نظمی ولایات منجر به تشکیل ادارات دولت شد و در این عقیده تمام ایرانیان متفق بودند در نظر تعقیبات
رهائی و اوضاع مملکت به نفع مردم از محمد علی میرزا ممکن نبود که حقوق و شئونات ملت را از دست نداد سلطنت منحل نمود با خرجیت در بودن
شاه و مملکت نوراً یک مجلس فوق‌العاده عالی در ۱۶ ماه ژوئیه در بهارستان از طرف تشکیل یافت اعضاء آن مرکب از روسا و مجاهدین و علماء و
شاهزادگان و اعیان و اشراف و عده از وکلای سابق مجلس بود با کثریت آراء تصمیم خلع محمد علی میرزا شد.
و به موجب ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی اعلیحضرت سلطان احمد میرزا ولیعهد به سلطنت انتخاب و نیابت سلطنت موقتاً
به عضدالملک داده شد بعد از افتتاح پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون اساسی نایب سلطنت قطعی را به نیابت سلطنت داده
خواهند شد

لهذا به موجب این مراسله رسمی شما را اطلاع از خلع محمد علی میرزا و جلوس سلطان احمد میرزا به سلطنت ایران میدهیم.

ضمیمه (۴) دوسیه ۱۹۹

با دو پیشنهاد از دو سر کنسول در تفصیل تبدیل به اعلان نمودن شاهی از طرف دولت موقتی از سلطان احمد شاه.
موقع اینکه محمد علی به سفارت روس متحصن گردید و قبول نمود که به جای آن ۲ ... که مأمور اعلان جلوس پسرش سلطان احمد به سلطنت
ایران بوده‌اند در روز ۱۷ ماه ژوئیه سلطان احمد به شاهی اعلان گردید
در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۸ ماه ژوئیه هیئتی از طرف دولت جدید در سلطنت آباد منتظر ورود سلطان احمد شاه شد در
هیئت مذکوره مرکب بود از نایب السلطنه عضدالملک و علماء و اعیان و تجار (آقا سید عبدالله مجتهد)
آقای امام زاده (پسر مرحوم امام جمعه و برادر امام جمعه حالیه طهران) نظام الملک - سردار الدوله (سابق ... مظفرالدین
شاه بود) علاءالدوله - علاءالملک.
سلطان احمد شاه با مستحفظین قزاق روس و سواران هندی از سفارت روس در کالسکه حرکت نمود در کالسکه حرم موثق الملک
ناظر و معتمد و ظل السلطان پسر عموی محمد علی و دو نفر شاهزاده قاجار دیگر بودند
مسیو سمیرنوف که در سه سال است معلم شاه جدید است در کالسکه خودش همراه موکب سلطنتی بود و مخصوص لباس آمده بود که مستحفظین
مذکوره چه نوع ترجمه نمایند.
در ورود سلطنت آباد مستحفظین مراجعت کردند اعلیحضرت شاه درب عمارت از کالسکه در آمده به طرف عمارت پیاده
حرکت نمود نفر ... از ربع عمارت نایب السلطنه عضدالملک پیر ایل قاجار شاه را استقبال کرد و با یک طرز خوش و مهربانی چند کلمه نطق
نمود شاه را به داخل عمارت دعوت نمود.
رفتار شاه جوان خیلی موقرانه بود ولی در اول یک اثرات خاطر عصبانی (گریه) مشاهده میشد اعلیحضرت شاه را در
عمارت ملاقات کردند و فقط اعیانی در این جا اجازه دخول داشت خطابه ذیل را ایراد و قرائت نمودند

خطابه

اعلیحضرت همایونی سلطان احمد شاه خلدالله ملکه و سلطانه چون سلطان شما والد حضرت شاهزاده محمد علی میرزا از شغل مقام سلطنت
به موجب ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی ساقط شده از مجلس فوق‌العاده که در ۲۷ جمادی الآخر
(۱۶ ژوئیه) در عمارت بهارستان منعقد گردید سلطنت را به اعلیحضرت همایونی شما تفویض کرده است اعلان در خصوص نیابت
سلطنت هم موقتاً به جناب عضدالملک واگذار شده است تا اینکه بعد از انعقاد مجلس شورای ملی به موجب ماده ۳۸ قانون اساسی -

ز ... قطعی در این خصوص داده شود

این اطلاع را نمایندگان محترم فوق بعد از وداع عالی از طرف سفیر کبیر به حضور اعلیحضرت همایونی شاه آورده اند و ما که انجام مراسم را از طرف
تمام رعایای شاه و تبریکات صمیمی خود را اقدام نموده و از خداوند در خواست نمودیم که سلطنت مبارک اعلیحضرت شاه با سرور خرمی و آسایش
برای ملت ایران مشخص گردد و ترقیات در مملکت در زیر سایه حمایت شاه جدا روز به روز بتکمیل رسید.

لیکن برای مراسم ساده بود در مجلسی که حضور داشتند [illegible] بیش از ۳۰ نفر حضور داشتند و [illegible]
رسید که تقریباً از هر نفر علماء [illegible] شده بود [illegible] از درباریان بودند سرداران [illegible]
مشیران حضور داشتند بعد از این مجلس شاه چند روزی در سلطنت آباد اقامت کرده و بعد بطهران عزیمت نمود.

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۰۰

مورخه ۱۷ ماه اوت از قلهک

در مطلب دیگر راجع به کارهای شاه سابق بعلاوه مسئله مربوط به تمیزی جواهرات سلطنتی است که روی داده است.
اول مطلب ... قرض شخصی شاه سابق به بانک روس است دیگر تقصیرات و دعاوی اتباع خارجه است
مطلب آخری در مسیر که ما بین نمایندگان روس و انگلیس و نمایندگان دولت ایران که در ۱۵ اوت ماه [illegible] بالاخره [illegible] شد
مطلب اول را نمایندگان دولت ایران باین طور قبول نمودند که اعلیحضرت شاه تمام املاک خود را به دولت ایران واگذار نماید و در
عوض دولت ایران [illegible] مستمری او نموده قرض او را به بانک [illegible] قبول نماید.
در نتیجه اتفاقی روی داده است که ما مجبور [illegible] شده ایم که با همکار روس خود با نمایندگان دولت ایران
قرارداد بنمائیم که حرکت شاه سابق بواسطه تعهدات تعویق نیابد.
دولت ایران از ما تقاضا نموده است که ما قرارداد بنمائیم که هرگاه مدتی باقی بود که شاه سابق مشغول تحریکات
در ایران است دولت ایران از اداء مستمری او معاف [illegible] است که دولت ایران تعیین بنماید که چه وقت از این قبیل تحریکات
شود ولی مسئله بسیار مشکل است و چنان می کنیم که دولت روسیه این پیشنهاد را قبول نماید زیرا اولاً ممکن است با این ترتیب مستمری شاه
سابق قطع گردد و دولت روسیه مجبور به [illegible] شود بعلاوه این مطلب ممکن است بعدم [illegible] روسیه تعبیر گردد.

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۰۳

۱۸ اوت از قلهک

محمد علی میرزا قبول میکند که املاک خود را به ترتیبی که در تلگراف سابق ذکر شد واگذار نماید [illegible]
دولت ایران قرض او را که تقریباً (۱،۴۰۰،۰۰۰) تومان است و از قرار فرع صدی ۱۲ است تعهد خواهد کرد مستمری او را نود هزار
تومان در سال قرار [illegible] اعلیحضرت در عوض املاک خود را که عایدی آن از قرار [illegible] الی صد هزار تومان تخمین شده است به دولت ایران
واگذار نماید.
از نقطه نظر مالیه ترتیب [illegible] شاه سابق [illegible] دولت ایران مجبور بقبول این ترتیب نمود (اولاً) برای اینکه شاه سابق
بواسطه املاک خود تحریکات در ایران ننماید (ثانیاً) جلوگیری از اینکه املاک بدست خارجه بیفتد. [illegible] مستمری شاه
سابق محفوظ مانده و در عوض این ضرر مالی [illegible] به دولت ایران رسیده است [illegible] برای اینکه
دولت ایران ضمانت قرض را نموده است که [illegible] فرع را تعهد نموده است بعلاوه [illegible] که
این فرع [illegible] اعلیحضرت [illegible]

ترتیب تخت سلطنت محول او شده خواهد بود
همکار روسی من و من امیدواریم که از طرف دولتین متبوعه خودمان برای ما دستورالعمل برسد که ما استعفای حضرت را مجبوراً قبول نمائیم.
سعدالدوله هم کاملاً با این عقیده موافقت دارد و به نظر او رجوع تلگراف نموده و اعطای برای لیچ فوراً خواسته است
باید با اعلیحضرت یادآوری بشود که حالت سلطنت ایشان به پایان رسیده شده است راجع بشخص او داده شده و به جهت ما موقتاً او را معاف که اگر از اینهم این را
قبول نکند نه فقط از اضافه مستمری محروم خواهد بود بلکه اگر دولت ایران خود را مسئول قروض او نداند روس و انگلیس نظر بدولت ایران
الدوهم با تعرض نظر باید این است حالیه به دولت ایران داده خواهد شد که املاک و دارائی وقف تا از دولت ایشان از طرف نقارش -
برداشت نمود.

تلگراف سر ادوارد گری بسر بارکلی نمره ۲۱۱
مورخه ۲۳ ماه اوت از اداره خارجه لندن

شاهزاده سیف اتفاق سفیر انگلیس به دولت ایران اصرار در دادن عفو عمومی میکند. (ملاحظه نمائید تلگراف در جواب نمره را)

قسمتی از راپرت سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۱۷
مورخه دهم ماه اوت از قلهک

(الف) پس از آنکه ملیون طهران را تصرف نمودند در دوام رژیم جدید کمیته ۲۵ نفری افتاده است که برای اداره
وزراء از مجلس عالی انتخابات نموده است کابینه تشکیل شده و اعضای آن از وزراء از روی شورت کمیته نظر خود در امری اقدام نماید
وقت انعقاد مجلس هنوز پیش نشده و لیکن لزوم انعقاد فوری مجلس را تحریک حس کرده و انتخاب بر وفق قانون جدید در جریان است
در عموم ولایات تغییر دولت از طرف اهالی بخوبی پذیرفته شده است.
انجا صلکه اعدام شرایط عبارت از شیخ فضل الله - صنیع حضرت - میرهاشم تبریزی - شیخ فضل الله - و اجودان باشی است
انتصاص وقت در محکمه مخصوص که حالا تشکیل شده است محاکمه شده اند اتهام طهران بنابر که باستثناء اجودان باشی که تقصیرات فقط
عبارت از این است که در بمباردمان مجلس سال گذشته اداول شخصی بوده که شلیک تمیس کرده است سایر اشخاص دیگر تقصیر اهم نموده اند
مفاخرالملک - صنیع حضرت - میرهاشم - سایر متهم نفری بودند - شیخ فضل الله مرتکب این جنایات شده بود ولی با از اشخاص
مرتجع بود هرچند که راپورت محاکمه او جواب شد و احتمال میرود که برای تعقیب از مجرمین سر را اصول تحقیقات بوده است
مناظرات حبس تحریک برواضح است. شیخ فضل الله برای مملکت خود خطر بزرگی بود جرئت شد که ایران او را از ایشان بر گرفت
(امضاء بارکلی)

خلاصه مراسله سر بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۲۱۹
مورخه ۱۲ ماه اوت از قلهک

(الف) افتخار دارم سوادی از پروتوکل که در تلگراف پنجم ماه اوت ذکر کرده بودم برای شما بفرستم.
ضمیمه در نمره ۲۱۹

پروتوکل مورخه ۲۱ اوت ۱۹۰۹
نظر بعزیمت حرکت محمدعلی میرزا شاه سابق ایران که در این پروتکل در تحت حمایت روس و انگلیس است نمایندگان دولت ایران و نمایندگان
نقارش موافقت نمایند که پروتکل ذیل را امضاء بدهند
این پروتکل منعقد مصوبت دولت ایران از یک طرف و دو نفر نمایندگان روس و انگلیس از طرف دیگر است.

ماده یک (۱) محمدعلی میرزا تمام جواهرات و اشیاء دیگر سلطنتی که همراه یا در تصرف اوست به دولت ایران رد خواهد کرد جواهراتی که باید به دولت
ایران رد شود پس از رسید که در حضور نمایندگان دو سفارتین معلوم خواهد شد .
ماده (۲) محمدعلی میرزا تمام ۲ دراحیه جواهرات سلطنتی که در بانکها یا محلهای دیگر رهن گذارده و در مقابل پول گرفته است اطلاع به دولت
ایران رد خواهد کرد و دولت ایران ملزم است که بعد جواب آن جواهرات را فک رهن داده پس بگیرد .
ماده (۳) دولت ایران برای محمدعلی میرزا مستمری سالیانه که مبلغ آن ۷۵۰۰۰ تومان است معین خواهد نمود که هر ششماه بششماه
توسط بانک استقراضی ایران در طهران بلیغ کارسازی دارد
ماده (۴) بنابراینکه دولت ایران از تمام جواهرات و اشیائی که متصرف او داده شده صورتی ترتیب داده فهرست ثانوی
در آنها معقوده را الصاق نمایندگان ارائه خواهد داد نمایندگان از محمدعلی میرزا توضیحات دقیقه در تمام جواهرات ملکه را در خصوص همین جواهرات ستارگان
مفقوده خواهند خواست در صورتیکه اکثر آن جواهرات و اشیاء در دست محمدعلی میرزا باشد یا اینکه در سفارت روس تحصیل ملاحظه شد معلوم شود
یا اینکه آن توضیحات صحیح باشد نمایندگان هرچه از نفوذشان برای تقاضا تحصیل خواهند کرد تا آن جواهرات و اشیاء سلطنتی را تحصیل و به دولت
ایران تسلیم نمایند .
ماده (۵) هرگاه پس از تاریخ این پروتوکول در محضر نمایندگان معلوم گردد که محمدعلی میرزا جواهر و اشیاء سلطنتی را فروخته است پول آنرا
دولت ایران از مستمری او کسر خواهد نمود . (از تاریخ پروتوکول)
ماده (۶) محمدعلی میرزا هرچه زودتر ممکن شود از طریق سرحدی حرکت خواهد کرد و لیکن زیاده از ۱۵ روز بعد از تاریخ پروتوکول دیگر در طهران
اقامت نخواهد کرد

تحریراً در زرگنده بتاریخ نوزدهم ماه اوت ۱۹۰۹
اعضاء مجلس فوق‌العاده

دکتر حکیم‌الملک - اسدالله - سپهسالار کفیل وزارت امور خارجه - دکتر ابراهیم - حسینقلی - وثوق‌الدوله -
وزیر دربار - مؤتمن‌الدوله -

بارون ادسکی
چرچیل

ملاقات سر بارکلی لیرادوازدوگرلی نمره ۲۲۴
مورخه ۲ سپتامبر از قلهک

دولت ایران یادداشت مرحمت خوشنودی در خصوص تحصیل عفو عمومی به نمایندگان فرستاده است
در این یادداشت عفو عمومی را برای مقصرین سیاسی طهران اعلان شده است ولی بعضی از اشخاص که عمالشان مشخص و در آن یادداشت اسم آنها را
ذکر کرده از این قاعده عفو عمومی مستثنا هستند .
لهذا استدعا در حق تحصیل سفارت روس و عمالی است دولت ایران عمالشان محاکمه این اشخاص را متعهد و تعویق انداخته یا از
ایران خارج بشوند و در عنایت آن هر چه مستلزم از محکمه در حق آنها ثابت گردید هر گاه دو دولت یا ایران ترجیح کرده در جای
آن تمرکز احکام گذارده خواهد شد
در خصوص هر یک دولت ایران در جواب ملتزم که این اشخاص صورت حرکت نمایند دارالتعارفها هرگونه حمایتی ملتزم که
با این اشخاص شروع نموده یادآوری نمایند که در صورت مراجعت آنها به ایران دیگر سفارت از آنها حمایت نخواهد کرد .

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۲۵

مورخه نهم سپتامبر ۱۹۰۹ از قلهک

امروز عصر در ساعت ۴ شاه سابق با اتباع خود از سفارت روس با ترن حرکت کرد ۱۲۰ نفر قزاق ایرانی
در تحت فرمان یکنفر صاحب منصب روسی با نفر دیگر همراه او خواهند بود و از آن نقطه قزاق روسی جای آنان را خواهد گرفت همراه شاه سابق
عده از اجزای سفارتین با ۲ سوار هندی و سه نفر قزاق روسی خواهند بود .

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۲۸

مورخه ۱۳ ماه سپتامبر از قلهک

یک کمیسیون . همه نفوذ تمام مقام کمیته که تازه کی باسم (هیئت مدیره - directeur)
را تحصیل کرده بود منتقل گردیده است کمیسیون جدید مرکب است از اعضای کمیته . از قرار معلوم بعضی دیگر از وزراء دخالت نخواهند کرد
علت این تغییر از قراریکه میگویند رقابت ما بین سپهدار و سردار است که از اوضاع شمال طبعاً خود بر کنار شده است .

خلاصه مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۳۲

مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۰۹ از قلهک

در آن مراسله ۱۲ ماه (اوت) سوادی از پروتکل مختصر با سفارتین و حبیب الله سردار دو شرح مفصل سفارتین با نمایندگان دولت ایران تقدیم
داشتم . آن پروتکل راجع بود به تسلیم جواهرات سلطنتی و قرارداد مقرری شاه سابق و تسلیم سایر املاک او از روس و روانه کردن او که در ۱۷ ماه اوت
حضور شما عرض کرده بودم و ملاحظه است که آن پروتکل را نمایندگان هر دو طرف امضاء کرده‌اند و یکی دو فقره از قبیل جواهر که در
پیش شده بود باره شاه سابق بیش آمد که در آن پروتکل مذکور بود بعضی ملاحظه پروتکل سفارتین ما نماینده امضاء رسید .
اینک سوادی از پروتکل جدید برای شما ارسال میدارم
مراکز است که در خصوص فرض شاه سابق باین ترتیب روس و انگلیس در دولت ایران در حال است و گرد پس از وضع کامل
تمام خواهد بود با فرع صدی شش در صورتیکه سابق از قرار صدی هشت صد در اداره بود
سواد یاد داشتی که در همین قضیه من و همکارم در دولت ایران نوشتیم نیز ارسال شد که چهار نقطه
(pour les affaires passées) (برای کارهای گذشته)
که در مراسله مذکور یاد آوری شده بود باعث مذاکرات طولانی گردید نمایندگان دولت ایران اصرار داشتند که :
بعد از کلمات (poursuite) (pouvoir civile) (جلب محاکمه) آن چهار نقطه گذارده شود و اگر آن چهار نقطه
گذاشته نشود دیگر در محاکمات برای نماینده روس در دعاوی آینده مجال حضور یافتن و اعتراض از سفارت انگلیس نیست با نمایندگان
سفارت موافق نموده است با اظهارات نمایندگان ایران باین معنی که سفارت انگلیس حمایت خود را نسبت به اشخاص در آن
اعمال گذشته آن معمول داشته نه برای امور آینده و لیکن بنام اشخاصیکه در سفارت روس متحصن شده اند که اصرار دارند که در تحت حمایت
روس باشند در این صورت شاید تفاوت پیدا کنند و من هم و همکارم با وجودیکه بعضی از آن اشخاص در تحت حمایت روس هستند
همکار روس شهرت دارد که از آنها سلب حمایت کرده به سفارت روس حق دولت در امور راجعه با آنها را دارد .
و همین دلیل من با همکارم در مراسله همراهی نمودم که نمایندگان دولت ایران قبول نکردند که ما بین این دو قسم حمایت تفاوتی
بوده بعد اظهار نمودند که درباره تمام متحصنین یک ترتیب رفتار خواهد شد باین معنی که هیچ از آنها درباره آنها حمایت
نموده و این اشخاصیکه در سفارت متحصن شده اند و اشخاصیکه در تحت حمایت هستند تفاوتی نخواهند گذاشت حتی تفاوت از آن
حاصل نشد بعقیده ما همکارم که در دولت ایران یاد داشتی فرستاده و لفظ تمام که آن مسئله در اعلان ها مسکوت عنه گذارد

ضمیمه یک در نمره ۲۳۲

(پروتوکل که در ۲۵ ماه اوت امضا شده است)

محض تسریع در حرکت از ایران اعلیحضرت محمد علی میرزا شاه سابق ایران که فعلاً در تحت حمایت سفارتین روس و انگلیس است
در زیر حمایت سفارتین و نمایندگان دو سفارت روس و انگلیس از یکطرف و وزرای دولت ایران از طرف دیگر بمضمون پروتوکل ذیل رأی داده‌اند.

(فقره اول) اعلیحضرت محمد علی میرزا اظهار نموده که تمام جواهرات و اشیاء سلطنتی که در تصرف ایشان بوده است
بدولت ایران تسلیم کرده‌اند.

دولت ایران بعد از رسیدگی دادن صورتی از تمام جواهرات و اشیاء دیگر که بطوریکه گفته است بعد از تحقیق گم شده است و از تصرف
شده است بسفارتین خواهد داد و سفارتین از محمد علی میرزا توضیحات خواهند خواست و تمام سعی و اهتمام که ممکن است در اینکه جواهرات و اشیاء
مذکوره که مفقود شده است تحصیل خواهند کرد و در صورتیکه بعضی از آنها در نزد خود اعلیحضرت یا اشخاصی که در تحت حمایت سفارتین روس و انگلیس هستند بوده
یا نزد شخصی که داده است سفارتین هر چه در امکان ایشان است برای استرداد آن اشیاء بعمل خواهند آورد

(۲) هرگاه در حضور محکمه به سفارتین معلوم شود که از تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ بعد اعلیحضرت محمد علی میرزا جواهرات و
اشیاء سلطنتی را فروخته یا گرو گذاشته یا پنهان کرده است و ممکن نشود عین آن اشیاء را مسترد دارند دولت ایران قیمت آن
اشیاء را از مستمری ایشان کسر خواهد نمود.

(۳) اعلیحضرت محمد علی میرزا تمام اسناد دیگر دارد متعلق بجواهرات سلطنتی که در بانکها یا صرافخانه‌های دیگر گرو
گذارده شده یا در نزد اشخاص متفرقه در رهن پولی است که بایشان داده‌اند بدولت ایران تسلیم می‌نماید و دولت ایران ملتزم است
بعمل خود آن جواهرات مرهونه را از گرو درآورده مسترد بدارد

(۴) تمام قرض شخصی اعلیحضرت محمد علی میرزا خواه از بانک استقراضی ایران که در اول ژوئیه ۱۹۰۹
با اضافه منافع تا آن تاریخ بدو کرور و چهارصد و سیزده هزار و چهارصد و سی و چهار تومان شش هزار و نهصد دینار بوده است
و خواه از شعبه خارجه که پیش از ۱۶ ماه ژوئیه ۱۹۰۹ استقراض شده و قبل از ۱۹ ماه اوت ۱۹۰۹
بوزارت امور خارجه اطلاع داده باشند و تمام آنها به ثبوت رسیده و از روی اسناد صحیح باشند بحساب دولت ایران
خواهد گذارد که مسئول ادای آن وجوه خواهد شد.

تفصیل حسابات این بدهی مسئله بموجب یک کمیسیون مخصوصه خواهد بود که باید منتهی بشود در ۲۹ ماه اوت ۱۹۰۹ (با امضا رسید)

(۵) اعلیحضرت محمد علی میرزا تمام املاک شخصی خود را که عمده آنها وجه در آذربایجان است بدولت ایران
واگذار خواهد کرد و کلیه قباله‌جات و سندهای املاک را بدولت ایران تحویل خواهد داد و قباله مخصوص هم در واگذاری این املاک
بدولت امضا خواهد نمود.

در خصوص املاکی که در بانک استقراضی ایران رهن است بانک مزبور سندی بدولت ایران خواهد داد که تصدیق متضمن
انتقال این املاک را بدولت

و اما در باب املاک اکتفا بعد از ثبوت بانک از روی دفتر دولت ایران تسلیم خواهد شد.

(۶) دولت ایران در حق محمد علی میرزا و خانواده او باستثنای اعلیحضرت سلطان احمد شاه و محمد حسن میرزا ولیعهد حالیه
مستمری سالیانه بمبلغ ۱۰۰,۰۰۰ تومان مقرر خواهد کرد که از زمان حرکت اعلیحضرت از ایران به تقدیر سه ماه سه ماه پیش
بتوسط بانک استقراضی ایران تأدیه خواهد کرد.

(۷) در صورت فوت محمد علی میرزا دولت ایران در حق عیال و اولاد او باستثنای اعلیحضرت سلطان احمد شاه ماهیانه وجوهی را
و لیعهد حالیه مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان مستمری سالیانه برقرار خواهد کرد که در بین آنها تقسیم خواهد شد.
در صورت فوت هر یک از آنها سهم او بخودی خود مقطوع خواهد گردید -
(۸) اعلیحضرت محمد علی میرزا باید از امضای این پروتکل در ظرف ۴۸ ساعت از طهران خارج شده و مسافرت خواهد کرد.
(۹) در خصوص اشیاء صحیحه حالیه در ایت سفارت روس هستند و در ایام اعلیحضرت شاه گذشته ثبت ... منظور میشود
دار السفارت امپراطوری روسیه سیاهه تمامی آنها را با دولت نمره (۳۴۹) بیست و نهم (ششم سپتامبر)
بدولت ایران داده شده است مسلم است بدون آنکه در ظرف یک و کسی باشد لیط تعهدی بکند از در ایران خارج نخواهند
شد و در صورت جنبش کمیته دعاوی که ممکن است درحق یکی از این اشخاص تعلق بگیرد و تعدیل بشود خواهد بود که محکمه ایران
حاضر شده و حضور یکی از اعضای سفارت روس از طرف موکل خود جواب بگوید -
این شرط که باید یکی از اعضای سفارت در محاکمه حاضر باشد امپراطوری است و بموجب سابقه نخواهد شد
(۱۰) هرگاه یکی از این اشخاص با ایران بموجب شاید از حقوق حمایت بیشتر که سابق داده شد محروم خواهد بود و دیگر بعنوان
بیشتر در هیچ یک از دو سفارت قبول نخواهد شد
(۱۱) دو نماینده دولتین متعهده شرکت کردند که اعلیحضرت محمد علی میرزا را ابداً تمنه نماید برای آنکه فیما بعد از تمام
تحریکات سیاسی بر ضد ایران اجتناب نماید و دولت امپراطوری روسیه متحمل از طرف خود وعده میدهد که تمام مراقبت
ها بنوزه را اعمال نماید برای آنکه امثال چنین تحریکاتی از طرف او واقع نشود -
هرگاه اعلیحضرت محمد علی میرزا از روسیه خارج نبود و بعد اگر بعد از این معلوم و محقق گردد که او در مملکت دیگری بضرر ایران
تحریکات سیاسی بر ضد ایران اقدام نماید دولت ایران حق خواهد داشت که مستمری او را قطع نماید -
(در سه نسخه تحریر شد زرگنده ۲۵ (او) ۷ سپتامبر ۱۹۰۹)
بارکلی - سابلین - فرمانفرما وزیر عدلیه - سپهدار وزیر جنگ - سردار اسعد وزیر داخله
مستوفی الممالک وزیر مالیه - صنیع الدوله وزیر علوم - سردار منصور وزیر پست و تلگراف -
ناصرالسلطنه کفیل وزارت امور خارجه) .

خلاصه مراسله سرجارکلی تسرادوارد گری نمره ۲۳۳
مورخه ۱۰ سپتامبر از قلهک حوادث سیاسیه
از ۷ ماه (او) تا ۸ ماه سپتامبر مذاکرات که در ۳ ماه (او) ترتیب داده شده و در آن مذکور شده که تا پانزده را
تا ۱۷ ماه (او) معین کرده بود تصدیق نامه و ترجمه آن گرفته شد .
بموجب اطلاعات طولانی در هفتم ماه سپتامبر مذاکرات دیگری ترتیب داده شد که بموجب آن مقرر شد صد هزار تومان مستمری برای محمد علی
میرزا معین گردید و بعلاوه دولت ایران تمام قروض او را که یکی از آنها ۳۰۰۰۰۰ لیره بانک روس است بعهده خود گرفت
و در عوض محمد علی میرزا تمام املاک شخصی خود را واگذار بدولت ایران نمود .
مذاکره کنندگان از طرف دولت ایران اعضای مهم کمیته بودند که معروف بهیئت مدیره هستند .
حکیم‌الملک - تقی‌زاده - وثوق‌الدوله - مستشارالدوله هم از جمله مذاکره کنندگان بودند .

در اوایل ماه سپتامبر محمد حسن میرزا برادر کوچک شاه را ارشاد ولیعهد نمودند و در همان روز عفو عمومی برای تقصیرات گذشته اعلان کردند لیکن با شرایط عدیده

روزنامه حبل المتین طهران توقیف گردید و مدیر او برای طبع بعضی مقالات متهم شده ده روزنامه در طهران طبع میشود چند عدد از انها توسط [illegible] ایران نو جدید تر از همه است ظاهرا دولت در دست کمیته عالی است واز قرار معلوم سپهدار و [illegible] [illegible]
اعضاء وکلا که از طرف [illegible] انتخاب شده اند از اعضاء کمیته عالی هستند .

مجازاتها و سیاستهای [illegible] رفته رفته بدرفتاری میکنند چند روز قبل یک [illegible] در بازار [illegible] نفر [illegible] [illegible] [illegible] نطاق [illegible] رسید
آخرین کسیکه حکم اعدام شد میرزا [illegible] بود که در اوایل ماه (اوت) [illegible] گردید این شخص معروف [illegible] [illegible] کار کرد [illegible]
مجازات در حق او خیلی بیجا بود (و حسین [illegible] اشاره شد)

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۲۳۴
مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۰۹

ظل السلطان صد هزار تومان بابت مالیات بانک شاهنشاهی بدولت ایران پرداخت و دیگر آسوده از انزلی حرکت خواهد کرد .

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۲۳۵
مورخه اول اکتبر از طهران

شاه سابق در ۳۰ ماه سپتامبر از انزلی بطرف روسیه حرکت کرد

خلاصه مراسله سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۲۴۹
مورخه هشتم اکتوبر از طهران

(افتخار دارم که نقشه مجمل از حوادث چهار هفته اخیر را بطور معمول ارسال دارم (بارکلی)

ضمیمه در نمره ۲۴۹

مجمل حوادث یکماهه در ایران

طهران در اواخر ماه سپتامبر [illegible] ریاست وزراء و علاءالسلطنه بوزارت امور خارجه منصوب گردیدند
از طرف دولت ایران چندین پیشنهاد به بانک شاهنشاهی برای گرو کردن بعضی از جواهرات سلطنتی شده ولی با [illegible] قطعی حاصل نشده است . [illegible] دولت [illegible] [illegible] [illegible] ظل السلطان [illegible]
[illegible] هزار لیره [illegible] تا باو اجازه بدهند از ایران خارج شود .

نظام السلطنه — سعدالملک — معین السلطان هر کدام ۳۰۰۰ لیره [illegible] [illegible] هزار لیره [illegible]
[illegible] در اوایل ماه اکتوبر از وزارت [illegible] استعفا داد ولی [illegible] [illegible] در تحت [illegible]
یپرم [illegible] در طهران [illegible] است

از چهار هزار نفر بختیاری که بطهران آمده بودند [illegible] چهار صد نفر باقی است [illegible] بختیاری [illegible] کرده اند [illegible] در طهران هستند
ظاهرا خوب در تحت اطاعت اند .

در اواسط ماه سپتامبر [illegible] از [illegible] اردبیل فرستاده شد [illegible] اطمینان داده شده است که :
اردبیل و اطراف آن آرام است .

[illegible] معروف [illegible] در اواخر ماه (اوت) تیر خورده کشته شد [illegible] حکم اعدام او را داده است

در دوره [illegible] [illegible] [illegible] الفیه این خبر در صفحه ۲۴ است

خلاصه مراسله سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۰

از طهران ۳۰ دسامبر ۱۹۰۹

کلنل برش و لوبکی که رئیس صاحب منصبان دیویزیون قزاق ... هفتاد بوده در روز ۲۳ نوامبر حال وارد طهران شد که بجای کلنل لیاخوف ریاست دیویزیون قزاق ایران را متعهد گردید

مجلس ملی

مجلس را در روز ۱۴ نوامبر اعلیحضرت شاه (احمد شاه) رسماً افتتاح فرمودند سفرای خارجه با لباس رسمی در این مراسم حضور داشتند خطابه افتتاحیه را حضرت والا سپهدار اعظم وزیر جنگ قرائت نمود سه روز اول مجلس در تحت ریاست موقتی صنیع الملک صرف تفتیش و رسیدگی اعتبارنامه ها و تشکیل کمیسیون گردید در تاریخ ۲۰ نوامبر مستشار الدوله به ریاست مجلس و حاج سید نصرالله و ممتاز الدوله بسمت نایب اول و دوم ریاست انتخاب شدند

در تاریخ ۲۲ وکلا قسمی را که در قانون اساسی مقرر است ادا کردند و در تعیین عضد الملک را با اکثریت آراء در مقام نیابت سلطنت ابقا نمودند

در تاریخ ۲۵ عضد الملک در جلسه مخصوص مجلس در حضور مجتهدین معروف که از جمله آقا سید عبدالله بود که جدیداً از تبعید مراجعت کرده قسم اطاعت قانون اساسی را ادا نمودند نایب السلطنه بمجلس اطلاع داد که سپهدار و سردار اسعد از وزارت جنگ و داخله استعفا نمودند ولکن وی استعفای ایشان را نپذیرفتم و اصل استعفائی که به نایب السلطنه نوشته بودند در مجلس قرائت شد رئیس مجلس پیشنهاد نمود که مجلس نیز رأی نایب السلطنه را در خصوص عدم قبول استعفا تصدیق نماید پیشنهاد را مجلس باتفاق آراء قبول کرد

در تاریخ ۳۰ نوامبر کابینه که در این مدت مشغول بعضی تغییرات در اعضاء خود بود تشکیل شده وزراء ذیل بریاست سپهدار رئیس الوزرا بمجلس معرفی شدند

سردار اسعد وزیر داخله — علاء السلطنه وزیر امور خارجه — مشیر الدوله وزیر عدلیه — وثوق الدوله وزیر مالیه — صنیع الدوله وزیر معارف — سردار منصور وزیر پست و تلگراف — وزارت جنگ خود سپهدار اعظم

پس از آن وثوق الدوله پروگرام وزراء را که شامل مطالب عمده ذیل بود قرائت نمود

(۱) اصلاحات در قشون - نظمیه - و امنیه

(۱) استقراض فوری مبلغ ۵۰۰٬۰۰۰ لیره جهت مخارج ضروریه فوری

(۳) اصلاحات در مالیه و تفتیش مالیه و تفتیش خزانه داری مرکزی

(۴) استخدام مستشاران خارجه در کلیه تمام ادارات حسب الطلب ...

رئیس الوزرای سابق مشیر السلطنه و امیر بهادر که در سفارت کبرای عثمانی متحصن بودند از تحصن خارج شده ... دولت دادند ظاهراً مایه وسیله از برای تعرض در جمعیتی که ممکن بود در نتیجه اقدامات ارتجاع کارانه خود دچار شوند خلاصی حاصل کردند

زنجان

اردوئی از قشون دولت که بسرکردگی یپرم و سردار بهادر که بطرف اردبیل ... در تاریخ ۱۶ وارد زنجان شده جنگ ملا قربانعلی و دیگران ... دستگیری ... دولت ... جمعیت زیادی در جنگ واقع شد ولی باغیها بزودی متفرق شده تا چهار ماه (نوامبر) تمام اردوها مشغول تعاقب ایشان را دستگیر کردند ... شد در تاریخ اول دسامبر اردو هنوز در زنجان بوده

مراسله سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۱۵

از طهران مورخه ۲۳ دسامبر ۱۹۰۹

(آقا) با کمال افتخار سواد مراسله قونسول ژنرال مشهد را که تفصیل قتل فجیعانه دو نفر اسمعیلیه را در نیشابور که بحکم و اشاره بعضی علماء بوده راپورت میدهد لفاً تقدیم میدارم

دولت ایران خاطرنشان نمودم نظر باینکه آقاخان (سلطان محمد شاه) در رعیت انگلیس دارای نفوذ است و کلیه اسمعیلیها در انگلستان بسر و توجه مخصوص هستند این اتفاق اسف انگیز در تمام مملکت حادث خواهد کرد و تحقیق در این دو قتل مرتکبین و انفصال حکام نیشابور و در ورود با اقدامات منتهیه نمودم

بحسب ظاهر حاکم نیشابور در این مورد یک قسمتی ضعیف نفس بروز داده که تقصیر محسوب میشود و حکومت در ورود فقط در این قتل شرکت داشته است

سردار اسعد که این اظهارات با وی شده بود خود ظاهراً تصدیق داشت که مجازات این شخص با آن که در یک مسئول هستند برای مشوق بودن در نظر دیگران اهمیت کامل دارد و وعده دارند که دو نفر مقصری را که برای تحقیق و استنطاق بطهران احضار شده اند مجازات نمایند ولیکن ظاهر شده است که دولت هنوز نفوذ و قوت کافی ندارد که دو نفر ملا را بدون اجازه علمای نجف تنبیه نماید چونکه از علمای نجف این اجازه خواسته شده است بالاخره وعده داد که دو حاکم مزبور را خلع و تنبیه نمایند و اگر علمای نجف اجازه بدهند که دو نفر مرتکب بقصاص برسند یا اینکه اگر در ورود باشند و شخصاً مرتکب قتل بوده بحبس ابد محکوم نمایند و بعلاوه محرک و مشوق این قصد را اگر پیدا شوند تنبیه نمایند

ملفوفه در نمره ۱۵

راپورت ماژور سایکس قونسول ژنرال انگلیس در مشهد

به سرجارج بارکلی مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۰۹

(آقا) با کمال افتخار راپورت میدهم که محمد خان منشی ژنرال قونسولگری مخصوصاً بسبزوار رفت و مشهدی که برای تحقیق واقعه اسمعیلیها و صحت اطلاعات تحریکی که براینها وارد شده بود رفته بود مراجعت کرده اطلاعاتی که سابقاً از مصادر مختلفه بمن رسیده بود کاملاً تصدیق مینماید و اطلاعات جدیده ضمیمه مینماید نتیجه اینکه وقایع که راپورت داده ام کاملاً صحیح است

۲ حالا میخواهم که از این برای اطلاع شما عرض کنم که اسمعیلیها پیروان حضرت والا آقاخان شوای مسلمانان هندوستان میباشند

در ایران اسمعیلیها بسیار حال متفرق و در سمت ترکستان نقشیم در اطراف نیشابور مخصوصاً در اطراف محال کاملاً و نیشابور منزوی میباشند در زمان ارتجاع طالب آزادی در ایران هیچ حبس تعرض واقع نشده بود و به تدریج این اسماعیلیان در تحت حکومت ملاح جدید که خود را منتسب میخواهند ادعاء این صفات و مذهبی شده و تعقیب شده اند و پس از کشتن یک شیخ و فضیحتی با آنها رفتار نموده اند که بالوان ذکر کرد حقیقتاً نعش های آنها را در خیابان روی زمین دفن نشده مانده بود

(۳) محرک و باعث تمام این قضیه ظاهراً ملا عبدالکریم نامی بوده که سابقاً اسمعیلی بوده ولیکن بعقیده شیخیه برگشته است

مشارالیه شمس العلماء که یکی از مجتهدین کوچک مشهد و ملا جواد صدر شریعت بوده اراده طریق نموده که املاک بعضی شیره ملا سلیمان
را برای اینها برای خودش و الداقی جان فرستاده میشود بهتر این است که این شخص را بکشیم و املاک را تصرف کرده تقسیم نمائیم
درباره اینکه شمس العلماء ملا سلیمان و سایر البهائیها را در مشهد حبس و در آنجا درخصوص عقاید آنها تحقیقات بعمل آورده اند و قرار اعدام
شمس العلماء بدین جهت آماده که یک نفر مجتهد دیگر سبزواری رفته و در آنجا حاجی محمد باقر در ورود و حسن خان حاکم در ورود بمشارالیه ملحق شده
در آنجا این البهائیها را تنبیه کرده و مسجد آنها را خراب کرده اند و پس از آن از آنجا به کاظم آباد رفته و همان طریق عمل نموده اند
پس از رسیدن این خبر کاغذی شیخ آقا زاده که از مجتهدین بزرگ است گرفته و فرستادم که شمس العلماء را بخوانند و خود شخصاً مکتوب جناب مستطاب الملک
حاکم نیشابور نوشتم حاکم نیشابور جواب داد که این قضیه را ختم و اصلاح نموده است

(۴) ملا سلیمان و ملا حسنعلی و سه نفر دیگر از اهالی البهائیه را به دررود برده و در آنجا محکوم به تبعید نموده اند و بعضی حق آخوند که
ملا سعید و ... فعلاً در زندان ... سلامت ... محکوم به تبعید کردند پس از آن حاکم دررود و حاجی محمد دررود به نیشابور رفته و مسئله را
با حاکم و شیخ ... مجتهد آنجا اطلاع داد ... آقا زاده در این امر جداً امتناع نموده و بعداً ... الملک تقاضا نمود که شخص
خود را برای ... آنها بفرستید ولی مشارالیه از این کار امتناع کرد
رئیس نظمیه جدید که در این موقع آمده ... دفعه را الحکومت ... نمود ... این مسئله را التصدیق ... حقیقتاً درباره ... حکومتی که ... از
... می افتد و ... نکند ... حال ... کرد ... حال اتفاقات ... داده که ذیلاً عرض کنم

(۵) حاجی محمد باقر در دررود شمس العلماء را وادار است که جایزه ... آنها را ... و پس از تحصیل جایزه حاجی محمد باقر در دررود ... آنها
... و ... آنها را ... و ... نمود که ... دیگر آنها را جایزه بدهند
البهائیها ... حکومت نیشابور نوشته و جایزه ... آنها را ... ولی حکومت ... برای ... نمود
آنها هم ... البهائیها که در ... بوده ... قرار کنند ... حکومت نیشابور دادند

(۶) پس از آن ... اطلاعات ... که از ... رسید ... در دررود ... حاجی محمد باقر ... و طهران
فرستاده شد ... شمس العلماء ... مشهد است ... اینها ... که ... حال ... خود برود
... مسئله را ... اطلاع ... که آقا زاده ... التصدیق نمودند

(۷) ... که ... البهائیها ... حکام
نیشابور و دررود ... که ... دیگران بوده ... و در این مسئله بعضی دارم که ... محترم ... را
... روش ... در این ... که ... اتفاقات ... واقع ... نیشابور ... حکومت ... ایشان ... نبود و در این
خصوص ... اظهار نمودیم که ... برای این وضع ... جداً لازم باشد که برای ... عظیم که در ... بدون
... حکومت نیشابور داریم ... باید ... داریم که ... حکومت ... نیشابور ... در
... شود

... حکومت ... برای ... اینها ... بوده است ... نفع
... و اصلاح ... دارد

موافق اطلاعاتی که ... تحصیل کرده ام ... فعلاً ... در آن ... البهائیها ... صدمات ...
... ولی ... حکومت نیشابور ... که ... آنها ... اقدامات قطعی در این خصوص ... دارم
که از این وضع ... بشود   (... ماجر ساکس)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۱

از طهران ۵ فوریه ۱۹۱۰

اردوی دولتی رحیم خان را شکست داده و [illegible] سرحد روسیه فرار نموده [illegible] ظاهراً رحیم خان را [illegible] از [illegible]

چند نفر از روسها [illegible] تلگراف مورخ [illegible] اطلاع داده شد)

ملحق تلگراف نمره ۲۲

از طهران ۶ فوریه ۱۹۱۰

تلگرافی که از جنرال قونسولگری تبریز رسیده

از قراری که اینجا اطلاع رسیده رحیم خان با [illegible] از سرحد روس عبور نموده است جانشین قفقاز دستور داده است

که رحیم خان و پیروانش خلع اسلحه شده و به داخله قفقاز برده شوند

تلگراف سر آرثر نیکلسن به سر ادوارد گری نمره ۲۳

از پطرزبورغ ۷ فوریه ۱۹۱۰

از قراری که از مسیو ایزوولسکی (وزیر خارجه روس) مسموع شد [illegible] ایران [illegible] رسیده و از طرف دولت

ایران [illegible] تسلیم رحیم خان را نموده است [illegible] که دولت روس قبول [illegible]

(محرک این [illegible] از دولت روس بوده مؤلف)

ولی افسوس است که [illegible] از طرف دولت ایران شده است

دولت روس رحیم خان را به طرف شمال قفقاز [illegible] پس از اینکه تحقیقات در اعمال و افعال گذشته او بعمل آید آن وقت

دولت درباره تکلیف قطعی او تصمیم خواهد گرفت نظر به اینکه ممکن است [illegible] دیگر از سرحد عبور نموده [illegible]

اقدامات در حدود [illegible] جلوگیری از اینها [illegible] است .

در [illegible] فوریه ۱۹۱۰ سپهدار از ریاست وزرا استعفا داد و در ۱۲ فوریه استعفای خود را پس گرفته است

تلگراف سر آرثر نیکلسن به سر ادوارد گری نمره ۲۴

از پطرزبورغ ۱۷ فوریه ۱۹۱۰

دولت روس حاضر است که در استقراض فوری (۴۰۰،۰۰۰) لیره به دولت ایران شرکت نماید و با دولت انگلیس

[illegible] که برای این استقراض شرایط [illegible] دو دولت [illegible]

[illegible] با دولت ایران نموده [illegible]

از راپورت ماهیانه سر بارکلی به سر ادوارد گری

۲۸ ژانویه ۱۹۱۰

تبریز

اردوی دولت در تحت فرمان سردار بهادر [illegible] در اواخر ماه [illegible] رحیم خان در قراجه داغ [illegible] شکست [illegible] داده و [illegible]

[illegible] رحیم خان [illegible] تصرف نمودند پس از چند روز [illegible] قراجه داغ [illegible] رسیده [illegible]

از شهر خارج شده [illegible] از طرف [illegible]

[illegible] مقتول و چهار نفر مجروح شدند [illegible] سمت شمال [illegible] گردیدند

در تاریخ دهم ژانویه دفعه دیگر قراء دهقانها بعده زیادی در تحت حکم امیر حشمت خان از اطراف هجوم آورده باز دفعه شکست خورده و با
تلفات زیاد فرار نمودند قشون دولت پانصد نفر از سوارها را الغاء نمود در اطراف دولت در این جنگ و تفنگچی ده نفر مقتول
شدند یک سردار هم زیر حوزه و مجروح شد [illegible] یکبار خودش وارد شد
این شکست آخر ظاهراً قوای رحیم خان را کاملاً در هم شکست [illegible] از حصول امنیت جانب نفوذ دیگر بهار روش عملی اظهار نموده است

ملاحظات سر اوادوارد گری به سر ا نیکلسن

از این ملاحظات رفتار روس با همسایه اش ایران بخوبی آشکار میگردد (مؤلف)

در قرارداد سوم هست شده که تاکنون بین الملل شرفی به یکی از کمپانی های تعلق تعقیب نموده (اپسیول [1]) داده است که قرضی
به دولت ایران بدهد و بعد و وسیله تامین آن از قرارداد دیگر خواهد بود [1] منافعی که دولت ایران از امتیاز نفط دارا میبرد

(۲) عایدات خطوط تلگراف

(۳) عایدات ادارات پست و تلگراف بموجب قرارداد و ضمیمه که در تاریخ ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ الحکومت شده بیانی نقد
داده شده است و همچنین کلیه عایدات دولت که هنوز آزاد است
خواهشمندم که سیاه ابرو نسخ را ارسال نمایند فوق مطلع سازید و خاطر نشان کنند که با در دست منحصراً العالی همچون این بدولت ایران فرستاده بود
با هیچ مملکه دولت ایران قرضی را که به دو بانک انگلیسی و روس تعهد است مرتب دارد و به ذخیره و پولهایی که برای آنکه از راه های حتی
اظهار نه مرتب هر روزی است دولتین توقف دارد هیچ محل از امکانات و عایدات دولت ایران را در مقابل هیچ قرضی
سوای قرضی اظهار نه تصویب نخواهند نمود - (اپسیون - حق تقدم)

مراسله سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۴۵

طهران ۱۰ فوریه ۱۹۱۰

امروز صبح وزیر مختار روس مراسله ای نشان داد که حاکی از شرایطی است که دولتین برای دادن قرض چهار صد هزار لیره بدولت ایران نموده
منضماً به سیه نقد الملک لکن وزارت امور خارجه داده ام کپی آنرا احوال فعلی مزبور را بنا بر آن ارسال میدارم
در موقع تسلیم مراسله اظهار تبدیل نمودیم که این شرایط بر تر که مطابق خط مشی و منبع است که دولتین نسبت به دولت ایران در قرارداد
۱۹۰۷ برای خود اتخاذ کرده اند معقول دولت ایران هستند (نمره ۰۰۰ ج بارکلی)

ملحوظ در نمره ۴۵

مراسله شفاهی خطاب به نقد الملک

در جواب تقاضائی که دولت ایران در تاریخ ۱۳ دسامبر تقاضای اظهار کرده اند از دولتین انگلیس و روس حاضراند که مبلغ چهار صد هزار
لیره (ده میلیون فرانک) قرض بدولت ایران مشروط با شرایط ذیل
(۱) هر گونه اخراج مصارف و وجه امور صحیح تصدیق یا اعتراض ترسد کلیه مصارف این هر گونه در تحت کنترل هیئت
کمیسیونی خواهد بود که مرکب باشد از مستشار مالیه و مدیر کل گمرکات (در صورت عشیت مالکان آنها) و دو نفر اعضاء مجلس
و دو نفر دیگر از مامورین ایرانی کلیه در تحت ریاست وزیر مالیه - هیچ مبلغی پرداخت نشود مگر آنکه حواله بر طبق آن صادر شود که امضای
وزیر مالیه با موافقت کمیسیون کنترل و وزیری که منابع مربوط به اوست قبلاً رسیده باشد
(۲) هر گونه اخراج مصارف لا تفاوت تصویب نخواهند کرد مگر اینکه سال ماده استخدام هفت نفر مستخدم فرانسوی برای
وزارت مالیه نموده باشد

این استقراض دارای ضمانت عایدات جنوب بوده و استحکام آن مطابق ملاحظه که سابقاً راجع به ترتیب داده‌ایم دولت انگلیس خواهد بود

بهمچنین وظایف آنها موافق دستوری است که با دولت سابقاً راجع به نوشته شده بتصویب سابقاً خواهد رسید

قبل از اینکه دولت ایران از شرایط استحکام مستخدمین را از دولتین قرار بنماید هیچ قسمتی از وجه استقراض داده نخواهد شد

(۳) در هر کدام از موارد همچنین بتصویب نخواهد رسید اگر ماده در خصوص تشکیل قوه کافی برای حفظ و امنیت طرق و روابط تجارتی لازم باشد دولت ایران باید متعهد بود که هر زودی که ممکن است بمعلمها و صاحب‌منصبان خارجه بخدمت بطلبد ولی برای هیچ قوای نظامی هیچ صاحب‌منصب و معلم خارجی مستخدم نخواهد گردید مگر اینکه قبلاً استخدام آن بتصویب دولت روس و انگلیس برسد

(۴) دولت ایران متعهد بود که هیچ امتیازی برای ساختن راه آهن در ایران ندهد مگر اینکه قبلاً حق تقدم آن امتیاز را به دولت انگلیس و روس تکلیف نماید

این حق تقدم در مورد دیگر اعطای امتیاز ساختمان و دایر کردن راه آهن بر شعبه دولتین علیه داده میشود منحصراً اما سرمایه داخل شرکت میشود حاصل نخواهد شد بشرط اینکه متوافق نشوند و در صورتی که دولتین انگلیس و روس بانیت کرده که آن سرمایه حقیقتاً از داخله است

(۵) امتیاز کشتی رانی در دریاچه ارومیه لیکن راه [illegible] حق داده بود اگر دولت انگلیس و روس برای این استقراض بزرگی که دولت ایران درخواست نموده است قبول و جواب داده‌اند این مبلغ کم فعلاً داده میشود بساده فقط اول آن استقراض محسوب خواهد شد ولی اگر استقراض بزرگ قبول نشد این قرض با تنافع صد و هفت باید در ده قسط سالیانه سالیانه مستهلک بود

مبلغ باقیه و ضمانت فقط از عایدات گمرک خواهد بود و در صورت عدم کفایت عایدات مزبوره عایدات ضرابخانه تقیه را باین ضمانت ملحق نمایند (۱) طهران ۱۶ فوریه ۱۹۱۰

قسمتی از راپورت سر جارج بارکلی به لرد ادوارد گری

از طهران ۲۴ فوریه ۱۹۱۰

افق اوضاع امروز همان است که از [illegible] رحم [illegible] روس [illegible] ولی در [illegible] و [illegible] خاطر [illegible] راپورت [illegible] دولت محمیه [illegible] رفع [illegible] شده [illegible] از قسمت قبول روس از [illegible] و [illegible]

در ولایت [illegible] با طیار و [illegible] شده و [illegible] داده [illegible] که در [illegible] عادت کرده [illegible]

اطلاعات و [illegible] روس [illegible] شنید از [illegible] ولی [illegible] راه [illegible] ولی است [illegible] راه شرط [illegible] صورت [illegible]

وضع [illegible] صورت [illegible] طهران [illegible] و [illegible] که [illegible] اثر [illegible] عموماً مخالف با نفوذ سیاسی در امور دولت می‌باشند.

(۱) شرایط استقراض فوق که کلیه مبلغ آن کمتر از دو کرور تومان است حقیقتاً سهمناک [illegible] که در شرایطی این مبلغ [illegible] الزامات [illegible] ایران تحمیل میکند برای پرداخت این مبلغ [illegible] برای امنیت طرق و [illegible] آزادانه وارد ایران [illegible] میریزد (مؤلف)

6

کرمانشاه

حکمران جدید نظام السلطنه در تاریخ ۸ ژانویه با صد سوار و پانصد سرباز وارد شده در اواخر
ماه جاری بیست نفر سوار سنجابی و بانه کلانتر باو ملحق شدند و دویست نفر در خود شهر گرفته مشغول مشق با آنها هستند
اقدامات حکومت تا کنون در شهر نظم را حفظ نموده ولی برای اینکه بالعکس از ایلات عمده اعتنائی ولی الظلم التحتی
و مذاکرات سابقه شده محمد است که از هیچ کار و نفوذش کاسته نبود در اثر خالی بودن خزانه دوچار اشکال است

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی نمره ۵۱

از وزارت خارجه لندن ۱۶ مارس ۱۹۱۰

خواهشمندم تلگراف مورخه ۱۵ مارس از طهران را نسبت به راه محرمانه جواب بدهید لازم دیده شده است که شاهسون و بارخان
فوراً از شهر تبریز عزیمت نمایند و دولت ایران برای انجام این مقصود باید بر اهتمام و جد و جهدی که لازم است بنماید

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۵۳

از طهران ۱۷ مارس ۱۹۱۰

امروز در بیانیه در موضوع ملاقات و صحبت با مسیو حکیم الملک اظهار داشته است که با وجود صلاح و ضرورت فوری فوق
العاده دولت به پول حسابات عمومی فعلاً بنظور است که پیشنهاد شرائط استقراض تعیین تکالیف کلی و لایحه است
ولی مجلس با عرض همه شرائط را رد خواهد کرد مسیو حکیم الملک وزیر مالیه اصلاح اندیشی کرده که در مسئله بدان اعتقاد
نقره نیز نویسند.

از تلگراف مورخه ۱۸ مارس ۱۹۱۰

قونسول دولت فخیمه از تبریز تلگراف ذیل را کرده است حکم دولت راجع به حرکت فوری ستارخان و باقرخان از تبریز
در روز مربوط ایالت به آنها اطلاع داده شد ستارخان در کمال جسارت امتناع نموده ولی طاهراً حرکت
خود را موکول بدادن وجهی نموده است از قرار اطلاع حاصله ستارخان ده هزار تومان خواسته است مسئله حال انکار است
در بیست و پنج می رود که مسئله بطور مطلوب در حیات خاتمه پذیرد.

از تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

مورخه ۱۸ مارس ۱۹۱۰

تلگراف ذیل را که از قونسول دولت فخیمه از تبریز رسیده عیناً مخابره مینمایم
ایالت ایالت بعمل آمد به محرم قونسول روس اطلاع داده که ستارخان و باقرخان فردا شنبه دو ساعت
بعد از ظهر با یکعده سوار از تبریز حرکت خواهند کرد و دیگر ایالت اظهار داشته است که مبلغ سی هزار و پانصد تومان
بآنها داده شده که ۲۵۰۰ تومان آن برای سوارها و مابقی تومان برای خودشان بوده است.

ایضاً از طهران ۲۱ مارس ۱۹۱۰

معاون الدوله بسمت وزارت امور خارجه معین گردید

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۷۸

از طهران ۱ سه ۱۹۱۰

وزیر داخله و وزیر جنگ سابق الذکر استعفا نمودند

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ مه) نمره ۸۵

از طهران ۶ مه ۱۹۱۰

در مجلس تصمیم گرفته شده است که معادل (۵٬۰۰۰٬۰۰۰) قران از ذخیره مملکت استقراض نمود املاک خالصه دولت دفعه ثانی استقراض خواهد بود بعلاوه قرار شده است که اداره دیون عمومی تأسیس شود و برای اینکه جلب اعتماد داخله بشود مستشار اروپائی را مدیر آن اداره نمایند.

مراسله سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۸۷

۸ اپریل ۱۹۱۰

آقا بر طبق تعلیمات واصله من با همکار محترمم وزیر مختار روس مراسله‌ای که به دولت ایران نوشتیم و در آن نظر و عقیده دولتین را راجع به نحوه‌ای که دولت ایران برای استقراض از ممالک دیگری لازم است دو دولت [illegible] دهند و همچنین راجع به دادن امتیازات به اتباع دول ثالثه را که ممکن است مضر بمصالح و منافع ملکیه یا نظامی انگلیس و روس در ایران باشد تصریح و تشریح نمودیم اینک با کمال افتخار سواد آن مراسله را لفاً تقدیم مینمایم (امضاء ... بارکلی)

مراسله مشترک که بدولت ایران داده شده

جناب آقای وزیر

در جواب مراسله جنابعالی مورخه ۲۰ ربیع الاول ما امضا کنندگان ذیل وزرای مختار انگلیس و روس در ایران با کمال توقیر باطلاع جنابعالی میرسانیم که دولتین انگلیس و روس حاضرند که حق دولت ایران را برای استقراض از سوای این دو دولت سابقه تصدیق نمایند ولی بشرط شرائط ذیل

(۱) عایدات گمرکات و محلهای عایدات دیگر که قرض روس و انگلیس را تأمین و ضمانت مینماید در هیچ صورت نتوانند وثیقه و محل تأمین معاملات جدید بشوند

(۲) کلیه قرض دولت ایران با انگلستان و روسیه باید فقط در تحت یک قرارداد و تعهد مخصوص رسمی محکم شده که در آن قرارداد تصریح شده باشد برای [illegible] ترتیب و ضابطه استهلاک قرض معین گردد و همچنین محلهای عایداتیکه آن [illegible] را برای ضمانت تأدیه بعهده دارند

بعلاوه با کمال افتخار خاطر جنابعالی را مستحضر میداریم که دولتین انگلیس و روس در صورتیکه منافع و منابع حقوق اتباع سایر دول در ایران [illegible] و منحصراً [illegible] نخواهند بود ولی نخواهند در هیچ صورتی بپذیرند امتیازاتی باتباع دول خارجه داده شود که ممکن است مضر بمنافع و مصالح نظامی و ملکی دولتین در ایران بشود (امضا کنندگان

(سر جارج بارکلی   پوکلوفسکی کزل

خلاصه از مراسله سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۸۸

از طهران ۲۴ مه ۱۹۱۰

آقا در مراسله مورخه ۱۷ [illegible] بسواد مراسله مشترکه که در آن وزیر مختار روس و من نظریات دولت اعلیحضرت انگلیس و دولت امپراطوری روس برای دادن چهارصد هزار لیره استقراض بدولت ایران تکلیف میکنند تشریح کرده ام [illegible] اینک سواد جوابی را که از دولت ایران در این موضوع رسیده با کمال افتخار ارسال میدارم (امضاء بارکلی)

ملفوفه در نمره ۸۸

سواد مراسله ایکه از طرف دولت ایران بسر جارج بارکلی رسیده است

در جواب مراسله مورخه پنجم صفر ۱۳۲۸ که بمضمون جناب جلالتمآب اجل سر جرج بارکلی و جناب جلالتمآب اجل مسیو پاکلوفسکی گزل رسیده و راجع بمساعده و استقراض است که دولت ایران از دو سال قبل تقاضا نموده با نهایت تشکر اظهار میکنم و خاطر نصفت مظاهر جنابعالی جلالتمآب را مستحضر میدارد که در مورد یک استقراض فقط شرایطیکه میتوان مطرح و قبول کرد شرایط راجع بتعیین منافع و درجه استهلاک و طرز تادیه استقراض است در اینصورت در مورد مساعده و استقراض که پیش از این دولتین بهیتین و اولیای وزارتخانه محترم مطرح مذاکره است با وجود روابط دوستانه که بین دولتین موجود است انتظار میرفت که شرایط راجع بمیزان منافع و شقعت و مدت برای تادیه ها و منافع و طرز ادای قرض شرط دیگری پیشنهاد نشود خاصه در صورتیکه یک قسمت در شرایط مزبوره هم منافی با اصول آزادی و استقلال مملکت میباشد

(و اما) در خصوص مواد راجع باصلاحات مالیه و وسایل حفظ انتظام و امنیت مذکوره در مراسله جناب جلالتمآب عالی منحصر است بدو مسئله در برنامه کابینه وزرا که بتقدیم مجلس شورای ملی شده مخصوصاً معین گردید

نظر باینکه قسمتی از مساعده و استقراض برای انجام این مقصود مخصوص تخصیص شده میتوان حدس کرد که جنابان جلالتمآب عالی این دو مسئله را برای ترقی مملکت و توسعه در تجارت از اصول اساسی میدانند در اینصورت ملاحظه و تصدیق خواهند فرمود که بلکه در اقدامات وزارتخانه محترم نظریه جنابان دوستانه شما پیش از آنکه خودتان نسبت بدولت ایران اظهار و پیشنهاد نموده اند خود دولت علیه چندی از وقت اینها را در جزو وظایف اولیه اساسی خود قرار داده است

بعد احتمالی با عقیده دوستدار موافقت خواهند فرمود که داخل کردن این دو مسئله در جزو شرایط لازم و مطلوب نبوده بالاخره نظر باینکه همیشه دولت فخیمه انگلیس در استحکام روابط دوستانه مایل دارد دولت ایران امید انتظار دارد که در این مسئله شرایطی که تکلیف میشود فقط مربوط بمیزان منافع و شقعت و درجه استهلاک و طرز ادای قرض بوده باشند که پس از رعایت ترتیب قانونی بموقع اجرا گذارده خواهند شد

بتاریخ ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۸ مطابق ۷ آوریل ۱۹۱۰ (ابراهیم معاون الدوله)

خلاصه اخبار هفتگی سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری

طهران ۲۱ آوریل ۱۹۱۰

خلاصه وقایع اتفاقیه ایران در مدت چهار هفته که منتهی به ۲۰ آوریل ۱۹۱۰ میشود

(مستر چرچیل)

عده وکلای مجلس به ۸۰ نفر رسید و بعضی در فرقه ها عضو شده اند که بفرقه ها بستگی ندارند و عده اینها فرقه تندرو در افزایش است بعضی یک قسمت بی طرفی هستند و مذکور است که فقط منتهی بر ۱۲ نفر است که از جمله آنها تقی زاده و حسینقلی خان میباشند این فرقه مخالف با رئیس الوزرا یعنی سپهدار میباشند و میزان کمتری با وزیر داخله یعنی سردار اسعد هم مخالفت دارند اما عقیده آنها که اکثریت کار آنها با [illegible] بیشتر از ۳۰ نفر باشند این مسئله را درک نموده اند که اولی احتمال کامیابی و پیشرفت هنوز در تقویت این دو سردار یعنی سپهدار و سردار اسعد میباشد

در تاریخ ۱۲ شهر حال این دو فرقه در خصوص تجدید انتخابات رئیس و سایر اجزاء رئیسه مجلس انتخابات اعضای کمیسیونهای مختلفه که بنا بر تاریخ بطور موقت انتخاب شده بود بر روز آزمایش گردیدند بالاخره عقیده آنها در انتخابات تسلط را بدست آورد که از فرقه خود آن است ریاست و مجلس به تجدید انتخابات بانی [illegible] سابق برقرار شدند ولی از شش نفر اعضای کمیسیون امور خارجه سه نفر از آنها از فرقه تندرو بودند یعنی تقی زاده حسینقلی خان و وحید الملک)

لیکن مسیو بیزو مستشار سابق مسئول اهمالی است که در وجوه مملکت اعتراض نمود در طهران دو ادارات مخصوص برای جمع آوری نزول تشکیل شد
از سر نو تهیه کرد در کمال دقت داده شده است ولی اکثر منابع مالیاتی وجه نقد جمع آوری شده

از عدم ورود در حسابات مسیو مرنارد جدید که با مخارج زیاد برای این مقصود ساخته و تزیین شده است تشخیص میشود و کلا دیگر مستر سانتن ادوی
ریش بلند نشیمنهای مجلل در سر قسمت ترتیب داده شده که ادارات نگاه میکنند نطقها در کرسی نطق کرده میشود جاهای
معهوده مخصوص برای هیئت مامورین خارجه و عامه مردم در دارالمجلس ترتیب داده شده است

در اوائل ماه آوریل ۳۰۰ نفر از بختیاریها در تحت فرمان سردار بهادر پسر سردار اسعد با ۱۷۰ نفر قزاقی در تحت ریاست تیمور خان
و ۱۰۰ نفر قزاق ایرانی دو توپ شصت تیر از طرف اردبیل حرکت کرده اند مقصود اینکه دو طایفه شاهسون است که اخیراً
در اردبیل غارت کرده اند

اصفهان

(۱) سردار اشجع حاکم کاشان است

(۲) طبقات عزت خان در قمشه از تاریخ ۳ شهر حال خاتمه پذیرفت بدین ترتیب که ۴ سوار بختیاری که از قرار مذکور ۱۴۰۰ نفر
بودند بر قمشه که عزت خان در آنجا تحصن اختیار کرده بود هجوم آورده (۱۵) نفر از نوکرهایش مقتول شده بقیه دستگیر شدند ولی
خود عزت خان فرار کرد

حکمران که برای دادن دستور جنگ بقمشه رفته بود با امراء اصفهان مراجعت کرد

کرمانشاه

نظام السلطنه حکمران جدید از قرار معلوم بخوبی و لیاقت کار میکند شهر و اطراف نسبتاً منظم است طرق و نواحی امن و ولایت
مطیع اند

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۱۰۰

طهران ۲ ژون ۱۹۱۰

با ارجمند منصب قشون روس در قزوین معلوم نمودم مدیر اباب میرزا که از ایل امدوصل است در اوایل هر ماه از تعیین مراجعت نموده
از قرار یکه در تحت در روس اطلاع میدهد تعیین احارزه درخت گرفته و تفنگ از جوان در راه ساوه مخلوع الطرف آن را اول حرکت نموده
در راه همت کمی دور حوز جمع کرده دستور داده است برحال بحوم میبرد

تا بر دستور بعضی سمت ساکلو و سنگ در تحت اردوی قزاقان روس فرمانده اردوی قزوین تخت نفر برای دستگیری او اعزام شد

تلگراف مستر اوبرین بسر ادوارد گری نمره ۱۰۱

پطرزبورغ ۳ ژون ۱۹۱۰

امروز مسیو ازولسکی در خصوص مسئله قوق الذکر (داراب میرزا) صحبت داشته و وقوع این اتفاق را التفات بختیاری و جب
ناتعیین شدند دیگر دولت روس اینطور ممکن بود برای ترتیم اصلاح وضع کرده است باین طریق که استعداد اعزام داشته که مقصر را دستگیر
نموده در ساحل نقطه از نظام روس اوراضع و خارج نمایند

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۱۰۲

طهران ۳ ژون ۱۹۱۰

راجع بتلگراف مورخه ۲ ژون داراب میرزا را روسها در تاریخ ۳ ژون دستگیر کردند

سردار ظفر بختیاری بکمک قوام الملک بایالت کرمان مأمور گردیده ولی با نبودن راه دیگر بمقر حکومت نخواهد رسید چون کسی [illegible]
الان رتق و فتق امور خواهد کرد   ۱۷ ژوئن ۱۹۱۰

شیراز

ظفر السلطنه در اصفهان حدود دوازدهم ژوئن وارد شیراز شد

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی نمره ۱۲۵

۱۵ ژوئیه ۱۹۱۰

در خصوص توقیف کشتی تجارتی روس [?] یکی از فدائیان ایران در کنار بحر خزر و جواب کردن [?] فقره که در اینجا هر گونه است در باب ایشان [illegible]
منتظر جوابی دارم هر اطلاعی که دارید راپورت دهید

نمره ۱۲۶

۱۶ ژوئیه ۱۹۱۰ از طهران

سید عبدالله مجتهد را دیشب نفری [illegible] بقتل رسانیدند مسئله مشکلی است بحران کابینه را اطلاع [illegible]

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۲۷

طهران ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۰

در جواب تلگراف جنابعالی ۱۵ ژوئیه

وزیر مختار روس اطلاع داد [?] را خبر میدهم   قونسول [illegible] قبلاً در صحبت [?] گفتگو و شنیده که از راه [illegible] های روسها داخل شهر تولید شده
که خبر بلا [illegible] از فدائیان [illegible] قونسولگری روس را در شهر آباد [?] کشته و دیگری را سخت مجروح نموده است [illegible] قرار کرده [?]
بعد [?] قایق جنگی [illegible] مأمور کرده [illegible] فرستاده [?] [illegible]
سرحدی روس گرفته و گفته است ترجیح میدهم که روسها [illegible] و محاکمه در آورند [illegible]
بعد [illegible] محاکمه خواهد شد و بنا بر حکم اعدام او هم در [illegible] است [illegible] گرفته خواهد شد
این دفعه هیچ حرارت و هیجان در اینجا تولید نکرده [illegible] تصور نمود

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۲۸

در تعقیب تلگراف خودم مورخه ۱۶ ژوئیه تا حال چنانچه راپورت میدهم که قتل در خانه خود سید عبدالله در حضور پسرش و چهار نفر دیگر واقع
شده در شب [?] چهار نفر ... بوده اند [illegible] که [illegible] کرده بودند [illegible] مشهور است [illegible] که [illegible]
معرفی نمایند — در دو روز گذشته بازارها بسته بود ولی فعلاً حال [?] هیچ [illegible] نمیرود.

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی نمره ۱۳۱

وزارت خارجه ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۰

میل دارم که [illegible] [illegible] شما را در خصوص [illegible] روس [illegible] اعاده [?] [illegible] روس
[illegible] [illegible] که دولت ایران [illegible] در نظر [illegible]
اگر [illegible] در [illegible] مملکت [illegible] ایران [illegible] حقوقی [?] [illegible]
که [illegible] گرفته [illegible] [illegible] ۴۰۰،۰۰۰ لیره بدون شرایط دیگری ([illegible] در تأمین [illegible]
[illegible]) باید [illegible] ممکن است که [illegible] دولت ایران گفته شود که [illegible] و دادن وجه [illegible] است که تمام آن
مصرف ایجاد نظم و امنیت و اصلاح و تنظیم ادارات مالیه مملکت رسماً [?] خواهد رسید.

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۲۴ ژوئن ۱۹۱۰

راجع به تلگراف نمره ۱۸ ژوئن جنابعالی

بازار ها مشغول باز شدن است جمعیتی که در مسجد بودند متفرق شده‌اند که با تهدیدات دیگری دوچار است [illegible] سعد الدوله داده شده است مشغول
شدن [illegible] مذکور مشهور است که تجار روس تهدید نموده که اگر در ظرف سه روز دکاکین تجارت شروع نشود قبول فروش
طرق را اشغال خواهند نمود [illegible] تهدید [illegible] تفرقه [illegible] ولی معلوم است که حتی تهدید از طرف تجار کرده نشده ولی
این قضیه برای ارائه دادن وضعیت بعضی تهدیدات کافی است که چرا مردم اغتشاش خواهد داشت (دیروز تلگرافاً اطلاع داده شد)

خلاصه مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۴۴

۱۵ ژوئن ۱۹۱۰

کمی قبل از استعفای رئیس مجلس که در تاریخ ۱۷ ژوئن بود کابینه مستعفی گردید و در تاریخ ۴ سپهدار و سردار اسعد تقاضا نمودند که مجلس
انتخابات شده و در همان [illegible] ممالک اعلام داشت که نایب السلطنه آن را مامور فرموده است که کابینه جدید را تشکیل
بدهند

در تاریخ اول ژوئن سپهدار و سردار اسعد از [illegible] با [illegible] وارد طهران شده [illegible] که در [illegible] دارد [illegible]
[illegible] نموده [illegible] با خود آورده‌اند

مسیحی

در تاریخ ۱۴ ژوئن تظاهرات [illegible] واقع در [illegible] بصورت [illegible] آن یک [illegible]
[illegible] آن [illegible] که [illegible] گردیده است
در جلسه ۱۰ ژوئن مجلس [illegible] را برای [illegible] از [illegible] یک [illegible] نمود [illegible]
[illegible] نموده نطق [illegible] برپا گردید
در جلسه ۱۲ ژوئن راپورت [illegible] معمول بوده در خصوص [illegible] از [illegible] شد [illegible]
که سه نفر مامور شوند که [illegible] رفته و در آنجا [illegible] تحقیقات نمایند
در تاریخ ۲۵ ژوئن راپورت [illegible] معمول بوده در خصوص [illegible] از [illegible] نفر زاده [illegible]
[illegible] نموده نطق [illegible] در [illegible] و [illegible] نمود [illegible] بصورت [illegible] نموده [illegible]
بوده کلیه [illegible] گردید

در این [illegible] در خصوص [illegible] نفر زاده بصورت [illegible] از طرف نفر زاده آن شد که [illegible]
به [illegible] و [illegible] کرده و در [illegible] نظر [illegible]
[illegible] نموده بودند ولی [illegible] حرکتی نکرده

در تاریخ ۷ [illegible] رئیس مجلس [illegible] استعفا داد و مجلس [illegible] استعفای او را [illegible]
[illegible] انتخاب کردند

در تاریخ ۱۱ ژوئن سپهدار و سردار اسعد در مجلس حضور [illegible] وکلای [illegible] اکثریت [illegible]
[illegible] سپهدار و سردار اسعد [illegible] نطق کرده [illegible]
و وعده کردند که ملت را [illegible] دارد و تقویت [illegible]

تلگراف مستر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۴۶
از طهران ۲ اوت ۱۹۱۰

یک شعبه از نفرات اداره ژاندارمری (میرزا علی محمدخان) در دو دسته مجاهدین نظامی رسیده اند در صورتیکه خود ستارخان هنوز از طهران حرکت کرده است

این واقعه در نظر ها اتفاقی است که در ... قبلاً اسد عدلیه کشته شده است در صبح همان روز دو قتل دیگر نیز واقع شده از نتیجه این اتفاقات دولت تصمیم عزم نمود که تمام مجاهدین را مجبور بترک دولت تا از خلع اسلحه از اقدامات ... برای انجام این مقصود لازم خواهد بود بصورت بالکونیک بر لشکر قزاق کرده خواهد شد مجلس ... فردا ... دیگر لشکر قزاق و اقدامات قهریه بعمل آید مجاهدین ممکن است ... و مخالفت نمایند ولی خوف آن ... که ... در شهر حادث بود

از تلگراف نمره ۱۴۸
مستر بارکلی به سر ادوارد گری

دولت اعلانی صادر و منتشر نموده است که ... و هر دسته اسلحه ... نمایند دعوت نموده که در ظرف ۴۸ ساعت اسلحه خود را تسلیم نمایند دولت در تنبیه و ضعیف ... که ... از اجرا ... نماید

مجاهدین ... دعوت ... شده اند از اول ... دسته که ... ستارخان ... شده اند و دسته که ... اداره ... نمایند که برای انجام ... مردم ... آن ... را ... و عهده دار ... این دسته ... ستارخان و باقرخان ... کند

این دسته در دو ... و مجمع ... کرده و در آن مجمع تصمیم شد ... که ... ایشان را که ... آن ... کامل است ... و تمام ... اسلحه را تسلیم ... نمایند

ستارخان ... بعضی دیگر ... از ... اسلحه ... و از ... تا ... که حقوق ... داده بود

و از دولت ... خواهد ... که ... اسلحه ... با وجود ... مهلت ... که برای تسلیم اسلحه ... هر روز صبح ... شد ... قرار ... نمایند

از ... قزاق ... که ... و ... ولی ... از مقصد ... نماید - شهر آرام است و قول ... رفتار نمایند

تلگراف مستر بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۵۰
طهران ۷ اوت ۱۹۱۰

در ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر ... شروع شد ... ملاحظه نمائید راجع تلگراف ۷ اوت من

دولت ... تسلیم شد ... ستارخان زخم برداشته است شهر ... ساکت و منتظم است

تلگراف مستر بارکلی به سر ادوارد گری هشتم اوت ۱۹۱۰

راجع بتلگراف ... هشتم اوت - تلفات ... از قراری که از طرف دولت ... نفر مقتول ... و ... نفر مجروح از طرف مجاهدین ... نفر مقتول و ... نفر مجروح ...

خلاصه راپورت مستر بارکلی به سر ادوارد گری
یازدهم اوت ۱۹۱۰

در بیست و سه‌م ژوئیه سید عبدالله مجتهد بدست چند نفری که در لباس ... حمله کردند مقتول گردید و قاتلین مستور از مشاهدین بوده اند و ... نظر ... معلوم بوده معقود ... فرقه که ... ومقی الفرقه مخصوص ... بوده ... مطبوع نمه دارای ... حقیقی ... آقای مذکور ... فرقه معتدل‌ها یعنی (دموکرات) میکردند

فرقه ... تقی‌زاده از مهم‌ترین ... (معقود فرقه دموکرات) است منسوب به فرقه میدانند ... تقی‌زاده مجبور بخروج از مملکت گردید

در تاریخ ۲۵ ژوئیه کابینه جدیدی که با اتفاق آراء تشکیل شده توسط مستوفی الممالک رئیس الوزراء تعیین شده و کابینه مزبور از قرار ذیل است

وزیر داخله فرمانفرما ـ وزیر خارجه حسنعلی‌خان ـ وزیر مالیه حکیم الملک ـ وزیر جنگ قوام السلطنه ـ وزیر عدلیه وثوق الملک ـ وزیر پست و تلگراف اسدالله میرزا

عده قشون که در تحت حکم ... مأمورین در پایتخت حاضر جنگ بودند

پیاده نظام مرتب	۸۰۰ نفر	قزاق	۵۰ نفر
سوار نظام منظم	۱۸۰ نفر	بختیاری	۴۰۰ «
ژاندارم	۳۰۰ نفر	امنیه	۱۵۰ «
پلیس	۲۵۰ نفر	جمع کل	۲۱۳۰

یادداشت مستر اسمیث ... به ... ۲۳ اوت ۱۹۱۰

بواسطه ... دولت فخیمه رسیده در خصوص ... امنیت راهها ... جنوبی ... دیگر ایران ... در این سر ... مستر بارکلی ... اظهار داشته که دولت ایران ... اخطار داده بود که اگر تا ... ماه ... اعاده انتظام در طرق جنوبی نشد دولت ... انگلستان خود ... العهده خواهند گرفت
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ... اعاده نظم را ... میسازند ولی ... مستر بارکلی ... طرق ...
در ... دولت ... ایران ... داده بود که اگر تا ... ماه ... در اعاده
انتظام در راه‌ها ... جنوبی ... نشد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ... خواهند نمود که قوه ... از هزار نفر
الی هزار و دویست نفر ... قزاق برای حفظ ... طرق ... بود
این قوه را ۸ یا ۱۰ نفر از صاحب منصبان ... که ... حکومت هند ... خواهند داد ... و منظم
خواهند داد ... دولت فخیمه تعلیمات داده شده که ... اظهار ... دولت ...
دستخط ... ایران داده ...
... دولت ایران اصرار نمایند در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۲ اوت ۱۹۱۰

یادداشت جوابیه مسیو سازانف به سر آرتور نیکلسن

وزارت خارجه امپراطوری پیشنهاداتیکه در یادداشت مورخه ۳۰ تموز (۱۲ اوت) سفارت کبرای انگلیس مندرج
بوده با کمال دقت ملاحظه نموده و با این پیشنهاد موافق است که وزیر مختار روس مقیم طهران باید با همکار انگلیسی خود شرکت نموده و توجه
جدی دولت ایران را نسبت بعدم امنیت طرق تجارتی ایران معطوف دارد

وزارت خارجه امپراطوری نسبت به پیشنهاد انگلیس فقره ترکیب از هزار الی هزار و دویست نفر قشون به ریاست قزاق ایرانی که
در تحت فرمان ۸ یا ۱۰ نفر صاحب منصب سوئدی بوده باشد، در قبول آن که در حفظ و حراست باشد هیچ مانعی نمی‌بیند
تا بر طلانگه صدید رسیده است عقیده دولت امپراطوری این است که مهلت دو ماه که دولت انگلیس بخواهد بدولت
ایران بدهد که خود اعاده انتظام در راه‌ها بنماید کافی نیست و بهتر خواهد بود که آن مدت را سه ماه تمدید نماید
خاصه در صورتیکه قوای تقویتی که سابق بنا بر اراده امپراطوری مقرر شده برای ایالت فارس پیش خواهد شد

(پطرزبورغ ۹ اوت) ۲۲ ۱۹۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۶۵

قلهک ۵ سپتامبر ۱۹۱۰

با کمال توقیر راپورت میدهم که با وجود اظهارات و ابرامات مکرر در دو ملاقات اخیر به اینکه دولتین به یادداشت مشترک مورخه ۲۰ مه
خودشان جوابی میخواهند اینک جوابی از دولت ایران واصل گردیده مفاد جواب اینکه
دولت ایران ابدا احتمال دادن امتیازات را بخارجیان نداده و لیکن دقت مخصوص به تعهدی که برای حفظ استقلال و حقوق
مخصوص آزادی ایران کرده هم معطوف میدارد و نظر باطمینانات مکرره دولتین راجع بعدم مداخله در امور ایران که امیدواری را
امیدوار است که برخلاف آن چیزی اظهار و عنوانی از طرف ما نخواهد شد ترجمه میدهم
نظر باینکه این جواب رضایت بخش نبوده است مسیو پاکلوسکی و اینجانب با وزیر امور خارجه ایران تلفن فرستادیم که شرح جواب تعلیمات داده شد
در حال توضیح که بر یادداشت رئیس میدهند خاطر او را نشانید که در مقالات یادداشت مشترک ما جوابی لازم نموده زیرا که انجمن
فقط حاوی اظهاراتی بوده که نتیجه عدم موفقیت دولت ایران را با تفاقات متنوعه دولتین مهیا دولتین که بهمین جهت حق جوابانه
دوستانه نسبت بدولتین میبرد و بهتر در آن ذکر نموده بودیم

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۶۶

قلهک ۶ سپتامبر ۱۹۱۰

در تعقیب تلگراف دیروز خود اینک با کمال توقیر راپورت میدهم که دیروز عصر جواب دولتین راجع بدولت
ایران بیادداشت مشترکه مورخه ۲۰ مه داده بود بوزیر امور خارجه رد کرده و در ضمن اظهار تعجب نمودیم از اینکه
قسمت اول جواب شما را رضایت بخش دانسته و اهمیت آن جلب توجه نمودیم لیکن جوابی و نیو بارد ترقیع
در جواب اظهار داشته بودند که از خوش قسمت اول توضیحات جواب صحیح واصل شده است علاوه بر وزیر
امور خارجه خاطر نشان کرده بودیم که :
دولتین مکرر است و مراتب نظر دولت ایران را متوجه معطوف ساخته بودیم که مراسله شما جوابی لازم دارد

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۶۷

قلهک ۶ سپتامبر ۱۹۱۰

در تعقیب تلگراف ششم سپتامبر خودم با کمال افتخار اطلاع میدهم که قسمت اول حواله که نقدیش در مقابل مراسله مشترک به ما
از دولت ایران دریافت کرده لذا حس میکنم که دولت ایران هرگز با فرانسه که مخالف با کمپانی و ترتیبی و سیاسات حسنه
خود با دولتین تصمیمی و روش نموده برای در حمایت نخواهد داد

نظر باینکه معتقدم اثر رضایت بخش این اظهار بر مراسله که در قسمتهای دیگر جواب که دولت ایران در تحت رادوکش برای سهم
حق آزادی برای خود منظور نموده که با اظهارات دوستانه با موافقت مساعد ضمنی تعویق نموده باید دلیل میاید اثر تلگرافاً اطلاع
داده نبودم ولی با نظر اهمیت مخصوص که وزیر خارجه در حضور در جواب نقاط قسمت نسبت داده اثر تلگرافاً
باستحضار جنابعالی میرسانم.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۶۸

طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۰

با کمال تأسف راپورت میدهم که نایب السلطنه امروز بعد از ظهر وفات کردند —

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۶۹

طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۰

ناصرالملک دیروز بمقام نیابت سلطنت انتخاب گردید — ناصرالملک فوراً خود را بمقام نیابت سلطنت
تسمیه تلگرافاً اطلاع داده اند

ترتیب جدیدی ... خبر بیرون آمدن اسدالله صحیح است سالار الملک در ... (داوه) را تصرف نمود اسدالله در این جنگ کشته شد
قوام الملک در داراب با ... سردار ... برخورد شده و بعد از چند روز از آنجا به طرف کرمان حرکت نموده و در داراب ... اردو را
محو نخشیده ... همراهان او ... ترتیب ... طایفه ... شده‌اند.

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۱۳

۲۸ اوت ۱۹۱۱

آقا در مکتوب ۱۲ شهر جاری خود راپورت دادم که در نتیجه‌ی صحبت بسیار ... در خصوص ... طرفداران محمدعلی میرزا
سرخود بوده است. بهتر بود آن مکتوب را نوشته بودم که مستر ... کابینه وزیر امور خارجه ... از طرف وزیر
امور خارجه ... آورده ... که ... شاه مخلوع محمد سلطان که با آن اعلیحضرت در سفارت روس تحصن اختیار نموده بود
و همراه آن اعلیحضرت ... بود از طرف محمدعلی میرزا ... طوایف ... بوده و سردار ارشد مکتوب دیگر
آن اعلیحضرت با دو نفر از همراهان خود ... وارد شده ... داده‌اند که محمدعلی میرزا با دو ... دیگر با ایران ...
خواهد ... داده شد ... تصمیم نمودیم ... شاه
مخلوع را که از ... دولت ایران ... در ایران ...
دولت ایران ... داده شد شاه مخلوع ...
از ... حرکت کرده بود.

در ۱۷ شهر جاری شاه مخلوع در ... وارد شد با چند نفر از همراهان خود ... السلطنه برادر او ...
و بعد ... همراه او بودند.

از زمان ورود ... اطلاع کمی در خصوص ... او دارم ولی ... که ... ارشد
داده است که اعلیحضرت روز ... ۲۰ شهر جاری وارد ... دیده و ... ولی ... و ... تمام ... نموده
در ... از طرف دولت ایران خبر رسید که ... از ... او ... و ...
غارت نموده بودند.

از ... واضح ... که ... شاه مخلوع ... عدم ...
عامه واقع نشده در شمال ایران طوایف ترکمن و ... همراه ... محمدعلی ... ولی ...
که از زمان ... مذکور ... در ... تقریباً ... از ... دولت مرکزی خود را ...
نموده بودند ... که راپورت داده شده ... طرفدار آن اعلیحضرت ... شدند ... مذکور ...
... رشید السلطان ... شده‌اند.

از طرف ... هم به دولت ایران خبر رسیده که ... کلهر و طوایف دیگر ... طور ... خود را طرفدار ... الدوله
اعلان نموده‌اند.

طوایف ... هنوز ... طرفداری ... داده‌اند ولی ... از انتظام السلطنه ... دولت مرکزی ... شده ...
تصور کرد ... که ... وضع ... طایفه ... وضع ...
بختیاری ... است. اگرچه ... سردار ... طرفدار ... است ... قشون ...
با شاه مخلوع داده‌اند ... که ... دیگر طایفه بختیاری که در ... قشون از ...
محمدعلی ... حرکت کردند ... خواهند بود.

در شهرهای معظم مردم متمایل به تغییر اوضاع می‌باشند در صورتیکه مخصوص سلطنت سابق بود دیگر در اذهان مردم تازه که
قرارداد و اوضاع ایالات و ولایات امروز کمتر حوصله تهران از زمانیکه محمدعلی از تخت سلطنت خلع بود بیمناک شهری در
نزدیک که مولد رولوسیون در ۱۹۰۹ می‌باشد حکایت که تکلیف و تکالیف را اولویت بود در سر سکه خبر در آن جمع حضرت که
هنوز در شهر منتشر شده لطیفه‌ای شهر رسیده است لیکن خاطر آنها کرده دیده در تخت بالا آمد که میل مردم تحقیق عدم حیات
طوری دیگر است -

محمدعلی میرزا اینست که محمدعلی علاوه بر چند نفر که از میان آنها خوانین طایفه‌های سلطنت باشند و قدم در کار بود در
سر دیگر ما او همراه است اوضاع نظم و امنیت بالای تخت از آنها سر سلطنت شهر از آنها ما مجموع بوده تهران آنها را
با هم تطبیق نموده همراه با و دیده بود که غیر از آنها سکه از اف دعوی در کار سلطنت محمدعلی اعتقاد نموده از وقت ابرام
ولی سکه در تخت سر جمع دهها آی آن جمع حضرت تعیین و عرض سکه در شهر بسیار جهت ادا خطرناک و تهدید شکرید
در صورت حکایت اعضاء مجلس چند است دیگر ایمن آن تصور نموده که اگر سهمدار دست صورت گرفته دارد
۲۳ شهر هر است سلف نموده بود مجلس در سال تهران از عدم اعتماد در حق او میداد

در عرض مدت کمی که سر کار بوده او در نزد شارع شهر خود در حدود در زرگنده که در تخت حکمفرمائی دولت روس
است موقف بوده و در سر اگر هیچ ارتباط اعتنائی و مشکل برای او نیست به تهیه سکه برای مقابله با محمدعلی دیده مید
متغیر و حکمی بودند -

امروز در میان عهد اول و در کرها مجلس چند نفرت با آنها ظاهراً طرفدار کابینه دموکرات هستند اقلیت می‌باشند
لکن عامه فقط برای رفع سالار الدوله نسبت در میان است که در تخت سر دار ظفر و سردار اسعد بختیاری و تهیه اسم
در تخت این تقدیم برای رفع محمدعلی میرزا شده بود و لی شکوه تمام تا دیر از آن حضرت دولتها هست و شعب آن که آثار و علایم
مغلوبیت را دولتها این تشکیلات نیز مشهود کرد

(امضا جارج بارکلی)

خلاصه مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

۱۵ آوت ۱۹۱۱

آقا در باب مراسله ۱۲ ماه گذشته میخواهم راپورت دهم که محمدعلی تلگراف ۲۱ ماه گذشته شما جواب دادن کل را
اطلاع دادم که ما از ورود او کشیش هیچ از اینکه حول فرمانفرمای راندارمری خزانه را شما هر با بدار اسعد خود در قشون است است شفقتی
نظر به اینکه شما دستور اعلی داده بودید با وطلوع دادم احوال شدت اشتیاق دارد اسعد خود تقبیح نموده باید اظهار دهیم که تغییر او
بعد مقام که متحد است بود بعوض باشند و بنای آن اسقاط خبر محصور نخواهد بود نیز باعث اعم حیات در الیوش خواهد شد و
اعتراضات اندیشه که ما مکلف است می‌خواهیم با آن موافقت تمام تحت باعث نسخ کنترات او گردد و اگر این طور نبود برای او حتی
باکوار خواهد بود و لی حالیه بر من معلوم گردید او تصمیم استعفا می‌باشد

سفیر روس به وزیر امور خارجه رسانده بود که دولت روس از تغییر او که منتهای مسرت را بیشتر است و وزیر امور خارجه به اطلاع
آگاه می‌باشند چه منظور از لازم دانسته بود که بی‌نوبت دیگر از خود رفع تمام اظهارات دانسته که تغییر وی بردن اطلاع کامل نهاد
نگردیده بود در حسب ملاقات تامی به وزیر امور خارجه در ۲۹ ماه گذشته اظهار داشتم که شنیده‌ام هر گاه ما از ورود کشیش
قول شفاهی باو عطا شده بود ممکن است و برابر قرار انتظامی و عده ما مجموع نگار و دار از هر گاه او را با این طور

ممکن است بهانه بدست صاحب منصبان روسی داده بود که طرف مخالف را همراهی نمایند .

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۱۶

طهران ۸ اوت ۱۹۱۱

(۱۵) افتخار دارم ملخص تلگرافی که ویس قونسول اعلیحضرت در رشت فرستاده در خصوص اطلاعات در باب پیاده شدن محمدعلی شاه و مخصوصاً در باب طوایف ترکمن داده است لفاً تقدیم دارم از این اطلاعات [illegible] خواهند که ناحیه [illegible] است طوایف ترکمن به شاه مخلوع تقویت نمایند (امضا جارج بارکلی)

ملفوف نمره ۳۱۶

(از طرف ویس قونسول رابینو بسر جارج بارکلی) رشت ۶ اوت ۱۹۱۱

افتخار دارم اینک اطلاعاتی را که توانسته‌ام تحصیل کنم در باب سیر حرکت شاه مخلوع با ایران و طوایف ترکمن و روابط آنها و [illegible] محمدعلی میرزا [illegible] از طرف تاج و تخت سلطنت [illegible] است نوشته بعرض شما برسانم

۱ حرکت شاه مخلوع بطرف گمش تپه

محمدعلی میرزا روز ۱۷ ماه ژوئیه بگمش تپه پیاده شد از قرار مذکور شخصاً از روسیه برای [illegible] با اسم جعل حرکت کرده و یک جهازی مخصوص خود کرایه نموده که خود و [illegible] نفر از همراهانش را مستقیماً بگمش تپه که [illegible] استرآباد است ببرد از قرار مذکور ۱۰ الی ۷۰ تا [illegible] که اکثر آنها محتوی اسلحه و مهمات جنگ بوده‌اند در [illegible] حمل نموده است

۲ ترکمنها

طوایف ترکمن همیشه طرفدار سلطنت استبدادی بوده‌اند چنانکه طرف سالهای اخیر علاوه بر [illegible] است که اتفاقاً [illegible] در میان آنها بوده چند نفر از آنها را هم توپ گذاردند با وجود آنکه [illegible] همه از روس می‌باشند

دفعه که در ماه دسامبر ۱۹۰۹ طوایف ترکمن را ملاقات نمودم تمام اهالی ظاهراً تعجب می‌نمودند از اینکه محمدعلی میرزا پس از دو هفته ۱۳ ژوئیه در میان آنها پناهنده شد

بعضی از جوانان آنها فریاد می‌زدند تمام مملکت را از اینجا تا پای تخت [illegible] و در [illegible] نمودیم

واضح بود که چون این طوایف سنی بودند [illegible] مطیع و منقاد [illegible] نمی‌شدند [illegible] ممکن [illegible] نفوذ داد [illegible] چند نفر از مجتهدین شیعه می‌باشند .

محمدعلی میرزا از روی [illegible] اطلاعات آنها خبر شده و [illegible] را یاری [illegible] خود را با التفاتات مختلفه برای آنها فرستاد

[illegible] که از [illegible] فرستاده شده کاری نکرده‌اند که با ترکمن‌ها اصلاح نمایند [illegible] را [illegible] دهند

ترکمن‌ها [illegible] آنقدر جسور گردیدند که [illegible] شده [illegible] حاکم را از طویله خودش [illegible] و [illegible] دعوت [illegible] را [illegible]

[illegible] و آقایان [illegible] از [illegible] با یکدیگر [illegible] الحاصل طایفه [illegible] از [illegible] می‌باشند ولی [illegible] از [illegible] در میان دو طایفه که فعلاً مذکور گردید [illegible] از خود [illegible] محمدعلی میرزا فراهم آوردن [illegible] خود از قبیل [illegible] (حادر)

دهند زنان برای خود از احتیاط حمله و هجوم ترکمانان حدود خود تهیه دیده باشند

طوایف جعفربای و آتابای بطور آزادی که سابق داشتند بازار که ارزان [illegible] سال قبل تا کنون مثلاً که
در اینها که بطوریت نیکوئی جمعیت نموده اند هم در عده و هم در وسعت زیاد شده است تمکن نیز در حوالی نفیس داد دکانی و
بایش پر رخنه تمام محلات عمده اینست که در اینها عمارات خوبی در خارج و نمای بالا ایشان دیده میشود

حال هرگاه طوایف که ملک شمال زیاد تر است نخواهند دست از جنگ برای جنگ بکشند برای ایشان ممکن نیست چادرهای خود را از صحرای
خوبی برده و رفته اثری که کاری دیگر نقل نمایند

بنابراین تصور میکنم عده زیادی از اینها امتناع خواهند ورزید از اینکه از دشت گرگان حرکت کنند و هزار و پانصد نفر زیادتر عده ایست
که ممکن نیست انتظار داشت محمد علی میرزا از ترکمانها بدست آرد اگرچه در این دکان از قشون امداد ممکن است برای شاه معزول برای
تخویف و تهدید مردم با عقب بیرق ولی چه اندازه از اینها [illegible] امدادهای [illegible] تا حال سالم شده خواهد [illegible]
هرگاه این طور بشود برای محمد علی میرزا تحصیل آذوقه بکمال اشکال خواهد داشت و مشکل هنوز نفرات قشون او خواهد بود

یک نقطه دیگر ترکمنها در نوع جنگ و اطلاعات طوایف اینها است و هنوز رسم و آئین [illegible] کرده و در میان اینها بطور بسیار هم
مجری و معمول است و [illegible] سیاسی هم چندی نشسته تا تمام جنگ از اینها رو بترکی تفوق و برتری برآرد

این اصول اطلاعات تا اندازه در میان اینها رسوخ دارد که برای اینکه برای هر گونه تقصیری مجازات حقیقی در کار نیست (مگر اینکه طرفی که مظلوم
واقع شده قوی تر باشد) حال اکثر ایشان جدال بی فایده است اینکه تقسیم خود طوایف [illegible] تنظیم انجمن نمایند

ملفوف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۱۷

از طهران ۱۹ اوت ۱۹۱۱

از دو هفته قبل ۲۰ ماه گذشته خود را ارسال داشتم شاه مخلوع با سالار که با تحت مازندران پیش آمده و در آنجا شعاع السلطنه برادر
دیگر که در استرآباد مانده بود که پول و اسلحه و مهمات که در آنجا [illegible] جمع آوری [illegible] ملحق شده است از قرار که گویا شاه مخلوع هزار
نفر که کمتر با ملتزم ترکمن هستند با سه عراده توپ که با خود همراه دارد عده قشون دیگری قریب سیصد نفر و سه عراده توپ در تحت
حکمرانی سردار ارشد از راه سمنان بطرف طهران در حرکت و حالا شهر دامغان را پس از قرار جنگ قبضه نموده است تا که قشون دولتی
قریب هزار و چهارصد نفر در تحت امر سردار محیی که در میان [illegible] که از سرکردگان [illegible] بوده از طهران اعزام شده که :
لشکرهای کوچکی مازندران را در حدود فیروزکوه قریب [illegible] طهران است بطرف [illegible]
رسید سلطان که شاه مخلوع او را از طرف شمال فرستاده بود بطرف [illegible] قبضه نمود از قرار که شنیده ام دولت
جدالی با هر قشون [illegible] برآورد که با محمد علی طرف بود منتظر قوی شدند که [illegible] که در
تحت امر خود و سردارها در حرکت کنند با حال طهران آرام است و تشکیل قشون حاضر میشود سرکردگان آن [illegible]
منتظر هستند که در جنگ [illegible] تحصیل نموده [illegible] کرده :

سالار الدوله اینحال کرمانشاه را در تصرف دارد و پیش [illegible] حاکم [illegible]
داده شده است که بجنگ او برود و قشون [illegible] همراه دارد حالا که [illegible] مشغول آرام نمودن الوار بود
از قرار که راپورت داده شده [illegible] فائق آمده و [illegible] ملازم حرکت او بطرف کرمانشاه معلوم نیست [illegible]
از [illegible] که در میان [illegible] جنگ بکرد هرگاه از جنگ سالار الدوله
امتناع ورزد باعث تعجب نخواهد بود

(امضا جارج بارکلی)

خلاصه ملفوف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری نمره ۳۱۹

از طهران ۹ اوت ۱۹۱۱

آقا) افتخار دارم خلاصه وقایع ایران را برای چهار هفته گذشته بطوریکه معمول ماهیانه تقدیم دارم

(امضا جارج بارکلی)

نسخه ملفوف نمره ۳۱۹

از ۱۳ ژوئیه الی ۹ اوت ۱۹۱۱

کابینه در ۱۹ ژوئیه سپهدار کابینه دیگری داد و اعضاء آن قرار ذیل است :-

صدر اعظم سپهدار — وزیر داخله وثوق الدوله — وزیر جنگ صمصام السلطنه — وزیر امور خارجه محتشم السلطنه

وزیر عدلیه قوام السلطنه — وزیر مالیه شعاع الدوله — وزیر پست و تلگراف و غیره مستشار الدوله — وزیر معارف حکیم الملک

این کابینه زیاد از پنج روز دوام ننمود در ۲۴ ژوئیه سپهدار استعفا نمود نایب السلطنه استعفایش را قبول کرده

در ۲۶ ژوئیه صمصام السلطنه بلافاصله بافتخار بصدارت منصوب کابینه دیگر تشکیل و معرفی نمود

صدر اعظم و رئیس الوزرا	صمصام السلطنه	وزیر عدلیه	مستشار الدوله
وزیر امور خارجه	وثوق الدوله	وزیر پست و غیره	دبیر الملک
وزیر داخله	قوام السلطنه	وزیر معارف	علاء السلطنه
وزیر مالیه	حکیم الملک		

در عرض سه ماه دبیر الملک استعفا نموده و بطرف اروپا رهسپار گردید که از وکلای مرحوم معاضد السلطنه که با کوشش

برای وزارت انتخاب گردیده بود در سوم شهر جاری بجای وی منصوب گردید

دسیسه های تبلیغ — گمان میرود از آنکه مجلس قانون نظامی را تصویب نماید حدی دیگر تبلیغ بعمل آید از انجمله حاجی

معین الدوله که در لندن (ک سی ام جی) انگلیس است و امین الدوله و ظهیر الاسلام دستگیر گردیدند

در تبریز دستگیری معین الدوله قدری خونریزی بوقوع پیوست

مجلس — کابینه وزرا در جلسه فوق العاده ۱۹ ژوئیه از مجلس درخواست نمودند که قانون نظامی را تصویب

نمایند تا آنکه در طهران و ایالات و ولایات در صورت لزوم اعلان شود مجلس باتفاق آراء این قانون را تصویب نمود

بواسطه ورود شاه مخلوع اعلان قانون نظامی در طهران منتشر شد منتج باتحاد موقتی مابین عده مجلس که اعتدال

و دموکرات بین گردید

مجلس در جلسه ۲۹ ژوئیه باتفاق آراء تصویب نمود که تقدیم به شخص دستگیر کننده محمد علی میرزا صد هزار

تومان و تقدیم به شخص دستگیر کننده سالار الدوله و شعاع السلطنه دو برادر این شاه مخلوع هر یک بیست و پنج هزار تومان

داده شود

در ۳۱ مجلس باتفاق آراء تصویب نمود که حقوق تقاعدی سالیانه ۲۵۰ لیرا در حق ماژور استوکس

منظور گردد در صورتیکه پس از انقضای سه سالی که کنترات شده است کنترات او تجدید نگردد

مجلس در اوایل هفته سئوال مذاکرات راجع بقانون انتخابات نموده است در عوض اینکه دو درجه بود یک درجه

در انتخابات عمومی هر سال یک درجه بطور مستقیم انتخابات شود

مطبوعات — ایران نو که از اداره ... توسط طهران ده روز بود موقف شده بود و بواسطه حمله شدیدی که بسپهدار
و کابینه وی نموده بود ولی روز پنجم شهر جاری دوباره طبع گردید و مقاله در باب مراجعت شاه مخلوع بایران منتشر داشت و
انگلستان و روسیه را متهم بهمراهی با مخلوع نموده بود

ایالات — سرحد شاهزاده امان الله میرزا است و الکوران لشکری برای عهده از طهران حرکت نموده اگرچه شاهزاده عین الدوله
برای این مقام مأمور گردیده است

رشت — رئیس الممالک حاکم گیلان از قرار مذکور استعفا نموده است

مشهد — صاحب جمع ایالت خراسان در اواخر ژوئن از مشهد بسمت طهران رهسپار گردید با کوران لشکری که در آنجا [illegible] شده

اصفهان — در ۲۳ ژوئیه سپهسالار برادر سردار محتشم بختیاری از اصفهان بسمت طهران با ۱۳۵ الوار بختیاری
و چند نفر سوار دیگر حرکت نمود

سردار محتشم — و سردار بهادر از قرار مذکور در شرف حرکت بطهران با تمام بختیاریهائی که حاضر هستند میباشند
حاکم اصفهان تخمین نموده که در تحت امر دو نفر از خوانین میباشند دو هزار نفر میشود

یزد — خانه حسن باقر معروف از قراریکه راپورت داده شده چاپیده شده و شاه سوار از طرف [illegible] در [illegible] است

شیراز — اوضاع غیر مطلوب نظام السلطنه نفر [illegible] است از ۸ ژوئیه با کوران [illegible] کاکا [illegible]
[illegible] و [illegible] نظام السلطنه تهدید نموده که [illegible] را [illegible]
در ۳۰ ژوئیه بهادر الملک یکی از اشخاص عمده که قوام الملک را [illegible] بود از طرف همراهان عطاء الدوله
مقتول گردید قشقائیها دسته دسته بشیراز وارد میشوند و اثاث و خانه ها را غارت نموده اند قوام الملک در
قونسولخانه متوقف است

کرمانشاه — سالار الدوله در ۲۴ ژوئیه از کردستان برای کرمانشاه حرکت نموده روز ۳۰ ژوئیه
بانجا وارد گردید در آنوقت مأمورین طهران از شهر خارج گردیدند و شاهزاده [illegible] دست [illegible] نمود

همدان — قونسول انگلیس مقیم کرمانشاه روز غره شهر جاری تلگرافاً خبر داد که از اشخاص مقیم همدان راپورت
اغتشاشات بزرگ در شهر داده است و اظهار داشته که [illegible] تجارت اموال در کار بوده

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۳۲۶

از قلهک ۳۰ اوت ۱۹۱۱

حرکات شاه مخلوع — از قراریکه شهرت دارد [illegible] شاه مخلوع در فیروزکوه از طرف عساکر
دولتی شکست خورده است از قراریکه راپورت داده شده [illegible] نفر از قشون شاه مخلوع مقتول گردیده از
راپورت مشابه دیگر [illegible] در [illegible] شمال شرقی طهران ([illegible]) داده شده است از
قراریکه مذکور گردیده خصم [illegible] گردیده است

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۳۲۲ (۳۱ اوت ۱۹۱۱)

از روس قونسول مقیم سلطان آباد برای من اطلاع رسیده که قریب ده هزار نفر همراه سالار الدوله میباشند و [illegible] از
ایلات مختلفه از قبیل ایل کلهر وغیره [illegible] عموم [illegible] است که قصد او [illegible] پس از تصرف همدان بطرف [illegible] حرکت کند
[illegible] راپورت داده شده است که [illegible] حاکم بختیاری [illegible] از [illegible] بطرف همدان حرکت نموده است
دولت ایران [illegible] امر داده اند که [illegible] سالار الدوله گردد

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۳۲۷

از طهران پنجم سپتامبر ۱۹۱۱

حرکات شاه مخلوع - از قراری که بمن اطلاع رسیده دیروز در خوار که در سمت آرادان واقع است جنگ واقع گردید بختیاریها که از قرار راپورت در حمله متفقانه هستند ارشد الدوله را شکست داده عده زیادی از عساکر ورا بقتل رسانیدند ـ

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۳۳۴

از طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱

وایس قونسول مقیم سلطان آباد راپورت میدهد که عساکر سالار الدوله امیر مفخم را شکست داده و از طرف سلطان آباد حرکت نموده است سردار ظفر لشکر عمومی ولی تقریبا پانصد نفر بختیاری آنجا دارد ـ

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۳۳۶

از طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۱

حرکات شاه مخلوع - از قرار مسموع شورش مازندران تسکین حاصل یافته است

قونسول روس مقیم استرآباد راپورت میدهد که محمد علی میرزا مجدداً باعث نفرت اهالی استرآباد گردیده خود بکمش تپه وارد شده است امیر مکرم در بارفروش در قونسولگری روس تحصن اختیار کرده است

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۳۳۷

از طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۱

تلگراف ذیل از کفیل قونسولگری تبریز رسیده است ـ

در عرض دو هفته گذشته سوار دو دفعه شجاع الدوله را ملاقات نموده اند که او را از حمله بشهر ممانعت نمایند او جواب سخت داده وارد تبریز نشود و اظهار میکند هرگاه بتواند لشکر را از راه ورود آذوقه بشهر سد خواهد نمود تمام خطوط را باستثنای راه صوفیان سد و در ملایسند قیمت ارزاق لشکر گران میشود

ملیان در شهر اقدام مهمی برای جلوگیری شجاع الدوله ملاحظه نمیشود و در خارج شهر سنگرها را تعمیر نموده چهار هزار تفنگ از قونسول خود تقسیم نموده اند

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۳۳۸

از طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱

تلگراف ذیل از جنرال قونسول اعلیحضرت مقیم بوشهر رسیده است

بواسطه طول توقف قوام در قونسولخانه بشیراز منافع مالی املاک تضییع شده و دعوت نمودن اتابک قاچاق (؟) ادله و سرکردگان را و تنزل دادن پیشان در خزانه خویش (از قراریکه راپورت داده شده رؤسای ایلات عرب و بهارلو جدا بر قوام حمله میکنند)

نظم و سیاسی حوالی است برای اینکه موقع نظریکه خطر مهم حالیه برای او منظور نبود او را از قونسولخانه خارج سازم - آیا میتوانم نفوذ ما بگویم اگر شما حمایت نمیدهید دولت ایران تلگرافاً بطور صحیح تعهد نماید که آرام بوده و حفظ جان او را منظور نظر دارند قوام را بهمراهی محافظین قونسولخانه تا محلیکه منظور بود فرستاده و او را در آنجا رؤسای ایلات خمسه خواهیم سپرد در صورتیکه قوام تنها توقف نماید دولت ایران تلگراف کند که بمسافت زیادی از آنجا از...

خود دولتش بطور آرامی توقف خواهند نمود تا اینکه اردوی بزرگتری برای امداد او برسد ـ
من با این تنهائی در موقعیت دارم و سعی میکنم که این شرایط را تصفیه دهم ولی برای فرستادن قسمتی از تحصیلداران خزانه بهمراهی وی
لازم است شما تصویب نمائید ـ

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۳۴۰

از طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱

مطلب مندرجه ذیل سواد مضمونی است که از وزیر امور خارجه رسیده
قشون دولتی که در فیروزکوه بوده‌اند تمام عساکر شاه مخلوع را که در سوادکوه بوده‌اند سوق میدهند شاه مخلوع از قریه
تپه نزدیک استرآباد بواسطه کشتی [illegible] وارد شد فقط راه اسکله برای استخلاص خود از دستگیری دارد لهذا لازم است که در خاک
روسیه یا کشتی روسی پناهنده گردد هرگاه در یکی از این دو محل پناه داده شود ماده دهم پروتکل نقض خواهد شد
و بر مخالف اصول عدم مداخله خواهد بود بموجب ماده دهم حق پناه دادن به سفارتهای سابق بسفارت [illegible]
شاه مخلوع [illegible] بطریق اولی مسلوب است و ملغی شد درصورتیکه شاه مخلوع در خاک روسیه پناهنده شود [illegible]
روسیه یا در کشتی پناه داده شود و موقعی بدست آورد که اتباع خود را قرار داده سر از نو شروع بتحریک غوغائی دیگری
نماید که برای دولت ایران باعث مخارج و مصارف هنگفت خواهد گردید و برای اینکار او را دو دفعه از خاک
ایران خارج نموده‌اند اصول عدم مداخله بطور واضح نقض گردیده است
دولت ایران بدلایل مذکوره احتمال اعتماد دارد که دولتین روس و انگلیس اجازه نخواهند داد که شاه مخلوع خود را باسکله رساند
و اگر اتفاقاً از تحت نظر مأمورین صحیح روس خود را کنار انداخته و همراهانش را دستگیر نموده و بدولت ایران تسلیم نماید ـ

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بوکانان نمره ۳۴۳

وزارت خارجه ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱

از قراریکه راپورت داده‌اند شاه مخلوع در بحر خزر میباشد و اگر موقع بدست آورد مهیای پیاده شدن
در هر یک از نقاط است اگر این راپورت صحت داشته باشد تصور میکنم دولت روس اقدامات لازمه نموده
او را از توسل و استعمال پناه گرفتن در تحت حمایت اعلیحضرت منع خواهند نمود شما باید از اولیای دولت تحقیق نمائید که
آیا از مقامات حالیه محمدعلی میرزا خبری دارند ـ

تلگراف سرجارج بوکانان به سرادوارد گری نمره ۳۴۴

از سن پطرزبورغ بتاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۱

مسیو نراتوف را ملاقات نمودم و بموجب تعلیمات تلگرافی شما از او تحقیقات نمودم جناب معظم الیه اظهار داشت که محمدعلی
در یکی از کشتیهای تجارتی روس [illegible] در بحر خزر کار میکنند [illegible] تحویل داده شد مگر اینکه [illegible] او را [illegible] که
[illegible] خود را [illegible] آن کشتیها [illegible] ولی برای دولت روس ممکن نخواهد بود شاه مخلوع را مانع شود از اینکه در کشتی دیگری سوار شده
وارد خاک ایران گردد از تقریر مسیو نراتوف میفهمم که اگر محمدعلی موفق شود خود را [illegible] دولت روس [illegible] و بر اولیای دولت
ایران تسلیم نخواهد کرد و جناب معظم الیه اظهار داشت که در چنین موردی [illegible] نمود
مسیو نراتوف را اظهاریه خودمان در باب عدم مداخله در شرایط ماده دهم [illegible] که [illegible] جناب معظم الیه اظهار داشت که
دولت متبوعه او مایل ایفاء تعهدات خود بوده [illegible] که این ماده [illegible] اشاره نموده بودم رجوع نماید

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بوکانان نمره ۳۴۵

وزارت خارجه ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱

دولت ایران به ما اطلاع داده‌اند که شاه مخلوع در گمش تپه است و اظهار میکنند در کشتی روسی با همراهان خود اظهار تعهدداری میکنند که ما
با او دولتخواهی تحقیق نمائید که آیا حسن ظاهری هم دولت روس شده است و چه اقداماتی در نظر دارند

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۴۶

از طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱

قنسول ژنرال تبریز راپورت میدهد که شجاع الدوله با اردوی دولتی شکست خورده یک توپ از او گرفته‌اند و چند نفر را اسیر کرده جنگ
هنوز دوام داشت .

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۴۸

از طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱

ویس قونسول کرمانشاهان راپورت میدهد که عساکر سالارالدوله در ۱۳ سپتامبر سلطان آباد را تصرف نموده تحت ریاست لطف
قسم ... گشته‌اند سالارالدوله به شاه تلگراف نموده که از راه سلطان آباد بطرف طهران حرکت خواهد کرد

تلگراف میرزا مهدی‌خان سفیر ایران در لندن به سر ادوارد گری نمره ۳۴۹

وصول ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۱

سفیر ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانیده و افتخار دارد ترجمه تلگرافی که از دولت متبوعه‌اش درباب اقدامات ارتش
قنسول روس در بندرجز رسیده لفاً تقدیم دارد سفیر ایران تعلیم دارد که جلب توجه سر ادوارد گری را به نقض
شدن بیطرفی و حاکمیت ایران نماید میرزا مهدی‌خان احترام جلب همداری می‌نماید که وزیر امور خارجه اتفاقاً که اصلاح
شده‌اند برای حصول ... این اعمال که توضیح شده است و لیکن فقط مشغول نمودن مملکت است تا ... شدید ...
که شاه مخلوع بدینجا فرار نموده فاصله بسیار کمی دارد و حضرات ... بالطبع است درین صورت لازم بود سرحددار در بندرجز
نموده و مرطب ... آنجاها را بطور حسن از آنجا خارج نماید
... این مسئله را انکار نمود که ... اعمال شده و توضیح کامل به دولت ایران داده شود

(سفارت ایران لندن ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱)

ملفوف نمره ۳۴۹

تلگراف وزیر امور خارجه ایران به میرزا مهدی‌خان

ارتش قونسولگری روس مقیم بندرجز نموده است بعضی از قزاقان سرحددار بندرجز را دستگیر نموده و آنها را اسیر ... فرستاده است
علاوه شانزده سرباز را به بندرجز فرستاده‌اند بعضی از اشرار ... را که ... ترکمان‌ها ... دستگیر کرده
اینها را انگلیسی جنگ روس کرده‌اند لهذا برای احترام از سفیر روس استیضاح خواسته‌ام از ارتش قونسولگری فوق الذکر تا تغییر
در رفتارش معقول گردد .

تلگراف میرزا مهدی‌خان به سر ادوارد گری نمره ۳۵۰

وصول ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۱

سفیر ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانیده و افتخار دارد توجه جناب مستطاب اجل عالی را به مذاکرات روز ۱۳ و ۱۵ جاری
که درباب فرار شاه مخلوع به گمش تپه با ایشان نموده و صحبتی که با سر آرتور نیکلسن داشته است جلب نماید

میرزا مهدی خان می‌خواهد بر این جواب در خصوص اینست زیرا که دولت متبوعهٔ او مایل نیست بشنود که شکایتی که کرده در موقع ملاقات خود
در وزارت خارجه راجع به دولت متبوعهٔ خود را مفصلاً بیان نموده است و اکنون می‌خواهد در خصوص بعضی نکات تأکید نماید
دولت ایران به هیچ وجه من الوجوه تصور نمی‌نماید که در این موقع دولت روس بگذارد شاه مخلوع در خاک ایران داخل شود اگر بگذارد
داخل شود با اینکه او را در کشتی روسی پناه دهند برای اقدام او پروتکل ۱۹۰۹ را نقض خواهد نمود و این بر خلاف قطعنامه‌هائی
خواهد بود که حکومتین بریطانیای عظمی و روس داده‌اند (در جواب پروتستهای دولت ایران راجع به مراجعت شاه به ایران
مراجعت نمود) که حال شاه مخلوع بر خلاف شرایط پروتکل ۱۹۰۹ وارد ایران شده دولتین قرارداد
ملتفت نخواهند نمود

پس از این وقایعی که اکنون رخ داده است اگر شاه مخلوع در خاک روسیه یا کشتی روسی پناه داده شود بعضی بود که ایرانیان
بسازند در ایران خواهد بود علاوه بر این کارها اسباب تشویق عثمان و دولت شده در تحت تضعیف حکومت مرکزی خواهد
گردید و شاه مخلوع را وادار می‌سازد که بعد از این نیز خود را از سر گرفته با علم به اینکه هرگاه کار بر او سخت شود در روسیه
ملجأ و ماوای حاصل نماید یعنی تقویت هر حرکتی ضد دولت ایران خواهد کرد

(سفارت ایران لندن ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۵۲

از طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱

چنان ظاهر می‌گردد که سالار الدوله حالیه خود را با دسته قشون و ملتزمین دیگر آقا ی لکهنه دشت میرزا نموده خود را امیر حضرتها
خطاب نموده است و خبر داده است که تا سه روز دیگر به قم وارد خواهد شد.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۵۴

از طهران ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۱

سالار الدوله با جمعیت زیاد که تخمیناً چهار هزار نفر تقریباً تخمین شده حالا در دولت آباد است ظاهراً قصدش این است
که از راه ساوه به سمت طهران برود.

۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱

مجلس استخدام هفت نفر صاحب منصبان سوئدی را برای ژاندارمری نظمیه تصویب نموده است.

تلگراف سر ادوارد گری به مستر ادبرن وزارت خارجه نمره ۳۵۸

۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱

در باب مسئله شاه مخلوع که موضوع تلگراف دیروز سر جارج بوکانن و تلگراف ۸ سپتامبر سر جارج بارکلی می‌باشند شما باید
تحقیق نمائید که آیا در صورتی که آن اعلیحضرت در صدد تحصیل پناهگاه در روسیه شود دولت روس حاضر خواهد بود که به دولت
ایران اطمینان دهد که محض جلوگیری از چنین اقدام جدیدی بطور دقت مراقب او خواهند بود و با اینکه او را از خاک بطرفی
که با سرحدات ایران منتهی شود ممنوع خواهند نمود.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۶۰

از طهران ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱

تلگرافی دیروز از کفیل قونسولگری شیراز رسیده است

صولت الدوله اعلان منتشر نموده مشعر بر اینکه برای تقویت نظام السلطنه و اعاده تنظیمات دولتی بر اعراب لیراوی و بر ضد ی بر اینها حمله خواهد
نمود و هرگاه هر یک از ایلخانهای قشقائی تنها تحریک شد از عهده از عهده برنیایند در برابر اینها از یکدیگر فقط تنها جبراً داخل اقدام شده و حمایت خانه
خود مشغول و منها شیکه بعقب آن بوقوع برسد خواهد بود

حال ممکن برای اصلاح اوضاع مسیو به حاضره چاره غیر از طرف نمودن صولت الدوله بنظر نرسد و اگر این کار زود بانجام نرسد بحران
شدید تر خواهد شد ـ

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۶۱

واصله ۲۲ سپتامبر سنت پطرزبورغ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱

شاه مخلوع ـ راجع بتلگراف ۱۴ سپتامبر شما مسیو نراتف امروز بمن گفت که تمسک از بند محرر مع دریک ارائه ... دولتین
سرحد توقیف نماید در صورتیکه شاه بخاک روسیه فرار کند او در آنجا با خانه دارد و مسیو نراتف تصور میکند از حیث امیال شهر حسب تاثیر
اگر این کار را بکند چه طور بلا درنگ بعد آنجا او را نگاه در تحت نظر طبیعت در حیث خواهد بود و برای دولت روس ممکن برای او رضایت نباشد
که اقدام حالیه او تجدید و تکرار نخواهد شد از اینکه شاه مخلوع در حیث با بران تعلق دارد است که ابدا این نقطه اورا اعمال ذوق
و شوق خواهند گرفت بعمل آن برای او واقع شده است فریبی که خورده است برای او داضح و آشکار گردیده و اقدام آن
اعلیحضرت برای او مشغول بوده و مسیو نراتف اظهار داشت نقشه است او اقدام خود را تکرار نخواهد نمود ٠

در جواب سوال من از مسیو نراتوف که آیا چه ترتیبات بعمل میآید با مصحف داشته است در ایالت ایران طهران رد
جناب معظم به جواب داد با ساسات معلی چه ترتیبات این کار را بکنید

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۶۳

طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۱

ار فرار راپورتیکه داده شده قسمتی از قشون سالار الدوله ساوه را اشغال نموده اند قسمت معظم قشون وی در زرند که زرند
که فوق شاه سیمان طهران ساف وارد میشوند ٠

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۶۶

طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱

آه افتخار دارم خلاصه وقایع ماهیانه ایران را برای چهار هفته مختتمه معمول انفاد دارم

ملفوف نمره ۱ ۳۶۶ (امضا جارج بارکلی)

طهران

ماموریتی اروپائی ـ در عوض چهار هفته اخیر طهران وارد شده اند
کلنل بالمارسن ـ ماژور حیدبراند ـ ماژور پیطرسن صاحب منصبان سوئدی
مسیو دسرتی ـ مستخدم وزارت داخله .
مسیو برلی ـ مستخدم وزارت عدلیه
مسیو مزیلی (آمریکائی) اجزاء مستر شوستر
مسیو بریوت (فرانسوی) منشی شخصی مستر شوستر

اقدامات نظامی

قشون دولتی که در ابتدای اردیبهشت در تحت ریاست سردار محیی از طهران حرکت نموده و بعضی ایلات بختیاری با ۳۰۰ نفر توپ ملحق گردید رشید السلطان را قریب ۱۹ اردیبهشت شکست داد – سردار ارشد که از سرکردگان محمدعلی میباشد با بعضی دیگر جمعیت هزار یا بیشتر از نفر رشید السلطان را منهدم ساخته و بطرف دماوند و آزادان پیشقدمی نمود

قشون بختیاری در تحت امر ضیغم السلطنه در آزادان اردو جلوگیری نموده قریب ۲۵ اردیبهشت شکست خورد پس از آن امیر مفخم بختیاری با قشون امدادی فوری فرستاده شد سردار محتشم و سردارها در اردو ۳۱ اردیبهشت با هزار و دویست نفر از ایل بختیاری وارد طهران شدند

سردارها در [illegible] قشون معظمی در ۳ شهر جاری حرکت نمود که با سردار ارشد مقابله نماید در ۲۶ ماه گذشته [illegible] گذشته از قرار [illegible] طرفداران محمدعلی را در فیروزکوه شکست داده و عده اسیر گرفتند و شاه و چهار نفر از آنها را با [illegible] بطهران فرستاده اند بعضی از سیمهای تلگراف آنها را هم قبضه نموده اند.

شاهزاده سالار الدوله در ۴ [illegible] از کرمانشاه حرکت کرده بطرف همدان رهسپار گردید و سردار ظفر رئیس ایل کلهر رفته شاهزاده برادر [illegible] شهاب السلطان را بحکومت کرمانشاه [illegible] الدوله آنجا را حبس نمود و [illegible] را [illegible] کارگزاری [illegible] نمود

قریب نهم ماه گذشته قشون دولتی در فیروزکوه [illegible] حمله نمود و یکی از [illegible] عده شاه رشید السلطان [illegible] با [illegible] در [illegible] مازندران [illegible] بجنگ مشغول گردید

در ۲۲ ماه گذشته قشون سردار محیی با انضمام قشون بختیاری [illegible] از ضلع ترکمنها و [illegible] جلوگیری نموده تلفات زیادی بآنها وارد کرده ۵۴ نفر را اسیر و ۳۰۰ قبضه تفنگ و صد اسب از آنها گرفتند

هفته گذشته هم ۳۰۰ نفر قشون که [illegible] تسخیر نموده و بعضی از آنها [illegible] در [illegible] مازندران [illegible] از قشون شاه که از قرار معلوم عده آنها هزار نفر بود شکست دادند

شاه مخلوع در ناحیه سوادکوه است ولی راه پیشقدمی و [illegible] با تحت سردار محیی و بعضی [illegible] بختیاری در فیروزکوه رسید و [illegible] از قرار [illegible] در قلعه که [illegible] کوه [illegible] شده و [illegible] قلعه [illegible] توقف نموده است

آذربایجان از قراریکه راپورت داده شده شجاع الدوله حاکم [illegible] قشون زیادی از شاهسونها و قراداغیها جمع آوری نموده است که برای محمدعلی جنگ کند و محمدعلی او را بحکومت آذربایجان معین نموده است

در طرف غربی سالار الدوله در ۲۳ ماه گذشته با [illegible] توپ و [illegible] ده هزار نفر که اکثر آنها از اکراد [illegible] و کلهر و [illegible] از کرمانشاه حرکت نمود [illegible] ملاحظه است [illegible] از قراریکه راپورت داده شده [illegible] در حوالی [illegible] و [illegible] امیر مفخم که [illegible] ولی مسئله اینکه آیا امیر مفخم قصد مخالفت با سالار الدوله را دارد یا نه مشکوک است

دفعه سالار الدوله از کرمانشاه حرکت نمود [illegible] همدان [illegible] قبضه نموده [illegible] حرکت نموده و دولت ایران ظاهراً [illegible] امیر مفخم [illegible] بختیاری در تحت امر سردار ظفر در سلطان آباد با [illegible] سالار الدوله [illegible] کرمانشاه [illegible] سالار الدوله [illegible] سردار اکرم [illegible]

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۶۹

تلگراف سالارالدوله بمجلس

مبعوثین محترم — پس از گرفتاری شما تلگراف نمودم خرابی ایران را سانزر عوض اینکه تلگراف مرا درک نموده و اوضاع مملکت
را در تحت ملاحظه آورید و بعلاج امراض آن بپردازید نقشه جنگ برانگیخته و برای قتل عام تشویق می برانگیخته شدن در این مملکت آمده ام
و شما میخواهید که ایرانیان حقوق سیصد ساله محبت و مهربانی ۱۵۰ ساله قاجاریه را مخصوصاً ایران مظفرالدین شاه مرحوم را فراموش بنمایند
و شما برای هیچ نوع منفعت چند نفر را نه در دل نخواهند برد زیرا ایرانیان برادران و پسران شاه هستند و از ظل الله و از طرف حق تعالی
برانها تعین شده و حال بحکم [illegible] اقدام می نمایند

بلی چاره بهم حسابی حرف برای جنگ می داده از بسطلی [illegible] دعاهای ... ایرانی حفظ ما است آیا از جنگ مرض مملکت
معالجه میشود وظیفه خداپرستی شما این است که منافع جلب منافع شخصی خود را کنار گذارده نقشه برای نفع مملکت در علاج
آن برآیند چنانچه در مجلس اول کوشش بضایع و اراده محمد علی شاه بداده و وکلا ایرانیان منافع خود را عمل نموده و دعاهای
برگزیده و دو سال تمام ایران ... و بسیاری مقتول و بیخانه شدند تا اینکه محمد علی شاه معزول نمودند پس از خلع دیگر
تصور میکنند که تمام نقایص بر طرف خواهد گردید ولی امروزه نه فقط اروپا و آسیا و امریکا ... شدند بلکه تا بحال حتی
وحشیهای افریقا هم اقرار میکنند که اوضاع [illegible] بدتر از سابق است

امسال تنها متوسلم چند نفر انوار بختیاری و معدودی الارذل و اوباش طهران اعاده نظم در ایران نمیدهند در این سه سال به اجبر
دو هزار نفر انوار بختیاری متوسله از بلدیه اراذل بیرانه و بند را در تحت تسلط ... و بالاخره به بی جهت فرار نموده اند
بعلاوه خود بختیارها میدانند که گرفتن طهران آنها توسط آن بود که بامید ارشد محمد علی شاه نا رضی بودیم و گرنه ایرانیان
حتی چیز را قبول نمیمود

ای وکلای محترم قسم بخدا اینها مشغول خونریزی بوده و خواهند بود آیا چرا اینها نتیجه خواهد بود محمد علی شاه پس از در ها
طهران خواهد رسید میتوانم خواه ما ورکشته باشید بیش هزار نفر از دروازه ها گرفته ها انوار ... فنون را در جنگ
ملتمسم — در اکثر ایالات شاهسونها و در کردستان کرمانشاه را با سه هزار سوار و بها نقدر ساده هر که کرده اند
و بابها آزاده شده است از راه رسیدن بطرف طهران حرکت نمایند ملاحظه نمایند که جمعیت و سوار با طهران
حقدر جو ابهانخواهند رسید و بیرا حالی حه ها واقع خواهد شد هرکس برای حال ایرانیکه در راه شما نقدینه ها می نماید
عرضه نمودند قسم بخدا نفع از این کار نخواهید برد بجز قهر و غضب سرانجام کاران کوشش بدهند بدتر نمایند که
ایرانیها از این اوضاع خرابی و ویرانی رهایی دهید بکرار این مملکت یک پادشاه و یک مجلس و یک طرز حکومت صحیح داشته باشد
از رفتن شما بدخیل بخواهید شد اوراق ماده روز دیگر بدتر خواهد شد اگر اینطور باشد کار ما بدنیا خواهد کشید
خداوند مملکت تاج و تخت را تصرف نموده و حال ملک و مجلس را اصلاح خواهد نمود خوب است توسط شما این کار را تمام رسید
دلیل قبول که ده روز تمام مشغول حرکت ملاحظه کنید بخواهید که خود شما دوست باشند تمام ایران مال من است از خود کمک
با یک مرادم که انشاالله و معتبر این قبول را تحصیل تمام منافع این قبول برای بی تحمیل خواهد شد چرا نخواهید این فقرا
در صدد داد است باشند اگر نمیخواهید ملکه شما نه آمده می بایستی ملاحظه خواهیم نمود و با یک هزار یا دو هزار سوار به تهران
شاه رفته و امور را الطرق دلخواه ترتیب خواهیم داد شاه قسم خورده است که کسی مثل ایران ... مهربانی بیدار به شما
و پس از آنکه بتخت رسید بطور عمل خواهد کرد اگر جوابی از شما نرسد معلوم میشود که حرف مرا قبول ندارید

شما در حال سعید کرا القصد لکن می‌نویسند با اینکه شجاع السلطنه با سردار محیی را پیش کشیده‌اند باز هم حضرت اشرف به کار حقه بازی شما
است و باعث مخلل ایران خواهد گشت خوانشا رشید اراده بفرمایید حضرات کار بکنند انجمن سیم ارجمند ملت نیست اگر دشمن را
کار مگذارید بر تمام شما حقیقت مطلب معلوم و مکشوف خواهد گشت

سالار این تلگراف را برای تحریر مباشره نموده و سواد آن را برای روزنامه‌ها فرستاده‌ام اگر امروز صبح از طرف شما جواب
نرسد فردا صبح حرکت خواهیم کرد

حال لشکر با حضار ریاست مشغول می‌باشند که مطلوبات و شما این تلگراف را ملاحظه نموده و بر بینید که می‌باشد جوهر نشده‌ام
و شما سبب آن بوده‌اید سواد دیگر هم نزد علمای کربلا فرستاده‌ام (امضاء سالارالدوله قاجار)

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۳۶۸

طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱

آقا افتخار دارم ترجمه خطابه نایب السلطنه را به مجلس که در تلگراف ۱۳ ماه گذشته خود راپورت دادم که روز دوازدهم قرائت
و بالاتفاق آراء تصویب گردید لفاً تقدیم دارم

من شرح ترجمه پروگرام کابینه را که در خطابه نایب السلطنه اشاره شده بود لفاً تقدیم دارم این پروگرام سابق در ۲۶ اوت
به مجلس عرضه کرده و لیکن چون رئیس مجلس اعلام نمود تشخیص آنرا حق به دستور اندر قرار داده و طرفداران اجرای این اقدام نمود فقط دو نفر از
وکلا قیام نمودند رئیس مجلس اهمیت نوبت کابینه را تصدیق نموده و حرف آن را ترک گرفت و بعد از آن سابق رد شد

الحال این مسئله جمیع اسباب تحریک کابینه شد و صدر اعظم تهدید به استعفا نمود حال میگم در این امور حادثه و در خارجه استعفا خود را تقدیم نمود اگر دولی
را در تعدد اراده وکلا صدر اعظم را ملاقات نموده و با اصرار نمودند در مقام خود باقی بماند و وعده دادند که مرتب کار را اداره شد

در ۳ ماه گذشته نایب السلطنه وکلای متعدد مجلس را القصد سلطنت احضار نموده و نطق مختصری برای آنها ایراد نمود و نتیجه این شد که پروگرام مذکور
مجدداً به مجلس عرضه گردید و در دوم ماه جاری با اکثریت ۸۳ رأی تصویب گردید

در باب ماده اول ملکی است مذکور دارم که مجلس قانون جدیدی برای انتخابات ملی نموده که بموجب آن انتخابات دو درجه و
درجه بطور مستقیم بعمل خواهد آمد

قبل از اینکه این قانون جدید در مجلس تصویب شود به مجلس مشاوره که وزراء و سایر رجال در آن عضویت خواهند داشت رجوع خواهد شد
حاصل آنکه ملاحظه میفرمایند که بموجب ماده دوم پروگرام مذکور وکلای مجلس جدید از طرف ملت حق اصلاح قوانین اساسی داده خواهد شد
با وکلای اردو مجلس عالی تکالیف کرده‌اند که قوانین اساسی که در سال ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ مدون شده مخصوصاً در زمان
آن اعلیحضرت شاه در مد نظر بوده از اختیارات سلطان مملکت بسیار کاسته و اختیار کاملی به مجلس داده است و سلطان حق انفصال
مجلس را نداشته است.

مواد سوم و چهارم و پنجم و نهم بطریق زیاده از معمول ملتی برتر شد اختیارات کابینه مسلم شد حاصله به خاطر دارم اختیارات
کابینه لفاً به سپهدار داده شد و در پیش از آن مجلس اعتدال اجرای قانون انتظامی را در طرز تصویب نمود با کمال علاقه از اعمال اختیارات
مذکوره مشغول گردیده و جمیع قانون ملاحظه است به علم کابینه حاضره اعمال که تقاضا نموده است نیز از سابق بطور وضوح در پروگرام
مذکور گردیده است نیز از اتلاف خود اختیارات مذکوره را اعمال خواهد نمود و حق

ماده ششم در پروگرام سابق هم قید شده بود ولی حالا که مسیو برنی فرانسوی را که دولت ایران استخدام نموده از
وزارت عدلیه را معاونت خواهد داد رسیدگی نماید هم امیدی برای اصلاح نقایص خارج از اندازه ادارات عدلیه در ایران بود
که هم اساس پایه دولت خارجه به نفع مملکت و هم ایران شده است

ماده دهم — هرگونه مذاکرات سیاسی خارجیست و منظور سیاسی کافیست که طوری عمل نمایند که سعادت و اطمینان دول خارجه را جلب نماید و بطور واضح تصریح نموده اند که دیپلماسی و اطمینان روابط های عظیم و دوستی لازم می باشد تا اندازه که مردم هم مرتبه هم و ثوق بهر دو له ظاهراً از صمیم قلب ما دل با تمام این مملکت بلکه باشد و نایب همان اندازه که برای وزیر امور خارجه دیگر اجمال دارد و برای او هم نخست اینست تحصیل ثروت و حمایت مستمر را انتظار دارم.

(امضا) جورج بارکلی

مورخ ۱ بهمن ۳۰۸

سواد مراسله نایب السلطنه - ناصرالملک - بمکلین

(مکلین بوزارت ...)

سر وقتی از جنت وزراء عظام ملتی رسیده بی تقسیم جوهرتان در مملکت خارجه و در جمله ها حضرات رسیده که دارای بلندترین درجه بیمن است و خدا یکه بتوفیق ایام مکرر خطر نمایندگان محترم رسیدند که تمرین اساسی دیده ام این حضرات را با عقیده که اظهار داشته اند حاصل موفقیت چندین است در این موقع هم با بقای وظیفه خیرخواهی را واجب دیده بشرح بسر تو را فوراً بمکلین بوزارت ارسال داشته کاملاً نمایندگان محترم را مدد حضرات آن جلیب بیانم و مخصوصاً در حوزه دارم نصایح خیرخواهانه سالفه ایشان را بنظر آورده که در این مدت چه در باب مملکت واقعه و چه در باب مملکت خارجه اظهار داشته و بدینه آرزومند بوده ام که این تصاحب اساسی بدیست دولت جاری سنده اما مملکت را از فواید نظمیه کاملاً بهر یاب کند و متأسفانه بصورت مدرک شده یک نتایج حکمیه بوسطه غفلت از مقتضیات حال مملکت بظهور رسیده و مضرات و مخاطرات آن طوری محسوس است که حاجت بهیچگونه توضیح ندارد و تصدیق خواهید فرمود که در این حالت حالیه بر فعالی برای فتح و غفلت باقی است ذره فرصت برای تحقیق منت غفلتهای سابق و حفظ آنچه در این موقع واجب است این است که هرچه زودتر نمایندگان محترم با موقعیت وزرای عظام برای مملکت و جمله مسلک و رویه اتحاد نمایند که دوام حکومت متعدد و متصفه بمکان پذیر بوده و بواسطه مصالح حقیقی و فواید عموم را در نظر گرفته نقشه ملی را عموم چرا ما دارد اگر فراموش نخواهید فرمود که در این مدت چند ماه است و بلا دست از نظر باب غفلت از عملیات هر ثبت دولتی را جاری ضعیف نموده که حالیه قوه اجرائیه را دچار بحران بوده یا در زبان قبلی بقای حوزه هم قوه بر شهید و لیکن اروظایف خود بازمانده و هرگونه مسالمت حاصله گردیده و دوام آن منتج مضرات و مخاطرات است و اگر هرچه زودتر از این تجربه گذشته نتیجه حاصل نگردد و موافق مقتضیات حال مملکت تغییری در مسلک و رویه داده نشود مملکت بمرجب هرست کامل خواهی رسید مگر از ترتیب مملکت خارجه که نهایت ارتباط را با مملکت داخله دارد و حکایت آن بطوریکه مکرر بیست بمعرض جهالت خاطرتان بگویم که بنا بر خلاف نصایح خیرخواهانه متوالی انجمن رویه و مسلکی که مناسب حال مملکت و مقتضیات حالت حالیه ما است اتخاذ شده و در اراده دیگر حسن سیاست با دول مجاوره بنهایتی که لازم بوده بظهور رسیده و بعد از ورود اینجانب از حسن بر عهده اش که از طرف دو دولت متبوعه اظهار شده و اهالی است شکر اندام دوم بطوریکه سزاوار بوده بسعادت بعضی مانده تا بر این الکدا خدمت میدانم که بدارک این غفلت و در وقت دیگر حسن روابط و استقرار اعتماد در میان دولت با دول مجاوره نهایت سعی را دارد و چون سندها این منزوجه ملی بر کلیات سیاسی است بسر وزرای عظام طرحی را که برای حصول این مقصود مهم در نظر گرفته اند مفصله بمکلین بوزارت تقدیم خواهند نمود امیدوارم که نمایندگان محترم اهمیت موضوع را در نظر گرفته در تدارک با فاعت جدیداً نمایند زیرا که پیشرفت امور هیچ مملکتی خصوص این مملکت در حالت حالیه بدون حسن روابط خارجه امکان پذیر نیست و اگر خدا نکرده از اهمیت موضوع غفلت این موقع که تاکنون هرگونه مخاطرات دیده شده صرف نظر نمود صریحاً اظهار میدارم که موقع قضاوت میرسد و به نهایت انحلال شده و دیگر چاره مراقبت به بعد در نخواهد بود که شاهد زوال استقلال مملکت باشیم.

ملفوف دو نمره ۳۶۸

(پروگرام وزراء)

نظر بلزوم شرکت دولت در اجرای اصلاح قانون انتخابات که باید در مجلس تصویب شود وزرا در مجلس بمطالب آن اقدام نموده و مجلس را از نظریات قطعی خود مستحضر خواهند داشت.

۲ — از آنجائیکه در قوانین اساسی که حالیه مجری است قراری مبنی بر جرح و تعدیل قوانین مذکوره داده نشده و از آنجائیکه از طرف دیگر دولت جرح و تعدیل آنرا لازم میداند قوه مجریه در توسیع انتخابات جدیده بملاحظات [illegible] خواهد نمود در صورتیکه ملت با دولت در این خصوص توافق حاصل نمایند چنانچه اکثریت اعضاء مجلس جدید الانتخاب آنها را مجاز بدارد در قوانین اساسی راجع جرح و تعدیل نمایند برای اینکه دولت بتواند تمایل ملت را از این بابت دانسته باشد همینکه دولت تمام اعضاء جمیع شد دولت این عده را کافی خواهد دانست که صلاحیت جرح و تعدیل را با آنها اظهار نماید و در موضوع لزوم یا عدم لزوم جرح و تعدیل را [illegible] قطع عمل را خواهد نمود در صورتیکه اکثریت دو ثلث تمام اعضاء دیگر جمیع شد اگر جرح و تعدیل را تصویب نمایند معلوم است که ملت اجرا تصویب نموده باشند و مشروع تلقی [illegible] خواهد شد

۳ — بملاحظه اینکه باید حقوقات کافیه بدولت داده شده و اقتداراتی که بمواقع [illegible] خود [illegible] داشته باشد دارا باشد بطوریکه بتواند منافع مملکت را در مد نظر داشته و در تائید آنها کوشیده [illegible] نماید در عوض ملاحظات اشخاص با هیئت های غیر مسئول واقع شود

در صورتیکه این قسم حقوقات بدولت اطلاع اولیاء امور صورت حقیقت حاصل نموده [illegible] جمع حقوق کرده شود با اینکه بطریق اجتهادات [illegible] تعلق آمده و [illegible] نمودن امر لغایه لزوم بایستی نمودن دولت شود دولت مجاز خواهد بود که از اینگونه [illegible] نموده و بعضی را [illegible] نماید

۴ — دولت اقدامات فوری برای تائید قوای حکومت مرکزی و حقیقت از اقدام سریع و صحیح خواهد نمود برای حصول این مقصود لازم است قوانین انجمن های ایالتی و ولایتی با اصول اید [illegible] از ادواتی که در استخدام دولت هستند جرح و تعدیل شود و با اینکه این جرح و تعدیل عملی باشد در صورت [illegible] دولت پیدا کرده نظر باینکه قوانین راجعه بتشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار انفصال آنها را بدولت میدهد دولت مختار خواهد بود که در صورت لزوم اعمال این اقدام را نماید

۵ — دولت مختار خواهد بود بعضی را که بواسطه اینکه شرح قوانین اساسی تا کنون نوشته نشده و یا بواسطه استخراج معانی مسعوده از این قوانین استفاده و ملاحظات و اسباب عمومی را متزلزل نماید و یا اینکه باید قوانین مبهم شده و سبب عدم پیشرفت اقدامات دولت شود و یا اینکه در تعقیب منافع شخصی خود با بیدی معرفتی خارجه باشد و در امور دست [illegible] اخذه قرار دهد دولت باید مجاز باشد که از اینگونه استعمال قوانین که از این تعبیر آنها منع و جلوگیری نماید.

۶ — برای استقرار نظم و امنیت مملکت که از مقاصد مهم دولت است باید یک قوه کافی منظم و تحت طور انضباطی قوه را بر قرار ساخت و تحت حساب و [illegible] بودجه لازم است وظیفه دولت است که برای انجام این مقصود قشون را تشکیل کنند لازم است نموده و بودجه را که برای تسریع و تکمیل این اقدامات مفید باشند باید بمجلس پیشنهاد نموده تصویب گردد.

۷ — دولت کم کردن و امور موقوف دایش ادارات را که غیر لازم از عدم تجربه ایجاد گردیده و برای مخارج غیر فایده برقرار شده اند نموده و موقوف دایش آنها را نظر بمنافع اقتصادی در نظر بگیرد لازم میداند

۸ — دولت مشغول تحقیق در مسئله اصلاح اساسی وزارت عدلیه میباشد ولایحه قانونی در این موضوع عنقریب موقع خواهند داشت با اینکه
این لایحه صورت قانونیت پیدا ننموده ترتیب با اجرا داده شود که هرگونه قرار ... دهند در مورد ادای عدالت نمایند.

۹ — با اینکه قانون قضائی از مجرای قانونی گذشته دولت با اجرا کاملاً دانسته ... که برحسب مواد قانون ... وزرا
تصویب نمایند از جناب ... نماید.

۱۰ — این مسئله واضح است که مملکت ... هر مملکتی با اندازه ... مربوط به مملکت خارجی ... آن مملکت میباشد در هر گاه یک
طرف روش ساده و دوراندیشی اتخاذ شود دولت ... در مملکت ... خود هم دچار اشکالات خواهد شد تا این دولت باید در
سیاسیات خود با دول همسایه مخصوصاً با اینکه سیاستش مهم ترین شد تبعیت اتخاذ نماید که همراهی و اطمینان آنها را جلب نماید —
شرط اولی پیشرفت این اقدامات دولت تقویت ... عقاید ... است

خلاصه تلگرافات سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۷۴

از ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ به بعد

باست جنس کاشی ده نفر از قزاقان روسی را اسیر نموده و آنها را در کاشان توقیف نموده است و آنها را ... نگاه داشته است با اینکه دولت
ایران بعضی از اقتضائات را ... قبول نماید

از نمره ۳۷۵ ۲۶ سپتامبر

در چند روز با طرف شهر تبریز در طرف تبریزیان بوده چند نفر از مامورین در روس قونسولگری ... نموده اند دولت ایران انتظار
اقدامات ... برای اعاده نظم در ... خود از تبریز مینمایند.

مراسله سر ادوارد گری به میرزا مهدی خان وزارت خارجه نمره ۳۸

۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱

آقا در جواب مکتوب ... بشما در خصوص دستگیری سرحددار در بندر ... افتخار دارم بشما اطلاع بدهم که مامورین ...
و همراهان او از قرار یک نفر روس مقیم ... اطلاع داده که بعضی از اتباع روس حمله نموده و آنها را غارت نموده اند و مامورین محلی ... اند
که آنها را ... تحقیق مطلب احضار نموده اند از حضور ... در آنجا ... آزاد اند از آنجا قونسولگری روس برحسب ... قونسول
روس ... همراهان ... بعضی را دستگیر و مامورین محلی همراه ... است نفر روس علاوه بر ... که دسته سرحددار را که
در آنجا دستگیر نمایند ... فرستاده شده اند که در آنجا توقیف باشند تا تحقیق بعمل آید

(امضا) گری

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۸۳

طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱

مستر ماکس ... صولت الدوله در جواب ... نامه ... خود را
اطاعت ... نموده و خواهش کرده که من بعد توسط کارگزار با او مراسله و مکاتبه شود
مستر ماکس اطلاع ثانوی رسیده است که صولت الدوله مراسله ... پذیرفته است

از تلگراف نمره ۳۸۴ ۳۰ سپتامبر

نقل قونسولگری ... نفر ... دسته ... آمده اند و تمام قشقائیها را از ... خود ...
... و بعضی از ... محکمه شهر ... نموده اند
صولت الدوله ... فرستاده است که قرار ... برای صلح بدهد.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۰

طهران ۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ شوال ۱۳۲۹

شرح ذیل را قونسول دولت انگلیس مقیم شیراز مخابره نموده

تلگرافاتی از تجار و منشی بمن مخابره شده که در جواب مخاطب عاملان تجارتی تجار انگلیسی را نموده اند و همچنین از نصف اعظم از یک
تلگرافی رسیده که در جواب مسئله تحصیل تقاضایش نموده ما رئیسها به تحریک تلگرافی بالاستحقاق در نصف نمودن شرق مقدار متعلقه
ملاحظه نصف شرق دادن به دیگران باعث دولتی مسئولیت تمام میشود چون در آن خیال حالا کلیه شهر شیراز دادن یک
دست به تغلب کنند سواران ایرانی خواهند بود و اگر ایشان از دولت از ذوات صرف نظر نمایند هیچ مانعی برای اقدامات ایشان
نخواهند داشت

نظر میکنم که وسیله ایشان پیشرفت برای ایلات عرب است که نفع مقصد ارتباطات و شمار تلگرافات اتباع انگلیس در اینجا مکتوب
داده بود و ما نیز باید بتوانیم که در صورت وقوع مجادله احتیاط کامل در نظر داشته ایشان اجرا نمایند و خواهش کمیسیون شیراز
نمایند اضافه می دارد که ایشان تعلیقات از قوام الملک هم خواهش نمودند اقدام اگر چه جدا ممکن است ولی اقدام آن
که عملیات ممکن است بنمود

اوضاع کنونی تحدید شدید گشته است که حال مکتوم به مشایخ سفر که بهیچوجه مخاطبات ایشان متعهد میشوند حتی با اتباع انگلیس هم
برای تزلزلی که دارند هیچ جواب مسئلتی تهیه دارند محصول معلوم نداریم

در جواب تلگراف فوق به قونسول مزبور شرح ذیل را مخابره نمودم :

بیچ اتباع انگلیسی و عاملین شعبه تجارتخانه های انگلیسی که اموال متعلق به انگلیس در اینجا گرانها مضبوط است دیگر همچنین حق
برافراشتن بیرق قرار دو شکایت به تمام اهالی ایلات عرب بصورت تمام

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲

تاریخ ۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ شوال ۱۳۲۹

اوضاع شیراز امروز سنه ناکس قونسول دولت انگلیس مقیم شیراز شرح ذیل را مخابره نموده :

امنیت اوضاع در برانده است هوا اینکه در عوض ۱۲ ماه که شاهسون در تحت هیچ ضبطه نموده اند تشکیلات دارند که خود لشکر
هر ساعت برنده را پیدا میکند برای اینها نفع جزئی نخواهد داشت وجود ایشان قدرت کامل دارد که اوضاع را بر وفق
دلخواه خود خاتمه دهند در دوام خاتمه اوضاع را در عمارت به کسره شهر هستند حتی قوام الملک هم محوریه تصدیق دارد که هر ساعت
محل است جواب دیشب به تعمیر شهر که از زعامت دست رده که تمام تجار ایرانی منزوی شده که دیروز ایلات بیشمار نمایندگی
راه جاری مسدود نموده دارد و با پایان عموما هر ساعت منفعتر مشهوری و عجب این است حتی اینکه شهر در دست لطف تجار اروپائی
مبلغ است در عوض چند بعضی اصرار میکنند حدود داخل نموده ام که ضعف توجه در این تکیه خود را باید متوجه در باب اوضاع حاضره
اشتباه نمایم و در این موقع که حالیه ذلیل اتباع انگلیس وضع در خطر است میخواهم هیچ نوع اقدامی درباب مخاطبه ایشان نمایم
حال مکتوم اگر مقرر بود که قبل از این طبق مساعد در تلگراف ۱۹ سپتامبر خود نمره بصورت البردار خط را نمایم و در عهده ارسال
سوغاتی که از تحت حال ذلیل اتباع انگلیس به عهده او در دامن ایلات عرب دارد خواهد آمد و از آن تقصیر برادرم تحمل باعث
اتمام در سند عمل چندان نبود - بهر صورت فرستاده شدن ... ۳۰ نفر قشون شیراز ضروری لازم است

شرح ذیل جواب از طرف من است :

شما از حالت مصلحت البردار اطلاع داده اید که اگر او دیوار انش بصورت از خیال شیراز حرکت کند از دستورالعمل خودم

درخواست خواهم نمود که اقدامات مشعشعی در حفظ شارع ها نمایند و جسارات وارده در این باب را از او و نظام السلطنه دریافت از
متجاسرین برای اینجانب هم اخطار نمایند که از دولت متبوعه خودم تقاضا خواهم نمود که اقدامات در حصول غرامت جسارات وارده
بحال و مال اتباع انگلیس را از آنها نمایند . قوام مرد ضعیف بی قوه جلوگیری اشرار از قطع اشجار کرفتن نموده . تاکید نموده ام که ارباب تحقیق را
آگاه نمایند که از وارد شدن جسارات باتباع انگلیس جلوگیری نمایند .

خلاصه از تلگراف ۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ شوال ۱۳۲۹

می شنوم که قونسول در ابتداء از اوضاع شیراز نگرانی دارد و من تصویب مینمایم ۳۰۰ نفر سوار که برای شیراز در اصفهان حاضر شده
هر دو یا این فرستاده نشود ولی مشغله انگلیسی شود با وضع کنونی شیراز این عده فقط برای داخل شهر لازم است در ربوط طرق نیست .

تلگراف سر ادوارد گری بسر جارج بارکلی در وزارت خارجه
۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ شوال ۱۳۲۹

رجوع بتلگراف ۳ اکتبر شما در باب شیراز اقدامات شما را تصویب مینمایم .

تلگراف سر ادوارد گری بمستر اوبرن شارژدافر انگلیس در پطرزبورغ نمره ۵
وزارت خارجه ۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ شوال ۱۳۲۹

شارژدافر دولت روس در اینجا استفسار نموده که تصور شما را اطلاع بدهیم آیا مقصودی در باب اعزام قشون به نقاط جنوب دیگر ایران برای امداد و امنیت
طرق راه جنوبی که در تلگراف ۲۱ سپتامبر سر جارج بارکلی مذکور بوده داریم یا خیر ؟ ما که مقصودی نداریم آیا دولت روس مقصودی دارد یا خیر ؟

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری طهران نمره ۶
تاریخ ۱۰ شوال ۱۳۲۹ مطابق ۴ اکتبر ۱۹۱۱

رجوع بتلگراف ۳ اکتبر و تلگراف ذیل از شیراز رسیده : هر دو اخطار در ساعت ۹ صبح ابلاغ نمودم ولی تا حال ۲ ساعت بعد از ظهر است
جوابی از صولت الدوله نرسیده اگر تا شب جوابی صادر نشود صبح سلطان جواب فوری خواهم نمود در نهار ایلخانی نقد جواب برحسب داده اظهار
نموده اند جواب خواهند نوشت . اقواه کامل است که نظام السلطنه امشب حرکت میکند و شهر آرام است .

تلگراف مستر اوبرن بسر ادوارد گری نمره ۷
پطرزبورغ ۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ شوال ۱۳۲۹

رجوع بتلگراف ۳ اکتبر شما در باب جهات تحصیل قشون برای ایران دولت روس هیچ مقصودی ندارد .

تلگراف سر ادوارد گری بسر جارج بارکلی نمره ۸ وزارت خارجه
۱۰ شوال ۱۳۲۹ - مطابق ۴ اکتبر ۱۹۱۱

قشون برای شیراز و اصفهان - نقره یا نفرها چند سوار که تلگراف شده بر حسب زود تر ۳۰۰ نفر سوار از اعزام دارد اگر
تصور میکنند عده مزبور بتغییر شما برای تبادل و تمامی امنیت شما کمک او جواب داد شما هر وقت لازم اطلاع بدهید .
قونسول شیراز اطلاع بدهید نمایند که برای آنها شیراز و صد نفر از آنها را اگر شما لازم ندانند تصور میکنند با اصفهان بفرستید .

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۹ طهران
تاریخ ۱۱ شوال ۱۳۲۹ مطابق ۵ اکتبر ۱۹۱۱

رجوع بتلگراف ۴ اکتبر در باب شیراز - صولت الدوله به نظام السلطنه نوشت جواب اخطار را با اراده اندکی بعد از ظهر صادر
حرکت هستند تنها در روز صبح با بعد از کاخ بسمت جنوب حرکت کرد در نهار ایلخانی جواب داده اند که نهایت سعی خود را
در حفظ اهالی و اموال خواهند نمود و مسکه فقط تنها حرکت نمود در تمام از شیراز رفتند خواهند نمود تلگراف هم نقد فرستاده بود

که رئیس الوزراء با تمام ما ترو نموده و سپس موقف حاله تنها در شیراز برای مسائل با حکومت نموده بودند .

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۱ طهران
بتاریخ ۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ شوال ۱۳۲۹

رجوع به تلگراف ۳ سپتامبر شما راجع به مقصود مستر شوستر از انتخاب ماژور استوکس است که استوکس در طهران بماند و دستور العمل بدهید که جهت اعزام استوکس در اصفهان را لغو نموده ولی ترتیب اسم اتباع اسم عملاً خارج از موضوع میدانیم مستر شوستر ملتفت جواب است که صریحاً باو اطلاع داده بود آیا دیگر قصد دارد ترتیب خود در باب تعیین استوکس را بطوریکه ذکر شده تغییر دهد یا خیر .

از تلگراف ۵ اکتبر سرجارج بارکلی به سرادوارد گری
مطابق ۱۱ شوال ۱۳۲۹

قونسول موقتی انگلیس در شیراز راپورت میدهد که قشقائیها دسته دسته از شیراز عزیمت مینمایند

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بارکلی نمره ۱۲ وزارت خارجه
۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ شوال ۱۳۲۹

در هفته گذشته یک رشته سوال تکرار دیده شده که مسئله یاران اعزام شود نظر به تلگراف امروز شما آیا تصور میکنید اعزام آن معوق شود یا اعزام استعدادی را که منظور بوده مستر لازم میدانید .

از تلگراف ۶ اکتبر ۱۹۱۱ سرجارج بارکلی به سرادوارد گری
مطابق ۱۲ شوال ۱۳۲۹

تلگرافی دیگر از قونسول انگلیس مقیم شیراز رسیده
نظام السلطنه و صولت الدوله امروز ظهر حرکت نموده و حالیه در زرقان اردو زده است صولت الدوله ولی قصد خود را در معرض نمودن جاده و بقصر ابونصر نموده بود رفتار تأثیر محسوس

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری از طهران
۷ اکتبر مطابق ۱۳ شوال ۱۳۲۹

قشون دولتی طهران را اطلاع میدهد که سالار الدوله که ملتجی شده بود طرف بروجرد فرار نموده .

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بارکلی وزارت خارجه
۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ شوال ۱۳۲۹

رجوع به تلگراف ۷ اکتبر شما در باب اعزام قشون هندی برای شیراز اطلاعات خود را بتوسط ایران باین بیان مختصر نمائید که :

بلی حال مخاطره جانی و مالی اتباع دولت انگلیس در شیراز و جاهای دیگر دولت انگلیس مجبور است که عده مستحفظین قونسولگری خود در شیراز و همچنین در اصفهان را قدری زیاد کند .
هیچ اظهاری در باب سوار ظرف و قونسول ننمائید .

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بارکلی وزارت خارجه ۹ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ شوال ۱۳۲۹
رجوع به تلگراف ۵ اکتبر شما

بمجرد اینکه ترتیبی دلخواه دولتین داده شود به نحو دیگر میتوانیم تعیین استوکس را تصویب نمائیم .

ملفوف: سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه نمره ۲۲

۹ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ شوال ۱۳۲۹

در چهارم ماه حال وزیر مختار ایران به وزارت خارجه آمده و از سر آرتور نیکلسن در باب اعزام قشون هندی به ایران که در روزنامه تایمز اظهار درج شده بود سؤال نمود سر آرتور نیکلسن جواب داد که در عرض چند هفته ماضی اوضاع شیراز رو به بدتر رسیده و کلیه وضع جنوب ایران رو به طرف شورش و بلوای عمومی است

در عرض دو سه روز گذشته وضع شیراز و حالت بوشهر به حدی که حقیقتاً اتباع انگلیس در خطرات بوده اند بنابراین ما خیال داریم که بر عده سواران قونسولگری شیراز و ملحقه یک دو عده دیگر را اضافه نماییم ما حتی المقدور از اعزام قشون به ایران احتراز نموده ایم تا امید آنکه بنا بر اوضاع اقتضای حاضر بنماییم ولی تلگرافات اخیره ما جای خیال اختیار هیچ چیزی نبود که ما مجبور در اقدامات برای تأمین منافع خودمان را اختیار بنماییم.

میرزا مهدی خان استفسار نمود که آیا ما میتوانیم فرصت دیگر مجالی به دولت ایران بدهیم که در عرض آن مدت اقدامات لازمه از طرف آنها بشود بنمایند.

سر آرتور نیکلسن جواب داد که ما حقیقتاً دعوی نمیکنیم ما نمیتوانیم چرا که دیگر اوقات ما به مهلکه اندازیم منافع خودمان است و ما محترم دولت ایران را که به یک مملکت دوست بدبختی مصادف بوده ملامت نکنیم ولی وضع اتباع ما به قسمی سخت است که ما را مجبور به اقدام ملحوظ و سابقه است از فراهم نمودن اقدامات ممکنه برای احتراز نماییم (امضا ادوارد گری)

از تلگراف بعد سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

در تاریخ فوق

وزیر مختار ایران امشب آمده و اطمینان داد که دولت انگلیس اعزام قشون الحاق شیراز را موقوف دارد و ملاحظه دولت ایران اقدام در اعاده نظم تنها در حرکت با فعال سرگرم مصادمه و جدال با تفنگ محصور و بنا بر نوروز بیان بود او در جواب داده شد که دولت انگلیس در حال نمودن دولت ایران را با منافع مخصوص تصدیق دارد ولی اقدامات دولت ایران در این باب تا حدی موثر نخواهد بود با این اگر به واسطه حوادث غیر منتظره اشکالی حاصل ذات اتباع انگلیس وارد بیاید مسئولیت دولت ایران لسان خواهد بود و مقادیر اعانه انگلیس دولت انگلیس را مجبور به مطالبه غرامت و تعدیل خسارات وارده خواهد نمود و از اقدامات حالیه دولت ایران در تنبیه انگلیس قریب توضیح و ملامت خواهد شد

لهذا صلاح دولت ایران در این است که دولت انگلیس اعزام در فراهم نمودن وسایل لازمه برای حفاظت حال اتباع خود بنماید ما صحیحه چند لکه در ایشان قشون حاضر جواب را از آن که حتی الامکان لازم می داریم

وزیر مختار ایران پس از آن اظهار داشت که حرکات و تهدیدات ایران به واسطه تحریک و تشجیع نمودن دولت روس از شاه مخلوع است جواب داده شد که اگر وقتی دولت روس فی الحقیقه را نموده بود حرکات و مملکت ایران در این باب شاه مخلوع آنچه حقیقتاً بوده میشود اکنون به موجب دستورالعمل که در تلگراف ۸ اکتبر داده شده اعلان رسمی بنمایند.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳

طهران ۱۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ شوال ۱۳۲۹

قونسول شیراز خبر میدهد شهر نسبتاً آرام است بعضی سوارها به دفعات رفت و آمد نموده و خوانین بلوکات بغیر از قوام خلاص نمودند قوام الملک اعلانی منتشر نموده که ملتزم در حرکات او مخالف نظم و امنیت است صرف نظر از مخصوص ما فات از حکومت نظام السلطنه (رضا قلی خان) و حرکت او در دلخواه نیست.

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی در اداره خارجه نمره ۲۶

تاریخ ۱۳ - اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ شوال ۱۳۲۹

وزیر مختار ایران در اینجا اظهار داشت سالار الدوله با استعداد کافی عازم شیراز خواهد شد و اختلافات مابین صولت الدوله و قوام الملک مرتفع شده و اطمینان داده اند حکومت را در شیراز از نظم سریع تقویت بدهند میل دارم هرگاه رأی شما مناسب است این شرح مذاکره صحت دانسته برای اعمال نفوذ قونسولی در بهبودی اوضاع شیراز تأخیر .

از طرف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران

۱۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ شوال ۱۳۲۹

آقا رجوع بتلگراف ۹ شهر حال شما با کمال افتخار اطلاع میدهم که بتاریخ دهم شهر حال بوزیر امور خارجه نوشته ام و اطلاع از رأی قطعی دولت انگلیس در افزودن عده مستحفظین قونسولگری شیراز داده ام لفاً ارسال میدارم و ترجمه جواب جناب ایشان را هم لفاً تقدیم میدارم (جارج بارکلی)

(یادداشت سر جارج بارکلی به آقای وثوق الدوله) طهران

تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ شوال ۱۳۲۹

جناب . . . وزیر حسب دستور العمل وزیر امور خارجه دولت متبوعه خودم با کمال افتخار خاطر مبارک را مستحضر میدارم نظر باینکه مناظره حالیه ومالیه تابع انگلیس در شیراز و سایر جاها دولت انگلیس مجبور است که بر عده مستحفظین قونسولگری خود در شیراز و بعضی در اصفهان و بوشهر بیافزاید ... (جارج بارکلی)

(مراسله وثوق الدوله به سر جارج بارکلی طهران)

۱۱ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۷ شوال ۱۳۲۹

جنابا — در مضمون رقیمه مورخه ۱۰ شهر جاری جنابعالی در باب ازدیاد استعداد قونسولگری شیراز استحضاراً عالی آنکه و جواباً با کمال احترام اظهار میدارم خاطر محترم مستحضر است که تشویش از نظم در جنوب ایران که از چندی عمده دولت ایران بوده و مورد توجه مخصوص گردیده بود همینکه دولت شروع با اقدامات جدیده نمود و در نتیجه امیدوار بود دفعه قوام الملک و بحضور او در قونسولگری انگلیس ترجیح نمود ولی اقدامات راجعی نمود لیکن اراجیف حرکت شاه مخلوع و سالار الدوله دسایس بسیار بروز نمود و حواس دولتی متوجه بطرف شمال و اصلاح نقاط سرحد وارده نقاط نبها شد که برای انجام مقاصد الزم بود تا بر این دولت تقویت قوای خود را احتیاج داشتی بود برای شیراز از آسایش در جنوب عطف عنان دهد در حالتیکه برای استقلال آنهائی تهیه نیرو و پاسخی مصرف تمام مقصد تهیه ترسید تهدید رفت با ضافه تقویت سیاسی دولت انگلیس هم که مانع در باید اقدامات دولت ایران بمطابقت شاه مخلوع شرعی بود که بمنصه ظهور در روز رسید اکنون که عموم کنیت از اشتغال در شمال و جنوب فراغت حاصل نموده و در صدد عطف توجه بجنوب است که اهم خود را کاملاً مصروف بنظم امنیت در آنجا نماید اقداماتی که دولت انگلیس بر آن مصمم است طبیعهً بهانه برای دیگران بدست آید محرمانه سزاوار دوستانه روابط و وداد بین دولتین نیست .

اقداماتیکه دولت ایران در باب فارس در نظر دارد از قرار ذیل است که محض استحضار خاطر محترم می نگارد اولاً به مقصد وشتاب نفوذ قزاق (سواره و پیاده دولتیانه) که از طرف کاشان در حرکت اند و در روز در قم حرکت نموده بر این میشود که بمحض انجام مأموریت خود در کاشان فوراً عازم شیراز شوند

ثانیاً علاءالدوله در ایالت فارس تردیدی با استعداد دلارم از طهران حرکت خواهد نمود

ثالثاً صاحب منصبان سوئدی که مخصوصاً دولت ایران برای شیراز روانه داشته در این طرق و نواحی با استخدام ... حال مدتی مشغول کار هستند که نتیجه آن تردیدی ظاهر خواهد شد و استعداد کافی برای محافظت طرق جنوب اعزام خواهند شد

رابعاً دولت اقدام در اصلاح بین قوام الملک و صولت الدوله و نفس آنها که مخالفت و علاوه در انقلابات اخیر فارس شرکت نموده که عقوبت بالخواه خاتمه خواهد پذیرفت و آنها در کار رفع نمودن اختلافات بین خودشان هستند و مطابق قرارنامه که از آن سر ادوارد گری مخصوصاً مستحضر خواهند شد که در آتیه نظم و انتظام ادامه ... بوده و هم که باعث انقلابات اوضاع مملکتی بوده از نظر ... شده و خواهد شد مطمئنم که به فاصله قلیلی تا وقتی که هنوز در جنوب ... نظم مرتفع شده و آسایش کامل ... خواهد شد ضمناً ... در حفظ حال ذیل ... انگلیس و ... حارجه ... خواهد آمد ... منظور است خیالی که ساخته ... دولت ... هستند و دولت ایران ... دارد و دولت انگلیس را از اقدامات منظوره خود مستحضر نماید که برای دولت ایران تمام اقداماتی که ... نمود ساحر ... اقدام غیر منظوره از طرف دولت انگلیس ... ترتیبات ... را بعهده ... ندارد

(وثوق الدوله)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۳۰

۱۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ شوال ۱۳۲۹

رجوع به تلگراف ۱۲ - اکثر ... درباب شیراز و طرق جنوب علاءالدوله ... اظهار نموده که اگر قصد خود را دارد اعزام قشون به شیراز ... اطمینان داده که در صورت ... دولت انگلیس ... خودداری خواهد نمود ولی تردید دارم که آیا در صورت ... دیگر برای ... پیدا خواهد کرد با خبر ... که در ایران ... ماده ... در تلگراف ۱۳ اطلاع دادم ... در کار ... حدال هستند ... به فوریت ... به خصوص ... که ... همراه آنها ... قرار داده ... ایران ... علاءالدوله ... و در این ایام ... دولت ایران ... بین قوام الملک و صولت الدوله داده اند ولی علاءالدوله ... اصلاحی را ... در جواب ... ذیل را ... نموده

... قوام الملک ... صولت الدوله ... نموده ... سر ادوارد گری ... مواد عمده آن ... بوده : — ... دولت ایران ... اعزام ... صولت الدوله ... قوام الملک ... شرایط آن ... قرارداد ... خواهد داشت

... اطلاع ... که قوام الملک ... صولت الدوله ... قوام الملک ... نظر به ... در قرارداد ... که ... اراده نمودن اعزام قشون انگلیس

اوضاع شیراز رو به بهبود است — بنابراین اگر مقصود از حضور قشون بهبودی شهر شیراز بوده با اندکی فراهم شده و اگر علاءالدوله
هم بر دو هزار نفری که لازم خواهد شد تحمل [illegible] بدست آنها هیچ باز هم لزوم نظر باقی است (اگر جسارت [illegible] ۸ اکتبر تلگراف
نموده ام) عبور طرق یا امر از این موضوع خارج هم ممکن است در اینجا ایران اطلاع بدهم که اعزام قشون را [illegible] خواهیم
انداخت ولی اگر پس از انفصال اقتدار علاءالدوله حرکت نکرد قشون با عازم شیراز خواهد شد
وضع طرق و [illegible] شفقت نیست و یک [illegible] لاینقطع برای تکمیل را لازم دارد که اگر [illegible] شود هیچ خیال [illegible]
حمله بختیاری رئیس که در روز [illegible] اطلاع دادم سرقت عظیم ازمال [illegible] انگلیسی در حوالی بندرعباس [illegible]
قنسول کرمان نیز براین است که هیچ راه تردد بین آنجا و بندرعباس مفتوح نیست و اوضاع آنجا خیلی بدتر از آن است که
قنسول شیراز مینویسد [illegible] دو فقره تلگراف [illegible] از قنسول شیراز و قنسول جنرال بوشهر را هم در زیر [illegible] ملحق مینمایم.

(تلگراف شیراز مورخه ۱۳ اکتبر مطابق ۱۹ شوال ۱۳۲۹)

تمام سیمهای خط بوشهر در عوض چهل ساعت [illegible] منقطع بوده یک علامت دیگر [illegible] که برای بارها [illegible]
سرقت کرده و تحت تصرف خویش نموده اند [illegible] در این سرقتها [illegible] تلگراف
شده اینجا [illegible] کشف شده جسارات وارده [illegible] قطع شده [illegible]
از آن سرقت [illegible] تحصیل [illegible] برای عمله کار [illegible] غیرممکن است و بنابراین [illegible]

(تلگراف بوشهر مورخه ۱۳ اکتبر)

(علاءالدوله تلگرافی [illegible] نظام السلطنه و صولت الدوله که تابع دولت هستند [illegible]
[illegible] در عوض [illegible]
املاک نظام السلطنه هم ضبط دولت است باید تصرف نمایند
نتیجه اعزام [illegible] شده که [illegible] در طرق [illegible] (کاکس) در تلگراف [illegible]
یک [illegible] جسارت [illegible] تلگراف را از باب [illegible]

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۳۱ طهران
مورخ ۱۴ اکتبر مطابق ۲۰ شوال ۱۳۲۹

دولت ایران به من اطلاع میدهد که صولت الدوله [illegible] علاءالدوله را [illegible] نموده اند

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی نمره ۳۲۰

وزارت خارجه ۱۴ اکتبر ۱۹۱۱ [illegible] در حدود ایران تلگراف [illegible] اعزام
[illegible] تا ۳۱ اکتبر [illegible]
آن تاریخ [illegible] برای [illegible]
[illegible] (نفتنانت) [illegible]
کاکس طرق [illegible] اعزام خواهد شد [illegible]
قشون [illegible] (نفتنانت) [illegible] کاکس است [illegible]
شیراز [illegible] نمایند —

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱

[illegible] اطلاع میدهد که [illegible] دولت [illegible]
خود [illegible] خزانه [illegible] خواهد بود —

ملفوف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۳۴

۱۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ شوال ۱۳۲۹

آقا — احکام افتخار ترجمه پیشنهاد ذیل را که در دهم اکتبر از مجلس گذشته مخصوص نموده ارسال که دولت سه نفر صاحب منصب مدیره و چهارده نفر صاحب منصب زیردستانی و سه نفر صاحب منصب خرد از قشون دولت سوئد [illegible] نمایند سه نفر صاحب منصب مدیره برای اداره کردن تفتیش خواهند شد یکی در مرکز قشون یکی در شعبه پیاده نظام و یکی در شعبه سوار نظام و توپخانه تحقیق از صاحب منصبان زیردستانی برای اداره نمودن تفتیش خواهند شد سه نفر در اداره قشون یکی در مدرسه عالی نظامی و یکی در مدرسه ابتدائی نظامی جانب پیشنهاد نموده ام سه نفر صاحب منصب باقی مانده محض ورود نفرها برای وجودانی پیاده نظام و سوار نظام و توپخانه منصوب خواهند شد لیکن فقط برای اداره نمودن و فرماندهی است (سر جارج بارکلی)

پیشنهاد در باب [illegible] صاحب منصب سوئدی است که در دهم اکتبر ۱۹۱۱ از مجلس گذشته

مستدعی [illegible] مع پیشنهاد ذیل را الصوت [illegible] والاحضرت نایب السلطنه امضا [illegible] باشد

ماده ۱ — وزارت جنگ دولت علیه ایران مجاز است که [illegible] نفر صاحب منصب سوئدی مطابق فصل مواد ذیل برای منتظمات اداره تعلیمات علمی و فنی نظامی استخدام نماید

ماده ۲ — عده صاحب منصبان سوئدی که مدت سه ساله [illegible] میشوند چهارده نفر صاحب منصب زیردستانی و سه نفر صاحب منصب مدیره خواهند بود

ماده ۳ — سه نفر صاحب منصب خرد دیگر سه ساله [illegible] میشوند که با صاحب منصبان مذکور در ماده قبل مساعدت نمایند و کفیل قشون کار [illegible] صاحب منصبان خرد را تعلیم و فنون بدهند

ماده ۴ — چهارده نفر صاحب منصبان زیردستانی از قرار ذیل در قشون تقسیم خواهند شد

وزارت جنگ ۳ نفر صاحب منصب (پیاده نظام ۶ نفر) (سوار نظام ۲ نفر) (توپخانه یکنفر) (مدرسه عالی نظامی ۲ نفر)

ماده ۵ — سه نفر صاحب منصب مدیره از این قرار تقسیم میشوند

وزارت جنگ یکنفر صاحب منصب (پیاده نظام یکنفر صاحب منصب (سوار نظام و توپخانه یکنفر صاحب منصب

ماده ۶ — سه نفر صاحب منصب خارج از صنف از این قرار تقسیم میشوند

سوار نظام یکنفر — توپخانه یکنفر — مدرسه نظامی برای صاحب منصبان خرد یکنفر

ماده ۷ — برای استخدام چهارده نفر صاحب منصب زیردستانی و سه نفر صاحب منصب مدیره و سه نفر صاحب منصب خرد مبلغ [illegible] هزار و سیصد و [illegible] تومان اعتبار به وزارت جنگ داده میشود

ماده ۸ — تقسیم صاحب منصبان کلی و خرد مطابق ذیل خواهد بود

وزارت جنگ — رئیس قشون که مدیر [illegible] خواهد بود یکنفر

سلطان برای پیاده نظام یکنفر

سلطان برای توپخانه یکنفر

سلطان برای مدیر اداره قشون یکنفر جمع ۴ نفر

پیاده نظام — سلطان برای نظام ۳ نفر (نایب اول ۳ نفر)

سلطان برای مدیری اداره پیاده نظام یکنفر جمع ۷ نفر

سوار نظام (سلطان برای سوار یکنفر (توپخانه - نایب اول برای توپخانه یکنفر
نایب اول یکنفر (صاحب منصب خارج از صف یکنفر
صاحب منصب خارج از صف یکنفر
۳ نفر
جمع ۳ نفر

برای اداره سوار نظام و توپخانه نایب اول یکنفر
مدرسه نظامی برای صاحب منصبان —
سلطان برای پیاده نظام یکنفر
مدرسه نظامی برای صاحب منصبان جزو —
نایب برای پیاده نظام یکنفر
صاحب منصب خارج از صف یکنفر
مجموع ۲۰ نفر

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۴۱

۱۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ شوال ۱۳۲۹

آقا رجوع بتلگراف ۱۳ شهر جاری خودم با کمال افتخار اطلاع میدهم که وزیر امور خارجه ایران در رشت تضمین صاحب منصبان مستحفظین
و فونلکی سرار می‌نگارد نقل ارسال میدارم (جارج بارکلی) ......

سر ادوارد گری بسر جارج بارکلی طهران

۱۸ اکتبر ۱۹۱۱

جناب رجوع بمراسله ۱۱ - اکتبر خودم در جواب جنابعالی در موضوع اضافه شدن مستحفظین قونسولگری شیراز با کمال احترام مستدعی است جنابعالی را
مستحضر بدارم که ملاحظه نقشه جات علاء الدوله نفر بالعرفانی فارس اوضاع اسلحه شهر شده و همانا شهر در کمال آرامی و سکوت است
واسع توزیع تفنگ در حوالی آنجا است جناب سابق هم بجنابعالی اطلاع داده شده عده قزاق در کاروان مامور شده اند باتوپ و سلاح خودشان
شیراز بروند و بعداً دیگر هم که عبارت از سه هزار نفر میشود خواهند رفت و پیاده خواهند شد صاحب منصبان سوئدی هم مشغول ترتیب ژاندارمری
برای فارس هستند که پس از تعلیمات مقدمات اند نفر از صاحب منصبان سوئدی که در اوایل دسامبر وارد خواهند شد با دسته از صاحب
منصبان ایرانی با شما در ساده خواهند شد برای تعیین تمام تمرینات دستورالعمل داده خواهد شد که قرار از ورود صاحب منصبان
سوئدی عده که برای ژاندارمری لازم است در اینجا تهیه شود که بمحض ورود صاحب منصبان مزبور شیراز بروند و فوراً مشغول انجام
امور خودشان شوند و بعضی از سیاست سرباز که از اصفهان وارد شیراز شده اند دستورالعمل داده شده که اگر دولت
ایران تلگراف ارسال جنابعالی در شمال و جنوب آورده شده ولی تردید نیست که توجه بحرکت نموده که سهیت کاملی را دارد اگر چه
منظور دارد.

استماع اعزام ۵۰۰ نفر قشون هندی از بمبئی در ۲۴ اکتبر بطرف شیراز از طرف دولت ایران در مقاصد دولت
و در دار شوخوره بین دولتین است و مخاطره برای ایران در سرحد فارس و اوضاع خودش برای نظم خوب معلوم نیست و مردم بیحال خواهند شد
علاء الدوله که معتقد است دولت ایران کفایه بعضی نیست که بتواند نظم و امنیت را در فارس شیراز برقرار کند قشون خواهد نمود
میدارم نظر بر توضیحات مکتوبه در مراسله ۱۱ شهر حال خودم بجنابعالی داده بودم خیال دارم تا بتوجه خود نظر آثار اعزام قشون

مرور و متصرف خواهند نمود حال آنکه خبر نصف عده قشون رسیده است در صحت آن تا چه درجه نقطه دولت ایران اختلال حاصل
نموده مسئله علاء الدوله بعینه استماع این خبر فتح و غنیمت [illegible] را نموده اظهار میدارد که در حکومت خودش [illegible] از تسهیل ترویج اقدامات
خارجی بود

حالیه معلوم است که بعض علاء الدوله در عدم استعداد که ذکر شده و فراهم است که دولت ایران در نظر دارد و مقدمات آن بعمل آید برای استقرار
نظم در فارس و سعید است که بهتر از اعزام قشون سهل است که ممکن است نتیجه تأخیر جلوگیری بجهة مقصود بوده بنماید و اقدامات دولت
ایران را هم بی اثر سازد

بنا بر این امید است که خیالات برای رفع [illegible] دولت متبوعه خود را از اقدامات دولت ایران مستحضر نموده و انرا از اعزام قشون
[illegible] متصرف خواهند داشت که علاء الدوله هم با سرعت حرکت نموده و اوضاع فارس را منظم نماید منتظر جواب شما هستم
(وثوق الدوله)

در جواب دولت تلگراف عرض مینماید

از تلگراف ۲۱ آگست استفاده میشود تصمیم عزم شده است که ۳۰۰ نفر قشون انگلیسی اعزام شود و بنابراین [illegible] از تلگراف
۱۸ آگست استنباط نمودم که وضع طرق با [illegible] ملاحظه خارج شود صحیح بوده بجهة معلوم میشود که منظور بودن یک قسمت از قشون
برای حفظ طرق هم جزو نقشه بوده

با این ملاحظات خسارت [illegible] صلاح آن است دولت ایران اطلاع بدهم که محتمل است استعداد مزبور در فارس مال التجاره انگلیس را هم
همراهی و محافظت نمایند محض اینکه [illegible] دولت ایران در باب طرق [illegible] از نظم [illegible] قشون
اضافی عودت داده خواهد شد

از تلگراف ۱۸ آگست سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری مطابق
۲۳ شوال ۱۳۲۹

دولت ایران بمن اطلاع میدهد که در توقف محمد علی میرزا در دارالحکومه استراباد [illegible] احتمال دارد در اینصورت ورود مشهد
هم هست

همکار روس من در بودن [illegible] دلیل [illegible] دارد

از اطلاعات [illegible] استنباط میشود که محمد علی میرزا از [illegible] استراباد بطرف [illegible] عازم است [illegible] عازم مشهد است

در جواب تلگراف [illegible] خسارت معمول دارم

[illegible] از مشهد تلگراف نموده که حکومت [illegible] منتظر ورود محمد علی میرزا [illegible] است

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۵۳
۲۴ آگست ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ شوال ۱۳۲۹

آقا در تعقیب مکتوب ۲۴ شهر ماضی خودم با کمال افتخار خاطر مبارک را مستحضر میدارم که شکست کاملی ارشد الدوله و تمام شدن
استعداد سالار الدوله لطمه بزرگ [illegible] را در هم شکسته
شکست هر یک از اینها بطوری قطعی بوده که مخاطراتی که از طرف شرق و غرب [illegible] تهدید میشود [illegible]
در جنگ اولی قشون دولتی [illegible] ۱۰۰۰ نفر [illegible] بختیاری [illegible] سردار محتشم
و سردار بهادر [illegible] ([illegible]) [illegible]

دولت ایران است در صحاری که قشون لرستان را که عده آنها ۲۰۰۰ نفر بود در ایام شاهزاده جعفر قلی میرزا در دهات در اطراف
مغلوب و متواری نموده و ارشد الدوله را دستگیر و بعد تیرباران نمودند بعد از این جنگ و فتح مختصر دیگری که قشون دولتی در تحت فرماندهی
سردار محیی در ساوه کرده نموده بود پیش آمد که سه روز در عرض آن تهاجم قشون ارشد الدوله از آنها مرکب بود تقریباً تولید
خودشان قرار نمودند

اینجا سکه برای شاه مخلوع در مازندران زده شد و بود حاکمه در مقابل اخراج سردار سرور لواداره را ترک نموده در (قره تپه)
به اینها تنشه و فقط با ۷۰ نفر همراهان خود خود را تمکین به رسانید چند که آزاد نشده سند و از افراد زاید نفر تا
۱۰۰۰ نفر همراهش در حوالی شهر آباد بوده

قشون سالار الدوله بعد از مغلوب نمودن امیر مفخم در ملایر تقریباً ششم ماه گذشته سلطان آباد را تصرف نموده و بجار رفت که در
تحت سرکردگی سردار ظفر و سردار جنگ در آنجا بودند تقریباً کشت نمودند

سالار الدوله خودش از حوالی سلطان آباد گذشته با تعدادی مرکب از (۴۰۰۰) نفر (۱) بطرف تهران حرکت
نمود بقصد رفتن بطهران از راه ساوه باز زد از قرار اطلاعات از طهران چنین مستفاد میشد که او حالا برای خودش شخصاً کار زیادی میکند
آن ملک است بخودش تعلق داده بود فقط جمعی است که در ایران مخصوص ... طلب است بمکه متوقف شد و از راه ... عازم است
قشون دولتی مرکب و مسلح مرکب از ۲۰۰۰ نفر از بختیاری در تحت فرماندهی بهرام و سردار محتشم و سردار بهادر بمقابله او حرکت کرد
در ۲۳ ماه گذشته بختیاریها هم در تحت حکم سردار ظفر و سردار جنگ ملحق با هر قشون شده در حوالی قریه ... تاریخ ماه که در ۸
میل ساوه واقع است با قشون مخالف مصادف شدند قشون دولتی شکست یافت به ۲۰۰۰ مقتول شد
قشون لرستان مرکب بود از جمعیت طوایف مختلفه (کلهر - لر و غیره که ۶۰۰۰ نفر میشدند در تحت سرکردگی
داوود خان رئیس کلهر ها بود ... انقلاب نتیجه جنگ متواری شدن قشون مخالف با ۵۰۰ نفر مقتول بود تلفات
از طرف دولتیان خیلی جزئی بود

لرستان مغلوب بطرف ... فرار نمودند و سالار الدوله ظاهراً شرکت در جنگ نکرده بود و در تهران منتظر نتیجه بود
از قرار معلوم حالا در حوالی همدان است و قشون دولتی تحت در تعاقب او هستند قشون طرفدار شاه مخلوع که تا حال
مغلوب نشده ما ره است و شجاع الدوله در آذربایجان است که قوه در تحت تصاحب مخفره در حوالی تبریز طرف
مقتولین دو یا پنج را که قریب است واقع در ۳۰ دقیقه ساعتی بطرف شرقی تبریز تصرف نموده اند و حتی مسئله قره ملک را
که به ده دقیقه ساعتی طرف شرقی شهر واقع است اشغال نموده اند بعد راه (صوفیان) که هنوز مفتوح است
تبریز فعلاً در محاصره است ولی در عرض دو دفعه حمل و مخاصمه واقع نشده است

طابق ... سالار الدوله شاید ... شجاع الدوله را تحریک نموده که بعض از اینها قشون او مرا کرده است و بنابراین در ...
بالعکس در تبریز تعداد است برای این که معتقد است او فقط باید حصول بعضی شرایط برای خودش است

(چارلز مارلنگ)

---

(۱) بموجب اطلاعاتی که بعد از تاریخ مزبور رسیده است عده قشون سالار الدوله در این مواقع بالغ
بر (۲۰،۰۰۰) نفر بوده.

خلاصه جریانات مهم راجع به ایران از طهران نمره ۵۴

۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ شوال ۱۳۲۹

مجلس در جلسه ۱۷ و ۲۴ سپتامبر تمدید کنترات ۸ نفر بلژیکی مستخدم گمرک موضوع بحث بوده تصویب شد مواجب آنها

از قرار ذیل است در هر سه سال

رئیس گمرک بوشهر سال اول ۱۷ هزار فرانک دوم ۱۸۰۰۰ سال سوم ۱۹۰۰۰ فرانک

رئیس گمرک انزلی " " "

رئیس گمرک ... سال اول ۱۵ هزار فرانک دوم شانزده هزار فرانک سال سوم هفده هزار فرانک

نایب رئیس اداره ... سال اول نه هزار فرانک دوم نه هزار و پانصد سال سوم ده هزار فرانک

رئیس گمرک آستارا سال اول چهارده هزار فرانک دوم پانزده هزار فرانک سوم شانزده هزار فرانک

رئیس گمرک بندرعباس سال اول سیزده هزار فرانک دوم چهارده هزار " سوم پانزده هزار

رئیس گمرک مشهد ... سال اول سیزده هزار فرانک دوم چهارده هزار " سوم پانزده هزار فرانک

معاون گمرک آذربایجان سال اول نه هزار فرانک دوم نه هزار و پانصد سوم ده هزار فرانک

در جلسه ۱۹ سپتامبر راپورت کمیسیون معارف راجع به تأسیس ۵ مدرسه ابتدائی که پیشنهاد شده بود قرائت و تصویب شد

یک مدرسه برای طهران و سایر مدارس برای ولایات برای مدرسه طهران در نظر است سالی ۲۰۰۰ لیره ... برای هر یک از

مدارس ولایات سالی ۸۰۰ لیره نصفت از ... باید ... نصف دیگر ... تعلیم ...

در همان جلسه ... لایحه را برای استخدام ۷ نفر ... دیگر تقدیم نمود یک ... سلطان ... سلطان

برای ... و دایر ... برای ... مدرسه ... ۲۸ هزار ... برای ...

... درخواست شده بود که ... تصویب شد.

... مهندس تلگراف ... ایران ... سه سال از قرار

سالی ۸۰۰ لیره ... تصویب شد

در ۲۴ سپتامبر ... را برای ... در نظر گرفته ... شاد

سالی ۳۰۰۰ تومان ... اعطا شد

روزنامه ... روزنامه ... روزنامه ... که ... حالا ... دفتر ...

...

در ادارات ... برای ... شروع ... که ... تهران ... که اگر ادارات

... شروع ... تهران ... نموده ... را ...

گیلان و مازندران

تو ... گیلان آرام است در مازندران حالیه در تحت سلطه حکومت مرکزی است ... ولی ...

... ملحق شده بود ... ادارات

... ترکمن ... در ... شده

مشهد

... آرام ... در ... سپتامبر ... ساعت ... نموده ...

(کاشان)

سواران نایب حسین و ماشاءالله و معاونین بختیاری‌ها و منشیان باشی خیلی شده در ۲۲ سپتامبر پسر نایب حسین به کاشان حمله کرد و بعد از دو روز
مواجهه با مدافعین بختیاری شهر را تصرف نمود
در اقدامات روسی که نظر به اینکه سامانه‌ای باشی حسین‌ها را گرفته اسب و سلاح و سایر ملزومات آنها را ماخوذ داشته بود ولی ظاهراً اصلاح
جوانرا در شهرزاد ایران سرکرده و در تنهائی آنها دیده
ملکیه قزاق ایرانی در تحت سرکرده کی ۲ توپ صاحب منصب روسی از طهران به مقابله باشی حسین فرستاده شد.

(یزد)

اوضاع یزد هم اگر اسبت از قرار معلوم هیچ مرکز قدرتی در آن سمت نیست شهر و نواحی در تحت تسلط الوطات است
از طرف دولت نوابی الصدر کرمان اعزام شد که در عبور از یزد انتظامی بنماید ولی با قال نتوانسته داخل شهر شود بعضی از مامورین
دولت با تلگرافخانه ملتجی شده آدم‌های سردار مطلق آنجا را احاطه نموده

(سمنان)

طرق اطراف سمنان به واسطه [illegible] ناامن است ثابت شهر آرام است

(کرمان)

امیر اعظم هنوز به مقر حکومت خود نرسیده سردار نصرت به موقع مشغول کار است

(کرمانشاه)

پس از حرکت سالارالدوله شهر با قدری آرام بوده حرکت نام اشخاص سرزیر بتعاقب قشون او حرکت کرده‌اند

(همدان)

بعد از شکست در ۲۷ سپتامبر سالارالدوله از طرف همدان عقب نشسته و قشون جزئی تحت [illegible] ادامه شد
به سمت جنوب و صحنه او در اوایل اکتبر وارد همدان مشغول تهیه دفاع شده سیم‌های تلگراف مقطوع شده فقط
وسیله مخابره با طهران خط تلگراف [illegible] از راه [illegible] است حسن [illegible] سلماس [illegible] ثابت

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه
۲۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ شوال

شما دولت ایران را مطلع نمائید که اگر طرح نقشه تبریزی برای سپهدار با همین خط طرق نمائید قشون دولت
انگلیس فقط صرف ممانعت [illegible] و [illegible] داخل [illegible] شهر حواله شد [illegible] استفاده مسافرین
نخواهد نمود و فقط اجرای نقشه دولت ایران خواهند شد
قشون تا حال حرکت نموده تقسیم آنها بین اصفهان و شیراز دو شهر منوط به تعیین شما است

تلگراف سر ادوارد گری به سر ادوارد [illegible] وزارت خارجه
۲۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ شوال

مسیو [illegible] (گندروف) را ملاقات کرده و مبالغه نمودم که هیچ چیز در لزوم شغل اول ایران
فرض ملحوظ نمی‌شود تمام [illegible] کاندروف جواب داد که مسیو [illegible] از اشغال خاطر با قبض شهر [illegible]
تمام امورات ایران مشغول است برای دولت روس اشغال نایدز است که بگذارد دو [illegible]

هیچ جواب نموده در ایران استبداد حاصل نماید گفت بر بودن اطلاعی از اینکه منتظر بودن حرکت قشون بوده است
در جواب لیکن اظهارات می‌نمایم نمودم که البته دولت روس از [illegible] خود از اسقوط به تفصیل بر بیند باید در حفظ آن اهتمام نماید
ولی نظر می‌رود دولت انگلیس [illegible] را بیش از اندازه اهمیت نموده لطف نموده در موضوع فوق با مسیو نراتوف
مذاکره نمایند.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران
۲۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق غره ذیقعده

در موضوع تلگراف دیروز شما به دولت ایران اطلاع داده ام در جواب قونسول انگلیس خبر داده است که ممکن نیست
دولت [illegible] قشون را که از دو صد نفر باصفهان اعزام دارد

تلگراف مستر اوبرین به سر ادوارد گری سن پطرزبورغ
۲۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق سلخ شوال

آقا — امروز وزیر امور خارجه [illegible] را ملاقات نموده و در موضوع اظهارات شما که در تلگراف مورخه ۲۳
اکتبر اظهار شده بود در باب قرارهای اخیر دولت روس در شمال ایران مذاکره نمودم مسیو نراتوف اظهار
داشت [illegible] که شما استقلال دولت ایران را طالبید دولت روس هم طالب است ولی اعزام [illegible] قشون [illegible]
باعث [illegible] آن نخواهد شد
اعزام قشون سابق روس [illegible] حضور قشون روس در [illegible] نتیجه نبخشید ولی [illegible] افتادن
[illegible] این ماه موضوع [illegible] داد [illegible] را [illegible] نمودم که از قونسول [illegible] مذاکره نموده بود [illegible]
جواب داد که لفظ قونسول در [illegible] است [illegible] مسیو نراتوف [illegible] که در ۱۹ اکتبر
نموده بود [illegible] اظهارات [illegible] در باب [illegible] دولت
روس [illegible] نخواهد بود [illegible] دولت [illegible]
[illegible] در نظر بود نخواهد نمود [illegible] صریح [illegible]
[illegible] تصور [illegible] که [illegible] اقدامات [illegible] از طرف دولت روس [illegible] نماید ولی [illegible] نبخشید
[illegible] نماید
(اوبرین)

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه
۲۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق غره ذیقعده

دو [illegible] قشون در ۲۰ و ۲۱ اکتبر [illegible] حرکت نموده [illegible] اعزام سریع [illegible] قشون [illegible]
[illegible] مذاکره نماید [illegible] نایب السلطنه [illegible] لوازم [illegible]
[illegible] دیگر موافقت نموده ام [illegible] دیگر [illegible] نخواهد شد

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران
۲۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیقعده

[illegible] نموده ام که [illegible] در فراهم نمودن [illegible]
[illegible] قشون [illegible] نماید [illegible] نمود [illegible] شده است که [illegible]
نموده [illegible] عهده نماید

تلگراف سر ادوارد گری به [illegible] وزارت خارجه (۲۶) اکتبر ۱۹۱۱
[illegible] دارم که [illegible] استقلال ایران [illegible] روس [illegible]
جغرافیائی [illegible] دولت روس [illegible] دولت [illegible] نخواهد گذارد.

این مسئله را اگر فعلاً تصادف وقت نوشتن [illegible] خواهم نمود و لازم ظاهر نیست که اصرار در قبول نمودن تقاضاها در [illegible] از استخدام
دولت انگلیس و در محل خدمت دولت ایران شدنش در واقع تصریح نمی‌نماید بجز اینکه نوبلی برای دولت ایران نا امید شود تقسیم دیگر
طرف حکومت‌ها هیچ نخواهد نمود و همین قسم تردد نباید خواهد بود تا در جنوب کار تجارت ما و ارد خواهد آمد لهذا لازم است مراودات
مساعدت قولی با دولت ایران بشود
بمحض فرصت تا این باید در موضوع فوق با وزیر امور خارجه روسی مذاکره نماید -

مکتوب مستر اوبرین به سر ادوارد گری سن پطرزبورغ
۲۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیقعده

آقا - رجوع به تلگراف ۲۱ شهر جاری خودم تا حال قبض سواد مکتوب خصوصی که مسیو نراتوف درباب ازدیاد تعداد
قونسولگری روس در رشت و اصفهان به من نوشته لفاً ارسال نموده‌ام (امضا اوبرین)

سواد مکتوب به مسیو اوبرین از طرف مسیو نراتوف سن پطرزبورغ
۲۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق غره ذیقعده

مستر اوبرین عزیزم - در باب دوشنبه مورخه ۴ اکتبر خودم شما را اطلاع دادم که ممکن است دولت امپراطوری به واسطه نظر به اوضاع
ناگوار ایران مجبور باشد مستحفظین بعضی از قونسولگری‌های خود در آن مملکت بیفزاید
پیش بینی مذکور حالا به عمل آمده و در این قطعی گرفته‌اند ۱۵۰ نفر مستحفظین قونسولگری اصفهان و ۱۰۰ نفر به قونسولگری رشت علاوه
گرفته و لیکن عده قشون همین زودی فرستاده خواهند شد (امضا نراتوف)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران
۲۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیقعده

تا حال هیچ خاطر مبارک را مستحضر نموده‌ام که خزانه‌دار کل مستر «هیکاک» را مستر شوستر تابع انگلیس را که مدتی
خود در اصفهان و پیش از این نموده مختار است شش مستر هیکاک نوشته تا بعضی از طرف دولت روس تا در خون جنرال
قونسول انگلیس در اصفهان خبر رسیده که بیمار روس خودش عنقا طالب انتقال [illegible] انگلیس در منطقه روس نموده
رفقا از سه قوم مستر هیکاک که در زمین نکاح نموده از سنه ۱۸۹۷ در اصفهان دارای شغله بوده است مع ذلک در
اعتقاد تصدیق روس بودن او برازم مسیو بلکوسکی کاملاً منحصر است که این شش نفع مروی اطلاع می‌بوده و تکلیف سیم تک
شخص مستر را از قبول تعلیم مربوط خزانه‌دار کل تا و تعویض بیرون ننمایم .

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران
۲۹ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ششم ذیقعده

از اطلاعات واصله به بیمار روس مرتجع سپهدار متنوعه که متحرک میرزا امیر لسان الملک [illegible] دارد که با ارسیاب [illegible] حکومت
دولت ایران بشود و چهار سه قشون ما به او در قشون اعلیحضرت بگیرد و قشون دولتی تا ده که در شهر قره داغ و در کنار
بحر خزر واقع است از قرار که خبر رسید معید در یکی از جنگ‌ها حمله قشون دولتی که عده آنها از ۱۵۰۰ نفر بوده شکست شده

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۷۶
طهران ۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذیقعده

در ضبط اموال برادران شاه مخلوع به واسطه سهم شدن آنها در شورش جنرال قونسول دولت روس به قوه جبریه مداخله نموده شرح دو واقعه
تاریخ ۹ و ۱۰ اکتبر مختصراً از طهران مخبره نامه اطلاع داده‌اند از این قرار :-

(۱) طهران ۹ اکتبر مطابق ۱۵ شوال
بموجب امر کابینه امر خزانه‌دار کل مستر شوستر حسب و تحفظ [illegible] فرستاده که املاک اموال طهران شعاع السلطنه را
که ضبط دولت شده است برداشتند ۲ نفر از چاپار اجزای قونسولگری با لباس رسمی با ۱۰ نفر قزاق روسی مأمورین را از دیوان مالیه
تخویف نموده و بیرون نموده و به آنها هم خشونت نمودند
لیکن حقه تا حال غیر مکشوف مانده چون شعاع السلطنه دعوی در صاحب عثمانی بودن را دارد نه روس. بنابر آن دعوی رجوع به اوراق
مجاز از روس شده
(۲) طهران ۱۰ اکتبر

واقعه دیگری دیروز در باب ضبط اموال مختلفه شعاع السلطنه رخ نموده قزاقان روسی با تفنگ‌های شصت تیر جنرال قونسولگری
در سر اموال حاضر بودند آنها تحویلداران ژاندارم خزانه و تفنگچیهای شصت تیر را که برای نقش صورت اموال فرستاده شده بودند
دستگیر نموده و آنها را [illegible] نموده به قونسولگری روس فرستادند
امروز یک عده کثیری ژاندارم خزانه بمنزل شعاع السلطنه رفتند و در آنجا فقط یک عده قلیل قزاق ایرانی دیدند آنها را خلع سلاح نموده
و املاک را تصرف نمودند
از قرار مذکور حالا قزاق روسی از تمام املاک برداشته شد
تمام این مسائل از [illegible] بواسطه [illegible] (پتچانوف) جنرال قونسول روس بوده
وزیر مختار روس مسئله را اصلاح نموده و خطا را [illegible] دولت ایران از این اقدام جنرال قونسول [illegible]
نموده از این واسطه یک [illegible] خواهد نمود که اقدام جنرال قونسول روس ضدیت در ضبط اموال شعاع السلطنه
که تبعه روس نیست بوده

امروز وزیر مختار روس در جواب [illegible] ژاندارم [illegible] را (که متصرف اموال شدند)
اموال شعاع السلطنه نموده [illegible] اموال نزد بانک روس [illegible] کرده و یک از آنها در اداره تبعه روس بوده وزیر مختار روس
تمام [illegible] را در باب حقوق دولت روس با دولت ایران داده بود ولی دولت [illegible] دعوی خود را [illegible]
که [illegible] جنرال قونسولگری روس ژاندارم [illegible] تصرف اموال [illegible]
[illegible] که مطالبه [illegible] که در ۱۰ [illegible] در موضوع اموال مذکوره رخ نموده [illegible]
[illegible] که از قرار مذکور [illegible] مصرف اموال بوده [illegible] جنرال قونسولگری [illegible]
[illegible] رفته [illegible] جنرال قونسولگری که [illegible] بانک [illegible]
[illegible] ژاندارم [illegible] وزیر [illegible] ایران [illegible] وزیر مختار روس [illegible]
[illegible] قونسولگری [illegible] ولی دولت روس [illegible]
رد نموده و دعوی [illegible]

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی نمره ۷۸
۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ ذیقعده

آقای [illegible] وزیر مختار ایران [illegible] وارد قونسول روس [illegible] در باب تحریک [illegible] شاه مخلوع و [illegible]
[illegible] روس در [illegible] شاه مخلوع [illegible] نموده [illegible] که شاه مخلوع [illegible] اسلحه و آلات [illegible]
و [illegible] داده است ولی [illegible] روسیه خواهند [illegible]
در باب [illegible] دولت روس [illegible] نمود که [illegible] شاه مخلوع نموده [illegible] در موضوع [illegible] نموده [illegible]
[illegible] خودشان [illegible] که از [illegible] مخالفت [illegible] که الآن [illegible] از
گمرک [illegible] شود
سر [illegible] از وزیر مختار [illegible] که [illegible] در این مسئله [illegible] روس
[illegible] ایران [illegible] وزیر مختار [illegible] که
[illegible] روسیه با شاه مخلوع [illegible]
سر [illegible] اظهار [illegible] نمود [illegible] دولت [illegible] هیچ مدارکی برای [illegible]
در موضوع [illegible] ندارد
(ادوارد گری)

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی نمره ۷۹
وزارت امور خارجه ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیقعده ۱۳۲۹

وزیر مختار ایران [illegible] که [illegible] روس در طرف [illegible] پیاده نموده و [illegible] که از طرف
شاه مخلوع [illegible] نموده [illegible] در صحت این خبر [illegible]

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۸۰
ششم نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذیقعده ۱۳۲۹
دعوی تقویت روس بی‌پایه و مخدوش

خبری در اینجا منتشر است که قشون روس شجاع نظام پیاده شده و در مجادله که در تلگراف ۲۹ اکتبر خودم اطلاع دادم شرکت نموده اند
اظهاریکه از طرف وزیر مختار ایران انتشار شده بخصوص روزنامه ای از این منتشر است تصدیق این خبر که رسیده مشتمل بر خبرات تو نقه
میدارد و جزو اسرا نیز بوده در وزیر مختار روس است که اظهار میدارد این روایت بی اصل است . معدودی سرباز بعد از انقضاء مدت که
عدم تمام اقامت از گرمخانه ها ظاهر شده بود در بندر جز پیاده شده از مرکز قشون بحری (آگورد) نا مدت طی تمرد خود
نموده بعضی از محرکین قشون دولتی برای مخالفه تمرکز به برده شده و نجیب هم اسکان شده اند
متعدده از قشون دولتی بشورد از آن نوبت لکری روس در بندر جز نامیده شده حمله از جنگ عده کثیری از آنها شخص شدند

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۸۱
ششم نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذیقعده
(ابراز احتیاط و دوستی روس در ایران)

بمشورت علائی از مکلف دولت ایران تقاضاهای وزیر مختار روس چنانچه در تلگراف دوم نوامبر خودم اطلاع دادم ظاهر است
بنابر این از طرف وزیر امور خارجه امروز صبح بمن رسیده و تأکید نموده که وزیر مختار روس را اعلامیه مرتبت تمام
میخواهد ادوم جواب دولت ایران باتفاقها تقاضای سلوک ... اظهار داشتم که وزیر مختار روس میتواند تکلیف ... عهده داد
بعد از بر ... تأکید همیشه با و داده است تغییر میدهد .

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی نمره ۸۲
وزارت امور خارجه ۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۹

در باب اقدامات ... دولت روس از این اقدامات رخش حاصل خواهد نمود و ممکن ... که برای ... خودش
بوسیله اقدامات جدی تعقیب خواهد نمود حتی ممکن است بخاک شمال ایران سرایت نمود
شما باید ... نصیحت ... که حتی المقدور با عهدنامه روس ملاحظه ... اقدامات مقصود
نموده که از طرف او مرور ... شما باید بصراحه ... تعهد ... که دولت روس السلطنه را دارد
و ... که اقدامات و جمیع ... شما بر ... او ... ممکن ... باید ...
که اگر ... اداره ... روس را اتباع ... نماید ... دولت روس ... حفظ منافع خود خواهد نمود
و دولت ... هم ... از این نوع اقدامات دولت روس ... که ... مقاوله نامه ۱۹۰۷ است
دولت ... ملتزم است ... توسط ... در نفوذ دولت روس در شمال ایران واقع شود ... نفع
ندارد . در خاطر دولت روس ... که در رابطه ... که ... داده ... تعقیب نموده ...
بعرصه ظهور خواهد رسید .

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۸۳
ششم نوامبر ۱۹۱۱ ۱۳ ذیقعده ۱۳۲۹
(واقعه بین روس و ایران در باب املاک شعاع السلطنه)

جواب دولت ایران در مقابل تقاضای دولت روس به لحن محترمانه و ملایم است ولی از اینکه تقاضا را ... رد ...
مرحله از امر قرار است که این تقاضاها بمقام دولت ایران در ارتباط و داد و ستد ... بین ایران و روس ... است .
دولت ایران به این قصور خود متمسک است و اظهار میدارد که اگر در این قضیه مسامحه بود دولت روس تصدیق خواهد نمود
در حق سیاست اوست . دولت ایران برای توضیح تمام واقعه حسن ظن ... و برای تحقیق مسئله حاضر است جواب دولت
روس بعد از تدقیق عمیقانه تقاضای خود را بنیان نموده حاصل ... استرداد دارد .

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی نمره ۹۱

۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غره ذیقعده ۱۳۲۹

آقا   وزیر مختار ایران امروز از سر نیکلسن سؤال نمود که آیا در باب التیماتومی که دولت روس در موضوع شعاع السلطنه پیش آورده تقویتی به دولت متبوعه او خواهیم نمود یا خیر

سر نیکلسن جواب داد که ما از این مسئله بی‌خبر هستیم و برای دولت انگلیس خیلی مشکل است که در باب اختلافاتی که بین روس و ایران حادث است مداخله نماید   او گفت سر جارج بارکلی کاملاً از این قضیه مستحضر است و با وزیر مختار روس هم کمال خصوصیت را دارد و بنظر او ختم این نوع مسائل در محل خود بهتر است   (ای گری)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۹۳

دولت روس بمسیو پکلوسکی تعلیمات داده است که فردا به دولت ایران اخطار نماید که اگر در ظرف چهل و هشت ساعت با تقاضاهای روس موافقت ننمایند تمام روابط کاملاً مقطوع خواهد بود و ضمناً اخطار نماید که در صورت تمکین ننمودن دولت ایران و قطع روابط دولت روس هر نوع اقدامی که برای حفظ منافع خویش لازم بداند خواهد نمود .

تلگراف سفیر ایران به سر ادوارد گری از لندن بطهران [illegible]

۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیقعده ۱۳۲۹

آقا ماحصل ترجمه لایحه رسمی را که در موضوع واقعه جدید بین ایران و روس در طهران و اقدامات دولت روس در این باب برای درج در روزنامه مرقوم شده لفاً ارسال میدارم .   ([illegible])

ترجمه لایحه رسمی سفارت روس ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱

اداره اطلاعات رسمی در باب مناقشه با دولت ایران شرح ذیل را اعلام میدارد

[illegible] اقدامات حرکات ایران در ضبط اموال بعضی از متعلقین شاه سابق مخصوصاً شعاع السلطنه برادر شاه مخلوع حادث شد

دولت ایران از قصد خودش در باب ضبط اموال بعضی از متعلقین که با شاه مخلوع در معادله ها شرکت نموده بودند به سفارت روس اطلاع داد و سفارت روس هم در این اظهار هیچ نوع مخالفتی ننمود ولی دولت ایران را متذکر نمود که شعاع السلطنه تابع روس که ممکن است در این خصوص ها مالکین اموال از اتباع خارجه باشند باید حقوق آنها حفظ شود

چند روز بعد حسب الامر مستر شوستر مستشار خزانه [illegible] ژاندارم‌ها [illegible] خود او [illegible] نموده و اداره شعاع السلطنه [illegible] مستخدمین [illegible] عثمانی [illegible] قزاق ایرانی [illegible] شده بود [illegible] ادعا میشود که : شعاع السلطنه تبعه عثمانی بوده

چندی بعد صاحب منصب [illegible] ژاندارم برای [illegible] ملک شاهزاده مزبور وارد شده دولت ایران لازم شمرده بود که [illegible] ژنرال قونسول ما مستقیماً [illegible] در صورتیکه [illegible] قونسول مزبور حفظ منافع اتباع روس است

القصه ژنرال قونسول [illegible] ژاندارم [illegible] بود که شاهزاده مزبور [illegible] روس [illegible] دو نفر از اتباع شعاع السلطنه [illegible] خود را [illegible] حفظ اتباع روس [illegible] شاهزاده [illegible] داده بود که [illegible] ژاندارم [illegible] اتباع روس [illegible] دولت ایران تحصیل [illegible] قزاق [illegible] ژاندارم [illegible] قزاق ایرانی [illegible]

مستر شوستر [illegible] خودش با [illegible] روس [illegible] ضبط کرده [illegible] ژنرال قونسول [illegible] ضبط اموال را [illegible] داد که [illegible] ژنرال قونسول [illegible] رفتار نموده بود

معهذا [illegible] ژاندارم [illegible] نفر ژاندارم ایرانی [illegible] شاهزاده مزبور [illegible] ایرانی را [illegible] نموده [illegible] کرده [illegible] بعد از آن [illegible]

« [illegible] » صاحب منصبان ژنرال قونسولگری [illegible] (که [illegible] شعاع السلطنه [illegible])

تسلیم نموده اند و بعد آنهم عده‌ای از ژاندارم در باغ و خانه روی سر در قزاقخانه شعاع‌السلطنه هستند تفنگهای خودشان را بطرف آنها قراول نموده اند
که اینها مستحق دیگر اتفاق که یک صاحب منصب قزاق ایرانی رسیده و آنها را ملتفت نموده بود (صاحب منصبان صریحاً کلمه حاضر باش)
(و صدای رشید الملک را شنیده بودند) اینکه اظهار شده ژاندارمها شناخته اند قول قنسول انگلیس هم حرف صاحب منصب
ماس رسمی نوشته بوده و کاملاً مطلب صحیح هم دارند.
بعد از چندی قشون کامل و جمعیت پرستاران از طرف آن اطوری که شعاع‌السلطنه بعضی رفت جنرال قنسول و دو نفر صاحب منصب دیگر
را نموده بود ولی آنها مکرراً بوسیله هر طرف ما دواب مسلوقت مکرر هم شده بود.
پس از تحقیق در این دفعه دولت روس صحت عمل جنرال قنسول و صاحب منصبان قونسولگری را تصدیق نموده از طرف دیگر این رفتار
متعاقباً که مخالف روابط و داد و دوستی است به فقط از طرف ژاندارمهای ایرانی در تحت نوشتن بوده بلکه از طرف خود دولت
ایران هم بوده در این موضوع بعض قدر تسلیم باین کم فرستادن صد نفر ژاندارم به پارک شعاع‌السلطنه قبل از حکم به برقش
حالا که با جنرال قنسول (مثل اینکه معادله با ما ترتیب کتاب قونسول را به بی‌حیا نموده باشند) وقعوه جریمه نمودن قزاقان
ایرانی را که صاحب منصبان قونسولخانه محافظت استحکامات بوده و با مخصوص قراول رفتن ژاندارمه با تفنگهای خودشان بطرف
صاحب منصبان ما در حال وزیر امور خارجه ایران دو دفعه یادداشت فوق الذکر را
دولت روس این رفتار را یک سوء رفتار ایرانی در رفتار خود با دولت ایران را تلقی تمام روس کاملاً مسلم مایه زمینه و لوازم نموده و از این اظهار
تعلیمات داده شد که سفیر را لطریق قونسولخانه تفاوتها لوزیر امور خارجه ایران پیشنهاد نموده هر دو یادداشت را عودت داده را آب
دهل را بجوهار لود :-

(۱) عقب بردن قزاق ایرانی تمام ژاندارم در پارک و بارعه شعاع‌السلطنه باز بایکه در باب مسئله ما ملک با تباع روس
راجع با موال شاهزاده با ملتمسات جلب نمود

(۲) برای سوء رفتاریکه از طرف ایران نسبت بصاحب منصبان جنرال قونسولگری شده تقدیم رضا نمود.

علیهذا دولت ایران توضیحات وزیر مختار را رد نموده دفعه پیشنهاد نمود در که در باب رفتار صاحب منصبان جنرال قونسولگری حقیقات
شنیدگی از طرفین بعمل بیاید که حدود تا قطع قطعاً مذاکره شده است خوبست که دولت اعلیحضرت امپراطوری یک هیئت با تحقیق صحت
و صدق حکم تا اقدامات صاحب منصبان خود را اندید)
باید ملاحظه بوزیر مختار روس تعلیمات داده شد که همان تقاضا را دولت را کتاباً دولت ایران پیشنهاد نموده و اطلاع داد که در صورتیکه
دولت ایران تمکین ما ن بنقض روابط با کابینه را قطع خواهد نمود دولت روس داخل در اقداماتیکه برای حفظ منافع خود لازم
لازم می خواهد نمود بموجب تلگراف وصله بار نیکولسن گرند وزیر مختار یادداشتی در این باب در ۱۱ نوامبر با تمام
اخطار مزبور بوزیر امور خارجه ایران پیشنهاد نموده.

تلگراف سفیر ایران لندن از داره امور خارجه نمره ۱۰۲

۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیقعده ۱۳۲۹

آقا در ملاقات دیروزم با وزیر امور خارجه موقعی در صحبت انتخاب اظهار داشت که پس از اینکه در اول رفتار مسیو شستر
نوشتند با این وضع شکل که در ایران جاری است هیچ سفری ممکن است قرض کرد اعمال اخیره مسیو شستر که اینجانب اظهار ملول نموده مانع
نمودن آن در قبول تقاضا ایشان به خارج ما تبع در باب تبع بلطجات مسیو لکفر بکار بعضی در ارزیست وزیر مسکو ادوارد در باب
مسافرت روس در ایران ملتفت نموده تحیه از شنیدن آن رفت هر دو ک نمودم مکرر که جزو داد نکار بملاحظه حطات بما ضرور
در هم در ایران روسی تنفیر نموده که اهم از اینکه چاره با ایشان بالاتر اکثر از دولت ایران ما فراد بر دو ما بعد بالتمام یاد آور را نمود
و الآن حرکت ایشان از وقت اعتبار ما فقط مسدود است با ترتیب شتابان نمودن مسیو شستر جنرال قونسولگری روس را متقاعد تا تمام
مناسبات بسفیر در ایران است.

تلگراف سفارت دولت کل ایران نمره ۱۰۳ در امور خارجه

۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیقعده ۱۳۲۹

آقا امروز مسیو مانیر در باب استخدام روس با ایران به مسیو لکفر بطلانیه را اکثر نموده با قدر از این اتفاق انتظار داشتم
فقط اظهار که مسیو لکفر کتابت لازم بود که از ترحم به تحیه هر دو تمایل است و محمد الامین که قشون روس در قزوین خواهد ماند
هیچ حدیه قشون در داخل ایران نخواهد شد —

۴۸۱

مسیو وانژ جواب داد هیچ قشون بطوریکه تخواهد رفت مگر اینکه در اینجا روس حضور آنها برای حفظ سفارت کاملاً لازم برابر
در صورتیکه بدولت ایران مهلت داده شده است تخفیف خواهد یافت (ای گری)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۰۴ از طهران

۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیقعده ۱۳۲۹

روس التوراتوم و وزیر امور خارجه هم تخفیف داده آمد ولی هر حقیقه در اینمورد از قرار اطلاع بیشتر از اسلحه مستعجب است میخواهد که دادن کابینه
تمری بخشیده

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری طهران نمره ۱۰۵

۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۹

دفعه ایران و روس دولت با موقع تقاضای ... باعث شد که اینها و قوم جوابی از دولت ایران بسفارت روس رسیده ولی از
مختار روس در با دولت خود روس به دولت ایران بعض سوء تفاهم منتسب نموده بود .
می معتمد که ملکی تقاضای روس را باید نموده ام و تا به هر نوع مرتعی در قبول نمودن را بلازم خوانده از قرار اطلاع السلطنه را حرف تعدد کوشش
اما در باب تقاضای دیگر که محرم مشهود است متفق است و در تهیه امید بود که قبول اقدام کمیته است سائر .

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری از طهران نمره ۱۰۶

۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۹

دسته اول قشون که مرکب از ۳ هزار قزاق و سوار هندی است هردن آتیهی دارد از شیراز ... شدند .

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی نمره ۱۰۸

۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۹

در روز عصر وزیر امور خارجه بدون ملاقات نموده که سوال ... جوابی از طرف دولت ایران در باب مسئله مورخه ۱۱ نوامبر
حال مسیو بلکویسکی داده شده است یا خیر ؟ مسیو نراتوف اظهار داشت که هنوز خبری از مسیو پکلوسکی رسیده و اگر خبر
مطلوبی تا فردا صبح نرسد دولت روس شروع بعملیات خواهد نمود
در هر دو ماه ... دیده بودم که حادثه تعقیب بانک شاهنشاهی و ... ایران مالیات میسیله حرکت روس بودن راجع باتجی نموده
مسیو نراتوف اظهار داشتم اگرچه من کاملاً تصدیق دارم که این مسئله مجدد راجع بروس است ولی از طرز عمل مستقیم مورخه بدون اتفاق
هم میشود (انجات جمانه قبول نمود) بعد از دیدن جواهم بود بجهت سهادیات ... که هر گاه ... اختلاف بانک ... ایجاد
وزیر تقاضای روس اساساً برای ایران غیر ممکنی هر برای حرکت روس بر کنار به بر خواهد بود که عوض بر تبع ما مراحات ... سفیر را
قبیل نمایند - منطق یک هفته - که در عوض آنکه تقاضا ها برتری داده و دولت ایران قبول نمایند .
مسیو نراتوف جواب داد که او تعقیب ... است از این خبر ... نخواهد رسید و از صحیح است که تعقیب وزرای ایران فقط تکمیل
جهت را طفره از تکلیف تقاضای روس بوده و وزرای دیگر که در تقاضای یک هفته ممتد انها بر قرار باشند ... طفره از
تکلیف تقاضای حرکت روس بستن بر عمل را خواهد نمود
او ... اظهار داشت اگر حرکت روس شروع با قدامات منظوره نماید ... بعهد اینکه سابقاً در باب ایران ما دولت
انگلیس نموده بود حال هم بر قرار خواهد داشت و بوسیط ... دولت روس ... قسم طبی ... در دو جلد
گذشته در باب اتمام قشون روس نعوذ داده بود حال هم بشما خواهند داد .
(ایوک اید)

تلگراف سر ادوارد گری به مسیو ابرن نمره ۱۰۹

وزارت امور خارجه ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیقعده ۱۳۲۹

نگارش روس بقصد اعمال ... بر ... در تاریخ ... داده که طهران را ... از ... السلطنه
دارد ... از حقایقی که ... که ... مسیو ... از ... شده است
شما ... امور خارجه بگوئید که کاملاً تصدیق دارم که دولت روس از نقطه نظر ... در این مسئله اتخاذ نموده ... از صرف نظر
... ولی ... اظهار روس ... بقصد ... روس در شمال ایران است ... دولت روس ... تصدیق
روش دعوی ... آنچه ... روس ... از ... بقصد ... یک ... پیشنهاد بنمایند -

شما باید وزیر امور خارجه را مستحضر نمائید که امیدواری صمیمی ما این است که دولت روس در باب مقاصد خودشان از آنچه گفت
بین کنند رفع سوء ظن داده است شما وزیر تحریر خواهید کرد با این معنی که اعزام قشون را الفور [illegible] نموده و هیچ قشون اضافی
نفرستند مگر اینکه وزیر مختار روس برای محافظت سفارت لازم دانسته چه عاقبت [illegible] خواهد بود اگر اختلال بدرجه جنگ
اهمیت بیابد که منجر به تصرف دولت روس و اضمحلال دولت ایران شود

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری از طهران نمره ۱۱۰

۱۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۹

دفعه روس و ایران — سفارت روس دستور العمل رسیده است که روابط با کابینه را (اگر کابینه برقرار ماند)
قطع نماید و بیش از آن عده زیادتری از قشون روس بقزوین اعزام خواهد شد
امروز صبح تلفون [illegible] دولت متبوعه خود نموده تلفن بمن گفت که اگر کابینه تغییر داده نشود و اگر [illegible] کابینه جدید در [illegible]
روس تکلیفی نماید روابط را قطع خواهد نمود و نیز تلگراف نموده است که بعقیده او اگر رابطه اعزام قشون نمود برای [illegible]
مصالح روس حاصل شد لازم خواهد بود که در هر آن [illegible] فرستاده شود تا حصول مقصود محکم شود و برای اینکه عده دیگری
سریع الوصول هم در [illegible] قشون احتیاطی هم در قزوین لازم خواهد بود را اداره خانه [illegible] بیش از مقصود
شاه نقشه هند قرار [illegible] ولی مرا آن میرسیم که عده قشونیکه اعزام شود باید بقدری باشد که در صورت امتناع دولت ایران
در تمکین و وقوع جنگ بسیار [illegible] مبادله نمودن با قشون ما برای دولت ایران [illegible] طرفیت با ایرانیها نخواهند داشت

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۱۱

۱۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۹

قونسول انگلیس از شیراز خبر میدهد که (دکتر ندو کلارس) صحیح است با ۲۲۰ نفر قشون برآباده وارد ۱۳۰ نفر
از آنها را در اثنای [illegible] اصفهان فرستاده [illegible] بانفاق خانم رئیس شیراز عزیمت نمایند
من این مقصد کرده دکلارس را الصورت نموده ام

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی نمره ۱۱۹

وزارت خارجه ۱۶ نوامبر مطابق ۲۴ ذیقعده ۱۳۲۹

دولت روس اظهار کرده که نظر به تلگراف ۱۵ نوامبر از طهران ما امیدواریم دولت روس قبل از تصمیم سندن با اعزام
قشون نظریات [illegible] را شما بر که نتیجه الاستعمال [illegible] [illegible] از اعزام قشون بشود

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

۱۶ نوامبر ۲۴ ذیقعده ۱۳۲۹

اگرچه دولت انگلیس کاملاً موافقت دارد که اراده دولت [illegible] بخش خود را هم [illegible] دولت روس هم دولت
انگلیس [illegible] اقدامات روس [illegible] است بعقیده ما برای دولت روس ممکن بود که [illegible] با قشون آنطور [illegible]
باشند از [illegible] خودشان را که بقدر [illegible] و اقدامات دیگر نمایند [illegible] اضافه نمایند
هرگاه خودشان برنفع نمودن یک [illegible] را در پیش داشتیم ممکن بود در [illegible] از [illegible] التصرف
نمائیم هیچ جهت [illegible] فرض بکنیم که در صورت [illegible] دولت روس [illegible] را [illegible]
نتیجه این عمل خود [illegible] از آن ظاهر شد [illegible] نباید

مکتوب سر ادوارد گری به سر بوکانن نمره ۱۲۱

۱۶ نوامبر مطابق ۲۴ ذیقعده ۱۳۲۹

آقای [illegible] امروز در سفارت [illegible] روس با [illegible] مراجعه نموده [illegible] میگفت بین کند رفع
درخصوص مکتوب [illegible] طهران [illegible] در ایران [illegible] روس تلگراف کرده [illegible] نموده بودم
[illegible] اطلاع داد که سفیر روس در روس صراحتاً اظهار داشته [illegible] ممنوع الارادت نموده
و مذاکره هم با او بمیان نیاورده

(ای گری)

ملفوف سر ادوارد گری به سر بوکانن نمره ۱۲۲

وزارت خارجه ۱۶ نوامبر مطابق ۲۴ ذیقعده ۱۳۲۹

آقا   امروز بمشار الیه سفارت کبرای روس اظهار داشته ام که من کاملاً در باب مسئله ایران دخیل هستم اگر دولت روس از شخص ذیمدخلی
که از نوع آن بدانم مراتب تقاضای رسمی خود را برای رفع شدن آن پیشنهاد نمایند [illegible] دارد اگر دولت مزبور تصور میکند
که بدون انفصال مستر شوستر نتیجه مطلوبه حاصل نشده است منهم در انفصال او ممانعت نخواهم داشت   و تصمیم انفصال مستر شوستر را
پیشنهاد نمایم ولی دیگر اجزا برای این مقام که بس دارد بس لطف [illegible] حسابات در تصور ط قرار می‌ارزان نمانند
در حقیقت مشار الیه بواسطه تحقیقات اتباع انگلیسی با استخدام دولت جمع برای او نوشته زحمت نموده در تصور میکند که حلوا فی دربیش شدن
اتباع انگلیسی نموده ام
بهر صورت تماماً مخالفت [illegible] که دولت روس خواهد نمود باید حقیقت نام خواهد داشت   دولت روس مصمم نمود قشون بطهران بفرستد
و در نظر دارد هرچه زودتر از آنجا بطهران نوشته در قزوین اطلاع و حمله از حرارت کامل [illegible] مسیو پکلوسکی تاکید کرده است که اگر
قشون بطهران فرستاده نشود علاوه آن بار زیاد میشود و هر روز نفوس این ایالات در [illegible] است ولی مشار الیه میگوید تمام اینها بعالم اسلام
خواهد نمود که جمع مسئله معلوم است   بنابراین پیشنهاد کنم همیشه دولت روس قشون بطهران فرستاده باید ناطر نموده ورود خود را به اتباع
ایران پیشنهاد نماید   اگر فشار زیادتری لازم شود دولت روس بعضی از گمرکها را تصرف نماید تا حقوق تصرف کامل داشته
باشد پیشنهاد این یک نوع فشاری برای رفع نمودن اعمال مستر شوستر میشود با حال اتحاد شرایط با تصحیح حسابات
عالم اسلام نیست و ممکن است نتایج [illegible] در مشهد برود و بنابر خصوص در صدر مسئله تصور میکند با هم ایضاً نامه برده ام
(ادوارد گری)

سر جرج بوکانن به سر ادوارد گری نمره ۱۲۳

لندن سفارت کبرای روس ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذیقعده ۱۳۲۹

دولت انگلیس مستحضر است که دولت ایران بنا بر تکالیف معاهده که منتهی بروابط حسنه با دولت روس است اتخاذ نموده تنبیه و سوء نیت
لیهم اداره معهوده مستر شوستر ورگان [illegible] مشار الیه است که ارشد و مواد خود با ایران بیان تحریک نمودن نتایج دولت روس را تعقیب نموده
دولت ایران در معاملات مستر شوستر ملاحظه میباشد که از طرف مستر مشار الیه حصه نموده بسوء تعبیر نموده است
یک وجه نقض که حدیث او در طهران واقع شده بواسطه تصمیم دولت ایران در ضبط اموال شعاع السلطنه با تحقق مجروحین که تمام از اتباع
شعاع السلطنه بوده و جهت نتایج روس داشته   مستر شوستر در اداره این امر محول باژاندارمری بطرفی مستطاب که است با
ژاندارمهای علمی نمود   ژاندارمها در تحت فرمان او فقط فرمان دارند از تمام ماموره ها نمیده قونسول جنرال و قونسول روس
اموال شاهزاده را تصرف نمودند و قزاقان ایرانی محافظ آنها را بیرون نمودند بلکه از عملهای خود را السعید اتباع روس
طرف نامزد نامبرده به جنرال قونسولگری قزاول رفتند
بدولت ایران بر خلاف مقام و فرمت خود در محل قرض نمودند و در طهران اداره نیستند با تقاضای مفصل جنرال
قونسول حتی مقصد جنرال قونسولگری را نمودند
بملاحظه کامل تعلق بودن این عمل بهم از نقطه نظر بر اهم از بابت نتایج دولت امپراطوری بواسطه خود
مطالبات ملزم که اولیاء دولت ایران و تماما ایران را عودت دهند و خلف نماید تصریح نماید که اقدام ژاندارمها خزانه داری کشور
شده و قزاقان ایرانی و تمام المصالح ایرانی برای بمحکمه محرم شوند و دولت روس در اموال شعاع السلطنه محفوظ
دارد   و بنا به تقاضای نمایه که دولت ایران مربوط و در کلیه امور خارجه خود برای تنفیذ رفتار ژاندارمها و ایرانی رضه خواهد
بر خلاف اصطلاحات مالیه نقشهای بدین نیت را دولت ایران رد نمود   بنابر تصمیم دولت اعلیحضرت امپراطوری محفوظ شد
بمسیو پکلوسکی تعلیمات داده که تقاضاهای خود را مکرراً پیشنهاد نماید با ضمانت تکلیف سریع با پیرایش جواب آن بود و اظهارات دارد که
اگر حضوری در ایران با تاخیر بیشتر شود روابط دولت ایران قطع خواهد نمود و دولت روس حق توسل بافرامات لازمه را
تعقیب خواهد نمود
هیچ جوابی از طرف دولت ایران نرسیده و بعد از افتخار با تعلیمات داده شد که روابط با دولت ایران را قطع نماید
در همچو صورت دولت امپراطوری نتایج خود را از دست داده بدون ملاحظه لازم فشار بر دولت ایران داده و معظم
شده که مقصد دسته قشونی از تحت نفوذ اعزام دارد و در چه روابط عقیده کاملی قشون که تصرف نماید ـــ

برای خارج نمودن ژاندارم ایرانی (که حمایت خانه و اموال شعاع السلطنه را اشغال داشته اند) بوزیر مختار دستور داده شده
ادعای اعتذارات که بواسطه پیش آمدن وقایع فوق الذکر واجب بود در حقیقت یک عمل تلطیفی است و محض اینکه این واقعه خاتمه پیدا کرده و ملاقات از
سبک سلوک آتیه دولت ایران نسبت به ما حاصل شود قونسول ما در روسیه بازگشت خواهد نمود
جنرال بلکراف در باب جوابی که سر ادوارد گری به سئوال پارلمان در این موضوع داده است باعث تشفی قلبی وزیر امور خارجه گردیده با حضور مستحکم
افزاید که ما نموده ایم صحیح با اصول روابط ما با انگلیس در باب اوضاع ایران هیچ تغییری نیست و مصمم هستیم از گذشته هم که در این تفاهم نماییم
اساساً با اصول وداد و وفاق با انگلیس منطبق می[باشد]

خلاصه تلگراف سر جارج بوکانان به سر ادوارد گری نمره ۱۳۱
سن پطرزبورغ ۸ نوامبر مطابق ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۹

در ۸ امروز حال وزیر امور خارجه برای ملاقات نموده در طی تعلیمات صادره در تلگراف عدد ۱۳۰ حال شما خاطرنشان داشتم که
نتیجه اشغال دولت روس طهران را با جناب ایشان مذاکره نمودم تاکید نمودم که قسمتی از انکار برون بیاید و ... در برابر ایران از
قبیل تصرف گمرکات و ترتیب قرضه ... از طرف دولت ایران که حق داشته اند اقدام به ... قشون از قزوین به طرف طهران
می‌شود خاطر نشان ... که حدود شمال ... یا اینکه روس ... و روس ... به جهت ... روس نموده اند
و حکومت ... نسبت به ... ایران ... را نسبت به حال اندیش ... نموده اند ... عامه انگلیس (که باید توجه داشته باشیم)
قصد اقدامات دولت روس برای آن جناب شرح داده و تصریح نمودم که بواسطه ... تکلیف که شاید اقدامات آن برای اصلاح
در مقابل از طرف اموال که از شوالیه ... بخشش نموده بود ... از طرف ... تقویه ... خواهد بود
در جواب مسیو نراتوف ... اطمینان کامل داد که اساس روابط انگلیس و روس متغیر نخواهد بود و دولت روس ابداً ... که ... سکنه
دولت ایران ... نخواهد نمود ... اقدامات ... برای ... گمرکات ... نموده و از ... اول
دولت ایران ... و قشون ... از ... تصمیم نمود که وزیر مختار روس در طهران روابط
... با دولت ایران قطع نموده و دیگر ... دولت روس ... رسمیت ... ساخته
روس نخواهد بود ... در باب ... ایران ... دولت ایران
نمودم ... ولی ... در باب ... سرجارج بارکلی ... دولت ایران ... نمودم که ... تصمیم است
قبول نمود که اگر ... حاصل دولت روس ... فقط طهران را اشغال خواهد نمود بلکه ... دولت
روس در ... قشون در مملکت ایران ... خواهد شد ... در رجوع ... ضبط اموال شعاع السلطنه مسیو نراتوف
اظهار داشت که دولت روس ... در حق تصرف دولت ایران در اموال ... که در ... نموده
بود ... اینها ... اساس ... موضوع ... دولت ایران در ... نمودن
... روس ... در صدد ضبط اموال شعاع السلطنه ... نموده بود ... بوسیله ... فرستادن
ژاندارم برای تصرف آن اموال ... مستقیم ... روس که ملک را اجاره نموده بود ... مفقود الاثر
شده بود

بالاختصار ... در ... که ... اقدامات ... نموده و ... مجموعه ... بود
که دولت روس ... فراهم نمود ... اظهار نمودم که ... قشون روس ... اوضاع ...
... یک چیز است که دولت انگلیس ... نخواهد ... ممنوع است.
... که اقدامات دولت روس ... فقط ... تقلیل قشون روس است
و در جواب ... دولت ایران ... که ... فراهم شده و قبول ... بازگشت ...
مسیو نراتوف اظهار داشت که ... دولت روس ... قشون ... خواهد داد ...
... شعاع السلطنه ... خواهد نمود
(امضا جرج بوکانان)

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۳۲
طهران ۱۹ نوامبر مطابق ۲۷ ذیقعده ۱۳۲۹
بموجب ... قشون ... سالار ... را در حوالی ... مغلوب نموده اند

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۱۳۷

۳۱ اکتبر مطابق ۸ ذیقعده ۱۳۲۹

آقا ـ با کمال افتخار صورت عده قشون دولت روس را که حالیه در ایران هستند لفاً ارسال میدارم
این صورت را بواسطه حسن وداد همکار روس خودم از او تحقیق نموده ام (جارج بارکلی)

صورت تعداد قشون روس در ایران

بتاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۱۱

قشون در اردبیل	۲۰۰۰ نفر	در تبریز	۱۰۰۰ نفر
در گنبد قابوس	۴۰۰ "	در مشهد	۲۰۰ "
در رشت	۱۵۰ "	در قزوین	۵۲ "
در طهران	۳۲ "	در اصفهان	۱۷ "

(عده قشون در اصفهان به ۲۰۰ نفر خواهد رسید)

در کرمانشاه	۱۱ نفر	در کرمان	۴ نفر
در بوشهر	۱۰ "	در ارومیه	۱۲ "
در استرآباد	۱۲ "	در سمنان	۱۰ "
در تربت حیدریه	۱۲ "		

جمع کل ۳۹۲۲ نفر

مراسله میرزا مهدیخان به سرادوارد گری نمره ۱۴۱

۳۰ نوامبر

وزیر مختار ایران پس از تقدیم مراسم احترامات به سرادوارد گری راجع باقدامات خودش در وزارت خارجه درباب وضع سلوک جدید دولت روس با ایران با کمال احترام ترجمه تلگرافی را که امروز از طرف متبوعه خودش باو رسیده دایر بقصد دولت روس در اعزام قشون بایران است لفاً ارسال میدارد وزیر مختار ایران با احساسات آزادمندی عطف توجه سرادوارد گری را باین مسئله مهم متذکر
فردا در ساعت صبح بهم خودش در وزارت خارجه شرفیاب خواهد شد برای اینکه از قرار معلوم شده وزیر مختار ایران فوراً تلگرافات
دولت متبوعه خودش را ارسال میدارد سرادوارد گری ملتفت (لندن نمره [illegible] ۹ ۱۹۱۱)

(ترجمه تلگراف دولت ایران بمیرزا مهدیخان)

۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیقعده ۱۳۲۹

در مدت ۵ ساعت بعد از ظهر سرخم نمره سفارت روس بوزارت خارجه آمده اظهار داشت که روابط دیپلوماسی سفارت با وزارت
امور خارجه قطع است و قشون بایران اعزام خواهند شد

من به سر جارج بارکلی اطلاع داده ام که جواب وزیر مختار روس بطور یکه گذشته است ملکه در جواب بواسطه بحران کابینه برده است
کابینه جدید است با فردا صبح تشکیل خواهد شد پس از آن جواب یادداشت سفارت روس فرستاده خواهد شد
ما از این حرکات روس قبل از فرستاده شدن جواب یادداشت ابتدا با هرگونه ترتیب تهیه میشد ... وقتیکه کابینه
تشکیل یافت و در نتیجه روس بواسطه قرض با زور (قوه جبریه) مجبور شد که علی برای قطع روابط دیپلوماسی (و چیگی)
و اعزام قشون نائب تحول بدهد در این صورت کاملاً امیدوار است که دولت انگلیس هستیم که در این موقع بحران از نفوذ و دادن قوای خود در قسم
خودشان را مصرف ظهور و بروز برسانند .

تلگراف سرادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه نمره ۱۲۵

۳۰ نوامبر ۱۹۱۱

دلائلی بیش داریم که معتقدیم که اگر دولت ایران بمعاودت وزیر مختار روس کل تقاضاهای قشون روس عودت داده خواهند شد
بدولت ایران این را اطلاع بدهید و خاطر نشان آنها بنمایید که در یک تقاضاهای روس فوری را بپذیرند .

تلگراف سر بیوکنن بسر ادوارد گری نمره ۱۴۶

سن پطرزبورغ ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱

در ملاقاتی که امروز عصر خودم با مسیو نراتوف حاصل [کردم] در تلگراف ۱۷ نوامبر خودمان دستور تعلیمی داده بودید در باب مستر شوستر مذاکره نمودم مسیو نراتوف از این مذاکره اظهار کمال رضایت را نمود در مذاکره راجع بقشون روس سوال نمودم چه وقت و چقدر قشون روس عودت داده خواهد شد مسیو نراتوف جواب داد که اگر بمحض رسیدن قشون بقزوین دولت ایران تقاضاهای پیشنهاد شده دولت روس را قبول نماید دولت روس بدون پیشنهاد نمودن تقاضای دیگر قشون خود را عودت خواهد داد از طرف دیگر اگر قشون مجبور به پیشرفت از قزوین شود آنوقت دولت روس ملزم خواهد بود که تقاضاهای خود را بیفزاید و در این صورت مخارج دولت روس هم از انفصال مستر شوستر [illegible]

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۱۵۱

۲۱ نوامبر ۱۹۱۱

صمصام السلطنه کابینه تشکیل داده است و فقط کابینه را از دادن جواب [illegible] ممانعت شد و یقین دارم که فردا اتمام [illegible] خواهد نمود حکم اعضای تمام وزرا خطاب بمستر شوستر صادر شد که ژاندارم خود را برداشته اموال را بمامورین دولت ایران تحویل نماید و تعرفه‌ها به اهم رسیده است که شخصاً بمشیر الشعاع السلطنه بنویسند ضمناً قرار شد که آقا مرتضیه جواهرات را رد و [illegible] ایران در سن پطرزبورغ پیشنهاد دولت روس را قبول خواهد نمود

میخواهد بدهم یقین دارم که پیشنهاد این دولت را قبول نماید و ضعف دولت این اقدام باعث اتلاف وقت گران بهاست حالا هم مطمئنم که بمحض تشکیل شدن کابینه تعیین وزیر امور خارجه جواب خواهد شد

خلاصه مراسله سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۱۶۱

۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیقعده ۱۳۲۹

وزیر مختار روس بموجب تعلیمات از دولت متبوعه خودش در همان روز از دولت ایران تقاضا نمود که ژاندارم خزانه از املاک شعاع السلطنه برداشته شود و قزاق ایرانی بجای آنها گماشته شود و وزیر امور خارجه برای اینکه پس از این طرف ژاندارم ها چاره نمود بوعده عمل نخواهد وزیر مختار روس نمره مراسله دولت ایران را که در باب تقاضای انفصال مستر شوستر نوشته بود عودت داد و همچنین نمره را که در اقدامات جواب مسیو پکلوسکی مراسله نموده بود نگذاشته بود

در پنجم نوامبر جاری هیئت وزرا جلسه تشکیل دادند که در باب جواب تقاضاهای دولت روس تصمیم قطعی دادند از فرستادن معتمد رد نمودن آن رای قطعی دادند تقاضاهای مزبور از طرف وزیر مختار ابلاغ شده بود جواب به ایشان در ششم نهم از طرف هیئت دولت داده شد تقاضاهای نمود بجواب تقاضای مزبور را که در تقاضای روس روز کابینه آورده اند تقاضا در ارسال شده ارم

در اینجا بر بودن ملاحظه خواهند نمود که دولت ایران متمسک باین است که در باب تصرف اموال شعاع السلطنه قبل از رفتن سفارت روس اعلان شده و ضمانت هم داده شده بود که حقوق دولت روس محفوظ خواهد ماند مراتب دارم که باین ادعای قول دولت ایران بقدر صحیح است ولی پیشتر سفارت روس اطلاع داده بودند که اموال بعضی از اشخاص را ضبط خواهند نمود و ضمانت هم داده بودند که در مطالبه مشروع دولت روس را قبول خواهند نمود ولی بالخصوص اسم شعاع السلطنه را دولت ایران ذکر ننموده بود و شک اگر دولت روس دولت ایران را مجبور نموده بود که حقوق دولت روس در آن اموال چیست تقاضا نموده بود دولت ایران هم اموال دیگر را ساقط نموده و در باعث تصرف اموال مزبور را اعلان نموده در این زمان آن با اطلاع و بمعیت جنرال قنسولگری روس عمل ممنوع

دیروز وزیر مختار روس بموجب دستورالعمل از سن پطرزبورغ تقاضای روس را مکرر با پیشنهاد تقاضاها بدولت ایران اظهار نمود که اگر مدت چهل و هشت ساعت تقاضاها پذیرفته نشود روابط با کابینه حاضره را قطع خواهد نمود و دولت روس قرار گذارد که برای حفظ منافع خود لازم مراتب خواهد نمود

(جارج بارکلی)

سواد جواب تقاضای دولت ایران بدوی دولت روس

در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۱

دولت علیه ایران که نهایت اشتیاق را با تحکیم روابط وداد کامله با دولت اعلیحضرت امپراطوری دارد پس از تدقیق و تعمق کامل
در تقاضای جنابعالی وزیر مختار که مبنی بر ترتیب با مورین از اجزای شعاع السلطنه شعبه خزانه دولت ایران است و تا درجه که ضبط آن اقدام شده
و نصب نمودن قزاق ایرانی ما نقه که سهما است و حاضر شدن شخص وزیر امور خارجه در سفارت روس و تقدیم عرضه برای
سوء عملی که منسوب به مستخدمین خزانه با قنسول جنرال روس شده است جواباً مقالات ذیل را اظهار میدارد
با وجود اینکه کارکنان دولت ایران احتیاط نموده و قبل از وقت سفارت دولت روس را مطلع نمود که متاع اثاث
روس را حفظ خواهند نمود و با اضافه روز بعد از این دفعه حکم دولت ایران را امر برای جنرال قونسول روس فرستاده نموده
و ستون آنکه قونسول نیز توضیح و خواهش نموده که از طرف اجزای قونسولگری مخالفت با دفاتر نمود که از آنها
نظر بروابط و وداد دولت ایران با دولت روس که شبهه نهایت سعی در حفظ ترجمه عامه با آن شده است و از طرف دیگر
تقاضای جناب وزیر مختار برای مکمل دولت ایران به بهانه نفی آن با وجود عدم تقصیر مأمورین دولت ایران به فقط
اهمیت و نفع دولت را مخفی خواهد نمود بلکه موافق روابط حسنه دولتین است لهذا دولت ایران
موافقت با تقاضاهای سابق الذکر را ممکن است
چنانچه برای دولت اعلیحضرت امپراطوری سوء تفاهمی حاصل شده بود در حقیقت مشتبه گردیده دولت ایران برای
برای تحکیم روابط حسنه خودش هیئت تحقیقیه معین نماید که تحقیقات لازمه بعمل آورده حقیقت مسئله را کشف نمایند و رفع هرگونه
سوء ظنی بنماید
در خاتمه اظهار میدارم که دولت ایران میخواهد در اظهار این مطالب رأی جناب دولت متبوعه جنابعالی وزیر مختار را که در سابق دولت
ایران را کماکان تحت نفوذ خود دانسته دفعه نموده اعاده داده از صرف نظر نمایند

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۶۳

۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیحجه ۱۳۲۹

امروز عصر وزیر امور خارجه به سفارت روس رفته و حسب الخواهش از طرف دولت روس تقاضای خود را از جنابعالی وزیر مختار تقدیم عرضه
رسمی نمود و قزاق ایرانی هم که برای اداره خزانه در منزل شعاع السلطنه منصوب شده بود در سیاق املاک اداره مزبور معصوم و منصوب
خواهد شد بمحض اینکه وزیر امور خارجه تقدیم عرضه نمود مسیو پکلوسکی با مشارالیه اطلاع داد که دولت متبوعه او اداره با مواز
نموده است که روابط دیپلوماسی را که در این مدت داشته را اکنون ادامه دهد بحکم و تعهد سابق دولت روس در محکمه خزانه تقاضای
اساسی که مقتضی باشد خواهد شد وزیر مختار نیز نوعاً اظهار داشت لاکن از حد دولت ایران در حصول این مساعی جانب دولت
روس میشد که قبول نمودند که نتیجه آن خبر میرسد که باحال قبول روس تمام شده و ظاهراً نمود که از زمان این تقاضاهای
اصلی باشد رعایت گرفته مخصوص خودرا که بر روزنامه نوشته طبع و نشر تمام را اعلام نمود دلیل حال که دولت
روس تقاضاهای دیگری به دولت ایران پیشنهاد خواهد نمود.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۱۶۴

۲۴ نوامبر ۱۹۱۱

مسیو پکلوسکی به من اطلاع میدهد که دولت متبوعه او انتظارات او را در باب دستور حصول انفصال خزانه دار کل استعفا
نموده است و در ۲۱ نوامبر جواب داده است که جای منتظر از دیپلوماسی انگلیس در این موضوع نمایند
وزیر مختار روس اظهار داشت که اگر دولت روس را قطعیتی پیشنهاد تقاضای جدیدی قرار نگیرد و شوستر خودرا برای اجرای
آن دعاوی نگاه دارد بعهده او روابط روس و ایران برای تهیه شغلی خواهد که بر اقطع دولت روس
در باب شوستر تعیین بر جه قرار نگیرد ولی است که حضور شوستر را تحصیل نموده دولت ایران را مجبور نمایند که معاهده
بین انگلیس و روس را که سابقاً بسته شده نشان نماید
من گمان میکنم در صورت که شوستر را حصول انگلیس به تقاضاهای جدیدی تغییر نکرده نبود تهدید پیشنهاد منظور استعمار روس
مطرح است.

تلگراف سر بوکانن به سر ادوارد گری نمره ۱۷۱

۲۳ نوامبر مطابق ۲ ذیحجه ۱۳۲۹

الان مکرر خصوصی از مسیو نراتوف به من رسیده مبنی بر اینکه دیروز در جلسه هیئت وزرا قرار قطعی داده شد که تقاضاهای دیگر در طی این پیشنهاد بشود

(۱) هم مستر شوستر هم مستر لکفر باید منفصل شوند و دولت ایران تعهد نماید بموجب دعوی ۲ بسپارد که نایب تمام مستخدمین خارجه که مستر شوستر سابقاً معین نموده (یعنی که هر چند نفر را که مستر شوستر لکفر انتخاب نموده اگر دولتین تصویب ننمایند تغییرات آنان حاصل شود)

(۲) دولت ایران باید تعهد بسپارد که قبل از رضایت اتباع خارجه هرگونی باستخدام خود رضایت سفارتین روس و انگلیس را حاصل نماید

(۳) مصارف اعزام قشون تازه را دولت ایران باید بپردازد

دعاوی فوق روز ۳ شهر حال بطور التیماتوم در طی این پیشنهاد خواهد رسید و در مهلت برای قبول آن فقط ۸ ساعت خواهد بود در عرض این مهلت قشون روس از رشت حرکت داده نخواهد شد

در زمان سابق دسته قشون روس در سنه ۱۹۰۹ بقزوین اعزام شده بود مسیو ایسولسکی بانجا عقیده بود که برای دولت روس غیر ممکن است که مقصد قشون خود را در ایران پیش بینی نمایند و بر این نقطه حدود را آنجا قرار بدهند در این موقع هم همان عقیده تعقیب میشود

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۱۷۴

۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیحجه ۱۳۲۹

ونیس قونسول انگلیس از رشت اطلاع میدهد که ۷۰۰ نفر سرباز و توپخانه و ۱۰۰ نفر قزاق روز جمعه و شنبه وارد انزلی شدند ۱۱۰۰ نفر که سابقاً اطلاع داده بود علاوه بر این عده است دسته دیروز تمام قشون در انزلی پیاده میشود عده سپاه در رشت حالا تقریباً به (۲۰۰۰) نفر رسیده

سواد مراسله نمره تلگراف سر جارج بارکلی به وثوق الدوله نمره ۱۸۲

طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱

جنابا — در ملاقاتی که با شما روز جمعه ۲۴ شهر حال افتخار داشتم که خاطر محترم را متوجه بعضی نکاتی که باید بعنوان پیشنهاد بعضی دعاوی دیگر از طرف دولت امپراطوری روس خواهد رسید و در این موضوع مخصوص تعلیمات از لندن متوجه خودم نمودم که الحال بمن رسیده است اکنون با کمال احترام از طرف دولت اعلیحضرت امپراطوری تقاضای دیگر را پیشنهاد مینمایم

اول — انفصال مستر شوستر و مستر لکفر و هیئت مستخدمین دیگر که مستر شوستر استخدام دولت ایران درآورده و در تحت شرایط ماده دوم این دعاوی خواهد بود

دوم — دولت ایران باید تعهد نماید که بدون حصول رضایت قبل از سفارتین روس و انگلیس هیچیک از اتباع خارجه را باستخدام خود نباید بپذیرد

سوم — دولت ایران باید مصارف لشکرکشی حالیه دولت روس به ایران را بپردازد و میزان مصارف و ترتیب تأدیه آن را دولت روس بعد از وصول جواب دولت ایران معین خواهد نمود

من وظیفه خود میدانم توضیح نمایم که سبب اصلی این اقدامات آن است که دولت روس در تلافی خسارت قشون کشی است که دولت اعلیحضرت امپراطوری مجبور بوارد نمودن آن به ایران شده و اعمال معرضانه مستر شوستر نسبت به دولت روس است و معاهده اتفاق حمایت دولت روس از هر طرف نمودن صدای عمده اختلافات حادثه است که برای آینه هیچ مبادی نشان که در نتیجه روابط دو دولت را مستحکم ایران ننمایند و تمام منافع دو دولت در نقطه مقصود دولت روس بنحو صریح و یا جدی وافی قطع و فصل نمود باضافه بر من لازم است که خاطر شما را متذکر سازم که دولت اعلیحضرت امپراطوری برای انجام این تقاضاها بیش از ۴۸ ساعت مهلت نخواهند داد و در عرض این مدت قشون روس در رشت توقف خواهد نمود

ولی اگر هنوز از تقاضاهای روس سر جواب داده نشده با جواب عرض [illegible] داده بشود فوراً خواهد [illegible] آنگاه دستگاهش آخرین قوت
باعث جلوگیری شدن سیل حوادث که دولت ایران با هر دولت روس سر دار خواهد شد

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۱۸۶

رشت قونسول انگلیسی از رشت خبر میدهد که امروز (۱۹۰۰) نفر قشون روس در رشت هستند از قراریکه مشهود
شده ۷۰۰ نفر دیگر هم امروز از انزلی حرکت کرده و دو دسته قزاق به [illegible] با اتفاق وارد شده

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۱۹۵

اول دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ ذیحجه ۱۳۲۹

امروز صبح علماء بالمره مشغول شدند با مذاکره در رابطه اولتیماتوم دولت روس ظاهراً اینکه جمعیتی در شهر برقرار نموده
امروز در تمام روز همین کار در شهر جاری بود اما تا این ساعت بر علیه روس عملی بروز نکرده که علماء بالمره هم [illegible] متحد بودن
با روس مشغول شده

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۲۰۱

۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذیحجه ۱۳۲۹

دیروز در قشون دو نفر از صاحبمنصبان مجاهده شدند و گلوله یکی از آنها کارگر شده منجر به قتل انگلیسی [illegible] دیگر مقتول شد
[illegible] کسانی را هم که مقتول [illegible] تعقیب کرده بود و دیروز مقتول شد [illegible] در [illegible] است و حال [illegible]
[illegible] هم که در جمع آوری مالیات [illegible] برای رفع اختلافات با [illegible] مشغول [illegible] بود از دیروز
در [illegible] نشسته [illegible]

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری نمره ۲۰۲

۲ دسامبر ۱۹۱۱

قونسول انگلیسی از رشت خبر میدهد که کلیه عده قشون روس در رشت حالا به ۳۵۰۰ نفر رسیده در رشت دارالحکومه
صاحبمنصب و قشون خانه‌ها را بدون [illegible] اجاره می‌نمایند
در [illegible] صد نفر قشون [illegible] از انزلی وارد رشت شدند و هفتصد نفر دیگر به اطراف قزوین حرکت نمودند

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۲۱۳

۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۹

[illegible] روس در روز شنبه [illegible] معاهدات [illegible] روس تحریم شود
[illegible] در [illegible] در [illegible] روس

۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذیحجه ۱۳۲۹

جناب [illegible] در جواب مراسله نمره ۱۵۸ جنابعالی مورخه ۲۹ نوامبر با کمال احترام زحمت افزا می‌شود پس از آنکه دولت
اعلیحضرت امپراطوری توسط جنابعالی در تحت مراسله نمره ۱۵۰ [illegible] در موضوع ضبط اموال [illegible]
ایران [illegible] با وجود اینکه دولت ایران [illegible] مقام [illegible] خود را از اقدام در ضبط اموال
جنابعالی اطلاع داده بود و در صورتیکه قبل از وصول مراسله جنابعالی کابینه در بحران بود مع ذلک دولت ایران [illegible]
[illegible] رد رابطه و داد [illegible] در [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] دولت روس بروز داده شد [illegible] از
طرف [illegible] دولت روس خواهد شد [illegible] اقدام
ولی [illegible] در مراسله نمره ۱۵۰ جنابعالی [illegible] بوده بود
و دولت اعلیحضرت امپراطوری [illegible] کابینه [illegible] بود با وجود اینکه [illegible]
[illegible] که اگر [illegible] دولت روس قشون وارد خواهد نمود [illegible] داده که
روابط قطع است و قشون هم اعزام شده با وصف اینکه [illegible] مشهود شده بود که [illegible] قشون برای
[illegible] نمودن تقاضاهای [illegible] هم [illegible] آن شده

بالمحاربه دولت روس حتی باینهم قناعت نشده در اولتیماتوم داده و قریمه را ابرام که سفیر الشارژ محترم در این مسئله خود دستخطهای مشید
منظور و برقرار برسینه و مصالح در این مسئله نمره ۱۵۸ خود تقاضاهای دیگری به دولت ایران پیشنهاد نمایند
فوق العاده بودن این تقاضاها در صورتیست بعضی از آنها که بالصراحه منافی استقلال این مملکت است و با اشغال هر نکته برای تمام این
پیش شده بعدی نمیدانیم که طبیعه غیر ملکی است نوآن در عوض این اثرات در حینه و بحال نظر قرار داد و با تحویه
الوان بحث و لوازم آن در موضوع آن اسلوده است
آنچه بیشتر از همه باعث تعجب است این است که در این مسئله برتر از این تقاضاها تصریح شده: اول لزوم قطعی ماده جسارت و بعد اعمال
جسورانه شهر سرینر و اجزاء اراده حمایه دولت روس و در طرف نمودن مساعی استقلال و استقرار روابط حسنه بر اساس دوستی
مستحکم و حال آنکه دولت ایران صحیحه و مشغله عوام قبول روس اجندها نشده - با وجود این واقف لزوم جسارت شهود
نبود و دانسته که دولت ایران از فراهم نمودن مساعی شوستر ... رابط دولت روس در این موضوع جسارت بر اتباع ممنوع زده هیچ
حقی برای تکالیف دولت روس نتوان فرض نمود در صورتیکه جسارت بر اولیای صحیحه موضوع بحث فرض واقع شده و حقیقت
معذالک بعدی باید که معلوم نبود چقدر دقیقت دارد اما جسر در صد دقایق بر اداء جسارت کنیت با دولت به شده
اراده بر طرف نمودن اختلافات و تشیید روابط اساسی بر اساس مستحکم گشته نمودن آن طریقه صحیحه دیگر قرار است
پس از مذاکرات فوق عطف توجه جنابعالی را که این را طوری روس را با این واقع است درخواست مینمایم و لطف را
مشغول فرمایش دلیر دوم بخصوص آن خوشحالیم که دولت ایران را از تنگی این تقاضاها نسبت به داراییش
و با کمال احترام خاطر آن جناب را متوجه میداریم که دولت ایران حاضر است برای تغییر و تبدیل پیشنهادات سابق الذکر اخیر تقاضا
بنوید مرتفع پیشنهادی که بعدها ... صحیح و صواب به قبول شمار
(وثوق الدوله)

مذاکرات روز ملی دربار ۱۹۱۱ دسمبر

اعضاء کابینه که در آن جلسه حضور داشتند از قرار ذیل است
مشیرالدوله وزیر معارف - معاضدالسلطنه وزیر پست و تلگراف - محتشم السلطنه وزیر عدلیه -
وثوق الدوله وزیر امور خارجه
وزیر خارجه از قرار ذیل نطق نمود : -
ظهر روز چهارشنبه گذشته یادداشتی از سفارت روس به وزارت خارجه رسیده اگرچه آقایان وکلا از شرح آن مستحضرند
ولی محض آگاهی عموم اهالی هم آنرا قرائت میکنم
پس از قرائت یادداشت دولت روس که حاوی سه فقره تقاضاها و ۴۸ ساعت مهلت دادن برای قبول
آن بود وثوق الدوله بیانات ذیل را نمود : -
بواسطه بعضی علتها وزارت خارجه منتظر است که یک تقاضای پیشنهاد نشود و هم قبل از وصول یادداشت هم بعد از
وصول آن سئوال و جوابات مبادله شد ولی متاسفانه نتیجه نگردید
چون یک قسمت یادداشت قدری مبهم است بالتصور نمودیم بعد از تقاضاها دیگر هم منضم به این سه فقره تقاضاها خواهد شد
در این یادداشت پیشنهاد خواهد شد لهذا استیضاح نمودیم و اکنون اطمینان داده شده که تقاضای دیگری پیشنهاد
نخواهد شد
بنابراین کابینه حقیقت این سه فقره تقاضاها را تصویب مجلس نمیداند لازم است اظهار نمایم که ما از حرکت سفارت
انگلیس نوشته در سلطنت دولت انگلیس راضی نشدیم ولی سفارت مزبور هم در جواب تصویب نموده که در این تقاضاها
مبرم بود - حالا این مطلب را مجلس رفع خواهم نمود
خطابه‌ای نسبت بعد از آن گفته شد اگرچه عبارت آنها ملایم بود لیکن با قبول شدن تقاضاها یکی مخالف بود و
تقاضاها را با استقلال مملکت منافی میدانستند
صمصام السلطنه در باب نیات کابینه (که ظاهراً قبل از وقت باید تعهد نموده بودند) اظهار داشت که پیشنهاد
مجلس بهیئت دولت اختیار داده بود که با تقاضا را اول دولت مزبور بپذیرند ولی تقاضای سوم را رد نمایند
چون آن با استقلال مملکت منافی است - این پیشنهاد فقط سه نفر توافق آرا نموده‌اند -

حاجی معین الممالک پس از مخالفت نمودن با قبول تقاضاها شرح ذیل را که معلوم است قبلاً از وقت حاضر نموده
بوده تسلیم نمود

پس از استماع بیانات هیئت دولت مبنی بر ردّ تقاضاها چون حرمت روس را با استقلال مملکت منافی میدانیم ما نمی توانیم
آن تقاضا را قبول نمائیم از هیئت دولت تقاضا مینمود که برای تسویه این امر داخل مذاکرات شوند ولی هر اکثریت در این موضوع
در مجلس حاضر هم قبلاً پیشنهاد آن متفقاً بصورت شد فقط سیزده رأی بر ضد آن داده شد -

راجع باستعفاء مستر شوستر

در جلسه ۱۳ نوامبر مطابق ۲۱ ذیقعده ۱۳۲۹

مذاکرات طولانی در مجلس شورای ملی بعمل آمد ۲۰ نفر از وکلاء با تقاضای روسها رأی دادند وکلای حدیده مراقب بودند سایر نفر
مخالف سرگردانی بودند که وکلاء هر دو را در هر جمله با آراء عمومی ملت مخلوط نمایند برای قانون اساسی را الغو نمایند بعد از آنکه بر این امر ابتدا بود
منهمک باید شد در باقی طرح اینکه اگر در مملکت تا این بساط وم است لازم است تا بتوان ملت در اثر اوضاع سیفیه با نظر اعمال -
هیئت دولت باشند دولت با وجود در برابر جرئت داشتند

اضافه شد و هرگز دیده نشد که با اقبال در مجلس از ممالک ارو با متفقاً با مثال این روش منتظر نشده مشیر السلطنه جواب تقاضاها را
طولانی انگلیسی بالاخره منقضی شدن آن شرط در قبول نموده و شرح به کلیات که از مجلس انگلیس شد مقرر که هیچ شاه
قضیه قرار داد این مجلس نبود که یک بار برای تغییر عقاید خودش را تصمیم نماید
بالاخره به رأی آوردن کمیسیون وارد گردید شد و اکثریت ۴۰ نفر رأی در مقابل ۸ رأی تصویب شد

قانون تصویب شده از قرار ذیل است

انعقاد مجلس با وقفی که نصف عده وکلای حدیده با اضافه یک نفر وارد طهران شوند دوام خواهد داشت دولت باید در انتخابات
جدید هرچه زودتر اقدامات نمایند

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۲۲۲

۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۹

تلگراف ذیل بتاریخ ۳ دسامبر از قونسول انگلیس مقیم رشت رسیده :-

۸۰۰ نفر قزاق که در شب ۲ دسامبر حرکت نمودند سه ساعت بعد حکم شد که برگشت نمایند ۱۰۰۰ نفر
سرباز و ۲۰۰۰ نفر قزاق امروز صبح بعزم طهران حرکت نمودند

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری نمره ۲۳۶

۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذیحجه ۱۳۲۹

بیرم محمد آباد بر ساحت نظمیه تصرف شد و ظاهراً اهالی و هم متعلقین از بختیاریها ضبط نمودند

تلگراف سر بوکانن بسر ادوارد گری نمره ۲۴۳

سن پطرزبورغ ۴ دسامبر ۱۹۱۱

پس در شنبه سه بعد از ظهر نراتوف را ملاقات نمودم و بجناب ایشان اظهار داشت امیدوار است با ملک برگزیدن برای حل این معاملات هم
که برای هر دو سهل باشد ولی اینطور که تعلق خود را نموده از هر نوع نگرانی در باب حیثیت شاه مخلوع که خودش را بالمره از آن
و در آنچه هم تعمیر نکرده اند بطلاح داشت جناب در باب سلطنت عقیده خودش اظهار نمود که از هر نوع تقصیر از بختیاریها
در باب رجعت محمد علی میرزا موقف دارد هر از آنکه مانع شده در باب شناختن شاه مخلوع نیز هم اگر رضا بختیاریها که
مربوط او را امیدوار است بسلطنت جاری دارد هر اقدام با مخالفت خواهیم کرد من جواب دادم که سر ادوارد گری نیز بالمره با ملاحظه
احتمال هر نوع تقاضای دیگر را هم تصور کرده و هیچ چیز را قطعی او را در این باب تغییر نخواهد داد بختیاریها نیز از ملاحظه
شاه مخلوع هستند که اصرار در تجدید سلطنت او دارند سه خصوص در صورتیکه با قبل از وقت با آنها اطلاع بدهیم که ما
او را با سمت نخواهیم شناخت

در اثناء مکالمه دیروز با مسیو رحیم ایران که سر جارج بارکلی نموده بود مسیو نراتوف را مختصر نمودم بجناب
او دعوت نمودم که در تقاضاها از روس ممکن است احساسات دولت ایران را متزلزل نماید تقاضاهائی است که

در ماده دوم درباب مستشارهای خارجه شده ولی هر تغییر و تعدیل در این نکته بشود باز اسباب اشکال خواهد شد چون
مملکتی است که دولت ایران تبعه خارجه دیگر را استخدام نماید که اعمال او مثل اعمال مستر شوستر با مصالح ما مخالف باشد در حوزه همسایگان تعرض
در آن تقاضا داد بعلاوه تقاضای دولت روس فقط بیان مطلبی است که شبیه به همین معاهده در آن موضوع صرف از
دست نکشیده اند و ملاحظه نموده اند
در موضوع دعوی خسارت هم اگر دولت ایران فقط قبول معاهده است لذا قبول اشاره دولت روس حال است در
تشخیص آن خواهد نمود

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی ۲۴۴

وزارت خارجه ۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۹

شما باید با همکار روس خود مذاکره نمائید که نهایت مردم را دارند و بعد از آن که تقاضاهای روس تکمیل بشود در این هیچ نوع دفع
وقت تشخیص دیگری بجای مستر شوستر منصوب بشود و نیز مذاکره نمائید که برای این شغل مناسب و معقول کیست

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری در جواب فوق

۶ دسامبر ۱۹۱۱

راجع به تلگراف دیروز شما همکار روس من بر این است که برای منصوب شدن بجای مستر شوستر مستر ...
پس از انفصال مستر شوستر در شغل مرکز خزانه داری ایران بوده رفتارش همیشه مرضی بوده و حالا مستر
... طرفداری او در ایران و سلوک مستر ... تا حال کسب اعتبار کرده اسم او را برای
این مقام در این موقع پیشنهاد نمایم

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۲۴۶

۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۹

سردار اسعد مشغول اقدامات است که با تمام قوای خود نفوذ خود را برای قبول تقاضاها بکار برد ...
اسباب تسهیل و برقرار اوضاع شده اما با این عموم ... هم ... در مجلس ... فرقه دموکرات
اهم مباحث موفقیت ... آن است که کابینه در تصمیم نمودن مجلس به قبول تقاضاهای روس موفق بشود

تلگراف سر ادوارد گری به سر بیوکنن در وزارت خارجه

۷ دسامبر ۱۹۱۱

حالا شکی نیست که ... در این نقطه باید ... درباب بعضی مسائل ... که
خوف اشغال ... بر نفع ... در این فراهم بشود

بنابر این یاد داشتی ... امور خارجه دولت روس ... نموده ... تهدید داری ... شدن آن ...
نمایند و ... اطلاعات خودتان را هم بیان نمایند

بنابر این بهر حال توضیح نمائید که ما ... شرح ... در این موضوعات ...
را ... داریم که فقط ... مقام ... مستر شوستر ... موضوع بحث قرار داده بشود و بس :-

۱ — ... بر جوره ما ... ایران داده بود ... در روس ...
دانسته باشند و درباب ... که ... در ایران ... بشوند

۲ — می‌خواهیم بدانم دولت روس ... قرارداد ... شاه مخلوع ... خواهد نمود ...
فقط ... شاه مخلوع ... خواهد شد که ... مقصود ... پس از آنکه
شاه مخلوع ... ایران ... نموده ... از
سلطنت ... اعاده ... که ... اسباب ... خواهد شد

۳ — ... مستر شوستر ... دیگر که مشغول ... بشود که
بیان او برقرار نمود و در این موضوع ... پیش ... مذاکره نموده ... را ... نماید

۴ – پس از اینکه دولت ایران با تقاضاهای روس موافقت نمود ما را باعث شود که مملکت را منظم قرار دهد و در این کار لازم
است مصارف پول لازم خواهند داشت تعهد اخراج ایشان را مراعات نمایند که تحصیل استقراض نمایند
۵ – اگر دولت روس در باب ساده به حرکت قشون [illegible] دولت ایران در [illegible] خواهند شد ما را نمی
امید دارم پس از رفع شدن اختلافات موجوده یک طریقی هم برای رفع این مشکل اتخاذ شود
۶ – تصور است که نزول نمودن روس ممالک ایران را و قرابات قشون خالدار دائمی مثبت و علت بطی است لیکن اگر
دولت ایران تقاضا روس را بپذیرد و اعاده نظم در شمال ایران مسلم گردد این اقدام موقوف شده و قشون روس عودت
خواهند نمود .

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری ۳۰۶
طهران ۱۹ دسامبر

کابینه هر دو فقره مواد ذیل را در روز مجلس پیشنهاد نموده است
۱ – مجلس باید بکابینه اختیارات تامه بدهد که مناقشه بین روس و ایران را قطع نماید
۲ – یک کمیسیونی از مجلس برای رسیدگی با کابینه منتخب شود که دیگر کابینه هیچ مرجعه بمجلس ننمایند
فقط ۵ نفر از وکلا در مورد مخالفت این مواد رای دادند و ۴۲ نفر در ورود آن رای دادند چون هم یک نفر از ماندن از
رای دادن در این موضوع امتناع نمودند عده رای دهندگان برای اکثریت کافی بود ما بین آن عده هم نتیجه ما هر
بیرون آن در امور خارجه پیشنهاد نمود یک کابینه جدیدی تشکیل شود که مواد ما بین رسیدگی که هیچ آن را عمل نمایند
از قرار مسموع زمین مسکنی درباره هر خیمه نمایندگان دیگر است را انحصار نموده و تعلق منشدی برای آنها نموده .

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۳۰۷
۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۹

در باب تحریم بیع املاک با کشتیان در تبریز – دیروز صبح یک مقدار آذوقه جنس طرف اتباع شده بود قنسول
ناظر قشون تحصیل برای تحصیل آن بیرون رفته بود ولی دکانها را از فروش تاریخ امتناع نموده بودند
قونسول و دو کلاس صورت نموده بودند که هر روز را باید تحویل نمایند و تحویل شده بود که به محض سقف دیگر ما
با نقل و ناظر بیرون رفته بودند با حکم شده بود که اگر سر دارد کسیه از فروش امتناع نمودند بازار را یکدفعه ببندند
بیرون آمده بود و یک قبض رسید در عوض آن تسلیم نمود اکنون قونسول تبریز خبر میدهد که قشون روس کاملا مشغول
واقع شده آذوقه لازمه تحصیل شده و هیچ واقعه روی نداده و هیچکس تقاضی ننموده –

مراسله سرادوارد گری به سرجارج بارکلی نمره ۳۱۰
مورخه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۹

آقا – وزیر مختار ایران در ۱۴ سپتامبر حال با مراسله آنده در دسامبر که از قرار تلگراف نموده از طرف
شده بود بمسند میش اظهار داشته بود مبنی بر اینکه دولت ایران از روس اطلاع داده که مواد اولتیماتوم را
دولت ایران قبول خواهد کرد در صورتیکه شرایط ذیل مجری بشود (۱) در عبارت ماده دوم اولتیماتوم در باب
استخدام مستشارهای خارجه بطوریکه از طرف دولت ایران طرح شده عبارت آن ظاهرا مخالف است
اصلاح نمیکند که در تلگراف ۱۳ دسامبر شما مسطور است (۲) مبلغ خسارت قشون کشی در وضع
بر جهت آن معین بشود (۳) پس از قبول اولتیماتوم فورا قشون روس از قزوین عودت داده بشود (۴)
اولتیماتوم دیگر پیشنهاد نشود (۵) بانک روس و انگلیس در برداخت پول بدولت ایران متحدا مساعدت لازمه را
فراهم نمایند (۶) اسباب تسهیل استقراض فورا آماده شود
در جواب بنده توضیح نمودم که هر فقره مواد مطابق برای صحبت پس از قبول اولتیماتوم روس پیشنهاد شده بود که میدانم شرکت
میرزا مهدیخان اظهار داشت که نظریات من را درخواست مساعدت تمام که اما بر دولت روس در قبول نمودن این
شرایط دولت ایران که بخوبی کلام است اصرار خواهم نمود در جواب بار اطلاع داده شد که من قبلا هم
دیگر در این مسئله بر دولت روس فشاری وارد نیاوردم (امضا ادوارد گری)

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری نمره ۳۱۵

طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۹

دیشب مجلس علنی منعقد شده جمع طولانی شد و در جلسهٔ سری نیز در موضوع تازه رد نموده است در زمانی که در تلگراف نمره ۱۹ اطلاع داده ام [illegible] پنج نفر از نمایندگان انتخاب خواهند شد که مجلس [illegible] مشغول دارند.

خلاصه مکتوب [illegible] به تلگراف سرادوارد گری ۳۱۶

۲۱ دسامبر ۱۹۱۱

آقا مخبر السلطنه است که خاطر محترم از تحریم [illegible] در شیراز که در هر [illegible] معروف است در این اوقات ادای [illegible] اطلاع داده که کلیه معاملات [illegible] است امیدوار بودم که [illegible] تجارت [illegible] چندان طولانی نخواهد شد ولی به موجب تلگراف که ۲ [illegible] از شیراز رسیده تحریم [illegible] محمد است دیگر [illegible] بیکار است.

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری ۳۱۷

۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹

در رشت [illegible] اطلاع داده اند که [illegible] اطلاع داده اند که [illegible] خواهند نمود قونسول [illegible] خبر رسیده که اعظم الدوله [illegible] حکومت [illegible] در قونسولگری متحصن شده تلگراف [illegible] قونسول [illegible] سالار الدوله را [illegible] رسیده.

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری ۳۱۹

۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹

قونسول [illegible] در ۲۱ دسامبر تلگراف ذیل را مخابره نموده:

قونسول روس [illegible] اطلاع داده که یک عده سرباز روسی [illegible] از [illegible] یک نفر در سربازان سرکوب حمله نموده سربازان روسی شلیک نموده و [illegible] نفر از [illegible] مقتول بودند [illegible] روسها مشغول مبارزه بودند [illegible] ۲۰۰ نفر [illegible] تصرف [illegible] کلیه [illegible] خاتمه [illegible]

[illegible] اطمینان [illegible] مناظره [illegible] که [illegible] نمود [illegible] قونسول روس [illegible] نموده که [illegible] خارجه [illegible] مرحمت [illegible] قشون روس [illegible] ۵۵۰ نفر [illegible] به ایشان [illegible] رسیده.

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری ۳۲۰

۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹

قونسول [illegible] تلگراف دیگری [illegible] مخابره نموده قشون روس در [illegible] از [illegible] خود مشغول مبارزه [illegible] جواب شلیک [illegible] رشت [illegible] در [illegible] حوالی قونسولگری روس [illegible] واقع شده [illegible] ۴ [illegible] روسها [illegible] شده [illegible] ممکن شده [illegible] داده.

مبارزه [illegible] روز [illegible] محمد [illegible] جواب شلیک [illegible] امروز [illegible]

خلاصه تلگرافات سرجارج بارکلی به سرادوارد گری ۳۲۱

۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹

الدن رئیس کابینه و وزارت امور خارجه نزد من فرستاده شده که بمن اطلاع دهد که مادامی که مقصد شرایطی برای قبول تقاضاهای روس
درپیش بوده ... نموده اند دولت ایران بسفارت روس اطلاع داده است که تقاضاهای روس را با کمال اطمینان می‌پذیرند که هیچ
تقاضاهای جدید دیگر پیشنهاد نشود و قشون اعزام شده روس هم فوراً از ایران خارج شود
وزیر امور خارجه ایران اسف داشت حالا که دولت ایران تقاضاهای روس را قبول نموده امیدواری که دولت انگلیس نیز از
مختار ایران تقسیم پیشنهاد نموده ... اجرا گذارده شود با ... که ... از طرف دولت انگلیس در باب صلح
بین روس و ایران ... روابط ... تبدیل گردد ... اظهار داشتم که ... حادث در طهران ... حرارت ... کمال
ما ... آتیه ... مشهود است اعمال ... در تبریز و رشت عنوان ... کابینه را
تهدید خواهد داد و نتایج وخیمه از اثرات اعمال ... خواهد رسید.

نمره ۳۲۲

۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غره محرم ۱۳۳۰

شرح ذیل را ویس قونسول انگلیس مقیم رشت در موضوع وقعه که در رشت روی داده مخابره نموده :—
در ۲۱ دسامبر بعضی از سوارهای ... با بعضی از افراد روسی در حین عبور در کوچه ... در ... اطراف ...
روسی ... وارد شده و اظهار نمودند که از ... خالی شده ... را تفتیش نمودند با ... شماره
و ... را اهم تفتیش نمودند عقب ... شروع شلیک شد در دقیقه عمومیت ... مستحفظین قونسولگری روس در ... میدان
... شلیک ... عقب ... ایرانی ... مجهول است ... نفر قزاق روسی و ... نفر ایرانی مقتول شدند
... بواسطه ... روس بودن ... مجرم ... اوضاع ... است
در ۲۲ دسامبر ... و ... هم در انزلی ... شده ... روسی مجروح و ده نفر ایرانی مقتول شدند

نمره ۳۲۶

۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰

تلگراف دیگری از قونسول انگلیس مقیم تبریز از قرار شرح ذیل رسیده ... بر روز ... مخابره ... قطع شد ... بعد ... از
... قونسولگری روس ... دسته ... که ... تشریف ... استفاده ... از طرفین
... ولی ... صبح بعضی از ... در حوالی قونسولگری انگلیس مشغول ... بودند ... شلیک ... از
... نفر ایرانی ... نموده مقتول نمودند ... که ... همکار روسی ... نمودم ... از
وقوع این نوع اعمال ... .

نمره ۳۲۹

۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۲۹

امروز عصر مجلس ... از تمام طبقات ... شاهزاده سلطنه در جلسه ... حضور ... داخون
کابینه ... امور خارجه از طرف ... خطاب نموده ... تصور میکنند که مجلس ... است
... وزارت ... و ... اشخاص ... اظهار که مجلس ... نشود ... با ... میتوان
... صادر شد ... دوره ... مجلس ختم است ... امروز عصر ... جلسه
... مجلس ... سکوت ... نموده ... انسداد نمودند ... که ... است ... دربار ...
... تمام ... سلطنه ... خود ... بودن
... امروز عصر ... باز شد.

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری ۱۹

۲۹ دسامبر ۱۹۱۱

اوضاع تبریز — ژنرال قونسول اعلیحضرتی در تاریخ ۲۴ و ۲۵ ماه دسامبر تلگرافاً راپورت میدهد که مأمورین محلی باتفاق ژنرال قونسول روس
کوشش دارند از جنگ جلوگیری نمایند و روز ۲۵ جنگ دائر شد
از قرار معلوم مخابرات و ارتباطات بین قونسولگری روس و قراولخانه عساکر ایشان مقطوع گردیده عساکر جدید روسیه از طرف
جلفا باید بمحور اجتماع وارد شده اند ژنرال قونسول ما در تلگراف ۲۵ خود اظهار مسرور داشت که قریب ۵۰۰۰ قشون
امدادی از جلفا برای الحاق بقشون روس در تبریز حرکت کرده اند

نمره ۲۰

۲۹ دسامبر ۱۹۱۱

ژنرال قونسول اعلیحضرتی مقیم تبریز تلگراف ذیل را در ۲۸ دسامبر مخابره نموده است :—
نسبت قتل عام بردستان ... راپورت ابداً صحت ندارد آنچه واقع گردیده مطابق این راپورت است عساکر روس
۱۲ الی ۱۵ نفر زن و بچه ایرانی را در ... و ... بطور قهر با ایشان سلوک نموده بعد بسیاری
... صاحب منصب روس بطور آرام ... حرکت دادن ... برای ... نموده ... اشتغال نموده
... طاهر ... که ... ایرانی ... در حوالی ... حفاظت را نموده اند
از قرار ... مسموع گشت ... در بعضی دکاکین ... در تلگراف قبل فقره ... را
... حمله نموده ... در ... بمشغول گردید راپورت دادم ... کوشش دارم
تحقیق نموده ... اطراف شهر ... داده ... تلگراف خواهم نمود ... در باب ... اردو
... تعیین خواهم نمود ولی ... احتمال دارد بعضی از ... با در ...
... مشغول گردیده ... عقیده ... ایشان اعمال ... عموم ... روس داده ...
... در صورتیکه برای ... سهو ... باشد .

تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری ۲۱

۲۹ دسامبر ۱۹۱۱

ژنرال قونسول اعلیحضرتی در تاریخ ۲۸ شهر جاری از تبریز بقرار ذیل تلگراف میکند :—
ورود ... ۸۰۰ نفر عساکر روس و ۴ عراده توپ ... اول قشون امدادی — در تاریخ ۲۶ دسامبر
در اوضاع ... بهبودی حاصل گردیده صبح روز ۲۷ قشون روس ... تخلیه نموده ... ایرانی
قشون روس ... نموده ... روس را ... در حال ... در شهر ... بوده ...
... جمع نموده ... در کوچه ها ... تمام ... از شهر فرار کرده اند ...
در خفیه ... ایشان ... طاهر است ...
... بظهور نخواهد رسید
... حکومت ... که ...
... روز ۲۶ در قونسولگری اعلیحضرتی ... امور ... است :—

خلاصه تلگراف سر جارج بارکلی بسر ادوارد گری ۲۲

۳۱ دسامبر ۱۹۱۱

ژنرال قونسول اعلیحضرتی مقیم تبریز تاریخ ۲۹ دسامبر بقرار ذیل تلگراف میکند :—
... شجاع الدوله که ... تبریز وارد ... ملاقات نمود ... را ...
ملاقات کردم ... شجاع الدوله ... در ...
... شجاع الدوله ...
... در صورتیکه از شجاع الدوله ...
... آن اعلیحضرت ... نماید .

خلاصه تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۳۷

۵ ژانویه ۱۹۱۲

تلگراف ذیل مورخه ۳ دسامبر از طرف قونسول ایماژستی در تبریز رسیده :-
خاطر عالی را مستحضر میدارم که جنرال وارد نف دیروز با هزار نفر وارد تبریز گردید و هزار و پانصد نفر دیگر انتظار میرود از آن وارد شوند
علاوه قشون روسی با اضافه قشون امدادی که با کرنل وارد شده قریب چهار هزار نفر میرسد بعضی اعلانات که از طرف معاون
و امضا نشده منتشر گردید بعضی از دکاکین بازار امروز باز بود بعضی از سربازان روسی مخصوصاً قزاقان مرتکب سرقتهای قطع دستها دیگر
مرتکب شدند و بعضی از دکاکینها را شکسته غارت نمودند با وجود این حکم کمیته اسباب اطمینان اهالی را فراهم نمود
انجمن ملوکیت در جلوگیری از این سرقتها کوشش نمود و شجاع الدوله تازه وارد شده احکامی را که از طرف صمصام فرمانده
قشون در این باب صادر شده بطور رسمی تصدیق نمود :-
علاء السلطنه و چند از رجال ایران در اینجا فقط نماینده باقی نفوذیان ایرانی در تحت فرمانده روسی خود میباشند
روسها شهر را کاملاً در تصرف خود آورده و سمت قشون خود را در ادارات دولتی و گمرک خانهها و اداره پست
برقرار داشته اند و بر حسب مردم کلیه افراد اسلحه باید برای نظم و امنیت عمومی و حکومت شهر بوده در دست اهالی است
اهالی از قرار معلوم فقط مایل باشند که مسالمت و آرامی بظهور رسد دکاکین در تحت تجسس ... بارها
کمک میکنند شیخ سلیم را روسها تسلیم نموده اند این شیخ که از سرکردگان اعیان طبقات است و اهالی او را
باعث تعدیات حاکم خود میدانند سفیر اظهار نمود که این شخص را باید به قانون نظامی محاکمه نمود و هرگاه در محکمه
مقصر واقع شود بطور تحقیق به سیاست خواهد رسید
دستجاتی که برای تجسس و تفتیش مأمور شده بودند نعش چهارده سرباز روسی را که مفقود الاثر بوده پیدا کرده اند از
قرار معلوم در طلیعه سفارت روسی ... سربازان را به یک وضع ... قطع نموده بوده اند و بیرون
اعضا را در ... سپرده

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

۲ ژانویه ۱۹۱۲

تلگراف ذیل دیروز از طرف قونسول ایماژستی مقیم تبریز واصل گردیده
با نهایت اعتماد راپورت میدهم که ... ساعت ۴ بعد از ظهر امروز روسها ۸ نفر را که شیخ سلیم ثقة الاسلام
هم جزو آنها بوده بدار آویختند نموده بودند (اسامی آنها بدار زدن مؤلف) بمعاون روسی اظهار میدارد
که قتل آنها بر حسب رای محکمه نظامی که با امر مقامات عالیه تشکیل گردیده بود بانجام رسیده.

تلگراف ۴۹ ۳ ژانویه ۱۹۱۲

شجاع الدوله دیروز با جمعیت ... وارد تبریز گردید.

تلگراف ۵۰ ۳ ژانویه ۱۹۱۲

از قونسول ایماژستی مقیم تبریز - قونسول روس را امروز صبح ملاقات نمودم او تصدیق نمود آنچه را که من سابق
راپورت داده بودم که محکمه نظامی در تحت ... سنت پطرزبورغ تشکیل شد و بعضی از معاریف متهم به تحریک
قیام ... بر ضد عساکر روس شده و بعضی را بواسطه آنکه در آن قیام شرکت نموده بودند محکوم کردند در شهر شهرت
دارد که ... دیگر در شهر ... رسید ۱۸ الی ... در اردو ... از ... که
با آنها چطور سیاست خواهد شد :-

تلگراف سر جارج بوکانان به سر ادوارد گری ۵۲

سنت پطرزبورغ ۳ ژانویه ۱۹۱۲

آقا در ضمن صحبتی که روز سوم ماه جاری با وزیر امور خارجه داشتم موضوع راپورت را ... داده ... قتل ثقة الاسلام
که از طرف ... نظامی روس در ... آمده و سر جارج بارکلی در تلگراف ۲ ژانویه خود راپورت آن را
داده بود صحبت کرده اظهار داشتم که قتل شخص ... در نظر ... یک ... خیلی ...
... نقش نمود که اهالی تمام ایران از این ... خواهند شد -

و غیره از نتایج اولیه آن این خواهد بود که حکومت مرکزی جدیده که برای اصلاح امور با دولت روس اتحاد جسته کرده است در جلو نظر ملت
عظیم ایران بی اعتبار و بی قدرت جلوه داده محترم را ضعیف خواهند کرد و در مجلس نظر بیاید که از عموم اعلان معلوم نبود که با مأمورین روس تماس
قتل ثقة الاسلام کرده و اثر فقط تقصید آنکه تمام مردم را مستعد ساخته باعث تولید هیجانات جدیده شده با توسط تشکیلات
برای ایالات آن طرف برپا بیاورند

سفیر تسار نیکلا نتیجه در جواب اظهار داشت که مأمورین نظامی غیر از آنکه توسط قتل ثقة الاسلام را مجازات و تنبیه نمایند ثقة
دیگری را اعدام نکنند و ثقة الاسلام که از مرتکبین عمده هیجانات اخیره و مجاهدین ضد روس بوده و متعهد بودن در اداره از نتایج اعمالش
محفوظ نمانده است و بیلدوه با مأمورین نظامی مجبور بودند که جانشان را نگاه دارند و یا سایرین که آنها را برپا کرده و مکلف نموده بودند
در تحت ملاحظه آورده تنبیه نمایند زیرا آنها را زنده زنده زیر خاک کرده و جنایات را بطور وحشت‌انگیز قطع اعضا نموده اند
ذیل کار نموده‌اند که در این باب که سه نفر کشتن بزرگ تومان را در مسجد دستگیر و تقدیم نموده باشند در عدالت از آن قضیه تأیید شد
می اظهار داشتم که شکل رضایت ترجمان از این است و سخت مجازات نمایند ولی امور حکام هر وقت هرگاه
ثقة الاسلام تقصیر محکوم شده تنبیه معدوم بصرف مشغول بود و قونسول روس هم بیشتر با نظامی عظیم حدس است که رعایای تبعه
دارد و از آن هر قسم کم قدر و خیانت رعایای تبعه را ضرب وارد آورده و حمل بسته بیش از همه چیز ذهن مرا
مشغول داشته است که مبادا باعث تولید هیجان جدیده در ایران گردیده باعث خطر گردد و همچنین اظهار داشتم
وسیله تحویل طریق از طرف عساکر روس بوده است ملتفت از اظهارات من لطف شده‌اند که از اعدام عساکر روس با ایران
در مجلس تشویش العکس نظم رسیده و از صمیمیت منتج که ملاحظه برای شما حاصل گردیده تا بوده شاید و اظهار اعتماد نمودم
که جناب سفیر اکبر الله معتقد در مأمورین نظامی روس در ایران مراجعت خواهند نمود که به مصرف طریق به معاهده انگلیس
و روس شکسته بزرگی وارد خواهد گردد جناب سفیر انگلیس اظهار داشت اعتماد دارم عادتیه که باعث مردم اعمال گردد
روی نخواهد داد برای دولت روس تمام ترتیب که عقاید عامه را در تحت ملاحظه دارد نظر داشته باشید هیچ وجه ایران
را خواستار نیست سفیر ملت در طرف شما از گفت نمیکند راجع در باب عودت عساکر قرار نموده بود موافقت نداشته
نموده و ذکر کرده است که هیچ از تعدی که از اشخاص نسبت فرستاده شده برای این بود که قشون با تصویب کارگزاری نمایند.

تلگراف سر ادوارد گری باسکلرک دارد [illegible] ۵۵

۳ ژانویه ۱۹۱۲

وزیر امور خارجه دیروز در باب قتل ثقة الاسلام مذاکره نموده در نتیجه صحبت کابینه جدید نمودم که دیروز اصرار کرد که
دولت روس باید نظر تبدیل کابینه بسپارد

اولاً لحاظ کابینه در باب مرکز وضع اداره کردن حکومت رشت دارد و در این طرف دولت روس با ایران
داده بود

ثانیاً اخراج شجاع الدوله از تبریز

ثالثاً دولت روس رضایت بود که تحقیقات تعیین آمده معلوم کرده مسئولیت محکوم نمودن ثقة الاسلام تنها
نظامی که بعد از وزیر امور خارجه بی‌تقصیر بوده باشد.

وزیر خارجه اظهار عقیده نمود که برای دولت ایران وساطت نموده از دولت روس که همراهی لازمه خواهیم نمود تا
شرایط اول و دوم فوق الذکر شرط صحیح میباشد

ماده سوم در این باب دولت روس نظرات داده صادر است مطلب است

از قرار معلوم دیگر از وزیر مختار وزیر امور خارجه رسیده حرکت شجاع الدوله از تبریز قهراً مانع مراجعت او در تبریز یک
دولت شده

تلگراف نمره ۵۹ ۵ ژانویه ۱۹۱۲

چنانچه در اوضاع فعلی معلوم میکند شجاع الدوله تاکی دولت ایران است و حاکم حقیقی تبریز میباشد سفارتخانه هرگاه
بخواهد از شما ملاقات کند قبول نکنید
خوب نیست شما بطور غیر رسمی از جنرال روسی ملاقات نمائید

تلگراف ۱۱ ژانویه ۱۹۱۲ ۷۸

نوشتند امروز صبح حرکت نموده

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۹۶

۱۵ ژانویه ۱۹۱۲

وزیر امور خارجه اطلاع میدهد که شخصی مرحوم رشید السلطان با ۱۵۰ نفر تفنگچی ترکمان از طرف شاه مخلوع از کشتی روسی
با ترکمن پیاده شد.

تلگراف ۱۵ ژانویه ۱۹۱۲ — ۹۸

سفیر روس مرا اطلاع میدهد که برای قونسول روس از استرآباد بطور غیر رسمی منفرداً معلومات رسیده که رشید السلطان را با ۱۵۰
نفر ترکمان که همراه او هستند به بندر ... که از آنجا اکراه کشتی عودت داده.

تلگراف ۱۵ ژانویه ۱۹۱۲ — ۹۹

کابینه ایران منفصل شده است ... خزانه دار کل را اخراج و تعهده کرده است - وضعیت ... حاله امریکائی امور
درست معلوم نیست - ولی امور در مجرای خود حالا جریان ندارد

نمره ۱۰۴

۱۸ ژانویه ۱۹۱۲

پس از آنکه ... برای اینکه با صدر الدوله دادم در قونسولخانه اعلیحضرت در ... اختیار نموده از راه ...
تا حال ... خوش سلوکی بوده ... رئیس ... اظهار نموده بودم که حرکت ... فرمان ... مرکور را نموده بود
و ... اظهار ... خواهند شد ... خود نصیحت نمود که فقط ... نواب
... دولت روس بطور اطلاع داده شده بود که اگر شما ... موافقت نمایم ... مرکور
... بود ... حساب ... رئیس ... اظهار ... میکنند که
هرگاه ... خود ... که داده اند که با ... خوش سلوکی ... خواهند ... از
که از قونسولخانه اعلیحضرت خارج ... بطوری که ... خواهند ... مرکور در توقف خود
در قونسولخانه ... خواهد داد
وعده میدهم ... شما ... موقف خواهد ... اگر ... مرکور با ...
دولت روس ... که ... وعده خوش سلوکی که با داده شده از قونسولخانه
خارج شده و ... شما ... در صورتیکه از قونسولخانه خارج شد ...
ماخوذ خواهد یافت ولی ... مرکور را ... شارح شدن او از قونسولخانه ... رئیس
... که ... آزادی ... نمود ... داخل
... که هرگاه ... شده بود ... که در قونسولخانه روس پناهنده شده بود ...
سلوک ... رئیس ... بود
از قراریکه فهمیده ام ... که ... داده است
که ... روس ... مشغول نموده اند.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۱۰۵

۱۸ ژانویه ۱۹۱۲

وزیر امور خارجه مرا اطلاع میدهد که جنرال قونسول ایران مقیم بغداد ... نفر از علما از
... ایران ... موفق گردیده است.

تلگراف ۱۸ ژانویه ۱۰۶

... بنابر اینکه ... حقوق ... برای شاه مخلوع ... خواهد بود ... نموده ام
کلیه حقوقش باو داده بود ... داشته دولت روس ... خواهند داشت.

تلگراف سرجارج بوکانان به سرادوارد گری ۱۱۰

سن پطرزبورغ ۳۰ ژانویه ۱۹۱۲

دولت روس نمیتواند راضی شود که صمصام السلطنه در دولت بحکومت ممتازی مشخص بود اگرچه سپهدار او را محکوم بقتل کرده دولتها میل دارند
که سیاست شمال را اختیار کنند اول از همه و در هم از محروم خزانه بر حسب لاقطع نمایند او را از اینکه هرگونه سیاست (?) رسید از ایراد که
در شوش (?) عشایر ... اخبار جزئیه تریب نموده است در صورتیکه مطالب فوق را عنوان میشود باز افغان (?) اظهار داشت میشود که اگر صمصام
السلطنه را از سمت مراقبه (?) آورده بعد معزول میکند مراتب را بعضی اوقات بالاخره دولت ایران خود شخصاً هر دو را که باین کار را بکنند.

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بارکلی وزارت خارجه ۱۱۷

بعد از اخبار نمودن اسباب الرحال در تبریز حالیه وضع مرتضی (?) بصورتیکه صمصام السلطنه بایدفعلاً در قونسولخانه توقف نماید.

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری ۱۲۷

۲۵ ژانویه ۱۹۱۲

از قرار راپورتهائیکه برای دولت ایران رسیده بعدادی بیرق از ۲۰۰۰ سوار با سه عراده توپ
با ... صمصام السلطنه برای ... در کرمان حرکت داده شده است ... صمصام السلطنه ... را فرستاده که ... را قربان دهد.

تلگراف ۳ ژانویه ۱۹۱۲ - ۱۲۸

نفر روس برا اطلاع رسیده که جنرال ... اونوقنول جنرال روس ... بر زبر دستور ... داده اند ... صمصام السلطنه ... دولت
دولت روس اظهار نموده است ... عساکر روس در تبریز ... شده ... مجموع ... تحت ... شده ...
اعلیحضرت ... پادشاه ... خود ... عساکر ... بنام خود ... قصدی ... اتمام ... اراده ... دولت روس ... اقدامات
تصرف ... خواهد نمود.

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بوکانان ۱۳۵

وزارت خارجه ۳ ژانویه ۱۹۱۲

... وزیر امور خارجه روس اطلاع دهید که اگر ... صمصام السلطنه ... نموده ... علاوه بر آنچه
در تلگراف ۲۰ ژانویه ذکر شده ... خواهد شد که از قونسولخانه خارج شود.

تلگراف سرجارج بوکانان به سرادوارد گری ۱۴۲

سن پطرزبورغ ۲۹ ژانویه ۱۹۱۲

مسیو سازانف ... است که صمصام السلطنه ... در ... نموده ... با ... علاوه ... است
که علاوه بر آنچه در تلگراف ۲۰ ژانویه ... ذکر گردید ... مطالبات دیگری در حق وی نبوند.

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری ۱۴۷

غره فوریه ۱۹۱۲

ویس قونسول اعلیحضرت معظم ... راپورت رسیده که ... نظمیه و چهار نفر دیگر را ... زدند.

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بارکلی ۱۵۰

وزارت خارجه غره فوریه ۱۹۱۲

راجع بتلگراف ۲۹ ژانویه از سن پطرزبورغ ممکن است حالا صمصام السلطنه ... از قونسولخانه
خارج شود

(صمصام السلطنه ... قونسول انگلیس ... خارج شدن از قونسولخانه ... صمصام السلطنه را
مهلت ... که ... التجا نکنند - مترجم)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۱۵۲

طهران ۲ فوریه ۱۹۱۲

آقا افتخار دارم نقشه پیشنهادی ژاندارمری را که دولت ایران که فعلاً با پارس برای مرور فرستاده است لفاً انفاد دارم
مخلص با پارس نیز پیشنهادات مختلف دیگر هم از بابت [illegible] ژاندارمری برای فرستاده و فقرات مهمه آن از قرار ذیل است :-
تخمین مصارف قسمت ۱۲ ماه اول ۵۵۰۰۰ لیرا و ۹ ماه متعاقب آن ۷۰۰۰۰ لیرا میباشد
در بودجه فقط برای تشکیل پستهای ژاندارمری در راه‌های ذیل مقرر شده است :-
در شمال (۱) راه انزلی الی قزوین و طهران الی قم (۲) راه قزوین و زنجان الی سرحد
در جنوب راه بوشهر الی شیراز و یزد و کرمان
تخمین زده شده است که در فارس یک باطالیون ۱۵۰۰ نفری تشکیل کرده برای حفظ راه بوشهر الی شیراز و یزد کافی
در شیراز حفظ باشند هم بسیارند که در اواخر ۱۲ ماه اول پستهای ژاندارمری از شیراز الی کازرون (۵۰ میل طرف جنوب
غربی کازرون) بطرف جنوب و تا قمشه (۲۰ میل شمال شیراز) بطرف شمال برقرار گردد
در عوض ۹ ماه متعاقب آن قصد دارند که پستها را بطرف جنوب تا بوشهر و بطرف شمال تا یزد امتداد دهند
وجوهیکه برای ژاندارمری فارس تخصیص شده برای ۱۲ ماه اول تخمیناً ۲۰۷۰۰ لیرا و برای ۹ ماه بعد —
۲۵۰۰۰ لیرا میباشد
ماژور هیلمارسن که از صاحب منصبان سوئدی ژاندارمری در اداره مرکزی است از طهران به شیراز حرکت نمود که شروع به تشکیل
باطالیون فارس نماید (امضا جارج بارکلی)

نقشه تشکیل ژاندارمری

ماده اول — ژاندارمری به شعبات ثابت و سیار منقسم میگردد

ماده دوم — ژاندارمری مخصوص ایالات و ولایات خواهد بود در بعضی ایالات تمام ژاندارمری برای [illegible]
یک رژیمان تشکیل میدهد در سایر ایالات چندین رژیمان خواهد بود در ولایات ژاندارمری فقط یک باطالیون تشکیل میدهد
(حتی در ایالات در ابتدا ژاندارمری یک باطالیون تشکیل میدهد و بعد یک رژیمان تشکیل خواهد داد)

ماده سوم — قسمت ثابت مرکب خواهد بود از دستجات مختلفه ژاندارم که عده آنها مختلف بوده و در راه برقرار
خواهند بود و در اشاعه با یکدیگر رابطه خواهند داشت برای تشکیل این دستجات راه را بقطعات بخش منقسم خواهند کرد
هر یک از این قطعات راه را [illegible] مخصوص به عده آن [illegible] از [illegible] دسته یک عده از آنها کوچک
تقسیم شده هر یک [illegible] خواهد نمود
استعداد و افراد هر یک از این دستجات (نصف دسته) ۳۰ درجه خواهد بود [illegible] ایالات
مختلفه [illegible] درجات مختلفه [illegible] خواهد شد
چندین دسته یا نصف دسته یک کمپانی تشکیل خواهد داد و یکی از صاحب منصبان دستجات که [illegible] میباشد
نیز سرکرده کمپانی خواهد بود — چندین کمپانی یک باطالیون تشکیل داده و دارای یک سرکرده خواهند بود
چنانچه در فوق ذکر گردید باطالیونها تشکیل یک رژیمان میدهند [illegible] تمام باطالیونهای یک ایالت تشکیل یک
رژیمان فقط میدهند سرکرده رژیمان [illegible] خواهد بود که [illegible] در ایالات [illegible] دارد
در جاهائیکه باطالیونهای ایالتی تشکیل چندین رژیمان دهند سرکرده آن رژیمانها در نقاط مختلفه ایالت
خواهد بود

ماده چهارم — عده دستجات و نصف دستجات مختلف خواهد بود ولیکن عده افراد کمپانی و بعضی [illegible] آن خواهد بود
عده کمپانیهای یک باطالیون و عده باطالیونها مختلف خواهد بود ولیکن [illegible] است که [illegible] آن عده
دستجات دائم دستجات [illegible] میگردد
اساس کلیه تشکیلات قشون [illegible] ترتیب دادن دستجات دائم دسته [illegible] به پستهای کوچک خواهد بود چرا که
تمام خدمات [illegible] ژاندارمری کافی [illegible] پستها میباشد

ماده پنجم دستجات سوار برای اعلام محلاتی که قشون ثابت مشغول آنند اسبان را منظم و آرام نمایند نگاه برده خواهند شد
دستجات سوار از قرار ذیل تشکیل میشود :—

(۱) ژاندارمها (با انضمام صاحب‌منصبان و صاحب‌منصبان غیر نظامی) که از آنها با تشخیص ادارات برای تشکیل دستجات سوار گرفته میشود

(۲) دستجات سوار دائمی که مثل سربازگیری گرفته و تربیت میشوند

دستجات سوار موقتی ممکن است خارج از حدود حوزه فقط در موارد مستثنیه با مراسلات علیحده خدمت نمایند در موقع تشکیل
دستجات موقتی بعد از کافی برای انجام وظایف معموله بکار از وده خواهند شد تا طرق محوطه کلیه افراد قشون
هر یک از سواران با یک تفنگ برداشته خواهند شد

دستجات سوار ژاندارمری در نقاط مرکزی مجتمع خواهند شد مگر اینکه در لزوم علیحده بنا باشد خارج از حدود حوزه خدمت نمایند
نگاه بردن دستجات دائمی با موقعیت اوضاع و مواقع خواهد بود (در نقشه توقف آنها افرادات بمقصود اعلام آنها دستجات
راه و غیره خواهد بود) با حدیکه ممکن است باید از عده قشون ثابت کم شود .

نمره ۱۵۳

بوصول تلگراف ... در روز ... نیونول اعلیحضرت معظم بر تعلیم دادم که شاه ... را اصرار در ... و ... بیاید از قرار یکه
حالا فهمیده ام دولت روس ... پوکلیوسکی را تعلیم داده اند که ... را ... بعطه دولت ایران تا ... باید
ممکن است که نفوذ اعلیحضرت معظم ... بطور ... در تلگراف ۲۰ ... خود ... است
تا اینکه دولت روس ... از این ... مشکلات ... نماید ... از ... که ... نیونول
اعلیحضرت تعلیم داده ام که ... تلگرافی ... صحیح ... اندازد .

تلگراف ... ۱۵۴

وزارت خارجه ۳ فوریه ۱۹۱۲ پیشنهادات متحدالمآل

اوضاع ... که ... مهم ... از دولتین روس و ... خود ... طریق ... که ...
دولت ... در ایران پیشنهاد نماید :—

۱ ... ۲۰۰۰۰۰ لیرا (صد هزار از هر یک دولتین) به دولت ایران مساعده نموده ... از این مبلغ که برای احتیاجات
... مخصوص شده ... هزار لیرا ... اعلیحضرت مساعده ... برای تشکیل ... در تحت
ایران ... بود ... مصرف تمام این مساعده ... اعلیحضرت در صورتیکه ...
... ۲۰۰۰۰۰ لیرا مساعده ... باشد

۲ یک اظهاریه که عبارت از ... وزیر امور خارجه روس نوشته باشند برای دولت
ایران فرستاده شده ... اطلاع دهند که ... شاه مخلوع با ... معاونت ... تو...
نخواهند نمود ... شاه مخلوع در ... از ایران خارج ... حقوق ... خواهد بود که ... شده
... خواهد بود که ... ایران ... دولت روس ... با ...

۳ ... اعلان عفو عمومی ... ایران ... نمایند ... از ایران
خارج گردد

۴ ... ممکن است ... تشکیل یک قشون ... ایران ... ایران نمایند

۵ از دولت ایران خواسته شود که ... خود را با اصول معاهده انگلیس و روس وفق دهند ... برای ... منظور
طرح نموده ... اطلاع ... نویسند

اگر ... دیگر ... فوق ... روس ... ایران ... که ... ایران ... اگر ...
اوضاع ایران ... خواهد شد ... ناید ... تا ... پوکلیوسکی
تعلیم ... که ... فوراً ... نمایند

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

۳ فوریه ۱۹۱۲

آخرین راپورتیکه از قونسول روس مقیم استراباد برای سفیر روس رسیده حاکی و مشعر این است که عده هفتصد نفر در حوالی استراباد فعلا سیصد نفر از نفر سر رسیده و ملکیه از قشون رشت هم خود انها هستند از قراریکه معلوم است انها اعتماد و موفقیت خود را از دست داده حمله به شاهرود را مینمایند -

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری ۱۵۶

۳ فوریه ۱۹۱۲

جنرال قونسول انگلیس مقیم مشهد مرا از تلگرافات مفصلی مورخ سالار مخلوع داده شده و محل اقامت او اطلاع داده مرا مطلع نموده در عرض یک راپورت داده که پسر بزرگ او از ترکمانها نزدیک شاهرود مشغول جدال هستند و اوضاع اهالی بطور عموم منفور است دولت ایران ... و امیدواریم که ... نموده که از جنرال قونسول روس است ... در مرحوم که اگر تقاضا کند که از جنرال جنرال قونسول انگلیس اقتدار مشهد را مصالح شاه مخلوع ... نموده اند مینمود و کلیه ... جنرال قونسول روس را ... دستورالعمل داده که حد و جهد کامل نموده از این نفوذ خود کار نماید -

خلاصه تلگراف سر جارج بوکانان به سر ادوارد گری نمره ۱۶۰

۴ فوریه ۱۹۱۲

آقای ... تلگراف مورخ سوم شهر جاری شما ... بر قراریکه داده بودیم از دو روز گذشته ملاقات نمودم حضرت جناب مسیو سازانوف خیلی مشغول ترد و تحقیقات از بابت ... نکات مذکوره ... ظهار به همراه امکان که شاه بود به دولت ایران داده بشود ... که شاه می بایستی که ... مقتضی میشود ... اش نا نبود ... در حرف ... مذاکرات

مسیو سازانوف بر ظهار داشت که مسیو پوکلوسکی تعلیم داده است با سر جارج بارکلی از بابت عبارت اظهار به همراه امکان با دولت ایران ... که با شاه مخلوع مذاکره نموده ... ایران باشد ... آن حقوق ... اعطا نموده و ... عفو عمومی ... شد

او اظهار داشت نمیتواند بر شرطی راکه در شرایط اعطای حقوق شاه پیشنهاد نموده اند قبول کند که شاه مخلوع و عده ... رضایت دولت روس با ایران مراجعت نماید ... جناب مسیو سازانوف ... نمودم که او این شرط را قبول نموده است (حاشیه در تلگراف نمره ۲ راپورت خود در اوراق دادم) مسیو سازانوف جواب داد که حکومت روس نمیخواهد که ... شاه مخلوع در دسته ... شاه ... شرطی راکه حتی شرط منضم ... باشد ... بخصوصه ... خود را درست ... تمام باشد ... دو ... قرار دهند ،

نسبت به ... مساعده رجوع نمود مسیو سازانوف ... اطلاع داد که ... حتی مبلغ زیادی که (۲۰۰۰۰۰) لیره است دولت ایران ... اظهار داشت که حرف کوکوتسف این است که قانون ... حتی مبلغ ... ساعده بانک ... روس در ایران (طهران) ... نمیخواهد ... دولت ایران ... اظهار داشتم که ... ایران ... در سال ۱۹۱۰ ... (قرارداد ...) ... ۴۰۰۰۰۰ لیره ... دولت ایران قرض دهند ... مسیو سازانوف ... اظهار داشت مسیو پوکلوسکی تعلیم داده است که با ... مساعدت ... دولت ایران ... مسیو کوکوتسف ... مسیو سازانوف ... (۱۰۰۰۰۰) لیره برای ... دولت ایران ... مسیو سازانوف ... دولت ایران مساعده داده شود ... روس

روس منهدم نموده بود در مقابل ایمپراتوری عثمانی هراس داشت آنها قبول کنند روس وارد شده بنا نمودیم که هر گره تمام در نقطه
محفوظ باشد با آنها طول خواهد کشید دیوار با هر کار ... کرده که اسباب رفع نفوذ روس از ایران ... با نفوذ ... بسط داده
قبول نمود که در جنگ مساعده آن را با شرط قبول این شرط نمایند ... نمود ... اینکه قبل از آنکه مساعده دیگر برده شده
بود قرارداد ملاقات ارباب ... با نفوذ آمده قبل از آنکه ... فرصت دیگر باتمام رسند

از این مقایسه تلگرافات و مکاتبات وزرای روس و انگلیس و عثمانی و جنگ سیاسی که در ایران بخوبی واضح و مبرهن میگردد که از یک طرف
با نظر قبول ... استعماری ... به واسطه تضعیف ... ایران ... که هر ... چهارصد هزار لیره
که منحوس ... ایران قرض بدهند که ... پول ... سیصد هزار لیره ... نموده بعلاوه ... دیگر
... ایران وارد ... که ... طرف ... [illegible]
از زیر بار این ننگ ... خلاص سازد
اگر خوانندگان گرام با مطالعه تلگرافات و مکاتبات ... خواهند نمود ... خود را خواهند
مشاهده ... آینده ایران ... باشد که ... [illegible]
... خود را ... (مؤلف)

شروع بفتح اصفهان

۵۰۵

مکی حاج آقا نورالله

زمانیکه مستبدین در تهران بودند ابوالقاسمخان پسر ضرغام السلطنه بختیاری از طرف حکومت حاکم قمشه بود با مشروطه طلبان سرا داده
و مکاتبه داشت تا آنکه آزادیخواهان اصفهان هم عهد و پیمان شدند بمسئله متفق آنان آزادیخواهان علنی شد و در تلگرافخانه قبول اتحاد [illegible] نمودند
و کلای علمای عتبات که حکم بر مخالفت با استبداد داده بودند مشروطه داده حاجی آقا نورالله توسط ابوالقاسمخان ضرغام السلطنه را دعوت
باصفهان کردند برای استرداد مشروطه ملتزم ضرغام السلطنه حاضر شده عقد اتحاد بستند پس از آن حاجی آقا نورالله و تجار [illegible] اسلحه [illegible]
در این وقت حاج [illegible] سردار ظفر چند نفر دیگر در طهران در خدمت محمدعلیشاه بودند و چهار صد سوار بختیاری با سردار جنگ در [illegible]
مأمور جنگ تبریز شدند بعد از یکماه دیگر دویست سوار از بختیاری خواستند سردار ظفر از طهران با پول زیاد و بقیه سوار مأمور بردن بختیاری گردید در
پس روز تقسیم کرد ولی صمصام السلطنه تغییر رای داد با صمصام السلطنه و عموزاده ها [illegible] حالی کردند [illegible] شد صمصام السلطنه
از حکومت منفصل حکومت به سردار محتشم و جعفرقلیخان که بعدها سردار بهادر گردید تفویض کردند [illegible] نیز از عمل آمد [illegible]
لکن در اینحال صمصام السلطنه فرزند بعد از چندی در منزل ضرغام السلطنه رفته و با او هم عهد گشته که با بختیاریها [illegible] شده [illegible] متفق
شاید ضرغام السلطنه قضیه را به ابوالقاسمخان اطلاع [illegible] اصفهان رفته با مشروطه طلبان [illegible] اتحاد
را فراهم سازند [illegible] اقبال الدوله حکمران [illegible] اقبال الدوله
سیصد نفر سوار [illegible] مأمور گرفتاری ابوالقاسمخان نموده [illegible] اصفهان [illegible] حاج آقا نورالله
در مسجد شاه [illegible] الا آنکه ابوالقاسمخان [illegible] شیخ الاسلام از طرف حاج
آقا نورالله در منزل [illegible] نموده [illegible] اصفهان [illegible]
در حجره های مسجد شاه [illegible] ضرغام السلطنه اطلاع [illegible] ضرغام السلطنه [illegible] بعد از
ورود ابوالقاسمخان [illegible] حرکت [illegible] سوار [illegible] نموده در
امین [illegible] شیخ الاسلام [illegible] اهالی شهر [illegible] طلوع

عمل ضرغام السلطنه و ابوالقاسمخان

آفتاب ضرغام السلطنه [illegible] خود [illegible] اهالی شهر باستقبال میشتابند
اقبال الدوله از قضیه مطلع شده [illegible] ضرغام السلطنه [illegible]
قونسول [illegible] نموده [illegible] ابوالقاسمخان [illegible] مسجد شاه [illegible]
[illegible] ضرغام السلطنه [illegible] مسجد شاه [illegible] روز
یازدهم ذیحجه ۱۳۲۷ [illegible] اصفهان [illegible] سوار [illegible]
سیصد نفر [illegible] قونسول [illegible]
اقبال الدوله بقونسولگری انگلیس پناهنده بود
[illegible] ضرغام السلطنه [illegible] صمصام السلطنه [illegible]
و پیاده وارد قونسولخانه [illegible] میگردد
محمدعلیشاه از قضایا [illegible] سردار ظفر [illegible] بختیاری [illegible]
[illegible] سردار اسعد [illegible] اصفهان [illegible] صمصام السلطنه
[illegible] اصفهان [illegible]
و قشون بسمت اصفهان حرکت میدهند

اخبار و تلگرافات اصفهان

مراسله قونسول انگلیس

قونسول انگلیس مراسله در اصفهان محرمانه به صمصام السلطنه می‌نویسد که این چند نفر ملتزم که به تهران آمده اند از اعتراض قونسولخانه است
خوب است از این رفع بکنید

برای بیاپید سرکشیش در همین آباد که یکی از محلات اصفهان است بکرات تعقیب اند چند که چشم دکتر سر ... را با صدا آشنا نمایند

تلگراف با اسلامبول

اسلامبول توسط انجمن سعادت حضرت ستارخان سردار ظفر مشهد - تلگراف محرمانه به امضای سرتیپ (صمصام السلطنه)

اسلامبول توسط انجمن سعادت حضرت ستارخان مهدیقلی خان به نشانه کره اسب سیاه ... حاجی عبدالکریم نشانه شمیر
باید سریعتر بروید با اصفهان بیایید اگر نمیتوانند برادران سردار جنگ را همراه نمایند (سردار ظفر)

این قبیل تلگرافات رمزهای معمول است که هر کس این رمزها را بخواهد کشف کند که مقصود از این اسامی و کلمات چیست
(مؤلف)

اسلامبول با ارفع الدوله

انجمن سعادت حضرت ستارخان مهدیقلی خان الیاس خان با به ستارخان ملحق نمایند یا به اصفهان بیایند در تهیه حرکت طهران هستیم
(سردار ظفر)

ملک سردار ظفر

راپورت یکی اصفهانی مخصوص نظارت عثمانی

شیخ الاسلام سابق ... صمصام السلطنه ... اخبار ... که ... در ... بود ... یک شب ...
... دفعه ... سید ... امروز ... اران ... که ... در ... آن ... حرکات ... دفعه ... صمصام السلطنه ...
... صمصام السلطنه ... سردار ... و ... سید ... امروز ... کردند ... سردار ... خواهند ... وسیله ... شده ...
... شهر ... داد ... سردار ارفع اطلاع ... که ... به قبایح ... و ... روزه ... و پیاده ... دارد ...
... چند روزه ... انجمن ولایتی ... ملتوی بود

سردار اسعد ... نوشته ... قسم ... اطراف ... را ... تصرف ... که ... با تکیه
این تلگراف را نمود (مؤلف)

تلگراف مشهد اهالی بنام سفرا
یازدهم ربیع الاول ۱۳۲۷

توسط حضرات سفرا جلیل الکرم و وزیر مختار ... نواب اشرف اعلی سفارت ... دربار طهران ... عرض بنماید
چنانچه بر خاطر ... سیاسی ... واضح و آشکار است در چهاردهم جمادی الاولی ۱۳۲۴ نظر ... ملت ایران
شاهنشاه مغفور مظفرالدین شاه انارالله برهانه ... ایران (کنستیتوسیون) و دارای پارلمان قرار دادند قانون اساسی را
با امضای خود و به خط مبارک اعلیحضرت همایون ... که ... عهد را ... صادر و مجری ... ولی ... اینکه
... در ... ایران ... ملت ... که ... بود ... پارلمان ... ایران ... جراید ...
منتشر ... دستخط ... صادر گردید که ... ماه از تاریخ انفصال که ... جمادی الاولی ۱۳۲۶ بود با ...
جدید ... شروع خواهد شد ... و ... روزه ... و ... در ... ملکی ... رسید ...
... عمومی ... پارلمان در ... از ... اعلان ... و ... نمود ...
... سلطنه در ... با ... شاه ...
... نماید از ... که ... و ... و ... از ...
... کردند که ... نماید ... نمایند ... دربار ...

اصلاح مملکت جهانی آسنی را از دست ایشان برافروختند که هیچ حرکتی نمی‌کنند اکنون در دست رادل کمال ضعف ، دستایش نرخنه
برای حیات سلطنتش در ساحل انزوف نیوف تعداد نظامی محرور شده در خلاف معاهده آستانه خود عملی نموده در این وقت
ملت ایران را غرق ملح و غرق وطن پرستی تحریک آورده برای ادای گردن مملکت خود با سیاست خارجیه و روابط دوستیه که با تمام
دول همسایه دارد با تمام قوای خود حاضر شده که از هر طرف مرکز سلطنت خود را آزاد و ملت و وطن خود را
عوض بقا و سعادتش با همه بهانه‌ها برسانند و نظر بر آنکه هنوز انزار تعدی که حفظ خود را در قوای مملکت دیده با قوای
جمع سلطنت حفظ و گیر کنند و آنها را از دو نظر لی شرف ایشان تعدی با دنیا به تمدیع سلطنت خود ممنوع دارند با خارج یک نفر از تعداد
خود قوائی برای مدافعه خود حاضر کرده فقط با آن نظر لی شده در دولتی نمودند که با جان و مال خود در استقلال مملکت ایران کوشند
در حین شوند که اسم و رسمی که باشند بایستی مشغول شاه خارجه با ایران باز نبود در جهت برای آنان دارد آنچه که از ساحل کمال
به عوض حرکت‌های سلطنت حرفی مبانیم که منتظر فرمایند هیچ قوه نظامی در خاک ایران داخل نشود و طالع سلطنت که متعهد شده اند
هیچ طرف مدافعه را جایز نمی‌بینند و بار توضیح مبانیم که هر دولت هیچ تردیدی حرکت را مسلم بدانند که بعد آنچه اقدامات نکنند برای استرداد
حقوق حقه خود و استقلال مملکت است (ایلخانی بختیاری – تحقیق بختیاری)

جواب ملاحظات سیدل (؟)

حضرت صمصام السلطنه و سایر روسای طوایف مخالف شرح لطف آمیز ارسال مرقومه موجب دلتنگی ما شد و به علت مرقومه با نظر شما ایران بیشتر از این ما را در
انتظار خوش دلکش به سر برده‌اند (فارسی زبانان ایرانی)

حرکت اردوی بختیاری بسمت طهران

اردوی سعدم که ریاستش صمصام السلطنه و اردوی سمال از اصفهان حرکت در کمال نظم و در دل تحفظ با اهالی دهات به جهار فرسخی کاشان
رسیده و با اردوی دولتی تصادف و مقاومت نموده جنگ مختصری اینجا ظاهر شد و چون سردار مشغول شد با تمام طرف تا کار
بعد از جنگ تمام قورخانه و مهمات آنها و دیگر قیاد و سرنیزه‌ها از همین قبیل دادند و ماطلان چون کاشان را دارند نمودند
اسیر نمودند در آنجا که آنها را بهتر تصرف نموده و بنا به شغل خود را ملاحظه می‌دارند ولی سردار بعد از اصفهان حرکت شکسته با دیگر
با سرور رسیده نمایند قرار است که از آنچه را اینکه آذربایجان رستم رسیده ایشان قرار و رفتار نمایند
ماری اردوی بختیاری با کمال نظم دارای وحدت برای سرداری که ازبرای حرکت کرده که مصادف با اردوی کاشان شوند خود را با صد نفر
سوار و پیاده تقسیم می‌رسانند

الان مهم استقلال شده است به تمام سفر دیدن ولی حالا از آن دولت به ظهیرالاسلام ملاحظه نمایند که تحقیق نموده استداد طلبید از اردوی
بختیاری برحسب قانون نظامی در این گیت ملاحظات صحیح جاسوسان مخصوصی بودند که اعزام و تحقیقی نمایند که آیا از طرف در این ها
طرف خواهد شد یا خیر بعد از تحقیقات معلوم شد که هیچ قوائی در آنجا برای جلوگیری از آنها معین نمانده است
شورای رسیدن در صحیح ظهر تصمیم نمودند

سرداران بختیاری با کمال عدالت و شفقت با یک عشق سرشار وطن پرستانه مشغول رتق و فتق امور بوده و در صحیح ایشان از برادران کمک
خود عقب مانده بودند همان قسمتی که دیدند مشغول پیشرفت کار بودند تهیه پیشرفت می‌نمودند تا اینکه در اطراف اصلاح شده سردار اسعد
سحر داشت حرکت را در سایه قوای خود را شغل و نیت شخصیه با یک عده قلیل در فرم توقف منتظر اصلاح دانسته که تا اینکه
از طرف شخص بعد رشت غنائی نمودار از سال در بعد کتب بسیار با نیرو از دستیابی در آن باز نمودند که آنچه را ناگهانی و
در بابیان اوسکوید مرکز در مجموعه شهری قرار داد که وطن را ایشان عطا نمایند تا اینکه حقایق با دلگرمی تنها از طرف جوانان بختیاری
او را در فارس قطعیه این جنبه که حاجیه برادران کمک دادند و در اردوی ایشان تا همراه موقف باشند دیگر سرایت حقیقی برای ما
تحول دیگر با این نظر بود به یاری سیدی با اتفاق سایر جوانان مشغول جمع آوری قوا شدند

در بیان آن که دفعه مقطع از طرف وزارت دو جنگ اطلاعات به تاسیس الملک با الحکومه اصفهان نمایند که از قرار رسیده را اوردی رسیده
بختیاری‌ها مشغول جمع آوری قوا و حرکت نمایند ادعای مساعدت کامل و اینکه حضرت آقا با دیگران و وزرا تمام شدن
قانون انتخابات دیگر این اقدامات برای حسب این سردار اسعد صمصام السلطنه را ملاقات نموده جلوگیری از اقدامات عملی مادر

۵۰۸ دیلمان بختیاری در صرف مقصود حمله بمرکز گرفتاری نموده و در ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ شصت نفر بختیاری بریاست سالار جنگ
بطرف قم حرکت داده نصف نفر هم بطرف کاشان حرکت کرده‌اند
سردار اسعد بلاگف به سپهدار اعظم مختار که همین امروز وارد قم گشته و چند روز معطل شده برای توقف و نزول [illegible] بکلی برای حکومت قزوین
آمده مشغول بکار گرده و [illegible] اقتدار ملت شیم از طرف دولتیان نیز بلاگف کاشان سردار اسعد و سردار جنگ و سردار [illegible] کرده که تا حرکت
نکنند با دستورات [illegible] ما نرسید و در مسند حرکت ننمایند

شرح حال صمصام السلطنه بختیاری

صمصام السلطنه یکی از اشخاص صحیح العمل و طرفدار مشروطه و فدائی بود پسر حاج ابراهیم خان در سنه ۱۲۶۷ متولد و در زمان رضاقلیخان بود در سن
دوازده سال دارای رتبه و مقام ایلی یکی بختیاری بود و سالها ایلخانی بختیاری را داشت در زمان مظفرالدین شاه هم به ریاست ایل رسید با حکام
سفیه امیر نظم عوض نبود سال آخر ناصرالدین شاه حسین قلیخان پسرعموزاده او که پسر حاج حسینقلیخان ایلخانی و پسر حاج امام قلیخان ایلخانی باشد
با او هم مشترک کند که نزد مردمش برعلیه رضاقلیخان ایلی یک صمصام السلطنه اقدامات نمود و بهانه ازکار بکار ایشان در خود سال همراهان را
دست بگیرد و مانند مردمش اصفهان را تصرف کرد و بعد از چند ماه سلطان را خواست تا آنکه سلطان السلطنه والی لرستان در لرستان را گرفت
عموزاده که سلطان السلطنه را از حبس گرفته و ادارات را بیک خانی تسلیم نمودند صمصام السلطنه از اینکه در دست مستبدین بود از طرفداران
مشروطه بود به مدد خود برگشته تحت اختیار نموده رضایی در امورات بکشد تا آنکه مجلس مشروطه ایران را برگرداند فاتح اصفهان گردید
تمام مقصود و منظور او دست گرفتن اصول مشروطیت بود تا آنکه طهران فتح شد و مشروطیت برقرار گردید باز از اختیار در جنگ کار رسید
اصفهان ۲۳ ... نمود از سالار اشرف که قوم بود و رسید حکومت را در اصفهان شده طهران را همراه خود به همراه نمود
بالاخره چند سال که برادر کوچک ایلخانی است با ایل از اصفهان ...ستان حرکت نمود که با سردار ظفر برادرش لوطی ۲ جمع کرد که دفع کند
اصلاح نماید

در رفع قزاق های روسی سردار ارفع

عده قزاق روسی با چند عراده توپ به سردار ارفع وارد اصفهان هم تعارف رسمی برخی نشد بعد از این صمصام السلطنه تغیر نمود

سهام السلطنه عرب در اصفهان

سهام السلطنه عرب ... رفته بود با چند ... برای ... از دارالحکومه ... تا آنکه ... تا آنکه مردم
مطلع شدند

۱ در صورتیکه قانون اساسی احکام علمای نجف را که مقصود من است ... از ... در ... شده است ...
... نبود ... از احکام ... را ... بود ... است ...

۲ احکام قرآنی در اسلام ... و نسخ بردار نیست

۳ اگر چیزی نوشته شد ... تا حال باید ... شایع شده باشد زیرا ... کلمه ... که ... حالات
خاطر خود را ... ملت ...

۴ کسی اصفهان نباید ... در اصفهان نیست که ... کاری کند ... دست ... است ... همراه ... ام

۵ ... اصفهان ... نجف ... باشند ... باشند ... برابر ...

۶ ... که ... اجرا نمود

۷ ... که ... است ... که ... است ... نشده ... در
... که ... که ... که ... اسلام ... است
که از طرف ... داده ... است والله ... برابر

۸ تا حال کسی ... تخواهند ... باشند

۹ ... از حکم علمای نجف ... در صورتیکه ... را ... نموده ام طبع و توزیع شده است ...
... باشند

۱۰ مشروطه خوب است که ... یکی از ... مشروطه ...

۱۱ من مشروطه را ... که ... خدا ... خدا را ... نکند

۱۲ مشروطه را ... مسلمانان ... مشروطه ... است که ... مشروطه ... است که حقوق ... را
... قرار داده ... در ... باشند من مشروطه ... که ترویج شریعت ... احکام قرآن ...
مشروطه ... مشروطه ... است مشروطه را ... که ... قطع ...
و ... را ... داده مسلمانان را ... احکام علما را ... مردم ... کند

شروطی را نخواهیم که دیگر به دسیسه بتوانند مالکی را از حقوق مالکیت بی‌نصیب نمایند شروطی را نخواهیم که بیت‌المال مسلمین
صرف حدود و ثغور مملکت شده حفظ جان و مال مسلمین را ننمایند مانند بیت‌المال صرف کنیز سلطنتی و تجارت اموال اشخاص
۱۳ شروطه میگوید در عهد مرحوم قانون اساسی شیخ نوری امضا و تصدیق نماید در مجلس شورای ملی باشند و محکوم شدند با سر بهادر و بیت‌المال
ادعو علیهم انجمن از مواد قانون اساسی که با شرع تطبیق نیست انتهی

تلگراف اسلامبول

از اسلامبول با صفهان فرمانت نزد سپهدار و بهادران را اطلاع دادند

خبر اصفهان

محمد حسین خان سرتیپ فوج جلالی که با سیصد نفر جانبازان تفنگچی بختیاری بهادران نقد نقل نمودند با عده تفنگچی مخصوص خود نفرستادند با دسته که چهار هزار
خان باسم متارک ارور گرفته به صمصام السلطنه شده‌اند و به انتظام شده‌اند که عنقریب با این طرف حرکت کنند

تلگراف نمره ۴ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۷ ق

اصفهان توسط جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای صمصام السلطنه بختیاری انجمن ایالتی روز دهم وارد
بموفقیت جناب
مستطاب اجل سردار محتشم دو هزار نفر سوار از بختیاری ایلجار نموده بحمدالله خداوند متعال به طرف اصفهان حرکت نمودند
عموم اهالی بختیاری با تمام قوا جان بر کف نهاده برای حفظ مملکت و آزادی و بقای ملت در کمال خلوص عقیدت حاضر خواهند بود حفاظت
لهذا هر از سوار حاضر و عازم تاج‌نیای را دستور دادیم که آنها با استعداد کاملی سوار و تفنگچی خود را مهیا و حاضر به یلاق نمایند
در دفع مردم بی‌حد و حساب صرف هستی خاطر بقای نوع شرح این تلگراف را انجمن مقدس سعادت اسلامبول مخابره فرمائید
که بنده و جناب سردار محتشم و قاطبه ایل بختیاری را در جان فدای ملت حاضر بدانند (جامع بختیاری - مقدس بختیاری)

غره شهر صفر ۱۳۲۷

کمک شیخ خزعل

سردار ظفر وارد موزجه خوار گشته و منتظر ورود سردار اسعد است در انجمن اصفهان چند روز بود برای جمع آوری اعانه مشغول شدند
گردد از علما و روز دیگر از تجار و عوض دفتر دادن ۲ به مبلغ با آنکه روزی ۱۸ ده هزار قاجاری از طرف شیخ خزعل رسید محتاج
جمع آوری اعانه نشده روز یکشنبه سردار اسعد وارد موزجه خوار میگردد

سند جواب روزنامه طمس لندن

در زیر اسپر عارضه تعکیسی در پارلمان در جواب سوال یک از وکلا راجع با ایران این قسم جواب مساعد داده که زیتمان دولت ایران
در حال حاضر صحیح و منظم نیست با وجود این دولتین روس و انگلیس هیچ در امورات داخله ایران مداخله نکرده‌اند لیکن بیوقف کنند که
شاه ایران را در اعطای مشروطیت مجبور سازد ولی دولت ایران اگر بخواهند این دو دولت حاضر باشند با مملکت خود را آرام و منظم
سازند - اما در باب قرض ایشان در این خصوص قرار دادن قرض نخواهد شد اگر چه دولتین انگلیس عقیده کامل
به مشروطیت داشته و دارد ولی این اقدامات برای بشقاه کاری بر دیه ملت باشد

حرکت سوارهای بختیاری از اصفهان

پانصد سوار بختیاری از اصفهان خیمه سنگ‌های موزجه خوار با تمام سوارات و بلوکات در کرمانند و مقرر تلگراف از ارام پیر
سردار اسعد با صفهان رسید که با شش هزار سوار حرکت کند و به صمصام السلطنه که از بختیاری‌ها چهار رشک برده بست ساتقان از طرف
دولت با هفت و پنجاه سوار با نمود کاشان بود سوار با خود را برداشته بهار را در موزجه خوار که نشسته دارد اصفهان بخیال صمصام السلطنه قرار
اظهار اطاعت و انقیاد نمایند

تلگراف اسلامبول با صفهان

هیئت ربیع الاول صمصام السلطنه و انجمن ایالتی تلگراف بزرگ بست ارشد ضعف دولتشان شاه نقض السلام را ننماید که جمهوری
دعوت نموده لی اطلاع حجج السلام صلح با آن قبول نخواهد شد توانی ما در زن آید انجمن ایالتی تلگراف نما مخابره
برسد منتظر نتیجه (انجمن سعادت)

عکس احکام مبارکه حجج الاسلام نجف اشرف و کلای مجلس درباره

در وجوب دفاع بر عموم مسلمین از هجوم لشکر شاه و حرمت جنگ با مشروطه خواهان تبریز بلکه با عموم مشروطه خواهان ایران خاصه بعد از
علما و مشروطه خواهان و در عبارت آیة الله ثانی صادر دام ظله بر این معنی صریحاً دلالت میکند (نهم صفر ۱۳۲۷)

بسم الله الرحمن الرحیم — بدیهی است اهالی تبریز که مطالبه حقوق ملیه مقصود [illegible] لازم است بر عموم مسلمانان [illegible] بحرمت مهاجمه و تعرض
و اعراض و اموال ایشان از ضروریات اسلامیه و مهاجم مهدور الدم است (حرره الجانی محمد کاظم الخراسانی) محل مهر

بسم الله تعالی — چنین است که مرقوم فرموده اند مطالبه حقوق با داشتن ملت تبریز [illegible] لازم و مساعدت و دفع هجوم از ایشان
و مهاجم مهدور الدم بودن هجوم کننده و ضرر ضروری است (حرره عبدالله المازندرانی) محل مهر

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین — چنین است که مرقوم فرموده اند ظاهراً از دین بر هر یک است که تعرض [illegible] تبریز [illegible]
و اسراء و اطفال و دلار کشیدن نخواهد بود [illegible] الله تعالی هر بر توفیق الدعوات حرره الفقیر صدر (محل مهر)

بسم الله الرحمن الرحیم — حرمت مقاتله با مسلمین و سفک دماء و هتک اعراض و نهب اموال ایشان از ضروریات دین محمد
صلی الله علیه و آله و سلم است و جواز دفع ایشان در صورت هجوم بلکه وجوب آن نسبت به نفس و عرض ایشان از مسلمات است
(حرره الاحقر محمد تقی) محل مهر

حجج الاسلام ادام الله بقائکم

از شهرهای دور رفته با اهالی تبریز محاربه نمودن و مدافعه اهالی تبریز از هجوم ایشان که مقصد قتل نفوس و غارت اموال
و هتک اعراض است شرعاً چه صورت دارد (بینوا اطال الله عمرکم) فی ۲۳ شهر صفر ۱۳۲۷

هدیه میرزا عبدالرحیم شیرازی یادگار طهران ایران قیمت خواندن و بدیگری دادن سعد

فی ربیع الاولی سنه ۱۳۲۷

بعد از نوشتن [illegible] مجلس [illegible] محمدعلی شاه منتشر

و چنانکه محمدعلی میرزا مجلس ملی ایران را [illegible] دلالات [illegible] چه گفت [illegible] صدای ملت ایران از هر طرف بلند شد
[illegible] از طرفی هم سفارت [illegible] در تمام [illegible] شاه در [illegible] اطلاع حاصل کردند
محمدعلی میرزا از هر طرف خود را محصور دیدند و [illegible] دول خارجه [illegible] آذربایجان [illegible] بلند
مجال [illegible] یک مسئلهٔ مهم [illegible] چند نفر [illegible] درست کند [illegible] ممالک تمام دول
و [illegible] که اینها خودشان مشروطه نمی‌خواهند
یک عده از مقدس [illegible] طبقات مختلفه را اتباع شاه [illegible] حضور آن [illegible] رسیدند که:
سعادت ملت ایران مشروطه نمی‌خواهند [illegible] تمام دول [illegible] مغایرت نمودند.
عکس آن [illegible] که [illegible] ملاحظه [illegible] تاریخ [illegible] که
خوانندگان [illegible] اوضاع [illegible] شاه [illegible] نگاه کردند.

عین سواد آن [illegible]

به موقف عرض بندگان اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه خلد الله ملکه و سلطانه معروض میداریم
در روز [illegible] شهر شوال که [illegible] جمع کثیری از [illegible] علما و شاهزادگان و وزراء و امراء و اعیان و اشراف
و [illegible] از طرف [illegible] مجلس شورای عمومی و
[illegible] تمام [illegible] جواب عرض نمودند که مجلس شورای عمومی منافی با قواعد اسلام است
[illegible] که [illegible] سلطنت اسلامیه [illegible] عرض نمودیم که
با اسلام [illegible] احکام اسلامیه شاه [illegible] لازم است حفظ [illegible] حضرت سید
المرسلین نمائیم.

بعد از آن [illegible] مجلس

[illegible] عموم ولایات و ایالات که [illegible] بعضی [illegible]
احکام [illegible] اسلام و علمای اعلام ولایات [illegible] در [illegible] طبقات
علما و اهل علم و طلاب و تجار و اصناف که [illegible] خوانده شد.
بعد [illegible] علما و تمام طبقات [illegible] صدر اعظم [illegible] انصراف [illegible]
[illegible] حضور [illegible]
[illegible] صدر اعظم [illegible] که [illegible] و [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] سلطان [illegible] علمای اعلام [illegible] سلطانه [illegible] و [illegible]
[illegible] سلطانه [illegible] اعلیحضرت [illegible] دار [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] رجوع [illegible]
[illegible] که اهل اسلام از اضطراب و وحشت [illegible]
داریم قسم [illegible] که [illegible] اهل اسلام [illegible] مجلس شورای عمومی [illegible]

و شیخ و شیخ دیگر در دربار محترمه و شیک ... اسلامیه ... الاقل الداعی الاعلم المطاع مطاع

(الاحقر الداعی نصرالله اهری در حرم السلطنه - فضل‌الله نوری) شیخ فضل‌الله

اسامی سایرین

محمد الاسلام کردستانی - شیخ الاسلام اهری - آقا سید محمد طباطبائی - آقا سید محمد پسر آقا سید کاظم طباطبائی - محمد جعفر کلیسا نکانی -
شریف العلماء - آقا شیخ عبدالنبی - آقا سید محمد تقی - حاج سید ابوالقاسم امام جمعه - سلطان العلماء - آقا سید جواد ظهیرالاسلام - ملا محمد آملی -
آقا شیخ علی پسر ملا محمد جعفر - آقا شیخ جعفر کاشی - امام جمعه کرمانی - شیخ الشیخ کردستانی - ابراهیم نوری - آقا شیخ علی اکبر - آقا میرزا ابراهیم مهدی
- شمس العلماء - آقا سید محمد علی تبریزی - آقا شیخ محمد طالقانی - شیخ محمد حسن قمی - آقا میرزا هادی پسر شیخ فضل‌الله - آقا شیخ علی اکبر محمد
- محمد باقر کلیسائی معتمد دار - شیخ حسن - آقا شیخ علی اکبر طهرانی - آقا شیخ محمد صادق اردبیلی - آقا شیخ جمال گرکانی - آخوند ملا محمد رستم آبادی
- آقا شیخ رضا پسر ملا محمد جعفر - آقا یحیی کرمانشاهانی - محمد مهدی تبریزی - آقا شیخ محمد رضا قمی - آقا حسن قمی -

سواد دستخط محمد علی شاه مخلوع

بسمه تبارک و تعالی

جنابان مستطابان حجج الاسلام سلمهم الله تعالی عزم ما بر ترویج اسلام و جناب شریعت حضرت نبوی صلوات الله علیه و آله و حال که مکشوف داشتند که ... مبنی با قواعد اسلامیه منافی است و حکم بحرمت دادند و علمای ممالک هم همین تحقیق را کرده‌اند حکم بر حرمت نموده‌اند در اینصورت ما هم از این خیال بالمره منصرف و دیگر عنوان همچو مجلسی نخواهد شد ... مرحمت حضرت امام زمان عجل الله فرجه در نشر عدالت و بسط معدلت دستورالعمل لازم داده و بسلیم ... تمام طبقات را از این عزم مقدس که بر نشر معدلت و رعایت حقوق رعیت و صلاح ملت ... حضرت حجج الاسلام صلوات الله ... اطلاع بدهید

(محمد علی قاجار)

بعد از اینکه این ... مهر کرده در تمام مملکت ... علماء ... ایران ... آورده که ... تلگراف علمای نجف رسید که سواد آن ... از ... بیست یک ... محمد علی مخلوع ...

سواد تلگراف حجج اسلام نجف ... که ... ایران

سفیر ... ... مبارزه ... تمام ... ممالک و

... مبارزه ... ۱۴ شعبان ۱۳۲۶

صورت عموم ایرانیان بموجب تلگرافات ... ایران ... مشروطیت در صدد برآمد که رفع ید از حقوق ملیه ... مشروطیت ... و بنا ... مشروطه ... بحال شدت برای ... آنها ... - لهذا ... لازم است که مجلس ... ایران را ... اعضای ... بخواهیم ... آن برادران محترم را ... اعضای ... جمیع ... ملت ... و ... اعضای ... را اعلام نمائید (روسای ... علمای نجف اشرف)

(محمد حسین طهرانی) - (محمد کاظم الخراسانی) - (عبدالله مازندرانی)

اسامی اعضای ...

آقا سید عبدالله بهبهانی ... الاسلام ... آقا ابراهیم خان حکیم الملک آقا عبدالحسین خان وحیدالملک - آقا حسنقلی خان نواب وحید نورالدین

کنگره کمیته سری ملیون در طهران

بعد از دو دفعه عثمانیه و جمعیت بلکف(؟) سمای اعلام کمیته ارمنیان و وکلای مبعوثین(؟) در طهران کنگره یافت ملک قطعه ملکف دیگرا
تقاضا نوشته و به تمام پارلمانهای دنیا مبادره کرد که ترجمه آن بقرار ذیل است

پارلمان دولت انگلیس — پارلمان دولت فرانسه — پارلمان دولت آلمان — مجلس دولت روس — مجلس نمایندگان دولت امریکا
دولت ایطالیا — پارلمان دولت عثمانی

ملکف فقط به هند و اروپ — ضمن اینکه مضمون ذیل را به تمام پارلمانهای فوق الذکر مبادره و تقدیم داردند

ﻫ

ملت ایران در تحت فشار ظلم و استبداد که نتیجه انفصال غیرقانونی مجلس است — جنگ داخلی در آذربایجان و عدم امنیت
در تمام مملکت شده است توسط نمایندگان خود که اجازه یافته دارند در لندن اظهار کرده انتظار تو نوع نوع پشتیبانی پارلمانهای ملل شدند
که حامی مطبوعات هستند نموده باشند و از ایشان ... که داد خواهانه رسیدگی و پارلمانها که حامی از احساسات آزادی طلبان و ترفیع
پارلمان ملل هستند ساعت متعرض خواهند گردید که آزادی ما را که مکرر به حیله از ما سلب کرده اند مجدداً تحصیل نماییم با کمال جد
و جهد اعتراض برنامه حیله‌ای که جبر بعضی از اشخاص در دربار و بواسطه فشار دربار بیان متعرض برضد ما شده ظلم
قیام کرده اند به تعنیف و زور از مردم نهادی میگیرند که پارلمان ایران که موافق قانون اساسی و نیز اعلیحضرت شاه برحسب تصریح شده است
و اعلیحضرت شاه حالیه هم تصریح نموده برقرار بگردد مادامی که این تنظیم و اساسی در مملکت برقرار نخواهد شد ما نتیجه تمام مخارج
و دسایس اهالی ما ایران محو و نابود خواهد گردید —

آقا سید جمال افجه — حاج شیخ الرئیس قاجار(؟) — صدرالعلما آقا سید جعفر — حاج محمد تقی بنکدار(؟) — سید عبدالرحیم
رئیس انجمن مدرسه طهرانی — ابراهیم حکیم الملک — وحیدالملک عبدالحسین — آقا شیخ عبدالحسین کنی — آقا سید مهدی افجه
آقا سید مصطفی قنات آبادی — حاج محمد علی بلوردی(؟) — حاج سید محمد صراف — آقا شیخ محمد حسین یزدی — سید محمود نرگس(؟) تنقعه(؟)
صدیق حضرت — حیدرخان عمواوغلی(؟) — آقا سید نصرالله تقوی — و عده دیگر

لیکن بلکف(؟) بطوریکه ذکر شد تمام پارلمانهای مترقی العورث(؟) مبارزه و همراهی محمدعلی شاه که به سیم تلگراف علیم
شنیده شاید محو و نابود ساخت (مؤلف)

سواد مراسله ایست که علمای تمام نقاط به تلگرافخانه‌ها برای مجلس نوشته‌اند

حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای ... دام ظله رحمت الله ... دارد

البته خاطر محترم آنجناب که در حقیقت ضمیمه ملت و حراست آن هستند و مایه تسکین قلوب مجلس شورا کاملاً مستحضر است که سلطنت ایران در چهاردهم جمادی الثانیه سنه ۱۳۲۴ از جانب اعلیحضرت ... مشروطه و صاحب (کنستیتوسیون) و مجلس پارلمان است و شاهنشاه ... اعلیحضرت ... شاهنشاه ... مکرر دستخط ... عدیده در تأسیس و تصدیق مجلس و مشروطیت فرموده و تمام دول ... عظام و علماء فرموده‌اند در ۲۳ جمادی الاولی که اعلیحضرت با دستخط منظم ... پارلمان ایران که در حقیقت ... طبع ... اسمیت دربار ایران ... در آن عهد و وعده فرموده که بعد از ... دستخط ... و وکلا و ... پارلمان داده خواهند شد بعد از ... و وعده ... سؤال را داده و ... را اصلاح نظامنامه ... حرکت شد ... با وجود ... و ... آذر ... بنا را نهاده ... تمام کرده و ... مهر ... اثر ... تمام ملت داده و ... که ملت ایران مشروطه نخواهند و طالب ... و ... چون ... در حقیقت ... صرف ... محترم ... که با ملت ... عقیده ... باقی دارند و دل هواخواه مشروطه و منتظریم که ... مستقلاً ... دستخط ... پارلمان صادر شود

امضاها

الاحقر صدر العلماء – حاج شیخ عبدالحسین – سید عبدالرحیم ... – آقا سید مهدی – شیخ عبدالحسین امام جماعت
شیخ محمد رضا ... – حاج سید محمد امام – حاج سید ... – آقا ... – آقا شیخ محمد حسن ...
آقا سید ... وکیل مجلس – حاج محمد علی ... وکیل مجلس – حاج محمد ... وکیل مجلس – حاج محمد حسن ... – آقا شیخ محمد ...
سید مصطفی ... – میرزا ابوالقاسم ... – میرزا اسمعیل ... – حاج سید محمد ... وکیل مجلس –
حاج سید نصرالله وکیل مجلس – آقا شیخ محمد حسن ... وکیل مجلس – حاج میرزا ... – آقا شیخ ... طلبه –
حاج محمد تقی ... وکیل مجلس – حاج میرزا ... – ... وکیل مجلس – آقا میرزا ...
آقا شیخ علی ... – حاج محمد ... – حاج عبدالحسین ... – آقا سید محمد ... – آقا میرزا مصطفی ... – ... وکیل مجلس
... وکیل مجلس – ... صنیع الدوله ... مجلس – وکیل الرعایا وکیل مجلس – سید ... وکیل مجلس –
حاج محمد ... –

در ذیل امضاها شیخ ... را ... مرقوم داشته‌اند

سرخطی است که جناب آقا شیخ محمد حسن ... نوشته‌اند

بسم الله الرحمن الرحیم ... که ... ایران ... مظلوم ... نظامنامه اساسی ... تبدیل ... و ... حفظ حقوق ... است ... مجلس ... بمقتضای ... وظایف ... خود را ... حقوق ... خود ... دربار ... سلطنت ... خود ... در این حق

سرخطی است که جناب صنیع الدوله مرقوم داشته‌اند – ... مملکت ... مشروطیت ... مقصود از مشروطیت نظارت وکلای ملت در امور دولت ... که ... حقوق ... ملت ... (صنیع الدوله)

ملکی صولتی هزاره

شیراز — صولت‌الدوله باز در اوضاع شیراز دخالت عمده دارد در جشنی عوض که از قنسول انگلیس با جهت خود کرد در چند
بیع شهر داخل است نموده بود چندین مشغله ترا کرده نموده است ولکن در حالات شخص خود لفظ ساکت بود فقط اظهار داشته است که
با علم در ساختن شیراز دخالت تمام دارد و از قوامیها اسامی ذیل ارزیده در اظهار تحسین نموده دلیعه چند [illegible] حقوق سید محلی اظهار
نموده که قوامیها دیگر نمی‌توانند در امور ایل عرب تصرف داشته باشند در شیراز بلدها بدکولی نموده داخل مسیح شیراز را منعقد کرده که این قانون از
در خصوص شخص خود وابسته اظهار کرده که نمی‌تواند با هر شکایه راه تو شهر را نظم بدید ولکن این اقدام قول [illegible] لازم دارد نمی‌تواند سلطنت
باشند که مستر با نیابت این مصارف را کار بازی خواهند کرد بعض بدخطه اظهار کرد که هرچه زودتر سوار از شیراز حرکت خواهیم کرد
فراسکه این خود را سلطه نگاه دارد [illegible] نه تولیک دخالت نخواهد نمود عده معقود از ایشان [illegible] بوده رجب [illegible]
سابقاً نموده بود که توسط مستشارالسلطنه ریاست ایل عرب را از قوامیها گرفت باری صولت‌الدوله برق [illegible] خود [illegible] از اطراف شهر شیراز
خارج شد بطرف ییلاق خود رفت در زمانی که حکومت وارد شد [illegible] فرستاد [illegible] جزء امانات [illegible] انتظار داشت
حکومت هم سعی وافی نمود که او را با قوام صلح بدهد و قوام هم [illegible] از [illegible] شهر منتظر بود که از طرف حکومت خبر داده شود با ملاقات صولت‌الدوله
برود ولکن صولت‌الدوله حاضر نشد [illegible] حاکم جدید وارد شیراز شد [illegible] برقراری [illegible] سرطلب [illegible]
طلب‌ها [illegible] نموده [illegible] قانون [illegible] از شیراز [illegible]
سیاست داخلی خود نبودند [illegible] در تمام ولایات و ایالات [illegible]
مردم شیراز [illegible] قوام صولت‌الدوله بطرف اوضاع [illegible]
نصرالدوله قطع نظر از اینکه فتح کرد [illegible]
ولی مرحوم [illegible] نصرالدوله [illegible] سید عبدالحسین [illegible]
شده از طرف سید عبدالحسین [illegible] نصرالدوله [illegible]

قتل سید عبدالحسین لاری بدست نصرالدوله

[illegible]
[illegible] نصرالدوله [illegible] سید عبدالحسین [illegible]
[illegible] صولت‌الدوله [illegible]
[illegible] صولت‌الدوله [illegible] نصرالدوله [illegible]
از طرف [illegible] خارج نخواهد شد

شده اظهار کرده که [illegible]
معروف [illegible] قوام‌الملک [illegible]
(مسیو پیل) قونسول انگلیس [illegible] قوام‌الملک [illegible]
از قونسولخانه خارج شد [illegible]
[illegible] سید عبدالحسین [illegible] صولت‌الدوله و قوام‌الملک در خصوص اقدام نصرالدوله [illegible] صولت‌الدوله [illegible]
که من نصرالدوله را [illegible] نصرالدوله [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
[illegible] قوام [illegible]
[illegible] قوام [illegible]

در این بین نصیرالدوله تلگرافاً شاه تلگرافات متعدد که حکومت بحرکت بعضی از اعضای انجمن سادات را از بلد احضار نموده در صورتیکه کلهٔ این اقدامات مکه در این جریان سخت بحکم اول حضرت نموده اما میرزا جان خان قنسول انگلیس در ضمن استدعای متعدد که توقیف اشخاص بوسیله برادرش

قوام جواب مرحمت نمود

در این موقع که محمد علی شاه مجلس را به دادن مشروطه فریب داد جمعی از اهالی ایلات از ایل قرائی ها و دشتی ها با توپی بودند عده هم که با دار کرده بودند نرسیدند یک و دستگیر شده بودند بالاخره از ضابع بهروزی سیاست برخی برخی قوام میکردند پس از تمام طرق و نواحی فارس برداشته شده دعاوی بین بعضی از سران عادی گشته و در نزدیکی کنار تخت این مردم نواحی بحری سرکرده بدر آن نواحی ملکزاده شد و داروغه را محاصره

اسباب خسارتی فراهم آورده اند حکومت یک عده سرباز برای محافظت اهالی بلکه فقط به فرستاده

در بیرون مکه تلگراف ژنرال قونسول روسی مقیم بوشهر به شیراز می آید جواد را که بدخیر یک سپاهی سپاهی بکشد اسب برادر او و ماک است

دیگر سیم خورده و قطع شده

شیراز از بی نظمی و وحشت و عدم کفایت حکومت به شهریگ قوام نورند جمله تلگرافات متعدد استدعا نموده اند توسط حکومت مقتدری دستیار

نظم فارسی را برقرار نمایند

احتشام الدوله که از این تلگرافات مطلع میشود انتظام راه تصرف راه فیروزآباد و بوشهر را متعهد شده صولت الدوله که از مبادرت ولیعهد به انگلیسی

سر اطلاع میدهد که انتظام برقرار در راه تجارت باز است نیز و سه فرای حتی التریکان عملکرد نداشتند بسیاری منافع صولت الدوله برقرار

گردد در صورتیکه خود انگلیسیها هم اطلاع با قوام همراه بودند و مرور برای شهریگ میدادند به هیچ وجه هیچ بلد گرفته بود که حکومت جواب کامل

صولت الدوله نوشته که حقایق شد

از طرف محرک شده و سربازی فوج چهارمحال بواسطه نرسیدن حقوق قونسولخانه پناهنده شده و از آن جمله در بندر بوشهر صد نفر سرباز

دیگر تحصن شده و مستر (دیلی) قونسول انگلیس از این حرفه با حکومت مذاکره نموده و حکومت قول داد که حقوق آنها را

بپردازد

اوضاع گمرک بوشهر بواسطه ناامنی راه ها جمع نقصان یافته است بیرون از وضع مخارج گمرک میلغی که برای حفظ انتظام ساکنین میدادند مبلغ

صد و بیست هزار تومان بابت سنواتی از ایام در حساب پول استقراضی که انگلیسیها به دولت ایران داده اند با شرکت بانک شاهنشاهی میدادند

و چون که حکومت داده میشد نمیتوانند خود انگلیسیها حق وصول میکردند هستند انگلیس بوسیله دریابیگی حقیقتاً نباشد و خود آنها گمرک

خرج برداری میکنند بنابراین ظهیرالدوله در دریابیگی قونسول انگلیس اکتفا نموده و در دریابیگی نظم را برقرار نمود چنانکه سید مرتضی که سنه

نگهبانی را دارد و شهر نمود لکن دریابیگی آنها را از شهر خارج کرد خود سید مرتضی را گرفته حبس نمود

از بندر عباس اکاسید عبدالحسین لاری تصالحه با لبیان حکم میکرد که گمرک را تصرف نماید چون نفوذ در دریابیگی تقسیم بوده که میخواستند

لیکن کار را انکنند سید عبدالحسین هر روزه شهر را تهدید می نمود بقسمی در اضطراب بودند که جمعیت سلطنت و قونسول در دریابیگی ملکانی شاه

نمودند که ذوالعزم سید اقدامات جدی فرمایند

نفر انگلیسی در این موضوع با سعدالدوله مذاکره نمود سعدالدوله جواب داد که ضمانت برای امنیت هیچ قسم امکان ندارد

بواسطه سهل انگاری سید پرکیش عمال با عده زیادی از فوج تشبث به اهالی ممالک متحد ندارند تبعه انگلیس مقیم جنوب با تمام اساسیه

خود به بندر عباس آمدند

و در مکه سر حکام مکرر سید عبدالحسین لاری که برای توقیف گمرک و عزل نمودن حکام ترتیبات بالیبان صادر میشد نفع اقدامات انگلیسیها

با اثر مانند اعلامیه کما مهر سعد در تمام بازارها چسبانیده بودند رایج و هر کس گمرک بدهد مقابل اعتنا نشده و وادیه نمایند

در طرف حکومت اعلانات پاره شد

ملاکاف قاآنی عقاید تحقیق در مجلس آذربایجان و طهران که به بوشهر رسید که اهانت به محمد علی شاه نمایند سید مرتضی طلبان

اقدامات جدی نموده و سید اسدالله با یک جوانی فوق العاده در دریابیگی را ملاقات و مطالب خود را اظهار نمود در دریابیگی هم

نزد قونسول انگلیس رفت که کسب تکلیف نماید بهم جواب سید اسماعیل هر روز جای تجارت متوجه خود نمیخواهیم اقدامی نمائیم

هر شعبه را ارادت داده نتیجه جواب سلام عثمانی را از انجمن و سید اسدالله خواهی کند که در نقشه های خود کمال دقت کافی را دارد

از طرف صیغ الدوله و العدالت [illegible] و مخالفت قوام الملک سید عبدالحسین لاری مجاهدانه اطلاع رسید که با عده کافی برای کمک [illegible] قوام الملک حرکت نماید تلگرافی [illegible] (سردار دادگر) در [illegible] انگلستان این مخاطره را گوشزد نمود که چنین خطر بزرگی در جلو میباشد [illegible] وارد [illegible] صدمه وارد خواهد آورد در صدد آن برآید جلو خود بگیرند

اما ممکن نیست در صورتیکه مردم بدانند [illegible] سفارت [illegible] تلگرافی از تهران به شیراز (ایلی) قونسول شیراز مخابره که حکومت اطلاع بدهید که تحصیل مشغول [illegible] خواهد بود که از آمدن سید لاری به شیراز [illegible] وارد آید هر دولت ایران بگوییم که دستور [illegible] حکومت شیراز بدهند که [illegible] از آمدن سید لاری به شیراز جلوگیری نماید از شیوه (ساتفیس) خواهش نموده دستور [illegible] را به [illegible] بنویسند در موضوع [illegible] تلگراف کرده ام دو مرتبه که اگر [illegible] ایلات عرب [illegible] را به حمایت خود دعوت کنند [illegible] سلطان [illegible] پیشنهاد را نموده اصرار هم کرده ایم

تلگراف حجج الاسلام به صولة الدوله شیراز

خلاصه تلگراف این بود که [illegible] شما [illegible] قوم [illegible] نمایند و [illegible] جواب کنند [illegible] جلوگیری از [illegible] سید عبدالحسین لاری هم وارد شیراز [illegible] تلگرافی [illegible] و از تلگراف آقایان حجج الاسلام اطلاع داده اند که [illegible] جلوگیری نمایند [illegible] ممکن نیست [illegible]

در همین موقع سعد الدوله [illegible] تلگرافی به حجج الاسلام نجف [illegible] روسیه را از ایران خارج نمایند [illegible] مشغول [illegible] اساسی [illegible] — [illegible] تلگرافی [illegible] رسید

تلگراف حجج الاسلام به حاج سید محمد امام

از قصر [illegible] طهران — حضرت [illegible] ثقة الاسلام حاجی سید محمد امام [illegible] وصول تلگراف شریف [illegible] آزادی [illegible] تلگرافی که [illegible] قانون انتخابات [illegible] در [illegible] قانون اساسی [illegible] وزرا [illegible] ملت [illegible] قانون [illegible] آزادی [illegible] در [illegible] انتخابات [illegible] ملت [illegible] اسلام [illegible]

(محمد کاظم خراسانی — عبدالله مازندرانی)

تلگرافات و اخباریکه از حدود ایران بجهت سفارت عثمانی میرسید

شهر ربیع الاول از بندر عباس راپورت تلگرافی رسیده حاکی بود که حاج سید عبدالحسین لاری وارد بندر عباس شده تبعه رضا شعر من هستند اما گمرک را تعرض نکرده اند

محمره — دیروز خبر رسید که تلگرافخانه شیخ خزعل در محمره جنگ قشون(?) بختیاری و سیف الدوله حاکم عربستان تلگرافاً نموده اند که با بی طرفی را رعایت و اقدامات سخت خواهیم نمود

تلگراف از شیراز

از طرف حاجی میرزا ابراهیم آقای مجتهد شیرازی تلگراف شده و در آنجم شهر چال مهلت داده اند که اگر بعضی از طبقات نو و عموم اهل فارس با کلمه واحده برای اخذ حقوق خود چیزی بهیچ‌گونه فداکاری هستند

تلگراف شیراز

بر طبق اخبار تلگرافی انجمن ایالتی شیراز دانجمن‌های ولایتی فارس افتتاح یافته و قرار است صیغه الدوله از شهر خارج بود

اخبار تلگرافی

تمام شاه‌زادگان درخصوص در تصرف آزادی طلبان است حکومت تبریز گفته خویی سخت جانی نموده از طرف حکومت تا بوشهر رسیده است (کشتی برس پلیس) ورود انها را تصرف تا سردار اسعد خبر رسیده از محمره حرکت کرده از قرار معلوم سرالکات سردار اسعد با شیخ خزعل متحد بختیاری بوده و طرفدار سردار اسعد گشته

خبر از بوشهر

دریابیگی حاکم جدید دیروز از ملک تاب المحروسه و معتمد الدوله کارگزار بوشهر را از آزادیخواهان گرفته حبس کرده اند

خبر تلگرافی بهبهان

سوار بختیاری که سابق سردار اسعد مأمور نموده بود بهمراهی سواران مخصوص شیخ خزعل سردار ارفع شهر بهبهان را بتصرف درآورده اند

خبر تلگرافی شیراز

راپورت سفارت عثمانی از شیراز بجهت الیه انجمن ایالتی درحال حاضر مشغول کار است تمام امورات قانونی در تحت نظارت است ادارات تماماً در تصرف ملی صیغه الدوله و پسران قوام الملک بهمراه شیریکا از رؤسای قوام در حیله عرب مشغول ملتجاتی امور اختیار و اینکه آنها نیز تصرف دارد و مشغول جمع آوری مالیات میباشند

بوشهر — کشتی برس پلیس که از بوشهر عازم بصره برای حرکت دادن دریابیگی بود که اداره بوشهر رسید از طرف حاکم بوشهر العظمیها ممانعت کرده که گمرک را ما از تصرف ملی خارج کردیم و الی حالا نیز تقاعد کنند هیئة متوکاراتیم که تماماً حکومتی از طرف حاکم بیاورد و در تمام ادارات ما اشخاص هستند در تصرف ملی است و حسب از طرف حاکم بأمور تا باز در اینجا بیاید تا بعد از این هیچ تلگرافی اراده است که اگر کشتی برس پلیس خودش حرکت کند توپ خواهیم بست

تلگراف طهران صیغه الدوله والی شیراز

در قرار تلگرافات قوام الملک و نصیر الدوله هزار و پانصد نفر سوار و بابک و قفقازی وارد شهر و در شهر سنی جمام تمام ادارات را ملک آنها مورد حمله و نارضایتی قرار دادند چند نفر را مشغول نموده اند در صورتیکه آنها خانه نشین هستند اقدامات برای تسلیت خود مانع نشوید در صورت سرحم ملوکانه اعطای سر طبیعت و مساعدت است هزار از این حرکات جلوگیری نمایند (وزارت داخله)

تلگراف طهران بوشهر به دریابیگی

از قرار اظهار وزارت جلیله لرستان امیر لرستان شنیده ام و بالقصد دستگاه تپال از گمرک [illegible] کرده اند و با مشغول سرایت و بعضی حرکات ملت مینمایند جلوگیری در رفع این گونه اقدامات لرستان اقدامات مجدانه نمایند (وزارت داخله)

ملکرت دراز نامه حقیقه در بابک

در قزوین ملک [illegible] تمدن و حرکت را انورستان لدرستان گرفته بوده اند به تنها با قونسول انگلیس ملاقات و مذاکره نموده و از ایشان کمک خواسته اند هر چه قبایح ممکن است تمام نمایند (دوازدهم دقیقه)

اهالی لدرستان [illegible] بردن نموده چون سید [illegible] لدری شکول جمع آوری قوا کنند که به طرف شیراز رفته املاک و قشونها را غارت نمایند

مکانی را که ملو[illegible] مقاله که اگر بخواهید با خودتان لشکری [illegible] درب قبایح بنمایند در این چند روزه جدال و قونسول انگلیس را نوشیاره نموده

ولی آنکه تا در رسیده است

نصرالدوله با اتفاق [illegible] قشقائی لدر را تصرف کرده سید جعفر و سید ابوالحسن را دستگیر و محبوس نمایند صد نفر لدری در بندر ریگ و قونسولخانه

انگلیس پناهنده شده و در حوالی نموده اند که قونسولگری را عوامات لدرستان نموده که از نصرالدوله لدر را تصرف نماید ولی همان روز

[illegible] از قونسولخانه خارج گشته که قونسول اقدام شفاهی توسط طهران نماید را کاسه درباری خبر که در شیراز منتشر شد حاج [illegible] که تنفر از املاک

شیراز بود به قونسولخانه انگلیس پناهنده شده و گفته است از قرار معلوم سید ابوالحسن که از سایرین را امر خواهند کرد خود را در بازار جمع

به قونسولخانه [illegible] به طرف [illegible] پناهنده شده اند در جمعیت زیادی در اطراف [illegible] قونسولخانه هستند حاج و دکان را به

قونسولخانه بردند تمام بازار را دکاکین را بستند با آنکه قوام الملک طهران داد اهالی از قونسولخانه خارج و قونسول در این دارد چه نصرالدوله

دارد شیراز به حال خطر و انقلاب است و حال حوادث شکول حوادث انقلاب می باشند

اخبار بوشهر

حکومت بوشهر در ورش مبرم است مخصوصاً به تاکید دشتی [illegible] تحریک کنند که به بندر [illegible] نماید به عمارت تهران [illegible] را

غارت و حرکت نمایند بعد از وقوع این دقیقه فوراً اجاره خیابان انگلیس دارد در بندر بوشهر و حافظ دولتی از عمارت [illegible] در اطراف بیارند

حرکت نموده عمارت در بندر [illegible] از عمارت کنند

عکس مرحوم قوام الدوله

شرح اقدامات مرحوم [illegible] قوام الدوله

بعد از واقعه توپ بستن مجلس رفته رفته هرج و مرج در مملکت شروع و مخالفت محمدعلی شاه با آزادیخواهان از اطراف ایران به حد
کمال رسیده بود

نطق میرزا عباس در منزل مرحوم عضدالملک

رجال طهران و شاهزادگان و اعیان که در حقیقت راهی طور شده که مملکت ایران را در مخاطره می‌دیدند اتفاق و مشورت کرده چند نفر
از رجال مهم که از جمله مرحوم قوام الدوله بود که برای تجمع رجال فوق العاده دعوت کنند تا اینکه اجماع و اتفاق نموده در حضور ایشان
سرباز را از کردستان و با محمدعلی شاه دعوت کرده درخصوص راحت و آزادی در مشروطیت که دیدند شاه از این تجمع وحشت گرفته در
صدد برآمد که به وسیله‌ای آنها را متفرق سازد لهذا چهار نفر آنها را تبعید و دیگران را به وسیله زور از قراولخانه دستگیر نمود
نزد اشرار فرستاد که آنها تحت نظر باشند آن چهار نفر اشخاص ذیل بودند

علاءالدوله - جلال الدوله پسر ظل السلطان - فتح الله خان سپهدار اعظم رشتی

بعد از تبعید آن چهار نفر که سعدالدوله جمعیت اعیان بودند حضور در منزل عضدالملک تعطیل کردند قوام الدوله را هم تبعید نمایند
نمایند قرار اثاثیه تفنگ فرش

جمعی با مرحوم سردار اسعد (علیقلی خان) سابقه دوستی داشت در پاریس با او ملاقات نموده به وسیله او رضایت گرفت که با ایران
بیاید و با قوای ایل بختیاری در مقابل محمدعلی شاه بایستند تا آزادی و مشروطیت ایران را از سر بگیرد دار و ندار بختیاری سردار اسعد
دار و مجموعه و مقابل شیخ خزعل متوجه بود ایشان که کمی قوام الدوله در اصفهان ساکن بود با برادرها تماس داشت
دسته‌ای با قوام الدوله با سردار اسعد قرار گذاشتند که با همه قشون خود را به طرف تهران حرکت دهند تا مقصود عملی شود
قرار بر این شد که در همان حال که در آن تاریخ صمصام السلطنه بود سردار اسعد ... قوام الدوله
را ملاقات نماید و در طهران حرکت نماید

شیخ خزعل در عرض این مدت هم تلگراف کرد که اگر به تهران بروید به صمصام السلطنه سوال کنید که صمصام السلطنه هم قوام الدوله
هستند در این مصلحت و مقصود که دارند خود را به طهران برسانند که محمدعلی شاه برسد زیرا که تمام سرحدات ایران
کرده‌اند که اگر آنها را به تهران برسانند تحت الحفظ بهتر است خود هم ملک الشعرا

بعد از چندی در توقف بختیاری حرکت می‌کنند

مرحوم قوام الدوله برای اینکه قوای بختیاری را علاوه بر ایل بختیاری ایلات قشقائی هم که عده زیادی هستند متحد شوند خودش برادر
برادر و برادرزاده خود را پیش صولت الدوله ایلخانی قشقائی فرستاد که ایشان هم با ایل بختیاری همراه شوند
کرده آنها را با خود همراه می‌کنند صولت الدوله در رأس ایلات قشقائی را اعلام کرده با ایشان تألیف خود را نموده رسم
اتحاد طرفین پشت کلام الله مجید را مهر کرده و هر یک جداگانه نوشته ملوف ملتزم شدند که:

پشت کلام الله تعالی نوشته سوگند

سرلوحه در پشت کلام الله نوشته شده

بسم الله تعالی   این بیانات بر این کلام الله مجید قسم یاد می‌کنیم و خدا و ائمه اطهار را در این حال گواه می‌گیریم که
از امروز به بعد با حضرت اجل آقای صولت الدوله سردار عشایر که در نهایت اتحاد باشیم و با دوستان ایشان دوست و با دشمنان ایشان
دشمن باشیم و با اتفاق ایشان در خدمت به ملت و مشروطه کامله از روی تطابق قانون اساسی متحد و متفق حاضر
و از بذل جان و مال در راه تحصیل این مقصد مقدس کوتاهی ننمائیم و در دفع مستبدین با حضرت اجل آقای صولت الدوله
سردار عشایر هم‌قسم قسم یاد می‌کنیم و ظهر قرآن مجید را مهر نموده ارسال داشتیم الحمد لله بقول کتبی

ربیع الاول ۱۳۲۷

خسرو سردار ظفر - ابراهیم - علیقلی - علیقلی سردار اسعد - نجفقلی صمصام السلطنه
صولت الدوله - سردار محتشم

ملفوفاً در صفحه بعد کلام الله مجید این شرح نوشته شد

مسعود ثانی این کلام الله مجید نوشته یاد کنم و کلام الله مجید را شاهد میگیرم که در حفظ سلطنت و رضای حضرت اجل آقای سردار اعظم
سپهبد من الوجوه با جناب صمصام الدوله همراهی نمایم و هیچ زمان و هیچ وقت هیچ شکلی از لوازم دوستی و یگانگی و همراهی با حضرت اجل
تا حیات الدوله کوتاهی نکنم والله علی ما نقول وکیل ۱۴ ج ۲ / ۱۳۲۷

بعد از اینکه وسیله اتحاد و اتفاق را فراهم روسای ایل بختیاری فعلاً فراهم شدند با خوانین بختیاری و جلوگیری از مداخله و تشویق
آنها برای خدمات عامه و اقدام آنها از شهر اصفهان فراهم نمودند خودشان در میان ایل بختیاری توقف داشتند و دسته دسته
خوانین را با عده و مهمات بسمت اصفهان سوق میدادند در این موقع خدمات فداکارانه آقای سردار اسعد (معتمد خاقان)
که بتعقیب قوام الدوله سوار شده در بروجرد اسیر تهران گرفتار شد
در دفتر تلگراف بروجرد السلطنه مقدم میرزا دارد حاکم احمد همیش
که در این موقع بمعتمد خاقان تلگراف نموده اظهار برای
اسباب خدمات شایان درج میکنم

اصفهان
معتمد خاقان — به قسم قوام شاه را که از رفتار همه مهمات تلگرافخانه با مخبر روزنامه بشارت میدهد (حسن احمد همیش)
تلگراف تالی مدیر حاکم احمد همیش

اصفهان
معتمد خاقان — تشکرات صمیمی خود را از خدمات وطنی حضرت تقدیم مدنی نموده اید و طن دوستی
ملت شما ثابت است ملیان واجب — (حسن احمد همیش)
قوام الدوله از بعد و سردیع تعقیب و آزادی ایران انموذج خدمات مهم ملی و مملکتی تا تاریکه در حیات بوده نموده اند
ایران بحکمه خدمات شایان او را فراموشی نخواهد کرد
در بدو حرکت اصفهان معتمد خاقان شاهد بوده

در ابتدای مسئله خصوصی به مرحوم ممتاز الدوله که در آن زمان در تهران خدمات قوام الدوله به جا رسیده بود نیابت نوشته از که خلاصه آنرا
برای کارهای عمومی مینویسیم

میرزا ابوالقاسم خان حضور مبارک جناب اجل نوروز مراتب عرض مینمایم — چون این مسائل را اعتقاد بمطلع کرده اید از سلامتی چند روز
قبل با اصفهان که رده ام یک کلمه جواب نداده اید ایطور بگمانم که نه اینکه ابراهیم حقیقت زحمت کشیده اید سهم اینها چه چیزها
فکر کرده اید سیداتم چه جوان دنیا خورده اید و لی بموقع یک چیزی نموده اید باعث آن جناب را از خاطر محو نمایند
وسیله هم حالا چه حالی دارید واله با همان طوری که در موقع حرف خدا حافظی که کردیم و لی اجبار یک چشمم جاری بود با یک چشمم جاری است
و دوام نگرانی دارم از این است که شما از همه ما را حفظ اتفاق حاصل نبود شما بهتر از همه اطلاع دارید که نفاق چگونه خانه برانداز
است امروز تمام فرنگ متوجه هستند به بینند که آیا باهم خودمانی اتفاق خواهید شد یا نه و تمام عقلا و علما و سیاسیون میگویند
که اگر باهم خودمانی اتفاق و اتحاد حاصل نمودند سابق بردن ملک کار بنماید کار تمام است
امروز فرنگیها شورش ملت را دیده است با مردم مردانه که مرکز دو تن یکی کابینه مشروطه — یعنی دوره مجریه — و دوره مقننه — و دوره قضائیه
باید بهر اندازه از نیروی قوه ها در دستگاه مشروطه حفظ شود که دستگاه مشروطه از کار نیفتد با این حدود
امروز در تمام فرنگ مجلس و مجامع مخصوص است حرکات ایرانیها که میکنید توجه با فرنگ عکس جناب سردار و دلگرمی سپهسالار را
دست بدست میدهند دیگر تعجبی بود بیاد بیاورید در میان ملل فرنگ نسبت با ایران نوشته است دیگر میگویند که اینها ایران
بعد از این بسته به اتفاق و اتحاد خودشان است
باید جمع بینی در حفظ سهام وکلا باشم تا هم دیگر نبود دیگر خاله شما اتفاق است دولتی آن خطرات را نخواهد داشت
حفظ اتحاد وکلا سعی کنید تمام کارها است

خلاصه حالا خیلی کلفتی و تنگی دارم [illegible] کرام مگر اعوض کنم نمی توفیق ملاقات
خدمت حضرت آقای سردار اسعد و آقای سپهدار اعظم و آقای مرتضی و آقای حاج دانیال [illegible] عرض قربت دارم
حضرات [illegible] دیروز دستور برادر عرض و سلام دارم [illegible] چیزی با تلفن آقای ناصر الملک [illegible] اگر فرصت دارم
مطلع باشید که [illegible] صنایع بخواهید [illegible] شده کاملا از [illegible] شما اطلاع دارد
مرکز [illegible] که [illegible] تاریخ [illegible] شمائی اطلاع [illegible] مخصوص حضرت [illegible]
همه دوستان مخصوصاً بحضرت مستشار الدوله و حکیم الملک و آقای داماد حاج سید نصرالله عرض و سلام برسانید
همچنین [illegible] شما [illegible] خداوند شما را توفیق بدارد که [illegible] سیاست [illegible] مملکت [illegible] فراهم فرمود [illegible]
آقای ناصر الملک مخصوصاً سلام برسانید

(اسمعیل ممتاز الدوله)

اقدامات رجال و سیاسیون ایران در خارجه
بعد از بمباردمان مجلس

در این موقع عده از رجال و سیاسیون ایران در خارجه بودند عده هم بعد از بمباردمان فرار یا تبعید شده بودند عده
زیادی در پاریس جمع شدند مذاکره با یکدیگر کردند برای برگرداندن آزادی ایران مشورت کردند کمیته تشکیل
دادند

اشخاصی که در پاریس جمع شده بودند با اسامیکه تحریر اطلاع یافته ام اسامی آنها این بوده است با یک عده دیگر

ممتاز الدوله - امیر اعظم - معاون الدوله - معاضد السلطنه - میرزا علی اکبرخان دهخدا - اسدالله خان کردستانی -
حاج محتشم الدوله - دکتر لقمان الدوله - مصطفی قلی خان سردار اسعد - علاء الدوله - احتشام السلطنه - تقی زاده
صاحب ایلچی - سردار حسین قلی خان کرمانی - سردار محیی - معتدل الدوله - صمد خان ممتاز السلطنه که در آنجا وزیر مختار ایران بود
مرتضی قلی خان پسر صمصام السلطنه - امیر مجاهد بختیاری - دکتر محمد خان - دکتر سعید خان

کمیته که تشکیل شد عبارت بود از امیر اعظم - خزانه دار معاضد الدوله انتخاب کردند

تصمیمات کمیته پاریس

اول — دهخدا را با یک نفر دیگر مامور کردند بروند به سویس روزنامه صوراسرافیل را انتشار دهند و اگر ده نفر از آنها ندیدیم با مخارج کمیته دوباره
بروند در هر محلی هم روزنامه صوراسرافیل را انتشار دهند جمعی اعضای کمیته مامور اطراف شدند که دیگران در این باب همراه شوند.

دوم — دکتر حسین خان اعلم الدوله و دکتر سعید خان برادرش را مامور کردند که عرائض نوشته به ایران بفرستند و
سردار اسعد بختیاری بعد از مراجعت از اروپا در ارتباط دادن تمام نهایت بکوشد

سوم — امیر مجاهد را مامور کردند برود به ایران صمصام السلطنه را ملاقات کرده وادار کند به همراهی قیام کرده اصفهان را
قبضه کند

چهارم — حاج محتشم الدوله را مامور کردند برود به ایران صنیع الدوله را ملاقات کرده مطالب کمیته را به او بگوید که
سایل قیام و وسیله صلح مابین شاه و ملت فراهم سازند

پنجم — دو نفر دیگر را مامور کردند بروند به لندن با رجال انگلیس ملاقات
کرده مقصود از کودتا و مسائل هم که لازم بود در نظر ایشان جلوه کرده که کمیته اطلاع بدهد

ششم — یک کمیته هم در اسلامبول (انجمن سعادت اسلامبول) بود که رابطه میان ایران و خارجه پدید آورده بود در آنجا به سفیرهای [illegible] بودند

هفتم — یک کمیته هم صنیع الدوله در طهران تشکیل داده بود که این سه کمیته با یکدیگر رابطه داشتند و در پیش آمدها به یکدیگر کار میکردند که در شهرهای مشروطه را از میان نبرند

اعضای کمیته‌هایی را که پیدا توانستم

اعضای کمیته طهران

صنیع الدوله — حاج امام جمعه خوئی — مستشار الدوله — حاج حسن آقا امین الضرب — حاج حسین آقا امین الضرب

اعضای انجمن سعادت اسلامبول که کمیته مخفی بوده

حاج حسن فرزه تبریزی — حاج حسین [illegible] تبریزی — آقا ابراهیم [illegible] — حسین آقا [illegible] — آقا هاشم ربیع زاده — آقا کریم [illegible]
حاج رسول صدقیانی — حسین ربیع زاده

این کمیته با هر یک تو به خود یک سلسله کارهای بزرگی را کرده و با یک جماعت باک و با [illegible] در [illegible] و در [illegible] کار بوده
با اینکه با [illegible] مقصود در اینکه آزادی و مشروطیت بود را [illegible] کنند

مامور است برای [illegible]

سردار محیی که خود کمیته بازی بود مامور شد با کمیته [illegible] به [illegible] و با کمیته [illegible] مامور [illegible] به رابطه پیدا کرده و از آنجا
[illegible] و [illegible] تحصیل کرده [illegible] نشد [illegible] کمیته [illegible] شد [illegible] که سردار محیی [illegible] با کمیته
اجتماعیون [illegible] کمیته [illegible] اجتماعیون هم [illegible] ایران [illegible] و [illegible] در [illegible] با آنکه
سردار محیی [illegible] پیدا کرده [illegible] را [illegible] کرده که شرح آن را [illegible] خواهم

قوام الدوله هم سردار [illegible] از [illegible] ایران [illegible] که شرح آن [illegible] بحث [illegible]
کرده و [illegible] از [illegible] آمدند

اخبار یکماهه جریده [illegible] بمبئی

تلگرافات متفرقه

سوم جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمری

تلگرافات مسعود و از تمام ملت ایران تبریک و تهنیت میرسید حاجی ستاره و سهام را [illegible] ما حرکت کرده
حقوق ایران سپردیم مستقیم

برهم خوردن اردوی سلطنت آباد

شب ششم جمادی الثانی [illegible] از قراریکه محمد علیشاه بسمت [illegible] تبریز [illegible] ادوات [illegible] در سلطنت آباد [illegible]
تحویل [illegible] حوزه هرکس تحویل قرار میدهند [illegible] شاه [illegible] میمانند که [illegible]
تا دولت سلطنت [illegible] [illegible]

همان قسمتیکه شاه [illegible] اعطای [illegible] بود همان قسم خود در [illegible] جواب [illegible] نموده [illegible]
[illegible] قرار [illegible] شاه [illegible] [illegible]
[illegible] محمد علیشاه [illegible] نظام [illegible] [illegible]
[illegible] در طهران [illegible]

[illegible] شاه در [illegible] قبول [illegible]
[illegible] [illegible] پانصد [illegible] طرف [illegible]
[illegible] اردوی [illegible] [illegible] جمع آوری نمود

مشاجره در کابینه

هیئت وزرا [illegible] مجلس [illegible] [illegible] الممالک [illegible] [illegible]
[illegible] شاه [illegible] [illegible] کابینه [illegible]
[illegible] مقصود [illegible] [illegible] بوده

[illegible]

در این اوقات [illegible] از طرف [illegible] [illegible] نموده
بودند [illegible] [illegible] خود خواهد رسید

[illegible]

در این [illegible] آقا [illegible] [illegible]
نموده بود [illegible] آقا [illegible]
[illegible] قانون [illegible]

[illegible]

[illegible] السلطنه [illegible] الدوله [illegible] الدوله [illegible]
[illegible] الدوله [illegible] الملک [illegible] الملک [illegible] امام جمعه [illegible]
[illegible] شاه [illegible] نموده [illegible]
ملت [illegible] طهران [illegible]
[illegible] شاه [illegible] نمود

تلگراف [illegible] سپهدار اعظم و سردار اسعد

تلگراف [illegible] سپهدار و سردار اسعد [illegible] نمودند [illegible] بطرف پایتخت حرکت نمایند

[illegible]

در این [illegible] شاه [illegible] سپهدار اعظم
[illegible] سپهدار [illegible] [illegible] سپهدار
[illegible] شاه [illegible] نموده [illegible] سلطنت آباد [illegible]

اجتماع در رستم‌آباد منزل سعدالدوله
سه‌شنبه ۱۰ جمادی‌الاولی ۱۳۲۷

۵۲۷ این اوقات که مشغول مذاکره صلح با ملیون بودند انجمنی در رستم‌آباد در پارک اتابک [illegible] تشکیل کردند حاجی امام جمعه خوئی
حاج سید نصرالله - سپهدار الدوله - حاجی محمد اسمعیل مغازه - شمس التجار بوشهری - معاضد الملک - ممتحن - سعد الدوله
حاجی شیخ فضل‌الله - امین الملک - مختار السلطنه - صنیع الممالک کرمانی - سید شرف - آقا حمید قمی [illegible] - سید [illegible] اصفهانی
میرزا هاشم تبریزی - حاجی شیخ اکبر بروجردی - میرزا عبدالعلی [illegible] - شیخ حسن [illegible]
بعد از مذاکرات و مبادله آراء تصمیم گرفتند که باید در شهر تشکیلات داد و سرشته تا زمان [illegible] سعد الدوله
حاجی جلال الممالک - ناظم الاسلام کرمانی - احتشام دارالملک - شیخ عبدالحسین - حاجی محمد اسمعیل مغازه - سید ابوالقاسم -
شمس التجار بوشهری - صنیع الممالک - شیخ یحیی وکیل کرمان - میرزا حسن‌خان کرمانی [illegible] - شیخ محمد تقی وکیل کرمان
سید ابوالقاسم [illegible] میرزا سید محمد [illegible] طباطبائی
دیگر در بحث راپرت حاجی محمد تقی برای انجمن از طبقه مردم از [illegible] و سید جمال و سید جمال حضرت عبدالعظیم و ضمن حضرت
جمعی از انقلاب و دیگران از طهران تشکیل جدا مشغول عملیات گردیدند
حالت شهر با تسلیم الکه حیدر کرم... از انقلاب و ... که ما مورین نظمیه مشغول جمع‌آوری اسلحه هستند بعنوان الوطن
و ... ولی با طمانینه حال ... برای دسته ملک اسلحه را از کف ملیون بیرون ساختند ولی از طرف ملت ... دستها
... با نظر به ... ساکت بودند ... خود با دریا ... از قوه ... دفاعیات مختلف [illegible]
به اسلام را ... که ... حکم را ... اجرا نکردند
ولی از ... عمال ... خود ... [illegible]
سعدالدوله را حاکم ... سفر ... تصدیق السلطنه در باره ... دستور ... که ... از
ملیون ... ملیون ... ارتباط قطع شده ... از رفتن ... را آزاد ... گردید
سعدالدوله ... الدوله ... که ... از ... باید ... باشد که مبارزه نمود با ... احوال ...
... در تمام ایالات و ولایات ملیون ... و ... را ... نموده ...
تلگراف ... مبارزه ... نماید
از طرف ... تلگرافاتی به ولایات برای اتفاق با دستورالعملهای ... به ولایات ... سعدالدوله برای ... نموده ...
... جشن ... شدند ... تلگراف ... ۳ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۲۷ از ... الکنده
صادر شده که ... قشون روسی ... در باب ... شیخ ... کند ... ایرانی ... نموده
... در باب ... ایران ... در باب ... شیخ ...

نگارش جراید خارجه نسبت به ایران

... جمادی‌الاولی ۱۳۲۷ روزنامه (نووی ورمیا) ... ۱۹۰۰ ... از ...
چین در ... شهر ... در ... روسی لازم است که ...
... به ... تا ... طهران روانه نمایند

روزنامه طمس لندن

۳ جمادی‌الاولی ... که معلوم است ... روسیه ... ملیون ... از فرنگ ... یا ... باده
... ایران ... خواهد داد ... ایران ... روسی ... ایران
مصارف ... که ... خواهد بود ... روسی (در ...) ...
... خواهد داشت ... که در دربار ...
... که ... در طهران و ... روسی ... که ...
مصارف صحیح ... دیگر را ... دارند

از طرف دیگر دولت انگلیس بخوبی رضایت با این اعتراض [illegible] داده صراحتاً بیان میکنند که این اعتراض فقط صحیح و بهانه خواهد بود که بالمآل
ایران تضعیف دولت و ملت تصور نمایند

مشروطه طلبی سازد و افراد حسب دستورالعمل دولتین در مسئله اعتراض با (زودر پارلکه) نماینده دولت انگلیس مذاکره نمودند
دولت انگلیس [illegible] از طرف خود افراد [illegible] در این باب اعتراض جدید معمول خواهد داشت

هرگاه افراد [illegible] برای اعتراض است [illegible] اوضاع حالیه ایران [illegible] نتیجه [illegible] امیدوار است که دولتین همجوار [illegible]
امیدوارند که مساعدت دولتین ایران [illegible] خواهند داشت

تهران [illegible] اخبار [illegible] تلگرافات عدیده [illegible] تمام [illegible] داده [illegible] منابع خارجه [illegible] داده [illegible]
[illegible] دولت [illegible] را تمام [illegible]

[illegible] جمادی الاولی [illegible] اطلاع دادند [illegible] مشروطه طلبان دولت ایران [illegible]
[illegible] جمادی الثانی ۱۳۲۷ تلگرافی [illegible] که سپهدار اعظم و بختیاریها تلگراف کنند که
[illegible] اصلاح شود

الحمدلله [illegible] جواب سپهدار [illegible] قبول [illegible]
قبول [illegible] رسیده است

[illegible] تلگرافی سپهدار اعظم [illegible] سپهدار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قبول نمائید

صورت تلگراف سردار

[illegible] که سپهدار [illegible] خود نموده [illegible] از طرفی
ملت [illegible] از طرفی [illegible] را از [illegible] شروع [illegible]
[illegible] مشغول جمع آوری قوا [illegible] برای حرکت [illegible] مشغول [illegible] از طرفی تلگرافات
برای حرکت [illegible] سردار اسعد [illegible] سپهدار اعظم تلگراف [illegible] که قبول [illegible] آنکه [illegible]
[illegible] جواب داده [illegible] سردار [illegible] حرکت [illegible] سردار [illegible] سواره
[illegible] حرکت نمود

سپهدار اعظم جواب سپهدار [illegible] امام رسیده [illegible] حرکت [illegible]

تلگراف سپهدار اعظم به سردار اسعد

[illegible] جمادی الثانی [illegible] رسیده [illegible]
مشغول [illegible] برای حرکت [illegible]

تلگراف به عضدالملک

تلگرافی هم به عضدالملک [illegible] معلوم میشود [illegible] تلگرافات [illegible] انگلیس [illegible] ایران [illegible]
[illegible] مشغول [illegible] نفع [illegible] خود را [illegible]
برای [illegible] تلگراف [illegible] وسیله [illegible] فراهم [illegible] برای [illegible]
دولت [illegible]

تلگراف حجج اسلام خراسانی و مازندرانی

از نجف به بصره محمره اصفهان قم توسط روزنامه حبل المتین جناب سرداران عظام و امرای بختیاری دامت تاییداتهم
اظهار اطمینان که از سمت خارجه فرموده بودید رسید نوع با یک دولت در حفظ حقوق دولت علیه نهایت مسئولیت عدم قبول ضمانت در ظرف
رد جواب سلف دولت بیگانه است و اجرای احکام شرعیه به لزوم ان شاء الله تعالی (محمد کاظم خراسانی)

تلگراف تلگراف از نجف

از پنجشنبه روسی ایران تمام جماعت و مدرسین و طلاب حضرت آیت الله خراسانی عازم حرکت با قصد عموم حجج اسلام مهیای حرکت تمام مراکز
اسلامی اطلاع هیئت علمیه عواطف اتحادی

تلگراف از اصفهان به رباط کریم

جناب سلطنت جلیل آقای حاجی معتمد خاقان دام اقباله امروز که عصر یکشنبه یازدهم جمادی الثانی است یک ساعت بغروب مانده جناب آقای سردار
محتشم و سهام دولت با اردوی مجاهدین وارد اصفهان شدند حرکت اردو را تلگرافاً اطلاع داد محقق

تلگراف اسلامبول از انجمن سعادت

حضرت سردار اعظم حسب الامر حجج اسلام انجمن سعادت حرکت بطرف طهران نمائید

امریه کمیته جهانگیری

از کمیته جهانگیری تقویت میدان تلگراف می‌شود که جناب ارشد الدوله تعیین نموده خودداری کنند والا کلیه را نتایج و ننگ خواهند داد
از شهدای تیر به توپخانه خودمان تقاضای تلگراف می‌شود که به طریق اختیار نمایید

تلگراف کرمانشاهان

از کرمانشاهان عموم علما و تجار و اعیان کلهر و اعظم الدوله وغیره لسردار اسعد تلگراف مینمایند که امروزه برای حفظ وطن مشروطه از دو نمودن
فنون جنبش با چند قطره خون خود حاضریم
حسام الملک هم از جنبش و اضطرابات که حاصل نموده از حکومت اصفهان استعفا سید در

تلگراف رئیس الطلاب

در رشت تلگراف تلخی در باب معارف و الصدیق فردی اعلام کرده سالم نورش رد نموده دست برداشتی نموده تو از هر کجا بتکلف
لیه اعتبار را افزوده سایر احرار اعتصاب نموده

تلگراف از همدان

امروز خبر رسید که همدان رشته نجح و دلایلش را تشکیل کردند

اخبار کرمانشاه

مکتوب بهبودی که اظهار مخالفت کرده مفسدین یاغی بر سر کرده حکومت او در کرمانشاه بهبود بیا اجماع کرده شهر را بهم زده دفاتر بهبود را تمام تاراج شده
شهر خالی منقلب است

اخبار بلدیه — بعد از آنکه عضد السلطان برادر شاه از حکومت معزول و صدق امروز مستعفی گردید عضد السلطان در کتاب تحت
نوزدهم اعتبار که عوض شاه خانه فراهم با شاهزاده کامران است که برادرش شاه سابق خانچه اتفاق رفتند و به شاه دوره التکلیف سال
معلوم است هر از این عرض هر روز یک سلطنت معلوم است چه غصه دارند

اخبار بلدیه — علما تلگراف متعصب بمقام صدارت نمودند که تلگراف خبر دادیم سواران الوار چه از طرف لشکوه و چه از طرف
هیئت کوه بعد از حکمرانی بختیارها در اصفهان به سایت رقابت است و اظهار شجاعت محمد خان نظر به بختیاری با والی لشکوه
هم عهد شده با جمع اعیان که سواران بختیاری در اطراف چهار محال و اصفهان در حرکت و باز از ما در جواب ششنه ایم در حضور ملکه
سوارهای الوار سابقه بسیار در سوارهای بختیاری دیده بودند حالا خطرناک است که آنها از جواب داده اند در سلاح از زمره
خوانی کرده بطرف سه سخت قصبه رزم سرزدند با ملوک هم در امر سلوک ایران آرام نشستیم صبر و شکیبائی را پیشه خود قرار دادیم
در صدد برآمده ملک اجماع کرده ارجاف الوار بد ملکی سواران شیخ خزعلی و سایر تمدن دولت سرراه و اطراف را
جاییده بطرف طهران رهسپار شوند

عموم اهالی نوچون جمعی از طرف حاکم عثمانی توسط کرده و باقی در منزل هستند برای جلوگیری از ایلات فارس توپ و استعداد کافی لازم است
انشاء الله بالصمد فیصله تفنگ و فشنگ بنویسند

صدر اعظم جواب نوشته که بهیچوجه فرستادن تفنگ و فشنگ ممکن نیست مادام هست و شیخ قضیه تفنگ در زنجان برده و سلطان آباد
انشاء الله جلوگیری از اشرار نشاید عملا از این جواب بی مغز مهمل بسیار گشته جواب نوشتند با این وضع شما باید از ما بخواهند
در این صورت ما با هر طور چاره و صلاح برای خود بنمائیم

نهاوند — حاکم نهاوند خارج و الوار اطراف شهر را غارت کردند

اخبار قم — تلگرافاً خبر رسیده که هزار و پانصد نفر سوار از روسی به طرف کاشان حرکت کرده پانصد نفر هم در صحن حضرت معصومه
متحصن هستند

اخبار کرمان — خبر تلگرافی کرمان در نهایت اطمینان است زیرا تلگرافخانه که از طرف نظام السلطنه رئیس الحکومه تلگراف
داده است که طهران باید ولی اهالی و در خصوص صاحب اختیار را اطلاع دهند

اخبار رفسنجان — سواران محمد اسماعیل بلوچ رفسنجان را ضبط و برای تصرف کرمان شهر مشغول تدارکات می‌باشند

کرمانشاهان — ... دیگران مشغول جنگ بوده که خیر و رفع فتنه روی سرآورده اند و دو روز استعداد بحری ...
دو شهر تولید ... نموده و از خبر استرداد مشروطیت ... می‌باشند

یزد — خبر اعلان مشروطیت که از طرف شاه در یزد اعلان شد اهالی اعتنائی ننموده تحویل تفنگ نکردند عقیده ایشان این بود
که این اقدام شاه برای پیدا کردن فرصت و بهانه در صدد ... تلگرافات می‌باشند ... در این موقع ... اولاد ... انتشار
... از او تغافل ساخته و درباره ... ایشان ... در قرار ... بنمایند

حاجی ... در یزد ... تفنگ ... برده ... خواهد کرد و امتناع از دادن ... نموده با کار
رحیم کاری ... اوضاع یزد ... سواران ... نمایند ... نظم ... نفر ... به یزد
... نموده جواب ... نایب السلطنه ... با استعداد کافی برای حفظ ... حرکت خواهد کرد

کرمان — ... در موضوع ... اوضاع ... به قولنسول ... پناهنده شده اند
... قونسولخانه خارج ... که ... عدم ... قونسولخانه پناهنده
گشته ... در باب عدم ... نموده ... جواب ... نظام السلطنه با استعداد کافی
حرکت خواهد نمود

کرمانشاهان — الحمد لله که با تلگراف ... رفع ... مشروطه ... ظهیرالدوله ... حکومت آنجا
منصوب گردید

اعزام اردو به طرف کاشان

از روی تفصیل ... دولتی ... بختیاری ... طهران ... به طرف قم و کاشان حرکت کرده اند
... بختیاری ... اصفهان به طرف ... کاشان حرکت ... از این
خبر ... سردار ... حاکم ... به طرف ... استعداد ... جهار
حاجی ... سردار اسعد ... امیر مفخم ... صمصام السلطنه و ضرغام السلطنه
و ... اعزام ... امیر مفخم ... امیر ... در
... امیر مفخم ... سردار ... اقدام ... که دربار
... صمصام السلطنه و ضرغام السلطنه ... ولی ...
... اطراف ... بختیاری ... کاشان ... به طرف
اصفهان ... حرکت نمودند ... سردار اسعد ... رسید ... آنها
... در باب ... نمودند

حرکت امیر مفخم

تلگراف از قزوین به طهران ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۷

۵۳۱

خدمت ذیشرافت حضرات محترم متحصنین سفارت علیه عثمانی دامت برکاتهم جواب عریضه دیروز فدوی را از وصول تلگراف اخیر آن جنابان
زیارت شد چون سبب آن جنابان بهم قرابت قریبه شئونات خود را اطلاع بدهید از تلگرافخانه (محمد ولی)

تلگراف از قزوین

حضور حضرات مقدسه حاضرین تلگرافخانه و متحصنین سفارت تلگراف سلطانی را ملاحظه نمودم ملاحظه دقیق ایشان را ما اهم که مدتها
سپهدار الدوله اتفاق مجری در میان است چندان بحث در جریانات بنا شد مذاکرات ... دیار دنیا متحد باشیم رفع همه
از اتفاق خواهد رسید هر طور است اینجا از تحصن خارج شوند جوانان طهران را فراهم ... ملا با هم اطلاع بدهید که در ...
... سپهدار سردار اسعد هر جای ... اگر امروز جواب صریح نرسید و نشد دیگر جلوگیری از مردم از شدت خارج
... چه بهتر تا ... فرو رفت ... با ... مردم از این اقدامات ... دیگران ... را در ... تعمیم بعد اعظم نظر
نمایند مردم اطلاع حضور عرض کردم (محمد ولی)

... بعد از آنکه قرار به مذاکرات حضوری شد در دولتیان و ... حضور فرستادند که حقیقتاً مشروطه عطا کرده و مقاصد اصلی
خود ... گردیده از متحصنین که از اوضاع و حقیقت امر مطلع و آگاه بودند ... نمودند ... تلگرافات
خود ... منمود ... ولی ... احوالات ... تلگرافات حضوری ... کردند که ... فرمودند ... را از آن ... در کار ... از آن
سردار اسعد و صمصام السلطنه بختیاری ... خود را ... در صورتیکه متحصنین از قضایا ... را ... اطلاع می خواستند
... آنها ... از اعمال ... را به خود ... ... تمیز ... فرصت بودند ولی متحصنین طهران
... و قزوین ... در تلگرافات حضوری ... اظهار اطاعت می نمودند ولی ... با اعمال ... شکسته ... را
... و ملک ... خورده ... در ... مقصد ... هر ... از ... را ... ... کاملاً مطلع بودند که آن ... و ... دست از ... در ... گوناگون ... برمیدارد ...

۵۳۳

تلگراف تبریز ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۷

حضور حضرت سلطانان آقایان مخصوص تجارت عثمانی دامت تاییدهم تلگراف [illegible] بشارت از سفارت دیروز [illegible] جسمانی و روحانی
دقیق دقیق دیگر دیروز [illegible] سؤال و جواب حضور [illegible] نهایت [illegible] که در [illegible] مهر رئیس [illegible] رقم حالا که
پرورد آقایان معظم [illegible] و از [illegible] حالات [illegible] حوادث عرض کنم (آن [illegible])
[illegible] غصه برآید — در این [illegible] روز [illegible] با طهران مذاکره نمودیم [illegible] مقاصد [illegible] رسیده و [illegible]
[illegible] خارجی هستیم که هر روز و هر [illegible] در صدد [illegible] و [illegible] فوق طاقت هستند [illegible]
[illegible] و [illegible] وزرا [illegible] هستیم [illegible] رسیده [illegible] چشم [illegible]
[illegible] سعی [illegible] می‌آید [illegible] محصول [illegible] سلاح می‌بردارند
و [illegible] ما را [illegible] مداخله [illegible] حصول [illegible] اطمینانی [illegible]
[illegible] را موکول [illegible] و [illegible] در [illegible] اهم [illegible] آن شرایط اخراج [illegible] الوادی [illegible]
[illegible] حال ما و [illegible] تمنا [illegible] اقدامات [illegible] نقاط [illegible] در نظر [illegible]
[illegible] که [illegible] خارجی [illegible] ارتباط [illegible] قانونی [illegible]
[illegible] و وزرا در حال [illegible] و [illegible] در این [illegible] که [illegible] در این [illegible] مساعدت
[illegible] دیگر چه عرض کنم (انجمن ایالتی آذربایجان)

تلگراف تبریز ۲۳ ربیع الثانی

حضور مبارک حضرات [illegible] حجج الاسلام آقای [illegible] و آقای [illegible] دامت برکاتهم جناب سلطانان [illegible] آقای [illegible]
آقای [illegible] آقای [illegible] و سایر [illegible] محترم را زحمت داده ایم برای [illegible] اکرات خصوصی [illegible] موفق شده ایم [illegible]
[illegible] حالا که [illegible] زحمت [illegible] تشریف آورده اید [illegible] را [illegible] که [illegible]
حضرات [illegible] تا [illegible] عرض کرده [illegible] تشریف [illegible] و [illegible] مبارک آقایان [illegible]
[illegible] بیان فرمایند که [illegible] آقایان [illegible] رحم
[illegible] در نظر است [illegible] مبارک [illegible] ما [illegible] بودیم [illegible]
مذاکره [illegible] در حصول [illegible] مبارک [illegible] کار [illegible] اتمام [illegible] انتظار
مبارک [illegible]. (هیئت [illegible] انجمن ایالتی [illegible] زاده)

تلگراف حجج الاسلام

از نجف الاشرف ۱۳ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۴ غره ذیقعدة الحرام ۱۳۲۴

توسط انجمن سعادت ایرانیان با انجمن ایالتی تبریز شید الله ارکانه بحمدالله تعالی همت غیورانه جناب جلیل الکرم سپهسالار ملت
و مجاهدین غیور و همت تائیدیهم الاسلام لاعزیز وطن را سربلند و متکفل ابدی احیاء ایران و احقاق حقوق ملت تقویت لطالی چشمه
آن برادران ان شاء الله تعالی است عزم بر آن برادران اعظم شید الله در ممالک خارجه مایه افتخار اسلام خواهد گردید آن انجمن گرامی از درجه
مجاری دارالشورای کبری از ممانعت قرض جدید و سایر ممالک فروشها رشما کمال مراقبت و تحقیق را اعلام فرمایید

(عبدالله مازندرانی) (محمد کاظم الخراسانی)

تلگراف حجج الاسلام

انجمن سعادت ایرانیان بموجب تلگرافات واصله از ملت ایران مجدداً در تقاضای جزئیه دقیقه خطر از وزرای متعهد قرض
و صرف سرکوبی ملت تأکید نمودند از جانب ما که رؤسای روحانی ملت ایرانیم توسط سفراء و جراید نشر و بدول معظمه رسماً
اعلان نمایند بموجب فصل ۲۴ - و ۲۵ نظامنامه اساسی دولت ایران حق معاهده و اعطاء امتیاز و اخذ قرض
بدون امضاء پارلمنت ملی ندارد امروزه انجمن ایالتی تبریز بجای پارلمنت ملت ایران است اگر قرض بدون امضاء
آن انجمن شود ملت ذمه دار ابقای آن نخواهد بود

(عبدالله مازندرانی) (محمد کاظم الخراسانی)

تلگراف علمای اسلام‌آباد به مستر ...

۲۷ ذیقعده ۱۳۴۰

از تلگراف ثانی جنابعالی باعث تعجب   برای آنکه حکم علمای اعلام و حجج الاسلام را در تلگراف جوابیه درج نموده
بودیم و افتتاح مجلس شورای ملی و دایم کلمه مستر طبیب را خواسته بودیم بطوری مبهم جواب گفته اید که هیچ وجه ربطی به سابقه
نداشت معلوم است خواسته اید جوابی گفته بود
اینکه اظهار کرده اید که بیش از این مذاکره با آقایان علمای اعلام   امروز جواب گفته بود   اینک میگوئیم آنچه شرط
مسلم است شرعیت و ترویج احکام حجج الاسلام عنایت نمائید با اتفاق جامعه مرتبیان تا این کار دارد و ندیدیم جواب
کدام یک از مطالب شما را نوشتیم میگوئید مسلمانیم و طالب خونریزی نیستیم بلی
(یقولون بافواههم ما لیس فی قلوبهم)   پس چرا نمره‌اش (۹۳) که آقای ... از رهبران ... است
شده به مسجد مسلمانان و مسجد فرقه اثنی عشریه توپ بسته جمع کثیر و جمع غفیر از مظلومین مسلمین مقتول نمودند و
لطفا میگوئید تلگراف سابق را گویا سرور گفته آید صحیح حکومت و جهال و غول ... تا در سال بوده خون
در این تلگراف اظهار کرده اید از بابت حکومت و غیره اگر حرفی دارید بفرمائید لیکن جواب داده نمود
[illegible] شده در همه موارد که کار ... در بار ... نمود تمام و جهال ... خود میخواهند
منقطع کنند تقصیر را که احکام حجج الاسلام را اعتقاد داریم زیر بار ... لطفا ... و قدرت خونریزی ... را
برپا جاری داشته اند و ... اسلام‌آباد را تهدید نموده اید لازم آمد که شما را بفهمانیم که اسلام‌آباد نقطه‌ایست که دارای
صدهزار نفوس مسلم که ... از ... داده ... شما ... حاضر ... که برادران
غیور ... و طهران ... گلوله مقتول نمودند ... سر در کف ... که در راه احیاء مذهب و طریقه
اثنی عشریه از خون رنگین خود مضایقه نکرده   (بذل مال و بذل جان و ترک سر)
(در طریق عشق اول منزل است)   ولی این مستر طبیب را هم ... که ... تهدید میکند که از جان و مال
در ... گذشته و ... را هم ... برای آنکه ... اسلام‌آباد ... در بار ... حکومت
را ... که شما ... شده ملکه ... یک فقره از ... حجج الاسلام ... خوانده
باشید   (بعموم ملت حکم خدا را ابلاغ ... الی آخر)
معلوم است از ... حکم ... که ... دست ... کشیده ... حکومت ... عصا
خود را ... (من ...)   ما ... اظهار نمود که ... را
... مستر طبیب و افتتاح مجلس شورای ملی که ... غایت ... فرمائید والا ...
از ... جنابعالی ...   (عموم علماء اسلام‌آباد)

بقیه واقعات [illegible]

اخباریکه به متحصنین سفارت عثمانی رسید

در تاریخ شهر ربیع الاول [illegible] توسط [illegible] حاجی [illegible] با [illegible] حمل شد [illegible] در تعقیب او رسید که [illegible]

مشغول [illegible] از [illegible] دیگر [illegible]

دعوت صدر اعظم

صدر اعظم برای حضور [illegible] در مجلس [illegible] نفر را دعوت نموده که از جمله صدر العلما حاجی شیخ عبد [illegible] - حاجی [illegible] -

حاجی محمد تقی [illegible] - حاج سید محمد صراف و غیره بودند

مضمون رقعه های دعوت بقرار ذیل بوده

خوب دو سال است کارها از صورت صحیحه خارج شده و ترتیب صحیح ندارد با یک قانون صحیح درستی در کارها گذارده نشود [illegible] کارها [illegible] و [illegible] حکام [illegible] بشخص [illegible] که هر کس [illegible] خود را [illegible] لذا [illegible] اطلاع [illegible] روز چهار [illegible] بعد [illegible] در اطاق دربار اعظم [illegible] علما و [illegible] در [illegible] و [illegible] حضور [illegible] انعقاد [illegible] و [illegible] که منتهی شد [illegible] حضور [illegible] رسید [illegible] حکم [illegible] صادر و مجری شود [illegible] خود [illegible] تحقیق [illegible] که [illegible] دارای [illegible] در [illegible] مسئول [illegible] و کارها هم [illegible] خود [illegible] جاری شود

[illegible] را که [illegible] سفارت عثمانی [illegible] متحصنین [illegible] نموده جواب داده‌اند [illegible] مجلس حاضر شده [illegible] [illegible] در خصوص دعوت صدر اعظم [illegible] بالخصوص [illegible] [illegible] [illegible] شده [illegible] [illegible] مجلس [illegible] [illegible] [illegible]

تلگراف فوری از [illegible] ۳۳۰

به متحصنین سفارت عثمانی عدد کلمات ۱۲۵

[illegible] ربیع الاول [illegible] توسط سفارت [illegible] عثمانی دام اجلاله [illegible] حضرات [illegible] سلطان [illegible] متحصنین سفارت [illegible] عثمانی [illegible] [illegible] [illegible] مجلس [illegible] اصلاح [illegible] [illegible] که تمام [illegible] [illegible] استرداد حقوق [illegible] و اجرای قانون [illegible] و [illegible] مجلس [illegible] در [illegible] خارج [illegible] [illegible] هر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حقوق [illegible] خود را [illegible] ایران [illegible] [illegible] خود را در تاریخ [illegible] [illegible] ایران [illegible] ملت ایران [illegible] [illegible] ایران [illegible] کلمه [illegible] قانون [illegible] (انجمن ایالتی گیلان)

جلسه [illegible] مجلس دربار [illegible]

[illegible] صدر اعظم [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مجلس [illegible] [illegible]

اسامی کسانیکه در آن مجلس حضور بهم رسانیدند

امام جمعه - ظهیر الاسلام - آقا سید جمال اصفهانی - آقا شیخ محمد [illegible] - میرزا هاشم [illegible] - سلطان العلما - نظام الاسلام - آقا شیخ محمد [illegible]

برادر آقا [illegible] - آقا میرزا ابو القاسم [illegible] حاجی سید محمد - شاهزاده [illegible] الدوله - صدر اعظم [illegible] الدوله - [illegible] السلطنه - سعد الدوله - [illegible] الملک

مهندس الممالک - [illegible] الدوله - [illegible] الملک - [illegible] السلطنه - [illegible] الملک - حاجی [illegible] - حاجی [illegible] - [illegible]

[illegible] - ابراهیم میرزا - [illegible] الدوله - قوام الدوله - صدر الملک - صدر السلطنه - عماد السلطان - [illegible] الملک -

جلال السلطان - نظام الملک - [illegible] السلطنه و جمع دیگر [illegible]

صدر اعظم به نظام الاسلام خطاب نمود که [illegible] حضرت همایونی را قرائت نمائید [illegible] مضمون قرائت کرد [illegible]

جناب اشرف صدر اعظم [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible] خود خارج شده مجلس [illegible]

از [illegible] شاهزاده [illegible] و اشراف [illegible] و علما [illegible] متحصنین سفارت عثمانی [illegible] صدر اعظم [illegible]

فراز صحیح در این موارد آن است که کارها بطور قانون و صحیح اداره شود تبریز از فرمایشات و خط صدراعظم انحصار مجلس رای می‌طلبید در حضور
تاریخ محمد مکتوبی را که آخوند آقای نوشته است برضد مشروطه نوشته بود قرائت می‌کند سرتاسر مکتوب ترتیب حامیانی برضد مشروطه نموده تا تاکید
سپاهانی بطور برضد مشروطه و مجلس تبریز را منع نموده مضر به حکم اسلام مخالف با اساس اسلام است علاوه در زمان انعقاد مجلس اجتماع
اهالی تبریز بعکس معمول هرج و مرج و ملوک الطوایفی را اسعاد ... تا میرزا ابوالقاسم پسر آقا میرزا سید محمد طباطبائی برضد سید احمد اظهار کرد
که مجلس مقدس است دین و طبیعت اسباب ترقی مملکت است نهایت اگر خرابی بعضی در بعد افتتاح مجلس واقع شد باطل با آنان
برازد اساس آن استحکام یافت ... شاید اکثر اهالی مشروطیت ... با قواعد اسلام است با آنکه خیال تا سید احمد و میرزا ابوالقاسم
گذشته از اینکه کار مجادله دید گویی شنفتند تا میرزا ابوالقاسم بطور مذکور از مجلس اعتراض نموده خارج می‌شود از مجتهدین تمام
را خواستند آن بیان نمود ... عقیده قریب است باید عدالت در مملکت باشد حالا که سپاهی که ... است باید از راه اجرای
عدالت شود

حاجی محمد اسمعیل مغازه هم تقریبا همین قسم بیانانی کرد شیخ حسین سلطان العلماء بطور مشروط کلمات و کلیک بیانانی برضد مشروطیت
نمودند

صدراعظم — حضرت والا شاهزاده عزالدوله خواست را خود با آنها بفرمایند حتی عنوان کرد که خبر از دو قبل وزیر اول حضرت والا
بابت سلطنت بودیم حاجی سید کاظم صراف که از طرف نایب السلطنه برای تحقیق رفته بود بعضی عنوانات می‌نمود از حاجی سید کاظم جوابگو شد
در این مجلس هیئت ... بیانانی کرد که شما چه می‌گویید شما نشسته‌اید حرفهایی می‌زنید چه چیز چه مملکتی شما پول دارید فروش دار در
مملکت داردید به رعیت و حقوق نشسته‌اید اینجا صدراعظم حاجی سید کاظم شما می‌گوئید این حضرات چه می‌گویند حاجی سید
کاظم تازه از روی منبر می‌بینید با مشروطه می‌خواهند مشروطه مشروطه برای می‌گوید مشروطه اصفهان می‌گوید مشروطه گیلان می‌گوید مشروطه
همه می‌گویند مشروطه و اجرای قانون شرع شریعتم و سید محمد جواب دادند تمام نظام الملک اظهار کرد که از حاجی سید کاظم
حرف مشروطه سلطنتی خود را بیان کنید حاجی سید کاظم باز شروع دیگر بر مطلب نمود صدراعظم در اثنای نطق آنان
رحمت مجلس شد ... ولا منجه بهم بخورد

تلگراف شیخ فضل‌الله به حاجی میرزا حسن الله المجتهد ۱۲ صفر ۱۳۲۷

حضور حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا حبیب الله دامت برکاته
در این موقع که ذات حضرت تعالی از هر جهت کمال حمایت دارد و نفوذ در مشهد که در حرم است دار کنند و ملاحظه حسب مسئولیت در اصلاحات
حالا کوشش فرمایید که دستور بعمل باید از طرف حضرت علیه و سلسله علیه فراهم و بنیاد دارش شود (الداعی فضل‌الله نوری)

جواب از مشهد

امروز که بلا آفاق از نشر به یک ... رسیده زیاده از حد تحمل خود در مقام اصلاح حال کنند اند اما ... کار است
از قبل رفته و در وجود نزدیک بوده است سلسله طایفه علما شوری زیر را لابد با فرزندی و حجج الاسلام لازم الاتباع را در کرده
تمام کار است مشروط و دینی و کار است در سر ... فصولها را الکن ... کرده از زدی کار است ... می‌شود
(الحاج ... حسن ... عبدالله ... صدرالدین المجتبی)
قائم مقام تبریزی — محمد باقر الرضوی — مرتضی المجتبی — محمد بن محمد کاظم الخراسانی ذبیح الله
محمد علی ... لیث ... ابو محمد — شیخ الحرمین حسن

سکه سواره محمد علی میرزا

سکی محمد علی شاه بالیشی قرانی فرزدی
[illegible] سلاطین قاجاریه

محمدعلی شاه که از مجلس رنجیده و مسلط بود سعی کرد به هر وسیله در صدد برآمد که حقوق مشروطیت و عطای مشروطه را طلب نمود چنانچه در آن ایام برخی از خواص و در
باریان خود گفته مثال است که می‌گفت [illegible] مجلس شورای ملی را [illegible] هرگاه کار روی تخت بود با خود [illegible] با اینکه [illegible] طهران [illegible]
چنانچه در چندی در قلعه پنج نفر [illegible] روی تحریکش و اردو از طرف شاه جایزه داده بود که چهار هزار نفر سربازان وارد شوند و [illegible] در حال
تحریک منافع گردید

در همین ایام [illegible] کرده بود با [illegible] شیخ محمود داده بود که جمعی را از خوار و ورامین جمع نموده و [illegible] طهران
هجوم بیاورد [illegible] مشروطه طلبی [illegible] کنید [illegible] تا بتواند مال خود [illegible]
[illegible] هم [illegible] داده بودند

از طرف [illegible] چند نفره [illegible] تحقیقی [illegible] صدراعظم [illegible] قرارداد [illegible]
داده بود [illegible] سعد [illegible] طهران [illegible] نمود

محمدعلی شاه [illegible] قرارداد [illegible] قرار کرده [illegible]
[illegible] کرده بود [illegible] قرض [illegible] قرارداده بود

قیمت و وجه نوشت بره

در [illegible] هزار [illegible] صد هزار تومان [illegible] گمرک [illegible] بود
[illegible] هزار تومان [illegible] بود [illegible]
[illegible] هزار تومان [illegible] مصارف [illegible]
[illegible] در [illegible] ساعد الدوله [illegible] حقوق
[illegible] شاه وجوه [illegible] گرفتند

صدراعظم یازده هزار تومان — سعدالدوله ده هزار تومان — مشار السلطنه چهار هزار تومان — موثق الملک چهار هزار تومان —
دبیر مخصوص وزارت خارجه دو هزار پانصد تومان — سایر اجزاء صدارت هفت هزار تومان — شاه هشتصد هزار تومان :
[illegible] بعداً [illegible] تقسیم کردند
شاه هشتصد هزار تومان خود را [illegible] تقسیم نمود
[illegible] سی هزار تومان — سپهسالار سی هزار تومان — [illegible] صد هزار تومان — حمید الملک ناظر ده هزار تومان
حرم سرا پنجاه هزار تومان.

محمدعلی شاه برای [illegible] خود [illegible] کار [illegible] خود [illegible] را
[illegible] السلطنه [illegible] گرفتند [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]
[illegible]
[illegible] نمود

سرجوزان شیخ فضل الله

[illegible] شیخ فضل الله [illegible] خود نمود [illegible] را
[illegible] عضد الملک [illegible] شیخ [illegible]
قرار نمود [illegible] نمود

[illegible]

تلگراف علمای عظام و اعیان قم

توسط حضرت اشرف حجتی والا اقدس نایب السلطنه حضور حضرت اشرف عالی آقای صدر اعظم دامت شوکتها
بعرض اشرف میرساند ... شده شبه ملوکانه ... مرحمت ... دعاگوئی آن شد که اولاد ... عموم ...
[illegible]
دارد با اطلاعات کامله ... از اقصای عموم ... داریم ... ملوکانه ... مقصد ... عباد
ملت ... هیچ ... این ... است که ... نخواهد شد ... عموم
در باب عظام ... دعاگویان را ... تصدیق داشته باشند (الراجی عبدالله الرضوی - الراجی محمد صادق
امام جمعه - صدر العلماء - صدر الاسلام - شریعت - الواعظ - الراجی محمد الحسینی)

سواد جواب حضرت صدر اعظم

تلگراف شما رسید ... در این خصوص ... اقدامات ... ملت ... ماه ... که جواب بدهند
[illegible]
... در تاریخ ... حضرت صدر اعظم ...
... خواهیم رسانید

سوال جواب از حجج الاسلام نجف اشرف

نجف اشرف   محضر انور حجج الاسلام آقای خراسانی و آقای مازندرانی مدظلهما ... ایران
... مشروطه ایران ... ایران ...
... امنیت ... ملوکانه ... اسلام ...
... خواهد شد (رضا ارفع الدوله)

جواب از نجف

جناب اشرف ارفع الدوله ... معلوم است ... حقوق ... مشروطه ... ملت
... اسلامی ... صحیح خواهد شد ... الاسلام
... (محمد کاظم الخراسانی - عبدالله مازندرانی)

خبر تلگرافی

از قفقاز ... مازندران ... مازندران ...
... مازندران ...
حرکت نمودند

خبر تلگرافی از رشت

در رشت ... حقوق ...

خبر تلگرافی

... دولت ...
... کرده اند

تلگراف از محمره به محمدعلی شاه

توسط فرزندی عضدالدوله شرف عرض خاکپای مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاهی ارواحنا فداه میرساند
صدق نیت بر عموم درگاهی همایونی در اهتمام خدمتگزاری سالها و بیست سال در تجدید حیات دولت خانه زاد را مستغنی میدارد که در
صداقت و جانفشانی و ولی نعمت پرستی تعدی منتظم الملک در این اقامه تماشای دولتخواهی ... شود ولی شعله از بدنهایش است که فخر
دستمایه شرف خانه زادان چنین است که شرف مقام مخصوص مبارک اقدس وجود مقدس ملوکانه اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا
فداه دارد که خداوند او را در کنف حمایت خود نگاه داشته و برقرار دارد و در این صورت حصول سعادت و سعادت اعلیحضرت
مبارک معلوم است که خاک را از عرض تمجید است ... اقدس قبول خواهد شد لیکن اجازت میدهد که سردار اسعد
بختیاری که از فرنگ به رحمت و سردار ارفع دارد رسید در مراجعت که به عراق ... بختیاری و خانواده که دارد ... خطر میشود
کار بسیار خیلی باریک و عرصه یاران تنگ شده که نزدیک است به مختصر بهانه دسته شرف و ثبات را تزلزل دارد
تعقید به تمام عقیدتی خاتم باید آنوقت را که تمام مملکت مستعد و در جوش و خروش که از همه پیش سنده ملوکانه است از
رحمت ملوکانه زود به میدان رسانید که داد ... لیکن ... خانه زاد ... سردار ... که از طرف تمام ارکان
دولت و افراد عشایر و خانوادگان ... مترقم ... شده ... خاکپای مقدس ملوکانه دارم ... سرو ... را که با کمال
و سرور رحمت و قانون اساسی را که به خط مبارک ... شاهنشاه معمور ... خاطر همایونی ... تا ... را
احکام فرمودند از راه تفصیل ... بردن ... و ... حاصل فرد فرد ... را با ... داده و بدل ... نعمت ملوکانه
ارواحنا فداه بادش ... سلطان ... را بیاور دهد ۲۲ صفر ۱۳۲۷

(سلطان محمد خان سیف الدوله — تیمور قلی بختیاری — محمد علی سردار ارفع

تلگراف سردار

بسم الله الرحمن الرحیم توسط ... حضور مبارک اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطنته معروض میدارد
... امروز دعای ... حفظ حقوق سلطنت و ملت بر خود لازم دانسته جسارت ... که ... سهم داشت
از ... ربیع الاول ۱۳۲۷ تلگراف عطای ... ترقی ... از ... که بر ... ملت ... قطعاً میسر
شفقت و ... عطا ... از ... (الداعی ابراهیم شریف)

این گونه تلگرافات را ... ولی ... تلگرافات ... تحقیق ... که این تلگرافات
... ولی انجمن سعادت ... در ... اسلامبول ... بعضی اخبارات ... را
... انجمن سعادت اسلامبول ... اسلامبول تلگرافات ... تلگرافات را

تلگراف از تبریز به انجمن سعادت اسلامبول

غره ربیع الاول ۱۳۲۷ از تفلیس به اصفهان

جناب صمصام السلطنه و انجمن ایالتی تلگرافات ... تا ... شش نفر ... چهار نفر مقتول ... فرار ...
ضبط انجمن ایالتی و ولایتی ... تلگرافات (انجمن سعادت)

تلگراف اصفهان به تفلیس ... عثمانی

انجمن ایالتی ... حضور ... الدوله ... تسخیر کردید ... مخلفان سردار ظفر ... دارد ...
در ... آلوده ... (ا ب)

تلگراف رشت

پنجم ربیع الاول ۱۳۲۷ تلگراف از ... تاریخ چهارم ... رسید ... تصرف در ... آزاد
را خواهیم ... ایرانیان ... ایران ... و ... اند

مذاکرات با کلنل لیاخوف با دربار

در روز [illegible] ملاقات [illegible] توجهات [illegible] در دربار (با کلنل لیاخوف) با [illegible] ملاقات [illegible] با محمدعلی
[illegible] فراهم [illegible] که [illegible] محمدعلی جواب [illegible] [illegible] انشاالله [illegible] [illegible]
[illegible] لیاخوف [illegible] معلوم [illegible] [illegible] محمدعلی جواب [illegible] [illegible] دروغ
عرض میکنند [illegible] لیاخوف [illegible] [illegible] [illegible] میکند
محمدعلی جواب [illegible] لیاخوف [illegible] صبر کنید [illegible] انشاالله [illegible]
[illegible] محمدعلی شاه [illegible] شاه میفرمود

سردار [illegible] (کشته شده)

[illegible] مرحوم [illegible] مصطفی [illegible] در صدد [illegible] فراهم [illegible] در روز [illegible]
[illegible] عبدالله خان [illegible] جمع کردن [illegible] مصطفی [illegible] عبدالله خان [illegible]
[illegible] مصطفی قبول [illegible] [illegible] دارم [illegible]
[illegible] را [illegible] ایام [illegible]

خبر [illegible] به محمدعلی شاه

[illegible] شاه خبر رسید [illegible] اصفهان رسیده [illegible]
[illegible] محمدعلی شاه [illegible]
سعدالدوله که [illegible] کرده بود [illegible] شاه [illegible]
سعدالدوله [illegible] شاه رسیده [illegible] اصلاح [illegible] مشغول [illegible]
سعدالدوله [illegible] [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] بود
ازجمله چند نفر [illegible] حاجی [illegible] صراف [illegible] [illegible]
[illegible] فراهم [illegible] [illegible] [illegible]
صرف [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

[illegible] سرحوم [illegible] با شاه

[illegible] مرحوم [illegible] با شاه [illegible]
ملاقات [illegible] شاه

[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] شاه [illegible] [illegible]
[illegible] فراهم [illegible]

[illegible] سردار [illegible]

[illegible] سعدالدوله [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

تلگراف تاریخ محمدباقر از رسول شاه

تاریخ محمدباقر به صدراعظم شاه تلگراف میکند جمعیت زیادی چند روز است در ارگ شاه جمع شده در باب اجرای حالات قانون خود
مملکت را اصلاح و ترویج میکنند و وقوع قضیه تاکوران [illegible] را در بقعه حضرت عبدالعظیم اسباب بدی در عتبات عالیات دیار [illegible]
بخشیده و دیگر راهها حول [illegible] تا نجف [illegible] نکرده‌اند ما [illegible] حاضر شدند از اعاده مشروطیت [illegible]

تلگراف تاریخ محمدتقی از قصر شیرین

تاریخ محمدتقی تلگراف به سید چهال [illegible] نموده که بعضی در اطراف شهر زیاده شده که مقصود علما عتبات عالیات از [illegible]
[illegible] صدمه [illegible] به نوبه رسیده [illegible] درد و دلی اساسی است زیرا که [illegible] رسیده دیگر [illegible] کرده
اصلی مقصود ما آن است که اعاده مشروطیت [illegible]

خبر تلگرافی از رشت

دیروز سردار [illegible] به تاریخ [illegible] در جلسه [illegible] الدوله در قاین [illegible] دارد [illegible]
از تلگراف [illegible] الحجه نموده بود [illegible] تعداد کامل از [illegible] خود [illegible] هزار [illegible]
[illegible] به طرف طهران رهسپار خواهند گردید [illegible] سردار ظفر از راه [illegible] تعداد [illegible] صد نفر [illegible]
[illegible] شده

خبر تلگرافی از ارومیه

از ارومیه [illegible] تلگراف خبر رسید [illegible] از طرف [illegible] امر شود که [illegible]
نفر تعداد [illegible] از طرف [illegible] حاکم [illegible] نموده از [illegible] در آورده [illegible]
[illegible] تلگراف [illegible] عثمانی [illegible] ایران
شده [illegible] ایران [illegible]

تلگراف از تبریز

از تبریز تلگراف خبر رسید از ۹ صفر ۱۳۲۷ الی [illegible] دائم [illegible]
[illegible] ۱۳ [illegible] ([illegible] تبریز)

نقشه جدید محمدعلی شاه

شاه [illegible] که [illegible] طرف [illegible]
[illegible] کند

[illegible] وزارت خارجه ایران

[illegible] وزارت خارجه [illegible] مقصود [illegible] فقط [illegible]
[illegible] ایران [illegible]

تلگراف صدراعظم و سپهسالار به سالار جنگ تبریز

در تلگرافی سالار جنگ بختیاری به تبریز میکنند از طرف شاه اطلاع میدهند که برادران [illegible] (سردار ظفر) [illegible] از
کاشان [illegible] اصفهان [illegible] محروم گردید [illegible] شدند [illegible]
[illegible] (صدراعظم — سپهسالار)

جواب سالار جنگ

[illegible] (سالار جنگ)

سفارت سر ... هاشم در تبریز

سر ... سلم ... از ... را ... برد ... برای دلگرمی ... سفارت ... در ملکی ... سفارت ... تابع خارجه رفته عده‌ای سرباز انگلیسی
بخود ... که ... سمک ... برای ... بیعتی ... محمد علی شاه ... فراهم سازند از ... معلوم ... که صاحب ... در ... نقره ... دور
کشنده ... که ... بعد ... و ... رفته ... در ... که ... کمکی ... شد

[illegible] از مجاهدین رشت

در طرف ... دیروز ... شد ... اتفاقاً ... کرده بطرف ... با خوف ... رفتن ... کس ... با عده
و مهمات ... وارد ... جمع ... کند ولی ... پر ... و ... از ... بیرون ... شکست
خورده ... الدوله ... و ... بطرف قم رفته ... خود ... با ... سوارهای ... خورده ... بختیاری
... بطرف ... خود ... کشته ... الدوله از ... خورده ... قم
سوارهای ... بطرف ... از ... حال ... سوارهای ... مایل ... شکست خورده
استعداد در تمام ... ایران ... شد ... و ... شد

در این ... صدر ... در عراق عرب ... ستیع سطر ... ۲۳ ... قسم کشته
... که ... ایران ... کاری ... ترقی ...

ملاقات ... و ... با شاه

روز ۲۹ صفر ... بحضور شاه ... شده ... رفته ... سفارت ...
... شده ... کامل ... که ... شاه
برای ... خارج ...

بعد از ... کشف شد ... که ... سفارت انگلیس ... اقدامات ... بود ... و ... نموده ...
... شاه ... بود ... که ... ملاقات ...

بعد از ... گفته‌های ... تبادل افکار ... که ... برای ... شد
... خارج ...

و ... در باب ... سعد الدوله ... نزد ... از ... اقدامات ... کند
بعد از ... که ... شاه ... سعد الدوله ... بوسیله ... حضور شاه ... دیدند
... است

... مشروطه – ... – ... سعد الدوله

... سعد الدوله ... اقدامات ... رسیدیم

... جمعه ... امام جمعه طهران ... مشغول ... مشروطه ... سعد الدوله
... نظام ... کار ... جمعه ... خود ...

بعد از ... انگلیس ... محمد علی شاه ... شاه ... ایران
وارد ...

[illegible] ... قرارداد ... انگلیس

شاه ... از سعد الدوله ... سعد الدوله ... حاجی ... امام جمعه ... داده ... شاه
... مشغول تبادل افکار ... سعد الدوله ... قرارداد ... انگلیس ... ایران
... سعد ... حاجی ... مشروطه ...
... قرارداد ... سعد الدوله ... مشروطه ... دارد
... نمیاید

گرفتاری عده‌ای از متحصنین زاویه مقدسه

جماعتی از علما و طلاب و متحصنین زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم را که نفوذ از کار زکان مفاخرالملک آنها را اغفال نموده بهانه الطاف [illegible] صندوق حرکت میدهد بهانه که میرسند سعد حوادث حاکم مینویسد در همه صدای شلیک تفنگ زیاد شنیده میشود در این بین جماعتی از الواط و اشرار در ترتیب ظهران با آنها رسیده حور آنها را احاطه میکنند که با ما بیائید شاه میخواهد همه را بگیرد که یکی از فحول علما در آنجا حبس شدند و شهر طهران وقدار از نفوذی بود برهان خود میگوید شما بردید حضرت عبدالعظیم با تهران بسردم اشرار با جمال وقاحت میگویند ما سیر را سرکرده بیم همه آن را این طلاب را پیاده با نهایت اذیت بیرون حرکت تا بازرگ که بسیر تر تر بود از دفن با یک کار آزار احرار محرور کنند یک الاغ باری حاضر کرده او را الواز کرده شابرمی را پیاده جمعیت با دست حرکت کننده دار او را میرد سعادت مفاخرالملک میتاید سعادت الملک بدکونی زیاد با آنها نموده و در محبس انبار میشدند فردا صبح محبوسین را برد و شنبه میل آنها حوادث حرکت با عبا پیاده بیرون خود برده شاه رفته که از این عده علمای جنت یوسف و محبت شاه را تشیت محض نشان

در قضیه در راه هم حضور داشتند و در این حرکت توبیخ و ملامت نموده اند بودند آنها را مخصص نمودم در یک مفاخرالملک خود حرکت شرح داده سرجیب کرده میگویم شاه نخیند حضرات ظاهر اینکار نموده حمیت مفاخرالملک میگوید که هر غلط کار کرد از این عفو شاه توسط نیفتد هم دار برای تا شیخ حسین بردی جواب میدهد با تعجب نگرده ام که شاه عفو فرموده هر حال برای تخلص خود نام عریضه بحضور سلطنت عرض کرده و بیرون سپارید

مفاخرالملک با شیخ حسین میگوید من با شما کاری دارم بردید و بیائید شما را جواب میدهد با هم توقف کرده هر کاری دارید اینجا دارید با ما اتفاق بردیم مفاخرالملک قبول نموده تا شیخ حسین بردی و تا شیخ و حضرت عبدالعظیم را القاء در جهت شما ببرید بردید فردا صبح آنها را با عبا تا شاه بردند توشتات شیرازی با آنها نموده شیخ فضل الله میگوید این شیخ مالی است با یر جسمه عبدالله بود امام جمعه و عده معاشی مجلس و چراغ آن را با آنها نمودند شیخ فضل الله نموده با شکوه تند حتما با این احوال خارج شود حاجی محمد اسمعیل مغازه این پیغام را برای آنها شامه خود ببرد مفاخرالملک برای این قبل اعمال ارشاد شنیده و جمعاً که حقیقتاً شرم آور بود میل محمدعلیشاه آزادی خواهان میخواهند مورد شکر کرده تا بیس شد

ملاقات حاجی محمد اسمعیل مغازه با کلنل لیاخوف

حاجی زین العابدین بر جهت لسان بر حوالی حضرت شاه را در عطای طلب و عزت با آنکه با شمائل العموم از آنها دادن جشن مولود همایونی را به فیصله بردار شاه مشیر الدوله عمومیت معمول داد در مهم آنکه برده باد شاه ایران ایران باشد آن مینویسد (حاجی محمد اسمعیل مغازه) طاهر اگر بمبه کرده هم برای اغفال توده ملی نموده دایل ملکی توجه تهران با اقبال دیگر در محمدعلیشاه در ایشان آمدند لیکن او بین جلد و حقیقت و راستی است و برای شرف مقصود منظور خود تا از دیر در جلد دیکتاتوری آنها فرو رفته میگفت

مذاکرات شاه با مشیرالدوله

شاه مشیرالدوله را احضار با در آن نموده از هم شکیب بعد از این امور مشغول کنند مردن ما مشغول مراکره و بیان دل افکار بود مشیرالدوله میگوید هر چه ما کرد جواب میدهد میل شما مبارک است انچه را امر میفرمائید میل مبارک عین صلاح است شاه محمدعلیشاه میگوید مشروطه را داده ایم مشیرالدوله حالا میگوئیم با صراحه بفرما دار در هر گاه قصد محو نمودید و با جبار و بحظ مشروطه را از اتحاد حضرت همایونی محض شما بند شاه دولت و وزرا را عزل کرده مشروطه داده ایم با همکاری مشیرالدوله با رضایت میل مبارک است شاه حالا مجلس را دل با وزرا با آنها اقبال نمود قصد صحبت مفاخرالملک میان شما در دستگیری متحصنین حضرت عبدالعظیم که چه حوادث رخ داد مشیرالدوله با آنکه عفو عمومی مرحمت شده دیگر این قبیل اقدامات توقع نداشتند شاه مفاخرالملک خودسر این جمعیت را برای این عمل شنید بعد درباره قانون اساسی مراکره میشود شاه با تغییر در قانون اساسی داد مشیرالدوله میگوید با تغییر در قانون اساسی بدهیم بعد از تشکیل مجلس در زمان انتخابات آنها تغییر داده شود با بر از تغییر بازی کرده و وسیله و کلا تغییر بدهند در حالیکه میخواهید هر تغییرات باید از طرف نمایندگان ملت قبول بخواهید شد و این فتنه و فساد و با حوادث باشد

شاه دیگر جوابی نمی‌دهد — فردا [که] امروز [باشد] صدراعظم و سپهسالار به منزل سپهسالار [illegible] مسعودی [illegible] منزل صدراعظم رفته مشغول
مذاکرات [illegible] می‌شوند — شاه به سر البرده [illegible] می‌گوید [illegible] از اقدس [illegible] می‌گوید [illegible] در [illegible] فراهم [illegible] نوارات
[illegible] منبعی نوار [illegible] هم [illegible] — سر البرده عرض می‌کند برای [illegible] ماموریت و [illegible] حضرت نایب السلطنه [illegible] است
شاه نایب السلطنه را [illegible] بالغ [illegible] از [illegible] و [illegible] برای [illegible] خود [illegible] نموده [illegible] سراج الملک حضور
[illegible] در حضور [illegible] از [illegible] نموده [illegible] بزرگوار خود [illegible] نموده [illegible] مبارک [illegible] حاضر کند
برای منبعی نوارات سراج الملک عرض می‌کند [illegible] طاق بزرگی که در حوزه [illegible] ندارد [illegible] طاق بزرگی برای [illegible] لازم است
که [illegible] موجود نیست — عرض می‌کند همان [illegible] کافی است — شاه [illegible] خیلی خوب است [illegible] خودشان [illegible]
[illegible] منبعی [illegible] دادم [illegible] نایب السلطنه [illegible] شده [illegible] کابینه [illegible] کند [illegible]
[illegible] خوش [illegible] عرض می‌کند خوب است حضرت اقدس [illegible] کار [illegible] آدم کار
[illegible] عرض می‌کند [illegible] فرار [illegible] قسم است [illegible] دیگر جواب [illegible]
در [illegible] منبعی [illegible] در [illegible] است [illegible] یکدیگر [illegible]
اساس [illegible] نایب السلطنه [illegible] صدراعظم [illegible] سلطان عثمانی [illegible]
[illegible] قشون روس [illegible] ایران [illegible] قشون روس [illegible] ایران [illegible] خارج [illegible]
[illegible] قشون روس از خاک ایران خارج [illegible]
[illegible] روس [illegible] وزارت خارجه [illegible] روس [illegible] کابینه [illegible] وزارت خارجه موجود است

مراسله سفیر روس به وزارت خارجه در باب قشون روس

آقای وزیر — [illegible] مراسله [illegible] آوریل [illegible] رسید [illegible] اظهار [illegible] نموده بودید قشون [illegible] امپراطوری روسیه
در [illegible] ایران [illegible] داده [illegible] تمام [illegible] آذربایجان
[illegible] برای [illegible] خارجه [illegible] امپراطور اعظم [illegible] قشون [illegible] حرکت کرده و
[illegible] توقف خواهند نمود [illegible] حفظ [illegible] خواهند [illegible] قشون [illegible]
[illegible] خواهند کرد [illegible] قشون [illegible] حفظ [illegible] خارجه [illegible]
لازم است [illegible] (امضاء [illegible] امپراطوری روسیه)

[illegible] روس [illegible]

همین [illegible] حضرت [illegible] نایب السلطنه [illegible] کابینه [illegible] صدارت و وزارت جنگ [illegible]
[illegible] خواهیم

[illegible] نایب السلطنه [illegible] صدارت و وزارت جنگ که [illegible] طهران [illegible] از طرف وزارت
خارجه [illegible] روس [illegible] نایب السلطنه [illegible] ایران [illegible]
[illegible] جواب [illegible]
[illegible] خواهیم [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] که [illegible] وزارت [illegible] خود [illegible] منزل [illegible] ماده
[illegible] خواهیم [illegible] دارد —
[illegible] دارد — [illegible] که شاه وزارت جنگ را [illegible]
[illegible] خود [illegible] قرار [illegible] دارد [illegible]

ما معتقد هستیم که نفع ما در این است که خود کشمکش‌های داخلی ایران به خصوص در حالیکه بار دیگر قدرت شاه تقویت و مقاصد خود را انجام دهیم فرصت مجدد در
ایام تابستان به ییلاق رفته اطمینان داشته باشیم

در موضوع دادن مشروطه و اعانت مقاصد ما تمام حرف مسکو نیست ولی اظهار شاه و درباریان خود را جمع نموده از این بابت عصا را گرفته
امام جمعه در منزل خود یعنی با این مشیر رفته رأی و نظر خود را با این طریق حلی نمود که مشروطه و سلطنت در مملکت باید طالب با همه مشروطه طلب
ملاقات نمایند و مخالفت با نه در اصول بود بلکه مجلس نیز از مجاری قانونی خود که شخص اعلیحضرت است با نعمت عظمی موفقیت حاصل نمایند امام حمزه با اراده خود
با اعلیحضرت همایونی نزول توجه را با عطای مشروطیت فرمودند ولی نفاق بین دسته ارکان خود در پیشگاه شاه و وزرا و امرای اعطای مشروطیت
تعقیب و پیروی از شدن و ثروت اعلی شاه محمود گردید به خط ملک‌آرا و نیز شاهزاده عین الدوله مشار که معتمد لطف طهران حرکت کنند
و مشروطیت را الغرض شدیم قبول را هم تدریج فرصت ممکن از این ملکه عقب سهام خیال در بازار کسبه حسن و بیدار و کمی اصناف ایشان
را تقویت نمایند صدارت است

ملاقات شیخ فضل‌الله با دوارد عضو سفارت انگلستان

شیخ فضل‌الله بعد از آنکه اقدامات مبدا به تعارض را در کشمکش مشروطیت ملاحظه نمود به دستور شاه ملاقاتی با دوارد عضو سفارت انگلستان نماید
که لطف خود را در ظاهر این اتفاق بدهد که در باب مشروطیت ایران به اعلیحضرت شاهنشاه ایران اصرار و ابرام ننمایند
حقیقت هر جهت عمارت بود در امور سیاسی دولتی مملکت ایران صحیح نبود حاجی از طرف امر اطوار و سید یکی از علما نقیض شیخ الاسلام غایب نبود
این بود حرکات شیخ فضل‌الله و این نحوه رفتار سایر علما بود

امام جمعه و ظهیرالاسلام و ثقة الشریعه در شب و روز اتو زدند امام جمعه خود به حضور شاه رفتند از اجتماع تهدید نمایند که چهل هزار قشون و کلاه
نمدی و صد هزار تومان وجه نقد موجود داریم چنانچه برای اصلاح اش مشروطه طلبان داریم بحری را که با شما سر بدهند از انحصار یک حرکت مسجد
نموده جمع شدند هر اکراه مسجدی از این قرار نموده بعضی عقیده داشتند که دستخط مشروطیت توقف بین با شش ماه دیگر بعضی بدین سه ماه
قائل بودند با شوابند و سایر عبدی را اقدام سازند تا در نطق امتیازات تکمیل ترتیب نمایند
اگر چه ظاهراً مشغول تهیه نظامنامه و اعطای مشروطیت بودند ولی در باطن به خوبی نظری در دادن اعطای مشروطه داشتند در صورتیکه ظاهراً
دستخط مشروطه را داده بود از طرفی با ربانی شرایط مشغول دسیسه و نقشه‌ها بود به نحوه ارتجاع بود خود در منبع تعدی است
چنانچه با تعدد قضیه تعقیب سفر بر ضیک از قرار قطعه که هم قرینه شرکت سردار اوگرده محرمانه بدست نمایند پس از آسید زدند
نظام و صنیع حضرت حضور نمونه دستورالعملی به نقل دادها نامه به همین جهات مسیحیان از نقص خود دست برنداشته مشغول کارهای دستی بودند
فقط آذربایجان به سیاست روسیه ارتجاعی نموده بخواهند نهایت بدست را دشمنان بیدار را زیرا امنیت یک نهایت کوچک بود که دست آنها را
بدست آورده رشته‌ها شروع نموده صداقت عملی نمایند اگرچه انگلیس‌ها موافق اعمال آنها بودند ولی بر حسب خطرات اقدام جدی در جلوگیری
از اعمال آنها نمی‌نمودند یکی اینکه منافع عمومی ملی را تشخیص داده با اینها فراهم سازند دیگر از طرف دیگر نظر به دیپلماسی مشغول عملیات بودند
که باید تقلیع آتش تدریجی شاه را از بین ببرند و علیحده بزرگ را از دست ریشه‌ها ببرند ولی در امور ظاهری جداً مشغول بودند
از طرف تعقیب سفر دید چنانچه بعد هستند کامران میرزا صدراعظم و در ریاست نفوذ از طرفی تعقیب نموده صدراعظم و امیر بهادر
را منفصل نمودند ولی برای پیشرفت مشروطیت آنچه کوشش نمودند بیشتر برای آنها حیله بکار بردند از تصحیح صدارت سعدالدوله را تعقیب
سپردند تا بوسیله ایشان رفع مقاصد خود که نقاره مشروطیت می‌زنند از طرح ماب السلطنه و صدراعظم و امیر بهادر جنگ
آنان از مخالفت سعدالدوله در حضور شاه فروگذاری نکرده سهام سیاسی که وسیله و رفع قبول رأی سعدالدوله است در صورتیکه
کلیه آنها در این امر هم عقیده بودند
موافقت با سعدالدوله را بحساب رسانیدند که شاه را مجبور کردند تا علاءالسلطنه یا علاءالملک را وزیر خارجه نماید تا با انگلیس‌ها فتنه‌ای نموده
موافقت نمودند

در طرف جنوبی ها در جواب لایحه تقاضای شاه حیران و سرگردان بودند که چه جواب بدهند بهبهانی در دار الشورا جلسه خود را دایر نموده اکثر
رجال قرار گذاردند که حشمت الدوله سفرا را ملاقات کرده بگوید ما از این لایحه شاه خبری نداشتیم توضیح بدهید سفرا از ملاقات ایشان جواب دادند مطلب
همان است که اظهار شده با خواهش کامل و دیانت بدانید دیگر حضور شاه نماینده و دربار سلام شرفیابی تحریم شد تا شاه دو وزیر را انتصاب نکند
سعدالدوله را در مجلس دول و در این مسئله سپهسالار ناصرالسلطنه در ترجمه نمودند و دیگر اینکه می گویند که مجلس طهران سعدالدوله را به این بار از مجلس دول نمودم عمده
طرف شاه با سعدالدوله بر این بعد معتمد السلطنه خواهش طهران کافی باد حضرت شاه از طرف حضرت کامل بر این بطرابات تلگرافها بود از شهرها و شاه
تلگرافها اهالی را و جمعی باشند دیگر اینکه ممکن است تلگرافات شعبه بحضور خود با سر دولت طهران همراه مسافرت نمود حسن الدوله جلوگیری از انتظامات در حالی که شاه
متمرد و لیکن تلگرافها شاه از شعبه خود شان شاه را مجبور به دادن مشروطه نمودند در صورتی که شاه بطهران با کوته مخالفت نمود

بوکیلت شیخ فضل الله برای جلوگیری از مشروطه

شیخ فضل الله از اوایل مجلس آنچه لایحه ها برای مشروطیت در جهت قتاده طرفداری خود نمی دانستند با طرف سلطان محمد علی شاه در صدد برآمد که و دسته های
تازه برای مشغول شعبه نمود از طرفی بیک لایحه مقصد مشروطه ترتیب داده و در جامه ها و نقاط قیاده مهاجرین رسید هر کس مهر نکرد با ضمانت با بر
شهرها با قوه مطلعین مهاجرین رساند و مهاجرین تحویل قبول سیداد و لیکن طلاب مخصوص مدرسه مروی بهمه ها ایل لایحه را مهر نکرده و بعد گویا انکار
هم شیخ فضل الله نموده

و شیخ مسعود سیرجانی در ترک ها شیخ عمل اکثریت داد از دست بنظام و سعد خورشیدها را هم جمع کرده ضمنا از این لایحه ها در جلسه صحبت کرده گفت با خدا بگیرد
ایشان نموده لایحه را با بر ارکان خود و مقصد دیگر برو دیگری که اهر درباری مستدعی است که مجلس شاه عوض کند از جمله نخواهند
مشروطه و سعد با این لایحه ها در جلسه ای مقصد نباشد با رک و کمک نموده بسر بردیم

و دیگر گفتند از لایحه های جعلی مسلمانی (ابو طالب) جنود در تلگرافات که داده با نهاد و شورا رسید هر روز درین که شاه را مجبور بدادن مشروطه نمودند شاه
شاه با جواب و جان سردار این مستند نمود و مبادی تقاضای شاه را که فریاد در شهر و آنها مشروطه تحویل هم در مرکز با مشروطیت موقعیت کار را از جمله هم
و مردمان اهالی عیاد سردار حقیقت و ما فرار و جریانات میداند

و در اوکات و شهر نو صادر شده که دیگر بود با ایرانیان و دانایی ما بحث را لغات ز ما برده و مشروط رسید که هر دفتر شاه د تحصیل مشروطه را
داد با سبد ها لشگر بر تحصیل و از آن امارت و محلات را باره کند و بهبوده از ازدل و کشش مضایقه نمایند

حال بر هر است که شاه با این مخصوص تقاضای عثمانی با تبعیت داده سردار کن ایده بیع فضل الله کاملا تحتی محمد علی شاه نوشته جلسه و تحصیل
مشروطیت را تحت لغو کند مشروطه طلبان که از تقاضای سردار کاری ایده و تبعیت ملی ساری خواهد نمود

اگرچه در این ایام ملاقات از طرف محمد علی شاه بنام و لدیات دا ملاقات نموده که شاه مشروطه محدود سعیه را ایمت قبول نمود
از نیز جواب رسید که خوب است که تمام ارکان را حضور آقای ملا کاظم خراسانی نمایند تا حتی مشروطه محدود را الزام بزاریم بهم حتی از آنکه
ولایت ملاقات عدم قصد خود را از حتی مشروطه محدوده در حال تحریری اظهار کرده

در این موضع که قبول ردیس سردار آن تا بیان وارد گشته تا آخوند ملا کاظم خراسانی بنام درباریان جمع دنیا از دره قبول ردیس
و مشروطیت ایران ملاقات بسکند در رفع ظلم حقوق ملی را در خواهش نمایند

شاه ظاهرا با مشروطه طلبان سعادت نمود و به تحصیل تقاضای عثمانی تبعیت داد فارغ شد با قانون اساسی بعد بشیرهای ملاقات کرد
شمار حقیقت عبارت تاکتیک تردید در امور فریب نخورده هر کس در عملیات خود بحر آذربایجانی با کوه تفتار قبول تردید مشغول
بودند تقاضای که فارغ شدند هر روز جهان خود را بطور سایر دوائر و شهید سردار مشغول از ارسال به بلدیه تبعه و دیوان محلی
مهاجرین و هزار اطراف را از نو جبال در زد که محمد علی شاه را کاملا نمودند از طرف کمیته جهانگیری مشغول نهضه تعداد در سیاری ترا از دهه
مهاجرین و هزار ابو دیگر جاسوسها انصالاً با رشت و جمعیها شغول بادل افکار در زیادی سکنه بلکه بوده
مهاجرین رشت و جمعیها مردان بحیوانی مرکل با قانع شدن بدخیطهای محمد علی شاه در قبال شیراز اطراف مرکز بودند

در تهاجم از این جهت اشرف و دسیسه برای عدم شرفیابی مشروطیت مضایقه ننموده شب و روز مشغول بودند سپهسالار (امیر بهادر جنگ)
ظاهراً گوشه گیری نموده ولی باطناً شریک تمام مشاورات در پرده مشغول اقدام و مطالعه و لطایف به حضور خود بوده نقاط مختلف ملاقات می‌کرد که نظر
به مصالح وقت چندی دوری از شغل وزارت جنگ سپهسالاری استعفا داده است
از طرف شاه هر روزه فوج با بعضی سرداران عظیم تا آن عتبات گردید سه روز عبور ثابت ظلمت شب اندرون حضرت شاه رفته مشغول
دسیسه گشته دستور بعضی کارها را به افکار دستیاران وطن‌فروشان خود رسیدند
تعدد و دستجات شیخ فضل‌الله و دیگران خود از نقطه‌ای که حقوق هر فردی روزی سه هزار الی چهار هزار و چهار صد دینار کار نهایت تعدد
که شبانه‌ها برخلاف مشروطیت نوشته و شب‌ها به در و دیوار چسبانیده تا دادن حقوق به سه معهد گمرکی دست برکشیدن با همراهان
داشت بعضی تاجر جنات اظهار می‌کرد در بازار وجه داریم که نه ازحکم ها ان فردا که از فنا از تو هم خود شما را برسر قبر کار خود زمان عهد را
لعنت با بیان خوانید نمود با وجود مساعدت حیلش و دادن پول ملوک با وجه از بازار استبداد هر ع شاه بر فوج با تکیه عقده از تحت
و حسابات رویش در سفارت انگلیس دسیسه قرار مشترک اهالی نموده‌اند
حتی که شهر که طرفدار پیش بوده نظر بر آن جمع ملاکین و دست بعضا حرکت نسبت تهدید اشرار داشته که در آنجا کرده و به جمع المسلمین
میدان واقع گردد و حادثه دفعه صادر در مدرسه بوستان حال برای تقویت با شرایط بیانگر و نهایت تا جمع شد نزد امام جمعه رفته که شرق
اسباب قتل و تعدد است حادثه رسیده که این شرق خوانده و نمود امام جمعه جواب سید که نامید که خیر صادر از اطراف خوب را داد و داده
تا هم مساعدت کنند هم همه گونه با شما ها مساعدت خواهیم کرد
سند حیدر (مستوفی نه تیرماه) ملاقات مقتدر نظام بود که برای صحبت ایران قبا و با دیگر نمند جوان را اباد یاتا نمود
دسترس تا دم فهماند که مقتدر نظام بچه‌ها سنگر را جمع کرد به عنوان قسم داده که با هر کس همراهی بکنند و برای حفظ خود از آنجا به مکه
مشکل سید در حال است لی طرف باشی در هیچ کاری دخالت نکنند
سر بخش وطن‌فروشان استبداد از این گونه دسایس مضایقه ننموده حتی می‌خواستند از تعدیات عثمانی تا صحیح بکنند و ... مشروطه طلبان اهالی را
خنثی نمودند

التعدیات عثمانی که باعث تشنج ایرانیان گردید

وقایعی که در مملکت عثمانی اتفاق افتاد در این موقع رعدیت و حقیقت مشروطه طلبان قرمز نظر باینکه از اینجا که ایرانیان تحت آن کار گرفته
بطور اختصار ذکر میکنیم

در نوزدهم اوت ... مدرسه از طرف حرکت و در آن تا نزدیکی اشنا دو فرسخ در نزد طهران دست نهاد و صلح کرده گفته قبلا
محکمه‌ها تمام مملکت تمام آثار عثمانی احتمالی ... داده بودند با یک صدا ... برای حفظ مشروطه چون آن قیام و اقدام نموده در رسم اوقات
چند هزار نفر عسکر از سالونیک در شهر اسلامبول را گرفتند حتی مشروطه ... مشروطه قیام نموده بودند از سلطان عبدالحمید خواهش تکرار
کنند تمام سرکار ... آزادی بوده در شهر قسم یاد نمودند که ... حفظ خود ... نموده ولا دادند که آن شرکت
سلطان دستخط صادر نماید که بر همه مسلمانان داده بود و لیکن در حال سکوت و آرامی بود با ایمان شغل اصلاح داده است
ولی خون ترکان احتیاط و اقوال طلبان ... و مشروطه خود فرد و در شغف هزار اسیر که مستحق بود در سالونیک بود
تصرف نمودند سلطان عبدالحمید تمام ... ما تا تو نیستی که هم ترکیب در قطعات مشروطه حاکم و متعلق نموده و الحال آذرفی
مشروطه بوده که بنمایند ... شده بود تمام ... مطلق که از ترکیه دوار طرفداران شاه بوده ... الحمد الله
سلطان بود چون سیاره گشته قول سپیده که آنها را تسلیم نماید هزار و پانصد نفر قشون ما از سالونیک آمده (بر قلعه)
را ضبط کرده تمام اسلحه‌ها و توپ‌ها را ضبط و تصرف نمودند
صد هزار قشون که شهر اسلامبول را محاصره کرده بودند در حقیقت سبب سلطنت از شاه ...

اول تصرف و برقراری کابینه قبلی که چون آن کابینه مستعفی و کابینه از خودگذشتگی داده بود در
دوم نشر روح و نظام که بمناسبت آنها بعد دیگر نیز ترک کرده اند
سوم قسم خوردن تمام قشون و رئیس در اطاعت مشروطه
چون اجرای شعاع صد قشون مهاجم تا چهار اقدام قشون طرفدار سلطان ابا از قسم خوردن نمود در شهر اهالی مصمم بودند با سلطان را مقابله
که اقدامات دسته معینی سری مشغول در عزل سلطان نزاکت جدی نمایند سلطان از اقدامات نظامیان تنها متحصن گشته اطمینان حاصل از معتبر
خود که اظهار نمایند که خود بحث از سلطنت استعفا خواهد داد سلطان در این مراکز قشون اجرا که طرفدار او بود در هر صورت مقاومت
استاد و در فی موکول شده معین بودن با جمعیت ایستاده و در فی دم سعداد خود را قوی دکابینه نشان ه نمود داد که دیگر از عبدالحمید سلطنتی بود در
نیمه ماه دو اقدامات عمومی سلطان عبدالحمید را عزل و در نتیجه دنبال که ولیعهد دارند در سلطنت بود بخصوص معینی به تخت سلطنت جلوس نمود فردای
آن روز با کمال جلال او را حرکت داده به سلانیک برای اینکه تحت نظر بگذرانند قسم یاد نمود با حکمرانی مشهور سلطان عبدالحمید که از قصر
(یلدیز) خود را محصور در مقام بودند که در ۳۳ سال قبل سر و طرا خود داده و این حق عظیمی است برای اولاد خود دارم حالا هر نوع تا حال
رفتار شکند مختاری اولین تحت از دو ارش و مناقب معین گشته شده دیگر با دو چهار فی که ده تحت سر قدیم با کمال احترام او را الطاف
ساده یک برده اینکه شده سداری
چون در کارهای سلطان عبدالحمید تمامت (یلدیز) محفوظ کنید علامت سلطان در اینجا مشغول شده بود در از طرف مجلس
اعلام فقیر شد که به سلطان جدید و به طرفداران سلطان تقریع تا حد در یلدیز در شکل تا چند سال قرار برای هر کاری مادی تمام در دیار تعقیب
طرفداران سلطان عبدالحمید را اقسر سقوط نمودند
این خبر که در طهران رسید ضعیف محمدعلی شاه در اختیار افزود طا هر شاهی نظر طرفداری ملی از اول مخصوص برای قانون انتخابات از ایالات
دیگر نگذارد
مشیرالدوله - مؤتمن الملک - مهندس الممالک - نیرالسلطنه - امام جمعه - ظهیرالاسلام - حاجی شیخ اکبر - نایب السلطنه
و نایب السلطنه حاضر شدند
در صحن احمد آباد رفته اند تشریف فرما شد در سیخ ملی طرفین از شروطه و شروطه طلبی بدگوئی نموده برده ایم سلطنت طرفداری استبداد دعوت دیگر را
نوعی تشمیع و تشویق مینمودند

اقدامات مخبرالدوله

از طرف مخبرالدوله بتمام ایالات و ولایات با مضمون تلگراف شد چون اراده همایونی تعلق گرفته که مشروطه مجدداً مستقر شود مملکت
مرحمت باشد لذا بهیئت نمایندگان سلام که بیایند با اداره اطلاع بدهید تا هنگامی که قانون انتخابات با تمام رسیده از طرف همایونی دستخط
اعطای مشروطیت صادر خواهد گردید

تلگراف سپهدار اعظم از رشت

سپهدار اعظم از رشت جواب داد که این مهلت حسب شروطه مجدد نیست چه معنی دارد خود مشروطه مجدد است تا چه وقت بر تحقیق
خون شمس و دیدگان خدا اقدام نمایند تا وقتی مشروطه اصلیه را ندهند مملکت در تعقیب مجاهدین ملی عموم ایران از هر طرف نیرو سرکرد
رهسپار و حقوق حقه مغصوبه خود را از ایشان خواهند نمود
بهم چنین از سایر ولایات و ایالات تلگرافات سخت میرسید و از این تلگرافات بر دست میمودند
در اصفهان به تحصن سفارت عثمانی را اولویت میدهند که در تاریخ از هشتم صمصام السلطنه با عده کثیری مقدمه تحصین از جانب او حکم داده
در شهر خارج شده به ازوی دیگر در تعقیب آنها اعدام خواهد کرد

جواب تلگراف مخبرالدوله از قم

حضرت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای مخبرالدوله دام اقباله تلگراف کاشف از مراتب عواطف بندگان ملوکانه که نسبت بعموم ملت بود رسید موجب مزید تشکر است و دعاگوئی گردید بیشتر که خاطر را امیدوار میسازد آن فقره که شرط مجدد بعضی از مراتب است مفهوم شد که این شرط سلطنتی بیان قانون اساسی سابق است که مرتبط با صحت جامع مطاع همایونی است و در این ترتیب عموم ملت حسب الامر حجج الاسلام حضرات نوده بود دو دفعه تمام اطفال ناره قاد است از این شرف ولی دیگر این کار بالطبع دیگر است محض بر خواهی لازم دانست معروض مبارک برساند که بغیر از این ترتیب و قانون اساسی سابق با این ورق قانون مفهوم نیست

هیئت الوکالت حشمت الدوله باتفاق

بعد از هیئت الوکالت رسید و بر قبض وار آقای حشمت الدوله العارف نتیجه نقریظ بعضی و در ذیل اتفاق از آن حمل رای داد تعهد که سواد الدیحه سرخط ورارت خارجه از طرف شاه بخط فرانسه که پاشا دستخط خود بنا بود بوسته کنوشند بدین معنی که ضعیف سواد فصلی سرخط پادشاهی سنت شنبه هم تمام ولایات میسر شد که شرط طبیعت داده شد با اهل جهادی المدح وکلاء در طهران حاضر شود که مجلس شورای ملی افتتاح خواهد شد و در جواب آن الدیحه که برای ابقا اقرا سازند با بر دهلی مراکز شود با اهل اینها که تعارض سبق عدل ستوده دارند در تهم سلام خواهند رفت

دستور العمول که مستقل نوشته شد بطلوع شاه نهاد اثبات شد امر صادر شد که در فور طهرانیه هائله ملحق شد الحمد مهاده بلی ارشد الحق و مقبول شاه گردید

اول حس وکلاء کمتر از سی و نجال نباشد

دوم تجاری هر وکیع اقلا در سال معتقد قال با چهارده هزار تومان دارائی داشته هم

سوم شاهزاده گان لعص از انتخاب شدن ممنوع باشند

چهارم علماء هرکس به جهاد یا هر یکی انتخاب شوند

در همین روز در شیرال نهایت حوزه عجیبی لنگ شریف مشغول هیئت الوکالت مشغول از بابی طبقت بودند

جواب تلگراف حاجی محمد اسمعیل از اسلامبول

حاجی محمد اسمعیل مدتی است شما را می‌شناسیم که حضور حضرت سلطنت بعهد الصحیحه قریب شما را احترام خواهد

صدور دستخط محمد علی شاه

بعد از فتح زمین که از اطراف و اکناف و تعرض محمد علی شاه وارد گردید این دستخط را صادر ملت کبیر خون برای بقیه ضرورت مملکت و تدارک حوائج ملت منظم در ترتیب ادارات دولتی بشرط اهلیت و تامین جرایر دولت بر قرار اساس صحیح نموده و دفعتی برای جان بکنند انواع شکایت و ابراز و شرح نموده از دارزدن در سیاست نظم و هیئت از اهم مصحح است لهذا برای ترتیب و تنظیم ادارات دولتی اصول مشروطیت را که در آنهم اساسی حال و عقب در بلاد امورات دولتی و مملکتی بهترین اساس است از تاریخ امروز که ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۷ است تحکیم و تعادت در مملکت ایران برقرار فرمودیم با نمایندگان ملت و عقلای مملکت در حل و فصل مشکلات امور و تدابیر قوانین که مقتضیات وقت و تطور و تعصبات وقت و با قوانین شرع مبین و مذهب اسلام با ولیای دولت موافقت نموده و استحکام مبانی نظم و امنیت و سعادت و استحصال موجبات سلامت و سعادت مملکت را عجیبه نگاه کرده بعون الله تعالی از میامن توجهات حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه ملاحظه حق و قانون همراه از شور و اتفاق بر تقدم و بساط اختلاف و نفاق بر اساس عدل و رفاه مبدل گردد تعهد استحکام نظامنامه انتخابات که عنقریب منتشر خواهد شد باید در غره شهر رجب ۱۳۲۷ نمایندگان ملت منتخب شده به رفع زود در طهران حاضر شوند که با راه الله تعالی

در نتیجه سیاست زد ۲ مملکت شاهی و جاید باشند (محمدعلی شاه قاجار)

در این روزها که این دستخط را صادر میکند ساعد السلطنه به ورود لرستان ملاقات میکند که هر طور است قشون آنجا را از سوار اطراف طهران حرکت بدهید حرکت قشون عراق و سرباز سربازخانه ممدالدوله و قشون کاشان از راه رفته در این کرج متوقف مدتی بمانند

امیر بهادر شاه عرض میکند هر کدام بروند بهتر دل گرفته فردین مصرف میشوند در این حال چاره دیده که رفته فردین را از اطراف تهران خارج نمایم

ما در تحقیق نگارنده تحقیقی که مطلع از نظریات داخلی محمدعلی شاه بوده اند که محرمانه بوسیله شیخ فضل الله و عده ای علماء فراهم آمده و گویند مشروطه محرمات احکامات را اجرا کنند لیکن بود در چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۷ عریضه ای به شاه عرض میکنند و مطالب شیخ فضل الله را تایید نشان نموده و سواد عریضه را برای تیقن القلوب ارسال میدارند

از طرف دیگر روسی و انگلیسی به محمدعلی شاه تذکر داده میشود که حالیه در شرف فتح است و بهمان نظریت و قانون رنج دیده ما را مشغول هستیم شاه از این خیال منصرف و محمد علی را بر شیخ فضل الله میرسانند که بر که این اقدام و انقلاب را تایید نمایند

ولی شاه از حوادث اصفهان و قزوین و گیلان و سایر ایالات نگران شاه در وحشت و اضطراب افتاده کاهی قشون را اطراف خود مرکز مسیر کاهی این اقدام را هم بمنظر محمد تبدیل رفتن قصر قاجار افتاده که خود را در حفظ و حمایت مرافقانه کسی قرار نماید از طرف ۲ مهاجمین از اطراف مشغول جمع آوری در این طرف مرکز بر دیگر میشود منتشر میشد که شاه از شهر طهران بود حرکت میکرد که قشون و همراهان خود را از اطراف جمع آوری دارد میل الدوله ملاقات میکند که جمعیت بسیاری از مساعدین در اطراف

دستها و پاهای خود را جمع کرده خیال عزیمت بطرف دارند دیگر کار از روی حقیقت است اسفار خود را العیتم شاید بتوانم از ایران اگر جمعیت کنی از رفته خود را بیابانی برسانیم دستور عالی به ایران مستطاب الدوله داده از باغشاه به مخبر الدوله ملاقات میکند که:

از روی بزرگی با حسن خود اداره در شرف حرکت و جان ما در خطر است ازهم ترسان اوست به محمدعلی شاه رسیده هفتصد قشون بختیاری وارد قم شده از طرف ۲ شاه بزرگ خود را در جلو چشم خود میبیند از طرف مخبر الدوله و مخبر الممالک که بشما شاه قسم یاد نمودند که از دو طرف اصفهان حرکت کنید قرار مهمی بایستی آنها افتاده از این حرکت و قشون بختیاریها به اطراف تهران نزدیک شاه رسیده و حمله میشود

حرکت دادن قشون به اطراف قزوین

بوسیله حاجی ناصر السلطنه حرکت قشون قزوینی برای شاه جمع آوری شده بودند ورود در باغشاه شکایت دارند سید دارای کار از آنها چلی کرده بودند هر روز حاجی ناصر السلطنه اظهار اخطار نمایان میکنند بخصوص قزوینی لازم است که از جان خود و عزیزان بر سر قشون جوهر مطالبات اطاعت و تقاضا در نفعه میشوند یا برای هر گونه همکاری و تقاضای حاجی مرحوم ناصر السلطنه عبدالرحمان که تا اراک آمد تقویت بخواهد مدتی با ازدحام مجاهدین همراه آن نعل آورده به از حرم تقویت عشایر بخصوص آن بخصوص جا رسیدند که شما باید در تمام امور مطیع و فرمانبردار حاضر بوده این ها را بر دید جاهای شما نیز در راه مقصود حرکت کنید ولی تمام شما ها گشته بودند هیچ جا اطاعت نمیکند فردا ایلات با بیانیه منتشر داشتند ولی فقط جمعی از تهران حرکت بطرف قزوین رهسپار میشوند تحقیق نگارنده آنکه گشته نزد ایلات قشون را قزوین نموده انتها از قضیه آگاه و مطلع نمودند

حاجی ناصر السلطنه

مذاکرات با سفیر انگلیسی

در اربع الثانی حسنب الدوله - مشار السلطنه - مشیر الدوله - مستشار الدوله و چند نفر دیگر برای جواب یادداشت سفیر انگلیسی به سفارت رفته مذاکرات مفصلی میکنند که انگلیسها را با نظریات خود موافق با همراه طرف توجه قرار داده تمکین صرحتاً میگویند با بیشتر از این ممکن است رفع اختلاف و انقلاب نمود

551

هرگاه شاه موضوع ترتیب نصایح مشفقانه‌ها را مورد قبول نمودن فرستادن تلگراف لازم بود مقرر دارند شرط صحیح برای اجرای
تصمیم خود در جهت منظور در سلطنت حال است

اولاً شرط سابق را که دور تغییرات مملکت عطا نمود — دوم آنکه سردار جنگ از ایران خارج گردد
سوم فوراً وزرا معزول و در تحت ریاست وزرائی ناصرالملک کابینه‌ای فوراً تشکیل شود
ناصرالملک رئیس الوزرا و وزیر مالیه — سعدالدوله وزیر خارجه — فرمانفرما وزیر جنگ — مشیرالدوله — صنیع الدوله و غیره
رافع انجمن ارامنه — سردار الدوله — صنیع الدوله — صدیق حضرت — مخبرالملک — حاجی سید نصرالله و امثال اینها که طرف توجه
مردم هستند تشکیل شده که هر نظری در قانون اساسی اصلاحات نماید
چنانچه این پیشنهاد جواب شاه و کابینه جدید قبول فضا مردمان خواهد بود

اعلان مشروطیت کامل

بعد از مذاکرات با مؤتمن‌الملک فردای آن روز مشارالسلطنه تقاضای ملاقات کرد شخصاً در حضور شاه رفتم عین تلگراف را از طرف شاه قرائت
که خلاصه‌اش این بود که مشروطیت را با همان ترتیب سابق دادم و دستخط آن را اعلان میکنم
ولی با تظاهرات شخصی خود مشغول بود بطوریکه در نتیجه چنانکه باطنی خود تغییر اراده از طرف هم از خود با اینکه مشروطه را باید در تهران
خانه را با همراهان مشیرالسلطنه فرستاد و در بیماری حاج سید جعفر جواهری در صدد فرستادن آنها برآمد که هم با حیدر عمو و چند نفر از دلالهای یهودی در ارک
بازرسی را حاضر کرده که تعداد جواهرات برای فروش در چه است و بعضی با رل تعویض برسد و تسلیح تا سردار دیگر هم چه است که تعداد آنها
اتمام تعویض خواهد رسید

از طرفی هم شاه شب در دور آرام هر شب در صدد فراهم کردن قوای مستعد نمود چنانچه امیر الدوله بعض درباریان را که با شورا در دل بوده
جارچیان سحاری نمود با قصد تغییر رویه با شاه حال در اردو قسم کشتند بعض درباریان را که فرمان شهر آمده با آنها مشغول مراکز جبال الدیر بختیار
العدد تا بتواند شهر را با آنها مشغول به هر ارتش مراکز تمام اوراق میرزال جواب را محمدالدوله در سیاسی مأمور است که بسیار کشف نمود
و کاغذهای تهدیدآمیز نفتی با اهل اجرای شاه و اتباع او و دیگر از حمایت خود با شدت در دیگر جای جوانی برساند

شیخ فضل‌الله نوری هم عرض میکند ما هم برای مریدها و مقلدها و بوادر علما باید خود را نمکی از برنامه مقدم در این مقام است بعد از
قتال مشروطه‌خواهان کشته با خونبهای آن در حضرت قرار دارند با حضرت شاه مقرر است املاک خود را فروخته هر ترخص خود را با او در مکتب شاه
جواب میرزا جبار لطف در حضرت تا آن نوشته و جمع ملکوتی تقاضای تفکیکی نوشته برای شیخ فضل‌الله با ما هم میخواهد جواب بنویسند با ایشان
نشدیم ولی هر دفعه میل اظهارات لطیف لطیفه مجهول و باز برسم که از او اطلاع نداشتم

از طرف ایران استبداد شدیدی هرگونه تهدید خاتمه میرزا مقصد خود را نمودند مطالبات عظمی برای آنها خواهد بود از همگونه اقدام برای حفظ
خود در تبعید کردند

حقیقتاً بر وضع طرفداری از مجمع شاه نزد خود را در مقاله سابقه معمول در این موضوع از طرفداران شاه جمع شده بوسیله امیر
بهادر جنگ شاه رفته عرض میکند که بمناسبت طرفداری این حضرت هرگاه دستخط شرط جدیدی اعطا فرمایند بنده باید در مقابل جزء
دیگر هم جبهه خود بیست من برای حفظ خود اقدام به وضع خواهم نمود شاه جواب سکوت میگوید تا مردمانی باشید تو باید مقام را بحجج
داده خودشان کند چه نهایت اینکه وارد دیگر کاری از من ساخته نشود چه اینکه از اول با تجربه آنکه در بکشند متعلق در امور اعتبار
بعض سرداری که اینم ضمن اقدامات جدی خواهند که با شرط مشروطه میخواهم در حالکال قوا با ایشان مساعد و همراه خواهیم بود

در قصر صمصام‌السلطنه بختیاری در اصفهان

بعد از اینکه صمصام‌السلطنه و همراهانش تقریباً رسیدند از هر جهت که در آنجا متوقف بودند هر دو حاضر شدند از طرف
دولتی سردار اسعد از طرف دیگر دولت صمصام‌السلطنه

شاه موقوف شده و حرکت نکرده و از ارومیه خود برگشته بنا بر این بود صد نفر سوار داده با سیصد سواره دولت حضرت صدراعظم فرستاده در
ارسنگ بندی کرده جلوگیری از انتشار بنمایند هرگاه سوار برود در آنسال [illegible] دارد [illegible] بنده هم برای [illegible] بود
حقیقتاً فراوان بعداد جمع [illegible] برسانند عده اهالی [illegible] وطن پرستی و [illegible] بود حالیه در [illegible] نفر الواط و قریب چهار سرباز
منقش کرده بود در [illegible] اطراف [illegible] عثمانی در حرکت بود در [illegible] عملیات [illegible] در [illegible] دفعی دیگر [illegible]

احضار چهار نفر نماینده از [illegible] عثمانی

شنبه ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۷ سه ساعت به غروب [illegible] عثمانی چهار نفر نماینده خواستار که بروند حالی برای که [illegible] از طرف
[illegible] آقا سید عبدالرحیم اصفهانی و آقا میرزا محمود [illegible] — ادیب [illegible] — آقا میرزا ابوالقاسم خان نجف [illegible] اردو
[illegible] و [illegible] انجمن [illegible] وطن [illegible] که [illegible]

ابتدا آقایان محترم که نماینده ملت هستند [illegible] اوضاع [illegible] حقیقتاً اوضاع [illegible] و [illegible] بود [illegible] حال [illegible]
[illegible] حضرت شهریاری [illegible] و [illegible] مشروطه را [illegible] در حال [illegible] رسیده که [illegible] [illegible] مسئول [illegible]
[illegible] بعنوان [illegible] برای [illegible] دعائی [illegible] برداریم

آقا سید عبدالرحیم اصفهانی جواب [illegible] در [illegible] فراهم بود [illegible] هم [illegible] اوضاع [illegible] هم [illegible]
[illegible] حضرت شهریاری [illegible] مشروطه [illegible] در [illegible] ملت هم [illegible] در [illegible]
[illegible] از طرف ملت [illegible] مساعدت [illegible] خواهد شد

[illegible] بیان [illegible] نموده که [illegible] ایران [illegible] مقصود [illegible] دارد [illegible] ملت [illegible] بوده [illegible] کردند
ملت نجف [illegible] مساعدت نمودند خود [illegible] از طرف [illegible] اقدام شده [illegible] نموده [illegible]
خود [illegible] ایران [illegible] شاه [illegible] در [illegible] نمودند [illegible] محیث [illegible]
[illegible] کردند [illegible] برای [illegible] نمودند

[illegible] از [illegible] تمام [illegible] ملت [illegible]

آقا میرزا محمود [illegible] نموده که [illegible] تقصیر ملت [illegible] حقوق ملی و [illegible] حالا هم
هرگاه اعلیحضرت شهریاری و وزرای عظام حقیقتاً با مشروطه و ملت همراه باشند ملت هم [illegible] خواهند نمود
آقا میرزا ابوالقاسم خان [illegible] که [illegible] ملت [illegible] همراه [illegible] مساعد و همراه هستند [illegible]
ملت و وزرا [illegible] عموم ملت برای [illegible] خواهند بود

در [illegible] وزرا از نمایندگان [illegible] عقیده [illegible] ملت [illegible] تمام [illegible]
[illegible] نموده [illegible] مساعدت نموده [illegible] مسئول [illegible]
[illegible] تمام [illegible]

نمایندگان شروط ذیل [illegible] ملت را [illegible]

اول از طرف ملت [illegible] سلاح [illegible] دارد [illegible] برای [illegible]
دوم [illegible] شود [illegible] مشروطه [illegible] شده [illegible]
[illegible] باشد

سوم هرکس [illegible] مشروطه [illegible] باشد

پنجم [illegible] برای [illegible]
نمایندگان [illegible] نمودند [illegible] عمال

حسینی‌ها و فدائیان یکدیگر را [illegible] تلگراف رشت [illegible] از قضیه آگاه شدند که فریب نخورده [illegible] به [illegible] جاری است
[illegible] دادم [illegible] مفتوح [illegible] جمعی از [illegible] مجلس [illegible]
رفته [illegible] برای اتصال تلگرافات رد و بدل میگردید

تلگرافاتیکه در ماه ربیع‌الثانی رد و بدل شده

تلگراف تبریز برشت

حضرت با سعادت حضرت اجل اکرم افخم آقای سپهدار اعظم دام اجلاله العالی از اظهار مرحمت که در حق [illegible] نموده‌اید کمال امتنان را دارد [illegible]
سید المحققین در [illegible] دهم ماه ربیع الاول [illegible] تا ۳ روز [illegible] که از شهر [illegible] با تمام [illegible] عمومی
و خصوصی [illegible] مشروطه و بقای قانون اساسی [illegible] مقصود [illegible] که [illegible] طبیعت [illegible] اقتضا [illegible]
[illegible] محترم [illegible] همگی [illegible]
حضرت [illegible] کافیه در تحصیل [illegible] و صلاح [illegible] نظم مملکت کرده [illegible] قانون مشروطه [illegible] دولت [illegible]
و محظورات [illegible] محترم [illegible] است که [illegible]
(سید ابوالحسن — عبدالرحیم طباطبائی)

تلگراف انجمن ایالتی آذربایجان

حضور اعضای ایالتی [illegible] معضود [illegible] دادن آقایان محترم که [illegible] گرده [illegible] مشروطه [illegible]
[illegible] بعد از عوض [illegible] برای اعاده مشروطیت [illegible] معلوم [illegible]
[illegible] کامله اصلاح [illegible] در نظر مبارک حضرات عالی است [illegible] (انجمن ایالتی تبریز)

تلگراف از تبریز برشت

حضرت مستطاب اجل اشرف آقای سپهدار اعظم [illegible] حضرات [illegible] محترم انجمن ایالتی [illegible] اعاده مشروطیت
[illegible] ملوکانه [illegible] کامل [illegible] عده [illegible]
[illegible] کامله [illegible] مشروطه [illegible]
[illegible] اعاده اساسی [illegible] تکلیف [illegible] عصر [illegible]
[illegible] (صادق طباطبائی)

تلگراف از تبریز بقزوین

حضور حضرت مستطاب اشرف ارفع آقای سپهدار اعظم [illegible] سلام [illegible] که [illegible] اعاده مشروطیت
[illegible] مبارک [illegible] کامله [illegible] در نظر مبارک [illegible]
[illegible] تلگراف [illegible] سلطان [illegible] عرض شده [illegible] سلام [illegible]
[illegible] اعضای انجمن ایالتی ثقة الاسلام - سید المحققین - اجلال الملک - میرزا [illegible] - [illegible] - میرزا [illegible]
سید [illegible] - میرزا [illegible] - [illegible] زاده

تلگراف [illegible]

[illegible] مشروطیت [illegible] تلگراف [illegible] که [illegible]
[illegible] مشروطیت [illegible]
[illegible] لازم است [illegible] مملکت [illegible]
[illegible] مملکت [illegible] عفو عمومی [illegible] گردید

مقدمه انقلاب تبریز

[illegible] مردمان مجتمع [illegible]

روز پنجشنبه ۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۳ آقا سید هاشم سرابی حاجی سید باقر صراف حاجی میرزا علی اکبر کوزه‌کنانی که فعلاً
مالک دکان قره آغاجی دارد حاجی سید علی غفاری آقا سید محمد دلال تبریزی آقا میرزا ابوالحسن آقا میرزا جواد فتحی آقا میرزا آقا [illegible]
آقا میرزا علی برادر سید هاشم و علی مسیو تبریزی در خانه حاجی سید باقر مجمعی تشکیل داده اتحاد نمودند هم قسم یاد کردند
تا آخرین قطره خون خود برای انقلاب مشروطیت دفاع کنند ولی موضوع مهم را از همه سربسته قرار گذاردند هر یک یک حوزه
در قرار کافی تشکیل بدهند در هر محله یک انجمن سری در خانه حاجی سید باقر صراف که در محله [illegible] واقع است تشکیل دهند و در هر ماه
شبانه [illegible] حوزه مخفی تشکیل دادند قرار گذاشتند شب پنجشنبه ۲۶ جمادی الاخر ۱۳۲۳ هر یک از اعضای انجمن چند نفر از سادات
حضور رسانیده حاضر نمایند در شب حاضر کردند شصت نفر سید با آنچه کافی در مجلس حاضر شدند مرام انجمن برای آن شصت نفر خوانده شد
تماماً قبول کردند قسم یاد نمودند که با اعضای انجمن شرکت نمایند شصت نفر را به چهار قسمت تقسیم یک قسمت را در روز [illegible] قبل از ظهر در
جلو مقبره حاضر باشند و [illegible] تمام صاف دستمال در [illegible] حجرات خود [illegible] حاضر شدند قسمت اول جلو مقبره [illegible] نمایند
اوضاع بازار بر هم خورد قسمت از طرف شرق و جلو بازار [illegible] یک قسمت از طرف [illegible] قسمت چهارم از سمت جنوب
[illegible] کنند بعد از آنکه بازار [illegible] شدند چهار دسته در امامزاده که در بالای محله [illegible] واقع است جمع شوند اعضای [illegible]
و [illegible] حوزه را هم دستور داده بودند [illegible] دارد و بازار [illegible] مردم را به [illegible] که بازار را بسته بودند
لذا نقشه در همان روز عملی شد شهر متشنج هرج و مرج گردید [illegible] تحت تعقیب شدند بعد از چند روز حکم [illegible]
الواط‌ها [illegible] دسته دسته [illegible] انقلاب روز به روز [illegible] شدند [illegible] آنها [illegible] کردند [illegible] شهر [illegible]
[illegible] آقا سید هاشم جمع شدند دسته دیگر [illegible] تشکیل شد [illegible] ملا حمزه [illegible]
[illegible] تشکیل داد

شب یکشنبه ۲۲ صفر ۱۳۲۴ آقا سید هاشم و حاجی سید باقر آقا سید محمد حاج میرزا علی اکبر قره آغاجی و میرزا [illegible] آقا میرزا ابوالحسن آقا میرزا محمد علی
در خانه حاج سید باقر جمع شده قرار گذاشتند که [illegible] جمع کرده [illegible] نمایند [illegible]
انقلاب و هرج و مرج شهر [illegible] در حوزه [illegible] میرزا [illegible] در همان [illegible]
در خانه حاجی سید باقر حاضر نمودند قرار گذاشتند صبح [illegible] مجلس سادات تشکیل [illegible] سادات [illegible]
[illegible] نمایند [illegible] ( ) [illegible] سرکریم [illegible] سید [illegible]
قرار گذاردند تمام سادات محلات اطلاع بدهند در خانه حاجی میرزا علی اکبر قره آغاجی جمع شوند صبح [illegible]
[illegible] حاضر شدند [illegible] اول [illegible] سرکریم را از محله ( ) حاضر کردند موضوع را تحقیق کرده [illegible]
[illegible] هم [illegible] آوردند [illegible] مجلس [illegible] در [illegible]
[illegible] آقا سید هاشم [illegible] دختر [illegible] در همان مجلس [illegible]
جمع آوری نموده [illegible] دختر را [illegible] بعد از آن [illegible]
[illegible] در خانه حاج سید باقر [illegible]
در مجلس سادات [illegible] آقا سید هاشم [illegible] طهران [illegible]
[illegible] مجلس سادات [illegible]
[illegible] شدند

حاج میرزا علی اکبر قره آغاجی [illegible] اعضای مجلس سادات برای [illegible] آقا سید هاشم [illegible] قرار گذاشتند [illegible]
[illegible] آوردند [illegible] و [illegible] آگاه کردند که [illegible]
[illegible] دارد و [illegible] به [illegible]

بدست ما دربیاید در مجموع فرمانفرما منفصل گردید مخبرالسلطنه والی آذربایجان شد و چگونه مجاهدین مطلع گردیدند که
حاج میرزا ... ناسیونالیستها حدائق ... فوری نزد حاج میرزا ... قره‌آغاجی رفته چند فقره سند مهر ... شاه را که به آنها
برای بر هم زدن مشروطیت نوشته بود دست آورده ... در مجلس علنی ابراز و ... ناسیونالیستها قصد دارند که مبارزه برای
از میان بردن مشروطیت کار ... نیز ... قرار دادند برای اتمام حجت نزد سید ... رفتند ... در میان جمعیت
اعلامیت شد ... حاج میرزا ... قره‌آغاجی ... معروف قلیچ آقا و آخوند ملاحمزه ... مشهدی محمد ... فردی
حاج سید ... حاج احمد ... حاج محمد ... میرزا صادق مشهور ... رفتند نزد ... سید هاشم ...
حاجی سید ... صرف ... شد پس ... که طوری شود که ...
برود ... و حاکم ... رسید که ... تا سید هاشم ... طور کار را ... تمام
ذخیره ... را ... بوسیله ... بیاورند ... به ارک ... در دست ... فقط ... سید ...
نمی‌کنیم ... در این ... اطلاع داد ... مشهور ... برادر ... ابراهیم ... که ... مشروطیت ... نفر
از ... دسته ... داده بودند ... سید هاشم ... رفته ارک ... را ضبط
نمایند ... رفته بودند ... که ... نمایند ... اسلحه را ... از شهر خارج نمودند

در این روزها ... نظمیه ... اجلال الملک از طرف والی حاکم ... نظمیه بودند ... که ... رفته بودند
اول ... نظمیه اطلاع رسید ... سید هاشم ... رسیده که ... این طور شد با اجتماع
جمعیت ... اجلال الملک ... نظمیه ... مخبرالسلطنه ... قره‌آغاجی و اجلال
الملک را ... ارک ... را ضبط ...
الدکتر ... سید ... از ... خودم ... ده ... سید هاشم
را ... مسیرات ... دربار ...
... سید هاشم ... ارک ... قطع نمودند از این طرف ...
... اجلال الملک ... صد نفر ... نظمیه که ... از طرف ... طرف ارک ... کردند
... سید هاشم ... صادق ... خود ...
... سید هاشم ... اجلال الملک ... نظمیه ... سید هاشم
رسیدند ... کردند ... نظمیه طرف ... مجاهدین ... خود ...
... نفر ... مجاهدین ... بودند ... گرفتند ... رسید ...
... از هر طرف ... سید هاشم آورده ... اجلال الملک ...
... اجلال ... طرف ارک ...
... قره‌آغاجی و حاج محمد ... آدم ... چند ... از مجاهدین ...
قره‌آغاج ... ارک ... سید هاشم ... داد
... جمع ... از طرف ... نقاط اطراف ...
... اطراف شهر ... از زیر ... را
... چند نفر دیگر را ... همراه نمودند ... چند نفر ... ده
... صد نفر ... حاج ... مشهدی ...
... صد نفر ... با ... نفر ... در ساختند

سیصد نفر به کاروکان فرستادند باقی پانصد نفر با میرزا سلطان و با سر کریم به مراغه رفتند از اقدامات شجاع الدوله معروف بودند
شجاع الدوله در بارهٔ ریاست محمد حسین خان فرستاده بود نفر سر در رود و خودش در مراغه اقدام میکرد هر سنگری در بر تپه بود گرفته بعضی فرار
کرده بودند برادرها را اگر او را در نیمه فرح ژرستان که تمام بنا ها را از برف پوشیده بود از جای مجاهدین را گرفته تحت کرده بودند
اینکه از دشت تنها فرار کرده بود در بیشه در میان برفها فرار کرد و بعضی را دستگیر کرده در بیشه بستر بوار کرده هم همه برده بودند با مرحوم
آقا بالا ۱۳۲۶ ، بودکه خود شجاع الدوله با مصلحه قره ملک آمده بود از این طرف مجاهدین شهر دو خود ستارخان
با فرماندهی حاجی میرزا علی اکبر قره آغاجی جمع شده در چهار محل شهر سنگر بندی نمودند یک سنگر در دروازه سیدالشهدا پل
در طرف شرقی محله ششگلان یک سنگر در محله قره آغاج در طرف شنقلان طرف شرقی محله ششگلان یک سنگر در خیابان
سعادت قریه باغمیشه یک سنگر دیگر در محله قره آغاج سوئی محله قره ملک اطراف شهر را محکم کردند
بلکه در طرف باغمیشه از ابتدا در میان سنگربندی نمودند عده از سواران شجاع الدوله همراهی اهالی محله ششگلان در حیات
حمله آوردند بلکه ارک ... را از دست مجاهدین گرفتند مجلس تشکیل دادند از آنجا ده نفر طرفین ملاقات دادند اهالی محله ششگلان
هر کسی که در محلات شهر بودند گرفتند بردند بعضی را در دهان توپ حکم حبس داده حبس کردند که تنها بهائی از عقده‌ها چون سرآت
بعضی را حکم قتل دادند کشتند که افرادهای از طرف سیدهای بیرون شد مجاهدین هم از اهالی ششگلان در خیابان گرفته آوردند کشتند
در عوض آنها بالاخره مجاهدین اطلاع دادند که با هر خط حرمت آن قانون رفتار نمایند آنها هم که ظلم و تعدی از دست و کله ایشانها
را بسوی خود جلب نمایند بلکه رفتاری بکنند که همه خلق از این عقده گذشته گیری کنند هر چند اهالی ششگلان برادرها بسیار کشته از
ما برادرها را گرفته کشتند قانون شرع با ایشان رفتار نمائید اینکه هم هر چند که عقده بسیار داشت هم از این حادثه هر کسیکه خارج
از قانون رفتار نمود ایشان را بکشند با توسط کار مجاهدین پیش رفت
رحیم الدوله را دستور داده بودند مهمات را با پول نقد برای مجاهدین رسیده قرار این بود که هر موقع پیش آمد یک افراد
محض را بدهند که کسی از اقدامات آنها اطلاع و وقت آن مطلع نباشد به سر دسته‌ها محلات خبر میدادند در موقع کار جمع میشدند
که یکی در مجلس سری منزل ستارخان بردند سرپرست در این جلسه رای دادیم که شش دسته از هر جهت و هر یکی در محله خیابان جمع
بوند شبانه بقریه باغمیشه مشغول بزنند در بیت بیگی سیصد نفر با چهار عراده توپ از بس گرفته چون بودند از طرف محله بازار ده حاجی میرزا علی اکبر
با سر دسته جات خیابان و حسین خان بابا الله نفر نیمی داده بودند که در موقع جنگ مشغول کنند یا گرفتار نمایند ابتدا حمله نفر پیش فرادل
از کنار رود پهلو با فرستادند از عقب ایشان دسته دسته روانه شدند با اینکه هیچ قراولها نزدیک قراول ابتدا در بالا رسیده مشغول شدند
بودند ما سنگر ساخته بودند با این همه جوانها رسیدند سر بریده تر رفته خودشان را به جنگ برای آنها لشکر جنگ را زدند جنگ مشغول شد
هوا تاریک بود چون شب تاریک ساخته بود که سعود از کمی کم در عقده زیاد نباید سرکشیده خوار شدند مجاهدین چون نفر مقتول و چند نفر
زخمی برداشتند در طرف اهالی حوالی تلفات زیاد بود و تعداد آنها معلوم نشد سر دسته‌ها مجاهدین هر یک یک اسم رمزی برای افراد
خود معین کرده بودند سر دسته‌ها با اسم ها افراد خود را جمع کرده مجاهدین کنار کشیدند تدارک خود را از سنگرها برای جنگ انداختند
سیدها به طرف خبر داده بودند و شهر را گرفتند اعضای کمیته دور منزل ستارخان جمع شدند و رای دادند که ستارخان بر دو طرف
حمله نماید حاجی میرزا علی اکبر از قره آغاج در محله قره ملک ساز ستارخان با مجاهدین هر کس از محل خود شان با هم حمله نمایند از در سه روز
چون سیدها حمله کرده بودند که مجاهدین خسته شدند حمله کردند بطوری اطراف شهر را محصره کرده بودند که اهالی هیچ راه چاره از
هر طرف بسته در محلات گرفتار شده بودند سیدهان الکف که هیچ محله نبود که در آن محله گلوله توپ اصابت
نکرده بود در این جنگ نفر شصت عراده توپ از طرف باغمیشه سرانداز بودند در سه نفر تیر انداز و پیاده از خانه ده
خیابان سعادت سیصد قوت حالی کرد و حمله آمد از طرف کوه و از طرف کوه باری با توپ‌ها را بالا برده کشیده
شهر را هدف قرار داده تیر اندازی میکردند هم چنین بالای کوه پس کوه پیاده بالا رفته تیراندازی به سمت شهر می‌نمودند.

جنگ چهار نفری

روحانیون که در اسلامیه جمع شده بودند حکم جهاد دادند اتفاقاً آنها از زن و مرد کوچک و بزرگ مجاهدین جلو کشیده جنگ سختی
و خونریزی دیدند برادران اسلامیه جمع نمودند که سرحد محله امیرخیز است با سرباز چند توپ از طرف ستارخان در جلو دادند که
اسلامیون که آنجا نشسته بود از طرف محله قراملک عده سوار و پیاده شجاع الدوله با شش عراده توپ که تقریباً هفت هزار نفر بودند
از طرف ییلاق آجی بطرف محله امیرخیز از طرف محله قره آغاج با نجم الملک از طرف ییلاق آجی حمله کردند ستارخان از طرف پل
آجی جلو آنها را گرفتند از طرف محله قره آغاج حاجی میرزا آقا با پانصد نفر مجاهد و چهار عراده توپ جلو شجاع الدوله را گرفتند تمام
کوه‌های اطراف شهر را سواران گرفته بودند از طرف (باغمیشه) و از طرف کوه مارالان سواران ماکو از طرف محله (خیابان)
حاج تقی صراف و ناظر رحیم کوه باغمیشه از طرف لیل‌آباد حاج محمد آقا و مشهدی محمد صادق خان چرندابی از طرف مارالان
حسین‌خان مارالانی تقریباً دو هزار نفر مجاهد حاضر نمودند قرار بود از این طرف شروع بجنگ نمایند از محله خطیب کوه مارالان زیاده
از تفنگچی و نیم است دو هزار نفر مجاهد نیست و سواران هر کس در سنگر خود قرار گرفته بودند و جنگ بوسیله شیپور سنگرها یکدیگر خبر دادند مجاهدین
دو هزار تیر تفنگ خالی نمودند قریب ده تیر توپ هم از چند سوار رشید چون پناهگاهی نداشتند عده که رشید بودند تیر باقی
را نیز از کسانی که ماندند مجاهدین از سنگرها خارج شده سواران را تعقیب می‌کردند سواران با عجله خود را از کوه‌ها می‌کشیدند چون فقط دو ساعت
در اطراف شهر دور کرده بودند بواسطه سیم‌های تلگراف و با تپه‌های اسب گرفته یک فتح عظیمی در شهر تبریز نصیب شد و جنگ در این
سنگر جدید شدید که جزء شهر را گرفته بودند نفهمیدند که سواران از آنجا شکست خورده بطور فهمیدند که سواران اطراف
شهر را گرفته لذا مقصد را آنجا حمله سخت و دلیرانه نمودند در محله خیابان میرزا حسین خان با محمود خان سرتیپ بود از طرف باغمیشه که سواران خود را
با توپهای خودشان مساعدت تمام سخت مقاومت نکنند سنگر توپچی فرمان سالار را گرفته از طرف محله سرخاب اردوی اسلامیه با نایب حسین
دادند تمام اهالی آن محلات و همچنین با بلیه و چوب و دود و از این راه اسلامیون که دیدند مجاهدین توپها را از ستارخان گرفتند و از
دروازه اسلامیون دیدند توپهای قمست شهر را گرفته اند و تمام اهالی شهر هر کاری از دست رسی نمودند تنها کسانی که مجاهدین بودند
بیرون آمدند بقیه مدرسه باز خودشان رفتند از طرف قراملک و ایشان شجاع شجاع الدوله با دو هزار سوار و پیاده
سنگر محله قره آغاج حمله آوردند قسمتی هم از طرف حکم آباد محله امیرخیز حمله کردند خود شجاع الدوله از طرف قره آغاج بود
ستارخان از طرف محله حکم‌آباد جلو شجاع الدوله رفته در صحرای از طرف غربی که خود شجاع الدوله با عده زیادی بطرف سنگر قره
آغاج که نشسته بود حاج میرزا آقا قره آغاجی با پانصد نفر مجاهد و چهار عراده توپ جلو آنها را گرفته بودند در حمله اول سنگر قره آغاج را از
طرف محاصره نمودند فتحعلی خان مارالانی که محافظ آن سنگر بود رشیدانه شهادت یافت فتحعلی خان سنگر را گرفته جنگ خود را برداشته فرار
فرار نمودند حاجی میرزا آقا در میان همراه در سنگر دوم بود آن سنگر هم محکم بود در حقیقت در ... بود ولی توپهای آنها در راه قره آغاج
که نشسته بود طرف جنوبی محله قره آغاج راه قره ملک است و جنگ سنگرهای را سواران گرفته از سنگر دوم سبقت نمودند عده
کثیری با چند عراده توپ از رشید ... رو به شهر که ببینند و جنگ نزدیک شد در توپهای مجاهدین در اول نبود شکست کشیدند
کشنده با پانصد نفر مجاهد با توپها از سنگرهای خودشان بجنگ سخت کردند از عده ... رشادت زیاد دادند از بالای سنگر دوم
قره آغاج هم تا سنگر که نشستند با ... از ... نفر ... سوار را عقب نمودند و جانی را پناه نمودند تا به کاه ... همراه رو
سوار که نشستند مجاهدین ... و سواران را تعقیب نموده با حمله قراملک شجاع الدوله با عده خود در صحرای را برداشته
فرار کردند صدای شیپور از قره آغاج به ستارخان رسید مجاهدین در دروازه اسلامیه هم خبر دار شدند که توپهای مجاهدین را
را گرفتند از این راه توجه (عزیمتی) را امیرخیز درست نموده بودند تفنگداران مانده بود که خانه ستارخان را گرفتند
ستارخان سنگر اسلامیه خورده شجاع الدوله در قراملک اطلاع یافت سلطان ... عده سواران خود را برداشته بطرف
دروازه اسلامیون رفتند که از قره آغاج هم حاجی میرزا آقا با صد نفر کمک رفتند از حکم آباد هم تا بیست نفر
از شتر و بجویه میر صادق با بیست نفر از کوچه باغ ناظر رحیم با بیست نفر و عده ... تا بیست نفر شترسواری و پانصد نفر

نعشهائی که محفظه انداخته بودند مرحوم باقرخان قره آغاجی با چهل نفر از مجاهدین قره داغ اسمعیل خان عراقی با یک نفر محمد علیخان
مشهور هزار دره جعفر قلی خان بهادر رسیدند از طرف لیل آباد با چهل نفر مجاهد بسمت دروازه اسلامبول رفتند زیاده از
هزار نفر خود را رسانیدند جنگ مشغول در کوچه

از سمت حیدرآباد میرحسین خان و میرحسین دارنده آباد حاجی محمد سرای آن از تو بر بیع شیوه با هزار نفر مجاهد بکمک محله خیابان رفتند
در شهر زد و خورد برپا کردند و از نقطه که مستبدین محلی با قند خانه‌ها را غارت و چپاول میکردند سواران اموال اهالی را غارت کرده
بار به یابوی خودشان کرده بودند با دیه جلو ایشان را گرفته جنگ میکردند مستبدین از اطراف و زبعه از خانه‌ها خودشان بیرون آمده
فریاد میزدند که ستارخان را گرفتند هر کسیکه بیرق سفید زند در امان است همه اهالی شهر از ترس بالای خانه‌های خودشان
بیرق سفید زدند

از محله خیابان آمده سید ابو قاضی در دروازه سرخاب ملا محمد دائی و از طرف محله ششگلان بدروازه اسلامبول که از طرف
محله سرخاب طرف شمال محله امیرخیز که محل ستارخان است تصرف مستبدین را گرفته بودند بعد از همه محلات شهر مستبدین سفید بیرق زده بودند
فردای آن صداها خاموش شد از کوچه‌ها جنازه در کوچه‌ها جنازه از بازار و از کوچه‌ها با تخت سر بریده داد و فریاد و غارت با
بالاخانه‌های خود فرار میکردند بعضی خانه‌های مجاهدین آتش زدند انجمن حقیقت که انجمن مجاهدین امیرخیز بود آتش زده بودند و انجمن اوراق
که انجمن اسناد در با ... میشد در ابتدای خیابان بود آتش زده بعضی از رؤسای مجاهدین که معروف بودند مشغول آتش بودند
نقطه رسیده آتش زدند

ابتدای محله خیابان یک بازار بزرگی است قریب یک کرور منتظر مال بهاره در آن بازار بود سوارها بازار را غارت کرده آتش زدند
بعضی از مجاهدین را نفله کرده بدروازه گجیل رفته بودند در کوچه‌ها بیرق سفید زده فریاد میزدند ستارخان را گرفتند باقرخان را
کشتند تمام سرحدها را گرفتند مستبدین که در خانه‌ها پنهان بودند بیرون آمده خانه‌های مشروطه طلبان را غارت میکردند زن
و بچه مشروطه طلبان را کتک میزدند دستجات مجاهدین که بکمک بدروازه اسلامبول میرفتند متوجه شدند که مستبدین یک چند نفر از
دخترهای مشروطه طلبان را سوارها مغرور کرده سوارها دخترها را جمع کرده میخواهند ببرند جمعی از اهل شهر راه را بند بودند چند
که عده‌ای از مجاهدین هستند فرار کردند بایکه مجاهدین نزدیک رسیده دخترها دیدند که مجاهدین خودشان را رسانیدند با خوشی خودش
هر کدام در آمدند فریاد کشیدند مجاهدین هر دو بکمک خود را رسانیدند دختران از دست سوارها بطور خوشی که اینها از تعلیمات ای
ورش هستند و این دختر با حجاب میکنند جمعی سوارها غارت ... کرده بار نموده از ترس انکه اموال غارتی را از دست بدهند دختر
ها را رها کرده مجاهدین عقب دخترها گرفته شدند از عقب یک ... که از طرف ... تعقیب کردند که دخترها
گرفته بودند مجاهدین مشروطه ... سوارها در ... بودند دلسوزانه اظهار کرده بودند که ما از ... مجاهدین ... سوارها
اظهار میکنند که کار ستارخان و باقرخان ختم شد ... ایم که ... کار ... اگر قره آغاجی را تمام نموده معلوم
... مرده در این بین مجاهدین سوارها فرار ... دروازه اسلامبول رفته ... مجاهدین سوارها
اجازه حرکت دادند ... از طرف خیابان که ... از عقب مجاهدین ... کردند ... صد نفر بودند ... نفر
... کشته شد ... تمام ... اموال غارتی را ... مستبدین ... دروازه اسلامبول ...
... شکست سوارهای خود را دیدند حمله کردند مجاهدین ... قره داغ ... اطلاع نمودند ... خودشان ...
... میدادند در این بین ... شکست خورده عقب ... مجاهدین ... تعقیب
... که ... از کوه ... صدای ستارخان ... صدا ... مجاهدین ...
... مجاهدین رسیدند ستارخان فریاد میزد ... مجاهدین ... ...
رسید مجاهدین را ... که ... شکست خورده فرار کردند

تمام اموال عمارتی را از هر جنس و رخت مافیه حتی تیرهای چوبی را بردند مجاهدین در قسمت شتربان تکمیت قوای شتربان را تعقیب مینمودند
قسمت دیگر از ارقه جانه سردار در عقب ستارخان از محله خیابان که شنیدند وقتی رسیدند که خود ستارخان در سنگر نخجی خود با چند نفر
مجاهد باقی با ستر محاصره بودند تمام مجاهدین تعقیب سپاهیان شتربان تیر بودند قوای دولتی مشغول قتل و غارت بودند همینکه محله خیابان
در برزن شرق بقیه الدوله سردار در حالیکه خود را زده بودند صدای ستارخان و مجاهدین از طرف شمال بلند شد یکی پی یکی بودند همراه ستارخان
بود مجاهدین یک نفر سر را یکی با دل خیابان ایشان چند قوای دولتی که اطلاع بودند توجه بار رسید لذا و از دولتی که رسید من مدام ساعت گرده بواره
دو باره بال عمارت شتر را تحدید دو طرف با هم که شنیدند از طرف حوض حاجی میرزا آقا و شهید میرزا صادق و جزائی حکم خیابان بار الدوله
با مجاهد حمله کردند از طرف غربی شهید میرزا علی بار الدوله دارو غه و جمیع خیابان حاجی در خیابان و شهید محمد فروش با سایر مجاهدین
خون بار میرزا خان کرمانی در میان مجاهدین محله قره آغاج در ایالت رحیم بارباد در جنگ کرد قشون دولتی فرار کردند سردار بقیه را جمع کردند
با قرخان از سنگر خود را سر دل از جهت محله خیابان از توپ ها بوده این بصورت سوارانی با چند نفر رفته طرف یکنفر بعده نفر اسیر دسته
عراده توپ آورده مجاهدین غنیمه شد از ستارخان و سردار حاضر نکنند هر کس آنچه از کوچه ها مال خود را اسیر هر که مال غیر را اسیر
خود را زنده تحویل دادند خلاص آنکه مالهای خود را بردند و در هر طرف جنازه تا پوشش دولتی آنچه بود لطایفه اهالی برده شد
هر کسی بمنزل خود مراجعت نمود

روز شنبه ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵ بعد از طلوع صبح اطراف شهر را قشون ایلداد گرفته بودند تمام اهالی شهر با همدیگر وداع میکردند تمام
زنها و مردها از یکدیگر وداع نمودند در میان بوم از طرف ستارخان تمام مراکز تقدیم شد تمام شعبه با احضار کردند که بصورت
سنگرها را محکم کنند بروند بواره چند نفر برونت توز در سادس شعبه با نزد ستارخان حاضر شدند با صدای بلند اظهار نمود مجاهدین عزیز
امروز روزی است که با هم بمیریم جز ده نفر نفر سوارانی با ایمان دفره ملا دلاوران رحیم خان قراجه داغی سواران جبلیلو شجاع الدوله
افراد ماو شجاع سواران بختیاری قریب سی هزار نفر محاصره نموده اند امروز در مقابل غیرت است از تمام شهرهای ایران بالاتر تبریز
زیر لگد اگر غیره باشد زنها و دخترها با ستم هر کس حیف و سحقر حتی جوانان اف ذهاب که اکنون کلاه از سر برداشته از چند ستارخان
از وداد چند نوبت حلوا آوردند اول خود شیر کفن پوشید مجاهدین کفن کنند که با جوانان اگر قشون ایلداد به شهر رخنه نماید پس
زنده نام بقیش از بدر مادرم خیر برادرم تمام مرد بسته ها انگیز و داع وعده نمودند اگر زنده با هم برادرم دنیا شهر داخل نشود اگر
مسعود شیم زیر کار تا آنجا حرام است همه تمام کفن پوشیده هر کس بسمت سنگر خود روانه شدند هر کدام که بمحلهای خود رسیدند
بعده خود ستارخان کفن پوشیده در وداع اهل شهر ستارخان کفن پوشیده زنها در ورای حصار ستارخان سنگ جمع کرده در عقب سنگرها
ایستاده بودند امروز را قیاس کنید که تمام ایران باشند تمام خلق از جان گذشته هیچ کس امید زنده ماندن نداشت قشون از طرف
خیابان توپهارا بالای میدانها و کوه ها کشیدند شهر زیر و زبر را دم توپ گرفتند صبح توپ ها از چهار طرف میرسید گلوله ها نیز بارها برج
که سر سیدا آنچه بالای ممکنه است اهالی تماما دستهوش شده بودند از طرف محله سرخاب ارک را به توپ بستند از میان حملین خان
رشتی مجاهدین ارک تو دو جوان توپچی سربازان برادادند از طرف قره ملک سنگر محله قره آغاج را توپ بستند از سه طرف جنگ را
شروع کردند آن سه طرف که بیشتر بارد است آنها نود سنگر باقرخان سنگر دروازه اسلامبول و کوچه (عرب) که سنگرهای
ستارخان بود و طرف عرب قره ملک که سنگرهای شتربان یکی بود پس از آنکه از محله قراملک بورش شد با دره ایکلی تمام
بالای سال است شب ستارخان و باقرخان لشکر عین مکلف بود بعده مجاهدین که محلی با هر چند نفر سربازان حاج شرف السلطنه قره آغاجی تمام
هر ساله روز ورود شب حاضر نبودند با میرزا خان کرمانی با برادرش حسین خان بقیه در محله قره آغاج منزل داشتند حاجی میرزا آقا از آنها
پذیرائی میکرد پیر روی حاجی خان لشکر شیو و مجاهدین با قفقازیها و با هم عده ایکی با یک نفر از صبح تا غروب در محله قره آغاج
بودند هر عراده توپ بسرا آن هر عراده توپ بوقلک چهار دهقان باش توپ ایراد در محله قره آغاج بود
در این روز از طرف خیابان قره ملک تا شتربان ایروله سنگرها را قره آغاج حمله نمودند نقطه های قره آغاج در سمت حوض مشغول

پیرا از وارهو لیرا جماعل قراجه داغی
(بیوک خان) با هزار چریک نفر
از سواران ایل قراجه داغی از راه برکوار در
بالای محله خیابان باغ صاحب دیوان منزل
کرده و در محله خیابان جمله شهر و ایلداد برود در
سال ایل از تبریز و مجاهدین برخی دیده افتاده
بود بعضی اینکه رحیم خان برخی دیوارها ی
قراجه داغی خان از جسی و شجاع بود در میان سما
مرحوم حاجی شجاع که بیرون لدو سال از کار رحم
و سردار طرح خواه بود و عضو انجمن قرار بر که
در محله با اهالی خیابان تکلیف شرعی را بسند
مرتضی ایم در کوچه حره با شیهها که در محله خیابان
است دانه دیجانب از جانب را حضور نمود
که اگر سواران قراجه داغی شهر ترد رسیدند
بعد حمله با سوری اهالی ایم ترد را با عجله رفت
سفانه حسد خان قول کرده بعد تحصبا
منزل باقرخان سالدار با رد قطعه با که
با ایل داد اظهار نمود هر گاه ازجمله رحیم خان
با آن وضع جنبانه وارد شهر شوند از ابتدا
تا شهید مسلم خیابان را غارت خواهند نمود
با ساعت جنگ گری کمند با اموال و با ناموس مردم
با پامال شود در آن جنگ گری از این قصه احتاج
بوسهم در این کار که مجاهدین داده شود که اینها
از جنب سمای فکر با آن را جسب میخواستند از
مقابل جانب ایستاده کرد باقرخان و حضرت گوره سعود
بین راه خود مجاهدین که عده اینها کم
ماند و بودند بعده لکن بود تعلیم نموده بودند
با ایشان راه خطوط خیابان دل و با ماموری از محله
و نگارش نیم و رحیم خان دل مناره خیابان
جمع بر صبح است قشون کرد رحیم خان محله خیابان
هجوم آورده مجاهدین که در وسط خیابان
و در عمارات اطراف خیابان سنگرها بسته
درستی کرده بودند در شروع یک دقیقه مکنند
بیرا زده خود را چونکه چهار طرف
حرام دانست مجاهدین بکمک توپها سنگر
در سنگر داشتند با گلوله ها سر اهالی از عده
سوارها لیرا جماعل بعد از زیادی کشته
و مجروح نمود در این جنگها مجاهدین
شنیدی کرده اند از این راه رد شده تا
هتک عار نمود گرده در قسمت قشون ایلداد
تحت سلطه ستوده که تا آخر خواهد مظفر گردیدند

جنگ نمودند ولکن مجاهدین را مشغول کردند محله حکم‌آباد خالی ماند که طرف شمال قره‌آغاج است مخبر از محله حکم‌آباد که بشنید دچار بقور
ما نیز بشتاب آمده نفر مجاهد که در حکم‌آباد بودند شکست خورده فرار کردند شجاع الدوله محله حکم‌آباد را گرفت چند اردوی نظر بیان
که مقصود که انجمن ایالتی است بود که ما قرچیان را در کوه سادات مشغول کرده ستارخان را در دروازه اسلامبول مشغول نمودند
حاجی میرزا آقا در فره آغاج را در طرف حرم محله حکم‌آباد که در دست شجاع الدوله از طرف خطیب آمده مهاجرت و میرزاده ادر
در بین میرزا چند روز از صبح روز مزبور مشغول کرده بودند شجاع الدوله با تمام مهاجرین وارد محله حکم‌آباد شده از طرف
فرزند با شیخ ملک عبد السعود دفتر و شیخ حاجی ملا مشکول و معده شیخ ابو منصف ما رهبری محله سرنال ملحق شده بودند که قیمت باشند زیاد ما
ستارخان را در دروازه اسلامبول گرم کرده به قیمت با مهاجرین زیاد از بازار رودخانه انجمن ایالتی که آنجا بودند به دسته از بازار
صراف‌ها و محله سنه از بازار امیر سمسار تا سر دسته از پشت با مهاجرین رفته در سر بازار و دالان زال که یک دسته مجاهدین بود
هنر فدائیها در بازار یک شب نگاه می‌کنند که در دست دیگر در بیرون قرق بود که تفنگ شلیک کرده مدتی دیگر اختیار نمی‌نمایند
عده که سالم ماند بودند هجوم آورده دسته مجاهدین را گرفته از صدای تفنگ سنگر و دسته بازار فرار کرده بازار و دار زیبق
در این گیر و دار سوق سیر ذیل می‌خواهد که سنگر را راحت گرفته می‌رسند سنگر بازار مجاهدین که دچار گلوله شدند با یکی فرار کرده سنگر را حرکت دادند
سنگر جام سرنا بند و معدوم خاطر جمع نمودند توپ سنگر را از در طرف نسبت از چند دیگر نظام قشون سید شد حاجی سر آمد از کار
دلیران ما هر اده و تمجید ملک سران سرتیپ حبیب الله سرکرده که نمودند در کار و دالان را تا از محله سید که با شجاع رفته از این طرف خبر انجمن
سر رسید ما قرچیان و حسین آقای سنهور عثمان و مشهدی محمد علی داروغه شیخ اسماعیل قرچیانی اسدالله شمالی مشهدی علی سنهور
روسی با ما صد نفر مجاهد به تحفظ انجمن ایالتی حمله کردند روبه بازار که بشنیدند مشهد انجمن ایالتی با قرچیان علی اکبر قره آغاجی را
حاجی میرزا بیگ آبادی و محمد علی دلاوران با قرچیان اسماعیل قرچیانی مشهدی علی روسی بود در سیدان تا ستارخان
بود تا قرچیان و حسین آقا عثمان و علی روسی بسته در جنگ که در چهار نفر در جلو بودند ستارخان در دروازه اسلامبول
بی‌خبر با شیرها حرکت کرد از این طرف قرچیان حسین آقا علی روسی بازار را فتح نمودند به خانه حرکت کردند فرار کنند که عده
از دیگر در کاروانسرا ما شیهان شیر آمده دو ما فرستادند تا هزار نفر ار نزد از کاروانسرا بیرون شدند و خود عیالی
عظمی از صدای گلوله و فریاد مجاهدین بلند و در ساید شیخ کسی بلند کرده تفنگ خفیف ما قرچیان از تیر اسلحه در چهار سوق در این را
تعقیب نمودند با دسته از تفنگ و از بازار و دیگر سید حاجی را گرفتند یک تیر از طرف دیگر خالی شد در پشت کرد بازوی خود را
نگاه دارد ما ستارخان که خود را جمع ساخت گلوله توپ بکشید بازار و دالان زال بزرگ خورد اسلحه سیدی کرده بعد بار دیگر
از گلوله شکم ما قرچیان خورد اعتنا نکرده در جلو مجاهدین با سیدان صاحب الدین دیگر را تعقیب نموده و بعد خون زیادی که از او
رفته بود از اسب افتاد فریاد زد تا اهالی محله قره آغاج حشم مقابله می در راه است برادران دیگر بیایید برادران سر رسید مجاهدین عموما قرچیان را
برداشتند و دسته دیگر دیدند سر دسته چاپ رکشیدند در عقب مجاهدین تعاقب نمودند
شجاع الدوله که وارد محله حکم‌آباد شد سواران را اکراد و اهالی قره ملک و اهالی سرخه و اطراف تماما با شجاع الدوله بعضی
سر دسته سیر زرآنی بودند در حکم‌آباد مشغول قتل و غارت شدند از فرار بیان عده ستارخان و حاجی سید علی اکبر قره آغاجی
مشخص شد که خیال دیگر در این روز حقیقت ستارخان را در زیر دروازه اسلامبول فریاد کرد ای جوانها و مجاهدین عیور
از طرف ارک و انجمن ایالتی خاطر جمع شدم قرچیان و حسین آقا در آنجا هستند ولی من سر دوم جانم را در راه زن و بچه‌های محله حکم‌آباد
بدهم اگر غیرت دارید از سنگرها دست بردارید و عراده توپ سر پایی که خلک بر دسته دیگر نفر عده خود را که اینجا
نیز وارد شد با ستارخان بودند با اول با پای دلاوره فقط با محله حکم‌آباد که سیدند که از طرف بیرون سیمون سرور شد
سمو و تجویه را آخر کرده دیگر بقیع تا مشهدی سید میر صادق است در اینجا ایستاده او مهاجرین را جمع کرده مگوید ای جوانان ای
مجاهدین با غیرت وقت غیرت و ناموس است زنهار اهالی حکم‌آباد در دست دیگر مانده من سر دوم می‌روم هر که از هیرم هر کس همراه نیست نیاید.

بامهای بازار با گلوله میریختند و از عقب میپاشیدند بهر در و دیوار بست از شجاع سر بود و هر کوی سر راه به محله حکم آباد بست آبادانی
دارد و چهار اقرباش باغ نیز بست شجاع الدوله که محله حکم آباد را گرفته بود یوسف خان میاندهی آنجا شکست خورده آمده در
کوچه درنج ایستاده ستارخان به توپچیها فرمان سید بر سنگرهای شجاع نفر توپچی است هر یکی بر گرد و دیگر باید بکار آن باشد لگدها را
ده نفر ده نفر دسته دسته کرده هر یکیرا در جلو میبرد و دیگری بکار آن برود توپچیها در جلو بود ستارخان باقی دسته
جلو سنگرهای شجاع الدوله حکم آباد را بتصرف کرد با خاطر جمع شده نزد مجاهدان جلو کشیده شد مشغول جنگ و غارت
بودند کسی در جلو ایشان نبود شجاع الدوله هم در خانه کربلائی رحیم بام که عمارت خود داشت با جنگ مشغول بود در این جنگ
جلوی توپهای شجاع الدوله در بر بود که صدای توپهای ایشان را اسفند فرماد کرد لکن ستارخان آید بهار رفته بود
بهار را انداخته ایستاده گفت سنگرها را در جنگ بایم تمام عده خود را خبر داد تا از شهر از این طرف جلو
فرمان حکم آباد ستارخان فرمان سنگ داد توپها منقطع شدند سرانداری شد در اینجا توپ بود برای
جز چهار باغ بالعی عده در شهر بیرون بیج فرم با جلو بردند قشون شجاع الدوله در دو حکم آباد در گرفتند در دو جا
کشیدند نیز تمام در دو جا ستارخان را از بازار آمدند ستارخان فرمان داد توپها را بر گرداند توپچیها ... زد سدار توپها
باغ فرم بدار با تیره سر نفر توپچی را زدند سردار رسید در همه شدند از شب فرمی که سرانداز گردید در جا توپها
در دو جا جرات شد ستارخان به توپچیها نهیب داد توپهای ایشان منقطع کنید با جنگ که تنگ آورد مجاهدان
رشید ارشد بودند ستارخان در دو جا از کوی از طرف حاج میرزا علی اکبر در راه رسید که حکم آباد را گرفته اند صدای این
توپها صدای توپهای ستارخان است خود میخ را محکم کرده بهمراه میخ سه نفر ... از فرمان میخواهد زد
بحکم آباد رسیدند عقب قشون شجاع الدوله را گرفتند و دسته قشون دیگر را رها کردند جمع غارت و نهب نمودند
شجاع الدوله کوشش برد در قرار گردید بفوره ملک شجاع الدوله را در راه قره ملک گرفتند لواز یا دو یاده یا فعل از شجاع
الدوله در دو قره ملک بس بودند و دسته شجاع الدوله رسیده بود کلمه خود را برمش لرده بیرحو زده بود که ایل بوارا داده
که تمام منتهی میشدند در جنگ ستارخان دیگر دو چند نفر عطار یقال با بر بهانه تیر تلک عش ها آوردند از این طرف ستارخان
با عده خود در حیاط سرتیپ الرفره اقای با مجاهدین در محله حکم آباد در سر (خوشنداش) ... رسیدند در تمام از حرام بام که
شجاع الدوله در خانه آن منزل کرده بود جواب داده اظهار کرد که بهار شجاع الدوله چه شب شجاع دید ستارخان در جلو سرتیپ
الرقره با مجاهدین و با ... در سر این جلو جای خالی گرد میخ سوقات مهر آن صادق خان محمد علی خان و چند نفر سر دسته با
ستانه رحیم وارد شد از شهر مجاهدین را ... کردند ... چند نفر رفتند در این بین که ستارخان و مجاهدین در خانه
رحیم بهار را خورده بودند چند نفر از مجاهدین قره آغاج کرکه کشان آمدند که از بازار حتاره ما خان را آزاد دادند ولی
فعلا زنده است فرستادند جواب باین را یاد دیدند از سیدل که حتی ستارخان و مجاهدین لکم گردیدند دیل الکر بالیر حمایت
این جهت نا بند از جا ... گفتند ما خوب ما خان را ... در حرم ... مجاهدین ... ما ... از حکم آباد
که ... رو بطرف محله (آخیچون) و قره آغاج که ... بودند چون بفره قشون شجاع الدوله که در طرف محله آخیچون بودند
شنیدند که شجاع الدوله شکست خورده بقره ملک رفته لذا ایشان هم فرار کرده بودند عده که ... اگر در جلو ایشان کشته بود
رشید ایشان ... قره بوران و مهدی بیک قره بوران و ... گوتان بودند ایشان با قره ملک تعقیب کرده بودند
در هر جهت ستارخان ... بودند پسر از شهر از احوال رسید وقت گرد ... مجاهدین رو بهر بازار آورده شدند
و قبل رسیدند که دیگر مجاهدین را از طرف راسته بازار صراف‌ها مسجد ... رسیده بودند و از طرف بازار ... رسیده
عده که از حکم آباد و قره آغاج آمده بودند ... شکست از طرف راسته کوچه ... از طرف ... و بازار
و سیر ستارخان از راسته کوچه عقب ... را گرفتند ... طلبه ... که ... سردسته ... مجاهدین ... کمک دادند

عکس مجاهدین خیابان

بار دیگر یک از عقب حمله نمایند محصور از شجاعت عظیمی برپا شد کسی را یارای شکایت در کار دولتیان نبود بازار قشون دولتی
محفوظ داشتند ولی کار دولتیان را باز کردند قشون دولتی سراپا شدند بازار خفوش شد مجاهدین بالاخره با چهار صد
همگی مجاهدین دست بالا گرفتند قشون دولتی پلی ندیدند چه آنکه از بازار فرار کنند مجاهدین آنها را تا محله شتربان تعقیب نمودند
حتی بزرگ شیوه اوقات نمود بر عقب کردند که منزل در لیل از دو برداشته شد
تا امیر هاشم خان از ارادتمندان خود و مطیع بود در محله خیابان شخص اول محسوب میشد صاحب قاسمی زیاد بود از حیث یاوران
مقدم بود در کلیه اجتماعات رای او را امیر هاشم بود برای پیشرفت کارها فرقان را از حسن مجاهدین محله خیابان تعقیب نمودند
فردای آن روز که جنگ نبود برای تعمیر سنگرهای اطراف شهر بواسطه رقیبه بودند اینها باده شب مشغول کردن بلوه از قصر از
سنگرهای متعلق یک تیر قلعه شهر که امیر هاشم صاحب کرده بیاتیا هر دو بر کار مسلوک همه در مجمع آزادیخواهان یکی بود
در شیدی بود دیگر از سرک او خیابان شد تر در تمام محلات شهر برای اهم خود نقیه داری مبلغی زخم بر پا نمودند
ماه صفر ۱۳۲۵ شمس الدوله رحیم خان را جلیا شورا خواسته بودند را که شرط کرده بود که از هیچ طرف اقدامات ننمایند ما را هم خود
بیرون گرفته و سر دسته ها را در شب تیره با رئیس الدوله تحویل سیدیم رحیم خان از طرف قریه باغان که طرف شمال قریه باسمنج است
آمده از محله ششگلان سر بر حمله کرد که شرح آن در آینده نوشته خواهد شد بعد از آنکه وارد بر شد عالی قاپو را گرفتن خودش
در باغ شمال منزل کرد چند روز در تمامی ترتیب کرد نشانی که از هر انجمن و هر جمعیت رساند مجاهدین لیکن کار را رجوع کردند که آنها از سیم

عکس عده از انجمن مجاهدین

صلاح ندانستند اقدام نمایند انجمن مجاهدین روز سیم شنبه دوم ربیع الاول ۱۳۲۵ را منتشر نمودند لیکن آنها را در اثر چند
بعد از قصد در رای فرستادند ستارخان و باقرخان تصدیق نمایند بعد از آن انجمن ایالتی تصدیق نمایند با آنکه اقدامات بود
در رقیب بجیب ۱ حسن آقا شهید قبیلچی ۲ میرزا حسین مشهور سادات خانه ۳ حاج میرزا اکبر قره آقاجی ۴ شیخ سلیم
۵ میرزا اکبر ساده لنبرانی ۶ صادق خان ۷ حاج میرزا طاهر ۸ محمد علی داروغه ... که در جلو سپهسالار بود قناده از طرف
راست آمدند بانیان ایشان مانده ... در بنیادین بزرگ مجاهدین و سردسته ها آنان آمده دور جنگ جوی مشغول شد
طرف جنوب که در رتبه قلعه دارد حکم است حاجی میرزا آقا بلوری است اینها که از عقب سرشان نماند که از قسمت مجاهدین هم کشته شد
روز چهارشنبه چهارم ماه مزبور تمام سردسته ها را انجمن مجاهدین احضار فرمودند مدتی ول را انجمن ایالتی را در مبلغی عمومی قرائت کردند
قرار دادند که قرخان از طرف محله خیابان اشتراد در سنگرهای حمله اردوی باغ شمال حکم نمایند و بقیه به طرف عالی قاپو حرکت کنند
ستارخان از طرف جمشید آباد سنگرهای جلو قره ملک را محکم کرده و سنگرهای جلو محله شتربان را تر شیطو و محکم نموده خودش با بقیه
بطرف باغ شمال که خود رحیم خان آنجاست حرکت نمایند حاجی میرزا علی اکبر سنگرها قره آقاج را در سنگرهای قره ملک و نیمه کاران
محکم کرده بقیه سردسته بطرف عالی قاپو بروند شیخ سلیم خودش با بقیه بطرف باغ شمال لیکن مدعالی قاپو بروند حاجی محمد
میرزا علی آبادی بطرف عالی قاپو شهید صادق خان باغ شمال حسین خان محمد علی خان اسمعیل خان سخطیس انجمن ایالتی باغ شمال
با عده خودشان بروند صادق و یحیوی در سنگرهای شتربان قره ملک نگاه دارند هاشم و جواد و اسدالله پسر جواد باغ شمال بروند
با عده های خودشان بقصد تصرف سردسته ها به ترتیب فوق تقسیم شد بهر که شب پنجشنبه ماه مزبور هر کس با عده خود بمحلهای
معین حرکت نمایند ساعت نه از شب گذشته هر دسته در محلهای خودشان که تعیین شده حاضر باشند در ساعت معین جمعه مسلک
کنند در ساعت مزبور جنگ شروع شد سرهای سعده عالی قاپو تسلیم شدند سربازها لعنت را سردن از آنها خیمه
فریاد میکردند اهالی شهر بر سرباز و چریک ایران هستیم سالها خدمت شما را کنیده ایم رحیم خان ما را اجیر آورده است اگر
با اطمینان دارید ما را در سنگرها نگاه دارید تا شما کمک میکنیم والا سردن کند همه خودمان میگردیم لیکن اسلحه و قورخانه
بر دارید تمام مجاهدین دست از جنگ کشیدند ستارخان دستور داد همه آنها سربازها را در همه جا باشند دلگرم کردند تمام
آذوقه را دارند بعد از ریختن اسلحه و قورخانه را ضبط کنید شیخ زدی که از عده قره آقاجی بود بالاخره تمام خوارد

صدا از سنگر دور دوش کرد

پس از فتح عالی قاپو مجاهدین بطرف باغ شمال رفتند وقتی رسیدند که ستارخان از طرف خیابان آقا و از طرف دیگر
سایر مجاهدین باغ شمال را از سربازان پس گرفتند حتی باغ شمال محصور است عده رحیم خان میان باغ بودند و با ستارخان
مشغول جنگ بودند در عاده نوشته اند هر چه بهت یک شیر برخیزید از طرف شرق بسوی [illegible] قصبه عالی قاپو
بودند که عده مجاهدین رسیدند باغ را گشتند یکدفعه عده رحیم خان را به آتش تفنگ و گلوله گرفتند سوارها حرام جا درده
رو فرار گذاشتند رحیم خان از عمارت پائین آمده سوار شد با سوارهای خود رو فرار گذاشت مجاهدین از پشت دیوار با سوارها را
زدند رحیم خان از طرف جنوب که جاده سردرود است جلو باغ (قوم) یعنی باغ [illegible] رفتند در عاده
توپ و مهمات [illegible] و بعضی اسباب [illegible] که ماندند مجاهدین ضبط کرده برگشتند
بعد [illegible] رحیم خان [illegible] رفته است حتی رحیم خان استدلالی کرده بود که [illegible]
[illegible] و [illegible] کمک لازم است [illegible] عده خودم [illegible] کرد [illegible] رحیم خان [illegible]
فرار کرده بودند رحیم خان هم [illegible] از پائین قریه ملک بطرف الوار رفته بود [illegible] که [illegible] رحیم خان [illegible]
[illegible] شهر است [illegible] سوارها [illegible] داشتند صبح زود ستارخان [illegible] و [illegible] سواره
[illegible] آخر سال داده [illegible] سوار حاضر بود ستارخان [illegible] و [illegible]
حرکت کردند قریه [illegible] که جلو قریه الوار را گرفتند که رحیم خان آنجا بود با [illegible] سوارهای رحیم خان
جنگ شد حتی عده سوارهای رحیم در حدود چهار [illegible] نفر بودند تمام [illegible] را گرفته بودند از قریه [illegible]
راه [illegible] قریه [illegible] از طرف [illegible] و قریه الوار با [illegible] اطراف را سوارهای رحیم خان اطراف
سوارهای [illegible] جنگ [illegible] شد [illegible] را گرد [illegible] کرده بود [illegible] خود رحیم خان
[illegible] خودش [illegible] نفر [illegible] بود قریه [illegible] را محاصره کرد که ستارخان با [illegible] نفر سوار [illegible] بود
رحیم خان فریاد کرد ای سوارها [illegible] ستارخان در [illegible] کرده است اگر فرار نماید [illegible] علاج [illegible]
[illegible] بودن [illegible] ستارخان [illegible] قلعه [illegible] فرار کرده است [illegible] آورده [illegible]
[illegible] قریه [illegible] را گرفتند ستارخان [illegible] نفر در یک اطاق است [illegible] اطاق را [illegible] کرده [illegible]
کرده [illegible] سوارهای رحیم خان [illegible] ستار در آن اطاق [illegible] نفر [illegible] سر [illegible] اگر
[illegible] سپرده برای خودشان اسم [illegible] نمودند [illegible] خان [illegible] سپرده اسم [illegible] سر نفر
[illegible] خان سپرده اسم [illegible] نفر [illegible] خان [illegible] اسم [illegible] خان [illegible]
با اسم [illegible] قرار [illegible] ستارخان [illegible] نفر [illegible] قریه [illegible]
[illegible] حاجی [illegible] اگر [illegible] نفر در آن اطاق [illegible] سوارهای رحیم خان را [illegible] ستارخان
[illegible] سوارهای رحیم خان را [illegible] تفنگ [illegible] فریاد زدند [illegible] ستارخان [illegible] سوارها
رحیم خان ستارخان [illegible] نمودند [illegible] حاجی [illegible] آبادی از قریه [illegible] سوارهای رحیم
خان [illegible] گردیدند [illegible] سوارها [illegible] حاجی [illegible] گردیدند [illegible] خان [illegible] نفر از قریه
[illegible] رفتند جنگ عظیمی برپا شد [illegible] تاریک گردید [illegible] آتش [illegible]
[illegible] تمام سرکرده ها از قریه [illegible] عده خودشان خارج شدند فقط [illegible] نفر مجاهد با [illegible]
بود در اطاق ماندند خود رحیم خان [illegible] صد نفر سوار [illegible] بود فریاد کرد ای مجاهدین [illegible] مقصود رحیم ستارخان
بود [illegible] رفته [illegible] اسلحه [illegible] تا صبح [illegible] بطرف [illegible]

برویند با اینکه رحیم خان بنای کاری برآورد از این طاق دیش برداشته برویند بعد رحیم خان دیش از جنگ کشیدن قره‌آغاجی هم
یاسی نفر علاوه خود دیش سوارانش خارج شدند از راه نوبته رو به پل آجی که شنیدند چون تاریک بود بعد یکدیگر را نشناختند
ناچار هم با اینکه که نبوده بودند هرکس دسته خود را جمع میکرد هر دسته هم دسته خود را فریاد میزدند هم ستارخان همه
دلیرانه حمله کرده اسم شجاعی سریع اگر قره‌آغاجی با قادر بود سواران مجاهد فریاد کنان از میان سواران رحیم خان خود
تا شرا جدا کرده در پشت پای یار محمد خان کربانی هم خورده از پل آجی در کنند پای صمد خان قره‌داغی هم گلوله خورد
هر دو نفر چهار ماه در بیمارستان خوابیده معالجه شدند

ستارخان سنگرها را کنار پل آجی محکم کرده هر کس بمنزل خود رفتند صبح رفته سواران شهر کنار آجی جمع شدند آدم فرستادند که از
رحیم خان خبر بیاورد و اطلاع رسید که رحیم خان شبانه بطرف قراجه‌داغ رفته است چند روزی آسوده که بود از طرف
اقدامی نشد چند روز قونسول روسی واسطه بود صلاح بود صلح قطعی بکردند خبر دادند که عین الدوله از ماکو قشون خواسته
روز یکشنبه چهارم ربیع الثانی ۱۳۲۵ از صبح صدای توپ شنیده شد معلوم شد که اردوی ماکو رسیدند که شرح آن بعد نوشته
خواهد شد

بعد از شکست اردوی ماکو بتصرف محله‌ای دیگر شدن ... تماماً که آن محله را برای تحصن پناهگاه درست کرده بود
و شرح آن در آینده در موقع عین الدوله و سایر سرکرده‌ها تصمیم گرفتند که آب و آذوقه را بر روی شهر بستند که اهالی سوره
آنکه بتنگ بیاورند فشار زیاد لکردند راه آذوقه شهر را بستند تا بیست روز تمام خبر ... شنیدند تا در شهر باقی نمیشد کار
بجائی رسید که روزی بیست ... شهر مجاهد میدادند بعد اهالی و اکثر مجاهدین یکی با حضور ستارخان و باقرخان را وادار
که اطراف شهر را محکم کنند یک محله قراملک ... خون میریزند با هم بمیرند با شجاع الدوله را از قراملک خارج ساخته در آن روزها
منفور ... و ... از طرف ... برای ... آورده بودند ... که ... را ... نقل کردند که هر روز
در قشلاق قسمتی از ... را در میدان مشق قشون نظامی مشق میدادند قریب سیصد نفر بود روزی ... نفر از ... هم در میدان مشق
حاضر شده مشق نظامی میکردند

شب چهارشنبه ۲۸ جمادی الثانی را برای تحویل رفتن بمحله قراملک معین شده بود بعد مهمات زیادی بمحله قره‌آغاج ... اگر
قره‌آغاجی جمع کردند بعلاوه مخفی مهمات اسباب جمع میکردند یک اطاقی از چوب درست کرده بودند عراده داشت اطراف کردن
انداختن برکت بودند که گلوله تفنگ بآن کارگر نبود ده سوراخ مرغی که بسته بودند ده نفر تفنگچی در داخل آن نشسته بودند
ده نفر از عقب آنرا حرکت میدادند ده نفر تفنگچی دیگر در عقب پیاده بودند با اینکه در توی طاق بودند برای اینکه
که بیرون بیایند آن ده نفر سواره‌ها سرپناه بودند در حقیقت یک (تانک) بود که اهالی ایرانی تعبیه کرده بودند
... و ... توپ انداز ده تیر ... عراده (قیوض) زنبورک برای اینکه گلوله‌ها ...
... عراده توپ کوچک ... از طرف ستارخان محمدخان توپچی با دو ... ده نفر توپچی آورده بود هر دو توپ‌ها
سنگ دار بود یک عراده توپ محمود خان سرهنگ با شش نفر توپچی ... که صبح ... بود آورده بود
یک عراده توپ کوچک سنگ دار قره‌آغاجی داشت یک ... اسباب ... بزرگ ... داشت ...
درست کرده بودند ... با ... بود ... درستی ... سر ... داده ... دارند ...
... که قریب سیصد نفر بود پانصد نفر ... میدادند هر دو نفر با پانصد نفر رفتند بمحله قره‌آغاج خود ستارخان
با ... نفر ... از طرف ... خیابان ... پانصد نفر آنها قرار دادند با قرخان از محله خیابان
... یک ... بطرف سنگرهای ... دستور داده ... که ستارخان دستور داده بودند
... بمحله ... که هزار نفر ... قشلاق ... بمحله قره‌آغاج جمع شدند ...

نیز از قره‌آغاجی بودند از وکلای انجمن ایالتی حاجی مهدی کوزه‌کنانی ابوالمله [illegible] اسمعیل امیرخیزی - سید هاشم حاجی ناصر
الحضرتین ملا حمزه خیابانی حاجی علی عمو آجی حاج میرزا آقای فرشی مشهدی عباسعلی خیابانی حاجی سیف خیابانی

از رؤسای مجاهدین قره‌آغاجی که نزد خود ثبت بود - ستارخان سردار ملی سالار ملی حاج عظیم‌خان محمدخان غفار
حسین‌خان لیلی‌آبادی مشهور غیاث حاج شفیع صادقی حاجی محمد میرآب هاشم جواد برادرش اسدالله آقای محمد صادق‌خان
میرحسین چرندابی [illegible] برادرش حاجی‌خان میرحسین جادنش محمد آقا حاتی حسینقلی‌خان تقی‌خان باغمیشه‌ای رضا
مارالانی قاسم‌خان خیابانی از طرف خیابان محمودخان سرتیپ رحیم‌خان توپچی‌خان محمدقلی‌خان توپچی ستارخان
میرصادق و یحیویه جعفر [illegible] برادرش حاجی آقاخان آقدی آبان حاجی‌خان قفقازی که با سی نفر مجاهد از قفقاز
آمده بودند اسمعیل‌خان قره‌دیلی برادرش محمودخان قارسیانی ناظر رحیم کوچه‌باغی محمدحسین‌خان قناد قره‌آغاجی مهدی‌بیک
[illegible] محمدخان کرگانی میر علی‌اکبر سراج لیلی‌آبادی حاج علی اسکوئی لیلی‌آبادی مشهدی تقی [illegible] خانی تقی
مشهور ابلقیچ با برادرش [illegible] از اول عمر [illegible] حاجی میرعلی‌اکبر قره‌آغاجی حاضر شده‌اند

چهار ساعت از شب گذشته بود که مجاهدین انجمن و اتحادیه هم با پانصد نفر کارزار نمودند که تدارکات داده بودند چهار هزار و
پانصد توپ هم از سایر مجاهدین حاضر بودند هر هزار نفر را چهار قسمت نمودند پانصد نفر با عراده توپ ستارخان از آن
دروازه به طرف شمالی قره‌ملک سپرده که یک جاده بزرگی است راه داده شده از طرف جنوب جاده هم بود با حاجی علی
هراتی [illegible] حاجی‌خان حاجی محمد میرزا آقا حسین‌خان غیاث با محمدخان کرگانی از طرف دیگر با پانصد نفر حاضر شدند
از طرف جنوب پس [illegible] جاده بزرگی است تمام سنگرهای قزاقان که اهل سنگر شجاع‌الدوله است و آن راه دیگر است
با پانصد و دو عراده توپ مجاهدین انجمن دسته‌ای دادند طرف جنوبی هم جاده [illegible] ابراهیم با پانصد نفر مجاهد واگذار کردند
حاجی میرعلی‌اکبر قره‌آغاجی و میرحسین جادنی و محمد صادق‌خان با دو عراده توپ قرار بود دسته دیگر از طرف حاجی علی دواچی صد نفر
از هر سمت سنگر بود حاجی علی در حدود قره‌ملک تا شنب‌غازان بود ستارخان در حدود خط راه‌آهن بود و انجمن هم ما حدود
دیوار قبرستان شنب‌غازان بودند قره‌آغاجی با عده آن شنب‌غازان بود دسته حاجی علی خط سیر خود را تنها راه داده از
نوبت تا نیمه شب از چند از چهار طرف شنب‌غازان توپ‌بارانی شروع شد و ستارخان با عده قراملک
طرف شد از حد قراملک تمامی شنب‌غازان مسلط است آنجا را تصرف کردند که تمام عده شنب‌غازان شتابند به طوری که دستور داده
شده بود از طرف حکم‌آباد و جمشیدآباد که مسلط بر قراملک است با یوسف و حسین‌خان سر دسته مجاهدین تمام هستند با حاجی میر
عبدالله حاجی سید عبدالله حسین‌خان و مقدر حسابه از بالای میرقزاق شجاع‌الدوله داد از ایشان تقاضا نمودند باز هم از آن طرف قراملک را
در زیر توپ‌باران گرفتند از دروازه سلاح‌سوزها مسلط شد تا سرا توپ‌باران نمودند از ارک هم حیدرخان که قبلا آنجا
متمرکز را اسیر کشید با فرقان از خیابان سنگرهای عیش‌آباد و کوی لیت در حقیقت میدان گشت کار حمله
کار را خاتمه داد و سر ظفر ایران را به ایران آوردند

در حمله‌های کمی ته شب عراده توپ ثبت که آه با تیز توپ ایرانی از سمت توپ ایرانی شد در مسلح شروع شد ایرانی
کردند هر دو ساعت در هر دفعه شب از آن حضرت شد در اطراف شنب‌غازان مجاهدین در ثبت وقت کرده بودند
دسته شنب‌غازان تخلیه و فرار کردند در اطراف و ثبت تا شب سر کشید اهالی دوچی با جاده قراملک و شنب‌غازان را
تخلیه نمودند اهالی و عدل خود آن توپ کشیدند و طرف دیگر قرار نمودند حتی قراملک و شنب‌غازان
در میان از روی شجاع‌الدوله خارج شدند فقط در اطراف شجاع‌الدوله عده‌ای از اکراد و اهالی مراغه ماندند تا صبح شد
چون از جاده شنب‌غازان محل آنان و آنجا با پانصد نفر که مسلح از شنب‌غازان از ضعف سر حمله کرده بودند نصف آنها
مجاهدین از آن سنگر تا هم تلف کرده بودند محلاتی که دو هزار نفر دیگر سر خورده بودند جمع اهالی شنب‌غازان و قراملک

تخلیه کرده رفته بودند قشون زنجی تکلو نیافتند بطرف شهر حمله نمایند تا صبح منتظر جنگ در اطراف شهر بودند صبح اهالی بلد
در دروازه‌ها قشون دشمنی از اهالی محله شهر با هم نشد اهالی شنب غازان و قراملک اشرار را تخلیه کرده بودند قشون به امداد از هر جانب
شکست خورده رفتند بردوشها فتحی شد بعد از دو شبها آنچه که از جنگ دست بردارند فرار کرد نیم قشون دولتی از اهل
شهر بر دو شیر بالای صف مجاهدین تا عصر از شنب غازان و قراملک دست بر نشدند اهالی شهر از سر نقطه‌ها اشرار کسبه اجماع
نموده آنچه نقد در تصور سکه و پول زدن مستعد ملشود قشون از هر از شهر بروند راه‌ها باز شود دست از جنگ بردارند
الوقت مجاهدین برگشتند

دیروز دسته‌ها چند قطعه بیرق با چند نفر قزاق فرستادند به قنسول سالدات‌ها کفند بیرق روسی بسته‌ام که در بازیش کردیت
امپراطوری روسیه باشید سالدات چیزی نگرد گفت من در زیر بیرق خارجه ربند کالی نمکیم تمام اهل شهر هم لی خواهی را دادند

بقیه از تعلیقات آذربایجان

از کتاب تعلیقات آذربایجان

اهالی از انجمن خارج شدند [2]

در غره جمادی الثانیه که تعلیقات طهران شروع شد علما تبعیت ملت [illegible] رفتند و چهاردهم همان ماه مظفرالدین شاه
دستخط مشروطه را داد و دولت ایران مشروطه شد بعد از افتتاح مجلس شورای ملی نمودند انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی را
کردند بعد از آنکه ولیعهد [illegible] برای ولیعهد [illegible] انجمن [illegible] کاسه ها هم [illegible] عده از سادات محله را
با اسلحه بسیار از [illegible] بازار [illegible] علما و سادات در [illegible] جمع [illegible] رفتند
با ناله اجازه تأسیس انجمن داد ولیعهد هم که در [illegible] وکلای خود [illegible] از طبقات مختلفه انتخاب نمودند
در همین زمان که [illegible] اهالی [illegible] انجمن رسید [illegible] تمام شهر و بازار را [illegible] کردند و وکلای انجمن [illegible]
[illegible] شد [illegible] طلاب [illegible] شد علمای [illegible] که [illegible] ملت با انجمن [illegible] شد [illegible]
[illegible] رسید [illegible] عمومی [illegible] راکه [illegible] سید [illegible] انجمن [illegible] نمود [illegible]
[illegible] حرکت [illegible] سید الواعظ [illegible] عموم ملت [illegible] حرکت [illegible]
[illegible] شد [illegible] بازار [illegible] از شهر خارج کردند [illegible] میرزا کریم امام جمعه [illegible]
[illegible] از شهر [illegible] نمودند [illegible] طهران [illegible] امام جمعه [illegible] (قرا [illegible])
[illegible] کاری [illegible] حاج میرزا [illegible] مجتهد [illegible] کردند [illegible] از شهر خارج
کردند [illegible] طهران رفتند [illegible] ماه رمضان ۱۳۲۴ از شهر خارج نمودند
اعضای انجمن [illegible] علما [illegible] قسم خوردند که [illegible] دولت [illegible] نکنند [illegible] رمضان [illegible]
[illegible] شاه ولیعهد را طهران خواستند [illegible] که [illegible] ولیعهد [illegible] طهران
[illegible] در تمام راه [illegible] ولیعهد
[illegible] حرکت نمود [illegible] حاج [illegible] انجمن [illegible]
[illegible] مظفرالدین شاه [illegible] وکلای [illegible]
[illegible] در ۲۹ ذیحجه [illegible] کردند از غره محرم ۱۳۲۵ [illegible] مشروطه
[illegible] نمودند [illegible] حاج میرزا [illegible]
[illegible] اعضای انجمن [illegible] شده [illegible]
[illegible] حاج میرزا حسن مجتهد نظام الملک والی (قراجمن) را [illegible] تهران [illegible]
[illegible] نظام الملک اعتراض نمودند جواب داد مجتهد
[illegible] حاجی میرزا [illegible] داد [illegible] اهالی و وکلای انجمن
[illegible] مجلس [illegible]
[illegible] - آقا میرزا [illegible] - میرزا [illegible] - میرزا [illegible] - میرزا جواد [illegible] باشند برای [illegible] را
[illegible] اعضای انجمن [illegible] کردند [illegible]
[illegible] شد [illegible] حاج میرزا [illegible] انجمن [illegible] دستور دادند که [illegible]
[illegible] از شهر خارج [illegible] مشروطه [illegible] شد برای [illegible]
[illegible] مشروطه [illegible] مشروطه را در [illegible] اطلاع [illegible] اهالی [illegible]
اهالی جمع شده [illegible] فرستادند [illegible] که حاج
میرزا حسن کاری کرده [illegible] قسم [illegible] خورده [illegible]
[illegible] قسم مجتهد [illegible] از شهر خارج کردند [illegible] طهران شدند

تا سید هاشم که قبلاً به طهران رفته بود و عضو انجمن ایالتی [illegible] چند [illegible] به تبریز [illegible] در [illegible] گردد از [illegible]
وارد شده بود و هم قضیه در صفر ۱۳۲۵ اتفاق افتاد بعد از این قضیه حاج میرزا محسن مجتهد - میرزا صادق مجتهد
حاج سید محمد جعفر [illegible] برای اعیانی [illegible] به سبب [illegible] خارج شده [illegible] رفتند [illegible] (سردرود)
فردای آن روز از طرف وکلای انجمن عقب آنها فرستادند حاجی میرزا محسن - میرزا صادق را برگرداندند
حاج سید محمد [illegible] خود [illegible] حاج میرزا محسن [illegible] خود [illegible] قرار داد [illegible]
دعوت کرده قرار گذاشتند [illegible] انجمن [illegible] قبول [illegible] اگر قبول نکردند [illegible] آن [illegible] فقره
[illegible] انجمن [illegible] مردم [illegible] مشروطه [illegible] - ما را انجمن [illegible] بکنند
با [illegible] کاری [illegible] باشند - [illegible] رفته [illegible] برگردند - [illegible] مشروطه باشد [illegible]
مشروطه و قانون برای آنها ضرر دارد [illegible] شده [illegible] که قسم خود را [illegible] کنند برای اینکه
نتوانند عقده [illegible] که [illegible] کرده بودند [illegible] نقض شده است

تا سید هاشم [illegible] در [illegible] انجمن ایالتی [illegible] کاری [illegible] حاج میرزا [illegible]
حاجی [illegible] در بازار [illegible] تا سید هاشم [illegible] سید [illegible]
[illegible] کرده [illegible] هزار [illegible] جمعیت [illegible] طهران [illegible]
[illegible] طهران [illegible]
[illegible] انجمن [illegible]
[illegible] نظام الملک [illegible] انجمن ایالتی [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] تا سید هاشم [illegible] کنند [illegible]
[illegible] هزار [illegible]
[illegible] هزار [illegible]
[illegible] صد [illegible]
[illegible] انجمن ایالتی
[illegible] صد [illegible] هزار [illegible]
[illegible] مردم [illegible] انجمن [illegible]
[illegible] مشروطه [illegible]
[illegible] مشروطه [illegible] قانون [illegible] مشروطه [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] آذربایجان [illegible]
هر چه علمای نجف در خصوص [illegible] مشروطه [illegible] نمی‌بخشند

[illegible] مشروطه [illegible]
[illegible] خارج [illegible]
[illegible]
[illegible] انجمن ایالتی [illegible]
[illegible] خارج [illegible] آذربایجان [illegible] طهران [illegible]
[illegible] آذربایجان [illegible] شد

قشون روسی که از طرف بیله‌سوار خاک ایران وارد شده بودند با طایفه قوجه‌بیگلو شاهسون مشغول زد و خورد بودند
عده زیادی در محل بیلطه دار و درخت شد تا حتی توپ که اجرای قانون حکومتی (در اردبیل) ... [illegible]
مشغول شد

در همین موقع رحیم‌خان اسعد جاهی رجوع قدمی نموده با اردوی اردبیل نماید با بار دیگر قشون روسیه را که از سرحد تجاوز کرده بود
خارج نماید مأمور ... کردند ... عزت‌الدوله توپ ... ایشان را با داد و اخبار را ... نموده
و دولتی کرده و از حاجی میرزا کریم امام جمعه را از قریه سعداوا نیز آورده حاجی میرزا محمد مجتهد را از طهران با احترام وارد نموده
اهالی قره ملک تحت آقا را ... گرفته واگذار کردند ... از هر طرف وسیله ... را برای خودشان مهیا میکنند
که سید هاشم ... انجمن ... اسلامیه ... قرار داده که مابین ... بزرگ شاهسون ... رقابت
محرمانه مشغول فراهم آوردن وسیله ... بودند اما در طهران ... کار کشید که
امیر بهادر جنگ - شاپشال - ... سلطان نوشتند

هواداران رحیم‌خان ... خبر رسید ... خبر دادند که شاه ... امیر بهادر ...
وکلای انجمن ایالتی و سایر انجمنها در تلگرافخانه جمع شده به ولایات ایران خبر دادند شاه که قانون اساسی را داده بموجب
قانون رفتار نمیکند ... شاه سلطنت مشروطه ... شده ... تمام ولایات ...
کردند ... سلطان مشروطه ... مشروطه را قبول ... خارج ...
برداشت ... سید هاشم ... آماده نموده بود حاج میرزا حسن
حاج میرزا محسن حاج میرزا کریم امام جمعه - میرزا صادق - شیخ عبدالرحیم کلیبری و سایر ... را جمع نموده و ...
... را بشاه ... سایر ملاقات ...
... طهران ... آقایان در ... اسلامیه ...
... قره ملک ... اطراف اسلامیه ... - ... حاجی
... را با ... نظام ... و ... را با سوار ...
... هزار ... هزار ... سوار ... در جنگ ... شده بود
... طهران ... اهالی ...
... داد
... سوار ... شهر ... خود ... فوراً
... شد ... جنگ ... سیم ... الدوله ...
شروع شد از طرف ... سوار ... قراچه‌داغی ... - ... قره ملک
... کرده ... ستاره ... صاحب ... را
... از طرف ... ستاره ... شروع شد از ... صبح الی عصر
... گلوله ... بزرگ ... شد ... سوار
... جنگ بودند مشغول ... اسلامیه ... اسلامیه ...
... که ... عثمانی ... شده ... مشروطه ...
... الدوله ... جهاد ... بارگشی
... را ... که ملاها ... عوام را
اغوا ... برادران اسلامی خود نمایند

ملاکسینه عوام از سه جای حیر مسلح اطراف ملکها را گرفته شلیک چاریه سد بردیم سه بهارا النقیض بر بالشم ملازیم
در جواب شلیک صبر نمایند در ایام جهاد لازم شده ولی دفعه با کفش پوشیدیم و این جهاد نمودیم الوقت اقدام نکا
روز ۲۳ هم محافظ حمله کردند سالدات قرقان و سردار و سالارهای مسئول دفاع از خیابان و محله حبیر شوند
در سقاخانه بستند و قراری سنگربندی کرده جنگ سخت کردند ممکنه باشند که تنها یا ایشان مسلط شده عوض بپوش
و همین امالی از پیش سرپیر و بهارا النقیض برسانید یا نوه شهر جوادی الیالی روز دوشنبه بار از حول امری جنگ جوادیه
مالکه بویوکخان لیبر رحیمخان هر چه از سه شبه تیر از هر یا هزار سوار به تیربار در تاریخ صاحب دیوان سرل
کرد سال راه زنی و قطع طرق را نهاد سرود در ایالت بمنود بیلده هزار سوار جمیع کثیری از اهالی قراجه داغ
از قبیل سردار سکاری همراه آورده بود که اموال غارت شده را حمل نواحی قراجه داغ نمایند
اهالی با عمینه درادل امر تسلیم قانون شدید شده بودند و سند آزادی گرفته در بعضی دهات نیش اهل در دهه بیوکخان امر کرد
میله با عمینه را غارت نمایند بطور بحشی حرکت خانه ها و کاهارها رجوم کلا شرده نمانه ها گیر سرق نقیه اهل سیه را زده بودند
غارت کردند ها سیکه دست نمان رسید یکی نقل نمودند اموال غارتی را عرق بوسیله اهل سکاری که همراه خود بیان آورده
بودند حمل با وطان خود نمودند

در خرم شهر جوادی الیالی بویوکخان با سوارهای خود و سایرین حمله سخت نموده سالدار و سرراه واقع بود و در سنگر
با بیده از قمایدین برای حفاظت شهر حاضر بودند بقدر یک مهلت کردند چرب سوارها و پیاده ها نزدیک شده از لوش قربان
شلیک تفنگ و توپ دادند مابین حمله سخت کرده بیوکخان شکست خورد از عده تعقیب و قبل تاریخ حاجی ابراهیم
صراف و عده تاریخ صاحب دیوان رفته مجاهدین در تعقیب اشرار رسیده و قبل تاریخ حاجی ابراهیم ملحق شده در ریاستی
نفر یا سه قاطر نقره از سوارهای بیوکخان مقتول و عده کثیری مجروح کردیدند اینقدر عوض غارت کشته خود را حمل
نواحی واقع کردند بویوکخان مأمور شده تاریخ صاحب دیوان قبل چون راهزنی و نهب لطفعلی بیک بود
بهای در روز را که بشنید کاروان و راه کرد را سخت ممنون تر که با همراه آذوقه ارزان جاده بزرگ بریده شد
اهل شهر از غارت با عمینه سخت بیاده که بموده سیب های بزرگ شد چون لیبر رحیمخان تاتی غارت در اهر ایل زا
که گشت اهر اهالی مش در بار بیطالب حقوق خود زیاد و سند پیاده کی کردند با تقسیم نقره سیرنکوار در بر و
(تاج جهد بها) را که از هر کجا شاه جوره ساوردند ضبط کردند همه هم با قاطر پول زیادی را دادند شهر را پس گرفتند
در سیم و چهارم جوادی الیالی نفسگذار ارباب مسئله ترسان و لواران مخبر معلوم و تاج نظام حمله در کشته خانه شمس العلماء
و جلیل الملک خانه و حجره امین التجار که در سرای حاج میرزا محمد علی صفهانی بود از خانه به حجره اش راه داشت
تاراج کردند متعلقات و مال التجاره که بسیاری فرش کرمان و تبریز بود سیع لگیری بردند علاوه ده جواهر و پول نقد
هم که در حجره و دکانها بود سارا را غارت کردند

چند روز قبل از این دفعه حاجی میرزا محمد برادر کوچک حاج میرزا کریم امام جمعه و میرزا رضا آدم او را مهمان
رفته منزل میرزا ابوالحسن محرر بودند جاره ایتفو قصاب چهار الی قاته حاج میرزا حسین آمدند که ایشان را زده و
بیرون آید ه بودند ادعای قصاب که مینمایند بودند رفتند از ابوالحسن حاج میرزا محمد را گرفته عوض خون قصاب
بقتل رسانیدند

میر اسماعیل پسر سید علی قاری قاتله حاج میرزا حسین مجروح شده بود فوت کرد در یخش سوارهای قراجه داغی در محله نقیکخان
محله سربان و قره ملک شلیک همین در قبلی و غارت ایشان ایضا بقا نقیه خانها بسرها نیک ایل ایل و ایشان ها جلال
است با هر سیحید که لی هرقهها در وجود یک سکه نقل نیان و زدی است چه اثرات بوی ای می بخشید

دفعه که رحیمخان خبر شکست سوارها را شنید خشمناک شده به بیوکخان تلگراف نمود به این خواسته نمود
نموده بود که چرا اینهمه از سوارها را بکشتن دادی بعد از آن خودش با هزار و دویست نفر سوار خود و با یک
فوج سرباز قراچه‌داغ مرکب از ده توپ و دو عرابه تا ارم رسید با جلال وارد باغ صاحب دیوان گردید
مستبدین از ورود او و فوج تازه بیدار گردیدند تمو(؟) با دیدنش رفتند رحیمخان خودش سرکرده بزرگ آذربایجان
بود از طرف محمدعلی شاه هم نامزد شده بود که در قتل و غارت بیچیزه خود داری ننماید هم بعضی غارت مردم را
که آقایان اهل شیخیه سرخاب با ایشان حکم کردند آن آبهارا قطع کند اسباب ارکان قطعا در هر صورت از دکم
در آنجا بیکار بود سوارهای رحیمخان نزدیک در شهر کمیاب شد
امروز عصر تفنگچی‌های مجاهدین شتران در خیابان و سوارهای قراچه‌داغی شهر حمله کردند از طرف توپخانه الی کردنا
(دکوی میدان) هرچه دکان و بازار بود غارت نمودند در حدود ششصد باب دکان غارت شد تخمینا
صد و بیست هزار تومان مال کسبه و تجار تاراج شد اهالی بیچاره نیز ابراز گلو(؟) تیرباران کردند
در این روز مستبدین دعا داده بودند که مختصر کردن اهالی باید شده آدم فرستاده هر کسی بالای خانه‌اش خودش
بیرق سفید برنبد در امان خواهد بود
در این روز سوارهای رحیمخان که تازه آمده بودند بقدر چهل خانه از محله (باغ امیر) را تاراج کردند ازآن
ادوات حاج ابراهیم صراف حاج محمد باقر تاجر و غیره جمعی از معارف محله خیابان پیش باقرخان سالار ملی
رفته اظهار کردند ما هم بیرق سفید برنبدیم الحمد لله خیابان را هم گرفته نتوانم با چه کرده رحیمخان با جلال
وارد شهر شد در باغ شمال منزل کرد سوارهای رحیمخان در محله نوبر غارت را شروع کردند که بیست هزار
اهل محله نوبر جمع شده در محله نوبر خیابان سوارانیکه بودند هرکس را که دیدند سر برهنه نمودند
شکست دادند که همراه داشت ازاد شد بگریختند باقی بعد جمع شده از خانه و غیره پیش رحیمخان رفته بود را
سوار زیاد رانده بیک سو در میخچه گال(؟) سوارها را اطلاع که این شخص عضو قشون انجمن بوده بعد خانه‌اش را
غارت کردند لباس را گرفته حبس نمودند ازطرف انجمن اسلامیه محله مرقه‌ای بیرق سفید بر خانه‌ها زدند
هر کس بیرق سفید بزند خانه‌اش غارت نخواهد شد خود شاهم معتقد بودند در بعضی محله‌ها بیرق سفید زدند
و گوش نمیدادند
جنرال قونسول روس رفته پیش ستارخان گفت که به باقرخان بیک بیرق روس بزند
اما ستارخان گفت بخواهم شما که جوان و دلیر هستید ستدیم که در امان جنرال قونسول پناه ستارخان جواب داد
که من زیر بیرق ابوالفضل العباس و بیرق اسلام هستم بیرق شما بیرق ملیت میدانم تا آنکه ظلم و بیداد تمام خواهم شد
من تا آخر ایستاده‌ام تا بیست سه سرانه مستبدین را گرفته خواهم کرد اگر شاهنشاه ایران مرا معاف کند
حاضرم ولی ملت از حقوق مشروع خود دست برنخواهد کشید مگر مرد باشی نیز تا آخر جنگیدن کرده زیر بیرق شما پناه
نبرم باید هم بیدار تا حدود ما
مرار(؟) تا در این خطر با چند نفر مجاهد حرکت کرده رفته جمیع سرهائیکه مستبدین زده بودند کنده پاره کرده
مراجعت کردند با قرخان سالار ملی دیدند قریب صد نفر مخصوص خورده از دفعه که قصد برنامه آخر هر چه
از دشمنان برگه حواله نموده بعضی آوردند سوگند دادند چاه سکه بدی راه کشند در طرف
محله خیابان مشغول دفاع شد ستارخان هم در محله امیرخیز مشغول دفاع بودند
از سیم جمادی الاولی الی ۱۲ جمادی الثانی در دست مشتی حسنک و ربوشلاک شد تا سر اداره مجتهد

با مجاهدین بود در آمدن شب روز نخستین و ترتیب نفر سوار قره داغی یک نفر سوار مرندی سه نفر از اهالی محله
سرخاب کشته شده بودند از مجاهدین چهارده نفر بقتل رسیده بودند

روز یازدهم جمادی الاولی اهالی شهر که در مسجد صمصام خان جمع میشدند از سرکرده ناطق چاره جوئی را بردند
بطرف محله خیابان حرکت کردند در راه بهریک از سوارها و سربازها میرسیدند اسلحه آنها را میگرفتند
تا وارد خیابان شدند بسالار گفتند ما آمده ایم با شما جنگ کنیم یا قرچه‌داغیان جواب گفتند ابداً از جهت
جنگ ملت راضی نیستیم با مجاهدین با رشتی در دل داریم مدافعه خواهیم کرد تعرض نخواهیم کرد شما آسوده باشید
شما تسلی برسید

در این اثنا خبر آوردند چند نفر از سوارهای قراجه داغی تکیه کرده اند که از شترداران نشانه مجاهدین بر گشته
بمقابل ایشان رفتند از جانب سراندازی شد درنتیجه سوارها فرار کردند با قرچه خان بالا عودت داده با
مجاهدین تعقیب کنند رحیمخان را از اسلحه فاتح نمایند از سه طرف باغ حمله کردند بعلاوه برگلوله تفنگ دو سه انداز
میکردند رحیمخان و تابعینش سراسیمه رو بفرار نهادند رحیمخان که خودش از اهل سردار شجاع میدانست اکنون دانستند
از انبار مهمات و غیره از قبیل اثاثیه اسب‌ها و اسباب خانه توپ قورخانه تمام را نیز از طرف خیابان تا باغ
دیگر تر نهادند مجاهدین رسیده اکنون بود تصرف در آوردند رحیمیان با تابع بائیک روی عقال میکنند
شد چون در تمام خیابان محله از شهر خارج شد اهالی محله با خاطر جمعی میروند گردش کردند اگر چه بازارها
تاکنون شبیه بود ولی تفتیش میکردند که سوار و سرباز بهار انخیت نکنند

بعد از خارج شدن رحیمخان از شهر از جمله سربازان سوارها و تفنگ دارهای آنچه بهم رسید دسکر تیمچه خانه را
تاراج کرده بیرون ساختند مشغول جنگ میشدند تیر از دو طرف از دست مجاهدین در باغچه مسدود بودند و
بمثابه که چند نفر از سوارهای قراجه داغی در شهر کشته بودند

سوارها بطمع غارت و بردن مال مردم که در بازار حکم داده بودند روز بروز بر تعداد آنها افزوده میشد
در این شب روز باز جنگ بود سه روز اهالی محله در مسجدها و تکیه‌ها از اشتغال جمع شده بر ضد
فتنه و فساد تعقیب میکردند حاج شیخ و خط سرکرده ناطق مردم را امر بصبر مینمودند رحیمخان
سکنت رفتن در باغ صاحب دیوان منزل کرد خوش بوعده حکومت آذربایجان آمده بود
فرستاده خبر داد اگر امروز فردا تسلیم شده زیر اطاعت نیامدید والا شهر را با توپ
خراب خواهیم کرد در عوض ستارخان و باقرخان فرستادند چند عراده توپ آورده در محله امیرخیز
و خیابان گذاشتند

در چهاردهم جمادی الاولی رحیمخان - ضرغام نظام - حاجی فرامرز خان و سایر سرکردگان قراجه داغی و سوارهای ایشان
شجاع نظام - نظام خان - حاجی میرزا خان مرندی با سوارها رجوع دیگر تفنگچیان محله سرخاب و سربازان
و فوج ملک بیگ کرده که باغ شمس و باغ کاظم و جعفر کوش گرفته از چهار طرف شهر حمله کردند
از طرف سلاح خانه امیرخیز و سربازان از کوچه (لک لر) از طرف کوچه سیدابراهیم سیلان
کاهو دوش‌ها - بازار چه سربازان بطرف دروازه استانبول امیرخیز را بمبارزه کوچه عرقچیان چند
از صدای توپ و تفنگ فضای شهر را از زلزله لبریز نمودند

همان روز ستارخان بعقیده که دهند بیرقی با اسم صاحب الزمان ع درست کرده بودند داده بودند ببرند در برج ایالتی
سقف گنبد صحن الحمیس و کوچه‌ها مملو از جمعیت شده بود با دعای شکر دادند حضار را بانگ نعره مکرر الحفظ
الحمد و شکر قرار دادند

چون چند روز قبل اراذل که سوارها و اشرار از شتربان از بازار حمله آورده بودند بخواهانی را غارت نموده بودند غارت کنند
چون مستحفظ از مجاهدین اسلامیه و تجار جمعی بتجارت مشغول شده بودند خبر که مجاهدین متفرقه آمده و دو نفر رسید اینها حمله
کرده و چهار نفر را کشته باقی فرار میکنند شنیده شد شفیعه میخواهیم اسم مشروطه را برداریم حالا مشروطه طلبی در تبریز میکنند
ما نمیخواهیم که است

سوارانیکه سرخاب را تصرف کرده بودند نقشه یکی عشق که حمله را شروع نمودند که خیلی دیگر شد تمام اهالی تبریز از سرخاب
چند دیگر سر همه بهر طرف از جنت شده بودند و موجب این انقلاب تقلب میکردند متعلق بوتی را دره که سرخاب
قرار داده از اینجا بعدالله گلوله لیزا اهالی محله امیرخیز و دیگر به و چشمه حوالی سرکشید از طرف محله سیلاب که این
محله شتربان و امیرخیز و قیمت نفر با صد نفر سوار قراقه داغی چون حمله کردند شش نفر مجاهد در یک بالاخانه سنگر کرده بودند
از اهالی محله محله سیلاب بودند از بالاخانه خارج شده صدا میکنند اگر تطمیع ال میمانید ما کالیت هستیم نمانید بطرف
اینها کشتی برادر حمله میکنید یعنی جهاد از اینجا سنگ بیاید آنها تیپ دو نفر سوار را از تپه از جنبه سنگ سوار
از نیت دره دیگر حمله در گشته و یک نفر توپ بالاخانه می اندازند گلوله توپ بطرف بالاخانه را خراب میکند
مجاهدین باقی آتش به خوابانید سنگ دیگری بکرید که سوارها از آن دره پیش آمده مجاهدین را اسیر یا از آن ملتفت
انهایم و در آن تنگی چند نفر از سوارها را انتشار سید حسین قصاب که جوان رشیدی بود با تیر سوارها مقتول
ملتوی سازمی قرار کرده سوارها سر بریده آن کوچه را تمام تمام غارت میکنند حتی عیالات آنها را عریان مینمایند
در وقت رفتن سید ابراهیم و سیدان کاه فروش خانه و باغچه را تاراج نموده تفنگ دار لیزا از تا داخل شده
که بطرف سرگرسبار و خان بود از اطراف در هید (غیر تبریزی) چند خانه و باغچه را تاراج کرده با سواران
الحمد حقیقت لیز کرده که حسین بیگ شجاع لیز پور رحمان از هر طرف سردار ملی را احاطه نموده گلوله تیر بگیرد
لیز مجاهدین تیر بزنید از طرف مجاهدین سردار جند عدد توپ بطرف شهر می اندازند از طرف باغ جنوب
لیز حک خوش از به دست حسین بیگ شجاع سری سیاسی بیشتر سوار خان می اندازد جسارت میکنید سردار چون
جسارت او را دید در مقابل او را طرف قرار داده با یک تیر حسین بیگ شجاع و یک سوار زمین می افتد
سوارها که تمام آن اطراف را محاصره کرده بودند دستگیر می شد عده زیادی از آنها کشته شده عده
سرکرده شان هم کشته شد بعضی کشته کان را برداشته بطرف محله شتربان فرار میکنند و نفر از سوارها
در طویله کاروانسرا که تاراج کرده داخل شده بودند سر از آن آزادی سنگر دیدند در محاصره مجاهدین می افتند
سه نفر سان شفقتی که یکی از آنها مصطفی قراچه داغی که از سوارهای شجاع شمرده می بود بعضا بوده بود
تفنگ های خود را تسلیم نموده اسیر شدند بعد از این حکم خاتمه یافت در این روز در جهار نفر از مجاهدین
تقریباً سیصد نفر در حدود پنجاه نفر از سوارها کشته شده بودند رحیم خان تصور میکرد که در یک حمله تبریز را
زیر و زبر خواهد کرد و بقیه مقصود نایل شد حالا این شد حتی صلاح ایشان گردید که آدم فرستند
سه روز مهلت بخواهند با قرار صلح داده شود و حال آنکه این برای نیرنگ بود برای اینکه تهیه قوا نمایند
روز ۱۳ / ۱۴ / ۱۵ جمادی الثانی دعوا شد و ضبط اتفاقا اگر مهلت خواست با اینکه سردار ملی میدانست
خدعه میکنند معهذا مهلت داد

چند روز قبل اهالی شهر جمع شده تلگرافی در تبریز ایصال بحضور شاه نمودند که با جهت شوکت ملک و ایران
مملکت ایران و شاه بمسلمانیم که این طایفه را شنیده دستگیر کرده این چه تجاوز ماره میکنند احوال ما را متاثر میکنید چون
تلگرافخانه دست اشرار بود با اسم تلگرافی توسط اتفاق خارجه مخابره کردند در باره اینها شاه سری بدتر

بار بیاندازند جواب داده شد با جواب رسید اشرار از تبریز بیرون کردند چنانچه در جنگ دیروز که رحیم خان را از
باغ شمال راندند بلافاصله اشرار پیش آمده از جمله در یک بلوک شاه رحیم خان سر کرده بود که با حکم نظام
ملت ریختند اموال اشرار غارت کردند همینقدر که اشرار دستگیر شدند شهر را آرام نمایند مقصود از اشرار
معلوم است مجاهدین و ارد شهر نمی شوند
بعد از ستارخان مهیت که تمام شد حمله مجاهدین قریه که فرمانفرما برده بود از تبریز رسید از اردو مقدم جماعتی از ایلات
رحیم خان و سایر سرکردگان مهیای جنگ شدند توپها را دامنه کوه سرقاب کشیدند مقدمه لشکر که از کوه سرخاب
بود با گلوله توپ زدند از دو طرف توپها درگیر شد که با سنگرهای حکمیه و شهر ...
سردار هم دستور دادند توپها را در باغ حاجی صمد که نسبت به نقاط ... دارند باز روز ۳ جنگ ادامه داشت
سردار و سالار اردوی سنگرهای ... سنگر رفتند جنگ کردند مجاهدین را از حمله بردن منع نمودند
عده از سواران کشته شدند سوار از بالا شهر حمله کردند مجاهدین از سنگر بیرون شدند شهر را ... دلیرانه ...
... بمجاهدین و ارد شهر جماعت سواره ... صمصام خان جمعیت ... حاج شیخ علی اصغر مجتهدی
میرزا کریم ... اهالی را از ... و از محبت مشروطه تمجید کردند
میرزا حسین واعظ که از تبریز در دو توپخانه فرانسه متحصن بود سردار آمد و حقیقت ماجرا را گفت چون و از
دیگران ... ترتیب ... صبح تمام ... نمیشد ... واعظ بود شد اهالی را آرام کردند
ستارخان هر یک در گوشه نشسته منتظر فرج بودند دیدند که در این عرصه حال ... به عرض ... رفتن
رفتن در سمت کوچک از سمت که صبحی ... صمصام خان ... جمع شدند بلکه ... ایلچی خارجه
... محاربه با هم ... نمودند قریب ... که با ستارخان ... عموماً با ... خارجه داد و ستد دارند ... لکه
... و تجارت که سرکردگان ... سرداران ... سلاح ... ادامه باید ... از اطراف
... جانب ... باشد جنگ ... که اگر خود ... را
... حمله ... با که ... حقوق ... که مشروطه است ایستاده ایم
در ... سلطنت بلافاصله اهالی ... اردو ... جواب داده شد

در ۲۴ جمادی ... ۱۳ اهالی تبریز ملاحظه نمودند که علمای شهر حاج میرزا ... - حاج میرزا محسن - آقا میرزا صادق
حاج میرزا کریم امام جمعه - شیخ عبدالرحیم کلیبری - حاج میرزا ابوالحسن ... و سایر علما در ... ایالت ... با
... که ... جمع اند
رحیم خان سردار نصرت - شجاع نظام مرندی - ضرغام نظام و سایر سرکردگان ... و ...
دیگران با وجود ... آقایان ... و تجارت ... دعاوی ... مجید الملک ...
... بر خیر ... ضعیف ... رفته و ... اطراف شهر با ... جایی
شده ... سبب ... رسیده ... سرکردگان ... در قلعه ها ... کشته ... حق
... دیدند که ... اجتماع فراوان دست گرفته باغ ... با سلاح ... داد خواهی از ظلم ...
... که ... نمیشد ... و اموال ... را غارت ... هزار ... حرکت کرده تا نزدیک ...
سرخاب رسیدند ناگاه از دو طرف ... به ... خود را ... کردند ... از ...
... گلوله خورده ... ... تا ... که ... از آن مهلکه خود را کنار کشیدند ... خاتمه ...

مجاهدان شان برسند بنا دفن کردند در این روز سال اهالی یکی دیگر همه دکانها بسته بود در تمام شهر تعطیل بود دیگر
بازارها و همه زبان‌ها بسته شد

پس از این قضیه بعضی از سرداران تبریز دیدند که امر مهم غیب تمام خواهد شد دعوا طول خواهد کشید متواترًا از طهران
خبر رسید که اردو و قورخانه حرکت خواهد کرد به شاهزاده عین الدوله والی آذربایجان سپرده از اردبیل سوارهای شاهسون را خواهد
آورد قتال قطعه در باکو و جوب بدار کشیدن لشکر کشی متاثر خواهند مجاهدین هم دارای تشکیلات منظم تری قرار دادند که هر
بیست نفر مجاهد دارای یک رئیس باشند و رئیس بیست رئیس را نیز همراه خود شان انتخاب کردند که آن عده در جاهایی که باشند در
دکان فشنگ و سایر دیگر روش منظم رفتار نمایند در کلیه منازل هر دسته رئیس خود را بشناسند و در هر نقطه که محل سرباز
تحت مراقبت رئیس خود شان جنگ کنند سردار و سالار تمام هر رئیسی برای کل مجاهدین بودند دستگاه معین کردند
اسامی آنها در دفاتر ثبت شد قرار گذاشتند فشنگ برای آنها در این نقاط شهر مشغول کار باشند در امیرخیز ـ محله ایالتی
ارک ـ خیابان کار کنند هر قدر فشنگ مجاهدین مساوی دارند برای این عبارت بخورند داده در عوض
فشنگ‌ها را برگرده تحویل بدهند تقریبًا روزی هزار از قتال منازل مجاهدین بود و خواهند از مجلس حقوق دسته بود
در هر محله کنفرانس از ستارخان انتخاب کردند هر روز نفر معمولی انگلیسی دادند که نمی‌داند که این کمیون جمع شود در هر دفتر
دهات و قریه ثبت کرده تحویلدار اطلاعیه قرار دادند سرکرده‌ها مجاهدین از کمیون منازل بود که مجاهدین نام خود را
در تاریخ نمایند و باید بدهند مامور از هم جدا شدند هم‌چنین نیز که در ال منظم کردند تا این ختم چهارشنبه ترتیب
اشکال دفن مجری کرده کمیون مهر مخصوصی داشت که بدین اداره آن مهر را از اهالی مسکو فقط به دیگر خودسری نشود از بعضی
از این نکرد

سردار و سالار هم اعلان کردند اگر یک مجاهد یک نان بخواهد بدهند حتی اگر حسن را متهم کنند آن مجاهد را
در حضور رئیس قرار داده‌اند مجاهدین دسته بدسته در سنگرها خود شان بیست و چهار ساعت حاضر باشند ۲۴ ساعت
برده شهر خواهد خود شان استراحت کنند در موقع جنگ‌ها حاضر شوند چون عده مجاهدین زیاد بود هر ۴۸ ساعت یک دفعه نوبه
بیکی شان برسد تا چهار روز آزاد بودند

خط آتش از خیابان و قوری چای الی سرباز آجی از طرف باغمیشه، ... از دروازه باغمیشه لطف
کوچه مرحوم حاجی میرزا جواد مجتهد از شهدای خطیب الدوله دروازه شتربان میدان که بقرب آنها از ترس هم محله امیرخیز
دشمنان سنگر زده الی سرباز که تقریبًا ده کیلومتر بیشتر امتداد داشت از هر طرف در تمام این‌ها سنگر بسته
شده بود تقریبًا ... سنگر مجاهدین داشتند که بیشتر در دور و در از پیشکشیدند از اطراف نقشه‌ها که ملکه ایران
سرقاب سوارهای قراجه داغی مرتبا بیست الی در قسمت‌ها خودشان عده کمی هم مرتب سنگر کردند
مجاهدین علاوه بر عده‌ها سنگرها و سنگرها مدام قراول داشتند در جاهایی که و کوچه‌ها شهر هم محافظ که سنگر بود از
در سمت شرق شهر محله قره ملک واقع است الی آن محله خود متصل بود تا محله قره ملک متصل با سیاه آب که در جه
از طرف هم محله حکم آباد اتصال دارد در نقاط قره ملک تا مجاهدین سنگر بندی کرده بودند که از اطراف
بمحله شهر حمله نکند در حقیقت میدان جنگ تمامی معطل شده بود مجاهدین با خیابان و قراکاری ... ابتدا
خط آتش را حفظ مینمودند واله شهر تبریز را استوار در آن جا یک سال مگر دیدند که شب‌ها را هم بعد از
محله روز جمعه هفت و ششم الی عصر آرام بود صدای توپ ... از چهار ساعت بغروب مانده از
محله شتربان شروع بجنگ شد در این روز تا مدتی که سوار و سیاده قراجه داغ و سوارها سرکشی داشت
بعضی از جوانی از طهران تیر اندازی و قراولی به سهام بزرگی فرستاده بودند

رحیمخان در این روز عده از سوارهای ارس و طهران جمعی از سوارهای خود و سربازها را روانه (عالی قاپو)
نمود که از طرف امیرخیز سردار را مشغول جنگ نمایند از این طرف سوار و پیاده ها حمله برده داخل محله خیابان
شده ملکه دستبردی نمایند با سالار ملحق شده باغ شمال را بگیرند

در این گیر و دار بحکم سرداران بوسیله توپ میدان تونقاره در بین عالی قاپو این چند سوار و پیاده که آماده بودند بسمت داخل
بازار رفته کشته مجاهدین که در کمین ایستاده بودند شلیک کرده جمعی مقتول جمعی دستگیر شدند بقیه فرار کردند در طرف
امیرخیز با امیر سردار با مجاهدین دنبال عقب نشاندند جمعی اسبهای ملک را که چند چپ عده دیگر معتوق شدند
شب شنبه بیست و ششم جمادی الاولی الی صبح جنگ بود صبح یک فوج از تشکیلات وارد باغمیشه حمله کردند در اطراف
داخل کوچه (قوللار) شده با غارت که چند سالدخردار کشته عده مجاهدان گرفته را رانده خود نیز با عده دیگر
در دروازه حمله کرده بفاصله کمی سوارها را پس نشاندند هر از ده نفر که سه تای غارتی در روسی مرقد از بازار داد در
مجاهدین شکست خورده سمت سرخاب گریزان شدند با آنروز در کوچه (قول لر) سنگر بستند بتوپ
سالدار هم در آن کوچه ها هم سنگر بستند تحفظ از قراولهایکه بستند تا صدمه از محلهش با تکثیر شد

در سمت محله امیرخیز با اینکه یک سنگر مجاهدین نزدیک مسجد آقا با قره دیگری در زمیان کاهفروشان بود سعد الملک یک
عراده توپ جلو آورده تا مرتبین مطرز سردار هم توپ آورده نصب کردند سوارها و اهالی محله سرخاب تا مها
دکاکین آنها را اشغال کرده و عده دیگری از طرف بین مقبره سید ابراهیم داخل در شدند (امامزاده سید ابراهیم) مشهور که متقابل
الحق حقیقت ثابت شده جمعی از جانب کوچه (لک لر) آنها جمعی از سمت طرف اطراف ستارخان را
احاطه نموده جنگ سختی شروع شد مجاهدین اگرچه بقدر عده کمی بودند سنگر کرده مشغول استحکام سنگرها شدند
بهرحال هر دو لشکر قدم پیش گذاشتند و توپ در آن بر دیگر سنگرها را خراب نمودند توپهای مجاهدین که در باغ بود میدان
جنگ را ادامه بمقصد بعضی کاردانها که مشرف بود شهر ابراری سنگر دیدند

رحیمخان برای کشته شدن پسرش (حسین پاشا خان) دلسوخته شده جنگ را خودش عهده دار شده بود
قدغن کرده بود اگر سواری قدم پس بگذارد با گلوله بزنند و قرار داده بود که هر دریابد کار سردار را تمام کند
[illegible] از طرفین حال حملات سخت بشدت که دیوارها با رگبار از آنها گلوله تفنگ در کوچه‌ها
بر زد تفنگ بود با حمله امروز تا عصر این جنگ خونین ادامه داشت از تو هم امام عصر شکست تمامت بعاقبت افتاد
روی یکدیگر تا ... چند نفر از سوار که دارای درشتان کشته شد از مجاهدین چهار نفر نفر رسیده
هر نفر هم در بازارچه دروازه اسلامبول در داخل یک دکان فیض چیال که مشغول جنگ بودند
بر خورده مقتول شده‌اند

روز یکشنبه بیست و هفتم دعوای توپ شد طرفین توپ ابرار سنگر دیدند در کوچه با دیوارها از زخم گلوله
توپ پیشش ممکن بود

در این روز عدالة السلطان سرکرده قراجه داغ از تبریز منزل گرد رحمدار بود در راه پیچاول کنندگان سنگر
در عوض عمارت گلوله توپ تفنگ جمعیت بر دیدند کاهگلان که اسلحه نیست با تیق مجاهدین بعضی نفر
از سوارها را دستگیر کرده بودند قونسول روس که بدیدن سردار آمد توی داده مجاهدین بر دیدند قونسولگری
سپردند رحیمخان آدم فرستاده خواسته بود قونسول تراده جواب سردار نزد قونسول فرستاد که اسرا را
رحیمخان رد کنند اگرچه ایران ما را ایشان بر تعلقند
روز دوشنبه بیست و هشتم جمادی الاولی خون رحیمخان دید که سوارها در پیاده که جلو مجاهدین نشنیدند جوانی با حیله

و نیز دیروز که یکشنبه بود مجاهدین بدیدن حاجی ابراهیم صراف که خود ... بود نزد سردار و سالار فرستاده که برای صلح حاضرم
جواب داده اند اگر دولت هم رحیم خان آمده است شهر را آرام نماید و محکوم بحکم است بیاید در دولتخانه بنشیند و شهر
شهر را بسپرد که تبریز از ممالک ایران نشسته ... [illegible] ... چه مرام دارد
گذشته از اینها حالا طرف ما دولت شده است سوگند بمشروطه یاد کند ما بحکم حجج الاسلام نجف اشرف
میگوئیم ما هست حرف ما مشروطه باشد ... [illegible] ... علما هم در هر طرف ملت با علمای نجف در یک طرف
رحیمخان سرکرده دزدان چکاره است صلح نماید ... [illegible] ... رحیمخان ...
مقصر دولت و ملت ... نخواهد ... [illegible] ... بشود ... [illegible]
از ... [illegible] ... کار دیگری ... صلح گلوله توپ ... است
همانطوریکه ... [illegible] ... داده ... [illegible]
همانقسم بیرون خواهیم کرد
حاج میرزا حسن مجتهد را هم که در ... قره ملک ... [illegible] ... شده و شهر آرام را ... قبول نموده که ...
جواب ... [illegible] ... خواهیم نمود ...
مقتدر ... بهمین قرار رفتار خواهد شد مشروطه که شاه مرحوم داده و شاه حالیه ما ... نموده
صاحب ... خواهیم ... نخواهیم داد
ساعت ... صبح ... صدای توپ ... [illegible] ...
طرف ... از ... طرف گلوله های ... از هوا ... گلوله ... در هوا ... [illegible]
های گلوله ها باطراف ... [illegible] ...
... [illegible] ... ایران مشروطه بود ... [illegible]
... [illegible] ... مملکت ... باقی نمیشود
اما اینها هر ... از ... [illegible] ... نموده اند
... [illegible] ... شنیده ایم ... شریع ... [illegible]
... [illegible] ...
که ما مشروطه و عدالت و قانون نمیخواهیم
در این روز ... [illegible] ... رسید ... بود ... فوج ... از طهران ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... گردیدند ... [illegible]
متفرق گردیدند
روز ... ۲۹ جمادی الثانیه ... [illegible] ...
طرف ... [illegible] ... حمله نمودند ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... در این جنگ ...

(گور مسجد) را از لوله توپهای مجاهدین بسمت محله سرخاب سرازیر نمودند و از طرف سرخاب دو دسته کوه
توپ کاشت از رکن و (گور مسجد) توپ میزد چند قربانی داده لیکن جنگ شجاع نظام سرسری بود لیکن شخص آدم سرپر
و خونخوار بطنی بود لیکن بزرگتر در سر بدکاهی با تیغ حمل آذوقه بشهر میشد گاهی از مجاهدین قفقاز بعضیرا اسیر گرفته حبس
میکرد و عابرین را لخت میکرد هرچه از دستش بر میآمد درباره ملت مضایقه نمینمود

اصناف بقدر امکان انبارها و دکاکین خودرا از دست آسیه در کاروانسراها شمارش میگذاردند در این روزها از طهران
مکتوبی رسید با ستاره و قبه حال که از طهران را نوشته بودند از تبریز بشهرهای دیگر تلگراف کردن ممکن نبود چونکه
تمام تلگراف را مرتیش بسته بود در تمام راه ها مفتش که بودند تبریز کاغذ را تفتیش میکردند و بعضی سیم را قطع
دیگری کمی قرار ... خبرهای شهرهای ایران بمرکز که حرارت روزبروز مشورت باده
مرتزا میخواستند ... توپ سرتیپ و جیره تابعیت ما در شهر طوریکه تمام بلاد ایران را ... کرده بودند که جدی قرار نقش
نکنند از ... ولی بواسطه ... و فداکاری مجاهدین غیور تبریز بر ترقی با آن خود گردید

خبر به تبریز رسید که در اردبیل ملا امام وردی ... را که مشروطه طلب و آدم مقدس بود شجاع همایون حاکم اردبیل بواسطه
انکه مشروطه خواه بود خفه کرده و در ... ادعای نبوت ... از ... طهران ...

روز ... سلخ جمادی الثانی طرف ... خبر آرام ... از طرف ... دروازه ... سواره ... جنگی ... عمارت
... با عده مجاهدین ... برای اینکه ... از جنگ ... چهار نفر ... داده ستاره
... در آمده ... برای ... صدر ... مشغول عمارت ... شدند
... خبردار شده ... چند نفر ... مشغول ... در ... نفر را ... قرار
کرده و ... در خانه حاجی شیخ محمد ... صاحب ... در ... تاراج نمودند چون دختر ...
... رفته بودند ... شیخ محمد ... بود ... عمارت ...
... اطاعت نمیکنند برای اینکه خود ... را ... مال ... کرده بودند ... و جیره داده ...
... سوار ... عمارت ... بود ... نکنند

روز پنجشنبه غره رجب جنگ ... بود ... تمام شده بود برای اینکه ... توپها ...
... طرف مجاهدین ... چند ... سوارها ... شده ... از ...
... منتظر بودند ... و جنگ از اطراف ... مشغول جنگ ... شده
بود در هر روز قریب صد الی صد و بیست تیر توپ ... بودند و قریب ... الی ... نفر از سوارهای
عشایر کشته شده بود از مجاهدین در حدود ... نفر ... رسیده بودند برای اینکه مجاهدین ... سرازیری
و دفاع میکردند سوارها ... حمله ... میشد

... مجاهدین و شجاع نظام ... تمام شده ... در ... رسید
... طهران تلگراف ... حاج ... را فرستادند ... صلح
... حاجی ... محله ... قرار دادند ...
... دعوت کردند ... قرار ... دادند ده نفر از طرف ...
ده نفر از طرف ... در یک مجلس جمع شده صلح نمایند

... در خانه ... که ... کردند ... شده ... که
... که مشروطه را ... مجاهدین ... حاج ... از ...

امده کیست سر بردم را بسجد موبات مسندبهر را ملکه میتواند هرا کنید کشته شد مجاهدین از تبار طلیعم رفته فرصت نخوردند
شب جمعه از طرف عالی قاپو و بلاک فتحانه و معاره تا صدای سنگک تفنگ بلند شد صبح معلوم شد که سوارها تا دیگر های
مسلم سربازان لطف بلاک فتحانه حمله برده آنها مجاهدین بد ضرب کرده از سوارها چند نفر کشته شده آنچه مجاهدین رسیده
روز جمعه حرم رجب حرکتی نمود عصر شب تا نخواهی دیروز ممیری بمانند کان طرفین تفنگ برکرد تا نخوه که رش قرار دادند
فردا صبح قانه حاج کاظم اکوئی ممیری نمایند
روز شنبه سیم رجب صبح منزل حاج کاظم جمع شدند بعد از اتراکات راه اینجه چیلی کردند متفرق شدند معلوم شد
خبر از جهت دربار معاهدین شهرش داده آنها سردار را کشته شده و شایع بطلان رسید تهم در راه اوس طهران
نوشته آخر آوردند در وقت عمل دادن تکمیل حسنعلی خان را کشته آنها بارید سالار قاسم کشته شده تا چند حاج میر
مساف اوستاده لذا بیرون رفته آن خبر صحت دارد یا نه دو دیگر تفنگ فورخانه از تبرخانه طهران دکتار رسوای که اردیها
بارشاه مسدادید رسید
از طرف سردار با شیبور چوبداری کشیده مقود تو بچی ها تول شهر آنرا با بیلبوتر مجاهدین از اسلک تا مشغول شهر انداز
میکردند بهمکه از طرف سردار با شرح تع بحث شد ارک انبار خفید خان ارجمان سالار تا توپچی ها اسلیک
دادند جمال از طرف رحیم بهم شرح شهر انداز توپ دکتک کردند از هر طرف گلوله ها بسر اینها چه زده ها
باریدن گرفت صحرای محشر برپا بود چه جهد از چهار ساعت از روز گذشته الی یک ساعت دسم بعد از غروب غوغا عجیبی در بر
برپا بود بعد از آن هر چه لشکر دشمن جنگ کنیده با کشته شد هر در دهان مجاهدین ملح سیم آگاه کشته شد از طرف
معاندین بیده از سوارها و تفنگچی ها سربازان تقریباً رسید دور در جنگ بیرون آخر دو هزار و دویست و هشتاد و هشتنی در تیرب
از هر طرف اتحاد شده بود
دیروز گذشته چند نفر تفنگچی رفته بودند از بیرون بلاک فتحانه صورت بلوکه با این شعبه اسلامیه کرده بودند دو بهار را محوا
گرفته برده بودند بعد از شنا رجال عکس ابتدا آنرا استه صورت بها را در بازی بلکه فتحانه رد کردند برای اینکه بعد اینها
تحویل معلوم شود مصادیق بها را می‌نگاریم

تلگراف سید هاشم

حضرت بالا افتخار حسام سلطان اکرم اعظم آقای شهاب الدین امیر جنگ دام اجلاله العالی
اللهم ارحم مظهر حال لی نهایت امتنان را داشته و همواره از درگاه حضرت احدیت مسئلت می‌نمایم که وجود مقتنیم
مشفقه مثال آن حضرت را از جمیع بلیات محفوظ دارد بمدا تیه که در اتلاف ... احوال حقیر بجه بلادها مشید بوده و چه زحمتها
کشیده، کار بجرائیه بدبی‌مقام رسیده و در این موقع که ... مختاج بایم جرات نمود از این ترتیب تعیینها تعدد طول کشیده
و دولت را مشغول ساخته حکمرانی خون ملحوظ این موقع تقاعد ... بایر در شیر قمر کار ها و تمام عمل کوشش نمود که حال
سر دولت حقیر با کسی معارضه شخصی داشته مخصوصاً با ایشان کمال کرست دارم و قطعاً در دل عیب کار را عرض کردم که مرکز
حقیر با ایشان دارم از حضرات قصور نخواهم داشت از دیرور تا از طور سیاست صلاح دیگ فراهم آورده اکنون اکنون ایشان
تحویل گرفتن والد دعوا نیز از تبریز ادوار بهمکنند و ما را از روز کار اشرار اسرار آورد و ما شرط بر اینکه محرمانه نباید
فرمایند که بعد از شناور کار یار ادعای نشانید تاریخ غره رجب ۱۳۲۶ هاشم الموسوی مهدی قلی

ارتفاع تلگراف فوق دیگر (محرمانه نباید فرمایند) مراد ثالث حاجی میرزا محمد ... حاجی میرزا حسن مجتهد - حاجی میرزا کریم امام
جمعه است تا معنی که زین و قبض امور جنگ و حکم لشکر و سرکردگان با ما باشد و دولت بر اینکه طلبیده شما را منتظر مقصود را
در رجحات و دوستی سردار تا حرکت از ادیب از طبیعه ملیه شد در امور کشور در امر محرمانه تعیین آنان از بر بر کرید

سمت طهران رهسپار شدند در اینجا در بار رهبان سپهدار بید دست کرده در حقیقت اساسی نقض نزد ستمدیدیرا که بهادریه را نمود در
برگشتن نصرة السلطان را در هزار دسته صد و شست و پنج در ماه ربیع الثانی داد ارکستر کی سه بت زیارت دعای فرمایه دراخ در ان
احوال رهبانی بیچاره نمودند شهر تبریز را که آرام و منظم بود با میر در سایه شان نیند تا سپاهیان با شروع تشنید خود و رابطه شاهین در رسالت
میانه های عنبر آذر تا حال رسید

سواد تلگراف سایر آقایان

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم آقای سپهدار اعظم دامت شوکته
امروز شنبه از صبح تا عصر بنگ جنگ بود سواران شجاع نظام با جمعی تفنگچیان شهریان با ترک کاظم ذاتی جسمان شیرانی کاملی
و فتح نمایان کردند ضرغام نظام با سواران خود در جنگ خوب نموده و جمع جوی رفتند امروز تا سحر جمع سحر در بود
حامی سوی حال بحرانی امروز در همه طاق و سد تنها حسنی جای تحسین بودند
محل مهر حاجمیرزا هاجی — حاجمیرزا محمد — حاجمیرزا اکرم امام جمعه
تلگراف فوق را مسموم است که ایشان سمس برای رضایت سپهدار و قطاع الطریق و جمعی رجال فرد ایشان در اهلی صادر کرده اند

سواد تلگراف دیگر بلدیه تبریز که ایشان علما
و اعیان دامت به اسلام
حضور حضرت مستطاب اجل اکرم آقای سپهدار اعظم دامت شوکته
استعداد و صورتی کافی به خود سردار نصرت و شجاع نظام در کار خود ممید لکن از لیل تا رستم نیز دلیل لیک دارند
فشنگ بر از تبر سوار و سپاه از حیره بخواهید و لی کار سر تند حساد الدوله سپهدار عهد از مکتب حاجی ابراهیم از اسلامیه
لکن دکاری آزاد و خانه شود و نمر گ ارد از خود شده بخواهد مخبری نمیده سعی داعی و مسعی حضرت امام جمعه ارباک قرض کرده
با سلامیه دادیم دیگر قرض نداریم اگر تنخواه بصورت رسید امید داریم که این کار بخوبی ختم شود و الله الفصیحت در تمامی خواهر کنید
صلاح مملکت خویش خسروان دانند محل مهر حاجمیرزا هاجی — حاجمیرزا محمد — حاجمیرزا اکرم امام جمعه
سواد تلگراف شجاع نظام
طهران حضور حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف وزیر جنگ سپهسالار مدظله
حالکی مبارک سلامتی ابیح حضرت تبریز قرارش شهرهاری از دست خواه
امالی اشرار مجاهدات شما ضعیف نشسته اشرار نقطه ای در اسلام حتی جمع ده از امر در جمیع بجز سنگر ستار را که در فقره ام حرق نقره
سنگر محکم نشسته توپ شرپنل کنند ده بضاعتی از این جا ولی درش شکوه هم رسید الله سالی صد سیر زیاد و لی تو بهانه که علاوه
تسلیم تمام کرده اگر منتظر را سبب یا رسید از تقاریر بحران فتول ردی امر نمود سپهدار فشنگ برسد ختم عمل حرکت
نمانده علاوه قشونه را د تبریز مهر شجاع نظام سوم جمادی ۱۳۲۶

همین شجاع نظام که لقب اشرار به مجاهدین سپرده و در اول مرتبه که در تاریخ نام اسد گرفته سنگر لکوه با سواران خود سه نام بیله تا سر لاطوی
عمارت تبرک که ستر غرور بر ایران را نکرد بعضی سر با تحت کرده بودند کلی سدان خود شان با هدیه فرار کردند

تلگراف سوی علمای اسلام و قطعی دید ... ش
حالکهای امیر نظام دام سلطنه آقا قاسم جستیکو دیگر ایمان دراهر با ملت با اتحاد کنتار جنگ که هفته اهلتان مسکند سردار نصرت
که در تبریز مشغول آسایشم هست بسیار مهم دار کنفر سوار و سپاه را به مخارت به تقویت از هر جهت لازم است کار گیرمان و
آقایان در ابتدای جمع باکمال فتنه جاریم اشرار در حقیقت حرکتی است قدغن اکید دهید تحت بدرم است

که مثل آنها برگ سبزه که شاید با سردار نصرت نبوده که کار نیز را صورت بدهد — محل مهر آقایان علما

ایرانی ساکن سامره یعنی عبدالکریم ابن عبدالرحیم — محمد حسن محمد باقر — محسن ابن محمد

آقاخان حسینکو و کریم خان حیدیانلو در اهر به نصرالسلطان نیز ارشد رحیم خان حمله کرده برای تاراج شخصی حوالی

قاپان نخواستند جلوگیری نمایند که رحیم خان دمار بیستادوی تعرض خاطر ملت نیز را فتنه و غارت نماید

وای اگر از پی امروز بود فردائی

تقیه ملک آقا حاجی حاج السلام هم حرکت از پس مقبول است از دریچه تهران سکیدم فقط تلگراف صدق سعدالدوله

که از طرف عین الدوله در باب الدولة بس سرکرده مرقوم

سواد تلگراف شاهزاده مقتدرالدوله

طهران حاکمان مهر اعلی اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه

از سمت جوار که وارد تبریز شدیم دیگر طاقت طاق شده ناچار است که هر چه خبر را به پرده پوش ریاست نزد

درج افراق لیکن در آب و تمام شد شاع نظام بقیه سرحد را فسخ کلیه ارواحنا فداه کاملاً مبتلا شده تو نوبیم بیچاره را

که از تعصبات سیاسی مملکتداری به اطلاع عند الکل چاره سعید ما شده و منافع شخصیه قرار داده‌ام آخر نابت شود گردند

هر از سر شیه داد و فریاد کردم دارد هم آقایان حضرات گرفتم و تنها نکات نزول جارحه انهای دقیق کردم که نشستن آقایان

در مجلس و وقتی‌ها شور سیاسیه طبقه اول تشت عرایض ملت‌ها شرح قبول نیافت دو کرور ملیه تشاور تحصر وارده دقیقه

و عریضه ایست امروز که تلگراف را فرا اعلیحضرت ظل اللهی ارواحنا فداه را فرستاده و مرحوم ملوکانه را الهامه ابداع

و فتوح کردم که هر چه این قدر قدرت همیون لشکر ایرانی سر موقف شود تمام سوار و سرکرده قبول و اطاعت کرده

غیر از شاع نظام که شیما قلعه هر از تیر هوائی ارسی نام دوستی شرایط خود حالی نموده و شبیه شهر را تو حسب ارحمه حسی کلوله

هوائی همیشه سردار نصرت آیره بیابه دیوار خورده شکست اعلیحضرت قبله عالم قسم است هر گاه خانه حال

و مال و اهل و عیال علاقه در راه خدمت مقدس دولت استقلال سلطنت بروید آنچه ابد آد همه برادر ذکای هر اکثر مستقل ازدیاد شد

دوره‌ای مملکت ازحد گذشت تمام این کارها محض حسب تشیع شخصی است که مورخین دیدن حجت نشانه دارند سلطان

حاد قسم ملت محصوصاً سر قصد سکان علاقه دارد که حفظ وسیله ملکه با عقل خانه زاد آنون ابکی علاوه بر انقلاب

حاضره مشیدار و ...سا ریسه از چند روز دیگر که شاهزاده عین الدوله وارد شود صدق عرایض علاقه معلوم خواهد شد

نصرت شایع عرض میکنیم چه قالها وجه حیالها وجه سحرزده وجه یار را که تاراج رفته و سرود بیرون عرض با قایان کردم عرض

اینکه عرایض مصلحانه را امیران عقل نسنجیده صلاح مملکت را در نظر نگیرند هر از گونه ناملایمات از خود آقایان در مورد

مرهون شده‌ام روزی نیست که کاغذهای رسمی از حل خارجه برسد در حضرات هیچ متنبه نمی‌گردند تشبث نمی‌کنند که

با جانفدت علاقه همراه است سردار نصره دختاب حاسید هاشم است همه مالی عقلانه دارم توجه عاجلی فوری بفرمایند که

مملکت رهازده بیش از این ویران نشود — محل امضای خانه زاد سرحد

تلگراف شاهزاده مقتدرالدوله هم طرفداری ملت را نموده و تحریکات خود را از شوکت رها کرده به سلطنت اینها

را ابراز کاملی نوشتم معقود جمع هوای شهر بزرگ است

روز یکشنبه چهارم رجب المرجب دعوائی نبود با از طرف ساعدتها حمله نمیشد مجاهدین شروع بجنگ نمودند
شنیده شد که در تسمه کوچک در شتربان جمع بودند در بلاغ که ایام حضرت شاه بکرات شاهزاده عین الدوله که در اردوی باسمنج ادارات
سوار ساخلوی شتربان بود نمودند

امروز خبر رسید که دولت عثمانی بجز در دست مشروطه شده بدون زد و خورد قانون اساسی داده نفوذ عثمانی امروز در قند
همه شنیدیم سرکرده‌ها و علما را دعوت کردند الی غروب در اینجا بودند ملاکان تمام ختم کشیدند امروز در یکی از ارک
دعای برای ازارک آوردند با سر خیر

روز سه‌شنبه ششم رجب سوار و پیاده قراجه داغی و مرندی و تفنگچیان سرخاب و ملاکریمان بازار را بخشیدند که دفعه الشیف
اموال اهالی را تاراج نمایند که خیابان با مجاهدین از قبل اهالی حمله کردند از چهار ساعت بطول انجامید و الی عصر جنگ
جنگ ادامه داشت آنجا مجاهدین رشید سوار را گریختند و حقیقت سرای حاجی میرزا کریم - حاجی میرزا قاسم خان شیخ علی اصغر
کلیبری داخل شده امیرا اسیر کردند بعضی سوار از اینها کشته شد باقی فرار کردند الحمد که تلفات از مجاهدین هنوز
عصر کرباس محله که سر دسته مجاهدین و ... با از تو مطلع و ... که ... سردار را ... که بار ارادت
معتمدین شهر که مال اهالی را در اداره ملت را انتشار داشت که عصر امروز سالدات ... سوار از برای ... سردار
باز خبر آمد از طرف ملت ... سرداران ... نمودند

در این ایام جنگ امروز مجاهدین فداکاری کرده بودند مخصوصاً مشهدی حاجی دلقی نوف - فرج آقا میرزا
محمد الرحمن ... در قول جنگ حاضر بودند

شب سه‌شنبه سه ساعت از شب گذشته شلیک تفنگ بیحد شروع شد از بازار و خیابان حاجی میرزا جعفر حاجی میرزا کریم
حاجی میرزا قاسم خان ... شد مجاهدین در مقام ... با اینکه تفنگ زیاد مجاهدین رسید سوارها ... شدند
سه نفر از مجاهدین ... سوارها کشته شدند تمام حاصل سوارها این بود که بازار را تاراج نمایند مجاهدین ... شدند
... امروز چهارم روز بود که ... شهر ... شوال ... اهل ... از ...
مال ... جنگ ... تمام ... نظام ... که ... شهر
... امروز ... مجاهدین ... سوارها و تفنگچی‌ها ... از
چند برابر ... زیرا که مجاهدین ... جنگ ... کمتر تلفات میدادند

روز سه‌شنبه ششم رجب دو ساعت از طلوع آفتاب گذشته از سنگرها ... سرخاب ... معتمدین شروع ... ایرادی
نمودند از طرف سردار ... شلیک توپ‌ها داده شد از سنگرها ... و ارک ... اراضی دولت
حمله شد ... جنگ ... امداد ... جنگ ... فقط با توپ ... تفنگ ... از
اینکه اگر از سنگرها ... تفنگ ... آن سنگر ... قرار داده ... سنگر ... ایرانی سنگر
سنگر تفنگ میشد

از طرف مجاهدین در این جنگ تلفاتی وارد نیامد ولی توپهای امروز یک سنگر معتمدین را خراب کرده سه نفر
تلفات دادند

عصر امروز در کوچه ... مجاهدین ... جنگ سخت ... مجاهدین ... از سنگر ...
... سوارها را ... کردند تورا ده نفر کشته باقی فرار کردند ... که ... تلفات ...
... مال ... کردن ... از ... حمله ... کردند
طایفه ... که آن ... در خیابان ... در راه ... جنگ کشته بود آن ... از ... حاکی ...

همچنین شمردند که بدار تو درقانه آتش بزند

با این دو سه بار دیگر ملت چهار بلوک توسط بیقرار ناملیح حمله‌ها کرده بود هر جا آنجا سیاه تیره نمود

درعوض اینکه ملت را آسوده دارد و دلخوش نماید به اداره بر تعداد لشکر افزوده همیشه مشغول بود که مشروطه را از تمام شهرهای ایران برداشته این بهانه‌ها از شهر برانیم با غیرت و همت مشروطه را برداریم زیر بیرق ظلم و استبداد برادر ترند ما انجمن بزرگ مشروطه

رضا نخواهند داد حضور ریش در بدن دارند در این راه فداکاری خواهند نمود

روز سه‌شنبه هفتم رجب بیقرار در برزو نوبت‌ها بعد از طرفین مشغول به تیراندازی شدند تا الی عصر مشغول توپ انداختن بودند عصر سوارهای قراجه داغی و مرندی و سایر نقطه‌های تبریز آنجا دستجات از طرف (عمالیه) دستجات توپخانه بودند بیخت آورده مخصوص سنگرهای استحکامات ساخته که نموده بودند در ارک دود زرگر شد گلوله تفنگ مثل باران میبارید آنجا ستارخان که مشغول دعوا بودند رسیده از دو طرف مجاهدین حمله درکشته سنگر بیخت نمودند با اینکه مسکنت سیاه سواران قراجه تا شب نیز مشغول تماشا کشتند

سنگ تخشیه از هر طرف صدای تفنگ شنیده میشد الی صبح آرام نبود شب قره‌داغیه مراغه را حمله سربازان رسانیدند همه قوه قلبی برای سعادت‌شان حاصل کردید

در این جنگ تخت در کوچه خیابان احوال مرحوم نجف سوارها بهر نحو بود خودشان را از سیدارند با اینکه بسیاری از گلوله را محاربه کرده بودند هر نهم که از دست بی‌کسیه نقطه بر جده نبودند احوال زاری بود

در میان این جنگ‌ها طرفین تخته‌ای انداخته که دیگر فرار میکردند با اینکه جمع کثیری از مجاهدین نقل برسیدند و برای بردن کشته‌های خودشان درجنگ دست میکشیدند

اکراد و سوارها بطمع بردن مال و غنیمت که آقایان مستبدین ورود ما تنها لشکر قرار داده بودند مجاهدین تمام دیگ حفظ عرض و ناموس بود شما در زمان نموده در حقوق مشروعه خود فداکاری میکردند به اراده هیچ طرف دلیر مجاهدین بود

سنگ تخشیه دعوا سخت در طرف راسته کوچه دادم سید آقا نیز در رودخانه واقع شد سوارها و سربازها توپ آورده مجاهدین در سنگرها آماده و منتظر بودند که درجات باشند تمام گلوله‌ها هدیه بر تخت نمایند با جرئت جنگ استادان چند نفر از سوارها مقتول و جمعی شده نفر کشته بر سربازان برگشتند

اهالی محله قره ملک تخت سیاه خودشان دست کشیده از اول ایلخی سوار بزرگ سوارهای قراداغی و مرندی را داده و با تهاجم شدند تا را اثر ندرون کرده جمع اهل محله از داده از دستی دجوی قباغ و جاده بزرگ شهر آن جاده بسته و دو نفر سردار ع دستور دادند که آن طاحونه شیار قطع نمایند اهالی نوکه و دیگر دکانداران به آنها را برگرداند و نعش ازار اهالی قره ملک آنچه سرداران مشروطه شد دستور دادند اجرای نمایند به آنها متعهد شدند که مربوط چه حلال

روز پنجشنبه نهم رجب جمعی قره‌داغیه بر سر سوارها رسیده از طرف ارک دور کشته از داخله کوه سرخاب مشغول توپ انداختن شدند مدتی توپها از یکدیگر جدا نمیشد تمام محله از خرد و بچه‌ها را از بخش گلوله‌ها توپها ترسیده و دستگیر شدند گلوله‌ها در هوا آورده رعد و برق میخندید پس جمعی از طرف دیگر سردار از چند از طرف سردار الله دستور دفاع داده شد که دیدند مجاهدین حسارت را از ابتدای صالح کردند هنگام سنگر توپ دادند از این طرف هم توپ انداختن شروع شد تا غروب امتداد داشت

عصر آن روز عده سوار از مایت (ایران) و (گیوی) و غیره کمک ملتی وارد شهر شدند سردار ما با ملت در حرکت مجاهدین دخل کنند جمع نمودن جنگ سردار و سالار ع و مجاهدین برای حقوق ملت و شرط دستور دادند که مرکز

دفتر بعد از طرف قفقازیه جوانان رسید کمک ملتی و از طرف ملوک هم چیزی بهر دادند و جوانان فداکار برای

ساعتی طول کشید

روز جمعه نهم رجب یک ساعت بظهر مانده توپهای دو طرف نارین قلعه که شهید الملک عودت ... شهر تبریز نموده از محل خود دور کرد
از طرف مجاهدین معقولی دیده شد از مجاهدین هم تلفاتی وارد شد

در نهایت محله شتربان و دوه‌چی که سرحاجب شیخ شده و محله امیرخیز که محل سردار است میشود از طرف خیابان که محل سالار
ملی بود هجوم نمودند زیرا در جنگ اول تبریزیان که سالار کردند تحت ترسیده بودند از طرفی هم کلیه قوای مجاهدین
در محله شتربان جمع شده بودند و محله امیرخیز اتصال دارد با بهم ... هم خواهند نمایند سوق نموده محله امیرخیز و مجاهدین
آنجا را از حمله سردار دفع و به محله خیابان کشیدند

روز شنبه دهم رجب سپهدار و سرکردگان عشایر حمله دیدند لشکر موجود در دفعه تعدادی ... که بهرطرف تعرض کنند و بودند
که هر دو کار مجهول را تمام کنند سواران شاهسون سرکرده کی نصرالله خان ... سواران قراداغ سرکرده کی رحیم خان و
ضرغام نظام سواران سرکرده کی شجاع نظام و علمیان و حسین خان امجد ... و سایر سرکرده‌ها و سربازان و تفنگ
چیهای محله شتربان و سرخاب در حدود ده هزار نفر بطرف محله امیرخیز و محله خیابان حمله کردند حملات را بطوریکه
تعقیب نمودند همراه داشتند قسمتی هم از طرف ... و میدان شتر از بالای مقاره‌ها محله هکمآباد و ... از جاده
(قره‌آغاج) و میدان توپخانه دسته از سر کوچه قپان سه دسته بطرف خیابان و سالارها و دسته از طرف بازار
و میدان صاحب الامر بر سمت کوچه و ... از بازار ... شتربان ... سمت ... آقا ... بازار دروازه ... دو دسته از
میدان کاهفروشان ... و از ... دیگر سردارها دسته از طرف کوچه (...) از طرف
سردار از ... جهت حمله نمودند که ... تفنگچیان ... مجاهدین ... مجاهدین دستگیر
ایستاده آماده جنگ شدند

در سنگرهای طرف میدان شتر میدان توپخانه - کوچه قپان مجاهدین رشید خیابانی شروع بتیراندازی نمودند ...
نمودند ... از ... در رشته کوچه مجاهدین ... سواران تعداد ... اگر چه سنگرها محکم نباشد معهذا ...
... نمودند سرکرده‌های سواران و پیاده هیچکدام ... از ... داخل ... شده نموده که ... از
... مجاهدین ... سردارها باشند ... سرکرده‌گی ضرغام ... کاظم ... آقا ...
حمله کردند مجاهدین از آن سنگر عقب کرده بودند ... در آن سنگر مجاهدین ... دعوا ... آن محله
... مجاهدین ... هجوم نمودند ... همراه آورده بودند ... دروازه ... کردند
دسته که از میدان کاهفروشان ... سرکرده‌گی نصرالله خان ... بطرف ... دروازه حمله کردند در دروازه
... فقط ... مجاهدین ... جمع ... آقا ... در سر کار خود آماده بودند از داخل دروازه
مجاهدین ... داخل شده ... در طرف ... کوچه ... دروازه ... باران نمودند ... دروازه
... مجاهدین ... دشمن ... غفلتاً ... جنگ شدند ... تفنگ ...
... گلوله تفنگ ... مجاهدین از ... خود ... مشغول جنگ شدند سردارها
... حمله و هجوم آورده ... حمله ... شدند ... دادند ...
در میدان ... مجاهدین دروازه ... در ... تیر توپ ... کردند ... توپ ...
... توپ ... تفنگ ...
... دروازه ... سواران ...
داخل شدند ... مجاهدین ... مجاهدین ... از جنگ دست کشیده فرار کردند

ستار و عباسی توپچی دو برادر بودند از توپ دست کشیده توپ را ساکت نموده مشغول دعوا شدند ستار که جوان دلیری بود
گلوله خورده فرار کرد چند مجاهد تفنگچی آنجا را از میدان جنگ بردند دیدند محال است که او را اسیر بدارند تفنگ او را
بردند چنانچه این در میدان جنگ ماتم عباسی با تفنگ دست جنگ کرد و کشته شد تفنگ او تمام شد بعضی [illegible] در بعضی
دانسته [illegible] تفنگ را [illegible] خودشان گرفتار شدند سوارها توپ بزرگ را گرفته بار از [illegible] زدند توپ را تمام کشیدند
آنها [illegible] در این اثنا مردان صغیر دیگر از قلعه فرار کرده [illegible] طرف [illegible] بودند در این اثنا
عده از مجاهدین که از دست [illegible] خود [illegible] بودند از [illegible] داخل شدند که صورت [illegible]
[illegible] معلوم نبود از کشته ستار و اسیر شدن عباسی که [illegible] رسیده بودند [illegible] بودند [illegible] که
شدند [illegible] به میدان جنگ برگشتند شدت سر انداز تفنگ [illegible] تازه بود [illegible] اسلامبول [illegible]
بزرگ [illegible] تمام سوارها گرفته بودند از میدان [illegible] میدان [illegible] کوچه [illegible] (قره‌ملک [illegible])
کوچه [illegible] سوارها [illegible] و [illegible] کرده در [illegible] کوچه بزرگ [illegible] که [illegible] سردار [illegible]
کار [illegible] اینجا را ساکت نموده [illegible] سردار [illegible] ده [illegible] نفر [illegible]
[illegible] مشغول جنگ شدند [illegible] جنگ [illegible] تمام [illegible]
[illegible] که [illegible] جنگ [illegible] معلوم نیست
[illegible] اسلامبول فرار کرده بودند [illegible] شهیدی [illegible]
[illegible] ابوالقاسم [illegible] رسیده بود [illegible]
از مجاهدین [illegible] حاجی [illegible] سواره [illegible] حاجی احمد [illegible]
[illegible] کار [illegible] گلوله [illegible] سوار [illegible] شهیدی حسن [illegible]
[illegible] آن کار [illegible] سوارها [illegible] دیگر رفتند [illegible] حسن خان [illegible] در این [illegible]
[illegible] طرف دیگر [illegible] سواره [illegible] دیگر [illegible] دیگر [illegible]
در [illegible] جمیع کار [illegible] خود [illegible] کردند [illegible] عمو [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] به [illegible] داده [illegible] خود [illegible] رفتند
[illegible] طرف [illegible] سردار [illegible] داده [illegible] خود [illegible]
[illegible] روان شدند در [illegible] جنگ [illegible] نمودند
[illegible] قشون [illegible] پیاده [illegible] سوارها و پیاده [illegible] نمودند
در این جنگ [illegible] طرف مجاهدین [illegible] شد در این روز تمام [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible] نمودند [illegible] شده [illegible] که از [illegible]
در تمام [illegible] مجاهدین [illegible] رسیده بود [illegible] پیاده [illegible] شده بود در این [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] تفنگ [illegible] دست [illegible] بودند [illegible] جنگ [illegible] بود [illegible] اسلامبول [illegible]
[illegible] بودند [illegible] شده بودند مجاهدین [illegible] قراول [illegible]
جنگ [illegible] روز [illegible] سردار [illegible] بود [illegible] در این جنگ [illegible] شهید شدند در عوض
[illegible] رسیدند [illegible] مجاهدین شدند عباسی توپچی [illegible] گرفته بودند [illegible]
[illegible] کردند [illegible] جوان [illegible] برادر [illegible] جوان [illegible]
شدند از آنجمله شهیدی [illegible] جوان [illegible] شهیدی حسن [illegible] تفنگ [illegible]

که یکدیگر مجاهدین فرو رفته میشد از طرف مقابل سر چهار راه عمو زینال سر بریده شد و جمعی مجاهدین هم شهید شدند
با آنکه در بهمن سیصد و سی ماه نفر از تفنگچیان خود را در راه قشون انبار کرده بودند تا بیست هزار نفر بر عده مجاهدین افزوده بیشتر
از دریکینه باز دهم شهر حسن ابن حسن سرکردگان دشمن پیش خود ملاحظه نمودند جنگ جهت برای ایشان از دست دادن توپ بزرگ تیر بر
در نزدیک ایشان [illegible] حقیقت که مرکز سردار است فتح شده اگرچه چند نوار مشغول شده در جنگ جنگ لیاری است
تحویل و تنها چون هر در گشته مجاهدین بسیار بوده فرد از دست در پیش نخواهند آمد خیر [illegible] سردار را گرفتار
مجاهدین را متفرق شهر را تاراج خواهیم کرد بلاکافت برزه علیه سلطان خواهیم نمود اما نتیجه بر قرار تنها تحت کری مانده بعلاوه
آن اطلاع مجاهدین تغییر خواهد شد طرح نوری در رودی را ببندند بهمان شکل نوری آورده ولی در تقاطع داشت
در دسته کوچه شیر ایرانی [illegible] ولی در اینکه هلاکت حمله کردند تقویت سی و دو نفر از طایفه شاهسون انتقال رسیده بود
سایر جلادت نفرا در برده است و در نزدیک در میدان شهر آنان جمعیت از آنها و جلو دروازه شده جلو سنگر شدی
رودخانه بلند سنگر محکمی است از رودخانه آنچه بعدار نیش از پل سعید میدان است فرمان طرف و اینجا سرکرده سردار
طرف جنب مانهای عمارت شده در بردرست در رودخانه خود دارای نموده مشغول تیر اندازی شدند و جمعی از اهالی
که فرمان که مساعدت دیگر علاوه توپ تپه بر جلو مساعد و ایستادند در خور میدان محاذی اینکه کوچه که شرف می‌شود (ایربیولر)
که هشتند عده از سوار و جلو کوچه تماشا شدند و از پیش کوچه نقار ... اینجا جلو شده سنگر کردند و در اینجا سنگر شده بعد ایام
و جلو کوچه (عیر ایجی) شده که زقاق تنگ است در ورود اینجا سنگر نمودند قوچی از بالای کوچه عیر ایجی مشهور تک
کوچه تنگ است قائم و ناحیه را از یک طرف شکل آن از آن شکل مثلث متساوی الضلعین که ضلع آن مثلث را احاطه
نمودند و از طرف دیگر سه ضلع مربع مستطیل را احاطه نموده (ثبت نمایم دعوا) نمی توان سردار ایوب را ... تانده
بود از سه طرف سردار را احاطه نمودند در حقیقت محاصره از چند طرف که بار بود از هم نزدیک دستراسی است
نفرات ماه قرم با سوارها جلو دار دست مسیر اگر سوار ها گرفته بودند بیچ حقیقت است در اینجا چقدر مانده بود نقطه جولی
کننده بود بر تعقیب آنها اهالی از این محاصره بسیار شکل است هم اطراف را دارند و ... رسیدن کمک و سوار وارده
که در تابع آنجا سوار ها نکند در خانه ها عمارت شهر چند تنها ماه از سمت ... از جمله بر سر سردار ملت صدای شلیک
بود اینجا ما توپ که در آن میدان کار شده شهادت ... امیر ایرلو ها پیدا کلوله توپ دلاوراست را گرفته توپ سعید
بر کشید مجاهد که از سعید بودند از این دقیقه تقال خورده از سعید سردار آنجا در سوار ها که از رودخانه بود و شلیک از
تعجب و جلو سعید شده از کار رد آنها جلو دیوار تهاد کوچه تنگ عیر ایجی سوارها و سایر نفرات با شلیک های بی‌شمار
شلیک که هستند سردار که تفنگ چی ... بودند ملاحظه کردند که دیگر بار خود مرام نمانده دستور دادند دوری
از عقب سعید چند سوراخ کرده به توپچیها ... ایرانی نمی توپ ... از تیر سعید کرده نفر
سوار را سعید و ... از طرف دیگر مجاهدین سعید شلیک نموده کلوله تفنگ ها مجاهدین ... سعید سیار
عده ریادی که در سعید بودند آنچه سرخ زرده تلف شده سوارها از پیش توپ ... سعید خارج شد از سنگرهای
جلو سعید مجاهدین سر ایرانی کرد و سوارها از آن جاده وسیع و جلو کار دیوارها ... توپچی ها و سردار
با تیر تفنگ جلو آنها را گرفته ... کننده بود تیر بار و مال در حدید در این کرد دار اگر ... حقیقت تالی
ماده در نقطه تفنگ رسید از رودخانه که نسبیه جلو کوچه (تو تلو خ) سراد در جنگ توپ ثابت کننده در آنجا
یک طرف را سنگر کرده از پشت دیگر مشغول تیر اندازی شدند سوارها و مجاهدین دیدند در اطراف کوچه گرد آن
بلاد افتاده اند راه نجات از هر جانب بسته شده نفرات جمع سرکرده ما متوجه سنجال قرار ... مجاهدین
نفرات ایشان و وقانه دیگر ها که معمول از سوارها شاهسون و قراچه داغی در بیرون بود توپ بزرگ و ماده شلیک

این چند از صدای تفنگ در کردن با رنجک‌ها و غرش توپ‌ها را پیش می‌بردند طرفین چنان گرسنگی دیده با جنگ می‌نمودند
هر دم پیش می‌شکستند تا در که شیر بخوردی می‌خواستند برادر دیگر پاسخ داد که اینهمه گلوله می‌آید از جهت در حقیقت سوارها رسیده شد
استقامت در روی می‌نمودند با پیش می‌شکستند الی عصر قهرمانانه مجاهدین قشون بیگانگان را نموده از هر طرف
شکست طرف سوارها فرار روکرده تهاجم خیابان خود شان تا چه بودند که کفش و کلاه و تفنگ خود را از ترس دراز
می‌نمودند الی دروازه محله سرخاب مجاهدین تعاقب نموده برگشتند کار دیگر آنها دکوچه قبله یا گلوله مأمور کرده بودند سوارهای
ساتلو و قراجه‌داغی و مرندی و شاهسون بود بیش سوارها که محله سرخاب را راه داده بودند یا نموده که امروز الی صبح بفرستیم
خود را به روشنایی بگیرند شهر سرخاب که دیگر سوارهای ساتلو و قراجه‌داغی و مرندی و سایر قشون اقدام به جنگ نمایند در این
صورت آنچه در قوه داشتند دیدند و دیدند وقت برادر جنگ با آنها کار سهل نیست
نقشه که سرکرده‌ها کشیده بودند رحیم‌خان از آن مقصود جمع شکل بود و سردار با جمع و توقف در جنگ داشتند بطوری حمله
ترک کردند که آن نقشه باطل و باعث سعادت مجاهدین گردید
در طرف خیابان سالار با قراجه‌داغی با مجاهدین خیابان در دسته خیابان سنگر محکم بسته بودند رحیم‌خان بیم از انجمن از باغ شمال
باغ صاحب دیوان تا پل دیگر شخال حکومت آذربایجان بیمانه شخال اینکه بیم از شکست دارد بمجاهدین دارد
سوار شده صاحب‌جان از مملکت خواهد گردید هر دو سوارها شیر یک عرابه توپ شصت‌تیر از طرف خیابان حمله کردند سالار
و مجاهدین در سنگرها و قلاع برابر از صبح تا ظهر گلوله توپ و تفنگ باندازه که سر بر کشیدند در این سوارها شکست خورده کتاب
باغ شمال فرار کردند انها در حول عنقطان در میان میدان ماندند
اما از جانب دروازه خیابان عده زیادی از سواره و پیاده حمله کرده سالار با مجاهدین چند مرتبه از طرف آنها این چند تفنگ کتاب
حمله نموده عده تلفات داده باقی فرار کردند هر جا سالار از دور خالی شد از طرف عدالیه که عده کثیری آنجا بودند با عزم
خیابان محمد صادق خان با مجاهدین حمله و در کمین سوارها در میدان آمده گلوله خالی نباید که بدیده و بسیاری از آنها جان خود را از ترس سرانجام
دادند از سرکرده‌ها بزرگ سالار بود و محمدصادق قفقازی و مجاهدین ترسیده و قبیه در این‌ها را از سوار مجاهدین با تمامی شجاعان بیک‌یک
از نقطه پنهان بیرون آمدند جمع شده با پرچم مهتاب کسی صدای آنها را شنود که ده‌ها را خودرا در گرفته‌اند از او طرف قلعه چ شدند
سیاست مسلحه‌شان فرار کردند از قوه فتح نمانده شد از عقب آنها تلفنها خبر دادند هر دو جانب در جهت قوای سوار ملی کشته شده
در میان مجاهدین شپتی تو متعقول بگیر صدرالعلما عقب که از سوارها رسید آذربایجان تعقیب کنند و از مجاهدین عده قتیل در میدان بیقید
سرسید لیکن به سوارها حمله کردند از میان تپه بیشتر را گرفتند دیگر سوارها شکست خوردند مجاهدین که از پشت سنگر بیرون آمده بودند سوارها و پیاده
شکست خورده مجاهدین یک شیر از چند تک سنگ هم سنگر سنگر بستند در نیمه آن شکست جنگ میکردند
شجاع نظام مرندی که روز قبل دعا میکرد که توپ مجاهدین را آوردم الگه تلفات زیاد دادیم فردا خودستار را خواهم بود
در این جنگ باز و سهولت بود که اینقدر جراحات دلیرانه رادیم کاری از این سردار هم جسته از آنکه دلاوران استعداد زیاد با مجاهدین
جنگیدن عیب و لکت کشیدن زدن است
در این مدت مقارن یک خبر نیست تمام اهالی محله اقوال شنیدند که در آن شب قرص را ارتفاع دادند تمام شهر بسته است بالجمله درین محاوره جنگ
عرب‌های رشادت در این شهر پیدا بود که خیابان صحرا در آنجا هم از زده و فرستاده رانموده فرار کردند شرح دو شب این جنگ را گفتار
از قوه بیان و بیان خارج است
شب دوشنبه شهر آرام بود در این عصر در سر بازار میدان سه قرن یک طفل چهارساله را سوارهای بی‌مروت با گلوله زده بودند
پدر و مادر آن طفل بطوری زاری و ناله میکردند که هر شنونده از خوف بیخود میکردند
روز دوشنبه چهاردهم شهر رجب شیخ سلیمان یک عریضه با حضرت باقر نوشتند حاصل مضمونش اینکه چون سیاستها یا انگل

تا اراده نمایند و میگویند صالحان انجمن اسلامیه نتیجه دلخواهی در قتال غیب بخشد را در شهر برپا نموده که سبب شده است
مالیات ها را از رعایا گرفته و اموال و مقتول شدن جوانان و نقطه حبس و ایالت که اهالی اطراف و نکوی چه جوری [illegible] طفل و زنان
در کوچه ها و خانه ها با بیل ها را هم در راه جمع نموده و سه روزه اکراد دشمن [illegible] تحریص جنگ با مسلمانان ملت
در [illegible] سه شنبه سر مسئله حاجی میرزا حسن جواب نوشته بودند که [illegible] انجمن است آنها همه از این [illegible] تهم از خوف آنکه در
میان مجلس مسئله [illegible] در انجمن [illegible] که خود در حفظ [illegible] اهالی شهر [illegible] در حق [illegible] دعا نموده اند
در این روزها جمع حالات سرکرده ها [illegible] که [illegible] اسم [illegible] را از شهر بردارند با شاهزاده عین الدوله نموده که دولت [illegible] شده
مشروطیت [illegible] دولت خواه خود حکمرانی نمایند اهالی تبریز در تمام ملت ایران [illegible] میگویند با مشروطه که حقوق ملت ما از [illegible] برود
اهالی مجلس شان [illegible] سه روزه [illegible] صمد خان که [illegible] اجتماع [illegible] میگویند [illegible] از دست ها رفته [illegible] آقایان [illegible]
[illegible] دخالت [illegible] کرده [illegible] حرف زدن نداریم [illegible] ظالمان [illegible] شهر [illegible] اقدام
تحلیل کنند

شب سه شنبه بعد [illegible] مجاهدین [illegible] دوچی [illegible] جمعیت زیادی تیر تفنگ بعد [illegible] سردار [illegible] آمده در
انجمن حقیقت [illegible] کنند [illegible] تفنگ [illegible] از طرف [illegible] نمودند [illegible]
ملت سردار [illegible] سالار [illegible] مجاهدین [illegible] عقده بزرگی در دل ملت [illegible] پیدا شده بود
[illegible] ساعت [illegible] شروع [illegible] نمودند [illegible] طلیعه صبح [illegible] معلوم شد که سوارها [illegible]
در کوچه حاجی میرزا جواد مجتهد مرحوم [illegible] آورده اند که بیرق [illegible] مجاهدین [illegible] در مقام [illegible]
[illegible] از [illegible] فقط [illegible] کرده [illegible] بیرق زده [illegible] مجاهدین [illegible]
در سوارها شلیک کنند

روز پنجشنبه سیزدهم شهر رجب اهالی [illegible] ایام سابق در [illegible] صمد خان [illegible] مشهدی [illegible] کریم و آقا میرزا [illegible] واعظ [illegible]
مشروطه [illegible] بیان نمودند [illegible] امروز [illegible] حضرت [illegible] در
[illegible] سردار را [illegible] نموده [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] نمودند مجاهدین [illegible] آماده [illegible] بودند [illegible] اقدام [illegible] کنند
مجاهدین [illegible] شب [illegible] روز [illegible]
[illegible] مجاهدین [illegible] در این [illegible] طهران [illegible]
[illegible] روز دیگر [illegible] در [illegible] در روز [illegible]
[illegible] مجاهدین [illegible] خوف [illegible]
[illegible] کار [illegible] کار [illegible]

روز چهارشنبه ۱۴ رجب اهالی قریه خواجه [illegible] سوارهای [illegible] را گرفته بودند که [illegible] آوردند
حضور سردار معلوم شد [illegible] آورده [illegible] سردار [illegible]
[illegible] حبس نموده [illegible] شهر آرام بود [illegible] سرکرده ها [illegible]
[illegible] اهالی اطراف [illegible] ارزاق [illegible]
[illegible] اهالی [illegible] که در [illegible] مجلس [illegible] اهالی [illegible]
[illegible] اهالی [illegible]
[illegible] روز [illegible] واعظ مشهدی [illegible] کریم [illegible] در مسجد [illegible] نطق کردند که [illegible] زده اند

که ایمپر وطن را از بین ببرند لطفاً ترک ظلم و استبداد رفتار نمایند ملت را باسم بابیه متهم نساخته نه از اسلام زمان شرم دارد در اسلام امیدند
مهار خوف ما نمیشویم بدر ما فدا را احکام ظالم ما ظلم نمایند یک جزئی ازدیم زیاده از آن ما ظلم و تعدی بکنند ارباب
دهات و سایرین چهل دستور بیح ما را سالها از ما بگیرند که با عوایدش خودمان گرسنه بمانیم حقوق خود را هم نشنیدند این
مالیات را که ما میدهیم به مهارت حرکتش سیاسی دیگر مصرف بکنند لوازم دستگاه دولتی می‌بینید که اینها فقط نشده مثل که نباید
فقرای ملت هر سال قریب سه کرور هزار تومان بلکه زیاده به تاراج رفته فعله گی میکنند نتیجه زحمتش در مملکت خودمان کار
نکنند کار رعایت در بیش تمام مرتضیانه و در اریحه ما پیش کم که بگیر دست ظلم و تعدی در ازدست هر کسی حق خود را بستانند
اطفال مسکین و فقیر را که در بازار هو یا بان مانده اند مدرسه بگذاریم آنها را صاحب علم و صنعت نمایم فنون مملکت
ما این سیاهی یا کرده بشنید راه ها را رانیم ملت صاحب ملکت و حرکتش بنود ما طالب اشتها هستیم در بار ما ظلام میگویند ما میگذاریم
که امیر نصر خیر جاری بود همانطوریکه بار یک کلمه صدها لقمان حرمه گرفته ام حسینی در دو نموده ها زیم ما مایل قسم رفتار نمائیم
اسمای خاص میگویند همانطوریکه ما تمام تمیل حرکتش را نهار از سم کرده ایم ما زنیم سر سرم مثال الملک میگویند ما هم امیدوارم از
در کشف سیمیر بدر داوری کنم لکن ما نه ببینید ما اینکه تلخ سیحوان بنود الوقر نصف ها لنصف کنم نمیلی خودمان نشود نیم
(الناس مسلطون علی اموالهم) دارائی قول خود قرار نشود بیند در صورتیکه ال ما را امیداح و حول ما را اسیر بکند بیهوده
نماها برای شام به نصر خودمان مستحق شود که لیکن قسم داتک یارا راه ایج مسلط است

روز یکشنبه یازدهم رجب شهر آرام از هیچ طرف صدای تفنگ شنیده نشود هر در از سرحد ها احصا را دیگر نموده از ما زشت
اموال و تاراج بازار و ظلم ها که از طرف کیش الهامیه میها دار شاه ما ملاز میرزا غیبی شیعه دی ترکم ۱۷ را امر تصدیق نموده اند
نکند زیرا عین الدوله نزدیک است بغیرالدین اموال ما زشت را گرفته رد خواهند کرد که یک تا اثرات رفته صورتش ما در هیئت کم
نا ارگرفته بود شب جمعه هم آرام بود کم کم صدای تفنگ از سنگر ها میاید

روز جمعه شانزدهم رجب مجاهدین عثمانیه که با سلاح تسلیم شده بودند دیگر از تسلیم شدن ایشان عثمانیه بغیر از قرش دیگر نسپانی
نبودی قرار داد در این روز اکثر ایشان نزد مالداران آن غیر از اظهار دست نکنند تا حال در این دار ایم توجه خاصی در حج اسلام نجف
اشرف در راه امیر دولت کوششی در دفاع خواهم کرد ما را اقتضای اسلامیه بنواح حیل قریب دادند آقای بر تریه نمک طالب شد که محله ما تمام
رفت چون محله عثمانیه در ارسی سر کرده ها و سوارها زنها اینش مجاهدین عثمانیه در محله جنایان آنها نموده اند در اثر در اساعه تیح
اقدام بجنگ بکردند شهر آرام است

در این روز اشتی از ادر دیس در عامت عین الدوله و از دشتر تقویت دارند از آنها الی بر سرای پیش صلح نماید و عین الدوله ایند
عصر وعده دارند خدمت سردار بر سد گفتگو بکنند بنده اشتیارعیان ملا ما مادان در انجمن حقیقت جمعیند و صارم الدوله
حاکم طالش و کسانی از تهرانی ها و اردبیلی رشید الملک عصر در انجمن حاضر شدند سردار در منزل دیگر با سواران مجاهدین مشغول
بودند هیئت اظهار داشتند در تهیه شاهزاده این است که این امر مهم را اصلاح نمایم منظور صلح بهتر است شاهزاده عموم خواهد
داد مرحوم بوکالت عموم ملت خواهد رسید آقا میرزا سید حسن خان گفت شما از رقابت عین الدوله آمده این امر جلب کرده طرح
صلح را بیخه نمی والی دارد حکمرانی خود مشغول باشند گفته اند صلح در این بهتر است سید حسن خان گفت عین الدوله چه حق است
از طرف خرابی سکومیش آذر با یکان مخصوص شده از اول گفته بلکه نمود اظهار داشتند رحمت آن و تابع نظام در این
نگاه انجمن قبل و تجارت نموده اند از این اثر تعقیب کردن آن صدر زده اند حکم عین الدوله کرده اند با خودشان گفتند
نه خودشان کرده اند جواب دادند پس اینها راح صلح در این صورت چه تفاوتی دارد اول این با عث این فتنه را که گر بند
جان و صدر در اروپ ملت را از ایشان در مقابل نمایند که خیانت بزرگ به ولیش و ملت نموده اند بعد از اثبات حضرت
همیوان نخواهند میسر نمود این را بر قرار نماید خود تمام انجمن ایشان را بموجب قانون اسکبی نماید مدلیه - نقطه - بعد را

باشتی کنند معصیت را عیرار ماکر در موقع جدال عصبانی نباید شد بعد از آن امر تصلیح نمایند والله صلح و مصالحه
در این اثنا سردار وارد شد بعد از آن قانون را بهم زد و رشید الملک اظهار داشتند که من با عین الدوله پناه شدم امیر حضرت
همایونی خبردار است عمل عین الدوله که از خارج محکومیت آذربایجان ملتمس شد تشریف بیاورند حالا اطاعت دارم
ولی این خادم کمتری ملت تحکیم و حب الدین اطاعت حجج اسلام تحف اشرف که برای امام و آقایان حقیقی و در دعائی باشند حمایت
کنند میرزا ... ع و شیخ اهالی تبریز دستخط ملت را الدین حکم نها در تعلیق ملیت اگر اراده عین الدوله در این امورات
با ملت همراهی و در ادای احکام حضرات حجج اسلام کوتاهی نموده باشند همه که مطیع ایشان هستیم والله
با خیال قائم شد آقایان اسلامیه ... تبریز تشریف بیاورند نخواهد شد نتوانستند از صدر نهضت تا حالا
قدم باید عرصه ... اتفاق ... حسن کنند این عده قلیل که از ایشان کشته شدند دفاع خواهم کرد
بعضی اشخاص ... امام زمان ... کار ظالم و تهدید خواهیم برآورد تا احکام حجج اسلام نبود
نخواهیم کنند والله نخواهند با ... سر ... بچه شهر وارد نشود ... کل نخواهند خورد ... وارد شهر
سردار با ... سردار هیئت ... کردند که چند روزی ... بلکه این امر ... اصلاح نمائیم
سالارها قبول کردند مجلس ختم شد ... در داخل عمارت ... بصید ... صف کشیده ... بودند
هیئت از طرف دروازه اسلامبول همراه خود مرخص نمودند دیوار ... دیدند که در جنگ ... گذشته بعد از
مرکزها ... شب ... گلوله است

روز شنبه ۱۷ رجب ... صدای تفنگ شنیده می‌شد ولی از حدود ... عبور ... شب ... در ...
نظرشان می‌رسید ... در ... بخصوص محله ... (بقورکه) ... ساره ...
سر ... گلوله ... نشد ... مشغول شدند ... آذربایجان
... در ... ولی در ... نظیر نیست

در این روز خبر ... در شهر منتشر شد که از اسلامبول ... ایران ... حضرت ... قرار ...
... خواهم شد ... در این روز یک ... سردار ...
... زیرا که ... شهر ... کرد

در این روز وکلای انجمن ... که در ... امالی رسید ... عضو ...
... اعضای سابق ... باشند

شب یکشنبه ... (...) ... صدای تفنگ ... شد
... مهلت ... سر کرده ... در ...
... سردار ...
... گلوله ... ایران ... معلوم
... شد
روز یکشنبه ۱۸ رجب ... جمعیت ... حاجی مهدی ... احترام ... آقایان ...
... سردار و سالار ... و ... حلال ...
... بیاید ...
... بچه ... شد ...
... حجج اسلام ... نمودند ...

مشروطه باشیم و دیگر از ما هم مرتفعین مشروطه طلب را از دست بگیرند میدهند ما را بزیر بیرق ظلم میخواهند درآورند و در آتیه اولاد ما
را اسیر نمایند و توهین نمایند چون [illegible] بقدر نفس در بدن داریم تا آخرین قطره خون خود خواهیم کوشید تا اولاد ما را از اسیر [illegible]
و حمله دشمن بر کنار نموده باشیم [illegible] اهالی در دور قرار داده اند چند روزی اقدام بجنگ نشود تا تهیه نمایند [illegible]
قرار گذاشته اند چند روز در جنگ [illegible] گرد و [illegible] ملاحظه کردید که سوارها چه غوغائی راه انداختند عقب آنها چند دکان را
بتاراج یکنفر را نیز بقتل رسانیدند

این روزها نصر السلطنه سپهدار با اردوی بزرگی از طهران مأموریت وارد [illegible] اردوی [illegible] تشکیل شده از سوارهای
سختی از دکلهر و کاکاوند و شیخ کوهی و سوار خمسه و قزوین بتعداد شش هفت هزار نفر با چهار عراده توپ و قورخانه و خزینه
عین الدوله از اردو [illegible] سواران طالش و طوایف شاهسون سوار و پیاده با سرکرده ها رسیدن با سوارهای جمع از نوکر و قورخانه
استعداد کامل جمع آوری نموده اردوی بزرگی در باسمنج تشکیل داده اند روز بروز سواره و پیاده علاوه میشود [illegible] وارد
میشوند برای [illegible] اهالی غیور تبریز را از مشروطه دست بردارند همینها [illegible] از این لشکرکشی و محاصره کرده [illegible]
در خصوص [illegible] ملت ایران انتظار که [illegible] شایسته جمع [illegible] اردوی باسمنج در طرف جنوب شرقی
شهر واقع است در طرف جنوب غربی شهر سالار [illegible] و سردار [illegible] با سوار و پیاده [illegible]
حاجی [illegible] با سوارها در [illegible] مأمور شده اند راه را بسته [illegible]
ملک در قسمت غربی [illegible] مقرر [illegible] سپهدار [illegible] اقبال السلطنه ماکوئی [illegible]
فرستاده اند که [illegible] هشت هزار نفر سوار و پیاده با توپخانه و قورخانه خواهند [illegible] رسید
طرف شمال شهر را خواهند گرفت

رحیم خان - شجاع نظام - ضرغام نظام و سایر سرکرده ها [illegible] طرف شرقی شهر را گرفته اند
با این هجوم لشکر از چهار طرف شهر را احاطه کرده اند ملت توکل [illegible] نموده سردار و سالار [illegible]
دارند ابدا در دل لرزه ای ندارند [illegible] لشکر را هیچ نمی‌شمارند

روز چهارشنبه ۱۹ رجب وقت طلوع آفتاب صدای شلیک تفنگ از طرف اهراب برخاست رفته رفته [illegible]
معلوم شد مجاهدین در محله اهراب با [illegible] اهالی جنگ میکنند [illegible] دلیر [illegible]
[illegible] قوه [illegible] ولی در [illegible]
[illegible] با مردم سلوک خوبی داشته [illegible] در بعضی موارد [illegible]
و [illegible] میشود اما [illegible] شهر [illegible] خوبی نموده [illegible]
[illegible] در رفتار خودمی [illegible] ولی در باطن [illegible] بر [illegible] جمع کرده [illegible]
مجاهدین اهراب [illegible] چون اهراب [illegible] همسایه [illegible]
[illegible] در محله [illegible] خانه [illegible] رفته در اهراب [illegible] کردند [illegible]
اما [illegible] مجاهدین [illegible] قرار داده بودند [illegible]
گرفته [illegible] مجاهدین [illegible] ایران [illegible] فرستادند [illegible]
[illegible] مجاهدین را گرفته [illegible] از اطراف [illegible] جمع [illegible] رحیم خان
و شجاع نظام [illegible] سردار [illegible] قبول نکرده سردار [illegible] امروز [illegible]
[illegible] اگر [illegible] برادری [illegible] مسلمانی [illegible] نمودند
قبول [illegible] حکم علمای اسلام را فرستادند که این احکام [illegible] اسلام است [illegible] و [illegible] قبول [illegible]

باره دیگر مجاهدین عبور دیدند که جمعیت تمام شد در مقام تعاقب رسیده‌اند قدری آنها را اسیر نموده و تتمه فرار کرده [illegible]
نمودند

در این ایام هزار نفر قزاقان [illegible] از شهر جمع کرده تمام در شب [illegible] دسته کرده هر یک را در یک [illegible] بودند [illegible] قلعه [illegible]
کرده بودند مجاهدین از اطراف ریختند [illegible] و بر سر آنان یورش بردند از دروازه که طرف [illegible] که [illegible] بودند در [illegible] کوچه
دروازه بیرون [illegible] هست [illegible] از آن دروازه یک سنگر [illegible] نزدیک دروازه [illegible] از آنجا سنگر [illegible] شد [illegible]
قلعه زده دروازه را پاره کردند [illegible] چند دروازه را گشودند [illegible] بودند [illegible]
فرار کردند مجاهدین [illegible] قزاقخانه [illegible] بعد از آن [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] مجاهدین را با گلوله [illegible] در آوردند [illegible] قرار نمودند داخل [illegible]
[illegible] چند مجاهدین از عقب رسیدند بعد از [illegible] را پیدا کردند بعد از آن [illegible] را کشیدند [illegible] نموده [illegible]
[illegible] آتش زدند [illegible] در عوض [illegible] گلوله خورده [illegible]
[illegible] سردار [illegible] در محله [illegible]
[illegible] برادری [illegible] اگر [illegible] آتش [illegible]
[illegible] اگر [illegible]
[illegible] طرف [illegible]
[illegible] صاحب دیوان [illegible]
انجمن [illegible] نمودند که [illegible]

[illegible] از طرف [illegible] عفو عمومی [illegible]
[illegible]
[illegible] در عوض [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عفو عمومی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حقوق [illegible]
[illegible] مشروطه [illegible]
[illegible] عفو عمومی [illegible] قانون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مشروطه

روز [illegible] صبح مجاهدین [illegible] شده

بودند نفر دویست و سه چهار نفر آمدند جلوی سردار را هر کدام تفنگ ها بستند گرفتند در حرکه مجاهدین داخل شدند از محله خیابان
شتربانی نفر مجاهدین آنجا تفنگ گرفته داخل مجاهدین شدند امروز شهر تبریز آرام و از هیچ جانب اقدام به جنگ نشده است
روز دوشنبه ۲۱ رجب شمس الدوله نوشته بودند چهار نفر از وکلا بیایند آنها گفتند داریم باشیم [illegible] در این ایام [illegible] آخر جنگ
اردوی باکو رسید که امروز فردا از خوی حرکت خواهند کرد در این روز تفنگچی های [illegible] مجاهدین [illegible] که از جاده خیابان
عده سوار با مجلل [illegible] از طرف [illegible] در حرکت [illegible] از طرف مجاهدین [illegible] تمام [illegible]
دهات [illegible] سه نفر از سواره مشغول [illegible] فرار کنند مجاهدین [illegible] از سوار [illegible] اردوی [illegible]
معلوم نمود [illegible] قزاق [illegible] رفته [illegible] از تبریز [illegible] جلو [illegible] اردو [illegible] تعریف [illegible]
است دوباره [illegible] تیراندازی است که [illegible] و در جنگ [illegible] کوشش دارد [illegible]
امروز شهر [illegible] اقدام بجنگ از طرفین نشده ولی [illegible] تک تک از [illegible] تفنگ [illegible] آرام بود [illegible]
[illegible] تا صبح [illegible] از تمام [illegible] صدای شلیک تفنگ [illegible] [illegible] در [illegible] تفنگ [illegible]
صبح معلوم شد که سواره ها والوادی [illegible] از هر طرف [illegible] زده [illegible] مجاهدین [illegible]
[illegible] خودشان [illegible] کرده [illegible] نموده [illegible] نمایند کاری نکنند
روز پنجشنبه سلخ رجب — امروز [illegible] برای [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] حمام حاجی کاظم [illegible] از [illegible] حسین [illegible] از هر طرف [illegible] آورد
[illegible] مشغول جنگ [illegible] در [illegible] از طهران [illegible] مشروطه را [illegible] از [illegible]
[illegible] که سردار و سالار و مجاهدین [illegible] [illegible] خوانده شد علماء [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] کوشش [illegible] [illegible] شده [illegible]
[illegible] خودشان [illegible] بخوانند [illegible] نفر [illegible] بکنند
امروز [illegible] صمصام خان که [illegible] اجتماع عموم ملت است [illegible] از [illegible] [illegible]
با اسم حضرت ابوالفضل [illegible] مشروطه [illegible] مشروطه [illegible] [illegible] [illegible]
در این روز شهر آرام [illegible] تفنگ [illegible] معلوم است [illegible] [illegible]
روز جمعه [illegible] رجب [illegible] فوج [illegible] [illegible] مجاهدین [illegible] [illegible]
[illegible] حرکت کردند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] مجاهدین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
از طلوع [illegible] [illegible] [illegible] حاجی مهدی [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] شمس الدوله [illegible] [illegible] دیوان شده [illegible]
[illegible] مشروطه طلب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] شده [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] خواهند [illegible] [illegible] [illegible]
حاکم [illegible] ملا امام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] داده [illegible] [illegible] [illegible] معلوم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حاکم [illegible] [illegible]

رفته به پارک سردار و سالار با ... و طعن ملتی می‌گفتند امروز عینوز عمرو با فوج رسیده منتظر ترک هستیم شما چنین بکنیم از حقوق ما
خود دست بکشید اتفاق و اتحاد نمایید در حفظ مشروطه که بعد از شما عیال و اولاد ما را جهت تو ... شما چه قسم تقویت بکنید
زیر بیرق ظلم بروند که عدوی دین و دولت ... شما بس اگر که بسید با بیرق عینوز دست داد تمام حصار که تو شما چهار هزار تفنگ بود
رها شد ... از نقد ... از کفه ... تا ز شود در ... از حقوق خود بیهوده نباید عیب دست بکشند که در این راه
جوانان ... خود ... گشته ... دلیران ... ملک ... فدا ... حاضریم ... جان در دین داریم ... تن
خواهیم نمود ... جوانان ... رفته است ... تا ... نخواهیم کشید همه متفق شدند
اهالی مسلم و یحییی که نزدیک ... است در ... رفتند ... سردار را ملاقات کرده ... حق ... رفتند
در خفیه علما و سادات مجتهدین در سالون سردار حاضر بودند ... سردار ... اظهار داشتند که :
این جانم ... رضا ... شیخ ... ارشد ... خدا ... بود ... قطره خون ... ریخته شود ... تا ... اول جمیع
مؤمنین لازم ... است که ... جمیع ... السلام که ... امام عصر ... ایشان ... اطاعت نمایند ...
احکام ... اطاعت ... است که اطاعت امام علیه السلام را نموده است ... این ...
علمای اسلام ... قطره خون در دین داریم ... تا ... حق ... خود را ...
ملک امام عصر ... از ... خود ... بگویم که ... در ... شما باشند ...
امام عصر با شما است ... حضرات ... السلام ... است ...
... ملک ... سردار ...

روز شنبه ... چهارم رجب ... آرامی بود ... سردار ملک
... بود ... است ... از دست ... حفظ ...
... سردار ...
...
... سردار ...
...
...
... سردار و سالار ...
...

...
...
...
... عصر
...
...
...
...

که نوشته بود از انعقاد مجلس شورا و گشادن ملک فرمانفرما به دنیا نه برای ملت و اهالی ولایات و رکن اسرار ضد مشروطه
اصرار داشت تمام خصوص شاهای ملاقات و عرض حال دولت خودم وارد شهر معلوم شد ماه قبل شهر به قسم بود
در تبدیل دیدیم به نقطه ... و غیره درست مسلم انجمن در دست ملت شهر را آرام مینمایم از اینها که باید حاصل
نطق نمود مشروطه عملی رفتار خواهیم کرد آمد انجمن تکلیف ملی که شما برای مشروطه است عرض میکنم اینجا میگویند
برای مشروطه نطق نمود مشروطه رفتار خواهیم کرد ... به سلسله شما تا که از ازدست فرستاده بود گفته بود از مشروطه
و مجلس و انجمن در تردد می خبری نشد معلوم است تا این شهر کلام در این ... روز و یک مجلس ... میگویند و لیکن
است شاید ها آخر تکلیف را تعلق نمودند از اول معلوم نیست بود که چه خواهد گفت
شب یکشنبه یک ساعت تمام از شب گذشته از جمیع سنگرها و بدیرها صدای شلیک تفنگ شنیده شد یک عشر تمام طول کشید
بعد از این شد صبح معلوم شد که سوارها و ... که در سنگرها ... مجاهدین سنگر بودند شلیک کرده اند مجاهدین در سنگرها
جواب آنها را داده اند سردار دفع کرده ... بعد از ... به سنگرها ... آنچه ... سرانداز در سنگرها بلند شده
همراه ... و سوار ... شلیک
روز یکشنبه ششم رجب در انجمن و کلا و عقلا حاضر بودند در سنگرهای ساعت روز گذشته عین الدوله فرار ... شدند
شرفی ... اجلال الملک و شریف زاده ... نزد عین الدوله ... قانون اساسی گفتگو نمایند ... را داده اند کرده
در یک ... تلگراف ملی را نوشتند برسانند که در عالم خود گفته خواهد شد
بعد از آن گفتگو ستارخان بعضی ... که ... شده است به انجمن ... در این اثنا حاجی جبلی ... که در یک
برده بود وارد حاضر بعوض گفت که حاجی جبلی آدم ... دفاع است ... او را ... حاجی مهدی گفتند تحقیق
الان است با همه مردم رفتار ... با حقوق خود صاحب ... حاجی جبلی وارد مجلس شد گفت در خصوص ملک
و حقیقت ... حکمران صحبت ... گفته اگر حکمران ... درست بگوید که ... مشروطه ... در ... مملکت
وارد شد ... از ... است ... سبب ... و ... شده از ... حضور ... دی
صاحب عزت و شریف ... افغانه ... مسدود ... ایران و ... ایران ... اگر در ... میگویند
طریق مذاکره ... نباید ... مناقض قانون و ... ایران ... باید تمام مشروطه طلب است و ... قانون و ...
حرف ... ما ... مجلس ... خاتمه یافت
حاجی جبلی ... با حاجی ... همراه شد ... تا نزدیک کلیسای ... رسیدند ناگاه صدای تفنگ
بلند شد بعد از تحقیق معلوم شد حاجی جبلی را ... بعضی ... که ... تیر ... نموده بود ... تفنگ ... احتمال از ده
گلوله از ... خورده ... سر ... آمده خون ... از سرش جاری است اهالی برداشته ...
که نزدیک بود ... رسیدن ... فوت کرد حتی معلوم شد که ... آنها ... رسانده ... زده
زده به ... از ... و بعضی از ... در حین ... بودند ... حاجی ... در این ایام چنین عملی ... است
از مجاهدین سر زدند اجلال الملک و شریف زاده ... باید ... کرده ... عرض ...
یک ... خود ... صبح معلوم شد که بعد از ... کرده است
روز دوشنبه هفتم رجب ... بود از هیچ طرف صدای تفنگ شنیده نشد ... که
معمول بود صبح در انجمن جواب عین الدوله را گفتند برقراری مجلس و گشادن راهها ... و اجرای قانون
و غیره ... در ... عرض تمام انجمن ... است ... ملوکانه ... عمومی
و داد خواهی ... حقوق ... ملت ... که در صحن انجمن منتظر جواب حکمران

بودند به تکفیر الحیدری را گفته تعقیب نمایم عرض نمایم مملکت اینست اینکه گفته سر احمد ملوکانه دهقان حق و دادخواهی
مشروطیت ما و رشید علاف مقتدر الدوله الدول در دست ما [illegible] سکه بر کلاه و عمارت جهادت جانی
و مالی بهار را با اطلاع انجمن گرفته زنجیر کرده فقط والا فرد بعد اقدامات خود را خواهیم کرد ما بعد از آن در تواریخ نام ستارخان
سالار [illegible] مشروطیت را نوشته برای عین الدوله روانه نمودند بعد از آن اهالی اصفهان اکثره گفتند بهره‌ها لازم است
انجمن بر قرار کنیم و اهالی [illegible] دفاع نمایم چند نفر در ایالت [illegible] انجمن برپا شده دارای [illegible] صمصام [illegible] از اینها بودند
سر [illegible] تفصیل از ظلم ظالمان سلطنت استبداد و کلیه عین الدوله مشروطه ملت نمودند مردم اصفهان [illegible]
دیگر [illegible] داد گفتند ما حبس [illegible] شاهزاده پسر [illegible] ظالمان را [illegible] حال [illegible] که برای احقاق
حق مانده حاضر است ما استحکام [illegible] داریم [illegible] حقوق [illegible] خواهیم کرد هر قدر استعداد
نخواهند جمع آوری نمایند فرداست [illegible] اهالی هر کس [illegible] خود رفتند مجاهدین [illegible] جنگ فردا صبح نمودند
روز [illegible] ۱۳ رجب از هر طرف [illegible] طرف انجمن روانه شدند [illegible] در میدان جنگ [illegible] خود [illegible]
خواهم شد [illegible] برادر [illegible] در [illegible] انجمن [illegible] از [illegible] عبور [illegible] مجاهدین [illegible]
شده [illegible] جنگ [illegible] سردار [illegible] دارای [illegible] بودند [illegible] در [illegible] دفاع [illegible] انجمن [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] کرد [illegible] طرف [illegible] نخواهیم کرد [illegible]
[illegible] بلکه [illegible] الدوله [illegible] شده [illegible] طاعت [illegible] بکنند
لذا [illegible] تمام [illegible] زاده [illegible] گفتند [illegible] جنگ [illegible] نوشته [illegible] فرستاده [illegible] جواب
[illegible] عین الدوله [illegible] جواب [illegible] داد [illegible] ما را [illegible] نمودند [illegible]
[illegible] روز بروز [illegible] نعیب [illegible] جمال [illegible] داران [illegible] خود [illegible]
[illegible] شده [illegible] حقوق [illegible] دمار از روزگار
ایشان در آوریم [illegible] روز بروز استعداد خود [illegible] زاده [illegible] در صدر
نمانند مجاهدین [illegible] جنگ [illegible] کرده فوج فوج در [illegible] کردند
[illegible] زاده [illegible] شده [illegible] خود که [illegible] عین الدوله [illegible]
[illegible] گلوله [illegible] خورده [illegible] مرل
بعد از چند [illegible] کرد مجاهدین [illegible] تمام [illegible] را [illegible] سید [illegible] دارای [illegible]
[illegible] عین [illegible] جمیع اهالی [illegible] بودند [illegible] بعد از [illegible] سید [illegible] در [illegible]
در [illegible] شد

[illegible] تا که [illegible] مجاهدین [illegible] که [illegible]
از تمام [illegible] سر [illegible] شدند [illegible] کردند [illegible] طول کشید [illegible] شد که
عین الدوله [illegible] کرد [illegible] اطاعت [illegible] نظام [illegible] در [illegible]
[illegible] کشته [illegible] جمع کرده [illegible] حمله کرده [illegible] در [illegible]
[illegible] در [illegible] دفاع [illegible] خود [illegible] تخت [illegible]
[illegible] شدند

از طرف [illegible] ستارخان [illegible] هجوم آورده [illegible] کردند مجاهدین [illegible] کرده
شکست دادند [illegible] داده [illegible] فرار کردند از هر طرف [illegible] رسیده [illegible]

عباسعلی خان شریف‌زاده مشهور را هنگامی که گرفته بودند مجاهدین جلو قپانه انبار گرفته مشغول بودند دستگیرش نمایند مخفیانه چند نفر
همراهش فرار کرده در خانهٔ سردار اسعد مخفی شود سردار اسعد گفته بود لکن کار را ملتی است بعد از چند روز خودبخود تسلیم شدند و نیز
دستور شده بود آنها را اسیر به ارگ ببرند از ارگ در مجلس استنطاق در سعد که نمایند
شب چهارشنبه ... قبلاً شریف‌زاده قبر داده که زیاد بود اگرچه از اطراف محله ... صدای تفنگ زیاد می‌آید ولی
مجاهدین ابداً جواب نمی‌دادند
روز دوشنبه ۲۳ رجب شهر آرام و از صبح جات اقدام به جنگ شد ولی بواسطه شکست خوردن سوار دوباره ارگ را ... عین الدوله
موقف را در باغ صاحب‌دیوان ... نشسته ... رفته بودند
عباسعلی و چهار نفر رفقایش را از ارگ به مجلس آورده استنطاق کردند معلوم شد که از اسلامیه مقصد قتل آنها داده
که عقب نفر را بکشند که یکی شریف‌زاده بوده است که عباسعلی زاده ... در سال قتل که شریف‌زاده را
زده عباسعلی را با یک گلوله تفنگ برسانند مجاهدین بردند بجای ... در سر بازار تماشا دادند
جوان ... محسن ... از دعوا ... همه ... در ... موقف ... نمایند
تنها ... . در ... رسید
شب پنجشنبه سه ساعت از شب گذشته از طرف ... مفتش ... تیراندازی می‌شد سه ساعت امتداد
داشت ... کردند
در این روز یک سرتیپ ... از اطراف مجاهد مامور شدند که در ... زده ... از خط
... زیاد ... را بردند ... حیاط ... نمودند
در این روز ... عرابه توپ بزرگ ... کنند یک عراده توپ
... دیگر عراده ... آن توپهای بزرگ نهادند ... توپ بزرگ (گوی ...)
که ... دیگر عراده توپ بزرگ ... (مرالدل) زدند
در این روزها عده مجاهدین در حدود دوهزار نفر بود که ... روز ... میان مجاهدین قسمت داده شد
در خود ... جنگ ... بزرگ و کوچک ... دیدند
... عده ... طهران ...
طهران ... سوار ... کلاه ... دوران ... سر ... در ...
... جان ... هزار نفر ... آماده نمایند ولی مجاهدین را ابداً
... جنگ ... ساعت ... صدای تفنگ ... روز ... جنگ ...
... در ... دعوای بزرگ بود ...
چند عراده توپ ... (...) ... عبارت ... جنگ ... شد
در ... شاه ... داده بودند ... از ... خطی
حقوق ... تمام مملکت ایران ... بودند ... از حقوق ...
... مجلس ... است ... که برای ...
حقوق ... ایران ... که ... باشند ... ارث
... احکام ... اسلام را ... سازند
عصر امروز ... مجاهدین ... چهارهزار نفر ... سر قبر آن سید جوان فاتحه خواندند ... جمعه ...
... سراپا ... شدند

روز جمعه سلخ رجب — در این روز خبر تازه و حادثه جدیدی نبود مگر اینکه بس در کوچه (لک لر) شهر ابراهیم آباد شد
معلوم شد از اول شب بعضی از سوارها سر در آورده در سنگر تبریزیان سر از ارز نموده مجاهدین سنگر آن سنگر هم با گلوله تفنگ ایشان را
از سنگر خارج و چند نفر بیان زخم مسکوی برداشته مرخص شده اند
روز شنبه غره شعبان — از صبح حالت جنگ نبود ولی از سنگرها متفرقه صدای تفنگ می‌آید در این روز سردار برای ملاقات ... باللار
بعضی جاها رفتند در راه عده کثیری صف کشیده منتظر ملاقات ایشان بودند در چند نقطه قربانی سر راه ایشان کشتند تمام جماعت با تمام
و مسرت دیدند از ایشان بجم آمده مرخص نمودند در این روز خبر از اطراف می‌رسید که سوارها در آن اطراف راهی دیگر در نگردند
خبر دادند که این شجاع نظام مرندی از ... تبریز هشت بار قرمز سوار برداشته از بیراهه و پیر از طرف قریه (بیرول) ایم
چند ... الدنع ... کرده می‌بردند حال الدعها عقب مال خود به ... سعید ... داده که از سوارها شجاع نظام بود چند نفر از آن
بیچاره‌ها را با گلوله از آنها بیچاره‌ها می‌رفتند بقیه سرعت خود را نجات داده خود را به ... چون رسیدند و سید را طلبیدند بعضی از ایشان تیرها در نتیجه آنها
برای ایشان چند نفر از سوارها را تیرزدند و چند نفر هم زخم کاری یافتند بعد الدعها را که اینها در شهر آوردند مردم ...
نفری ... (آرتق) در این روز آمدند خدمت سردار تفنگ و فشنگ می‌خواستند که خود یشان را از شر اشرار ... محافظت
حفظ نمایند از ... بر اطراف اخبار اینها ... ترکه نبودند که اینها را ... می‌کنند جمع ... در بازار ... خانه ایشان
که ... را با ... مغازه ... و تفاوت قرار دادند ... تا تمام مثل اینکه ... از شهر ... اطراف آن ... نظر
نموده اند که حوائج شهر طلب شده است
روز یکشنبه دوم شعبان — از صبح طرف صدای تفنگ بلند شد ... دعوای عمده نبود ولی در بازار ... در این ماه در ...
سنگر نشسته بودند از اول شب تا بعد از ظهر که صدا از ده اینجا بردند ... چند نفر ... محمد علی آبادی از سنگر خارج شده از
لطف ... با سرعت ما با تمام آنجا ... صادق ... را با گلوله زدند و جنگ نموده مجاهدین که در منزل ... بودند ... شد از آن
خود ... جنگ و ... با آنها مجاهد در ... پیله ... بعوض ... چند نفر از سوارها و ... از ... ساله ... که ...
مسافر ... بر غرب ... چند نفر از شکست دادن آنها ... برداشته ... کردند
امشب شب مولود حضرت سیدالشهدا است وقت عصر چهار شنبه ... در ارک ... شد آقا میر ... مجاهدین ... یک
دسته مجاهد با نظام از ... سر یک عید مولود خدمت سردار آمده سر یک ... آن دسته ... بسیار ... تر
... و ... مجاهد با ... می‌شد ... شب ... از ... گذشته با ... صدای ... بلند شد ... برای یکه خواند کال
نحوی از ضعیف آثار ... را مطیع کردند شرح آن را ... که ... خبر ... خالی ... شود
در ابتدای ... حال الی آخر ... خبر ... در شهرها ... هر طرف ... شده بود در هر سنگر ...
ده نفر از سوارها و ... بودند ... در هر سنگری ... سی چهل نفر ... در این صورت تعداد ...
... از ... مجاهدین ... عمده ... ایشان زیادتر بودند با این حساب در هر ... چهار ...
... در شهر ... با این صداها ... و ... و ... چه حال داشتند ... از
تصور خارج است سایر شهرهای ایران ... مشغول ... که ... از تبریز ... قدر ... است
... فتح ... در ... است (... رنگ ... فتح دیگر ... خیلی ... (... حال ... از ... ها)
سردار قرار داده بودند مجاهدین که در منازل خود ... مشغول اند و ... در ... سنگرها ... از ... کرده اند
خود ... را ... خود ... و ... که در ... تمام ... مجاهدین ... با ...
که بفهمند که ... صد ... از ... تعداد ... رسید از ... از ... و ...
... در دروازه ... مجاهدین رفتند ... مجاهدین ... را ... ها ... رفتند گلوله ...

مرگ ملبار در برج [illegible] و نیم از [illegible] بر پا بود بعد از آن ساکن شد ساعت هشت و نیم از شب گذشته مجاهدین تلمبه کنک رفته بودند
سلامت مراجعت کردند بمجاهدین صدمه نرسیده بود

روز دوشنبه سیم شعبان که تحقیقات کامل بعمل آمد در تمام سنگرها مجاهدین تلفاتی نداشتند ولی در سمت خیابان از اردو
نفر حسین [illegible] خانه حاجی [illegible] نفر سیدان کاهفروشها تلمبه [illegible] (ملک لو) هم [illegible] از سوارها کشته شد و گویند
[illegible] بعد از این شکست‌ها که اخبار آن‌ها را هم رسیده بود جنگ را [illegible] امید [illegible] نموده [illegible] حمله
بیاورند که فتنه و [illegible] غارت کاری هم نمایند در این حال هم صرفه نمیبینند سکوت و [illegible] مشغول هستند تا این حال
[illegible] ها روز بروز بر عده قوای [illegible] از پیاده و سواره اضافه میگردد از طرفی هم [illegible] مجاهدین [illegible]
اهالی روز بروز [illegible] اهالی [illegible] بالمره از زندگانی دلگیر شده بلکه صدمات هم میخورند
عقلای شهر [illegible] دیدند که شاهزاده عین الدوله در قتل و غارت شهرها [illegible] طلب [illegible] اصرار [illegible] و هم رای شدند
اجلال الملک را موقوف نایب الحکومه برقرار نمودند که به امورات شهر رسیدگی نماید که ظلمی واقع نشود

روز سه شنبه چهارم شعبان در این روز عده از سوارها [illegible] از طرف [illegible] آمده بودند [illegible] مجاهدین
از قسمت خبردار شده جنگ شروع میشود از سوارها [illegible] نفر مقتول و دو نفر [illegible] از طرف ستارخانه‌ها جنگ شروع میشود یکنفر
از سوارها از پا درآمده از طرف دروازه [illegible] تیراندازی از طرفین شروع یکنفر از [illegible] مقتول [illegible]
[illegible] از سوارها مقتول باقی فرار میکنند در این جنگ هم صدمه بمجاهدین صدمه نرسیده بود

روز چهارشنبه پنجم شعبان شب از [illegible] صدای [illegible] تفنگ شروع تا صبح بعد از طلوع آفتاب از طرف خیابان [illegible]
سواره و پیاده حمله میکنند عده کثیری از طرف [illegible] سرباز [illegible] هجوم آوردند جنگ شروع میشود تا ظهر [illegible]
مجاهدین [illegible] که [illegible] نفر تلفات دادند دیگر از طرف سربازخانه و ستارخانه‌ها و سیدان [illegible]
و ([illegible]) تفنگچی‌ها [illegible] و سرخاب حمله نموده بودند مجاهدین از طرف [illegible] استقامت نموده [illegible]
راندند داخل محله [illegible] شده سنگرها [illegible] خراب کرده [illegible] نمودند [illegible] که از طرف [illegible]
[illegible] بوده بودند داخل [illegible] شده از سه طرف سوارها [illegible] خانه حاجی [illegible]
[illegible] که طمع مال داشتند [illegible] که [illegible] هجوم آورده [illegible] مشغول شدند سوارها
[illegible] مشغول مال بردن [illegible] داخل خانه مجتهد مرحوم [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] مجاهدین [illegible] مشغول [illegible] بعضی از سوارها فرار کردند عده [illegible]
آفتاب [illegible] دیوار خانه را [illegible] و فرار نمودند [illegible] خانه حاجی [illegible]
[illegible] سوارها [illegible] خانه حاجی [illegible] داخل شدند جنگ [illegible] تا تمام رسید
[illegible] نفر هم کشته شد [illegible] عده از مجاهدین [illegible] دروازه [illegible] سرباز [illegible] حمله نمودند سوار و پیاده
سنگرها [illegible] راه از هجوم حمله مجاهدین فرار کردند سنگرها [illegible] خراب نموده [illegible] شده [illegible] دروازه [illegible]
داخل [illegible] شده الی سیدان [illegible] سنگرها [illegible] بردند [illegible] خراب کردند [illegible]
سنگرها الی [illegible] سیدان کاهفروشها [illegible] کشیدند [illegible] در آن [illegible] که [illegible]
سوارها و اهالی محله [illegible] بود از [illegible] سوارها [illegible] نفر مجاهد را با گلوله سوارها زدند

دسته دیگر مجاهدین از [illegible] دروازه [illegible] دروازه سرخاب حمله کردند [illegible] سرخاب [illegible]
رفتند از [illegible] داخل خانه [illegible] که از [illegible] شده مشغول [illegible] کردند از طرف هم
[illegible] جنگ [illegible] دیگر از طرف کوچه (ملک لو) که [illegible] محله [illegible]

برده سوار و پیاده بزبانی که در خانه‌های سر صالح کوه کمر سنگر کرده بودند بهار اشرق تخته بعضی از مجاهدین داده‌اند
بعکازه داخل اشخانه شده بنای غارت گذاشتند بعضی از اسبها [illegible] خانه‌ها را لوازم سنگر دیدند از طرف اسلامیه رفتند بعضی
به شهرها در اینجا طمع مال نمودند مجاهدین دیدند که جلوگیری از این عده نمی‌شود مجبوراً عقب کردند سنگرهای مجاهدین در اینجا
دستگیر شد در این روز ستارخان سردار و سالار ملی بود که مدرسه حاجی [illegible] شبانگاه [illegible] در آنجا
مقتص اسلامیه پرسش آمده با جنگهای ... بیرون از شهر واقع شود در شهر جنگ نکنند که شهر خراب و اموال
اهالی بغارت نرود ولی بواسطه حرکت بعضی تعصب کاران مجاهدین مقصود حاصل نگردید در این جنگ یازده نفر
از مجاهدین هشتاد نفر از سوارها مقتول گردیدند صبح امروز سردار برای تبریک بانک انگلیس (جلیل الملک)
رفتند اعضای انجمن ... عموماً ملاقات ... با ... طهران مذاکره نمودند
شاهزاده عین الدوله در اسپرات ... آذربایجان خودش را مشغول ... عقب رفته و اکنون خبر دیگری نیست
اسدعای عموم ملت [illegible] حاکم عادل با انصاف سر نیز نوشتند
در این روز خبر رسید نوشته [illegible] سوار ... ماکو وارد صوفیان شده‌اند که برای اردوی بزرگ حوالی آذرشهر
شده باشند
روز پنجشنبه ششم شوال شب از جمیع سنگرها صدای تفنگ ... صبح خبر رسید سوارهای ماکو از صوفیان حرکت کرده
در راه که خواجه نصرحال از ... زدند مجاهدین قریه سهلان و خواجه ... [illegible] انها را مشغول ساخته و ... شده
الی عودت ... تیراندازی بود چند نفر از سوارهای ماکو ... رسید از آنجا حرکت کرده نزدیکی قریه خواجه نصرحال منزل کردند
مجاهدین ... اطراف ... حقیقت ... تفنگ دار در قریه سهلان جمع شده‌اند سردار و سالار امر دادند اگر سوارها
هر مجاهدی دست تعارف ... با گلوله بزنند هنگام صبح ... در ... خبر رسید ... شده
روز جمعه هفتم شوال
یک [illegible] صدای شلیک تفنگ ... از اطراف ... مشغول [illegible] شد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
رواں کنند
پس روز مجاهدین ... سنگر ... [illegible]
[illegible]

مشغول جنگ بودند گرگ‌ها چیتسازان و شهیدی مجروح و لیل‌آبادی با جمعی از مجاهدین رسیدند از طرف دیگر مشغول تیراندازی گشته
در محضر دفتر سی نفر از سوارها مقتول شده باقی داخل سیمه سیدالمحقق شده و در انتها مشغول جنگ بودند بعضی از مجاهدین مسجد را
محاصره و عده سوار دو طرفین را که سنگر محکم است گرفته تیراندازی شدید می‌نمایند تا غروب در این حین سنگر دعوا را امیرحشمت با اهالی
سوارها دیدند چاره بجز فرار ندارند جمعیت خود را از نقب آق امیردل از ... سنگر بردند
عده از مجاهدین سرای آجی مستحفظ بودند می‌بینند که از ده پانزده نفر گروه سرخاب ده یازده نفر سوار از طرف قریه (آناخاتون)
با سرعتی تمام می‌روند چون ناچار از استقامت ایشان رسیدند جنگ بین ایشان شروع می‌شود تنها سواره مجاهدین پیاده بیرون از محضر دفتر سی نفر
در سوارها کشته می‌شوند باقی فرار می‌نمایند
در عقب امروز دو دفعه که در قریه امیردل چهار نفر سوار سرحدی وارد می‌شود مجاهدین امیردل هر نفر نهار را گرفته هر نفر دیگر را
نقب تیرباران در حوض ایشان مال و مالک ... که سه طلا و غیره بوده به مصرف درمانده رسانند یک سر سلاح شجاع نظام را [illegible] کرده
بیچاره نوشته بوده است ... فرار شده‌ام ده بیست نفر سوار رسیدند با ما تیرباران ... معلوم شد که این است ... پریشان نوشته‌ام مجروح گشته
چون مدعوا اهمار سنگر آن سرباز ساده ... بالای مناره مسکن گشته از اینجا تیراندازی عمار در اطراف بیمارانم
همکار در وش آن نفر کشته شد چند نفر کوچک ده هزار و پانصد از کوچه تا دیده وارد است
در جنگ روز جمعه چهار تیر توپ از طرف چیتساز خالی شد بعد از تحقیق معلوم گردید ... که در باغ صاحب دیوان آن تزل باشند
دو تا امروز از طرف چیتسازان عقب جمعه کرده بودند از طرف بالا دوقتان شلیک توپ داده شد و خود ... گلوله توپ چند نفر
که جلو بودند کشته شده باقی فرار می‌کنند در دعوای شب جمعه و روز جمعه تخمینا شش و پنج نفر از سوارها کشته شده بودند
سه روز در اینجا بازار نزدیک سرای حاج سیدحسین سقاخانه مجاهدین تیراندازی نمودند از مجاهدین ... لیل‌آبادی مقتول گشت
ساعت ۹ صبح امروز جلال الملک نایب الحکومه ... سردار ملی ... رفتند ... بعد از ظهر مراجعت نمودند
... نفر ... بودند ... در جنگ شش ... معه ... و ... در ... مشغول ... و ...
ملت ... بودند ... دو روز ... معتقد و دشمنان آزادی در جدال بودند

روز سه‌شنبه ششم شعبان

شب بعد از ساعت صدای شلیک تفنگ از تمام سنگرها ... که هنوز فردا از رو ... در ... قریه حاجی سرخاب
... آنها بستند ... از حوالی سرخاب ... در ... راه نهار را گرفته ...
و آنها منتظر رسیدن ... می‌باشند که با ایشان ملحق گردیده تا جمعیت زیاد از ... سوار ... حرکت نمایند
امروز چهار نفر از اعیان ملت شهر ... از جانب عین الدوله ... را اصلاح نمایند معلوم است ... از ...
مشروطه می‌خواهند چرا قانون از طرف عین الدوله ... مشروطه حرکت بکنند ... است ...
با اسم صلح ... مشروطه ... شد حکمران در دنیای ... تصور کرده بودند
که یک ... از هجوم آن لشکر ... هر ... مشروطه ... خبر رسید عین الدوله از طرف ...
در باغ صاحب دیوان (بیجانقور) حرکت نموده
شب سه‌شنبه از سر قداره ... شلیک تفنگ بلند بود ... آرام ...
سوار سرحدی ...
دیوار ...
چهار حجره ...
... گرده ...

باز امروز بازار و دکاکین سرای حاجی ... در تصرف سوارهاست

در این روز از ظهر الی غروب از سنگرهای مجاهدین گلوله تفنگ میبارید چهار نفر توپچی اردو هم که سرقاپ یعنی طرف محله خیر
اند چند از طرف سردار هم امر داده شد توپها را آتش بدهند به نقطه قصابی شهر ... را ... و توپها حاضر کرده بود
مجاهدین منتظر و دارد تا ... فقط یک گلوله توپ مجاهدین به دیوار طاق یک ... تا ... خراب ... خرابه و چند طاق ترکید که
شیشه در و پنجره‌ها را شکست ولی یکی صدمه نرسید ... از طرفین صدمه نشنیدیم توپ انداخته شد

شب یکشنبه نهم شعبان

یک ساعت از شب گذشته ناگاه از طرف مجاهدین از تهران محله خیابان الی ... محله امیرخیز از تمام سنگرها دستور داده
از خطوط سرحدی ... سلسله تفنگ شروع شد مجاهدین با ... سخت شلیک دفاع می‌کردند این صدا که بلند شد
مجاهدین که در حصن حصاره بودند فوراً اسلحه برداشته به سنگرهای خودشان رفتند صدای مهیب توپها و توپ و ... جنگ ... طلاقی
نمونه از محشر بود ... از صورت جنگ مجاهدین ... شب ... عده از ... که ... اگرچه در این ... هر ماه ... حملها
... زیاد شده و ... دشمن ... نموده چهار ساعت از شب گذشته خبر هیچ از سنگرها ... مجاهدین دادند
صبح امروز نتیجه جنگ شب معلوم گردید در طرف ... مجاهدین که ... در سنگر بودند مشغول ... خوردن ... عده ...
از سوارها عقب ... سنگرها را به تصرف درآوردند ... با عده از مجاهدین ... حمله کرده سوارها را
از سنگر خارج کرده مجاهدین سنگر خود را به تصرف می‌کنند با سوارها مشغول جنگ ... سوارها شکست ... نتیجه ...
... کرده ... در ... سوار ... ساختند

دسته دیگر از سوارها ... که تازه وارد شده بودند از اهل محله خیابان ... سید ... مجاهدین ...
در ... سلسله ... می‌کنند خیابان ... را ... چند ... مجاهدین شروع ... می‌کنند ...
شکست ... سوارها ... به ... خود ... سنگرها ... مجاهدین ...
... مجاهدین ... در سنگرها مشغول جنگ بودند ... که از سوارها صد نفر و چهار نفر کشته شده
بودند ... سوارها ... تازه وارد ... سوارها ...
... مجاهدین را ... بودند ... حمله کردند

وقت عصر ... ساعت ... سوار ... در ... با صدای بلند ... گفت ای برادران
... در ... طاقت ندارم ... گفتم ... ندارم ... گفت ... سوم ... گفتم ...
... گفت ... که ... ریز ... ما ... مال ... است ... مجاهدین ... که
... شده ... را ... کرده ... نجات ... بخشند
... ساعت ... گذشته ... گفتند ... صدای ... برای اینکه سوارها ... را
... که ... حسد

روز یکشنبه نهم شعبان

امروز ... حاجی ... خبر دادند ... خواهیم ... تمام طبقات ... دسته ... رفتند یک ...
... و ... تفنگ ... مشغول ... سوارها ... در ... محله ... در ... عمارت ...
نموده ... گذشته ... دیوار ... را ... نموده ...
... به ... ستار ... در ... را ...
خواهند ... خواهند سوارها ... را ... نماید ... شهر ... سردار ...

از حکم دیگر وارد نگذارند که تا مثل تصنیف خود را بدهند لیکن لاکهیه را بوسیله قبال لشکر بانع صاحب دیوان روانه نمودند
که فردا جواب گرفته بیاورد ولی خبر دادند فردا برای شنیدن جواب عین الدوله چیز نیز برای ایشان تعویق شد در
شب هم قریب نهوار شهرهای گذشته از لشکرها طرفین شر آبداری زیاد گردید تا صبح

روز ۳ شنبه دوم شعبان

روز قبل که پایان خبر داده بودند چیز نیز از هر طرف رو به سمت شهر کرمان نهادند سرچشمه واعظ شهر رفته از
محسنات مشروطه و مطالب بسیار بیانات مفصل نمودند اینکه سی نفر نماینده از طرف حکومت وارد شدند که یک
منتصرالدوله نگار سپهدار (نصرالسلطنه) سرانقی خان معاون الدوله نگار عین الدوله - رشید الملک - قبال لشکر
سرچشمه نطق خود را تمام کرد و کلا و اهالی و تجار که حاضر بودند اول گفتگوی سرای کهنه حاجی سید حسین بهان که گفته است
معدودی سوارها با سربازان مسلح سربازان آمده و دیوار کهنه آجری سرای سرابوزرا شکافته و جلوی کار را دست را استده مال التجاره
و یک نقد صرافی ها و تجار را برده اند نماینده ها در جواب گفتند از ملت سربازان بانع صاحب دیوان متفرق کنیده شده
شیخ عبدالله واعظ اردبیلی از طرف مقتش الملک رئیس عین الدوله متوسل کرده لیکن با بها بیار اداره دیوار شکستند و شکار می بندند
ولیکن تحقیق جواب بیاید سرای کهنه حاج سید حسین را چه برده مال دیگران برده اند متحد هستند بقیه را زار را هم پیدا بیاید و ساکنین
ماسه شدند

حاجی مهدی گفتند از طرفی که به تحقیق و سرای حاج سید حسین نقب زده اند دست اشرار است و دیگر اینکه در ایلچی خانه
هر حجره که مشغول با اهالی سربازان و دستگاه پول است دست برده و برده اند و دیگر اینکه گفتند سوارها در سرای حاج سید
حسین با زاده الدین و فنونکرک ... علاوه سوارها از دالبدارها و سربازان مسلح سربازان برسیده از حجره ها را
بیابانان ندیده که مشغول تکیه گفتند اثر مال ما را تا زده با پا آورده اند تمام شتر گرفته اند از ملت سربازان متفرق از آدم آقا خان
که ملک بوده آورده اند و یکی را نشان داده که زده اند و دیگر تمام نماینده ها با حاجی رفته حضور ... محمد الملک
در دست ملت بود صحیح و سالم نگاه میداشتیم و شکایت سوارها چنانچه تمام اموالی که اینجا بود بیغما بردند و اینها رد بدهند
ما نه بود مال گذشته آقا سید هاشم سربازانی آدم فرستاده بود با بهر که بیاید نفر سوار و بیست نفر پیاده خواسته بود که بیاید
بیرون می اشرار از مال و بیغما خواهیم کرد معلوم است حال که بیاید خود آمده اند مال مردم را نهب حواله کرده خواهند برد
که بعد از آن در ماه فی چهره قصه غارت بنا گذاره و اشرار اشتباها واقع شد

اما گفتند معتمد الدوله را بیشتر که قتل و غارت تکها را دزدی در شهر شب بنمایند و باسم ما می شوند نماینده ها گفتند
و ندیدید مالی از دقایق حقیقت و شورای ملی کرمان حامی نیست نتواند مشروطه را انکار کنند از شهر خواسته فقط آن گاه شاه خانم
حاضر رفتند اما نمیدانم از گفتگوی زیاد شهیدی حاجی میرزا مشهور تقی قاری ... نطق نمودند که مقصود آن شرح ... است
اینکه حضرت مستقر بملت مشروطه و قانون اساسی داده مهر نماینده امضای صحیح گذاشته با احکام قانون مشروطه را قبول کرده ایم
ما قبول نداریم و اذرم در حفظ آن خواهیم کوشید عیب از دست نخواهیم داد عین الدوله که حکمرانی آذربایجان منصوب گشته
حالا در ایلچی آقا عمران تعرض بملت نمود تهدید لشکر کشیده بعید فرمایند و طرفه چهره مشروطه را اجرا نمایند تا تعرض
فرمانفرما در نیمچه اینانی وعده تعرض بملت نرسد که نماید هرگاه که در اینجا بیواری بزرگ منظور سربازان بملت است اینجا
ما مهاجم اوراقی قانون ملی یاب ندیده اگر چه بیدار و برادر ما باشند ما که در خارج شهر نشسته مشغول جمع آوری
لشکر نمودند از طوائف شاهسون و قراجه داغی سوار و پیاده و تبریزی و سوار و پیاده مرکوکی اکراد لک و جلالی و پیاده
سوار و پیاده آذربایجان قابل تنی از طوایف مردم و رعایا سوار بختیاری کاکادر نمیز که ... قفقازی و غیره
از هر بزرگی و رباط ... الامتوکلی بد که بیار قبل دیگری مشروطه طلبان ... نمودن اموال ملت ... درازی

۶۰۴

با توپ‌های [illegible] هر قدر رشق در تبریز داریم هر دقیقه دستخط خواهیم نمود از این لشکر که [illegible] تابع [illegible] هزار نفر خواهد شد
دسته دسته در مقابل ما حاضر نموده و [illegible] رحیم خان [illegible] با پنج هزار سوار قراچه داغی [illegible] بار دیگر ما را محاصره نمودیم بفضل الهی
دو دفعه ایام عصر اگر صد هزار لشکر هم باشند خوف نداریم [illegible] هر دفعه خواهیم نمود [illegible] ایران
[illegible] دولت بزرگی بود در مقابل ما [illegible] اظهارات [illegible]
[illegible] قرار داده‌اند چند نفر از برگزیدگان ملت بوسیله نمایندگان [illegible] کرده [illegible]
[illegible] شد نمایندگان [illegible] صاحب [illegible] خود [illegible] نمودند

امروز بازار [illegible] بازار [illegible] بازار [illegible] بازار [illegible]
جنگ سختی کردند [illegible] قره‌آغاجی که از [illegible]
بود کشته شد

بمناسبت موقعیت اسامی بعضی از [illegible] و بعضی دیگر که [illegible] ذکر شده [illegible]
همواره در جنگ‌ها [illegible] خود را [illegible]
دور [illegible] خود را [illegible] قرار داده بودند [illegible] ایران [illegible]
[illegible] مقصود [illegible]

سردار و سالار ملی که بواسطه فداکاری [illegible] در تاریخ انقلاب ایران نام خود را [illegible] ثبت نموده‌اند که [illegible]
فداکاری‌های ایشان [illegible] دارد

سایر فداکاران و مجاهدان [illegible] بودند

در محله خیابان

آقا میر هاشم و فرزندش آقا میر محمد - [illegible] مشهدی [illegible] - [illegible] - کربلائی سید حسین [illegible]
حسن [illegible] مشهور [illegible] - [illegible] - کربلائی حمزه [illegible] - حاجی حسن [illegible]
[illegible] آقا [illegible] - [illegible] آقا [illegible] - [illegible] سلطان [illegible] قره [illegible] - آقا [illegible] آقا میر [illegible]
آقا کریم - حاجی آقا - آقا حسن [illegible] - آقا [illegible] قره [illegible] حسن آقا [illegible] مشهدی حسن [illegible]
[illegible] خیابان [illegible] از طرف [illegible] خیابان [illegible]
در دست [illegible] - [illegible]

[illegible] حسن در کوچه [illegible] - مشهدی محمد صادق [illegible] - [illegible] حسن [illegible] -
حاجی محمد [illegible] - حسن آقا [illegible] - مشهدی [illegible] - مشهدی [illegible]
[illegible] - کربلائی [illegible] در کوچه [illegible] - ملا [illegible] مشهدی [illegible] مشهدی حاجی و
مشهدی حسن [illegible] در دروازه خیابان [illegible] - حاجی [illegible] قره آغاج
[illegible] - مشهدی [illegible] خیابان
مشهدی [illegible] صادق - مشهدی [illegible] - کربلائی [illegible] - مشهدی [illegible] - مشهدی [illegible] - مشهدی [illegible]
[illegible] - [illegible] - کربلائی [illegible] دروازه
[illegible] آقا [illegible] - آقا کریم [illegible]
[illegible] مشهدی [illegible] = آقا محمد [illegible] جای
کربلائی زین العابدین [illegible] (لک لر) و چهار راه [illegible]

نایب اکبر خان در خطیب - کربلائی مهراب مستحفظ سنگرهای قوری چای و چهار راه نبش - شهید حسین مرحوم که در
جنگ بزرگ کشته شد و سیف الله سلطان در کوچه (عمیر ابجی) و کوچه سرخاب ادنج - نایب حسین خان
از اطراف اسحق و سر راسته کوچه - کربلائی معز خان عثمان لیل آبادی - شهید محمد علی مشهور ذوالفقاری در انجمن ایالتی و بازار
شهید حسین در تکیه آقا باقر - حاجی میر سمیع اخبار در نقره و کوچه مجتهد مرحوم و حیه قاپه - آقا توفیق قصاب در مسجد
جمعه ارامنه امامزاده ... در راسته کوچه - حاجی میر طاهر در ... الی ... ملا ... هر کدام در محل خود مستحفظ
سنگرها و در شب مجاهدین قسمت های خود بودند سرکرده کاملیکه ... تنها ... مینمودند و ... ارام ...
کربلائی علی ... - فرج آقا - میرزا ... آقا - شهید عبدالله ذوالفقاری - حاجی ... جوان - شهید میر تقی بودند
مجاهدینیکه در جلوی سردار و اطراف ایشان بودند کربلائی محمود مشهور ... - محمد خان برادرزاده سردار - حاجی عظیم
برادرش - کربلائی ابوالقاسم ... - حسین ... - آقا میر ... - حاجی میر آقا و بعضی از جوانان
کلیه مجاهدین را سردار و سالار ملی ... سپرده بودند ... حذف ... دارای ... نظم ...
اطاعت ... خود را مینمودند ... که از طرف ... نمایند
... در ... سنگر ... مجاهدین ... کرده بودند تمام
... مجاهدین ... سنگرها ... جنگ بودند که هر کدام در سنگرهای خودشان ... قرار گرفتند

روز سه شنبه یازدهم شعبان

در این روز شهر ساکت بود جنگ نشد ولی خبرهای ... رسید که اردوی طهران وارد باسمنج و ...
... وارد ... شده ... اما شهر و مجاهدین دیدند که از طرف ... لشکر ... که
با اطمینان ... مجاهدین ... اما ... دیدند که ...
برادران ... خودشان ... در ... دادند خودشان ... در ...
... خودشان در مقام ... شب چهارشنبه ... از سنگرها صدای تفنگ بلند شد ... بود ...
... خودشان ... قرار داده بودند که ... اردوی بزرگ جنگ ... نمایند

روز چهارشنبه دوازدهم شعبان

از طرف صبح اردوی ... حرکت نموده در ... سردار ... اردوی خود ... نمایند
... اردوی ... بود ... - ... - آوجی - خوی
سلماس ... از ... توپ بزرگ ... در ... و ... بود
بود ... سنگرهای ... قریه ... - ... - ... - ...
... جنگ ... از ...
... از ... قرار ... اکراد ...
سرباز ... در این ... تنها ...
... قریه ...
... اکراد ... حکم ...
... سنگر ... در ... توقف میکنند

پنجشنبه سیزدهم شعبان

امروز در ... از هیچ طرف اقدام بجنگ نشد طرف صبح ... که تمام در ... طرف ...

ملحق بود از محله شتربان با عده سوار سربازی شقاقی از جلوی ماکو حمله کنند از دامنه کوه سرخاب که پشته از طرف
قریه اناخاتون خودشان را به اردوی ماکو رسانیده با سرداران اردو دیدن کرده از اردوی ماکو در این اردو مشغول عمارتی بودند
داغستانم و دیوانی نقره‌ای ها مشغول بودند از سردرود سالار ارفع و سیف الله خان و امین الله خان فراهم و عمو صمد خان
خان اسکوئی با سوار و پیاده کثیر وارد در قریه ملک کشته و سرکردگان سابق دارالار اردوی ماکو شده سردار ارشد دیدن نمودند
دستور تعیین جنگ و سنگربندی و ترتیب سوار و پیاده داده شد توپهای [illegible] تعیین همه جا تعیین نمودند
تصحیح حرکت کرده عازم تبریز شدند

روز جمعه چهاردهم شوال

سالار ارفع و سیف الله خان امان الله خان و عمو صمد خان از اردو جدا شده وارد قریه ملک کشته در آنجا آماده مهیای
جنگ بودند و فشنگ ماکوئی ها از بیرون دیدخانه و طرف کاشغوان شهر هجوم آوردند اینها هم از راه حکم آباد و شنب غازان
دفعه آخر حمله کنند ملیون از طرف [illegible] خبر یافتند لشکر ماکو با تفنگ [illegible] تمام [illegible] تا کوه و
و کاشغوان رسیدند توپهای خود را از [illegible] کاشغوان [illegible] سوار و پیاده [illegible] قسمت کشته [illegible]
کاشغوان دو قسمت شده [illegible] حمله کردند سه فرسنگ طول این لشکر بود
در این موقع ضرغام نظام و نوروز خان و [illegible] حسین خان با قریب سیصد نفر سوار از [illegible] نقره سید ابراهیم با چند
نفر تفنگچی از آنجا و جلو کوچه عیسی [illegible] شده و سوار را [illegible] جلو چاله و باغچه ها را که از آنجا شده [illegible]
کهنه آنجا [illegible] بعد [illegible] از کوچه [illegible] عده دیگر از [illegible] کاهیزدشتها [illegible] وارد [illegible] مشغول و
حمله نمودند توپهای [illegible] از دامنه کوه سرخاب [illegible] سنگ [illegible] از هر طرف محله [illegible] سرداران
توپ تفنگ گرفتند از ابتدای محله [illegible] اطراف [illegible] تازه وارد شده نمودند
حمله کردند محله [illegible] سالار [illegible] گلوله های توپ و تفنگ [illegible] جنگ [illegible] لشکر ماکو از طرف
کاشغوان هجوم آورده بودند [illegible] توپ [illegible] سوار و پیاده لشکر ماکو و [illegible]
عرابه توپ [illegible] سنگ [illegible] سوار و پیاده [illegible] اسکو و قریه داغ [illegible] بر دارد
با اهالی قریه ملک [illegible] حکم آباد و شنب غازان [illegible] آورده گلوله [illegible] از طرف [illegible]
از [illegible] شهر یک تفنگ [illegible] صدا [illegible] طرف شهر خالی [illegible] گلوله آن مخصوص [illegible]
صدای تفنگ [illegible] در کوچه ها [illegible] خیال [illegible] که گویا [illegible] خالی کردند در این حال [illegible] شهر
محاصره نموده و گلوله توپ و تفنگ [illegible] باران [illegible]
خان [illegible] صغیر و کبیر [illegible] شده بود [illegible]
امروز از قوه تقریر و تحریر خارج است [illegible] شرح داده شد اما نتیجه جنگ [illegible]
وقتیکه [illegible] کاشغوان حمله نموده بودند گلوله توپ و تفنگ [illegible] مجاهدین [illegible] که سوار و
پیاده ایشان [illegible] از هر طرف [illegible] سنگ [illegible] از سنگرها [illegible] کاشغوان [illegible] گلوله
توپهای [illegible] سوار و پیاده ایشان را [illegible] نمودند [illegible] دیدند که مجاهدین [illegible] زیاده در آن [illegible]
زمان [illegible] را از جلو [illegible] کردند [illegible]
گردیدند از طرف کاشغوان [illegible] گلوله توپ [illegible] مجاهدین [illegible] بودند
حمله کردند [illegible] عده [illegible] رسید مجاهدین [illegible] شهر کشته [illegible]
[illegible] اما [illegible] جنگ [illegible] اطراف [illegible] نهادند [illegible]

از دنبال مجاهدین حمله کنان رفتند از شربت لب تشنه مهمان خود را اطراف پلی پیاده و قورخانه خود را گذارده از
اسب که ترک نکرده بیشتر از آنها که تشنه خود را دنبال و جلی با اعتبار آنها سوار شد مهیای جنگ کنند در این اثنا از کلات چیتیان
لیل آبادی و حاجی داداش خان و چیتیان بیشتر در باب مجاهدین کمک مجاهدین بیرون رسیدند و جلی تا ع اطراف لب تشنه
دیوار را اتفاقیه لشکر ماکو را اسیر یاران نمودند در این حصار از لب تشنه تشنه ها آتش دادند بعضی از آنها فرار کرده
مجاهدین و جلی آن حصار کشته هر سوار که تحویل بیاید دستی تفنگ سوار با تیر او در ارده از آنهایی که بیشتر بیاش می‌ایستادند
هر پیاده که تحویل بیاید از جای خود حرکت نکرده بیشتر می‌ایستادند در آن میدان جنگ تاکی سه ساعت جنگ مجال ادامه
داشت مجاهدین با کمال رشادت پیاده فرم سر بریده نهند از کیفر و مهم سوارها رسیدند و عقب نمی‌رفتند تا اینکه سردار از جنگ
اسیر خبر در عقب جلی نموده امر دادند توپ بزرگ سرچشمه ابراز را از سنگر امیرخیزی میدان تبریز رسانید و بعون الله
بقدر پانصد نفر توپ را با جمع کرمانی ها آن میدان رسانیدند [illegible] فرار کرده جلی را ایران کرده تا اطراف [illegible] کرمانی ها بود
از چند گلوله [illegible] شد چهار تیر شد از پای نقطه گلوله از چند از اطراف مجاهدین با جمع کرمانی ها حمله کردند تا بانباب لشکر
توپخی تا [illegible] عقب نشسته اند [illegible] لشکر [illegible] پیاده سردار امر دادند قورخانه ها را که در کار دشمن [illegible] بود تصرف
درآوردند سر تحمی توپ از قورخانه ها [illegible] کریم خان حسین خان و حیدر خان و حاجی داداش خان دیگر در وقت [illegible] زاده با مجاهدین که کلیه
بوده است اینها [illegible] نفر اسیر شدند نعش [illegible] نمودند سلک کشان [illegible] فرسخ پیاده ها را راندند و این توپهای خود را [illegible] خون
لشکر خود نعش جلی نموده بودند [illegible] بودند هم شب از لب تشنه آن پیاده [illegible] از وجود دشمن خالی گشت [illegible]
قورخانه توپ جلی [illegible] نمودند [illegible] اما اسیران [illegible] را با خود برده
بودند بعد از تحقیقات معلوم شد از اکراد شقاقی و جلالی سوار و پیاده ماکو [illegible] چند نفر سرکرده
سیصد نفر کشته [illegible] از طرف مجاهدین [illegible] نفر مقتول چهار نفر مجروح بود [illegible] مجاهدین از روی عقیده [illegible]
جنگ می‌کردند و [illegible] جنگ [illegible] در سنگرها بود [illegible] لشکر [illegible] پیدا شدند

اما تفصیل جنگ طرف [illegible] تمام نظام - [illegible] خان - [illegible] - چیتیان بطوریکه [illegible]
[illegible] و جلی [illegible] آن در رسید شده با کمال [illegible] مجاهدین [illegible] از آن [illegible]
در [illegible] اینها دفاع [illegible] از [illegible] صبح الی [illegible] جنگ سخت بود در این [illegible]
[illegible] سوارها [illegible] بود [illegible] خان و [illegible] را با سوار [illegible]
نفر رسانند توپ [illegible] سوار [illegible] را با [illegible] در این اثنا
در [illegible] سوار [illegible] قرار [illegible] بودند
معلوم شد [illegible] که پیش بردند [illegible] توپ [illegible] تمام
نظام [illegible] نموده [illegible] در طرف [illegible] مجاهدین [illegible]
[illegible] کرده [illegible] در طرف [illegible] بودند
[illegible] نمودند [illegible] آمده [illegible]
[illegible] شد

جنگ طرف [illegible] سوار [illegible] عراق [illegible] از طرف [illegible]
و [illegible] از طرف حمله کرده توپهای خود را [illegible] قرار داده از
[illegible] مجاهدین [illegible] مجاهدین با کمال [illegible] مشغول گشتند از [illegible]
الی عصر [illegible] جنگ [illegible] مجاهدین [illegible]

مقابل نمایند لیکن تحریف نموده خود را فرار داده بار دیگر رسیدند میباید بهر طور مقصود بر کشند اگر چه عده از سوارها رئیس
و غیره کشته شده بودند جمعی نعش ها خود را برده بودند بعد نقاره [illegible] شترها چند نفر هم از مجاهدین مقتول و مجروح شده بودند
در این روز معین الدوله و سپهدار در انتظار داشتند عملی [illegible] خواهد شد ولی دیدند [illegible] از طرف شهر [illegible] ملکیه [illegible] سوار
سحر نخواهد رسید در این روز قریب سی هزار نفر سوار پیاده [illegible] با جراره و عراده توپ حمله نموده بودند کاری از پیش
نبردند فقط اینکه عده زیادی در حدود [illegible] سیصد نفر کشته و زخمی داشتند در این حمله کشته و مقدار [illegible] شهر [illegible] بودند
تعداد گلوله ها تفنگ که [illegible] بمقدار [illegible] [illegible] تفنگ خالی کرده بودند
شب یکشنبه که عید مولود حضرت حجت بود بفاصله [illegible] از شب گذشته صدای شلیک شدید از طرف میدان مشق شنیده میشد
چون شب [illegible] ساعت از شب گذشت [illegible] روز یکشنبه معلوم شد که معین الدوله [illegible]
ارگ [illegible] قدری [illegible] ماکو کاملا اطلاع [illegible] عده [illegible] سوار و پیاده فرستاده [illegible] میدان مشق را محاصره در
آورده و دار [illegible] محکم [illegible] شلیک جنگ [illegible] آن عده اکثر سوار [illegible] دخل میدان مشق کردند و مجاهدین که
شب را تا صبح بیدار و در قسمت [illegible] از هر طرف [illegible] محکم [illegible] سحرگاه [illegible]
سحر شکست [illegible] سی جهت نعش کشته [illegible] صد نفر رسیده بود

روز دوشنبه [illegible] ربیع الثانی

صبح پیش از طلوع [illegible] سردار [illegible] سوار شده [illegible] ملکه [illegible] ماکو [illegible]
[illegible] معلوم شد که [illegible] فرار [illegible] آثار شکست [illegible]
[illegible] ماکو [illegible] توپها [illegible] قرار کرده [illegible] سوار ماکو [illegible] سوار [illegible]
[illegible] شده بودند [illegible] سردار [illegible] گلوله [illegible]
فرار [illegible] ماکو [illegible] شد [illegible] از راه [illegible] از راه [illegible] اطراف [illegible]
[illegible] (میمیس) [illegible] سر راه [illegible] گرفته [illegible]
[illegible] قرار [illegible] ممکن نشود [illegible] ممکن نشود [illegible] عده [illegible]
[illegible] رسیدند [illegible] خلاص شده [illegible] پیاده [illegible] مقتول [illegible]
[illegible] رسیده [illegible] روز یکشنبه [illegible] سوار (آق [illegible]) [illegible] راه [illegible]
نموده بودند [illegible] سردار [illegible] اموال [illegible] اهالی [illegible] - [illegible] - [illegible] - [illegible]
بیایند اموال خود را ببرند اهالی [illegible] مال خود را [illegible]

امروز سرکرده ها جمعی از سوارها [illegible] صدا [illegible]
[illegible] قشون [illegible] سردار [illegible] سردار [illegible]
سردار را [illegible] مشغول است ولی [illegible] اطلاع [illegible] بودند [illegible]
سردار [illegible] سوارها [illegible] نموده [illegible] کنند [illegible] نموده
[illegible] نفر [illegible] [illegible] فرار [illegible] ماکو [illegible] اطلاع [illegible]
می [illegible] ماکو در طرف [illegible] مشغول جنگ [illegible] سوارها را [illegible] فرستاده [illegible] بودند

روز یکشنبه [illegible] ربیع الثانی

امروز از [illegible] طرف [illegible] جنگ [illegible] ماکو [illegible] سرکرده ها [illegible] بودند
[illegible] نفر سوار [illegible] طرف [illegible] از راه [illegible] بود

که از ده دقیقه آخر گذشته به مقصود خود بردند تفنگچی‌های سربازان چوابها را گرفته چند نفر می‌اندازند یک نفر از آنها را اسب برزاده
دیگران نعش او را برداشته سمت محله شتربان رسیدند معلوم شد دنبال تحقیقات تحویل شده‌اند که مفرده‌ها را جمع آوری کرده بیاورند
برای جنگ بیاورند

سردار بعد از مراجعت از سر نعش محله سرخاب رو به قره ملک دقیقه بطرف کشیده که از اول امر میرزا بزرگ توسط ادبیان
شروع شده از قبیل راهزنی و سرازیر داوری سوار و پیاده در تحت حکومت در قبال عمارات اموال اهالی تبریز محصور در تنگنا بود
بتبه اینها لازم بود که بعد از این صدور این گونه بی‌ناموسی‌ها نشود دستور دادند مجاهدین بطرف برنس بروند تو شهر با آنها برسند
بعداز آن شما دیدید که اردش مجاهدین جلادی نخواهند داشت سی چهل نفر نزد سردار آمده از کرده‌های خود نادم و عذرخواه شدند قرار این
که نفهمند از هر سمت مالی گرفته به غارت کرده احترام رسانده تفنگچی‌های آنها هم منظر ساری مجاهدین گرفته اعتنا نمی‌کنند تسلیم کرد نمایند
در اینهال باشند همه اطاعت کرده چیزی نخواستند بعد دستور دادند مجاهدین مساعدت نمایند مشروطه‌خواه بشوند
شب گذشته از همه سنگرها رسیدند صدای تفنگ شنیده از طرف مجاهدین بدون جواب داده شد

روز دوشنبه سوم شعبان

چون سرداران و معتقدین اسلامیه دیدند که در جنگ موقف مجاهدین شدید است که روز قره سوران‌ها از راه
سرد رود بود دستور دادند که راه آذر شهر را مسدود نمایند دیگر از آنجا چیزی به شهر نیاورند حمل و نقل بود از دهات اطراف
هنگام شده تقویت مردم از گرسنگی تسلیم شوند
را با شیخ راهم از هر گرفته بود راه فراهم و عوام پوران رحیم‌خان چترخانه دهند راه سرد راهم شجاع نظام گشاده بود
که تبریز در اطراف د شتر از قبال در تهیه نیاورده دقیق در اینجا مشغول بود ایراد راهم مسدود کرد در اول ورود
هنگام‌ها برنج را خراب نموده از آنجا نیاورده بودند اینجا آخر سیمید از طرف و شترها بعضی‌ها را
سوخته بودند و آن دعوا چاپیدند از تمام جهات در نقطه‌ها ابتدا چند شهر نزدیکی و گرسنگی داشتند که هیچ فرقی خارج باکونه
ظلم و ستم در هیچ ملکی سحر شده مجری نموده و روا نداشته که این سردار بی‌رحم سکنه محبوس نشد توسط گرسنگی اهالی غیور
تبریز را از مشروطه و ظلم و بیداد در آورند یعنی بهم بیاید کاملاً متحمل کرده دست از حقوق مشروطه خود و آزادی بخواهند کشید
چنانچه در اوقات صد و پنجاه نفر سوار اکراد را در یک شب به بیایان معدوم فرستادند سردار چند نفر سوار تقویت قشون
فرستادند گرفتار نشدند و تعدیه قرض ملت را تأمین نمودند هر قدر اهالی تبریز در سر صمصام خان اظهار داشتند از تعطیل سه ماه و ستم که
بازار دو دکان بسته شده مال بیرون به یغما رفته خانه‌ها تاراج شده و حوائج عمومی مخول خود که کشته از بیچاره
سقط نموده نمی‌تواند که بعد از این باید از هر که نیست شهید به کریم مانع نطق بسقع ادا کرده اهالی را امر تصدیر نمودند
حول اهالی عصبانیت شهید ... باگفتند به گذشته نمی‌توانیم بایکه زوج تشار را کرده رحمت کردیم
شب سه شنبه از جمیع سنگرها صدای تفنگ شنیده شد تا صبح گلوله می‌بارید

روز سه شنبه چهارم شعبان

امروز خبر رسید اهالی قره ملک از قرار معلوم داده آتش طول کرده مجدداً آتش فتنه و فساد را شعله ور ساخته اند
مجاهدین راه داده که در آنجا اجتماع نمایند تا آتش قتال و جدال را برپا نمایند چند نفر سرکرده ... پنهان بود که پیشتر
سرکش را جنبیده و دشمن از گرفتار باهم از خود بر سردار تبریز محاصره محمدعلی را اهالی قره ملک پیشی گرفته دخل شهر آوردند که
باعث اینهمه قتل و غارت شد قبل تا پید خود را ترک نخواهند کرد سردار دستور دادند از اهالی قره ملک هر که را
که دیدند دستگیر نمایند مجاهدین که در جانب ملت محقق شده آتش فتنه را از هم خاموش نمایند تقریباً چهار صد و پنجاه نفر مجاهد
سواره و پیاده رو به ناحیه قره ملک که شهیدند از دو طرف برنس بردند بعد از اتمام جنگ کار جنگ بسختی کشیده تا سر آمدند

می‌کنند از چهار سمت تعرض نمایند جنگ شروع شد گلوله تفنگ شش ساعت مثل تگرگ بر سر یکدیگر می‌ریختند از هیچ طرف غلبه نبود مجاهدین
برگشتند از مجاهدین دو نفر اسب فقط تلف شد و یک نفر مجاهد کاشانی مقتول گردید از طرف قره‌ملک ۹ نفر مقتول و بیست نفر
مجروح گشته بود

روز چهارشنبه ۹ شوال

پیش از روز قبل مجاهدین به عزم تنبیه اشرار و فارغ کردن سالار ارفع و سیف الرعایا از طلوع آفتاب رو به قریه ملک [illegible]
روانه شدند چون شروع به تیراندازی رسید شروع به شلیک نموده بر سر ملک ریختند از چهار سمت تعرض نمایند کربلائی حسینعلی خود را
به حیاط آنها رسانیده چند نفر از سوارهای قره‌داغی و غیره به قتل رسید و قریه ملک شد مجدداً رجعت نمودند در آن بین یک قریه
[illegible] نفر مجاهد گرفتند

روز پنجشنبه دهم شوال

در صبح مجاهدین به عزم تمام عمل قره‌ملک حرکت کردند اهالی قره‌ملک چون از آتش یکسال دیدند از در عجز درآمده یک نفر
از ریش‌سفیدان خودشان را نزد سردار فرستادند که در جهت دلتنگی اهالی را عرضه دارند کربلائی حسینعلی قریب صد نفر مجاهد در دو طرف
گرفته محاصره نمودند سردار استدعای آنها را قبول نمودند به دو شرط اول اینکه اشرار که باعث فتنه و فساد هستند دستگیر نموده
تسلیم سردار نمایند دیگر سواره‌ها قطاع الطریق که اکثراً افغانی هستند خودشان را از خاک خارج نمایند و دیگر راه باید
به طوری که برادر و دینی و وطنی هستیم برادر وار رفتار نمایند چون بیشتر از اهالی قره‌ملک سرد طلبی و هواخواه ملت بودند
ملتمسانه نزد سردار استدعا نمودند که ما آنها را گرفتار بنمودند سردار هم رضای تحویل آن را نمودند که اهالی انجا صدمه وارد نشود
به این قطعه صبح رفتن نکردید نماندند آنها که گردید که فرداً هم بیست سوار از طرف سردار در زمینهای دهقانی اشرار خارج
نمایند دیوارهای چوبی چه میتوان گفت سردار این عذر آنها را شنیدند و قبول با قرار دیگری نمودند

موقعیت قوشون ماکو از بدی آخر چهارشنبه دو ساعت از شب در اینجا خبر آوردند که خبر منابع صاحب دیوان سر رسیده در اطراف آن [illegible]
در اطراف اهالی داده بود که فردا صبح از طرف خوابیده‌اند اشرار را دستگیر و اهالی را تحت حمایت نمود سوار در طهران
مال این ایام رسید میدهد قشون جای حرکت رسید حسین‌پاشا و ماکو شکست خورده در فراز مهاجر اراضی آنها بر باد رفت
و عوض برده‌اند خودشان خالی شد در بازار بازار این خبر نقش جاری شد و مطابق مهر آنها که دکان‌ها ملتفت شده که:
این چیزی که این است در این سه ماه منفصل شد بخوانید که خبر شکست خودشان را در دل‌ها تا نیک دلداده
حیران شده‌اند

امروز تحویل اینکه مجاهدین در طرف قره‌ملک مشغول آتش و پسر دمی بودند از اهل محله شتربان و میدان صاحب
الامر و نایب ارده شتربان میدان کار به عهده آنها دو درب تیپ نایب اسماعیل و توپخانه لک ترکی از طرف قوشون جای بر سر آورده
در چهار طرف سنگرها را در مقابل توپ تفنگ قرار داده بودند شهر بر جمعی که از عرصه محصور شده بود قبل از اینکه مجاهدین
طاقت هوم و حفظ داد را در دستش خواستند داد چونکه در سر کار خودشان آماده و مهیا و در کمین نشسته از ممطراقی
مجاهدین هستند سردار و سالار دیدند که دیگر از هر طرف مقتضا رسیده از خود توپ تفنگ را در الیت مبدل کرده
مجاهدین امرداد تا حمله و دست به حرابی آنها با گلوله توپ و تفنگ بدهند از چهار ساعت از روز گذشته جنگ شروع
شد چهار ساعت ادامه داشت تا بعد از آن تفصیل اهالی سنگ ساخت مجاهدین افتاد از طرفین آنچه بود بدادند
بعد از تمام جمع لشکری ازو آنها در تمام چهار نسانک ملارک جا داده چند نفر اسیر کرده با زخمی و کشته شدند
از طرف مجاهدین هم چند نفر مقتول و مجروح شدند تا شام دشمن تیراندازی توپ از طرفین تا نیمه‌شب شد که نفر از
قشون کرجی و دیگر توپ مسلسل خبر صندلی گردید که از سر دو طبیان تعداد بود این طور خبر دادند که امروز حاجی مؤمن خان

انجوائی کشته شده که از سرکردگان رشید بود ادوی بود که در این مدت سه ماهه فداکاری زیادی کرده از مجاهدین
عده زیادی مجروح شدند

روز جمعه بیست یکم شهر شعبان

امروز اهالی محله قره ملک چهار روز مهلت خواستند مجاهدین از اطراف برگشتند خبر آوردند از سربازان شهر سربازانی که از اصلان
امیر مقتدر و حضور دیروز بیست صبح با چند نفر سوار از راه باسمنج اطراف برگشته مجاهدین در شهر تلگراف کشیده اند از جهت آنکه شاه آقا سربازان
تحویل داده و رفتن بیات حسین شیخ سرتیپ پیش خوره گفته اند مقصود معلوم نمانده

امروز تلگراف ارزروم آوردند که یکی از سپهدار اعظم نوشته (تا دو دفعه تلگراف شاه جوابی داده بلاد
سپهدار مضمون بوده که قشونهای دولت خارجه مملکت را تخلیه نمی‌خواهند اگر فیصله نکنند برحسب فرمایید که اعلیحضرت
جدید بود این نطق خونریزی و دیگر ساقط و سلطنت اعلیحضرت همایونی ملت نوکر بر قرار خواهد شد
جواب اگر شاه تمام شده از تحصیل است حیات سپهدار از شما تعجب است که بدون تقصیر چهار نفر اراده را در بر زن
انجمن داده بودند چه مشروطه و نه مشروعه داده اند ام مملکت نوشته اند شما برقرار خواهد شد از فضل خداوند در طهران تعیین
استقرار شده و اینکه نوشته بود مذهب اسلام را اجرا بکنید تضمین شده زیاد است که استقرار مشروطه نبوده از قرار کلام
نکرده انجمن نخواهیم داد دیواره ها که سعادت شما تمام شده از سیر نبوده باشید نمی‌توانید اکرده اند (انتهی)
در عبارت تلگراف چنین می‌نماید همین نطق بالای اظهارات عمامه داران بوده است که از یک رجعتی آراسته شده اینکه
اجازه ما سرار دینه ابهام نیش در بر اعزاز استقرار است فقط مجاهدین برای نگاهداری نظافت و نظمیت قیام کرده اند که هم بحکم
والدین حجج اسلام نجف اشرف عمل می‌نمایند در ساحت مملکت ایران صدها هزار آنها مشروطه خواه است منتها در دولتهای خود
از ترس حکام و ماموریت ارتجاع قدرت اظهار ندارند سر گریبان خود کشیده اند ما با موقعیتی برسی آورده‌اند وجود را اظهار نمایند
و حکم بوادیه تلگرافات کوشش داده اند که دید منظره عظیم در میان اهالی اجناد عموما مهیای دفاع و جدال کشند

روز شنبه بیست دوم شعبان

در نقطه اقدام تحکیم شد و لی در بازار لقفیده در چهار سو بازار طرف سرانداری شده نفر از سوارها مقتول
گردید اما سطانی معمول سه روز ده اهالی سیدحسام الحاج سید سید مریم دشمن واقع قطع نمودند اینکه طالان
راه ادره شهر و لکد رفتن را انسه اربابان اطراف در شهرها قیمت بلوکات خیز اهالی با تیره های جنگ با لشکریان می‌کشند خبر
برکشیش ارومی باکو با جمعیت تمام منتشر است شکوه است در سرحد ارومی مردی کفیل داده است نکشته آرام بود ملت سطانی
سه شب از سحر تا شب تک تک تیراندازی می‌شد

روز یکشنبه ۲۳ شعبان

بعد از طلوع قنات مجاهدین مشغول سربازان اجرای جای می‌شدند که در آنجا خانوان عده سوار است سوارها قدر طلعت را
انس رفتند و طرف محله شتربان سرزدند از آنها جلوگیری نمی‌نمایند از جهت تیراندازی زیاد نمود سوارها داخل دروازه شده
از رو به کوه سرخاب نیز به آن سرزدند مجاهدین برگشتند
مدت عصر سردار ما خبر دادند سوار زیادی از آنجا خانوان هستند با چند نفر مجاهد سوار شبانه بر سر می‌تافتند چند
سوار در بلندی نمودار است و چند نفر سوار از دروازه خارج شد بسمت شهر سپاهیند چند نفر مجاهد از اسباب رفته
رفته بالا تیراندازی می‌کنند اما هم خود را بالا کشیده از سر راس خارج نمی‌نمایند شاه قاسم رجعت در راه دار چند
روز شبها الیت تیپ یا یام که دویست نفر رایت کرده بودند قراری توقف کرده همان سوارها از بالای بلندی کوه باشی
از طرف محله شتربان سرزدند سردار ده بالای تیر کمان اینها را از رد شد نفر اینها مجروح گشته نفر معدوم شد که

انها رحیم خان چلبیانلو با چند نفر سواره خودش بقصد رفتن بوده شب بمیان اردوی باکو که حدود [illegible] مراجعت میکند رسید که
سایر سوار قفقازی بعد از تحقیقات شهر مراجعت میکنند یکی دو شیپور صدای تیراندازی زیاد بود ولی حادثه رخ نداد

روز دوشنبه بیست چهارم شوال

امروز تیراندازی زیاد معلوم شد که با دو خان در طرف بارازه (پرسنگ) جنگ میکردند چون تمام
ملک سالار [illegible] بود که از سر قلعه عمیشه دشمن را متصرف در آورند راه اتصال اردوی [illegible] را با محله
شتربان قطع نمایند معلوم شد چند نفر از سوارها زخمی شده بعد از طلوع قشون سوارها با جمع حمله
نموده بارازه (پرسنگ) را آتش زدند مجاهدین با حمله کرده سه ساعت به جنگ طول کشید بعد سوارها
شکست خورده چند نفر تلفات دادند برگشتند بطوریکه تحقیق شد بیست و یک نفر از سوارها مقتول از مجاهدین هم دو نفر
زخمدار یک نفر بقتل رسیده بود

سابقاً گفتم یک نفر گرجی مشروطه خواه که از وطن خود دور گشته و بطرفداری مشروطه خواهان ایران آمده بود زخمی شده
امروز در مریضخانه [illegible] چون غریب بود از قافله دیگران خود هم رفقا زده بود مجاهدین با احترام تمام جنازه
او را [illegible] سپردند در تشییع جنازه تقریباً چهار هزار نفر از مجاهدین حاضر بوده با نظام مخصوص در جلو و عقب
جنازه تشییع کردند [illegible] ساعت از شب گذشته شهر آرام بود در همین اثنا [illegible] یکدفعه
[illegible] حمله کرده [illegible] تیراندازی [illegible] تا صبح مانده [illegible] جنگ [illegible] شد
از مجاهدین [illegible] مقتول و مجروح شده [illegible] معلوم شد

روز سه شنبه بیست پنجم شوال

چون خبر [illegible] اردوی باکو رسیده بود که شب با قره داغی قرار [illegible] رسید سردار عده سوار مأمور کردند
که قبل از [illegible] رفته در اطراف [illegible] باشند و از آمدن سوارهای باکو اطلاع حاصل نمایند سوارها [illegible]
[illegible] کردند [illegible] از طرف [illegible] تقریباً چهارصد سوار [illegible] محفوظ [illegible]
[illegible] مجاهدین سوار از طرف سوارهای باکو [illegible] حمله کرده قبل از طلوع [illegible] جنگ [illegible] شروع نموده از
هر طرف [illegible] سه ساعت از روز گذشته [illegible] خبر [illegible] نظام رسیده [illegible]
سوار [illegible] از [illegible] طرف [illegible] حمله [illegible] کمک کنند مجاهدین [illegible]
[illegible] مراجعت کرده [illegible] مشغول تیراندازی [illegible] مجاهدین سوار [illegible]
[illegible] تیراندازی [illegible] خود [illegible] سوارهای باکو [illegible] شهر [illegible]
[illegible] سوارهای باکو [illegible] چون [illegible] در [illegible]
گرمی هوا خوب نبود [illegible] مجاهدین سوار و پیاده [illegible] تیراندازی میکنند
تیراندازی کرده [illegible] عده از سوارهای رحیم خان [illegible] مجاهدین پیاده حمله نمودند مجاهدین [illegible]
[illegible] عقب [illegible] فرار میکنند [illegible]
[illegible] خبر [illegible] سوارها [illegible] سوارها [illegible]
[illegible] شتربان سوارها [illegible]
[illegible] فرار کردند [illegible]
[illegible] نفر از سوارها [illegible] زخمی شده بودند
[illegible] ساعت [illegible] طلوع [illegible] چهار ساعت [illegible] سوارها [illegible]

دیگر شروع بجنگ شد . . . ساعت از شب گذشته بود از آن از جمیع سنگرها تیراندازی شروع شد تا طلیعه صبح در این
مدت بیش تا از طرفین در هر دو جهت شلیک [illegible] از تفنگ خالی نمی‌شد
روز گذشته عین الدوله از هر محله دو نفر از ریش سفید خواسته بودند بعد از رفتن آنها تمام شهر را ده گلوله توپ زدند از شهر دو رحل
[illegible] ساعت بالای برج مهلت میدهیم اگر تسلیم شده بیدق سفید بالای خود زدند به سنگرهای محلات دباغخانه و بیلانکوه باغ
شمال است همراهان قرار میدهیم جمیع شده فقها و الدوله از دور در حکم خواهیم کرد که لشکر گران که دور خود است
شهر را از بیرون گرفته‌اند بروید با رکاب خود در شهر ملاحظه نمایند چون این خبر بگوش سردار رسید بعالم برای عین الدوله دادند
که چهل و هشت ساعت بسیار طول دارد و بیش از بیست ساعت اقدام بجنگ نمایند که ما هم فرصت برای جنگ حاضر بدارد سالار هم سلطانی
رای سردار بود گفتند هر چه در قوه دارند مضایقه نکنند ملت و مجاهدین را از گرسنگی بترسانند عموم ملت بجنبش آمده مهیای جنگ
شدند با طرفین گفتند وعده تعطیل میدان تمام شد منتظر بودیم تا خبر ابلاغ هر یک خواهند داد و عوض آن عین الدوله
امیدوار جنگ نمیدهند حال سه ماه است روز و شب جنگ میکنند صرفه نکردند دیگر چه امیدوار جنگ است میدهند ما به
روزه در میان جنگ هستیم اما این مردم گفتند ما از جنگ و همه چیز ارزان در حال تراشیدن که فرمان مشروطه گرفته‌ایم با حقوق ملیه
خود را نگیریم دست بر نخواهیم داشت مهلت لازم نیست الان جنگ کنید خواهیم با حاضریم
اما بیست ساعت را هم صبر ندادند چهار ساعت از جمیع سنگرها صدای تفنگ بلند شد از طرفین اهالی جنگی را با گلوله تفنگ مثل تگرگ
میریختند تا طلیعه صبح
روز چهارشنبه عید شوال
از امروز مجاهدین مهیای جنگ شده بودند تمام را مشغول دیدند با سربازهای عین الدوله از اردوی ساطر اتابک قصد شهر داشتند
از راه تپه کوه (یانوق) که طرف جنوبی شهر است سوار شده بسمت سردار در قره ملک غربی شهر عازم شدند
از سنگرها را الان یک تیر توپ طرف آنها انداختند سوارها خود را به اینسو تپه و دره کشیده عازم مقصد خود تا کنند
چون سالار ارزم و بیگ عزالدین قرار داده بود که عمده صمدخان است که حکم شده بود با سوارها قراداغ و تفنگچی‌های اسکو
دهخوارقان و ساهی میان الطرف در قره ملک اجتماع نمایند و در موقع جنگ از آنسو حمله نمایند این عده سوار را فرستاده
بودند که با آنها ملحق شده با آنها باشند
ساعت اسلامیه تیپ کم کم کار را بزرگ نموده با کارزار تمام بستر شدند که مورتی از سوارها شجاع و پیاده از کشال عراق
قریب سی چهار هزار نفر در اطراف شهر و در محله‌ها بال در عقب پیشقدمان که رسیده بملکه حیابان و اسلامیه آماده
ومهیا نموده با اهالی بار دیگر همگی برای جنگ متحد معلوم است در جنگ اتفاقی زیاد حواله شده و مدتی خود قرار اولاد دوطلب
اسرائی و برادر در ولی رسید حقوقی آمدی باشکوه بعقیده بزرگ شده با خونهای طرفین ریخته بود بقدری حملات که ستم‌دیده لیش
که سهم ملوع در شد رسید بحقوق ملی خود آگاه گشته دیگر زیر بار استبداد و ارتجاع نخواهند رفت
بالجمله امروز اردوی صمدخان که از صوفیان و حوالی سرهان حرکت نموده سمت شهر میآمدند سالار ارزم و سیف الملک خان
از قره ملک آنها را استقبال کرده نزدیک عصر با توپ و لشکر وارد قریه آناخاتون که ملکوتی و طرف شمال شهر است شدند
چون در دفعه اول چهار روز سال تمام جنگ خون ریزی با دو رقابه و دو توپخانه لیس بیلی اجی آمده حالیه دوکرد شد در سه ساعت غربی
آن لشکر گران در دشت مجاهدین مشغول گشته و رقابه و مهمات آنها بدست مجاهدین افتاده بعد از آن در حالت عموم ایشان
نمودند که از ترس مرابطت خود آرائی نمایند بعد مجاهدین تا زدند بعد از جا کشانیدن از او جمیع کشتی‌ها پس آمدند
سنگربندی کرده‌اند برای آنکه توپ و سوار و سربازهای ملی ترکش را از تیراندازی بسه شرقی بزرگ از اسلحه خبر
ساعت آنها اند چند جوش لگد را با گلوله توپ گفتند

امشب ابداً آرام نبوده‌اند متصل گلوله می‌باریدند مجاهدین در سنگرهای خود مشغول قراولی و انتظار رسیدن صبح و مهیای جنگ بودند

روز پنجشنبه ۲۷ شعبان

امروز سردار و سالار ملاحظه کردند که از طرف سه‌تپه و داراری اقدام بجنگ می‌خواهند نمود عده‌ای از چیانی شده دستور دادند از ارک و سنگرهای خیابان چند سر توپ بسمت آناخاتون و سرخاب و داراری شاطرانلو انداختند که تنبیه هر کس تهاجم نموده بدون جنگ که داده اند ضعیف شدند ولی از اینها ظاهراً برنگردیدند تهاجم برگشته شدند

دو روز است که تمام راه آذوقه و دیگر در تمام از اطراف بریده شده و نان بسیار کمیاب است برای اینکه آذوقه به شهر تمام شده زیرا از اول با ایشان ابتدای جنگ بوده منحصر از راه شب سرانداری و جدال است سواران دولتی راه‌ها را ما کرده از کسی جرئت نمیکند بسمت شهر بیاید مخصوصاً لیل و روز که شهر در محاصره و قبول ... است

امروز بعد از ظهر دنباله لشکر ماکو وارد شده بار بودی خودشان در آناخاتون ملحق کنند عده سوار و پیاده از آناخاتون حرکت نموده از راه کوه سرخاب عازم محله شتربان گردیدند مجاهدین سربلی خود رفته مشغول تیراندازی شده جنگ ما بین آنها شروع شد سردار امر داد چند سر توپ با گلوله‌های شرپنل از سنگر امیرخیز بسمت آنها انداختند گلوله‌های شرپنل بیک آنها رسید متفرق ساخت بعضی از سوارها اسبها برخی بطرف محله شتربان رفتند و برگشته بار دوی آناخاتون رفتند حتی نمودند که رحیم خان و شجاع نظام بوده رفته بودند. بعضی از آن دو نیم را از رود را سرپرستی در محله شتربان تنزل بودند که گلوله توپ بعکس محال رفتن بداد اینجا با خبر رسید دیده شد تیراندازی چپاول سوارهای بلدک افتاده در این روز که اقدام بحمله نشد بقیه آنها جنگ با تمام بوده بلکه جمعه از سنگرها رسیدن و سوارها را بودی شلیک زیاد نمودند ولی مجاهدین در سنگرهای تنها اعتنائی نکرده تیراندازی نمودند

روز جمعه ۲۸ شعبان

صبح امروز ملاحظه نمودند با تهدید و تخویف اهالی عبور تیر اثر یار استبداد نمودند بعد از اینکه از کابل لشکری فراهم آوردن استعداد کافی و سنگرهای توپ‌های اطراف که در این سه روز مهیا نموده بودند چهار عراده توپ بزرگ از مجاهدین تبع شمال الی رودخانه آجی به تپه‌های جنت‌حیرت و شرقی شهر کشیده نصب نموده بودند از اردوی ماکو توپهای خود را در طرف شمال که نشسته یک عده از روز گذشته حکم نموده توپچی‌ها شروع به تیراندازی نمودند قریب سی هزار لشکر آنجا دور سرکرده و خوانین اطلاعات یکدفعه حمله بشهر بکنند سنگر را از دور تماشا می‌کردند از سه طرف شهر گلوله‌های توپ باریدن گرفت بعضی در هوا منفجر می‌شدند برخی که بهدف می‌خوردند منفجر می‌گردید صدای مهیب می‌کرد با اینکه اطراف پراکنده می‌گردید سردار و سالار امر دادند سنگرهای خیابان و مارالان و امیرخیز توپچی‌ها تیراندازی نمایند حتی گلوله توپهای آنها نیز به شهر رسید گلوله توپهای مجاهدین هم با آنها میرسید امر دادند تمام مجاهدین در سنگرهای خودشان آماده باشند جمیع معابر را مقصود (سرکوچه‌ها است) محفوظ نگاه دارند جلوگیری از هجوم سواره و پیاده نمایند عده‌ای که زیر سرکرده‌گی خوانین اهل وطن از اول مارالان و عده دیگری زیر سرکرده‌گی خوانین عراقی و بختیاری و مشغول بطرف خیابان و عده دیگری از دروازه باغمیشه و عده دیگری از (عالی‌قاپو) و عمارت دولتی و سایر سنگرهای سابقه اینها عده زیادی از طرف سیلاب کاهفروشها و دروازه محله شتربان با یک عراده توپ کوهستانی سرکرده‌گی رحیم‌خان چلبیانلو حسین خان ... وارد مشغول طرف راست سردار و عده از کوچه (عیدگاه) طرف شمالی سرکرده سردار سرکرده‌گی ضرغام نظام و حاجی پوسی خان و سایر خوانین قراجه‌داغ و عده از طرف قوری چای طرف حمله ستارخان سرکرده‌گی شجاع نظام مرندی و سایر خوانین مرند با سوارهای مرندی و ماکوئی‌ها از طرف رودخانه آجی زیر سرکرده‌گی سردار عزت الله خان ماکوئی و سایر خوانین ماکو و سلماسی و خوی و دادچیق و عده از فرقه ملک سرکرده‌گی سالار ارفع دعوت صمع خان اسکوئی

انتهاءً ناگاه از طرف جنوب شرق شمال این نقطه عمومی شهر حمله کردند جنگ خونین شروع شد از صدای
توپ‌ها و تفنگ‌ها عرصه محشر برای اهالی تمام ارزگان [illegible] و سرد برپا گردید هر چه لشکر تیمور زور از خود را با بسی سپردند
مجاهدین با غیرت در سنگرهای این در بار لشکر ایستادند و دفعه سنگر دیدند سرگرده‌ها با افراد خود زبان کشیده و قربان شدند
همی بودند هر یکی جنوب با دیدن هر کلوله مجاهدین سنگر دیدند از یک عقب از دور گذشته ای یک عشق و تیم تعرض با نبرد ده
ساعت جنگ ادامه داشت

رحیم خان که سرور داو طلب یکی از قطعات دروازه‌ها سواران با سواران خود حمله آورده بود توپ را جلو یک مره سید امام
گذاشته بیک‌های دروازه اسلامسول و کوهه (عبدالحی) متی لیت و سواران خود امر داده بود که جلو رفته در سنگرهای سنگ
های سنگهای آماده نمودن و شکسته با کلوله توپ سنگرهای مجاهدین را فراری نمودم حمله سپرید بعد و به توپ سنگرهای دروازه
زدند مجاهدین دیده و کور و رکو قدم پس نکشیدند به تیر اندازی مشغول شدند حتی کلوله توپ سنگر خود دیگر را
دوباره برگشته گردید چرا آقا میر شهید عبدالکریم گور و رکو را برانید حزن الحوال دوباره های کلوله تفنگ با سنگر سرداری
شهید جلیل و شهید سیف الله گور و رکو خورده با زیرهم داد آیه جنگ سنگر دیدند قدم پس نکشیدند میر رحیم خان و سواران با تیر کلوله تفنگ
سربخشند که اینها مونیفند و سنگرهای ایستاده که نماند شکست خورده گشته‌ها خود را بر دشته قرار کردند رحیم خان تماماً از سر گذشته
خود شنید ستمگر انکرشت این خبر مطابق اظهار [illegible] از کسان خود رحیم خان است

اما از طرف کوهه عبدالحی مجاهدینکه در سنگرها جو بتیر اندازی سنگر دیدند این یک بالاخانه بود کلوله توپ مطرف با بالاخانه راخراب
مجد جعفر نام مجاهد را با خود برد دیگر مجاهدین در این مرتبه مقاومت نماند یک گروهی توپ انداز هم اینجا بود با دیگر دیدند که جای
مانتیک گروهی سنگوید سواران مهتور زیاد شد لذا پس از زیاد شدن توپ انداز هم مجاهدین می‌شدند گروهی در ایست
زمان شیقیم سنگر مقدری سپردند تمام به تیر اندازی مشغول بلوچ سواران گروهی سرتوزر را با کلوله زده بعضی اورا ماسلاسه بلند تا دیگر
با هر سرداران و توپ انداز و بعضی دیگر آن در نبرد هولناک شده سواران توپ و کلوله از جبهه از با تکیه آن در نبرد خارج
نموده در این اثنا کلوله‌های محمد خان برادرزاده ستار خان بخورد از پا افتاده جهد مجاهد فوراً الحوال را در پشت گرفته با حج حقیقت
که سر گرد سردار است سپرپاها

اما از قطعات رود قانه آجی لشکر با کوشش در با تحقیق آمده یک ترکیب آخر مشغول جنگ بلوچ مجاهدین با لطف
سرگرده که کربلای حسین خان و خداداد خان و حسین خان در سنگرهای تنها مشغول جنگ بلوچ بها را با بلوچ که قدم پس نکشیدند
از طرف قره ملک مجاهدین حکم آباد و کاشون و امیر زین‌العابدین سرراه قشون را گرفته مشغول جنگ بلوچ ولی از تحقیق بعض سعدی
حکم آباد و حیدر قانه در کوهه اداره که تعرض شد

اما از قطعات عالی قاپو سواران ملکی تیمور کشیده روانه شد هر شهید صادق قفقازی با مجاهدین جوانان را گرفته با کلوله
تفنگ بدنهای تیمور چی زده از پس سرخی هر در قبل کشته شد بد نمود تند سواران از رسیدن سیل برگ درخشان در ترقیع قرآن
ریش را بخشند

از طرف قوری چاپ و امیر خیر سایع نظام که بحرین هیئت گشته بود احمد ریاکاری دانسته حمله وارد شده بر چه بعضی سنگر خود را دید
بغیر از کلوله تفنگ چیز دیگر نصیب او نشد

از قطعات جنا با هم آن عده که حمله کرده بودند بغیر از صدمه‌های جبر دیگر نصیب اینها نگردید از قطعات با زالله هم فرار
برسی آوردند خود با سرا در خاک مذلت دیدند در این از درخت با کسی از کسی خبر نداشت
الحاصل یک عقب و تیم تعرض نابود از هر طرف شکست به لشکر استبداد بهان رسید گروه فرار نهادند دعوا کشی شهر ارام شد
در هر طرف کشته زیادی از لشکر دولتی در میدان قتال افتاده بود بطوریکه تحقیق شد از قشون دولتی تخمیناً سیصد نفر

مقتول و دو سه نفر مجروح بود بعد از تیر توپهای طرفین بالقصد و جهالت دو سه تیر توپ بیک از اعیان قاجار [illegible] خالی بوده
در این جنگ این سرکرده‌ها کشته شدند نصرالله خان - حیدر خان اوجاقلو و جواد خان بختیاری - علیخان [illegible]
یاور خان [illegible] در این روز در سنگر جمعی از اهالی [illegible] پرسش نمود [illegible] با این صداها [illegible]
ممکن نبود اگر [illegible] در بازار شهرها اتفاق می‌افتاد تلف عده از زنها و بچه‌ها از [illegible] می‌شدند

روز شنبه ۲۹ شوال

امروز ظهر آغاز جنگ شد بعد از ظهر دو جهت از [illegible] و دو جهت از [illegible] مارالان دیگر [illegible] از طرف [illegible] حمله کرده [illegible]
[illegible] نمودند توپها از هر طرف [illegible] تیر اندازی را آغاز کردند سوارها و مجاهدین از هر طرف تفنگ شلیک مشغول بودند [illegible]
[illegible] از هر دو طرف [illegible] عده از سوارها مقتول و مجروح شدند از مجاهدین یکی صدمه رسیده بود در این جنگ از طرفین [illegible]
[illegible] شد [illegible] امروز [illegible] تردد شهر قطع شده [illegible] با وجود این اهالی [illegible]
استقامت دارند [illegible] اگر از [illegible] بمیریم تسلیم استبداد نمی‌شویم ظاهراً چنین بنظر میرسد که عین الدوله خیال کرده [illegible]
مانند [illegible] تسلیم خواهند شد

در محله [illegible] عصر محمد اسمعیل نام جوان [illegible] [illegible] قزوینی [illegible] گلوله هوائی [illegible] کرده
وفات یافت [illegible] گلوله‌های هوائی بسیاری از مردم و [illegible] از طرفین تیر اندازی [illegible]

روز یکشنبه غره رمضان

امروز تا ظهر آرام بود بعد از ظهر از طرف مارالان و خیابان و [illegible] سردار [illegible]
مشغول جنگ شدند از طرف [illegible] سالار در خیابان جنگهای دلیرانه کردند مجاهدین از طرف [illegible] مارالان [illegible]
[illegible] طرف شهر [illegible] عظیم برپا شد در این گیرودار [illegible] از قره ملک با سوارها [illegible]
و اهالی قره ملک و [illegible] سواره و پیاده [illegible] برای بردن توپ [illegible] حمله نمودند مجاهدین [illegible]
که قراول توپ بودند [illegible] گلوله قرار داده [illegible] بردن توپ [illegible] شده [illegible] توپ که
[illegible] که [illegible] متصل است بمحلات شهر
[illegible] مجاهدین توپ [illegible] اهالی قره ملک [illegible] شده مقداری [illegible] نقد و [illegible]
خانه‌های [illegible] نموده [illegible] ملک [illegible] اموال [illegible]
[illegible] اموال [illegible] کرده بودند [illegible]
در مقام جنگ با سوارها و قره ملک [illegible] اموال [illegible] شدند [illegible] در طرف شهر [illegible]
قتال جاری بود امروز از مجاهدین یکی صدمه رسیده بود در طرف خیابان عده [illegible] مقتول و مجروح گشته [illegible]
[illegible] مجاهدین صدمه رسیده بود

امروز در [illegible] توپ از طرفین [illegible] شده بود [illegible] شهر آرام [illegible]
[illegible] خواهند

روز دوشنبه دوم رمضان

امروز شهر آرام بود اهالی [illegible] روزه [illegible] مخصوصاً در این ایام [illegible]
موعظه [illegible] و آقا میرزا [illegible] نطق [illegible] در خصوص [illegible]
امروز [illegible] از طرف عین الدوله [illegible] اهالی [illegible] بودند که [illegible]
[illegible] جمع [illegible] در خصوص [illegible] گفتگو نمایند [illegible] در قفقاز [illegible]

617

ملکه یک نوعی از امورات را اصلاح بکنند و هوسی که این ادارات بهانه ای صحیح است مثل که بیدار شده دیگر از بار ظلم دیگ
قانونی نخواهد رفت عقده این تکفیر را تغییر از ارد و رنا زد چیز دیگر بکشند در این هر سال از این قبل ما بین لشکر شده صحیح
مانده است

امروز بعد از ظهر ده مرتبه تیر توپ انداخته شد ولی آثار جنگ هویدا نیست شب سه شنبه شهر آرام صدای تفنگ
از طرفین شنیده شد

روز سه شنبه سیم رمضان

امروز شهر آرام بود اما مثل اینکه دکاکین همه بسته است در دروازه تبریز و دروازه مهاد و همین دکوچه های ارمنستان و
بازار چه توپ بازار از طرفین اهالی غیر مسلح است بازار تمامًا بسته دکاکین غاز بسیار از بین رفته ما رحم ای شکسته و توپخانه شهر آرام
بود صبح از طرف دروازه اسلامبول شلیک تفنگ زیاد می شد که از سنگرها می انداختند

روز چهارشنبه چهارم رمضان

در این ایام اهالی محله شتربان و سرخاب محرمانه با هم مجلس ساختند و اظهار دلتنگی از بودن انجمن اسلامیه در محله شان و ماندن در دست
سوارهای قراجه داغی و سرنده و شاهسون نمودند چون قدغن بر این نشده بود در این مورد از جمیع رفقا اهل مشورت کردند و جمع اظهار خوشوقتی
از برداشته شدن قدغن نمودند قندهای لیقط در محله شتربان کمیاب بود از این ملاقات بقدر احتیاج چهره بخریدند شهوت قع
نگفتند از اطراف شنیدن فقر شدید دارد از ناتوانی بازار چه پر از سنگ ها ایستادگی کرد از آنرا در این برزن ها و در این ملاقات کمیاب بودن و لی
الطرف زیاد بود سواره را سوارهای بی رحم با کلید شکستند هر باره از هر طرف اگر و جس را اتباع شد در بیش آرام بود ولی نزدیک
صبح شلیک زیاد در سنگرهای دروازه اسلامبول و نوار ها شد

است بعضی از مجاهدین قراجه داغی که تفنگ و فشنگ بحیر سیا ورند و مجاهدین کرجی که یک مجاهد برتر سیاه بند و در پشت داران
جمع شده بودند برای اینکه از جری ها که بسر راه تها بود در ابان قانون بکار بکنند ساختند از سرای آمده خود شان را بر پل
دستق) یعنی شکسته ریخته از آنجا گذشته از سراه نزدیک سنگر نوبی کاسوان آمده داخل محله کاسوان شده ساختمان
خود شان را ابر دار ساختند برای اینها شتر ال پیش کردند بعد رفتند سالار را هم ملاقات نمودند

روز پنجشنبه پنجم رمضان

خون بعد از جنگ هر کس مجاهدین سر بلی از خوردن قهوه چی در قهوه خانه های اینجا برای ماه رمضان با افطاری آن مجلس را تخلیه کرده
سنگرهای بعوری آمده بودند که بحمله هر خبر سر دیگ باشند از سنگرها کو نوار زیادی از زیر لشکر شده در راه دارقانه ارد شهر ال
سکند حولی ار ار در دو قافله سنار لی که بسحر آمدند دار و شهر تبریز نوبتها بها ماندند با تحصیل مجاهدین خواستند که انبار انحصله
نموده متصرف گردند با سوار ها شغول جنگ بشوند این خبر که لیبر دار رسید که مجاهدین سربازی مشغول دعوا هستند آدم
فرستاده مانع بشوید که امروز جنگ بکنند با سر هکیه دستور جنگ نشاد داده بود

روز جمعه ششم رمضان

امروز جنگ آن شد زاه سرد و در ما رسید آرد گندم زیادی سیاید در جنگ حرثی که یکنفر کرجی در سنگر نوبری زخم دار شده بود
فوت کرد مجاهدین با احترام جنازه او را برداشته تا یک شهر بردند از همراهان ما این باغات را گفتند که مامیه حاضر ای دلال
دعوت در وطن خود هستم این شهر شما آمده ام از ادوی غیرت و حمیت بمشروطه طلبان هست تا هم در دستش در کمک یحوا هم شبها کفتی ایم
از لسیه ما در این راه مقصود کشته شوم ابدا ً آنکه به صدمات عزم ما را ست نخواهد کرد انشاالله از دست حوادث عزم شما
باید در کارات کامل خواهید رسید

سر دروازه باطنش در شهر صمصام خان لطفهای بعضی از مختان مشروطه سکردند صدای

د یاشاسون مشروطه و مشروطه طلبان یاشاسون ستار سردار ملت و سالار ملت و مجاهدین با غیرت ایران که مشغول
مجاهدت میکنند (یاشاسون بزبان ترکی = زنده باد است)
شب سه‌شنبه در درون شهر آرام و حملۀ و از طرفین اقدام بجنگ نشد   اهالی شهر از دو جانب بیرق‌ها تردد زیاد دارند
اهالی با نهایت احترام میکنند
بعضی خبرها از جنگ شهر باقیه که دیروز در طهران جارچی افتتاح مجلس داده است ولی معلوم نیست که آثار جمعیت
هویدا شود بی اصل است شب یکشنبه در درون شهر آرام و مجاهدین جهت ملت با امورات خود مشغول است شب دوشنبه نیز شهر آرام گشت
در طرفین آثار جنگ پدیدار نبود
روز دوشنبه نهم رمضان
از جانب قره ملک و سردرود بسیار باشید وارد شدند مانع میشدند و هر کرا که در راه میگیرند هرچه دارند از دستشان میگیرند
شب سه‌شنبه آرام بود از طرفین اقدام بجنگ نشد
روز سه‌شنبه دهم رمضان
بواسطه ناامنی راهها و نیامدن غله شهر نان کمیاب است برای بودن آذوقه ماکو در آنجا قانون بفلاحان را ممکن نیست
میگیرند از آن ممکنه‌ها و دور است سرها و در تها محققا بسروند خریداری ملاحظه سرکرده‌ها سوارها و اسلحه‌شان را
اسکند نموده بودند که سوارها مانع نبودند میگذرند از سرحد آن ممکنه کسی نگذارد و تاراج کرد
قافله بزرگی از تجار دارها برای ایروان قند و نفت به تبریز میآوردند سوارهای ماکو که در راه در قافله را دستها بودند
مانع شده همه را ضبط نمودند شب آرام بود طلیعه صبح شلیک زیاد از سنگرها بطرف شد
روز چهارشنبه یازدهم رمضان
شهر از جنبه تیراندازی ساکت بود ولی از هیچ طرف بواسطه ناامنی راهها قافله نمیاید مستبدین خوب دیدند که از
جنگ‌ها بکلی نشده حمله لشکر بیحد صرف نموده اطراف و راه‌ها را تاراج نموده که راه آذوقه شد قافله مسدود بود
که بلکه شوره اتکه با ستبداد رضی شویم تصور میکنند که ملت بزیر و مجاهدین با چه اندازه استقامت و پایداری دارند
که با ضعف بیایان آهنی مسدود نموده تسلیم نخواهد شد شب پنجشنبه بعد از نصف شب تیراندازی از طرفین زیاد شد
سه ساعت امتداد داشت بعد ساکت شد مقابل فشنگ اسرا خبر گفته بود در تکیه مجاهدین نفت و فشنگ را روسی فشنگ
آوردند فشنگ پر کرده برگشتند از این بعد تیراندازی شب‌ها در دورها که درمیش حدود و بالاتر تبعه بیشتر میاید که
در هر شب چهار پنج ماه مجاهدین چندین ملیون فشنگ طرفین مصرف کرده اند
روز پنجشنبه دوازدهم رمضان
سالار با جمعی از مجاهدین حمله برده یک قلعه (تپه بلندی) را تصرف در آورده سنگر گشته یک عراده توپ
با جمعی مجاهد استحکام شده که نگذارند اردوی ساطرانلو بطرف باغمیشه و سرخاب تردد نمایند در واقع از سر قلعه
هر چهار طرف را ضبط نموده اند هم طرف اردو و هم طرف محله شتربان و باغمیشه در هفتم فتح نمایانی کرده بودند
روز پنجشنبه شاهزاده عین الدوله خبردار شد که مجاهدین سر قلعه را گرفته اند دیگر بعد از این نمیتوانند اردوی ساطرانلو رفت نمایند
لشکریکه در محله سرخاب و شتربان است تحت خطر افتاده مشکل است از آن سر قلعه سرلور تردد نمایند اگر مستبدین ساعت صبح
مانده که وقت سحور خوردن است سواره و پیاده رشید ملت تهاجم نموده نقطه بزرگی بزیر تصرف در آوردند این خبر را به
سردار و سالار ملت رسانیده بودند بهاجم از مجاهدین شجاع انتخاب نموده به سر قلعه فرستادند چه باشند چهار ساعت نصف شب مانده
دو ساعت قبل از شروع تهاجم اردو را در زیر آتش توپ و تفنگ قرار دادند مجاهدین در عقب سنگر از سر قلعه تا بی سرانداز

کرده بودند عده از مجاهدین از طرف باغ صاحب دیوان بیرون رفته مقصود و انوس بیش لشکریان از دور جاده قراداغیها خودشان دراز
نموده در روزها و کوه‌ها ... کردند الی نقطه صبح در همو که هولناک شنی فایق بود مدیر کرده‌ها حالی شدند
سردار تصمیم گرفتند که تدبیر از جهت ماکوئی که در آناخاتون و سربازی آجی چای و در راه دارخانه ردیفها تنزل کرده از آن برداشتند
فوراً چهل نفر از مجاهدین رسیدند در اول شب از راه کاشوال روانه کردند که رفته اسباب خود را از کاشوال که آنجا
ارتباط رود قانه رفته از این طرف پل گذشته در آغ تپه (تپه سفید) سنگر نمایند فردا در حین کار و در جنگ با تیغ بودند که
از این سواران سوار سیاب ارادوی آناخاتون بروند تمام رفته قبل از طلوع صبح در آن محل چادرها پیدا داشته نموده بیاید

روز جمعه ۱۳ ماه مبارک

سردار بعد از طلوع آفتاب نقیدر پیش نفر مجاهد را سرکرده که کربلائی حسین خان و ملا بیع خان بطرف راه دارخانه ردیفها برای رفع
لشکر ماکو روانه نمودند آنها از هر طرف سلک تکان از این نهرها دکنف زار ها بطرف سربازی برده از طرف باران
بلایابین کرفتن سوارهای چهار ماکو که در کرده که قلی خان او چقیو در راه دارخانه ردیفها که قلعه محکمی است مجاهدین در بیابان قرار
گلوله‌ها می‌انداختند بدرود دیوار بسیار می‌خورد هر قدر آنها می‌انداختند بطرف مجاهدین بی خطر سنگر ایشان بالای صیقب ... مجاهدین
شیرانه حمله سرگرفتند فرب طهر خودشان را به راه دارخانه رسانیدند در یکدم عده زیادی را مقتول و مجروح نموده سوارهای رشید
ماکو راه فرار شتافته تعقیب ها را انداخته بعضی سوار شده ردیف را رهادند مجاهدین با آنها راه داده بردند سپاه دیر بود آنها
در جلو راه دارخانه کشته شدند جمعی نفر از آنها دیگر در اسیر شدند باقی را راه دادند فرار کنند دزدان گرد دارالتجار
ماکوئی توپ اندازی نمودند با زده تیر گلوله‌ها آنها انداختند بطرف سربازی در راه دارخانه اما هیچ نتیجه گرفتند هیچ کار از
کار گذشته بود در این موقع سردار سوار شده خودش را به عرصه رسانیدند بمجاهدین مهربانی نمودند مخصوصاً کربلائی حسین خان که در تمام
جنگ‌ها پیشرو و جرئت کش بودند دستور دادند توپ کوهستانی را آتش‌کننده جواب توپهای آنها را بدهند که در اینجا حضور
داشته سلیمان و کیله بسر را نزد سردار آوردند خلع و جبت دانستند لیکن سردار تا حال امیر شدند که پنهان شده بود سردار خیلی رحم دل
است با تمام مهربانی خواهند که نیا فرحی پیدا بدارد دارند و طبیعت بود مهربانی خواندند کرد مجاهدین آنها را با مهربانی طلبیدند بنا کفند واله اسماره
در تبریز با خود آورده ... خدمتکار خودمان بنماید و هم راست هم گفتند سه نفر مجاهد با کمال مهربانی بردند چون در راه دارخانه بدل
آنها رفتند و نقطه ریاضی بود که سوارهای ماکوئی ضبط کرده بودند سردار گفتند اسبها مال تجاره است بسیاری دشمن نزدند فرا دل اینها
حفظ نمایند هر چه اسب و تفنگ و دکان ... سوارهای ماکو بود بدست مجاهدین افتاد در اینجا اسرا را آناله و مجاهدین چهار پنجم از آنها بود دید
خدیو توپ از تبریز بسمت اردوی ماکو انداختند کربلائی حسین خان با بعضی از مجاهدین از پل گذشته بطرف پل بودند سوارهای
فراری سر آسیمه بهر طرف پراکنده بودند یک سوار از طرف آناخاتون اسب انداخته آنها را جمع آوری نمود ظاهر است از اتحاد
سردار ماکوئی بود از آنها هم کی جمع نکنند و کشتن کربلائی حسین خان با طرف پل وارد شده گلوله توپ بار دوی ماکوئیها از
آناخاتون کوچ کرده رو به فرار نهادند سردار امر دادند دیگر تعاقب کردن لازم ندارد دستور دادند کشته‌ها را الکی جمع نمایند
در آنجا دفن کنند پنج نفر از مجاهدین مقتول چهار نفر زخمدار شده بودند مجاهدین مجروحین را بمریضخانه بردند
بردند جمیع دفن غروب بود سردار مراجعت نمودند

روز شنبه چهاردهم رمضان

سالدار از آنجا رفتند سردار با عده از مجاهدین رفتند قبل از رفتن خودشان عیال سردار دکانهای کفش بایک نفر ملا دادند
کرده بودند که کشته‌ها را غسل داده کفن کرده نماز بگزارند بطرف پل دفن کنند اسرا را چیزی داده دکان ... نفر داده
با کمال مهربانی با وطن خودشان روانه نمودند در این روز اثری از اردوی ماکو در آناخاتون پیدا نبود آناخاتون
قبل از آن اردو با اهل و عیال کوچ کرده شهر آمده بودند مراجعت نموده بخانه‌ها خودشان رفتند بطرف شهر از خود

دشمن خالی شد بعد از این دو دفعه سردار و سالار بحیل رحیمخان و شجاع نظام در فکر بر افتادند که تهران هم از شهر خارج نماید
انجمن اسلامیه را نوشتند که به این فتنه و آشوب را اینها راه انداخته اند حضرات را گمراه کرده اند بعد از این از اردوی
ساطرانجمن را از بین بردارید

امروز میرزا اسماعیل واعظ از طرف آقایان اسلامیه پیش آمده بود نزد حضرت را انجمن انگجی که در حدود محله شهر دو طرف
دو طرف بوده میگفت از طرف ایل ... است که این حضرت به حکم علمای نجف اذن مهلت داده است عمل تمام است
اما بعد از شنیدن این خبر میگویند این حرفها تو شکیک و خدعه است اینها میگویند حرفها داریم چرا اینگونه بلکه فقط اسلامیه باید
اول باید بعضی امر دولت را باید و بعد از آن عملی کلیت خیر بدهد

شب گذشته آرامی چندی در جائی صدای تفنگ شنیده شد شب یکشنبه یک عشره تمام از شب گذشته از طرف جاهلان الی آخر
محله امیرخیز از عوض بوتها و ناله تفنگها شهر تبریز یک کوره آتش مبدل گردید از هر طرف مجاهدین و سنگرها که شهید موقوفی
عظیمی بر پا کردند از سرقلعه الی آخر محله امیرخیز که لغزشها کمتری است کلوله از سنگرها میگذرد و بارید عده از
سوارها مقتول و مجروح شدند هشت نفر در جاهلان اسیر کردیدند و تا صبح این جنگ بطول انجامید

روز یکشنبه پانزدهم رمضان

سالار امر داده از رعایت سواران شق و عملی قاپو و نوبه قوللار داللک میرزا رضا دخیل سوار دیگر مجاهدین جاهلان
حمله برید محله ششگلان و هفتمینه را تصرف در آورند مجاهدین از هر طرف حمله کردند تا عصر محله ششگلان و هفتمینه را
تصرف در آورده اند این محله بزرگ را از وجود سوار خالی کردند کریلائی حسینخان از طرف یاران با عده مجاهدین
بر زده سوارها را از سنگرها بنا فرار دلو جنگ کنان الی سرتبریز پیش رفتند تمام حال این جوان رشید این بود که خود را تا انجمن
اسلامیه برساند پیش رفته که انتها شعاع شرق ... کوچه حاج ... داخل سرای کوچک ... در دار ... رسیده که کلوله آتش در دل آنها
را میزد در حین حیات جنگ خوبی روز رفته شهید مبعوث کور ... مجاهد را کلوله زدند افتاد و جوان دلیر بدوش از جنگ
رو گردان نبود بعد از افتادن این جوان سوارها به بندی جری شده حمله آمدند کریلائی حسینخان که خود را در جنگ بیاستیدن
مراد جنگ یاران شرخ ... این جوان با غیرت خود را آن یک از طاقچهای آن سرا کشیده مشغول جنگ بود اطراف طاق را
سوارها به بندی میگیرند از هر طرف دیوار را سوراخ کرده بسرش میریختند مجاهدین دیدند کریلائی حسینخان به دست ... شدند
کما بیت جنازه شهید مبعوث را برداشته نعقیب کنند کریلائی حسینخان در درجه مهلکه دچار است بعد از تمام شدن فشنگ
این جوان دلیر دست بطپانچه نموده با طپانچه سه نفر از سوارها را میزد بعد که میخواهد فشنگ این جوان تمام شده کلوله بکلیه اش
میزنند جنازه او را برداشته پیش شجاع نظام میبرند که جشن فتح بزرگی کرده است

این خبر که منتشر شد که کریلائی حسینخان دستگیر شده برده اند مجاهدین از هر طرف در انجمن جمع شده صحن و طاقهای
انجمن پر از جمعیت شد بعضی سنگرها ... کشته اند بعضی سنگرها را ... اند تعقیب ... و ... انداز تا ... حاضر بودند
میرزا اسماعیل واعظ که در بردن خود پیش از قضیه شرایط آمده بود ... مهرعلیخان قرهباغی سرجان آقا سرتیپ هم
که در رمان گذشته است ... میرسید ... را که مجاهدین گرفته در انجمن محبوس بود با ... کاغذی با اسلامیه نوشتند
که اگر کریلائی حسینخان را از دست شجاع نظام گرفته روانه نمایند اگر مسامحه کنند اسیر برد جنگ ... خواهیم زد
رفته را نوشته روانه کردند جواب آوردند که کریلائی حسینخان را حبس و کشته کرده اند از ... انجمن
یک ... و محرمی میان مجاهدین افتاد که ... سرکرده های مجاهدین از قتل ... در این ... جنگ ...
... بلند شدند بروید

این جوان با غیرت ... رسید ... دارای اخلاق حمیده بود در شجاعت و رشادت کم نظیر داشت

سردار و سالار هم قرار گذاشتند که مجاهدین برشتی بروند لیکن چون حمله را هم از سواران دولتی خالی نمایند دیگر چاره نداشتند بروز پنج
شنبه تقریبا نفر از لیچ‌ها و جوانان رشید نقش رسیده بودند شب جمعه اقدام بجنگ کنند
روز جمعه شانزدهم رمضان اما
مجاهدین از طرف ششگلان و کوچه حیدر مشغول سنگرسازی گشته پیش رفتند از عقب هر خبر از جهت مجاهدین برشتی برده بطرف
محله سرخاب را بتصرف درآوردند بولدارها مطرف محله سرخاب را خالی کردند الی موقع قاپاقچیها جنگ از هر دو طرف جاری بود
سواران دست کشیدند ولی از سفره فراری ملاها [illegible] خبر دادند که دولتیان فرار رفته اند
بعد از تصرف تله که در آنجا سنگر محکمی بود شکست و فرار از دولتیان با کوه‌های قره [illegible] که داشتند دست خوردن از دولتیان
آن عده زیاد تصرف کرد ششگلان و [illegible] آقایان همه [illegible] شده [illegible] بار [illegible] [illegible] الرحیم
رفته بودند [illegible] رحیم‌خان و شجاع نظام و اشرار محله سرخاب - حاجی محمد تقی صراف حاجی [illegible] صراف حاجی [illegible]
که [illegible] [illegible] سرخاب [illegible] انجمن اسلامیه بودند [illegible] اهالی سرخاب در [illegible] [illegible] [illegible]
کرده‌ها فرار کردند اهالی سرخاب چنانکه رفته سالار هم [illegible] شده اهالی سرخاب سردار هم [illegible] اموال خواهند
سردار و سالار هم [illegible] [illegible] مالداری [illegible] [illegible] [illegible] از جمله مجاهدین [illegible] [illegible] عده‌ای بار در [illegible]
حقوق هم با [illegible] همراه [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] سرخ مالداری [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] که [illegible] قرار کرده [illegible]
در (چاپقوز) [illegible] کرد شاهزاده [illegible] و حاجی [illegible] امام جمعه در [illegible] [illegible] حاجی [illegible] در [illegible] [illegible]
[illegible] عازم طهران شدند حاجی [illegible] [illegible] میرزا صادق شیخ عبدالرحیم عازم [illegible] شدند سواران [illegible] [illegible]
مسافرت نمودند شجاع نظام با خانواده سواران [illegible] عازم [illegible] [illegible] خواهد [illegible] [illegible] [illegible] را گرفته
نمی‌پذیرفت

صبح مجاهدین [illegible] محله را بتصرف درآوردند بعضی از اراذل و اوباش [illegible] حاجی محمد تقی [illegible] شجاع نظام
انجمن اسلامیه [illegible] حاجی [illegible] و [illegible] را غارت نموده آتش زدند در [illegible] سردار و سالار هم [illegible] [illegible]
بودند ولی اهالی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کرده بودند که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
محله سرخاب و [illegible] [illegible] [illegible] نکنند و مجاهدین [illegible] [illegible] که اهالی [illegible] محله [illegible] [illegible] [illegible]
فردای آن روز در محله [illegible] [illegible] [illegible] را در [illegible] [illegible] سردار و سالار هم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
بعد از ختم [illegible] انجمن [illegible] [illegible] باتفاق سردار و سالار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
شهر و [illegible] شهر [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] شهر [illegible] نموده اهالی را از [illegible] [illegible] [illegible]
فردای آن روز [illegible] در محله سرخاب [illegible] از طرف سردار و سالار هم [illegible] که [illegible] از مجاهدین [illegible]
[illegible] آن [illegible] محله [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دستور دادند [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعد از ماه رمضان بازار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]

[illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] اطراف شهر [illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] شهر [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] عمومی [illegible] [illegible] نمودند
شجاع نظام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] راه [illegible] را

مسدود نموده هر قافله که قند و نفط از کنار رود ارس میآوردند همه را ضبط کرده بمصرف میرسید در قبال بزرگ
ششصد و پنجاه نفر از اهالی را بقصاص کرد بمرده راه سرحد را مسدود نمود

در همین اوقات اهالی قره ملک ترک کرده از خودشان پشیمان شده از در توبه و انابه بیرون آمدند سردار قسم عفو خواستند
اعمال نمایند مشروط بر اینکه اسرائیلیه مدرسه ... از هر جهت شهر آرام و اهالی آسوده شدند
روز نوزدهم رمضان اول سردار در محله امیرخیز حکم برای ... حقوق و سایر مجاهدین که شنیدند که در این ایام جنگ
مدرسه ... رسیده بودند چونکه جمال ... بواسطه ... در اوقات ... در غنا دارای ...
کرده بودند بعد سالار ... حکم که شنیدند بعد از آن در تمام محلات مجلس ... برپا نمودند حتی اهالی ... مکه
شبها در ... الی آخر رمضان ... دارای مجاهدین مشغول بودند

در شب ... رمضان آخر ... که نوکر ... هر جوان ... بودند
اجازه سردار و سالار ... سردار در رفته ... بودند ... از
سواران سیف ... بود ... سردار ... دیگر را گرفته که ... سردار ... از
اشیاء خبردار شدند که ... آنکه ... شهر ... تخلیه ... آقای ... بلکه نزاع میشود
انتها ... کرده ... سنگ ... مجروح شده آدمی فرار کنند نفر ... راه ... کرده
دست ... در قریه ... بودند خبردار شده ... که ...
... آقا ... و آدمی را روانه شهر ... خبردار ... که ... سنگ ... نفر مجاهد سوار
سردار در رفته ... سردار ... فرستادند که ... کنند ... اهالی سردار در شهر
اطاعت ... آقای ... کرده ... مشخص میشود

بعد از ... شهر ... لشکر ... اهالی ... ملاقات ... کردند ... که از ... آرام
حکم ... شروع و ... گردد

در ابتدای ... سواره و ... رنجه بودند ... اهالی ... کرده بودند ... که ...
حاکم ... سعید ... در شهر ... نمودند ... از ... بر ... در ... خواهم کرد ... در راه ...
هیچکس ... اموال و ...

در این ایام که شجاع نظام ... بود ... شهر را ... نمود ... دو ... ده ... نموده ... بزرگ ...
... نقطه بزرگی ... ایران ... خون ... بود
دفع ... خصوصی ... کرده ... سنجیده بود ... گرفته ... شجاع نظام
... تمام ... دادند ... کرده ... مقدم ... دادند ... اموال ... ایشان
شجاع نظام ... رسید ... شجاع نظام ... در حینیکه مجلس ... خروج ... بود ...
... خود ... بسیار ... بود شجاع نظام ... که ... دار ... کرده ...
نقشه ... بدیه فرستاده ... و ... نموده ...
... گرفته ... که ... آن ... گذر ... بودند ...
... نفر ... مجروح ... که ... ده ... بود ... شجاع نظام ...
... آن ... نفر دیگر ... زنده ...

دیدید که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند

سایر محبوسین را برداشته تمام زندان میرزا عبدالله را باقیول به تبریز خبر رسیدند همراه مخصوص از تبریز برای خوی حرکت کردند سواران را
متفرق کردند مصالحه کرده خوی شد

بعد از این واقعه عزیمت رضاقلیخان رشیدالنظام حاجی احمدخان سرتیپ که تسلط تام در سرحد داشتند جازه رسیدند که سرداران
ماکو را خوی از احداث نموده روانه تبریز شوند تا شهر خوی بازرفتند و فقط از اتباع نظام و سواران نیز تلف کرده بودند که پیش نمایند
بعد از چند روز لیره کمک شجاع نظام تحکیم استبداد با طهران تمدید حکومت مرند نیست تا تبلیغات پیدایش نمایند سرداران که است
علم استبداد را تمدید کرد سردار که ملاحظه کردند تا آن طرفها از خود شاخص سرزیر فعال بود لهذا دفاع را تمسک ارادت به تبریز نمایند
فرج آقا شهید نقیفاری زنوزی را با معدودی سوار از راه (انجق) روانه زنوز نمودند که در آنجا از مجاهدین کرگر و زنوز جمع
نموده بدفع اشرار مرند و شجاع نظام بپردازد مجاهدین اردوبق اشرار با سردار رفته بعضی ایلخان ملوجی را که مایه اسراف
استبداد حاکم بود از میانه برداشتند و در طسوج از مجاهدین نفری داده سایت سلامتی حرکت نماید مجاهدین سلطوج رفته بعضی ایلخان برادر
تفنگ رسانده توقف نمودند بعد از اجتماع مجاهدین بطرفها عازم سلامتی شدند حاجی تیمار با مجاهدین قراباغ از دسته نزدیک صبح
۱۹ شوال از طرف اردو سه دسته مجاهدین اردوبق اشرار از طرف سلیک کمانی وارد دلمقان شده حاکم فراری اهالی
دلمقان تسلیم شدند بعد از تثبیت سلامتی بیگ تصرف خوی افتادند در این گیر و دار عده از مجاهدین اردوبقی از صوفیان که تشنه
بیام رفتند لیره شجاع نظام عده سوار برای جلوگیری آنها مسئول شدند در یام که فرسخی مرند است لیره ۲۴ رنجه جنگ شروع نمود
سواران مرند جنگ دیده بکار آزموده بعد از یک شب زیاد تحقیر از سواران مرند و شش نفر از مجاهدین مقتول جزء اردوبقی ها
نو آموز بودند رو بفرار نهادند سرداران بعد از شنیدن این خبر فتح آقا امداد دادند از زنوز حرکت نموده مرند را از اشرار خالی
نمایند فتح آقا با مجاهدین زنوز و کرگر حرکت کرده در سه فرسخی مرند با سواران مرند رو در رو شده نموده سواران مرند شکست
خورده رو بفرار نهادند لیره شجاع نظام با خصوصیتش خود فرار کرده بسمت خوی فتح آقا وارد مرند شده با اهالی مرند چه کل
مهربانی رفتار ظاهرات نهایت داده تمام مشغول کسب و کار خود میشوند بعد از رسیدن خبر تسلیم مرند تا شیخ اسمعیل حیدرخان
از طرف انجمن و سرداران سمت مرند رفتند در قانه شجاع نظام قراول گذاشته مهر و موم کردند جهت از اموال غارتی برندار
در قانه اش داشت نقصانی رو کرده راه کنار ارس اسب یافتن آقا شیخ اسمعیل و حیدرخان مراجعت کردند
سردار رضاقلیخان محمدخان رشیدالنظام را به تبریز خواستند اتهامهم حاضر شدند منزل مخصوصی برای آنها معین کردند
چون اینها هم در جنگ تبریز با اتباع نظام بودند انجمن و سردار قلم عفو بر جرایم اعمال آنها کشیدند

در شب پنجم ذیقعده بصورت انجمن اهالی رضاقلیخان را حاکم مرند نموده روانه کردند در این سرز توسط قرانان سلوک که بیشتر
عده لیره مجاهدین حمل کرده مسکردند با در تبریز تقدیری قرارداد شد که نظیر کمتر دیده
اعضای انجمن همه روزه از صبح الی شب در انجمن حضور بهم رسانیده مشغول رسیدگی بکارهای اهالی آذربایجان بودند
اداره نظمیه برای امنیت شهر عدلیه برای رسیدگی بعرایض مردم مجلس مالیه و بلدیه هر یک مشغول انجام وظایف خود بودند
روزنامه های خارجه از این اقدامات ملت تمجید و تحسین مینوشتند ایرانیهائیکه در ممالک خارجه اقامت داشتند به دول خارجه اعلام کردند مادامیکه
مجلس شورای ملی مفتوح نشده انجمن ایالتی تبریز را بمنزله مجلس شورای ملی میشناسند

در این روزها حاجی سعدالملک برهنه از طرف حرکت دو زمان با شور بیجابازی وارد در تبریز گردید مدارکات جنگ مشغول و
استعداد را اطمینان نموده میامد که برای جلوگیری برهنه رفته بود و تو مراجعت کردند حاجی صمدخان سوارهای چاردولی را که قبلا از امرل
مراغه خواسته بود روانه قافلانکوه جنب شش فرسخی مراغه نموده که آنجا قراول جنگ باشند
و بانور قلعه (وان ...) که بعضی از مدیرین در آنجا تحت نموده بود مشغول گردید محبوس و ضبط نمودند
در شب دوم ذیقعده دسته از مجاهدین لیره گرده که شهید حاجی نقیفاری روانه مراغه نمودند که جلوگیری از حاج صمدخان نموده و از

برای منظم راه نمائی نمایند

مجاهدین که در دیلمقان نظم و آرامش آنجا مشغول بودند حیدرخان امیر تومان سرتومان با سوار و پیاده بعزم جنگ با مجاهدین عازم
دیلمقان شده مجاهدین جلوگیری نموده آنها را شکست دادند حیدرخان بعد از شکست خوردن وارد خوی شده عزت‌الله خان
سردار ماکوئی که در این موقع با اردوی ماکو سرتیپ آنجا بود با سه هزار سوار و پیاده با خود بعزم جنگ بطرف دیلمقان
حرکت نموده در موقع تخلیه دیلمقان تلگرافی واقع از آنجائیکه مجاهدین مهمات و تعداد کافی نداشتند بعد از ضعف دیلمقان نموده
عزت‌الله خان در دفعه حمله به سلماس دیلمقان حمله و ورود کرده مجاهدین بنا بر جنگ دیده مجاهدین که حاضر بودند
سالار الدوله سمت خوی حرکت نموده مجاهدین از دنبال رسیده نزدیک دروازه خوی جنگ شروع میشود لشکر عزت‌الله خان ماکوئی
شکست خورده مجاهدین وارد خوی شده متفقین آنجا حاکم خوی که سالار اکرم بود سمت ماکو فرار میکند شهر خوی
بتصرف مجاهدین در میآید شهر را امنیت میدهند اهالی که اکثرشان مشروطه طلب بودند انجمن ولایتی خود را دایر ساخته
قانون مشروطیت عمل مینمایند سردار و سالار هم قورخانه و لوازمات برای مجاهدین از تبریز میفرستند

در این روزها که بیست هشتم ذیقعده است تصویب شد انجمن یک کمیسیون نظامی برقرار که سردار و سالار هم در آن کمیسیون
حاضر شده بامورات لشکرها رسیدگی مینمایند

اهالی ارومیه که از خوف سنیها سرکرده‌های شکوک کشیده بودند منتظر فرصت بودند انجمن ولایتی خود را دایر
ساختند حوزه را انجمن ایالتی تبریز مرجع نموده بمجلس خوی میبرند (دیلمقان) که سلماسی

مجاهدین که مامور مرند بودند در قصبه شبستر دفع پاپل سواران یارمحمد تلافی نموده تیراندازی شد بین طرفین واقع
نقصان مختصری رسیدند مجاهدین از گرگان خبر دارند از طرف سردار حکم شد از آنجا حرکت نموده بطرف مرند بردند مرند
راهم بتصرف در آوردند

از مقدم هم رحیمخان فراری نصف بیش از تبریز رفته بود در اهر مشغول تعدی فوق‌العاده شده لیرخود را
را با یک عراده توپ سعادت حاجی خان با هزار سوار برای جدال طرف دهات بقدان و سارو و دیگر جمیار و کیوی
و سایر دهات نظر خواهانه آمده کیوی و سارو و بقدان را غارت نموده رد بموجمیار نهادند از اهالی آنجا در بردن قریه
سنگر نشسته بودند مشغول جنگ میشوند چهار ده نفر مجاهد فقفازی در موجمیار یک بالاخانه را سنگر کرده بودند بنای تیراندازی
نهادند سوارها ریسمانها و پوستها را بلیتها عملیه نموده داخل موجمیار شده از اهالی قبل از دفع عیالات خودشانرا کلیساهای
آنجا جمع کرده بودند خودشان هم داخل کلیسا شده به تیراندازی مشغول گشته سوارها شهامت و غارت شروع میکنند چون قریه از هجوم
سواره و پیاده فراهم دهی مملو شد و بودند دیمونا نظرها در غارت است از نزدیکها چند توپ بطرف بیرون زدند مومنانهم
امروز و چهار نیز توپ بکلیسا زدند کارگر نشد مجاهدین از آنها در تیراندازی محال حرکت با نهاد دادند درانداک زمان تقریباً
صد و شصت نفر ایشان مقتول شدند از اینها بعده تقریباً کشته شدند و کاو و دیگو بعده و سایر ما ملک انجار الغارت بردند
اکثر کشته‌ها از اینها در موجمیار ماندند بین این خبر از وسیله تا قصد اما موجمیار را بر رامی شهر خبر دادند از تبریز بعده کشته شده
نفر از سواره و پیاده با اینجه تعداد چهارده از سردار عازم موجمیار رسیدند از این قضیه در مقدم هم سوال دافع گردید

عین الدوله بعد از رفتن از اردوی شاطرانلو در قریه سیدان توقف داشتند در نظر داشتند طهران برگردند از دربار حکم
صادر شد برگشتن در باسمنج اقامت نمایند

سیصد سوار قزاق سرکرده که کنفو ماکو بیک با چهار عراده توپ فرستادند آنها هم در اداقو نوال وارد باسمنج شدند
الی غره ذیحجه ۱۳۲۶ وقایع تبریز بدینقرار بوده

در خاتمه مذکر میدید بطوریکه حصار شهر با مختصر تفاوتی در چهار ماه جنگ بزرگ چهار هزار و سیصد و سی و دو سرباز [illegible]
اند چه شهر چهار هزار و پانصد نفر از طرفین مقتول گردیده سیصد هزار از قتال مهاجم که جنگ شده که نام را اعلام کرده
داده اند در حدود ده یا دوازده کرور قتال مال التجاره و دارائی اهالی به یغما رفته و عمارات شهر خراب شد بعد از آنکه چهار
ماه لکه شهارت بزرگ خوانیده که هزارها قتال ضرر شهر [illegible] و کشته بزرگوار گردیده
ولی در نتیجه ملت بزرگ موفق شدند که اعراب را از شهر بیرون کنند که استقلال [illegible] داده [illegible] و جنگ ها فرار کردند
و حوزه را تغییر داده [illegible] در عالم معرفی کردند

تکمیل اصلاحات
انتظامات در قفقاز عثمانی
متعلقات قفقازیه
حملات سپهسالار الملک در قفقاز عثمانی
حفظ سرحدات ...
اقدامات ... ایران
تحقیق حضرت عبدالعظیم
موضوع کمیته ستارزه
حملات ... سپهسالار الملک
تحقیق ... قفقازی
اقدامات ... دربار
... سال ...
رابطه با مجاهدین رشت و قفقازیه
تشکیل کمیته دفاع
موضوع ... اسیر ...
اقدامات ... محمدعلی شاه
اعلام از طرف ... و ...
قضیه ... سپهدار ...
... تحقیق قفقازیه را
تشکیل کمیسیون اصلاح
اطلاع کمیته ستاره ...
فصل دوم خبر تشکیل کمیته در طهران
نزدیک شدن مجاهدین و بختیاریها
... کمیته رسمی
... محمدعلی شاه ... قفقازی
... محمدعلی شاه
... محمدعلی شاه
~~... تاریخ ...~~
~~قضیه ... حاکم رشت~~
~~اعضای ... دولتی~~
~~ورود سپهدار ... رشت~~
~~... رشت~~
~~... رشت~~
~~... رشت~~
~~... محمدعلی ... ستارزه~~

۵

تلگراف شیخ فضل‌الله به آقای سید عبدالله مجتهد

جواب از مشهد

قسمت دوم جوابش بره

نشر جزو دوم شیخ فضل‌الله

تلگراف علما شاکر اعیان قم

عرایض دو قوه حضور صدراعظم

سئوال جواب ارفع الدوله با آقایان نجف اشرف

جواب از نجف

خبر تلگرافی رشت

خبر تلگرافی

تلگراف از حجره به محمدعلی شاه

تلگراف شیراز

تلگراف از تبریز با محمد سعادت در اسلامبول

تلگراف اصفهان به تحصن سفارت عثمانی

تلگراف رشت

تلگراف ... که حقوق با تبریز

سرداران یک زن را تیر زده و کشته شده

خبر تلگرافی به محمدعلی شاه

تلگرافات مرحوم سفارت روس با شاه

تلگراف ... شاه

راپورت سردار معتضد

تلگراف آقا شیخ محمدباقر از اصفهان به شاه

تلگراف آقا شیخ محمدتقی از قصر شیرین

خبر تلگرافی از ...

خبر تلگرافی از آذربایجان

تلگراف از تبریز

نقشه صدمه به محمدعلی شاه

مراسله سفارت انگلیس به وزارت خارجه ایران

تلگراف صدراعظم و سپهسالار سپهدار در جنگ به تبریز

جواب سپهدار در جنگ

سرازیر شدن ... در تبریز

جلوگیری از قشون مجاهدین رشت

تلگرافات انگلیس و روس در دفتر سفارت روس با محمدعلی شاه

انگلیس که معمول در ... برای قرارداد روس و انگلیس

گرفتاری ... از تحصیلش را دیده ...

نگارش جراید خارجه نسبت با ایران (لوتی دوریا)

روزنامه [illegible] لندن

حمله اطراف تبریز

تلگراف سپهدار اعظم سردار اسعد

تلگراف اعتضاد الملک

تلگراف حجج اسلام در باب [illegible]

تلگراف تلگراف از نجف

تلگراف از اصفهان به رباط کریم

تلگراف اسلامبول از انجمن سعادت

[illegible] جهانگیری

تلگراف کرمانشاهان

تلگراف رشت به طهران

تلگراف از سلماس

اخبار کرمانشاه

اخبار تبریز

اخبار تبریز

اخبار قم

اخبار کرمان

اخبار [illegible]

کرمانشاهان

تبریز

کرمانشاهان

اعلام از [illegible] اطراف کاشان

تلگراف از قزوین به طهران

تلگراف از قزوین

تلگراف تبریز

تلگراف تلگراف تبریز

تلگراف حجج اسلام

تلگراف حجج اسلام

تلگراف علمای تهران به [illegible] قسطنطنیه

اخبار رسیده به قسطنطنیه سفارت عثمانی سرحد

دعوت صدر اعظم

تلگراف [illegible] از رشت به قسطنطنیه

[illegible] تمجید دربار شهنشاهی

اسامی کسانی که در آن [illegible] حضور [illegible]

رسید رقعات روزنامه طمس لندن

حرکت سوارهای بختیاری از اصفهان

تلگراف اسلامبول باصفهان

تمکین حضرات حجج الاسلام نجف اشرف و کربلای معلی درباره

انقلابات فارس و بنادر در زمان قحطی [illegible]

قتل سید عبدالحسین لاری بدست نصیرالدوله

تلگراف حجج الاسلام بصولت الدوله در شیراز

تلگراف حجج الاسلام با حاج سید محمد امام

تلگراف [illegible] از حدود ایران که تحقیق قشون عثمانی رسید

تلگراف از شیراز

تلگراف شیراز

اخبار تلگرافی

خبر از بوشهر

خبر تلگرافی اصفهان

خبر تلگرافی شیراز

تلگراف طهران با آصف الدوله والی شیراز

تلگراف طهران بوشهر بدریابیگی

تلگراف [illegible] به دریابیگی

اخبار بوشهر

شرح اقدامات مرحوم شکرالله خان قوام الدوله

تلگراف میرزا علی [illegible] در منزل مرحوم [illegible] و [illegible] چهار نفر از رجال

قسمتی از نامه روسای ایل بختیاری با صولت الدوله رئیس ایل قشقائی [illegible] کلام الله مجید

[illegible] در صفحه [illegible] کلام الله مجید

ترجمه تلگراف [illegible] مدیر [illegible]

[illegible] از اصفهان [illegible] عمارات [illegible]

اقدامات رجال و [illegible] تهران در [illegible]

تلگراف [illegible]

مراسم [illegible] از [illegible] سلطنت آباد

سفارتخانه [illegible]

[illegible] جهانی

[illegible]

[illegible]

تلگراف [illegible] شهدا [illegible] اعظم و سردار اسعد

مدیر [illegible]

اجتماع در رستم آباد منزل [illegible] الدوله

فهرست جلد دوم تاریخ انقلاب ایران

فصل هفتم

حمله و یاغیگری سالارالدوله
راجع به رحیم خان قراچه داغی
عریضه بعد از صدور امر قتل به طباطبائی
مضمون دستخط ملوکانه
دستخط های متعدد از نجف و عتبات عالیات
سالارالدوله و طغیان او
استعفای صنیع الدوله از ریاست مجلس
اعتصاب مجلس مبارکه
اوضاع خوی و ماکو
مراسله وزیر عدلیه با صدراعظم
ملاقات آصف الدوله با حاج سید محمد مجتهد سبزواری
سرزدن مکتوب عربی شیخ فضل الله نوری
جنگ سالارالدوله با قوای دولتی در نهاوند
فتنه و آشوب شیراز
مذاکرات مجلس
انقلابات اخیره و مذاکرات مجلس
راجع بفرار سید لاری از دست ترکها
سوال در مورد تقاضای تعیین نوازش در جلفه
انقلابات راجع مملکت و بیان تحیت
عنوان تاسیس بانک از طرف جوانان ایران
لغو مذاکره آصف الدوله و سالار مفخم
مذاکره اسرای قوچانی
سواد صورت قسمنامه
مجلس روضه خوانی منزل نقیب السادات
قرارداد حرکات های ایرانی برای تسلیم قورخانه
اقدامات امیراعظم و انجمن عدالت
شرح حال شیخ فضل الله نوری
مجلس یادگار سال سید عبدالحمید در مسجد جامع
داستان سالارالدوله
راجع سلک انتظار و مأموریتی در اداره عدلیه
اعلان شاهسون تعدادی و بالکون عید
علت عدم افتتاح بانک ها

مراسله معدل الدوله
عملیات سالارالدوله
شرح چپاول و تهدید اکراد یاغیان
مطالعات شیخ فضل الله با مشروطه
ملاقات از نجف اشرف
راپورت از روی رجالی از نهاوند و طهران
تفصیل اسرای قوچانی
راجع بموقوفات حضرت معصومه
جلسه حرم مذاکره آصف الدوله
مراسله جوابیه امیر اعظم
سواد اعلام سعدالملک
اسامی همراهان شیخ نوری در حضرت عبدالعظیم
انقلابات کرمانشاهان
شورش و انقلابات مرکز
لغو داستان سالارالدوله
بودجه مملکت و کم کردن حقوقات دیوانی
لغو گزارش سالارالدوله
لغو گزارش شیخ فضل الله نوری
مجلس سوم ضبط آصف الدوله و سالار مفخم
ظهیرالدوله و سالارالدوله
گفتگوی صرافها با امیر السلطنه
اوضاع انجمنها و مجلس قسم خوردن
مذاکرات انجمن حدیث
توقف سالارالدوله در عرض راه
اظهارات سیم لور در فرنگ
لغو مذاکره آصف الدوله و سالار مفخم
قضیه حاج ملک التجار
گزارش شیخ فضل الله در حضرت عبدالعظیم
داستان موقوفات حضرت معصومه
گفتگوی استرداد اسرای قوچانی
لغو داستان شیخ فضل الله نوری

دهقانان و [uncertain] در اصفهان
صدارت [uncertain] امین الدوله
صنعت [uncertain] که در مجلس [uncertain]
استرداد اسرای قوچانی
انقلاب ولایات
شرایط بانک ملی با جزئیات
ظل السلطان و اصفهان
[uncertain] در سفارت ایران و عثمانی
انقلاب شیراز و کرمان
نوروز مملکت
کارهائیکه [uncertain] در مجلس مطرح است
راجع به استقراض خارجی
گفتگوی راه آهن ایران
[illegible]
در وصف [uncertain] طهران و مجلس ملی
گفتگوی استرداد اسرای قوچان
[uncertain] از بانک اعتبار
[uncertain] امانک با ایران
جرایدی که طبع شده [uncertain]
[uncertain] دولتی
از [uncertain] ملت در مجلس
موضوع بانک ملی و افتتاح آن
کارکنان حقوقات در مجلس
انجمن‌های طهران و [uncertain] ملی
انقلاب جنگل
انقلاب رشت
اوضاع تبریز و کردستان
فتنه و انقلاب [uncertain]
[uncertain] در مجلس
مسئله [uncertain] ملکم خان [uncertain] خارجه
مذاکرات مهمه مجلس شورای ملی
مسئله سعد الدوله در مجلس

راجع به بانک ملی
[uncertain] مجلس
افتتاح مجلس [uncertain]
رسیدگی بحساب مسیو نوز
استقراض خارجی از بانک ملی
راجع بکمیسیون مسیو نوز
مسیو نوز کابینه [uncertain] وزرا
[uncertain]
اوضاع کرمان
[uncertain]
گفتگوی مسئله مسیو نوز
موضوع استرداد اسرای ایرانی
مذاکره [uncertain]
حضور وزرا در مجلس
لایحه [uncertain] بمجلس
لایحه [uncertain] بمجلس
دستخط ملوکانه [uncertain] صادر گردید
انجمن‌ها ملی در طهران
گفتگوی ایران [uncertain] از فرنگ
بانک ملی و استقراض خارجی
[uncertain]
[uncertain] مالیه
[uncertain] حکمران استرآباد
انقلابات ولایات حکومت [uncertain]
[uncertain]
[uncertain]
[uncertain] انقلاب [uncertain]
در وصف امین السلطان [uncertain]
مسئله ملکم خان [uncertain] خارجه
کابینه [uncertain]
انقلابات داخله
شرح حال سعد الدوله

مآخذها و اسنادیکه در این تاریخ از آنها ذکر و نقل شده است

تاریخ پیدایش مشروطیت بوسیله مخبر روزنامه طهران (کتاب زرد انگلیسی) از آرشیو وزارت خارجه روسهای تزاری
کتاب نشریه وزارت خارجه ایران — کتاب عهدنامه‌های وزارت خارجه ایران
کتاب آبی دولت انگلیس
کتاب اختناق ایران تألیف مستر مورگان شوستر خزانه‌دار ایران (امریکائی)
کتاب دیوان مرحوم فرصت الدوله شیرازی
کتاب جغرافیای آذربایجان
کتاب دلیران تنگستانی
کتاب فارسی جنگ بین‌الملل
کتاب تاریخ میرزا نصرالله خان [illegible] مستخدم گمرک ایران چاپ نشده راجع بمشروطیت
(رساله مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی به ناصرالدین شاه و شرح حال آن مرحوم و [illegible]
(اسناد تاریخی بوسیله عماد الاسلام [illegible]
(اقتباس از روزنامه وطن منطبعه طهران
(اقتباس از روزنامه [illegible] منطبعه طهران

یادداشتهای تاریخی اشخاص که از آنها گرفته شده

(یادداشتهای مرحوم سید [illegible] (... الملک) ...
(یادداشتهای ... راجع بجنگهای ... در تاریخ ... وغیره ...
(یادداشتهای امیر ... راجع ... و رفتار روسها در ...
یادداشتهای ... راجع بانقلاب ...
یادداشتهای ... سرتیپ

از مقالات و کتابچه‌های متفرقه

شرح حال مرحوم شیخ محمد خیابانی از کتابچه که در برلین چاپ شده و جمعیت ...
نقل از رساله ... مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی
وقایع بیست روزه اولتیماتوم روسها در طهران
کتابچه راه نجات مرحوم ... الدوله
کتابچه مرحوم ... راجع بروسها
وقایع جنگ بین‌الملل و مهاجرت ... و عملیات مرحوم ... نظام السلطنه و ... .
نقل سرمقاله ... ایران
اسامی وکلای پارلمان در این سه دوره ... که وضع کرده است در ... ۱۲۹۹
اوراق تاریخی متفرقه در این دوره
قیام ... محمد تقی خان در خراسان

